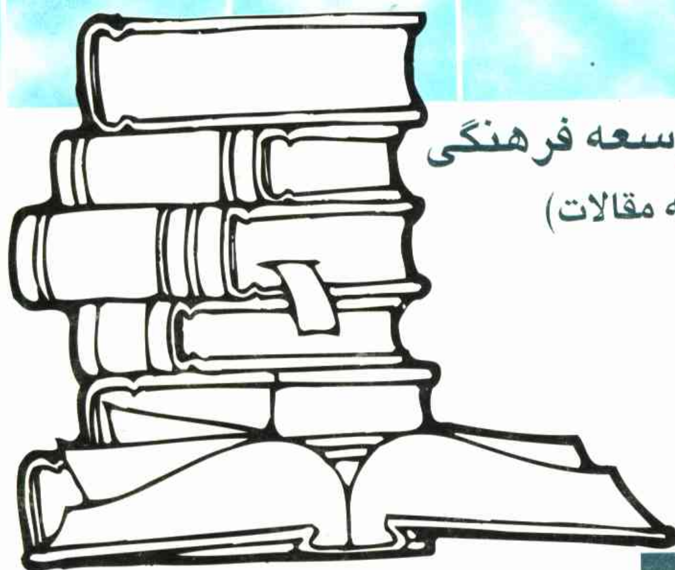
کتاب و کتابخانه



مدیریت و توسعه فرهنگی

(مجموعه مقالات)

به کوشش: فدایی عراقی

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب و کتابخانه

مدیریت و توسعه فرهنگی

(مجموعه مقالات)

غلامرضا فدایی عراقی

تهران
۱۳۷۵

شماره مسلسل ۱۸۴

فدائی عراقی، غلامرضا، ۱۳۲۴ -
کتاب و کتابخانه: مدیریت و توسعهٔ فرهنگی (مجموعه مقالات)/ غلامرضا فدائی عراقی. -
تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۵.
ز، ۵۰۱ ص.
ص.ع به انگلیسی

ch. Fadaie Araghi:
Management & cultural Development

۱. کتابداری - مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۲. اطلاع‌رسانی - مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۳. کتابخانه‌ها و مدیریت. ۴. کتابخانه‌ها - برنامه‌ریزی. الف. عنوان.



سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ....وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نام کتاب : کتاب و کتابخانه (مجموعه مقالات)
مؤلـــف: غلامرضا فدایی عراقی
ناشـــر : سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی -گروه انتشارات
تاریخ انتشار: ۱۳۷۵
نوبت چاپ : اول
تیراژ : ۱۵۰۰ جلد

فهرست مطالب

پیشگفتار

سازماندهی یکی از دروس عمده و استخواندار رشته کتابداری است اما این درس عمدتاً به سازماندهی کتاب‌ها و سایر مواد می‌پردازد. سازماندهی نیروی انسانی برای استفاده بهینه از امکانات رنگ چندانی ندارد و فقط در علم اداره کتابخانه به مسائلی کلی اشاره می‌شود.

مدیریت علم و هنر اداره سازمان است و در جامعه امروزین که مدیریت در همه زمینه‌ها حرف اول را میزند بدیهی است که در کتابخانه و سازماندهی مدارک و نیروی انسانی برای ارائه خدمات برتر در جهت گسترش پژوهش‌های ژرف‌تر نیز از اولویت خاص برخوردار باشد. سیستم مدیریت اطلاعات (ام.آی.اس)* یکی از محوری‌ترین بحث‌های پرسر و صدای امروز جهان است.

اطلاع‌رسانی در جهان متکی به عواملی است که چنانچه، به آن توجه شود جریان اطلاعات به خوبی و سرعت انجام می‌پذیرد اطلاعات در جهان پر سر و صدای امروز باید سریع تهیه شود، دقیق باشد و بموقع در اختیار نیازمند قرار گیرد و این نخواهد شد مگر اینکه اصولی بر ذهن و عمل افراد علاقمند حاکم باشد اصول پنج‌گانه زیر می‌تواند اساس و پایه اطلاع‌رسانی را تشکیل دهد:

---

* Manegement Information System

ـ تفکر منظم داشته باش
ـ هر چیز را در جای خود بگذار
ـ آنچه به تو و یا حوزه کاری مربوط نیست را واگذار
ـ برای یافتن دوباره هر چیز خود را بجای دیگری بگذار
ـ نقش راهنما را فراموش مکن

اطلاع‌رسانی در دنیای امروز و در همه زمانها معلول تفکر منظم است آنهائیکه به نظم اعتقاد ندارند و یا نظم خود را در بی‌نظمی میدانند و یا هر چیز را در حافظه شخصی خود جای و سازمان میدهند و به دیگران ابداً کاری ندارند طبیعی است که در بازیابی اطلاع به ویژه برای دیگران دچار مشکل باشند حتی خود نیز آنچه را که قبلاً بخاطر سپرده‌اند را نمیتوانند با همان دقت اولیه بازیابی کنند و طبعاً افت اطلاعاتی و یا آلودگی اطلاعاتی را دنبال خواهد داشت. در نهایت، کارشان فردی و شخصی است و جمع نمیتواند از آن منتفع شود.

رعایت اصل دوم سبب میشود که در عمل هر چیزی بجای خود قرار گیرد و شناسنامه داشته باشد. اگر از جای خود نقل مکان کرد دوباره به همان جا برگردد. حسن این کار این است که با علائم قراردادی، خود و دیگران از موجودی و ذخائر اطلاعاتی آگاهی می‌یابند.

در اصل سوم: آنچه به تو و به حوزه کاری تو مربوط نیست را واگذار ـ غیر کارآمدی بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی و افزونگی‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی بخاطر عدم توجه به این اصل است ـ ممکن است مجموعه‌ای بسیار غنی باشد اما چون در حوزه کاری مشخص قرار گرفته و مجموعه خوب و متناسب انتخاب نشده مواد بسیاری عاطل و باطل مانده و استفاده بهینه را نداشته و موجب معطّل ماندن سرمایه و استهلاک آن شده است. توجه به جنبه‌ای اقتصادی پژوهش و ابزار نخستین آن یعنی کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی و اسناد اهمیت این موضوع را روشن‌تر می‌کند.

در اصل چهارم: خود را برای یافتن به جای دیگران بگذار سبب می‌شود تا ذهنیت‌ها به واقعیت تبدیل شود. اطلاع‌رسانی امری عمومی شود. بهترین شیوه برای انتقال به اطلاعات مدنظر قرار گیرد و علائم به اندازه کافی گویا و روشن باشد و آموزش بحد کافی برای بالا بردن سطح استفاده مورد توجه قرار گیرد. این اصل تعبیر دیگری از این دستور اخلاقی است که میگوید آنچه برای خود نمی‌پسندی

برای دیگران مپسند.

و سرانجام نقش نیروی انسانی کارآمد و مدیر را فراموش مکن. در بهترین سیستم‌های اطلاع‌رسانی دی. بی. ام. اس، (سیستم مدیریت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی)* حرف اول را و یا به تعبیری حرف آخر را میزند بدون عنایت و توجه به مدیریت، به نیروی انسانی با فکر و مسلّط بر کار، هر چند پیشرفته‌ترین ابزارها و امکانات اطلاع‌رسانی در اختیار باشد باز اتلاف وقت و هدر رفتن نیرو به طور نسبی وجود خواهد داشت. تعبیر ساده‌تر این قضیه به حساسیت و توأمانی کتاب و معلم برمیگردد که این دو هرگز از یکدیگر جدا نیستند و هر چند کتابی عمیق و عالی نوشته شده باشد چنانچه معلم آشنای به کار در کنارش باشد بر صحّت، دقت و سرعت یافته‌ها خواهد افزود. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی هم هر اندازه پیشرفته باشند علاوه بر آنکه پیشرفتگی خود را مدیون وجود کتابداران مدیر است به علاوه در طول عمل نیز حضور مستمر آن را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

مقالاتی که در این کتاب جمع شده مجموع ۲۹ مقاله است که عمدتاً جانمایه مدیریتی دارند. گاه مدیریت به معنای اخصّ در آن مطرح شده و گاه حاوی پیامهای مدیریتی در باره تدوین کتاب و یا تنظیم کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی است و یا به نوعی گزارش از تلاش‌های سازمان با مراکز و کتابخانه‌هایی دارد که نقش مدیریت در نحوه ارائه خدمات آنها بارز و آشکار است و عمدتاً بیانگر نوع نگرش نویسنده به کتاب و کتابخانه است.

این مقالات در ۵ بخش تنظیم شده که عبارتند از: اهمیت کتاب و کتابخانه، کتابخانه‌های عمومی، برنامه‌ریزی و مدیریت، معرفی کتابخانه‌های دیگر کشورها و نقد و معرفی کتاب.

اولین مقاله به معرفی اولین کتاب و کتابخانه در اسلام می‌پردازد که به کنفرانس کتاب و احیاء تمدن شرق در تاجیکستان ارائه و در آنجا قرائت گردیده است و در آن ضمن بیان اهمیت علم و عالم در اسلام، به ذکر کتاب‌هایی که در نزد عامه و خاصه به اولین مشهورند می‌پردازد و در اولین کتابخانه‌ها به نقش شرق اسلامی در این زمینه تکیه دارد.

---

* Data Base Management System

دومین مقاله ترجمه‌ای است در باره تاریخچه تحول فکر خدمات ارجاعی و اطلاعاتی و بیان نظریات مختلف در این باره.

مقاله سوم: به اهمیت سفر، و سفر نامه‌نویسی می‌پردازد و نقش آن را در توسعه و گسترش و فرهنگ و تمدن بیان می‌دارد و در آن به انواع سفرها و سفرنامه‌ها اشاره دارد.

در بخش دوم، اولین مقاله به ارتباط کتابخانه‌های عمومی و توسعه فرهنگی می‌پردازد و در آن برای گسترش کتابخانه‌های عمومی و تقویت وظایف محوّله و متصوره آن پیشنهادهایی ارائه شده است.

مقاله پنجم، نظرخواهی مجلّه پیام کتابخانه در باره کتابخانه و توسعه فرهنگی است که نویسنده سؤالاتی خاص را در جمع پرسش‌شوندگان دیگر پاسخ داده است.

مقاله ششم، گزارش فعالیت دوساله انجمن کتابخانه‌های عمومی تهران است که نویسنده بنا به مسئولیتی که در این انجمن به مدت چهار سال داشت آن را تهیه و در مجله پیام کتابخانه منتشر شده است.

مقاله هفتم، که اولین مقاله در بخش برنامه‌ریزی و مدیریت است نکاتی چند تحت عنوان بایدها و نبایدها در حوزه نشر، تدوین کتاب و ایجاد کتابخانه مورد بررسی قرار گرفته است که عمدتاً حاصل نگرش نویسنده به مسائل فوق‌الاشاره است.

مقاله هشتم، برنامه‌ریزی و مدیریت در تهیه ابزار کتابشناختی نام دارد. در آن تأکید شده که اگر پژوهش در خدمت توسعه است شرط لازم آن تهیه ابزار کتابشناختی است. اما در جهان امروز تهیه این ابزار بیش از آنکه فردی باشد باید جمع و به طور سازمان یافته آن را تهیه کند.

عنوان مقاله نهم بررسی تنگناها و مشکلات موجود اطلاع‌رسانی کشور است که در آن ضمن تعریف مدیریت اطلاع‌رسانی به موانع دهگانه اطلاع‌رسانی و نتایج حاصله از آن می‌پردازد و توصیه میکند که باید به خویشتن باز گشت و کار را از نو سامان داد.

مقاله دهم گزارشی است که نویسنده به مقام ریاست‌جمهوری وقت در باره وضعیت کتاب و کتابخانه در کشور تسلیم کرده و بعداً اضافاتی بر آن نوشته است این گزارش مربوط است به سال ۱۳۶۶ و طبعاً اطلاعات داده شده مربوط به آن و سالهای قبل از آن است.

مقاله یازدهم، تحلیلی بر روشهای تهیه پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری است که در

واقع حاصل دو سال و اندی تجربه رویاروی نویسنده با مسائل و مشکلات تدوین پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان رئیس گروه آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی و استاد راهنما و مشاور است. در این مقاله ابتدا به تعریف اهداف پایان‌نامه و انتخاب موضوع می‌پردازد و آنگاه ویژگیهای یک طرح پیشنهادی تحقیق (پروپوزال) ویژگیهای یک پایان‌نامه خوب، موارد اداری و فنی و علمی لازم برای رعایت توسط استاد و دانشجو مطرح می‌شود.

مقاله دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم که عمدتاً ترجمه است و به فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونسکو در زمینه برنامه‌ریزی در اطلاعات، افزایش سوادآموزی عمومی برای بزرگسالان و معرفی سازمانی بنام «اپرب» می‌پردازد که مسؤل ارتقاء سطح خواندن و توسعه کتاب و کتابخوانی است.

مقاله پانزدهم، نقش ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و مراکز اسناد در گسترش اطلاعات است که با استناد به تجارب کشورهای صنعتی به ضرورت ارتباط متقابل و همکاری بین کتابخانه‌ای تأکید شده است.

مقاله شانزدهم، مدیریت، کارآیی و اثربخشی و کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز اطلاع‌رسانی نام دارد و در آن بحث اقتصادی بودن سرمایه‌گذاری در ایجاد کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی را با توجه به کارآیی و اثربخشی مطرح می‌سازد و بر نقش مدیر در تحقیق کارآیی و اثربخشی توجه می‌کند.

مقاله هفدهم، به ضرورت توجه به بخش مرجع کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیق و اهداف پژوهشی می‌پردازد و به اهمیت این بخش به عنوان یک ابزار قوی و کارآمد مدیریتی و نیز محصول مدیریت خوب تأکید دارد.

مقاله هجدهم، خلاصه‌ای از پژوهشی است در باره میزان آگاهی مدیران دانشگاه‌ها، معاونان پژوهشی و رؤسای کتابخانه‌های مرکزی دانشگاههای وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی از وظائف و مسئولیتهای کتابخانه که در کنفرانس کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان کاملیس * در تهران ارائه شده است.

بخش بعدی، مقالات نوزدهم و بیستم و بیست‌ویکم به معرفی کتابخانه‌ها یا اوضاع اجتماعی و

---

* COMLIS = Congress of Muslim Librarians and Information Scientists

فرهنگی کشورهای شوروی سابق (در شهرهای مسکو، سن‌پطرزبورگ یا لنینگراد سابق و باکو)، تاجیکستان و ازبکستان (دوشنبه و سمرقند) و پکن پایتخت کشور چین می‌پردازد و نویسنده خود از نزدیک این کتابخانه‌ها را دیده است. اطلاعات مقاله نوزدهم از تجارب شخصی و حضوری و استفاده از روش‌ها و مقالات در این باره است. مقاله بیستم نیز همینطور و مقاله بیست‌ویکم بازتاب و گزارش سفر نویسنده به تاجیکستان و شرکت در کنفرانس کتاب و احیای تمدّن و شرق در تاریخ ۶۹/۳/۲۹ الی ۶۹/۴/۲ است.

بخش بعدی که به معرفی و تهیه کتاب اختصاص دارد از مقاله بیست و دوم تا آخر را تشکیل می‌دهد. سه مقاله اول، حاصل بررسی سه کتاب: پوست سیاه، صورتکهای سفید، نقد حکمت عامیانه و خیال‌پردازی یا نابودی است که با آنکه در سال ۱۳۵۳ تهیه و چاپ شده است ولی به نظر من موضوعات آن همچنان طراوت و تازگی لازم را دارد.

زیرا هم مسأله تبعیض نژادی و هم مسائل عمومی فلسفی و حِکَمی و نیز توجه به محیط زیست و حفظ و نگهداری آن از مسائل مبتلا به روز است

در مقاله بیست و پنجم، کتاب مرآت‌الکتب که یک کتابشناسی و سرگذشتنامه است مورد بررسی قرار میگیرد در همین مقاله مفصل پس از معرفی کتاب و نویسنده آن ثقةالاسلام تبریزی عمدتاً از مقدمه کتاب برای تشریح آن کمک گرفته می‌شود و نکته جالب این است که نویسنده کتاب، مرحوم ثقةالاسلام تبریزی به عنوان یک کتابشناس و کتاب‌نویس به بسیاری از نکات ظریف کتابشناختی که در عالم کتابداری مطرح است توجه دارد و به آن اشاره کرده است. از این کتاب چهار جلد را دیده‌ام که جلد چهارم در سال ۱۳۶۹ افست شده است.

مقاله بیست و ششم، کتاب‌هایی که در باره کتاب و کتابخانه است مورد بررسی قرار گرفته این کتاب‌ها عبارتند از تاریخ کتاب از سونددال، کتاب در پویه تاریخ از استیپچویچ، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی در قرون وسطی از یوسف العش، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی از محمد مکّی‌السباعی که با حذف و اضافاتی دو ترجمه از آن موجود است و سرانجام کتاب وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی از یحیی محمود الساعاتی.

در مقاله بیست و هفتم کتاب مدخل تاریخ شرق اسلامی از ژان سواژه مورد بحث قرار گرفته و مقاله بیست و هشتم ترجمه مقاله‌ای از مرحوم سیدعبدالعزیز طباطبائی کتابشناس فقید و متبحری است که با اجازه خود ایشان این ترجمه انجام شده است و در این مقاله خصومت مخالفان شیعه در

طول تاریخ و نشر کتب فراوان بر علیه آن و پاسخ‌های علمای شیعه به افتراها و تهمت‌های وارده بررسی شده است. این مقاله موضع شیعه در برابر حملات فرهنگی دشمن و خلاصه‌ای از کتاب عبقات‌الانوار نام دارد. نویسنده این مقاله در سن ۶۰ سالگی در پایان سال ۱۳۷۴ به رحمت ایزدی پیوست.

آخرین مقاله، نقد و معرفی کتاب و کتابخانه و کتابداران در عصر الکترونیک است که در آن با ظرافت نقش این دو را در جهانی که اطلاعات تنها قدرت قاهره است بیان میدارد و اینک آیا سرانجام ما کتابخانه‌هایی با کیفیت فعلی خواهیم داشت یا نه.

حدود $\frac{1}{6}$ این مقالات ترجمه است و یک مقاله ترجمه و تألیف و بقیه تألیف است. از نظر زمانی. ۳ مقاله مربوط به سال ۵۳ و جمعاً ۴ مقاله مربوط به قبل از انقلاب، ۳ مقاله تا سال ۱۳۶۷ و بقیه از سال ۶۹ ببعد هستند. در یک جمع‌بندی میتوان گفت که حدود ۸۰ درصد مقالات مربوط به دهساله ۱۳۶۴ - ۱۳۷۴ و حدود ۷۰ درصد مقالات مربوط به پنجساله اخیر یعنی بین سالهای ۶۹ تا ۱۳۷۴ است.

علت نامگذاری کتاب کتاب و کتابخانه، مدیریت و توسعه فرهنگی تلفیقی از عناوین پاره‌ای از مقالات است همانطوریکه گفته شد جانمایه این مقالات را مدیریت، برنامه‌ریزی، کارآیی، اثربخشی در امر نشر کتاب و اداره کتابخانه برای گسترش و توسعه فرهنگی که یکی از شاخصه‌های بزرگ رشد در هر جامعه‌ای محسوب میشود تشکیل میدهد.

طبعاً مقالات نوشته شده در یک فاصله زمانی کوتاه از یک نویسنده آنهم درگیر اشتغالات سیاسی و فرهنگی خالی از اشکال و احیاناً تکرار نخواهد بود. امید است ارباب فصل و به ویژه دانشجویان عزیز رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به چشم تکریم بنگرند و حقیر را از لغزشها بیاگاهانند.

در خاتمه بر خود لازم میدانم از جناب آقای فامیل روحانی بخاطر بازبینی مطالب، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مدیریت آن جناب آقای مهندس علیمحمدی، سرکار خانم خاکپور و همکارانشان در گروه انتشارات و گروه رایانه که زحمت زیادی را متقبل شده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

غلامرضا فدائی‌عراقی

مردادماه ۱۳۷۵

بخش اول

اهمیت کتاب و کتابخانه

۱

اولین کتاب و اولین کتابخانه در اسلام*

مقدمه

نکاتی چند در اهمیت موضوع علم و سابقه کتابت در اسلام

قبل از پرداختن به معرفی اولین کتاب و اولین کتابخانه در اسلام، لازم است به توجه و نگرش اسلام به علم و دانش که جانمایه کتاب و کتابخانه است عنایت شود.

اسلام، دین علم و دانش است، مسلمانان را به دانش اندوزی توصیه می‌کند، راه خداشناسی را راه علم می‌داند[۱]. هنگامی که با کفار محاجه می‌کند از آنها طلب برهان می‌کند[۲]؛ وقتی شاهد و گواه برحقانیت پیامبر اقامه می‌کند خدا و کسی را که در نزد او علم کتاب است ناظر می‌گیرد[۳]؛ انسانهای دانا را با انسانهای نادان برابر نمی‌داند[۴]؛ و مقام خشیت واقعی را تنها در انحصار علما و

---

* این مقاله در سمینار کتاب و احیاء تمدن شرق که در شهر دوشنبه تاجیکستان در تاریخ ۱۳۶۷ برگزار شده بود قرائت شده است و نیز در کیهان اندیشه شماره ۳۱ شهریور ۱۳۶۹ و ترجمه عربی آن نیز در مجله بین‌المللی العلوم‌الانسانیه شماره ۳ و ۴ (۱۳۷۰) چاپ شده است.

دانشمندان می‌داند[5]؛ و سؤال از اهل ذکر و دانایان را همواره توصیه می‌کند[6]؛ و درخواست پیامبر از خدا این است که علمش افزون شود[7].

روایات ماثور از نبی مکرم و ائمه ـ علیهم‌السلام ـ در رابطه با فضیلت علم فراوان است؛ به علاوه سیره اولیاء خدا بگونه‌ای بوده است که جز کسب دانش برای مسلمانان راه دیگری نبوده است[8]. اینک به بعضی از روایات به عنوان نمونه اشاره می‌شود.

باید توجه داشت که روایات در این رابطه آنقدر زیاد است که اکثر محققین در کتاب خود، فصل و یابابی را بنام علم اختصاص داده‌اند. پیامبر اسلام فرمود: دانشمندان وارثان پیامبرانند[۹].

و باز فرمود: مرگ قبیله‌ای آسانتر از مرگ دانشمند است[۱۰].

و باز فرمود: در قیامت قلم دانشمندان با خون شهداء مقایسه می‌شود[۱۱].

و باز فرمود: دو گروه به مقام پیامبری از همه نزدیکترند؛ دانشمندان و مجاهدان در راه خدا. اما دانشمندان به خاطر اینکه مردم را به آنچه پیامبران آورده‌اند هدایت می‌کنند و اما مجاهدان در راه خدا به خاطر اینکه با شمشیر خود در راه اهداف پیامبران تلاش می‌کنند[۱۲].

و باز فرمود: خوابیدن با دانش از نماز خواندن توام با نادانی برتر است[۱۳].

توصیه اسلام به کتاب و نگارش

با توجه به عنایت خاصی که اسلام به علم و دانش داشته است و راه بهروزی و سعادتمندی را از آن علماء می‌داند بدیهی است که توجه به کتاب به عنوان ابزار ارزشمند بسط و نشر علم هم در خور دقت است. علاوه بر اینکه معجزه پیامبر اسلام خود، کتاب است و کتاب اگر چه در همه ادیان آسمانی عنصر مقدس و ارزشمندی بوده است، ولی در اسلام از ویژگی خاصی برخوردار است. کتاب به عنوان معجزه خالده این دین در اختیار مسلمانان قرار دارد. لفظ کتاب بارها در قرآن تکرار شده و سوره حمد به فاتحه الکتاب معروف است و دومین سوره قرآن در آغاز بـه کتاب اشارت دارد[۱۴]. در این مورد به روایاتی چند اشاره می‌شود:

امام صادق (ع) فرمود: کتابهای خویش رانگهدارید همانا به زودی به‌آنهااحتیاج پـیدا خـواهـید کرد[۱۵].

ـ انس از قول رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: هرگاه مؤمن پس از مرگ خویش تنها برگ کاغذی که بر روی آن علمی نگاشته باشد از خود بجای گذارد، آن ورقه در روز قیامت

پوششی بین او وبین آتش خواهد بود و خدای بزرگ در جهان دیگر به هر حرفی که روی آن‌نوشته شده شهری که هفت برابر بزرگتر از دنیاست به او عطا خواهد کرد[16].

ـ جریح از عطاء از عبدالله عمر نقل میکند که به رسول خدا گفتم: آیا علم را باید نگه داریم؟ فرمود: بلی. گفتم چگونه؟ فرمود با کتابت[17].

ـ عمروبن شعیب از پدرش و او از جدش نقل می‌کند که گفتم: یا رسول الله آیا آنچه را از تو می‌شنوم بنویسم؟ فرمود بلی گفتم در هر حالت، در حال خشنودی و غضب؟ فرمود بلی، همانا من در هر حال جز حق چیزی نمی‌گویم [18].

ـ امام صادق ـ علیه‌السلام ـ فرمود: بنویس و علم خویش را در بین برادران ایمانی خویش منتشر کن. پس چون مُردی کتابهایت را فرزندانت ارث برند. همانا زمانی بر مردم خواهد آمد که جز به کتب خویش با چیزی انس نگیرند[19].

ـ مردی از انصار در خدمت رسول خدا می‌نشست و حدیث می‌شنید و او را خوش می‌آمد و نمی‌توانست حفظ کند. از این موضوع به رسول خدا شکایت کرد. فرمود: از دستهای خود کمک بگیر اشاره به دستش کرد یعنی بنویس[20].

ـ ابوبصیر گوید از امام صادق شنیدم که می‌گفت: بنویسید همانا حفظ نخواهید کرد تا اینکه بنویسید[21].

ـ و باز امام صادق فرمود: قلب بر نوشتن تکیه دارد[22].

ـ و باز هم ایشان فرمود: بنویسید. همانا حفظ نخواهید کرد مگر با کتابت و نوشتن[23].

اگرچه در روزگاران قدیم، کتابت به اندازهٔ حال گسترش نیافته بود، و باسوادان و نویسندگان طیف وسیعی از جامعه نبودند، بلکه آنهایی که خط می‌دانستند تعدادشان بسیار محدود بود؛ و با آنکه علائم و نقطه گذاری، یا پدید نیامده و یا تکامل نیافته بود[24]، اما این مانع از آن نبود که به کتابت توجه نشود ـ مسلمانان به ویژه در رابطه با اعتقادات دینی خویش مبنی بر حفظ و نگهداری قرآن کریم از دستبرد حوادث روزگار و ثبت و ضبط آنچه از نبی مکرم اسلام می‌رسید، خود را نیازمند ثبت و نگارش می‌دانستند. پیامبر اسلام آیات الهی را که بر او وحی می‌شد برکاتیان قرائت می‌فرمود و آنان بر حسب وظیفه و به صورت مرتب آن را بر روی پوست، چوب، استخوان و هرآنچه در اختیارشان بود می‌نگاشتند و بر حفظ و نگهداری آنها مراقبت می‌کردند. پاره‌ای از صحابه و کاتبان وحی چندین بار نوشته‌های خویش را بر پیامبر عرضه می‌کردند و بر وی

می‌خواندند و پیامبر خوانده‌های آنان را تصحیح می‌کرد و یا صحه می‌گذاشت[۲۵].

مسلمانان هرچه از زمان پیامبر دورتر می‌شدند خود را به نگارش و ثبت و ضبط وقایع نیازمندتر می‌دیدند، و پا به پای تکامل خط و به همراه حفظ و ضبط قرآن و آثار پیامبر و ائمه معصومین، برای کسب اطلاع و آگاهی از اندوخته‌های اقوام دیگر نیز تلاش وافر می‌نمودند. وقتی پیامبر اسلام مردم را به فراگیری دانش ولو در کشور چین (که در آن زمان ظاهراً دورترین نقطه برای مسلمانان محسوب می‌شد) فرا می‌خواند[۲۶] و یا دانش‌آموزی را آنچنان وسیع و گسترده می‌داند که آغاز آن را گهواره و انجام آن را گور می‌داند[۲۷]، طبیعی است که مسلمانان به دنبال کسب علم بروند ولو در آسمانها باشد[۲۸] این بود که زمان خلفا بویژه خلفای عباسی توجه به علوم دیگر بلاد، بویژه یونانیان که در اصطلاح آن را علوم اوایل می‌گفتند فراوان شد[۲۹]، و نهضت ترجمه آغاز گردید[۳۰].

گورگیس عواد در کتاب «خزائن الکتب القدیمه فی‌العراق» در این رابطه داستان جالبی را نقل می‌کند که شنیدنی است:

«مأمون به پادشاه روم نامه می‌نویسد و پس ازبحثهائی، از او کتب حکمت ارسطاطالیس را طلب می‌کند. ملک روم هر چه تحقیق می‌کند اثری از آن کتابها در کشور خویش نمی‌یابد. اندوهگین می‌شود و می‌گوید خلیفه مسلمانان از من کتابهای پیشینیان ما را می‌خواهد اما در یونان اثری از آنها را نمی‌یابم، چه عذری می‌توانم داشته باشم، و چه قدر و قیمتی برای من در نزد مسلمانان باقی خواهد ماند. آنگاه به جستجو و سؤال می‌پردازد تا اینکه یکی از رهبانان که در یکی از دیرهای دوردست قسطنطنیه زندگی می‌کرد به او می‌گوید: آنچه را می‌خواهی من می‌دانم. همانا، خانه فلان شخصی، در فلان محل که هر پادشاهی بر آن قفلی زده است وجود دارد که بر اساس آنچه گفته می‌شود در آن اموال شاهان گذشته است، و هر ملکی از ترس اینکه مبادا او را به سوء تدبیر متهم کنند و بگویند بخاطر سوء تدبیر به آن مخزن محتاج شد قفلی بر آن می‌زند. آنگاه راهب می‌گوید قضیه این چنین نیست؛ بلکه در آنجا مجسمه‌ای است که یونانیان قبل از استقرار مسیحیت آن را می‌پرستیدند ولی هنگامی که در زمان قسطنطنین مردم به مسیحیت گرویدند، کتب حکمت را از بین مردم جمع کردند و در آن خانه نهادند و آن را قفل کردند؛ و چنین شد که هر ملکی قفلی بر آن نهاد. آنگاه ملک با مشاوره اعضاء با دست خویش،

در آن خانه را گشود و کتابها را استخراج کرد و روانه دیار مسلمانان نمود... آنگاه مأمون مترجمان را احضار کرد تا آن کتابها را ترجمه کنند. این کتابها که به سمت مأمون روانه شد قسمتی از آن ها کامل و بعضی ناقص بودند. پس از آن کتابهای یونانی بـه هـمان صورتی باقی ماندکه به خزانه الحکمه مأمون فرستاده شد[۳۱].

با آنکه مسلمانان بر اساس پرورش اسلامی برای علم و دانش و کتاب و کتابت بـی‌نهایت ارزش قائل بودند به گونه‌ای که جهان را از جهالت نجات داده و میراث بزرگ عـلمی اسـلامی خویش را برای بشریت به ارمغان آوردند و وسیله انتقال علوم یونان به جهان امروز اروپا شدند، اما متأسفانه اکثر مستشرقین این سهم عظیم و گرانسنگ مسلمین را نادیده می‌گیرند و به هنگام تاریخ نویسی از یونان شروع می‌کنند و خلاء قرون وسطی را با یک پرش وجهش طی می‌کنند و به رنسانس می‌رسند و ذکری از اهمیت کار مسلمانان به میان نمی‌آورند و یا به چند جمله‌ای محدود اکتفا می‌کنند. استاد زرین کوب در کتاب تاریخ در ترازو چنین می‌گوید:

«آنچه اروپاییان را از برخورد صحیح با وقایع تاریخی باز می‌دارد، تصور اروپایی اوست از تاریخ و تاریخ جهانی و اینکه تاریخ فقط تاریخ اروپاست[۳۲].

رفع یک شبهه

در این جا رفع یک شبهه بی مناسبت بنظر نمی‌رسد و آن اینکه، آیا پیامبر بزرگوار اسـلام مسلمانان را از کتابت منع کرده است؟ حاجی خلیفه در کـتاب ارزشـمند کشف‌الظنون چـنین می‌گوید:

«بدان که صحابه و تابعین به برکت وجود پیامبر، و نزدیکی و همزمانی با او و قلت اختلاف و وقایع نیازی به تدوین کتب نداشته تا جایی که بعضی‌ها نسبت به آن کراهت داشتند و به روایتی از ابوسعید خدری استدلال کرده‌اند که از رسول خدا (ص) برای کتابت اجازت خواست و پیامبر او را اذن نفرمود، و فرمود همانا پیشینیان شما با کتابت گمراه شدند، و نیز روایت کرده‌اند کـه شخصی بخدمت ابن عباس رسید و گفت: کتابی نوشته‌ام و می‌خواهم آن را برتو عرضه کنم، او کتاب را گرفت و با آب شست. وی پس از اعتراض چنین جواب شنید: اگر اعتماد بر کتابت کنند همانا گرد حفظ نمی‌گردند و آنگاه بر کتاب خدا عارضه و حادثه‌ای رخ می‌دهد و علمشان زایل می‌شود و نیز چنین استدلال کرده است به اینکه در کتاب می‌توان چیزی را کم و یا اضافه کرد و

تغییر داد ولی کسی که حفظ می‌کند، امکان ندارد که آن را تغییر دهد زیرا او از روی علم سخن می‌گوید و کسی که از نگارش سخن می‌گوید از گمان و نظر بحث می‌کند[۳۳].

دلیل دیگری هم در این مورد ذکر می‌کنند و آن اینکه اگر نگارش صورت می‌گرفت نوشته‌های قرآنی اشتباه می‌شد و پیامبر اسلام از نوشتن حدیث و جز آنها را در زمان خویش نهی فرمود[۳۴].

به نظر می‌رسد چنین سخن و استدلالی با اصل قرآن معارض است زیرا خدا در قرآن در پایان سوره بقره چنین می‌فرماید:

«ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین سند و نوشته در میان باشد و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که خدای به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد و مدیون امضاء کند...[۳۵].

در حالی که قرآن مجید تا این اندازه در مسائل دنیوی تأکید بر نوشتن دارد و امر می‌کند که بنویسد، و تقوا پیشه کنید و خدا نوشتن به شما آموخته است، بدیهی است نسبت به مسائل اخروی و امور مهمی که به دین و دنیا و سعادت بشری ارتباط دارد بطریق اولی تأکید دارد[۳۶] ثانیاً همان طور که گفته شد، پیامبر بزرگوار اسلام عده‌ای را به نام کتّاب وحی انتخاب و به کتابت امر کرد در حالیکه آنها می‌توانستند بخوبی قرآن را حفظ کنند و بر این امر هم رغبت فراوان داشتند به علاوه در پایان زندگی خود قلم و دوات طلب می‌کند تا مطلب مهمی را برای امت خویش بنویسد، تا آنان از آن پس گمراه نشوند[۳۷]. ثالثاً گفتار ابن عباس که چنین استدلال می‌کند که ممکن است بر کتاب حوادثی رخ دهد و دانش بدون حفظ از بین رود، باید عکس آن نیز گفته می‌شد که ممکن است برای عالم و حافظ هم حوادثی رخ دهد و بمیرد و عملش یا خودش مدفون شود و خطر و امکان وقوع این براستی بیشتر است[۳۸].

رابعاً چنانچه این روایت از ابن‌عباس صحیح باشد با روایات متعدد دیگر که از طرق عامه و خاصه رسیده و امر به کتابت کرده است معارض است و ما نیازی به اتباع آن نداریم[۳۹].

خامساً روایت ابوسعید خدری دلالت بر منع مطلق کتابت نمی‌کند و بر فرض صحت، ناظر به موقعیت و مورد و شرایط خاصی بوده و نمی‌تواند عمومیت داشته باشد[۴۰].

سادساً، صاحب کتاب کشف الظنون، بلافاصله در فرازهای بعدی گفتار خویش استدلال خود را نقض می‌کند و چنین می‌گوید: «آنگاه بخاطر گسترش اسلام، وسعت محدوده جغرافیائی، پراکندگی صحابه در شهرها و حدوث فتنه‌ها و اختلاف آراء و کثرت نظرات و فتاوا، و مراجعه به

بزرگان در این مورد، دانشمندان تدوین حدیث و فقه و علوم قرآن را آغاز کردند و به نظر و استدلال و اجتهاد و استنباط و تمهید قواعد و اصول و ترتیب ابواب و فصول و طرح مسائل و دلائل آن و جواب شبهات و تعیین اوضاع و اصطلاحات و تبیین روشها و اختلافات همت گماشتند و این براستی مصلحت بزرگ و فکری صواب بود؛ پس بزرگان این امر را مستحب بلکه واجب دانستند و این وجوب از قول معصوم است که فرمود، علم صید است و کتابت بندوقید، خدا شما را بیامرزد، علوم خویش را با کتابت ببندید و حفظ کنید[41].

نامبرده در ذیل علم الحدیث هم اشاره دارد که بخدا قسم کتابت اصل است، زیرا خاطر غفلت می‌کند و قلم حفظ می‌کند[42].

اولین کتاب و اولین کتابخانه در اسلام

در ذهن نقاد و جستجوگر انسان، معمولاً اولین‌ها در هر رشته و موضوع، جاذبیت خاصی دارند. این بدان علت است که انسان می‌خواهد بداند اولین کسی که کاری را انجام داده و یا سخنی را گفته و یا سنت نیکوئی را برجای گذاشته که بوده است. به عبارت دیگر اگر دانستن تاریخ و سرگذشت زندگی انسان برای انسان موضوعیت داشته باشد که دارد، طبعاً آغازگران در هر رشته و کاری جایگاه ویژه و خاصی خواهند داشت. همیشه اولین‌ها به عنوان نقطه عطفی در تاریخ یک موضوع، حائز اهمیت و سر آغاز فصل جدیدی در آن زمینه بوده‌اند.

از این گذشته توجه به اولین‌ها در هر مورد خود یک نوع ارزش گذاری و پاسداری از یک موضوع است. روایت است که آنکس که سنت نیکویی از خود بجا گذارد، برای او اجر آن عمل، و اجر هر آن کسی که تا روز قیامت به آن عمل کند خواهد بود[43]. بنابراین دانستن اینکه چه کسی خانه کعبه را بنا کرد. چه کسی سقایت حاج را شروع نمود. چه کسی خط را ابداع کرد، چه کسی اولین بار کاغذ را ساخت، چه کسی چاپ کتاب را اختراع نمود، چه کسی اولین کتابخانه را بنا نهاد، و همین‌طور همه کسانی که به نحوی در تکامل تمدن بشری سهم داشته‌اند و با تلاش خود برگنجینه ذخائر انسانی چیزی قابل توجه افزوده‌اند، خودداری ارزش و اهمیت است. علاوه برآن، دانستن، ذکر کردن و ثبت نمودن هر اثر، بنام فرد حقیقی و حقوقی‌ای که موجد و مبدع آن است خود تشویق به امر خیر است و تقدیر از کار نیک و نیکوکاری، کمترین سپاسی است که جامعه بشری به بنیانگذاران خیر و نیکی تقدیم می‌کند و در این رابطه چه مسأله‌ای مهمتر و

ارزشمندتر از کتاب و کتابخانه که سهم مؤثر و والایی در ساختار تمدن بشری داشته است.

اولین کتاب در اسلام کدام بود و چه کسی آن را پدید آورد؟

شک نیست که وقتی سخن از پدیدآورنده اولین کتاب به میان می‌آید اشاره به کتابهایی است که توسط بزرگان اسلام نوشته شده است؛ و این اعم از آن است که این کتابها هم اکنون موجود باشد و یا دست تطاول زمان آنها را از بین برده باشد و نیز اعم از آن است که این کتاب و یا کتابها از شهرت کافی برخوردار باشند و یا شهرتی کافی نداشته باشند؛ زیرا سخن در اولین هاست و این مساله ایجاب می‌کند که حق کسانی که در این زمینه پیشقدم بوده‌اند و زحمت کشیده‌اند ضایع نشود، که الفضل للمقتدم.

صاحب کشف‌الظنون در این رابطه می‌گوید: «گفته شده اولین پدیدآورنده کتاب عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریح بصری متوفای ۱۵۵ هجری بوده و یا ابونصرسعیدبن ابی عرویه متوفای ۱۵۶ هجری که هردوی آنها را خطیب بغدادی هم نقل کرده و بازگفته شده ربیع بن صبیح متوفای ۱۶۰ هجری قمری و ابومحمد را مهرمزی هم آن را می‌گوید سپس سفیان ثوری و محمدبن فضیل بن غزوان درکوفه و حمادبن سلمه و روح بن عباده در بصره وهشیم در واسط و عبدالله‌بن مبارک در خراسان نام برده شده‌اند و منظور آنان ازتدوین، ضبط مشکلات قرآن و حدیث و معانی آن دو بوده است و پس از آن کتابهایش را به عنوان وسیله‌ای برای شناخت مشکلات قرآن وحدیث تدوین کرده‌اند[۴۴]».

بدون شک از آنجا که مسلمانان پس از کلام خدا بیشترین اهتمام را نسبت به جمع‌آوری و ضبط احادیث داشتند، لذا اولین کتب و نگارش‌ها مربوط به حدیث و آثار مربوط به آن است. لذا ابن اثیر در نهایه بعد از ذکر اینکه «صحابه نیازی به تدوین غریب الحدیث نداشتند زیرا آنان به لغات آگاهی و علم داشته‌اند»، می‌گوید: «پس از اختلاط عجم‌ها، آنان به تدوین در این رابطه پرداختند[۴۵]».

صاحب کشف‌الظنون در ذیل ماده الحدیث کلامی از بعضی از بزرگان نقل می‌کند که عبدالملک بن جریح و مالک بن انس اولین کسانی بوده‌اند که کتابت کرده‌اند و چنین نقل قول می‌کند که گویا کتاب ابن جریح و موطا مالک از اولین کتب تصنیف شده هستند[۴۶].

ابن شهر آشوب از قول غزالی در کتاب معالم العلماء خویش چنین گفته است: «اولین کتابی که در

اسلام تصنیف شده کتاب ابن جریح در آثار و حروف التفاسیر از مجاهد و عطادر مکه است. سپس معمرین راشد صنعانی در یمن، آنگاه کتاب موطامالک بن انس، آنگاه جامع سفیان ثوری است». وی سپس چنین اضافه می‌کند که صحیح این است که اولین کتاب که در اسلام تصنیف شده مربوط به امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ است که کتاب خدا را جمع‌آوری کرد، سپس سلمان فارسی، آنگاه ابوذرغفاری، سپس اصبغ‌ابن نباته، سپس عبدالله‌بن ابی رافع[۴۷]، و در آخر صحیفه کامله سجادیه امام زین‌العابدین(ع) است[۴۸].

ثقةالاسلام تبریزی صاحب کتاب مرآت‌الکتب از ابن شهر آشوب هم فراتر می‌رود و چنین می‌گوید: «در این جا باید کتابهائی ذکر شود که نسبت به کتبی که ابن شهر آشوب نقل کرده است، اولی است و از آن جمله است کتاب علی ـ علیه‌السلام ـ که بنابر استفاده اخبار به املاء شخص رسولخدا(ص) و بخط علی علیه السلام بوده است[۴۹].

آقای علی اکبر غفاری می‌گوید نخستین کتابی که در طول تاریخ در خصوص حدیث و روایت تدوین شده است کتاب جامعه یا صحیفه است که به املاء رسول خدا و به خط حضرت علی ـ علیه‌السلام ـ بوده است. منابعی که در آن ذکر کتاب جامعه آمده است به قرار زیر است:

۱ ـ اختیار رجال‌کشی تحت عنوان «سورةابن کلیب» به شماره ۲۴۰.

۲ ـ در مجلدات کافی در جلد اول تا هفتم بنابر استخراج آقای سیدمرتضی عسکری در بیش از ۲۹ حدیث ذکر کتاب جامعه آمده است.

۳ ـ کتاب تهذیب در ۲۱ حدیث از صحیفه فوق الذکر یاد شده است.

۴ ـ صحیح بخاری در کتاب الدیات والعلم.

۵ ـ سنن ابن‌ماجه ج ۲، حدیث شماره ۲۶۵۸.

۶ ـ مسند احمدبن حنبل جلد اول، ص ۱۵۱.

۷ ـ کتاب بصائرالدرجات در صفحات ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۲ و ۱۶۵ در صحیفه مذکور یاد شده است.

این صحیفه در اختیار ائمه معصومین ـ علیهم‌السلام ـ بوده است و هریک آن را به هنگام وفات به عنوان میراث به دیگری می‌سپرده و گروهی از تابعین و جمعی هم پس از تابعین آن را دیده‌اند که از آن جمله‌اند:

۱ ـ ابوجحیفه وهب ابن عبدالله سوائی[۵۰].

۲ ـ حارث بن سوید ابوعایشه تیمی.

۳ ـ قیس بن عباد.

۴ ـ مالک بن حارث نخعی اشتر.

۵ ـ ابوبصیر لیث مرادی.

۶ ـ محمدبن مسلم ثقفی.

۷ ـ عبدالملک بن اعین شیبانی.

۸ ـ زراره‌بن اعین [۵۱].

در اینجا بنا به رعایت اختصار، از ذکر جزئیات کتاب جامعه یا صحیفه علی ـ علیه‌السلام ـ خودداری می‌شود لکن این مطلب با تفصیل کامل در احادیث و روایات اهل تسنن و تشیع مطرح شده است. آنچه در اینجا مورد بحث است بیان اولین کتاب تصنیف و یا تألیف شده در اسلام است که بدون شک کتابهای نوشته شده بسیار جلوتر از سال ۱۵۵ هجری است که بعضیها ذکر کرده‌اند.

ابن شهرآشوب درکتاب معالم‌العلماء از شیخ مفید نقل کرده است: «امامیه از زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا زمان حضرت عسکری چهارصد کتاب به نام اصول تألیف کرده‌اند[۵۲]». البته تالیف شیعه بیش از این است ولی چهارصد کتاب از آن به عنوان اصل تلقی شده است؛ و گویند اصل عنوانی است که بر بعضی کتب حدیث صدق می‌کند و یا اصل آن است که مجرد قول معصوم باشد، به خلاف کتاب که هم قول معصوم است و هم قول صاحب کتاب. پاره‌ای گفته‌اند اصل به معنای کتاب معتبری است که از کتاب دیگری ماخوذ نباشد. بعضی گویند: اصل نسخه‌ای است که آنچه در آن نقل شده همه مسموع از معصوم ـ علیه‌السلام ـ باشد، یا کسی که از او نقل کرده باشد، ولی مبوب نباشد و از استدلال و استنباط عقلی یا شرعی خالی باشد. باز گفته‌اند، اصل عنوان خاصی است برای بعضی کتب حدیث در مقابل آن کتاب عنوانی است برای مطلق تألیف اعم از اصل[۵۳].

حق این است که درست معلوم نیست فرق اصل و کتاب چیست زیرا به هریک از تعریفات اعتراضاتی شده و موارد نقضی داشته است ولی بدون تردید اصل با کتاب فرق دارد، زیرا هردو را در مقابل و عرض هم ذکر کرده‌اند؛ مثلاً شیخ طوسی درباره ذکریابن یحیی گفته است «برای او کتاب فضائل است و همچنین اصل از آن اوست[۵۴]».

ابن ندیم، کتاب سلیم‌بن قیس متوفای ۹۰ هجری را اولین کتاب شیعه می‌داند، و قاضی بدرالدین سبکی هم در کتاب محاسن‌الوسائل فی عددالاوائل می‌گوید: «اولین کتابی که برای شیعه نوشته شده کتاب سلیم‌بن قیس هلالی بوده است[۵۵]».

این نکته حائز اهمیت است که آیا قرآن و جمع‌آوری آن را باید به حساب اولین کتاب گذاشت و یا احادیث و جمع‌آوری آن و احیاناً تفسیر و یا تفاسیری که بر قرآن نوشته شده جزو اولین کتابها محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد در هر دوصورت باز اولین نویسنده کتاب امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ بوده است. در اینجا نظر آقای ثقةالاسلام تبریزی در این مورد قابل توجه است. وی پس از بحث مفصل و طولانی که درباره یکایک کتب نگارش شده در زمان رسول خدا و بعد از وی دارد و نقل اقوال بزرگان شیعه و سنی در این زمینه چنین اظهارنظر می‌کند:

حاصل کلام این است که کتب تصنیف شده درعهد پیامبراکرم (ص) کتاب علی و جامعه ـ اگر جزئی از کتاب علی نباشد ـ و کتاب دیات و فرائض ـ اگراین دو نیز جزئی از کتاب علی نباشد وجفر ـ اگر آن را موضوعاً جزوکتب بدانیم و کتاب ابن‌حزم ـ یعنی کتابی که پیامبر برای او فرستاد ـ می‌باشد.

و اما کتابهای تصنیف شده بعد از پیامبر اسلام، مصحف فاطمه، کتاب سلمان و ابوذر، اصبغ‌بن نباته و کتاب ابورافع و علی و عبیده دو فرزندش و آنچه راکه ابوالاسوددوئلی در نحو جمع نمود و کتاب سلیم بن قیس و کتاب میثم تمار و کتاب صحیفه سجادیه می‌باشد.

و اما قرآن کریم ـ اگر آن را جزو مصنفات بشمار آوریم ـ اگر منظور قرآنی است که نزد ائمه ـ علیهم‌السلام ـ است ـ پس جمع‌آوری آن بعد از وفات پیامبر اسلام است و اگر منظور قرآن به‌طور مطلق است پس آن در عصر و زمان خود پیامبر اسلام تألیف شده و قرآنی هم که در نزد ماست در زمان عثمان بعد از وفات پیامبر اسلام جمع‌آوری شده است[۵۶].

اولین کتابخانه در اسلام

در واقع تعیین اولین کتابخانه‌ای که در اسلام رسماً افتتاح و یا شروع بکار کرده است کار دشواری است. در دوران تمدن اسلامی کتابخانه‌های فراوانی اعم از عمومی، اختصاصی، شخصی و آموزشگاهی بوده و پاره‌ای از آنها از شهرت و عظمت فراوانی برخوردار بوده‌اند، و

شاید اهمیت و عظمت برخی از کتابخانه‌ها سبب شده که تحقیق بر روی اولین‌ها کمتر صورت گیرد.

خلفای بنی عباس از بزرگترین مشوقان در زمینه تاسیس کتابخانه بوده‌اند. آنان مدارسی برپا کردند و کتابخانه‌های نفیسی برای آنها ایجاد نمودند. از آنجا که خلیفه خود علاقه‌مند به شرکت در مجالس علم بود، سعی می‌کرد که خود نیز از علوم و فنون بهره‌ای داشته باشد و بر گِرد خود دانشمندان، ادیبان و شاعران را جمع کند و آنان را بنوازد[۵۷].

قلقشندی گوید: «گفته می‌شود بزرگترین کتابخانه‌ها در اسلام سه تا بوده‌اند: اولین آنها کتابخانه خلفاء بنی عباس در بغداد است که در آن کتب فراوانی وجود داشت و از نظر نفاست هم بی‌مانند بود و این کتابخانه تا زمان هجوم مغولها به بغداد برسرپا بود.» وی سپس از دو کتابخانه دیگر سخن به میان می‌آورد و آن ها را کتابخانه فاطمیون در مصر و کتابخانه خلفاء بنی‌امیه در اندلس می‌داند[۵۸].»

در سال ۱۰۶۴ خواجه نظام‌الملک در نظامیه بغداد کتابخانه عظیمی به سلیقه اشاعره و صوفیه برای دانشجویان و روشنفکران تاسیس کرد که بودجه آن به یک میلیون و پانصدوچهل هزار فرانک طلا می‌رسید. خلیفه مستنصر بالله عباسی در سال ۱۲۳۳، کتابخانه بزرگی برای ملل و نحل مختلف شرق بغداد بنیان نهاد که صدها کتابدار و صدهاهزار جلد کتاب خطی در آن وجود داشت و اکنون حتی صد یک آن باقی نمانده است. تعداد کتابخانه‌های خصوصی نیز بسیار بود. این کتابخانه‌ها از جهاتی به انجمنهای جدید انگلیسها شباهت داشت، زیرا مراجعه‌کنندگان می‌توانستند خارج از محیط کتابخانه به شطرنجبازی و صرف نوشابه نیز مبادرت کنند. شماره روشنفکران بغداد در آن زمان به یک سوم جمعیت شهر می‌رسید[۵۹].

نام و شمار کتابهای تعدادی از کتابخانه‌های بزرگ در تمدن اسلامی به اختصار به این شرح است:[۶۰]

بیت الحکمه بغداد	۴/۰۰۰/۰۰۰
کتابخانه شاپور در بغداد	۱۰/۰۰۰
کتابخانه الحکمه در قرطبه	۴۰۰/۰۰۰
کتابخانه سلطنتی وخاندان سلطنتی در قاهره	۱۰۰/۰۰۰
کتابخانه طرابلس شام	۳/۰۰۰/۰۰۰

کتابخانه مراغه ۴۰۰/۰۰۰

در تحقیق در مورد اولین کتابخانه باید گفت از آنجا که کتابخانه معمولاً ابزارکار آموزش بوده است، و آموزش هم در اسلام با مساجد آغاز شد و سپس در مدارس ادامه یافت، لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که از همان روزگار نخستین که مساجد و مدارس ساخته شدند کتابخانه‌ها نیز به نوعی در کنار آنها پدید آمدند.

«کتابخانه‌ها بیشتر در مساجد و نهادهای آموزشی وجود داشتند و چندان فراوان بودند که به سختی می‌توان مسجد یا بنیاد علمی‌ای فاقد کتابخانه پیدا کرد. بدینسان گروه‌های مختلفی از گونه‌گون لایه‌های اجتماعی از این فراهم شده بهره می‌گرفتند[۶۱]. و نیز «کمتر مدرسه‌ای در عراق، خراسان و سوریه و مصر پیدا می‌شد که کتابخانه نداشته باشد. به سختی می‌توان تک مدرسه‌ای بی مجموعه کتابخانه یافت. ارزش آن کتابخانه به توانمندی مالی خود مدرسه بستگی داشت[۶۲]».

در استقراء از مدارک اسلامی چنین برمی‌آید که سرزمین عراق بیش از سایر بلاد اسلامی منهای مشرق زمین و خراسان، دارای مدارس و نیز به تبع آن کتابخانه بوده است. جدول ذیل به خوبی این نکته را روشن می‌کند[۶۳].

در سرزمین خراسان و ماوراءالنهر	پیش از سال	۲۹۵ هجری/ ۹۰۷ میلادی
در عراق	«	۴۵۷ هجری/ ۱۰۶۴ میلادی
در شام	«	۴۹۱ هجری / ۱۰۹۷ میلادی
در مصر	«	۵۳۲ هجری / ۱۱۳۷ میلادی
در حجاز	«	۵۷۹ هجری/ ۱۱۸۳ میلادی
در تونس	«	۶۴۷ هجری/ ۱۲۴۹ میلادی
در مغرب	«	۶۸۵ هجری/ ۱۲۸۶ میلادی
در اندلس	«	۷۵۰ هجری/ ۱۳۴۱ میلادی

براساس این تحقیق معلوم می‌شود که سالها قبل از تأسیس نظامیه در بغداد، مدارس بزرگ و معتبری در مشرق زمین و سرزمین خراسان و ماوراءالنهر بوده است. سمرقند و بخارا از مراکز علمی و نیشابور از معاهد بزرگ اسلامی بوده، که دانشمندان بزرگی در آن پرورش یافته‌اند. در زمینه مراکزی که برای مطالعه حدیث تعبیه شده بود، دو مرکز «دارالحدیث البسطامیه» و

«دارالسنة الصبغیه» حدود دو قرن و ثلث قرن قبل از اینکه «دارالحدیث النوریه» دمشق و حدود سه قرن پیش از آنکه «دارالحدیث الکاملیه» قاهره دائر باشد دایر بوده است[۶۴].

دکترناجی معروف در مقاله محققانه خویش چنین می‌نویسد:

«و البته در نتیجه تحقیقات و بررسیهایی که من بر روی فنون چاپی و نسخه‌های خطی گوناگون انجام داده‌ام برای من آشکار شده است که بعضی از مورخان و پژوهشگران از بخش مهمی از تاریخ جهان اسلام اطلاعات کافی ندارند، و آن بخش عبارت از سرزمینهای شرقی اسلامی است، که مدتها عرصه نمایش شگفت‌انگیزی از فعالیتهای علمی اسلامی و مرکزی مهم برای فرهنگ اصیل عربی بوده است، و هنوز هم از بیشتر آنها که در سرزمینهای فارس، خراسان و ماوراءالنهر قرار دارد آگاهی نداریم. و تمامی بلاد در قلمرو اقلیمهای خلافت اموی و عباسی بوده است و چند قرنی دمشق و بغداد بدانها حکم می‌رانده و اینک جزئی از ایران، افغانستان و روسیه شده است[۶۵].

بنابراین همچنان که مدارس که معمولاً جدای از مساجد بوده‌اند[۶۶] در سرزمین ماوراءالنهر و خراسان نسبت به سایر مدارس در سایر بلاد اسلامی سبقت دارد، کتابخانه‌ها هم در بلاد شرق باید زودتر از سایر بلاد اسلامی تاسیس شده باشد. در یادنامه ادیب نیشابوری در مورد کتابخانه‌های مدارس مشرق زمین چنین آمده است:

«چون در مدارس مخزنهای کتب از اموری بودند که در درس و بحث از آنها استفاده می‌شد و مؤسسان مدارس کتب بسیاری را وقف مدرسه‌ها می‌کردند. این کتابخانه در زمینه‌های مختلف علوم و فنون بودند و برای آنها ساختمانهای مخصوص و اطاقهای متعدد برپا کردند و خازنان و مشرفان و ناظران را بر آنها گماشتند. کثرت مخزنها و کتابخانه‌ها عنایت مسلمانان و عالمان و طلبه را نشان می‌دهد[۶۷]».

وی آنگاه به ذکر تعدادی کتابخانه‌های موجود در مشرق زمین می‌پردازد و مدعی است که همانند مدارس، اکثر آنها قبل و یا همزمان با ساخته شدن نظامیه بغداد تأسیس شده و از شهرت کافی برخوردار بوده‌اند[۶۸].

ابوحاتم بستی تمیمی از فقهای دین و حفاظ آثار و صاحب تألیفات فراوان متوفای ۳۵۴ هجری کتب خود را وقف، و آنها را در خانه‌ای جمع کرد که یک نفر آن را اداره می‌کرد. ابوحاتم بستی کتب را تسلیم او کرد تا به هر که خواهد نسخه‌ای را بدهد بدون اینکه چیزی را از مدرسه

خارج نماید[۶۹].

در هر حال، با آنکه نویسنده مقاله «مدارس قبل از نظامیه»، مدعی است که قبل از نظامیه در نیشابور و ماوراءالنهر هم مدارس دائر بوده و هم کتابخانه‌های آن و دست کم حدود ۳۳ مدرسه را نام می‌برد[۷۰] اما اکثر آنها را از نظر تاریخی قبل از سال ۴۰۰ هجری می‌شمارد. البته این که دقیقاً چه سالی هریک از مدارس تأسیس شده‌اند کاملاً بر ما روشن نیست و نمی‌توان به ضرس قاطع بر روی تاریخ تأسیس آنها تأکید کرد. در عین حال نویسنده به نقل از تاریخ بخارا معتقد است که بیش از ۱۶۵ سال قبل از تأسیس نظامیه و مدرسه ابوحنیفه، اسماعیل بن احمدبن اسدبن سامان در گذشته به سال ۲۹۵ هجری / ۹۰۷ میلادی مدرسه‌ای دائر داشته است که دانشجویان برای تکمیل مطالعاتشان به آنجا می‌آمده‌اند و در کتابخانه آنجا که اوقافی بر آن وقف شده بود به کاوش و تحقیق می‌پرداختند[۷۱].

علی الظاهر، بعد از شرق اسلامی، عمده‌ترین مرکز فرهنگی و پرسابقه‌ترین کتابخانه‌ها در عراق وجود داشت و شوق تحصیل و تدریس و بحثهای علمی هم از نشاط بیشتری برخوردار بوده است. خلفای عباسی هم انگیزه کافی برای تشویق علماء و دانشمندان داشته‌اند. منصور دومین خلیفه عباسی که حدود ۲۰ سال در بین سالهای ۱۵۸ ـ ۱۳۶ هجری خلافت کرد مشوق بزرگی در این رابطه بوده و خود کتابخانه‌ای هم داشته است[۷۲].

گورگیس عواد در کتاب تاریخ کتابخانه‌های قدیمی در عراق، کتابخانه‌های موجود در عراق را در دوران تمدن اسلامی به ۵ بخش تقسیم می‌کنند:

بخش اول: کتابخانه‌های خلفا در بغداد که در ذیل آن از کتابخانه‌های منصور، هارون الرشید به نام خزانه الحکمه و تعدادی دیگر از خلفا یاد می‌کند.

بخش دوم: به کتابخانه‌های شاهان و سلاطین اختصاص دارد و در ذیل آن به نام کتابخانه عضدالدوله دیلمی نورالدین ارسلان شاه و بدرالدین لوءلوء در موصل و... اشاره دارد.

بخش سوم: از کتابخانه‌های عمومی یاد می‌کند و در آن از کتابخانه‌های حیدریه در نجف، دارالعلم و کتابخانه وقف در موصل، دارالکتب در بصره، دارالعلم در بغداد که کتابخانه شاپور هم نام دارد و کتابخانه مدرسه نظامیه و کتابخانه مشهد ابوحنیفه و کتابخانه مدرسه مستنصریه در بغداد نام می‌برد و این بخش از مفصل ترین بخشهای این قسمت است.

بخش چهارم: کتابخانه‌های وزراء را در عراق بر می‌شمارد و در ذیل آن از کتابخانه یحیی

برمکی، ابن شاه مردان وزیر در بصره محمدبن عبدالملک زیات در سرمن رای و تعدادی دیگر یاد می‌کند.

بخش پنجم: به کتابخانه‌های شخصی اختصاص دارد و از آن پس به ترتیب قرن، از قرن دوم تا قرن هشتم، کتابخانه‌های شخصی را معرفی می‌کند.

در میان اولین کتابخانه چه به تفکیک کتابخانه‌های عمومی و شخصی و یا بطور مطلق، عباراتی در کتاب «خزائن الکتب القدیمه فی العراق» هست که تصمیم گیری در مورد اولین کتابخانه را قدری مشکل می‌کند. البته درباره کتابخانه‌های بزرگی چون «دارالحکمه» هم بحث‌هاست که چه کسی پایه‌گذار آن بوده است، ولی عمدتاً آن را به هارون الرشید نسبت می‌دهند[۷۳].

از کتابخانه‌های خلفاء ظاهراً اولین آن[۷۴]، از آن منصور خلیفه عباسی است که خود در سالهای ۱۵۸ - ۱۳۶ هجری می‌زیسته است. با آنکه عده‌ای کهن‌ترین کتابخانه در قلمرو اسلامی را به خالدبن یزیدبن معاویه منسوب می‌دانند[۷۵].

در مورد کتابخانه‌های عمومی، با بررسی کتاب ارزشمند «کتابخانه‌های قدیمی در عراق» نتایج زیر بدست میاید:

۱ ـ کتابخانه حیدریه نجف

کتابخانه حیدریه نجف کتابخانه مزار شریف حضرت علی(ع) است و این مشهد از قدیمترین آثار اسلامی در عراق است که دارای شکوه و جلال خاصی است و در آن قبر علی ـ علیه‌السلام ـ است. در جوار این مشهد کتابخانه‌ای است که از زمان‌های بسیار دور پدید آمده است[۷۶].

در مورد کتابخانه مدرسه نظامیه بغداد گورگیس عواد درکتاب خویش جمله‌ای دارد که قابل توجه است. او در مورد این مدرسه چنین اظهار می‌دارد: «قدیمی‌ترین مدرسه‌ای است که ساخته شده».

«المدرسه النظامیه من اشهر مدارس بغداد و اجلها شاناً و اقدمها عهداً[۷۷]».

که با فرض مقارن بودن ساختمان مدرسه باکتابخانه، خود موهم این قضیه است که اولین مدرسه اولین کتابخانه را هم در خود داشته است، الا اینکه با توجه به اینکه نظام الملک در سال ۴۵۹ از ساختن مدرسه نظامیه فراغت یافت ،باکتابخانه مشهد ابوحنیفه که آن نیز در همین سال ساخته شده است در تعارض خواهد بود. درباره مدرسه ابوحنیفه چنین آمده است:

«درکنار این مشهد، مدرسه عظیم و گرانقدری ساخته شده بود که اولین مدرسه‌ای است که در عراق در عصر اسلامی افتتاح شده است... و همانا این مدرسه در سال ۴۵۹ افتتاح شده است[۷۸].
و برای این مدرسه کتابخانه نفیس و ارزشمندی بود که وقف دانشجویان علم بود[۷۹].

ملاحظه می‌شود که در باره هر دو مدرسه نظامیه و مشهد ابوحنیفه، عبارات «اقدم عهدا» و یا «هی اول مدرسه فتحت فی‌العراق» آمده است و تأسیس هردو در سال ۴۵۹ ذکر شده است، مگر اینکه در ماههای سال با یکدیگر در افتتاح اختلاف داشته باشند. ابن اثیر دقیقاً این اختلاف را روشن نموده است.

«بنای مدرسه ابوحنیفه بغداد در صفر سال ۴۵۹ هجری آغاز و در همان سال افتتاح گردیده است؛ در صورتی که شروع بنای مدرسه نظامیه در سال ۴۵۷ هجری شروع و تاریخ افتتاح آن ذیقعده سال ۴۵۹ هجری است. بدین ترتیب افتتاح مدرسه ابوحنیفه چندماهی پیش از نظامیه صورت گرفته است[۸۰]».

در مورد کتابخانه‌های وزراء در عراق گورگیس عواد در مورد یحیی برمکی چنین می‌نگارد:

«او یحیی بن خالد برمکی از مشهورترین رجال برامکه است. مهدی هارون الرشید را در نزد وی گذارد. هارون پس از به خلافت رسیدن، او را مقامی رفیع داد، تا اینکه بر او غضب کرد و به زندان انداخت تا در سال ۱۹۰ هجری فوت کرد». از اخبار چنین بر می‌آید که یحیی دوستدار ادب بوده و ادبا و شعرا را تکریم می‌کرده و به آنها عطایا و هدیه‌ها می‌داده است و به فرزندانش چنین می‌گفته است «بهترین چیزی را که می‌شنوید بنویسید و بهترین چیزی را که می‌نویسید حفظ کنید و بهترین چیزی را که حفظ می‌کنید بازگو کنید». از این ذوق لطیف و دارنده سخاوت نسبت به بزرگان علم و ادب چنین برمی‌آید که کتابخانه‌ای ارزشمند داشته باشد[۸۱]. جاحظ در این مورد خبر زیبائی نقل می‌کند: «موسی بن یحیی به من گفت: در کتابخانه یحیی برمکی در خانه و مدارس او هر کتابی را که یافت می‌شد سه نسخه از آن وجود داشت[۸۲]».

باتوجه به اینکه یحیی برمکی در سال ۱۹۰ هجری وفات کرده است تاریخ تأسیس کتابخانه او باید به قبل از سال ۱۹۰ هجری برگردد. بنابراین اگر مطلق کتابخانه و نه کتابخانه عمومی را در نظر بگیریم کتابخانه یحیی برمکی بر سایر کتابخانه‌هایی که ذکر آن رفت تقدم زمانی داشته است.

در مورد کتابخانه‌های شخصی با آنکه تعدادشان بسیار زیاد و غیرقابل احصا است باز بنابه قول گرگیس عواد، ابی عمروبن علاء که در سال ۱۴۵ هجری درکوفه فوت کرده حق تقدم داشته

است. شرح حال مختصر او چنین است:

او زبان بن علاءابن عمارالعریان المازنی البصری امام اهل بصره در نحو و لغت بوده و یکی از قراء هشتگانه و گویند ایرانی بوده است. یاقوت حموی نسب او را در اول شرح حالش ذکر کرده. او در کوفه در بین سالهای ۱۵۴ ـ ۷۰ زندگی می‌کرده است[۸۳]

اما در مورد کتابخانه او یاقوت قولی را نقل می‌کند که دال بر این است که وی دارای کتابخانه‌ای بوده است. او می‌گوید «ابوعبیده گفت و ابوعمرو دانشمند این مردم به قراءات و عربیت و ایام عرب و سفر بوده و دفاتر او آنچنان زیاد بود که تا سقف خانه را می‌گرفت. او سپس از عقیده خود برگشت و آنها را سوزانید[۸۴]».

از آنچه که تاکنون گفته شد چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از تاریخ تأسیس اولین مسجد و به همراه آن اولین کتابخانه که بگذریم (که کاملاً مشخص نیست و هنوز به تحقیقات بیشتری نیاز دارد) کتابخانه‌های بلاد شرق در خراسان و ماوراءالنهر قدمت بیشتری دارند و شاید کتابخانه مدرسه احمد بن اسد بن سامان درگذشته به سال ۲۹۵ هجری اولین کتابخانه باشد. پس از آن کتابخانه‌های مشهد ابوحنیفه و نظامیه بغداد ممکن است در منطقه عراق به عنوان اولین کتابخانه باشند؛ زیراکه با اوصاف «اقدم عهدا و اول مدرسه فتحت فی العراق» موصوف شده‌اند. در مورد کتابخانه حیدریه نجف هم تاریخ دقیقی در دست نیست فقط، با عبارت «منذعهدبعید» متصف شده است.

در مورد کتابخانه‌های شخصی و اختصاصی اعم از دانشمندان و یا وزراء باید نخست ازکتابخانه ابوعمرو یادکرد که در تاریخ ۱۵۴ هجری فوت کرده است و آنگاه ازکتابخانه یحیای برمکی که به سال ۱۹۰ هجری از دنیا رفته است، سخن به میان آورد، با آنکه در بعضی از منابع کهن‌ترین کتابخانه قلمرو اسلامی را به خالدبن یزیدبن معاویه منسوب می‌دانند.

درپایان ذکر این نکته هم لازم است که درکتاب پایگاه محمدالندیم در کتابشناسی چنین آمده است: «مسلم بن شهاب محمدالزهری در سال ۱۲۴ هجری اولین کتابخانه در اسلام را بوجود آورده است، او آنقدر یادداشت جمع کرده بود که زنش می‌گفت بخدا اگر سه زن دیگر داشتی، کمتر مرا آزار می‌داد تا این کتابها»، خانم راث اشتلهرن مکنسن درکتاب بنیاد کتابخانه‌های اسلامی، وی را دارنده اولین کتابخانه مسلمانان می‌داند[۸۵].

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ افمن کان علی بینه من ربه ویتلوه شاهدمنه، (هود، ۱۷).

۲ ـ قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین (نمل، ۶۴).

۳- قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب (رعد، ۴۳).

۴ ـ قل هل یستوی‌الذین یعلمون والذین لایعلمون (زمر، ۹).

۵ ـ انما یخشی‌الله من عباده‌العلما (فاطر، ۲۸).

۶ ـ فاسئلوا اهل‌الذکر ان کنتم لا تعلمون (انبیا، ۷).

۷ ـ و قل رب زدنی علما (طه، ۱۱۴).

۸ ـ داستان راستان: پیامبر اسلام وارد مسجد شد و دو گروه عبادت‌کنندگان و حلقه درس و بحث را دید و فرمود هر دو خوبند اما من به نزد گروه دوم می‌روم.

۹ ـ العلما ورثه‌الانبیاء (کافی ج ۱ ص ۳۲ ابن ماجه ۲۲۲، ابوداود، ج ـ ۲ ص ۲۸۵،).

۱۰ ـ موت قبیله اسیر من موت‌العالم (طبرانی، از حدیث ابودرداء).

۱۱ ـ یوزن یوم القیامه مدادالعلماء بدماء الشهداء (صدوق در فقیه، ص ۵۸۴، و درامالی صدوق، و نیز بحار ج ۲، ص ۱۶ ـ ۱۴.

۱۲ ـ اقرب‌الناس من درجه‌النبوه اهل‌العلم والجهاد. اما اهل‌العلم فدلّواالناس علی ما جاءت به‌الرسل و اما اهل‌الجهاد فجاهدوا بأسیافهم علی ماجاءت به‌الرسل (ابونعیم در فصل عالم‌العفف در حدیث‌ابن‌عباس، از بحار).

۱۳ ـ نوم مع علم خیر من صلاه مع جهل (محجة‌البیضا، ص ۲۱ ج ۱۰).

۱۴ ـ ذالک‌الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین (بقره، ۲).

۱۵ ـ احتفظوا بکتبکم انکم سوف تحتناجون الیها (الذریعه شیخ آقابزرگ تهرانی، بحار ص ۱۵۲).

۱۶ ـ المومن اذا مات و ترک و رقه واحده علیها علم تکون تلک‌الورقه یوم‌القیامه ستراً فیما بینه و بین‌النار و اعطاه‌الله تبارک و تعالی بکل حرف مکتوب علیها مدینه اوسع من‌الدنیا سبع مرات (بحار ج ۲۰، ص ۱۴۴).

۱۷ ـ اقیدالعلم؟ قال: نعم قیل و ما تقییده؟ قال کتابته.

۱۸ ـ اکتب کلما اسمع منک؟ قال نعم، قلت فی‌الرضا والغضب: قال: نعم فانی لا اقول فی ذالک کله الاالحق (بحار ج ۲، ص ۱۴۷).

۱۹ ـ سیدبن طاوس در کشف‌المحجب با اسناد خویش از جعفر طوسی، تا از مفضل‌بن عمر نقل می‌کند که گفت ابوعبدالله امام صادق فرمود: اکتب وبث علمک فی اخوانک. فان مت فورث کتبتک بینک فانه یاتی علی‌الناس زمان هرج مایانسونه فیه الا بکتبهم (بحار ج ۲، ص ۱۵۰).

۲۰ ـ روی ان رجلاً من الانصار کان یجلس الی النبی (ص) فیسمع منه (ص) الحدیث فیعجبه و لا یحفظه فشکی ذالک الی‌النبی (ص) فقال له رسول‌الله: استعن بیمینک و او مأبیده، ای خط.

۲۱ ـ عن ابی بصیر، قال سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول: اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا (بحار ج ۲، ص ۱۵۲).

۲۲ ـ و عنه علیه‌السلام، القلب یتکل علی‌الکتابه (بحار ج ۲ ص ۱۵۲).

۲۳ ـ کتاب عاصم‌بن حمید عن ابی‌بصیر، قال: ابوعبدالله علیه‌السلام اکتبوا فانکم لاتحفظون الا بالکتاب (بحارالانوار ج ۲ ص ۱۵۳).

۲۴ ـ تاریخ قرآن کریم ـ محمدباقر حجتی.

۲۵ ـ همان، ص ۲۰۱ به بعد.

۲۶ ـ محجة‌البیضا، ج ۱ ص ۲۱.

۲۷ ـ اطلبوالعلم من‌المهد الی‌اللحد. (حدیث)

۲۸ ـ لو کان‌العلم فی‌السماء لطلبوه رجال من‌الفرس. (حدیث)

۲۹ ـ

۳۰ ـ

۳۱ ـ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق / گورگیس عواد، ص ۸ ـ ۱۰۷.

۳۲ ـ تاریخ در ترازو / عبدالحسین زرین‌کوب.

۳۳ ـ کشف‌الظنون مقدمه ص ۳۴.

۳۴ ـ تاریخ قرآن کریم ص ۲۰۲.

۳۵ ـ بقره ۲۸۱.

۳۶ ـ مرآت‌الکتب مقدمه / ثقة‌الاسلام تبریزی.

۳۷ ـ حدیث ثقلین.

۳۸ ـ مرآت‌الکتب، مقدمه.

۳۹ ـ بحارالانوار ج ۱ باب‌العلم.

۴۰ ـ مرآت‌الکتب، مقدمه.

۴۱ ـ العلم صید والکتابه قید، قیدو ارحمکم... تعالی علومکم بالکتابة ـ کشف الظنون، مقدمه.

۴۲ ـ کشف‌الظنون ج ۱ ص ۶۳۷.

۴۳ ـ من سن سنة حسنه فله اجره و اجر من عمل بها الی یوم‌القیامه.

۴۴ ـ کشف‌الظنون ص ۳۴ مقدمه.

۴۵ ـ مرآت‌الکتب، مقدمه

۴۶ ـ کشف‌الظنون ص ۶۳۷.

۴۷ ـ اسدالغابه ابن اثیر ج ۱ ص ۷۷.

۴۸ ـ مرآت‌الکتب، مقدمه.

۴۹ ـ همان، مقدمه.

۵۰ ـ صحیح بخاری ج ۹ ص ۱۴ و ج ۱ ص ۳۸.

۵۱ ـ کیهان اندیشه ۳۱، (شهریور ۱۳۶۹) ص ۸ ـ ۵۷.

۵۲ ـ ابن شهر آشوب، معالم‌العلماء.

۵۳ ـ الذریعه ج ۲ ص ۱۳۴ ـ ۱۲۵، کیهان اندیشه شماره ۱۴ ص ۴۸.

۵۴ ـ «له کتاب‌الفضائل و له اصل» کیهان فرهنگی صفحه ۱۴ مقاله علم رجال.

۵۵ ـ کتاب سلیم‌بن قیس ص ۸.

۵۶ ـ مرآت‌الکتب، مقدمه.

۵۷ ـ خزائن‌الکتب القدیمه فی‌العراق ص ۱۰۱.

۵۸ ـ همان ص ۱۰۳.

۵۹ ـ زندگی مسلمانان در قرون وسطی، آدام متز، ترجمه استخری ص ۲۱۳.

۶۰ ـ تاریخ تمدن اسلام/ جرجی زیدان، ترجمه علی جواهرکلام ص ۸ ـ ۶۳۷.

۶۱ ـ تاریخ آموزش ص ۱۵۲.

۶۲ ـ همان ص ۱۵۸.

۶۳ ـ یادنامه ادیب نیشابوری مقاله ناجی معروف ص ۱۲۳.

۶۴ ـ همان ص ۲۰۸.

۶۵ ـ همان ص ۲۰۶.

۶۶ ـ همان ص ۲۱۶.

۶۷ ـ همان ص ۲۲۰.

۶۸ ـ همان ص ۲۲۱.

۶۹ ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص ۱۷۵.

۷۰ ـ یادنامه ادیب نیشابوری ص ۲۲۲.

۷۱ ـ همان ص ۲۰۶.

۷۲ ـ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق.

۷۳ ـ تاریخ آموزش در اسلام ۱۵۲؛ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق ۱۰۶.

۷۴ ـ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق ص ۱۳۱

۷۵ ـ کتابخانه‌های ایران و تعدادی از کتابخانه‌های قدیم / ایرج افشار ص ۸ ـ ۵.

۷۶ ـ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق ص ۱۳۱.

۷۷ ـ همان ۱۴۵.

۷۸ ـ اول مدرسه فی العراق مدرسه امام ابی حنیفه دکتر مصطفی جواد بنقل از خزائن‌الکتب ص ۱۵۱.

۷۹ ـ همان ص ۱۵۱.

۸۰ ـ کامل ابن اثیر ج ۱، ص ۵ ـ ۵۴.

۸۱ ـ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق و معجم‌الادبا ج ۲۰ ص ۹.

۸۲ ـ خزائن‌الکتب‌القدیمه فی‌العراق ص ۱۷۸.

۸۳ ـ تاریخ قرآن کریم ص ۳۴۱.

۸۴ ـ معجم‌الادبا ج ۱۱ ص ۱۶۰.

۸۵ ـ پایگاه محمدالندیم در کتاب شناسی / محمدحسین ساکت.

۲

در جستجوی نظریه‌ای علمی برای خدمات ارجاعی و اطلاعاتی*

در این مقاله تحول نظریه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی[1] از آغاز تا زمان حال مورد بحث قرار می‌گیرد. اگرچه کتابخانه‌ها خدمات ارجاعی و اطلاعاتی خود را در اواخر قرن ۱۹ آغاز کردند، ولی کار آنان مبنائی علمی نداشت. اولین گام واقعی به منظور ارائه نظریه‌ای (علمی) در این موضوع در سال ۱۹۳۰ برداشته شد که در آن هنگام «ویر» در ایالات متحده طرز تلقی کتابداران را در قبال کمک به خوانندگان مورد بررسی قرار داد. از سال ۱۹۳۰ تاکنون، اگر چه پیشرفت این موضوع چشمگیر بوده است، ولی در مورد نظریه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی در مقایسه، بخصوص در بریتانیا، یا ابداً تحقیق نشده و یا به طور کامل انجام نگرفته است. به هر حال، در چند سال اخیر، درباره موضوع فوق، مقالات نوشته شده بسیار است و تحقیقات انجام شده در سایر رشته‌ها نیز درباره آن به بحث پرداخته است. با این هدف که تحقیقات جامع منظم بیشتری

---

* ـ این مقاله نوشته کنت ویتاکار *(Kenneth Whittakar)* است و ترجمه آن در نشریه اطلاع رسانی، نشریه فنی مرکز مدارک علمی در سال ۱۳۵۷ چاپ شده است.

در موضوع خدمات ارجاعی و اطلاعاتی صورت گیرد. طرحی بنیادی فهرست وار ذکر گردیده است. این طرح بنیادی شامل اصطلاحات، طبیعت و هدف، دامنه و شاخه و ارتباط موضوع فوق با سایر موضوعات است.

خدمات ارجاعی و اطلاعاتی نامی است که عموماً به شاخه‌ای از علم کتابداری اطلاق می‌شود که در آن به وسیله کارمندان، ارتباط بین مجموعه کتابخانه از یک طرف و خوانندگان از طرف دیگر برقرار می‌شود. ـ نام سنتی این شاخه از علم کتابداری خدمات ارجاعی (مرجع) است ـ خدمات ارجاعی و اطلاعاتی یکی از مهمترین شاخه‌های علم کتابداری است که با کمال تعجب از نقطه نظر علمی (دیدگاه نظری) کمتر درباره آن مطالعه شده است. اگر چه بعضی از نویسندگان انگلیسی در این موضوع مطالبی نوشته‌اند. ولی مقاله «امری[۲]» به نام گامهایی در نظریه خدمات ارجاعی (۱) تنها منبعی است که من از طریق آن توانستم اثری از این موضوع پیدا کنم. در این زمینه، بخصوص در سالهای اخیر، تعدادی از نویسندگان امریکایی (۲) و حداقل یکنفر هندی (۳) مقالاتی نوشته‌اند.

دو علت عمده در مورد اینکه چرا درباره نظریه خدمات ارجاعی (نامی که اغلب برای این موضوع به کار می‌رود) تا این اندازه کم کار شده بوسیله واورک [۳] (۴) عنوان شده است. این دو علت عبارتند از: اول عدم اطمینان نسبت به این مساله که آیا در واقع نیازی برای تحقیق درباره ساختمان مفهومی [۴] خدمات ارجاعی و اطلاعاتی وجود دارد یا خیر، و دوم احساس عمومی نسبت این امر که روش ارجاعی چیزی جز حمایت کامل برای بازیابی منابع مکتوب نیست.

علاقه من نسبت به این موضوع از زمانی آغاز شد که قرار بود یک سخنرانی درباره آن ایراد کنم و در آنجا فهمیدم که تا چه اندازه منابع قابل دسترسی در این موضوع کمیاب است. سپس با تحقیقی که برای رساله‌ام تحت عنوان «توسعه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی در کتابخانه‌های عمومی بریتانیا در سالهای ۱۹۴۰ ـ ۱۸۵۰» (۵) داشتم این موضوع را دنبال کردم. اگر چه تحقیق فوق الذکر نیز درباره نظریه خدمات ارجاعی بحث می‌کرد ولی من در بحث فعلی، اختصاصاً درباره نظریه ارجاعی سخن خواهم گفت. بخصوص اینکه در حال حاضر کوشش من درباره دوچیز است: اول این که به طور کلی نشان دهم که تا چه اندازه این موضوع تا به حال توسعه یافته است (۶) و موقعیت فعلی آن به طور خلاصه چگونه است (برحسب تصادف این سال یعنی ۱۹۷۶ سال مناسبی است، زیرا که درست صدسال از زمانی که اولین مقاله درباره خدمات ارجاعی و اطلاعاتی چاپ و منتشر شده است می‌گذرد) (۷) دوم، سعی دارم که طرحی بنیادی

برای توسعه نظریه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی ارائه دهم. برای این منظور به ناچار بایستی نسبت به تعدادی از نوشته‌های مهمی که در این زمینه نوشته شده‌اند اظهارنظر کنم. ولی باید توجه داشت که هدف اصلی من از این کار بررسی متون موجود در این موضوع نیست.

با وجودی که نظریه خدمات ارجاعی به وسیله تعداد زیادی از نویسندگان علوم کتابداری به کار رفته است ولی به ندرت مفهوم آن تعریف و مشخص شده است. در حال حاضر، تعریفی که بر آن توافقی باشد وجود ندارد. در هرحال، شکی نیست که معنای عام آن روشن است و نظریه ارجاعی شکل خلاصه شده‌ای از نظریه خدمات ارجاعی است. غالب مطالعاتی که در گذشته درباره این موضوع به عمل آمده نشان می‌دهد که در آنها نظریه ارجاعی با مطالعه عقاید گوناگون کتابداران نسبت به میزان کمکی که کارمندان کتابخانه باید به متقاضیان خود بدهند، یکی دانسته شده است، اگر چه کار پاسخ به متقاضیان همواره در قلب خدمات ارجاعی و اطلاعاتی قرار داشته است ولی همه کار ارجاعی تنها پاسخ به متقاضیان نیست بلکه بخش کوچکی از آن است. در واقع در حال حاضر، تعداد فزاینده‌ای از نویسندگان به این طرز فکر گرایش دارند که هدف نظریه ارجاعی تنها پاسخگویی به متقاضیان نیست بلکه این موضوع شامل جنبه‌های گوناگون خدمات ارجاعی و اطلاعاتی است مانند بخش اطلاعات گزینشی و آموزش خوانندگان.

بنابراین، نظریه ارجاعی به کلیه فعالیتهائی مربوط می‌شود که عمل (خدمت) ارجاعی[5] بدان بستگی دارد. و در واقع نظریه ارجاعی باید از عمل‌های ارجاعی برای یافتن مواد خامی که در شکل دادن و تنظیم مفاهیم و اصول بدان نیازمند است هرچه بیشتر کمک بگیرد. البته، درست همانطوری که نظریه ارجاعی به پدیدآمدن خدمات ارجاعی منتهی می‌شود. باید خدمات ارجاعی نیز به نوبه در پیدایش نظریه ارجاعی سهمی داشته باشند. به هرحال در صورت فقدان نظریه‌ای که بدان استناد شود کار ارجاعی به طور سنتی در حالتی آزمایشی انجام می‌شده است. بنابراین، اطلاعات در راه توسعه نظریه ارجاعی باید اساساً به طور غیرمستقیم از مطالعه خدمات ارجاعی و اظهاراتی که در مورد آن می‌شود گرفته شود. در هر صورت، پاره‌ای از اطلاعات در زمینه نظریه ارجاعی را می‌توان مستقیماً از مطالعه تاریخ فعالیت‌های ارجاعی به دست آورد(۸).

قبل از سال ۱۹۰۰

با توجه به آنچه که می‌تواند مرا نسبت به اصل و منشا خدمات ارجاعی و اطلاعاتی

راهنمایی کند، شواهد گواهی می‌دهند که تا قبل از آخرین ربع قرن ۱۹، این امر به وسیله کتابداران به طور انفرادی تمرین می‌شده است ولی آنچنان نبوده است که از طرف جهان کتابداری مورد توجه خاص قرار گیرد(۹). تنها این موضوع هنگامی ارزش بحث کردن را یافت که یکی از پیشروان خدمات ارجاعی در امریکا به نام سموئل اس. گرین [۶] در کنفرانس کتابداران در سال ۱۸۷۷ در لندن، توجه حاضران را به این موضوع جلب نمود. «گرین» با گزارشی که به کنفرانس مزبور ارائه داد باعث شد که کتابداران حاضر در آن کنفرانس به دو گروه (موافق و مخالف) تقسیم شوند. گروه اول همچون «گرین» عقیده داشتند که کتابداران باید به خوانندگان خود کمک و از این کار استقبال کنند. گروه دیگر نظری مخالف ابراز داشتند و معتقد بودند که وظیفه کتابدار این است که از کتابها نگهداری کند. آنها می‌گفتند که کتابدار:

«اگر دوست داشته باشد می‌تواند خواننده را بپذیرد، ولی با آگاهی کامل از اینکه تنها خواننده با موافقت ضمنی مجاز است بداخل راه یابد».(۱۰)

به هر جهت، اگر چه عقاید «گرین» با مخالفت روبرو شد، ولی در طول دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰، تعدادی از کتابخانه‌های عمومی ایالت های مختلف پذیرفتند که کمک به خوانندگان باید به عنوان سیاستی در بخش‌های امانت و مرجع مورد قبول واقع شود. این کمک به دو شکل صورت می‌گرفت: راهنمائی در انتخاب کتاب (اساساً در بخش امانت) و پاسخ به سؤالات متقاضیان (اساساً در بخش مرجع). به عنوان مثال، در لید[۷] و در آغاز دهه ۱۸۹۰ راهنمائی در انتخاب کتاب بطور منظم اعمال می‌شد.

«در راه کمک به جوانان و سالخوردگان. به منظور یافتن کتاب مناسب و بهترین نوع استفاده از خوانندگان چیزی فروگذار نشده است(۱۱).

کمک به خوانندگان در یافتن اطلاعات نسبت به راهنمائی در مورد انتخاب کتاب کندتر توسعه یافته است و تنها در سالهای اولیه قرن ۲۰ بود که این امر بعنوان یک وظیفه مورد قبول کتابخانه‌های عمومی واقع شد. در هر صورت در اوایل سال ۱۸۸۴، در «منچستر» خدمات ارجاعی در کتابخانه‌ها انجام می‌شده است. در آن سال، یک استفاده کننده از کتابخانه به منچستر گاردین[۸] نوشت که:

«من همواره شاهد بوده‌ام که دستیاران در این کتابخانه با علاقمندی و توجه فراوان به جویندگان اطلاعات کمک می‌کنند(۱۲).

ممکن است این نوع خدمت در کتابخانه «منچستر» در دهه ۱۸۵۰ نیز وجود داشته است زیرا

که «ادواردز» اولین کتابدار منچستر، مطمئناً به خدمت به خواننده اعتقاد داشت لکن دلیلی برای اثبات این مدعا وجود ندارد.

در مقاله‌ای که توسط «بورگس»[9] در دهه ۱۹۲۰ نوشته شده، آمده است که در پایان قرن ۱۹ خدمات ارجاعی از نوعی که ذکر آن رفت در کتابخانه‌های عمومی کاملاً وجود داشته است، وی در مقاله خود، تاریخ کتابخانه‌های عمومی را به دوقسمت می‌کند و دومین قسمت آن را پس از سال ۱۹۰۰ می‌داند که آن را دوره خدمات اطلاعاتی نام نهاده است(۱۳)

۱۹۰۰ - ۱۹۳۹

به عمل پاسخگویی به تقاضای اطلاعاتی خوانندگان، همانطوری که متداول و معمول شده نام ارجاعی[10] داده شده است. اولین استفاده از این اصطلاح در مطبوعات حرفه‌ای بریتانیا بـه سال ۱۹۰۶ مربوط می‌شود(۱۴). تفاوت بین کار ارجاعی و کمک به خـوانـندگان در انـتخاب کتاب‌های مورد نظرشان، تصادفاً در سال های ۳۹ - ۱۹۲۰ به پیدایش اصطلاحی مخصوص به نام «کار مشاوره و راهنمائی خوانندگان» که به اقدام اخیر اطلاق میشد انجامید. در سالهای اخیر، تفاوت بین این دوشکل همکاری بصورت زائدالوصفی از بین رفته است.

با شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) وجود نظریه ارجاعی را بسختی می‌توان محقق دانست در حالی که کار ارجاعی مطمئناً وجود داشت. حداقل در کتابخانه‌های اختصاصی که در آنها، این عمل شاخه‌ای مشخص و مورد قبول از علم کتابداری بشمار می‌آمد. در طول جنگ جهانی و پس از آن، موقعیت کتابدار مرجع در کتابداری بخصوص در کتابخانه‌های اختصاصی که به وسیله کارخانجات صنعتی و سازمانهای تحقیقاتی برپاشده بود مقدار قابل توجهی افزایش یافت. در واقع کتابداران این سازمانها در بعضی موارد ترجیح می‌دادند که خـود را مـدیران اطـلاعاتی[11] بنامند زیرا که سروکار آنها با یافتن اطلاعات بود نه مشخص نمودن جای کتابها.

با وجودی که پاسخگوئی به تقاضاهای اطلاعاتی در فاصله بین دوجنگ جـهانی ۱۹۳۹ - ۱۹۱۸، در بسیاری از کتابخانه‌ها، بخش شناخته شده‌ای از خدمات به خواننده بود، مـعذلک، اختلافات قابل توجهی وجود داشت مبنی بر اینکه یک کتابدار تا چه اندازه موظف است بـه متقاضیان اطلاعاتی کمک و یاری دهد.

بر اساس این نظرات متفاوت بود که «ویر»[12] آمریکائی، اصطلاح نظریه کار ارجاعی را در کتابش بنام «کار ارجاعی» در سال ۱۹۳۰ بکار برد.(۱۵) منطقاً قابل قبول است که شروع کار برد

نظریه ارجاعی را به عنوان یک موضوع رسمی به ویر نسبت دهیم. از آن پس، به طور آشکارا می‌بینیم که نظریه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی به طور کامل متعاقب انجام خدمات ارجاعی وجود داشت نه مقدم برآن، به طوری که بتواند اساسی باشد برای اینکه اعمال ارجاعی بر آن بنا شوند. نظریه ویر به آن اندازه کافی نبود زیرا که دامنه خدمات ارجاعی به کار پاسخگویی به متقاضیان محدود شده بود. اما در هر حال، در راه توسعه و پیشرفت یک نظریه کامل قدمی اساسی بشمار می‌رفت.

«ویر» در زمان خویش، نسبت به عمل پاسخگوئی به سؤالات متقاضیان در جهان کتابخانه سه طرز تلقی متفاوت را مشخص می‌کند. از نظر وی این سه طرز تلقی عبارتند از طرز تلقی محافظه کارانه، متوسط و آزاد(۱۶). در حال حاضر، نویسندگانی که درباره نظریه ارجاعی مطلب می‌نویسند ممکن است طرز تلقی‌های فوق را به طریق دیگری نامگذاری کنند. اما باید دانست که هنوز هم نظرات فوق بخش مهمی از یک نظریه به حساب می‌آیند، گرچه در واقع فقط بخش کوچکی از آن است. کتابدارانی طرز تلقی محافظه کارانه دارند که معتقدند باید متقاضیان آموزش ببینند تا خود بتوانند سؤالات خویش را بازیابند و انتظار حداقل کمک را داشته باشند. طرز تلقی متوسط و معمولی نظری است که در آن کتابدار به خواننده و متقاضی تا حدی منطقی کمک می‌کند. طرزتلقی آزاد همانگونه که ویر بدان معتقد است، این است که کتابدار تا بیشترین حد ممکن به متقاضی یاری می‌دهد.

در متون حرفه‌ای کتابداری بریتانیا در دهه ۱۹۳۰ نظریه ارجاعی حتی با همان شکل و مفهوم محدودی که «ویر» عنوان کرده است به جز در یک بند (پاراگراف) که به وسیله کاولی[۱۳] در کتاب استفاده از مواد ارجاعی (۱۷) (چاپ ۱۹۲۷) بیان شده است اثری به چشم نمی‌خورد، کاولی دو طرزتلقی را در این موضوع مشخص می‌کند: اول آنکه وظیفه کتابدار را به یافتن مواد درخواستی متقاضی محدود می‌کند، دوم اینکه کتابدار موظف است که متقاضی را در استفاده از مواد عرضه شده یاری دهد.

۱۹۴۰ ـ ۱۹۷۵

پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ ـ ۱۹۳۹)، نظریه ارجاعی در بریتانیا تا قبل از تألیف و انتشار کتاب دستیاری به خوانندگان در کتابخانه‌های امانی(۱۸) به وسیله فاسکت[۱۴] در سال ۱۹۵۲ هنوز به طور کامل توسعه نیافته بود، در حالی که در خلال جنگ، هم در هندوستان و هم

در ایالات متحده، پیشرفتهایی در این زمینه دیده می‌شد. در هندوستان «رانگاناتان» نظرات خویش را در زمینه خدمات ارجاعی در کتاب خدمات ارجاعی و کتابشناسی(۱۹) که با همکاری «سوداران»[۱۵] بین سالهای ۴۱ ـ ۱۹۴۰ تهیه کرده بود انتشارا داد. رانگاناتان به عنوان یکی از پیشروان تحول نظریه طبقه‌بندی شناخته شده، در حالی که سهم وی در زمینه نظریه ارجاعی کلاً از نظرها دورمانده است. در واقع عنایت رانگاناتان نسبت به این مسأله باید به قبل از سال ۱۹۴۰ برگردد. زیرا در سال ۱۹۳۱ بود که وی کتاب «۵ قانون در علم کتابداری»(۲۰) را منتشر کرد. وی سپس درباره قوانین مزبور نوشت:

«هریک از ۵ قانون علم کتابداری به خدمات ارجاعی به عنوان وظیفه عالی و نهایی یک کتابخانه اشاره می‌کنند»(۲۱) ولی توسعه و پیشرفت واقعی نظرات وی را باید متعاقب انتشار کتاب او در سالهای ۴۱ ـ ۱۹۴۰ دانست. در این کتاب رانگاناتان نشان می‌دهد که مسأله خدمات ارجاعی تا چه اندازه ضروری است. زیرا که مجموعه باز با اصول طبقه‌بندی و غیره در کتابخانه تا حدودی می‌تواند خوانندگان را راهنمایی و کمک کند. این روشها (به قول وی) باید به وسیله کمک و راهنمایی کارمندان متخصص تکمیل شود. او خاطرنشان می‌کند که این همکاری زمانی تحقق خواهد یافت که کتابخانه‌ها وظیفه خود بدانند که:

«همگان را در همسایگی کتابخانه در شمار استفاده کنندگان و خوانندگان دائمی کتابخانه درآورند.»(۲۲)

از نظر رانگاناتان، خدمات ارجاعی، علاوه برمشخص بودن باید دارای تحرک باشد، کتاب وی «خدمات ارجاعی و کتابشناسی» اختصاصاً به نظریه ارجاعی مربوط نبود، ولی واضح است که در آن ایده‌های اساسی درباره موضوع مطرح شده بود. در واقع در تمام فصول کتاب، موضوع خدمات ارجاعی و اطلاعاتی چنان تجزیه و تحلیل شده بود که تا آن زمان سابقه نداشت و به گونه‌ای که از آن می‌توان یک نظریه خدمات ارجاعی مشخص، جامع وسیعی را استنباط کرد. در سال ۱۹۶۱، رانگاناتان، در کتاب خویش تجدیدنظر کرد و آن را «خدمات ارجاعی» نام نهاد(۲۳) ولی نظر وی در مورد نظریه ارجاعی تغییری نکرد. در همین زمان یک هندی دیگر به نام «عبدالرحمن» مقاله‌ای تحت عنوان «فلسفه خدمات ارجاعی»(۲۴) نوشت که در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت. در این مقاله او، پیش از آنکه سهم رانگاناتان را در موضوع خدمات ارجاعی بیان کند خلاصه جالبی از نظریه ارجاعی وی به دست می‌دهد.

در ایالات متحده «پی یرس باتلر»[۱۶] در نشریه خود به نام «وظیفه مرجع در کتابخانه»(۲۵)

موضوع خدمات ارجاعی را بررسی می‌کند. به عقیده وی، کار ارجاعی عبارت است از:

«فرایندی[17] که بوسیله آن انسان متمدن می‌تواند بمیل خود اطلاعات مشخص خود را با استفاده از کتابهایی که در درون کتابخانه سازمان یافته‌اند بیابد.»(۲۶)

این تصورکلی از کارارجاعی از تصورات قبلی آن باستثنای آنچه توسط «رانگاناتان» عنوان شده بود بسیار وسیعتر است. و در واقع به کار ارجاعی از دید کمک های سنتی به خوانندگان نمی‌نگرد.

«فاسکت» کتاب خود «دستیاری به خوانندگان در کتابخانه‌های امانی»(۲۷) را اگرچه ده سال بعد از «باتلر» می‌نگارد، اما با بینشی جدید، همان برداشت کاملاً سنتی را از قضیه دارد. وی در آن کتاب نشان می‌دهد که چرا کمک به خوانندگان در بخش‌های امانی کتابخانه‌های عمومی این چنین کند توسعه‌یافته و همیشه نسبت به اطلاعات قابل دسترسی در بخش‌های مرجع کتابخانه عقب تر بوده است. «فاسکت» خاطرنشان می‌کند که نقش خدمات اطلاعاتی کتابخانه‌ها نباید به کتابخانه‌های مرجع منحصر و محدود شود، بلکه در تمام قسمتهای کتابخانه باید اعمال گردد. وی همچنین روشن می‌کند که چرا کمک به خوانندگان در کتابخانه‌های اختصاصی نسبت به کتابخانه‌های عمومی کاربرد بیشتری دارد. زیرا نقش وجودی کارمندان کتابخانه‌های تخصصی صرفاً در ارتباط با خواننده و کمک به اوست. وی معتقد است که برداشت یک کتابدار کتابخانه اختصاصی مبنی بر اینکه وی وظیفه دارد با تمام قوا در راه پاسخ گوئی به هرگونه نیاز اطلاعاتی خواننده بکوشد باید در سطح وسیعتر و قابل توجه‌تری درکتابخانه‌های عمومی نیز اعمال گردد.

ارضاء نیازهای اطلاعاتی خواننده در نظر «بنج»[18] نیز بسیار با اهمیت بود، وی در کتاب خود که به نام «کتابشناسی و تدارک کتابها»(۲۸) که در سال ۱۹۶۳ انتشار یافت می‌نویسد:

«هدف تمام فعالیت های کتابخانه و عالی‌ترین نوع خدمت آن باید این باشد که نیازهای اطلاعاتی تمام خوانندگان را همچون فردفرد آنان برآورده کند.»(۲۹)

«بنج» نگارش کتابی را تدارک می‌دید که در آن خدمات ارجاعی با تمام ابعاد ممکنش تجزیه و تحلیل شود. شش اصل خدمات ارجاعی وی (خواندن، نوشتن، خدمات کتابخانه، انتشار، کتابشناسی و جایگزینی) نشان می‌دهد که خدمات ارجاعی تا چه اندازه در نظر وی وسیع بوده است. وی بعد جدیدی در رسیدن به نظریه ارجاعی را بیان می‌دارد.

در ضمن، کتاب «بنج» شامل تجزیه و تحلیلی از سطوح خدمات کتابخانه است. او معتقد بود که خدمات کتابخانه در سه سطح مجزا از یکدیگر باید در نظر گرفته شود. برحسب نام‌هایی که

وی می‌دهد این خدمات به ترتیب صعودی عبارتند از: تدارک حداقل امکانات سنتی، تدارک برای خوانندگان به طور عموم و تدارک برای خوانندگان به عنوان فردفرد. این تجزیه و تحلیل، با تجزیه و تحلیل‌هایی که توسط نویسندگان امریکائی به عمل آمده بود موافق از آب درآمد.(۳۰)

پس از سه سال از انتشار کتاب «بنج»، نظر جامع دیگری در باره نظریه ارجاعی به وسیله آلن ـ ریز[۱۹](۳۱) در ایالات متحده عنوان شد. در سال ۱۹۶۶، «ریز» روش خدمات ارجاعی را چنین تعریف کرد که:

«نه تنها شامل تشخیص و مهارت نسبت به وسائل کتابشناختی موجود است بلکه همچنین متضمن اجرا و بهره‌برداری از متغیرهای روانشناختی، جامعه شناختی و محیطی است که در زمان حاضر کاملاً شناخته نشده‌اند.(۳۲)

«واورک» در مقاله‌ای به نام «نظریه‌ای برای خدمات ارجاعی»(۳۳) که در سال ۱۹۶۸ منتشر کرد به اهمیت نظرات «ریز» تأکید می‌کند و معتقد است که تنها چنین نظریه‌های وسیع و پایه‌ای می‌تواند کافی باشد. جمله مشهور وی «مرجع همان کتابخانه است»(۳۴) اساس و پایه‌ای را مشخص می‌کند که وی در نظر دارد. او همچنین نشان می‌دهد نظریه ارجاعی تا چه اندازه نسبت به حالتی که فقط به میزان کمکی که متقاضی دریافت می‌کرد. اطلاق می‌شد، توسعه یافته است.

به هر حال این موضوع مجدداً در سال ۱۹۶۵ که «آنیتاشیلر»[۲۰] مقاله‌اش را به نام «خدمات ارجاعی، آموزش و یا اطلاعات»(۳۵) انتشار داده مورد بحث و مجادله قرار گرفت. علت تجدید علاقه نسبت به موضوع مورد بحث این بود که برنامه‌های آموزشی رسمی کتابخانه‌ای در کتابخانه‌های دانشگاهی گسترش یافته بود. این گسترش این سؤال را به وجود آورده بود که: آیا در اجرای خدمت به خواننده باید تاکید کمتری بر روی پاسخ به پرسش‌های متقاضیان اطلاعاتی باشد و بیشترین تأکید به آموزش آنان به منظور اینکه خود بتوانند سؤالات خویش را بازیابند اختصاص یابد؟ سؤالی که هنوز لاینحل مانده است. همچنین نسبت به اینکه آموزش کتابخانه‌ای باید وظیفه کتابدار مرجع باشد و یا وظیفه کارمندان کتابخانه‌هائی که در آموزش خوانندگان تخصص دارند تصمیمی گرفته نشده است. ولی احتمالاً اکثر کتابداران با عقیده «روتشتاین»[۲۱](۳۶) موافقند که می‌گوید؛ خدمات ارجاعی شامل آموزش در استفاده از کتابها وکتابخانه است، همانطوری که به راهنمایی در انتخاب کتاب و خدمات اطلاعاتی نیز مربوط است. و به طور قطع، وینار در مقاله‌اش زیر عنوان «نظریه ارجاعی. موقعیتی که برای آن امیدی نیست اما ممکن هست»(۳۷) در سال ۱۹۶۷، ترجیح داد که آموزش کتابخانه را در حوزه مطالعه

خود قرار دهد.

وی در این مقاله تا بدان پایه ادامه می‌دهد که می‌گوید:

«تا آنجا که به نظریه ارجاعی مربوط می‌شود، چیزی وجود ندارد»(۳۸)

به هر حال، او در کار محققانی که خارج از حوزه کتابداری در زمینه‌های استفاده و مبادله اطلاعات کار می‌کنند امیدی می‌یابد. حق هم با اوست زیرا که در این رشته‌ها بوده است که حداقل یکی از آثاری که درباره نظریه ارجاعی در چند سال اخیر نوشته شده است تا میزان قابل توجهی، قاعده‌ای را در خارج از حوزه کتابداری عنوان کرده است. مقاله نیل[۲۲] تحت عنوان «حل مشکلات و روش ارجاعی»(۳۹) بر مطالعه نویسندگان در زمینه روانشناسی متکی است.

«وینار» نمی‌توانست پیش‌بینی کند که در ۹ سالی که بین انتشار نشریه وی و زمان حال فاصله است، تعداد مقالاتی که در زمینه نظریه ارجاعی نوشته شده تا چه اندازه زیاد است.(۴۰) او اگر اکنون قلم به دست می‌گرفت، مشکل می‌توان باور کرد که دوباره همان گفته قبلی خود را که «نظریه ارجاعی وجود ندارد» تکرار می‌کرد. ولی احتمالاً باز هم گفتن این مطلب صحیح است که هنوز نظریه ارجاعی مناسب وجود ندارد.

موقعیت فعلی

در حال حاضر، نظریه‌ای مناسب برای خدمات ارجاعی و اطلاعاتی وجود ندارد. علت اصلی آن هم این است که تاکنون تحقیق کافی در زمینه مسائل کتابخانه و اطلاعات انجام نگرفته است. به هر حال، دلیل دیگر در مورد فقدان نظریه‌ای مناسب برای خدمات ارجاعی این است که آنچه درباره این موضوع نوشته شده آن را به کار و روش پاسخگویی به متقاضیان محدود کرده است. اکنون بدون شک، کار پاسخ به سؤالات در قلب کار ارجاعی قرار دارد. ولی تنها بخشی از خدمات ارجاعی و اطلاعاتی است. آثاری چون آثار «امری»، تحت عنوان «گامهایی در نظریه ارجاعی»(۴۱) و پاگ[۲۳] به نام «به سوی علمی (دانشی) از کار ارجاعی: مفاهیم بنیادی»(۴۲) لازم است تا این موضوع را با تمام جوانبش بررسی کند. در واقع مقاله «امری» که تنها مقاله بریتانیایی در این موضوع است ارزش آن را دارد که درباره آن مطالعه بیشتری شود. «امری» برای نظر خویش دو دلیل خوب دارد: اول، معتقدات و برداشتهای بسیاری از نویسندگان متقدم در این موضوع نارساست، دوم اینکه به اهمیت نظریه ارجاعی اعتقاد دارد و خوب می‌داند که اگر به این موضوع از دیدی وسیع نگریسته شود ارزش و اهمیت نظریه فوق به مراتب روشن‌تر خواهد شد.

از آنجا که «امری» با دیدی وسیع به این موضوع می‌نگرد، تا حدی منطقی، ارتباط بین خدمات ارجاعی و اطلاعاتی را با سایر جنبه‌های کتابداری روشن می‌کند. در حالی که به ارتباط این موضوع با سایر رشته‌های علمی اشاره می‌کند. این یکی از ارزشهای رساله «واورک» تحت عنوان «رودررویی ارتباطات و خدمات ارجاعی»(۴۳) است که در آن به خوبی ارتباط بین نظریه ارجاعی و نظریه ارتباطات مشخص و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مطالعه (نظام) ارتباطاتی انسان می‌تواند وضعیت تصوری[۲۴] لازم را برای ارتباط مؤثر بین متقاضی و کتابدار به خوبی نشان دهد. در واقع اثر «واورک» به تمام معنا جالب است.

با بررسی کوتاهی که تاکنون در زمینه نظریه ارجاعی کرده‌ام بخصوص سعی من بر این بوده است که دامنه و شاخه‌های خدمات ارجاعی و اطلاعاتی و ارتباط آن را با سایر موضوعات روشن کنم. گرچه تحقیقات و مطالعات من هنوز در مراحل اولیه است، ولی در تدریس خود آن را دارای ارزش بسیار یافته‌ام. و در آن شکی ندارم که چنانچه نظریه‌های ارجاعی مناسب بیشتری پدید آید. کتابداران نیز از آن ها در عمل بهره خواهند برد. زیراکه من با «کتز»[۲۵](۴۴) کاملاً موافقم که می‌گفت کتابدارانی که به کار خدمات ارجاعی و اطلاعاتی مشغولند چنانچه در مورد اصالت و دقت خدمتی که انجام می‌دهند راهنمائی بیشتری بیش از آنچه که هست داشته باشند، وظائف خود را مؤثرتر انجام می‌دهند.(۴۵)

مبنائی برای توسعه آینده این موضوع

تاکنون (به وسیله نویسندگان) نشانه‌هائی راجع به طبیعت و دامنه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی اگرچه به طور منظم نبوده است، عنوان شده. بنابراین آنچه باقی می‌ماند این است که ماهیت آن صریحتر روشن شود و یک طرح بنیادی و همه جانبه که بر آن توسعه آتی و نظریه ارجاعی بتواند تحقق پذیرد ارائه گردد. قبل از ارائه این طرح، باید منظور خود را از نظریه ارجاعی روشن کنم. نظر من از نظریه ارجاعی شکل دادن به مفاهیم (از طریق مطالعه ایده‌ها، نظرها و عمل‌ها) است که به وسیله آن مفاهیم خدمات ارجاعی و اطلاعاتی بتواند مورد بررسی قرار گیرد و اصول آن دانسته شود. در ضمن باید گفت که منظور من از نظریه ارجاعی جنبه عملی آن است نه به صورت مطلق و خالص. «امری» دقیقاً نظریه ارجاعی را چنین توصیف می‌کند:

«نظریه ارجاعی، الزاماً یک نظریه عملی (راهنمائی برای اقدام فوری) است که به مقدار زیادی به عقاید تثبیت شده‌ای که در برابر تفکرات تحقق نیافته قرار می‌گیرد مربوط

می‌شود.»(۴۶)

با هر نظریه‌ای، حتی نظریه‌ای که ذاتاً عملی است. می‌توان به طور موفقیت‌آمیزی با آن ارتباط برقرار کرد در صورتی که اصطلاحات آن موضوع منطقاً مناسب و روشن باشد. متاسفانه اصطلاحات موضوع خدمات ارجاعی کاملاً مشخص نیست. بنابراین کوششهایی به منظور پیشبرد و توسعه این اصطلاحات شدیداً لازم است. ولی باید قبول کرد که برای مدتی کوششها (برای عرضه اصطلاحات) دارای ارزش محدودی هستند و خدمات ارجاعی و اطلاعاتی در مرحله انتقال از یک تمرین تجربی به سوی یک ضابطه علمی است. و همانگونه که «ویکری»[۲۶] در مطالعه خویش درباره نظریه ارجاعی نظام بازیابی اطلاعات بیان کرده است. در یک چنین دوره انتقالی اصطلاحات جدیدی به طور منظم عرضه می‌شود.(۴۷)

به نظر می‌رسد که اولین قدم در پیشرفت اصطلاحات این است که تصمیم گرفته شود که آیا اصطلاحات سنتی پایه، چون «کار ارجاعی» و «نظریه ارجاعی» برای استفاده بهترین هستند یا نه. من با این عقیده موافق نیستم. در حال حاضر، دلایل من به طبیعت و دامنه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی مربوط می‌شوند.

هدف خدمات ارجاعی و اطلاعاتی این است که به اطلاعات اجازه دهد که به طور کامل از منابع بسوی مصرف کنندگان اطلاعات جریان یابد. بدون کتابدار که منابع در اختیار اوست و جوینده‌ای که با وی همکاری می‌کند این جریان یا ابداً و یا به طور کامل تحقق پیدا نمی‌کند. بنابراین خدمات ارجاعی و اطلاعاتی از سه عنصر اصلی تشکیل یافته است: منابع اطلاعاتی، جوینده اطلاعات و کتابدار.(۴۸) و طبیعت خدمات ارجاعی و اطلاعاتی طوری است که این عناصر واقعاً چنان بهم آمیخته‌اند که خود نظام باز خورد[۲۷] را ایجاب می‌کند. تحقق نظام بازخورد باعث می‌شود که کارآیی فزاینده جریان اطلاعاتی در هر موقعیتی تضمین شود. بهترین نمونه این مساله را مورد موقعیت پرسشی[۲۸] می‌توان یافت که در آن معمولاً کتابدار به خاطر روشن‌تر شدن سؤال متقاضی از وی متقابلاً سؤالاتی به عمل می‌آورد.

البته کتابدار می‌تواند وظیفه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی را به طور موفقیت‌آمیزی ایفا کند. زیرا وی به مخزن وسیع اطلاعات دسترسی سریع دارد، مخزنی که منابع اطلاعاتی وی از آن تشکیل شده است. در حقیقت این مخزن اساسی است که خدمات اطلاعاتی کتابخانه‌ای بر آن بنا شده است.

همانطوری که پیشنهاد شده است خدمات ارجاعی و اطلاعاتی ذاتاً با اطلاعات و جریان آن

سروکار دارد. این شاید یک تعریف کاری از واژه اطلاعات باشد بخصوص از این نظر که لغت اطلاعات دارای معانی متعددی است. اطلاعات در اینجا به معنی علائم و نشانه‌هاست. چون حروف حامل پیامی هستند که به وسیله انسان فهمیده می‌شوند. و بنابراین باید به خاطر داشت که این علائم نه تنها حامل اطلاعات واقعی[۲۹] هستند، بلکه افکار و احساسات را نیز انتقال می‌دهند.

اگرچه لازم است درباره طبیعت خدمات ارجاعی و اطلاعاتی مطالعات بیشتری انجام شود ولی احتمالاً یک توافق نسبتاً کلی درباره آن هست.، به جز در مورد دامنه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی که توافقی کلی وجود ندارد. برای مثال، مسأله آموزش کتابخانه به عنوان جزیی از خدمات ارجاعی و اطلاعاتی مقبولیت عام نیافته است(۴۹). همانطوری که در مورد ساختمان مجموعه و حفاظت آن به عنوان جزئی از خدمات ارجاعی و اطلاعاتی توافقی نیست.(۵۰) برداشت شخصی من نسبت به دامنه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی و تصمیم‌گیری نسبت به آن، با در نظرگرفتن سه عاملی که هم اکنون ذکر آن رفت (منابع اطلاعاتی، جویندگان اطلاعاتی و کتابداران ارجاعی و اطلاعاتی) این بوده است که باید به جنبه‌های مختلف این عوامل توجه و آنهایی راکه با این عوامل در ارتباطند مشخص نمود. (در واقع، جنبه‌هایی را می‌توان یافت که فراتر از حد موضوعند و در مقابل جنبه‌هایی راکه تنها به عاملی مفرد محدود می‌شوند).

در یک تجزیه و تحلیل و بررسی در مورد جویندگان اطلاعات نشان می‌دهد که از ۵ نظر جویندگان اطلاعاتی به طریقی با جریان اطلاعاتی ارتباط پیدا می‌کنند، دو جنبه آخرین با جریان اطلاعاتی در مفهوم خدمات ارجاعی و اطلاعاتی آن ارتباط بیشتری دارد این پنج جنبه عبارتند از:

الف. جویندگان اطلاعاتی به عنوان تولیدکنندگان اطلاعات (زیرا که مردم همان گونه که به اطلاعات نیاز دارند، آن را تولید هم می‌کنند.)

ب. جویندگان اطلاعاتی به عنوان مصرف کنندگان آن.

ج. جویندگان اطلاعاتی به عنوان بازیابندگان آن.

د. جویندگان اطلاعاتی به عنوان مصرف کنندگان بالقوه یا عملی کتابخانه.

ه. جویندگان اطلاعاتی به عنوان متقاضیان آموزش کتابخانه.

نتیجه تجزیه و تحلیل سه عامل فوق‌الذکر این است که خدمات ارجاعی و اطلاعاتی به عنوان یک شته علمی دارای شاخه‌های اصلی زیرین و طبیعتاً، دامنه آن شامل جمع کل این

شاخه‌ها خواهد بود. اتفاقاً، خیلی ساده می‌توان هریک از این شاخه‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و طبیعت و محتوای آن را مورد بررسی قرار داد. اگرچه به طور مقایسه، در این موضوع بجز در مورد کار پاسخگویی به متقاضیان، کار زیادی انجام نشده است.(۵۱)

به هر حال، باید مشخص شود که آیا مواد انتشار یافته مفید و قابل توجهی درباره جنبه‌های مختلف ارتباط اطلاعاتی می‌توان یافت.(۵۲)

شاخه‌های مهم خدمات ارجاعی و اطلاعاتی

الف. جویندگان اطلاعاتی.

۱. نیازهای کتابخانه و استفاده از آن.

۲. آموزش کتابخانه.

ب. کتابداران ارجاعی و اطلاعاتی (خدمات اطلاعاتی مرکزی)

۱. کارپاسخگوئی (به نیازمندیهای اطلاعاتی)

۲. بخش اطلاعات گزینشی.

ج. منابع اطلاعاتی.

۱. مواد کتابخانه: خدمات موجود.

۲. کتابشناسی موضوعی.

باید توجه داشت که در تجزیه و تحلیل فوق، به این علت بخشی به نام بخش مرجع وجود ندارد (در برابر بخش امانت) که خدمات ارجاعی و اطلاعاتی باید در تمام بخش‌های کتابخانه جاری باشد، نه اینکه محدود به بخش مرجع گردد. این مطلب یکی از دلایل آن گفتاری است که اصطلاحات پایه‌ای سنتی چون خدمات ارجاعی را رضایت بخش نمی‌دانست. ولی دلیل دیگر این موضوع یعنی عدم صلاحیت کاربرد اصطلاحات سنتی این است که این اصطلاحات بعضی اوقات، فقط معادل کار پاسخگویی به متقاضیان اطلاعات به کار می‌روند که البته این پاسخگویی فقط یکی از شاخه‌های خدمات ارجاعی و اطلاعاتی است.(۵۳) پیشنهاد شده است که واژه ارجاعی یا مرجع با واژه «اطلاعات» جایگزین شود. بنابراین اصطلاحات خدمات اطلاعاتی باید بر اصطلاح خدمات ارجاعی مقدم باشد (و مقدم بر عبارت سنگین و طولانی «خدمات ارجاعی و اطلاعاتی». درست است که اصطلاح خدمات اطلاعاتی در یک معنای

دقیقتری از آنچه که در اینجا به کار رفته نیز استعمال شده است(۵۴)، ولی دقیقاً طبیعت موضوع مورد بحث را بیان می‌کند، یعنی با اطلاعات و خدمات هر دو سروکار دارد. کاربرد خدمات اطلاعاتی، از نظر شکل ظاهری، فایده دیگری دارد و آن این است که با «بازیابی اطلاعاتی» که برای موضوع وابسته آن در کتابداری به کار می‌رود برابر (قرینه)[۳۰] است. (اتفاقاً در اثر بحث فوق است که اصطلاح نظریه خدمات اطلاعاتی جایگزین اصطلاح نظریه اطلاعاتی می‌شود که باز هم از نظر شکل ظاهری، برابر با نظریه بازیابی اطلاعاتی است.)

دلیل اینکه چرا زمینه‌های بازیابی اطلاعاتی و خدمات اطلاعاتی به هم وابسته است این است که هدف هردویکی است و آن رساندن جویندگان اطلاعات به منابع اطلاعاتی است. به هر جهت، در بازیابی اطلاعات کوشش می‌شود که فقط از طریق کارمندان کتابخانه، به طور غیرمستقیم، با ارائه کاتالوگها، بروشورها و غیره همکاری به عمل آید و سپس خواننده را وامی‌گذارد که خود از منابع استفاده کند (اگر بتواند). در حالی که در خدمات اطلاعاتی دستیاری کارمندان به طور مستقیم و حضوری عرضه می‌شود.

لازم است ارتباط خدمات اطلاعاتی با سایر شاخه‌های کتابداری و رشته‌های دیگری که در خارج از محدوده کتابداری است تا آنجا که به عناصر و شاخه‌های اطلاعاتی مربوط است تجزیه و تحلیل شود در این مورد ۵ زمینه کاملاً مشخص برای مطالعه می‌توان پیشنهاد کرد.

۱. ارتباط نظریه خدمات اطلاعاتی با نظریه کتابداری. این مسأله شامل بررسی ارتباط نظریه بازیابی اطلاعاتی نیز می‌شود همچنین تحقیق اهمیت مقایسه‌ای خدمات اطلاعاتی را نیز در بردارد.

۲. ارتباط نظریه خدمات اطلاعاتی با تمرین کتابداری. البته بخصوص، ارتباط با تمرین خدمات اطلاعاتی (در کتابخانه).

۳. ارتباط خدمات اطلاعاتی با خدمات اطلاعاتی غیرکتابخانه‌ای. زیراکه خدمات اطلاعاتی تنها منحصر به کتابخانه‌ها نیست. بلکه در مراکزی چون مراکز تجزیه و تحلیل اطلاعات و دفاتر اطلاعاتی استفاده‌کنندگان نیز یافت می‌شود.

۴. ارتباط بین خدمات اطلاعاتی و علم اطلاع رسانی، گرچه بدون شک این ارتباط شامل سه مورد قبلی نیز می‌شود. آخرین زمینه ممکن برای مطالعه به ارتباط‌های بین رشته‌ای[۳۱] خدمات اطلاعاتی مربوط می‌شود. این ارتباط ها هم متنوع و هم متعددند. رشته‌های زیر

بخصوص به خدمات اطلاعاتی مربوطند (در واقع بسیاری از آنها به کتابداری به معنای اعم آن مربوط می‌شوند، این فهرست قطعی نیست و تنها جنبه راهنمایی دارد و به ترتیب الفبایی عبارتند از: آمارها، جامعه شناسی، روانشناسی، ریاضیات، زبانشناسی، علوم کامپیوتر، مدیریت و طرح سیستمها، مطالعات ارتباطی و منطق. نقطه آغاز تحقیق در زمینه روابط بین رشته‌ای خدمات اطلاعاتی را می‌توان به مطالعه‌ای که در مجارستان در سال ۱۹۷۲، در مورد جنبه‌های بین رشته‌ای علم اطلاع رسانی انجام گرفته است مربوط دانست.

شکی نیست که مطالعه روابط بین رشته‌ای خدمات اطلاعاتی باید با مطالعه ارزش ماهوی[۳۲] این رشته‌ها از نظر کتابداران همراه باشد. زیرا مسلم است که مقدار قابل توجهی از علوم بسیار مفیدی که در کتابخانه کاربرد دارد در نتیجه این تحقیق کشف خواهد شد.

همانطوری که نشان داده شده است قبل از اینکه نظریه خدمات ارجاعی و اطلاعاتی به ابعاد و تعاریف مناسبی دست یابد باید در زمینه اطلاعات، طبیعت و مقصود، دامنه، شاخه‌ها و محتوا و سرانجام ارتباط خدمات اطلاعاتی (با سایر موضوعات) چه در محدوده علم کتابداری و چه در خارج از آن تحقیق کافی به عمل آید. اگر چه تحقیق در مورد خدمات اطلاعاتی ممکن است مشکل باشد، زیراکه بخصوص زمینه‌ای خود شمول[۳۳] نیست (یعنی خود موضوعی برای بحث ندارد) ولی باید امیدوار بود که بتوان نظریه آنرا توسعه داد. همان‌گونه که تجربه در یکی دو دهه اخیر امکان توسعه نظریه بازیابی اطلاعات را به اثبات رسانده است.

صحیح است که توسعه رضایتبخش، اساساً از تحقیقات جامع و منظم با استفاده از روشهای تحقیقی موجود و قابل اعمال در علم کتابداری ناشی می‌شود (و مسلم است که مواد خام برای یک چنین تحقیقاتی در فعالیتهای کتابخانه و رشته‌های دیگری که قبلاً ذکر آن رفت، موجود است) همچنین صحیح است گفته شود که برای راهنمایی و تحریک امر پژوهش در این مسأله، عرضه مقدار منطقی افکار و ایده‌ها نیز ضروری است. زیرا مسلم است که ایده‌ها و افکار، بخصوص در پیشبرد نظریه یک موضوع نقشی اساسی دارند. بنابراین امیدوارم که آنچه که اکنون نوشته‌ام نه تنها اساس و پایه‌ای برای تحقیقات آینده باشد بلکه باعث شود که ایده‌ها و افکاری که الزاماً در پیشرفت تحقیق مؤثرند نیز پدیدار گردد.

منابع و مآخذ

(1) Emery, R. Steps in Reference Theory. Libr. Ass., 72 (3) March 1970, 88 - 90.96.

اخیراً در یکی از مجلات بریتانیایی در موضوع نظریه ارجاعی مطالب بیشتری بوده است که به وسیله یک کانادایی نوشته شده است:

Mc Fadyen, d.The Psychology of enquiry. j. Of Librarianship, 7(1) Jan. 1975, 2 - 11.

سه مقاله زیر ارزش خواندن دارد:

(2) Rothstein, S. Reference Service: the new dimension in librarianship. Coll.Res.liber., 22 (1) Jan 1961, 11 - 18; vavrek, B. F, A Theory of refemce service, coll. Res. liber, 28 (5) 1968, 508 - 510; Wynar, B. S. Reference theory: Situation hopelessbut not impossible. Coll.Res.Libr., 28 (5) Sept. 1967,337 - 342.

(3) Rahman, A. Philosoply of refemce service. Ann. Libr. 8 (4 Dec. 1961, 150 - 156)

(4) Vavrek, B. F. comumications and the reference interface, Ph. D. dissertation, university of pittsburgh 1971, 6 - 7.

(5) Whittaker, D. A. the development of referance the information services in British Public libraries, 1850 - 1940. M. A. thesis, sheffield university. 1972.

توسعه این موضوع تا سال ۱۹۰۰ از دید امریکایی آن در مقاله زیر بررسی شده است:

(6) Rothstein, S. the development of the comcept of reference service in American libraries, 1850 - 1900. Libr. Q. 23 (1) Jan. 1953. 1 - 15.

(7) Greeb,S.S. personal relations between librarians and reader S. Libr.J.,1(2 - 3) Oct. 1876, 74 - 81.

تاریخ انتشار یافته جالب توجه عبارتست از:

Rothstein. S. the development of refemce services through academic traditions, public Library Practice & Special Librariansinp. Chicago Association of College and Refeqence Libraries, 1955.

این مطلب هم درباره ایالات متحده و هم در باره بریتانیا هردو صادق است.

(10) The Examiner, No. 3., 637, 13 oct, 1877, 1289.

(11) Leeds Public Libraries. Thertieth annual report, 1889.

(12) Slugg, J. T. Letter to the Manchester Guardian, 3 oct 1884.

(13) Burgess, L. A.Library ideals of yesterdpy and today, Libr. Wid., 28, 192617, 188.

(14) Warner, J. First Years of referance Work. Libr. Assistant, 5, 190517, 84 - 5.

(15) Wyer, J. T. Refesence Work: atextbook for Students of library work a libranians. American library Association, 1930.

(16) Ibid, 6 - 7.

(17) Cowley, J. D. use of reference Material: Cqaofton, 1937. 11 - 12.

(18) Foskett, P. J. Assistance To Readers in Lending Libraries J. Clarke, 1952.

(19) Ranganathan, S.R., and Sundaran, C. Reference Service and Bibliography. madras, Library Association, 194071, 2V.

(20) Ranganathan, S.R. Five lews of Library Seience. madras Library Assn. (93).

(21) Ranganathan, S. R. Reference Service Through four Centunries. Libr. Her. 9(2 - 3) July - oct. 1966 - 87.

(22) Ranganathan, S. R., and Sundaran, C. Op. Cit,. 25.

(23) Ranganathan. S. R. Reference Service. 2nd ed. Asia Publishing House. 1961.

(24) Rahman. A., op. Cit.

(25) Butler. P.,ed. the Reference function of the library: Papers Presented before the library Institute of the University of Chicago, 24 th June - 10th July 1942. University of Chicago Press, 1943

(26) Idid., 11.

(27) Foskett, D. J op. Cit.

(28) Benge, R. C. Bibliography an the provision of books.

(29) Ibid., 48.

(30) Idid. 5.

(31) Rees, A. M. Broadening the Spectrum. In:Lirderman. W. B., ed. the Present State and Future Prospects of refernce / infomation Service: Procedings of the Confernce Held at the School. of Library Science, Colombia University. 30th March ist April 1966. ALA, 1967.

(32) Idid., 58.

(33) Vavrek, B.F.Atheory of Refernce Sevice. Coll. Res. Libr., 29(6) Nov.1968 4-10.

(34) *Ibid., 510.*

(35) *Sehiller. A.R. Reference Service: Intrvention or Infomation Libr. O., 35(1) Jan.*

(36) *Rothstein. S. Reference Service: the new dimension in Librarianship. Coll. Res. Libr. 22(1) Jan. 1961. 12.*

(37) *Wynar, B. S., of. Cif.*

(38) *Ibid., 340.*

(39) *Neill, S. D. Problems Solving and the Reference Process. RQ, 14 (4) Summer. 1975, 310 - 315.*

(40) *The main reason for this increase, two numbers of RQ (Spring 1974 & Summer. 1975) largely devotted to the Reference theory.*

دوشمار بهار سال ۱۹۷۴ و تابستان سال ۱۹۷۵ نشریه *RQ* اختصاصاً به موضوع نظریه ارجاعی اختصاص یافته است:

(41) *Emery, R. Op. Cit.*

(42) *Pugh, A. G. toward a science of reference work: basic concepts. RQ. 14 (4) Summer 1975, 293 - 299.*

(43) *Vavrek. B. F. Comunications and the reference interface. PH. D. dissertation, University of Pittspugh. 1971.*

(44) *Katz, W. A. Introduchtion to reference work, 2nd ed. Mc Graw Hill, 1974, 2. 2. 58 - 59.*

۴۵ . همچنین آنهایی که نظام‌های خدمات ارجاعی و اطلاعاتی را طرح و ارزشیابی می‌کنند به راهنمایی بیشتری نیاز دارند.

(46) *Emery. R. ap. cit , 89.*

(47) *Vickery. B. C. on Retrieval system, 2nd ed. Buther worth, 1975, 180.*

۴۸ . در واقع، علاوه بر سه عامل اصلی، یک عامل وابسته فرعی نیز وجود دارد که ممکن است آن را محیط نامید. این عامل فرعی، آن جوی است که سه عامل اصلی با یکدیگر برخورد می‌کنند. مسلماً، کتابخانه‌ای که از طراحی، تجهیز و سازمان خوب برخوردار است دارای محیطی است که جریان کافی اطلاعات را تقویت می‌کند.

(49) *Pugh, A. G. op. cit., 297.*

(50) *Ibid.*

البته درباره موضوعاتی چون استفاده‌کنندگان کتابخانه و آموزش کتابخانه، مطلب زیادی نوشته شده، ولی از نقطه نظر خدمات ارجاعی اطلاعاتی اثر قابل توجهی موجود نیست در این زمینه آثار زیر قابل ذکرند.

(51) Foskett, D. J. User Psychology in: Lubback, ed. International work, 15 - 19 Nov. 1971. F.I.D., 1972. and Coopper, N. P., Library instruction at a University - based information center: the informative interview. RQ, 15 (3) Spring. 1976, 233 - 240.

در زمینه کار پاسخگویی به متقاضیان، اثر زیر جالب است:

Vavrek, B. F. Commuications & the refernce interface, Ph. D. dissertation, University of Pittsburg, 1971. An introduction to the work done is to be found in katz, W. A. Introductions to reference work, 2nd ed. Mc Graw - Hill, 1974. V. 2.

(52) Cray. J. and Perry, B. Scientific information. OUP. 1975; Mc Gray, K. knowledg, Communication and librarians. Bingley, 1973; Pierce D. J. de S. Little Science, big Science, Columbia University Press, 1963.

سه عنوان زیر در این موضوع قابل توجه‌اند:

(53) Foskett, D. J. information Service in libraries, 2nd ed Crosby Lockwood, 1967.

برای مثال، خدمات ارجاعی با کار ارجاعی در اثر زیر یکی است:

(54) Harrod, L. m. the librarian's glossary 3 rd ed. Deutsch, 1971. 330.

پی‌نوشت‌ها :

1 - Theory of Reference and Information

2 - Emery

3 - Vaverk

4 - Conceptual Structure

5 - Reference Practice

6 - Samuel S. Green

7 - Leed

8 - Manchester Cuardian

9 - Burgess

10 - Reference Work

11 _ Information officer

12 - Wyer

13 - Cowley

14 - Foskett

15 Swadran

16 - Pierce Butler

17 - Process

18 - R. C Benge

19 - Alan Rees

20 - Anita Schiller

21 - Rothictein

22 - Neel

23 - Pugh

24 - Cenceptual Orientation

25 - Katz

26 _ Vickery

27 - Feed back

28 - Enquiry Situation

29 - Factual data

30 - Identical

31 - Interdisciplinary

32 - Subject Content

33 - Self Contained

۳

سفر و سفرنامه‌نویسی و نقش آن در گسترش فرهنگ و تمدن*

سفر

تعریف سفر را چنین گفته‌اند:

۱. بیرون شدن از شهر خود و به محلی دیگر رفتن ۲. قطع مسافت ۳. راهی که پیمایند از محلی به محل دور ۴. توجه به سوی حق است که خود در چهار قسم زیر متجلی می‌شود:

الف. سیر الی‌الله از منازل نفس تا وصول به افق مبین که نهایت مقام قلب و مبدأ تجلیات اسمایی است.

ب. سیر فی‌الله به واسطه اتصاف به صفات او و تحقق به اسماء او تا افق اعلی که نهایت مقام روح و نهایت مقام و احدیت است.

ج. ترقی به عین جمع و حضرت احدیت است که مقام قاب قوسین است تا موقعی که دوگانگی باقی است.

---

* این مقاله به اولین سمینار ایرانگردی و جهانگردی در سال ۱۳۷۲ ارائه شده است.

د. سیر عن‌الله برای تکمیل است که مقام بعد از فنا و فرق بعد از جمع است[1].

با عنایت به تعریف مشخص می‌شود که سفر از متن وجود انسان سرچشمه می‌گیرد. انسان جزیی از نهاد ناآرام جهانی است که حرکت جوهری از ویژگی‌های آن است[2]. در این جهان پرتاب و تب همه کس همچون ابر و باد درکار و در حرکت است و هرکس و هرچیز به سوی مقصدی در سفر است و خورشیدوار به سوی جایگاه ابدی راه می‌پیماید[3]، (والشمس تجری لمستقر لهاذلک تقدیرالعزیز العلیم).(سوره یس)

سفرهای کائنات بر اساس تقدیر پروردگار و بدون شعور ذاتی از نوع شعور انسانی هیچ است و پوچ که: ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست

فکر را که مقوم وجود بشری است چنین معنا کرده‌اند که الفکر حرکة من‌المبادی و من‌المبادی الی‌المراد.

فکر حرکت از مبدأ و از مبدأ به سوی مقصد است.

دعا نیز سفر و حرکت از سوی بنده است به سوی پروردگار. او با تضرع خویش، خویش را به سوی خدا سیر می‌دهد و جریان ارتباط را با این سفر روحانی و معنوی فراهم و تسهیل می‌کند. هرچه این جریان سریع‌تر، دقیق‌تر و پرشورتر باشد راه برگشت ارتباط آسان‌تر می‌شود. به عبارت دیگر هرچه دعا قوی‌تر باشد حضور خدا در دل و جان مؤمن مشهودتر می‌شود[4] به هنگام قرائت و تلاوت قرآن جان مؤمن روشن‌تر می‌گردد.

چشم و گوش دو عامل ارتباط انسان با جهان و راه وصول آگاهی و موجد تحریک فکر او است. «ما او را از نطفه آفریدیم و سپس شنوا و بینایش قرار دادیم. سپس او را هدایت کردیم و راه را در برابرش قرار دادیم،اوست که تصمیم می‌گیرد شاکر باشد یا ناسپاس[5].

سفر به معنای عام کلمه، تسهیل‌کننده جریان آگاهی‌های انسان است. اگر دیروز، بشر با استفاده از وسائل قدیمی به سیر و سفر می‌پرداخت و برای تحصیل کمالات، انتقال تجربیات افزایش معلومات در آفاق سیر می‌کرد،امروزه با تحول عجیب و تکامل صنعت ارتباطات، وضعیت به گونه‌ای تغییر یافته است که به جای اینکه خود به سفر بپردازد بسیاری از اخبار و اطلاعات در جریان سریع انتقال به چشم و گوش و حواس او می‌رسد و معلومات و دانسته‌های او را بالا می‌برد. در عین حال، باز هم لذت سفر و مشافهه خود معنایی دیگر دارد که گفته‌اند: (لیس الخبر کالمعاینه) شنیدن کی بود مانند دیدن. گویی دل برای کسب اطمینان از صحت و

سقم آنچه تصویرش را دیده و یا خبرش را شنیده است می‌خواهد ابراهیم وار، یقین حاصل کند[۶].
(بلی ولکن لتطمئن قلبی).

اهمیت سفر

همان‌طور که گفته شد میل به سفر از متن روح و جان انسان سرچشمه می‌گیرد. او شدن را بر بودن، رفتن را بر ماندن ترجیح می‌دهد. او می‌داند که در بستر زمان و مکان، ماندن جز پوسیدگی نتیجه‌ای ندارد و رفتن است که او را از فسیل شدن و یا گندیدن حفظ می‌کند. به راستی اگر سفر در زندگی انسان نبود چه اتفاق می‌افتاد. اگر چه اصطلاحاً تلاش روزانه و تکاپو برای کسب معاش و گذران زندگی را سفر نمی‌گویند ولی به معنای عام کلمه، همان هم نوعی سفر است منتها سفر واقعی از آنِ کسانی است که خطر می‌کنند، دل به دریا می‌زنند و بیش از حد معمول روزانه به تلاش و تکاپو می‌پردازند. سفرکنندگان عمدتاً افراد ویژه‌ای هستند. داشتن دلی محکم‌تر، روحی قناعت پیشه‌تر، و برای معاشرت با بنی نوع بشر در هر کجای دنیا قلبی رئوف تر از ویژگی‌های آنان است. آنان برای هرچه بیشتر دانستن، روحی تشنه و برای هرچه بیشتر دیدن و شنیدن چشمی حریص و گوشی باز دارند. شاید از همه مهم‌تر آن است که دلبستگی‌شان به دنیا و زخارف آن کمتر است.

قرآن مجید به عنوان راهنما و هادی بشر بر سفر تأکید فراوان دارد. به نمونه آیاتی که مستقیماً سیر و سفر را طرح کرده و یا به نوعی دیگر حکایت از سفر دارد اشاره می‌کنم:

نمونه آیاتی که مستقیماً بر توجه به سفر و سیر و سیاحت تاکید دارد:

- آیا در روی زمین سیر نکردند تا عاقبت حال پیشینیان را بنگرند[۷].
- آیا این کافران در روی زمین به سیر نمی‌روند تا دلهاشان بینش و هوش یابد[۸].
- آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت پیشینیانشان (چون قوم عاد و ثمود و غیره) را ببینند[۹].
- بگو ای رسول ما، در زمین و احوال اهلش سیر کنید تا از عاقبت طوایف پیش از خود که اکثرشان کافر و مشرک بودند آگاه شوید[۱۰].
- و میان آنها و شهرهایی که در آنجا پرنعمت و برکت گردانیدیم باز قریه‌هایی قرار دادیم با فاصله کوتاه و سیر و سفر معین و آنها را گفتیم که در این شهرها و ده‌های نزدیک به هم شبها و روزها با ایمنی کامل مسافرت کنید[۱۱].

نمونه آیاتی که با غیرکلمه سیر و امثال آن بر سفر دلالت دارد:

- ای انسان همانا تو به سوی پروردگارت کوشنده‌ای و او را ملاقات خواهی کرد[۱۲].

- [باید از هر گروهی در جامعه انسانی، دسته‌ای ترک دیار و وطن کنند] تا در امر دین و مسائل مربوط به آن فقاهت و بصیرتی به دست آورند و گروه و دسته مربوط به خود را - به هنگام بازگشت - [از خطرها و لغزش‌هایی که جامعه را تهدید می‌کنند] بیمناک ساخته و هشدارشان دهند[چ].

- آیات مربوط به هجرت عمدتاً بر سفر دلالت دارند.

سفر در روایات

به نمونه‌ای از روایات درباره سفر توجه کنید:

مسافرت و سلامت:

- سافروا تصحوا؛ مسافرت کنید تا سالم بمانید[۱۳].

- سافروا تصحوا و تغنموا؛ مسافرت کنید تا تندرست شوید و غنیمت یابید[۱۴].

- سافروا تصحوا و ترزقوا؛ سفرکنید تا تندرست شوید و روزی یابید[۱۵].

مسافرت با مردم خوش اقبال و پرهیز از سفر به تنهائی.

سافروا مع ذوی الجدود و ذوی المیسره. با مردم خوش اقبال و مرفه سفرکنید[۱۶].

- الا انبئک بشرالناس. من اکل وحده و منع رفده و سافر وحده [۱۷].

می‌خواهی ترا به بدترین مردم خبر دهم. آنکس که تنها غذا بخورد و به کسی چیزی ندهد و تنها سفرکند.

- التمسوا الجار قبل شری الدار والرفیق قبل الطریق.

پیش از خریدن خانه همسایه را بجویید و پیش از سفر رفیق را[۱۸].

- الجار قبل الدار و الرفیق قبل الطریق والزاد قبل الرحیل[۱۹].

همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر باید جست.

چ - سوره توبه، ترجمه فارسی از کتاب تعلیم و تعلم در اسلام از دکتر حجتی.

سفر در امثال و حکم

بحث سفر در امثال فراوان است که فقط به نمونه‌هایی از آن اکتفا می‌شود:

- تغرب عن‌الاوطان فی طلب العلی و سافرو فی‌الاسفار خمس فوائد

تفرج هم واکتساب معیشة و علم و آداب و صحبة ماجد

برای کسب برتری، از وطن دوری گزین و مسافرت کن که در سفر پنج فایده است: زوال خستگی، کسب روزی، تحصیل علم و آشنایی با آداب مردمان دیگر و بهره‌مندی از مصاحبت دوستان خوب.

- ظاهراً این عبارت منسوب به حضرت علی علیه السلام است که فرمود:

فموت الفتی خیر من مقامه بدار هوان‌بین واش و حاسد[20].

اشعار زیر گوشه‌ای از ادبیات مربوط به سفر را تشکیل می‌دهد:[21]

سفرخوش است کسی را که بامراد بود

اگر سراسرکوه و پژ آیدش در پیش

«خسروانی»

خاری که به بن در خلد اندر سفر هند

به چون به حضر درکف من دسته شب بوی

زین بحر همچو باران بیرون شو و سفر کن

زیرا که بی سفرتو هرگز گهر نگردی

«عطار»

از سفرها ماه کیخسرو شود بی سفرها ماه کی خسرو شود

«مولوی»

ایدل ارچند در سفر خطر است کس خطر بی سفر کجا یابد

باز کز آشیان برون نپرد بر شکاری ظفر کجا یابد

«ابن یمین»

تا تو در خانه صید خواهی کرد دست و پایت چو عنکبوت بود

«سعدی»

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی

سعدی

ـ جهان دیدن به از جهان خوردن است.

انواع سفر

در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان سفر را به سفر ذهنی درونی و یا عینی بیرونی تقسیم کرد. سفر ذهنی و یا درونی سفری است که شخص برای کسب معنویت و قرب به درگاه ذات احدیت و وارستگی از دنیا به تاملات می‌پردازد و یا برای رسیدن به مقاصد خاصی بـه تـخیلات رو می‌آورد.

سفر عینی و یا بیرونی سفری است که شخص با انگیزه‌های خاص خود به مسافرت می‌رود و شخصاً به تجارب سفر عینیت می‌بخشد.

انگیزه‌های سفر

همچنان که گفته شد میل به سفر از متن جان انسان برمی‌خیزد و اصولاً کمتر کسی را می‌توان یافت که سفر نکرده و یا میل به سفر نداشته باشد ولو در شکل محدود آن. در هر حال می‌توان انگیزه‌های مهم سفر را چنین دسته‌بندی کرد:

۱ ـ انگیزه‌های مذهبی

یکی از بزرگ‌ترین انگیزه‌های سفر، انگیزه‌های مذهبی است. سفر چه در بعد معنوی و تخیلی آن و چه در قالب مصطلح و خارجی‌اش همواره مورد تأکید مذاهب بوده و پیروان مذاهب به آن به عنوان یک فریضه و حتی عشق برخورد کرده‌اند.

کسانی که به هرنوع به خودآگاهی می‌رسند و سیر الی‌الله را آغاز می‌کنند دست به سفر معنوی و روحانی زده‌اند. تحولات روحی و روحانی عمیق بزرگان عالم شاهد و گواه بر این مطلب است. از پیامبران و اولیاء خدا که بگذریم آنان که با یک دنیا ریاضت، روح را از کالبد خاکی به عالم افلاکی گسیل داشته و در مهبط وحی زانو زده و یا غنوده‌اند مسافران واقعی‌اند.

اماکن مقدسه برای همه ادیان و مذاهب محترم و محل رجوع بوده است. پیروان مـذاهب همیشه سعی داشته‌اند به قصد زیارت خود را به اماکن متبرکه برسانند. مسأله حج و وجوب آن برای استطاعت دارندگان یکی از بزرگترین انگیزه‌های مذهبی در اسلام است. وجود اماکن متبرکه

و مقدسه در نقاط مختلف جهان و میل و رغبت برای زیارت مزارات به قصد ایجاد تحول روحی و تحصیل خیر و برکت از انگیزه‌های بزرگ مذهبی است. توصیه‌های دینی و اخلاقی برای انجام صله رحم، گشایش در کسب و کار و معیشت و آشنایی با اقوام و ملل دیگر مزید بر آن است.

۲ ـ انگیزه‌های تجاری ـ اقتصادی

از آنجا که زندگی بشر، همواره با برخورداری و تنعم در یک محل ثابت همراه نبوده است به ناچار برای گذران زندگی خویش و گاه برای افزون‌طلبی به سفر می‌پرداخته است. بررسی تاریخ شهرها، بندرگاهها و مناطق مختلف جهان و نیز تاریخ تجارت این مسأله را به خوبی ثابت می‌کند.

«تجار مسلمان به همشهریان خویش از اخبار و اطلاعات سرزمین آلمان و فرانسه بهره می‌رساندند».[۲۲]

۳ ـ انگیزه‌های سیاسی ـ نظامی

بسیاری از حکام برای کشورگشایی، یا برای برقراری روابط سیاسی، یا کسب اخبار علمی، فرهنگی و اجتماعی و غیره به سفر می‌رفتند و یا افرادی را برای انجام این امور مأمور می‌کردند. تاریخ پر از چنین سفرهاست، سفرها گاه به صورت رسمی و گاه به صورت غیررسمی و حتی مخفیانه انجام می‌شده است.

بررسی زندگی سفرا در کشورهای مختلف خود داستان مفصلی دارد. بسیاری از آنان برای اهداف و مقاصد خویش یا ماموریت های محوله سفرنامه تهیه کرده و از خود به یادگار گذاشته‌اند. مسأله خراج و گرفتن مالیات هم جزیی از این مأموریت‌ها بوده است.

«در نیمه سوم هجری واثق خلیفه عباسی یک هیأت صحرائی برای اکتشاف سد یأجوج و مأجوج فرستاد[۲۳].

«مهلبی به سال ۳۷۵ کتاب العزیزی را که نخستین وصف دقیق از بلاد سودان است را برای عزیزباله فاطمی نوشت[۲۴].

۴ ـ انگیزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی

سفرها، گاه به قصد انجام رسالت‌های فرهنگی بوده است. افرادی با داعیه شخصی علمی و

فرهنگی به قصد کسب خبر، ایجاد ارتباط های علمی، ثبت و ضبط وقایع و امثال آن به سفر دست می‌زده‌اند. سفرهای ابن‌بیطار برای کشف گیاهان داروئی از این قبیل است. امروزه تلاش بسیاری از خبرنگاران فرهنگی و علمی در سطح جهان از این مقوله است. باستانشناسان از راه سفر به دستاوردهای بسیار جالب توجهی رسیده‌اند[۲۵].

ابن‌خلکان در وفیات‌الاعیان درباره مؤلف کتاب الانساب می‌گوید:

> سمعانی مروزی در طلب علم حدیث شرق و غرب و شمال و جنوب بلاد اسلامی را گشت و مدتها و به دفعات به ماوراءالنهر و سایر بلاد خراسان رفت و قومس (دامغان) و ری و اصفهان و همدان و بلاد جبال و عراق و حجاز و موصل و الجزیره و شام را پیمود و دانشمندان بسیاری را ملاقات کرد و از آنها اخذ حدیث نمود و کتابهای نیکو تصنیف کرد. از آن جمله کتاب الانساب را در ۸ مجلد تألیف نمود[۲۶].

و نیز:

> معجم‌البلدان که مایه شهرت یاقوت شده است حاصل سفرهای دور و درازی است که وی در کسوت بازرگانی از بغداد به کیش و عمان و شام و خراسان و مرو و خوارزم داشت. وی ضمن کارهای بازرگانی کتاب هم خرید و فروش می‌کرد[۲۷].

۵ ـ انگیزه‌های تفریحی، سرگرمی و درمانی

بسیاری از مردم به ویژه در جهان امروز از فرط خستگی ناشی از کار و صرفاً به قصد گذراندن اوقات فراغت، ایجاد تنوع و سرگرمی در زندگی و یا به منظور درمان به سفر می‌پردازند. اینان عموماً داعیه‌ای برای انجام رسالتی ندارند و اصالتاً به خاطر گرفتاری‌های زندگی روزمره خویش فرصتی برای این کار ندارند و چه بسا یادداشت‌های شخصی هم نداشته باشند. بخشی از سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ شاید از این مقوله باشد. اگر چه یادداشت های سفرهای شاهانه تهیه و بعضاً هم چاپ شده است، ولی شاید قصد اولی نامبرده تفریح و یا درمان بوده است.

سفرنامه‌نویسی

در دنیا سفرهای فراوانی انجام شده و می‌شود. افراد و جماعات با انگیزه‌های مختلف سفر کرده‌اند اما آنان که با عشق آنچه دیده، شنیده و یا لمس کرده را بر صفحه کاغذ نگاشته‌اند بسیار

اندکند. اینان عالمانی بوده‌اند که برای گسترش فرهنگ و علم از خود آثاری به یادگار گذاشته‌اند. بعضی با انگیزه‌های شخصی چنین کاری کرده‌اند. عده‌ای به عنوان مأموریت از دربارهای سلاطین و یا مؤسسات مختلف گزارش تهیه نموده‌اند.

سفرها و سفرنامه‌ها موجد تحول بسیاری از علوم شده‌اند. سفر همچنان که در سفرکننده ایجاد تحول فکری و روحی کرده است نقل آن چه به صورت شفاهی و یا انتقال آن به صورت کتبی موجب و موجد تحولات عمیق اجتماعی، علمی، سیاسی و فرهنگی شده و اثراتی را برجای گذاشته است. به عنوان نمونه در قرون وسطی ارتباط مسیحیان با مسلمانان از طریق سفر و جهانگردی موجد رنسانس و تحول بزرگ علمی در غرب شد. سفرکنندگان قرون اخیر ایرانی به کشورهای غربی باعث ورود مدرنیسم و تجددگرایی در جامعه ماگشت. با آن که آثار بسیاری از سفرها و سفرنامه‌ها در طول زمان از بین رفته است اما از آنچه بازمانده است انواع زیر را می‌توان مشخص کرد:

۱. سفرها و سفرنامه‌های ذهنی.

۲. سفرها و سفرنامه‌های عینی.

۱ - سفرها و سفرنامه‌های ذهنی: همان‌طور که گفته شد منظور از سفرهای ذهنی تنها آن نیست که شخص با سیروسلوک در منازل معنوی به درجات عرفانی رسیده باشد بلکه منظور آن است که با استفاده از قوه وهم و خیال و با الهام از مشاهدات قبلی خویش توانسته است آثاری را به شکل سفرنامه به وجود آورد و یا سفرنامه‌هایی از آن الهام گرفته باشد. از این نوع سفرنامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. سفرنامه‌های ذهنی فلسفی:

از نمونه این سفرنامه‌ها می‌توان به کتاب «حی‌بن یقظان» نوشته ابوعلی سینا اشاره کرد:

این کتاب از آثار تمثیلی ابن سینا است. این داستان عرفانی را او در قلعه «فروجان» نوشت. موضوع این کتاب شرح حال پسری است از مردم بیت‌المقدس بنام حی پسر یقظان، مراد او از حی بن یقظان عقل فعال است، که صوفی را در وصول به حق یاری می‌کند. حی بن یقظان به وصیت پدر خود یقظان به گردش در شهرها می‌پردازد و پدر، مفتاح همه علوم

را به او می‌دهد. حی نویسنده کتاب را با خود به سیاحت جهان می‌برد. نخست او را به چشمه‌ای عجیب نظیر چشمه حیات راهنمایی می‌کند که هرکس از این چشمه بنوشد از بیابانهای سخت و کوههای بلند می‌تواند بگذرد. این چشمه در آن سوی ظلمات و در بیابانهای نورانی واقع است. این بحث به واجب الوجود خاتمه می‌یابد. این کتاب به عربی است و یکی از شاگردانش آن را به فارسی ترجمه کرده است[۲۸].

ب. سفرنامه‌های ذهنی اخلاقی ـ مذهبی:

از این نوع به کمدی الهی دانته می‌توان اشاره کرد:

حماسه بزرگ ایتالیائی دانته مجموعه‌ای است تقریباً شامل ۱۴۰۰۰ مصراع که به سه قسمت مجزای دوزخ، برزخ و بهشت تقسیم می‌شود و روی هم رفته شامل ۱۰۰ سرود است. کمدی الهی به طور کلی سفرنامه انسانی زنده (دانته) به دنیای جاوید است. در این سفر دانته از دوزخ و طبقات نه‌گانه آن که انواع گناهکاران در آن به تناسب گناهان خویش کیفر می‌بینند می‌گذرد و به برزخ که حدفاصل بین دوزخ و بهشت است می‌رسد و سپس به بهشت می‌رود. و نه طبقه آن را تا عرش اعلی طی می‌کند. و سپس از سفرهای آن جهان به روی زمین باز می‌گردد. دانته در لفافه داستان پردازی، زندگی روحی بشر و سیر معنوی او را از مرحله گناهکاری تا به مرحله تزکیه نفس و صفای باطن مورد تحلیل قرار داده است. این کتاب به فارسی ترجمه و منتشر شده است. دو نویسنده معروف ایتالیائی بنام «بوکاچو» و «دکامرونه» بر آن تفسیر نوشته‌اند. خود او کتابش راکمدی نامیده است ولی سه قرن بعد به آن لقب الهی آسمانی دادند[۲۹].

ج. سفرنامه ذهنی اجتماعی ـ سیاسی:

ازنمونه این نوع سفرنامه به سفرهای گالیور نوشته جاناتان سویفت‌انگلیسی (۱۷۴۵ ـ ۱۶۶۷) می‌توان اشاره کرد. او دارای نثری فصیح است و با سبکی آمیخته به طنز وطیبت از اوضاع زمان انتقاد می‌کند[۳۰].

«سفرنامه گالیور نخست در سال ۱۷۲۶ انتشار یافت. این داستان از شاهکارهای ادبیات منثور انگلیسی و از هجو نامه‌های انتقادی معروف آن زمان و از کتابهای معروف کودکان

است. قهرمان کتاب گالیور طبیب یک کشتی تجاری است. کتاب حاوی سرگذشت مسافرت وی به سرزمین‌های شگفت است. این کتاب مشتمل بر ۴ قسمت است. در قسمت اول گالیور بر اثر شکسته شدن کشتی به سرزمینی به نام «لی لی پوت» می‌افتد که قامت ساکنینش بیش از بندانگشتی نیست و همه چیز در آنجا در مقایسه با چیزهای معمولی دنیای ما به همین نسبت کوچک است. «سویفت» در ضمن توصیف دربار پادشاه و ملکه «لی لی پوت» دربار آن روزگار انگلستان را مورد انتقاد قرار می‌دهد و در لفاف مشاجرهٔ میان هواخواهان شکستن تخم‌مرغ از سر یا از ته آن،احزاب «ویگ» و «توری» را به باد انتقاد می‌گیرد. در قسمت دوم گالیور به سرزمینی با سکنه‌ای غول‌پیکر می‌افتد که شاه آن پس از شنیدن اوصاف آداب و رسوم و حکومت و علم و معرفت اروپائیان، قسمت اعظم آنها را حشراتی موذی می‌خواند. در قسمت سوم، هدف او هجو فلاسفه، علماء، مورخین و طراحان سیاسی است. در قسمت چهارم گالیور به مملکتی می‌رسد که ساکنان آن هم اسبان خردمند و فرزانه‌اند و در مقابل آنها حیوانی شبیه انسان وجود دارد که هرچند دارای اندکی عقل و شعور است، جامع عیوب و رذایل می‌باشد. اصلاح این جانور خبیث و بدنهاد محال است، همان بهتر که از روی زمین نابود شود تا سایر مخلوقات از شر او آسوده گردند. در دو قسمت اخیر ملال نویسنده از نوع بشر به اوج خود می‌رسد و انتقاد او لحنی جانگزا پیدا می‌کند[۳۱].

د. سفرنامه‌های ذهنی علمی ـ اکتشافی

از این نوع سفرنامه‌ها می‌توان به سفرنامه‌های «ژول ورن» و داستان‌های تخیلی او اشاره کرد. او شخصی بود که با استفاده از قوه ذهن و خیال خویش آثار بسیار برجسته‌ای ساخت که به صورت پیشگویی‌های علمی درآمد. ژول ورن (۱۹۰۵ ـ ۱۸۲۸) رمان‌نویس مشهور فرانسوی متولد شهر نانت است. او به پاریس رفت و در آنجا با نوشتن داستانهایی به شهرت رسید. از جمله آثار اوست: پنج هفته در یک بالون (۱۸۶۳)، مسافرت به مرکز زمین (۱۸۶۴)، بیست هزار فرسنگ زیر دریا (۱۸۷۰)، دور دنیا در هشتاد روز (۱۸۷۳)، میشل استروگف و تعداد زیادی رمان‌های دیگر. هنربزرگ «ورن» در این است که توانسته با عباراتی ساده مطالب علمی و جغرافیایی نقاط مختلف را به صورت قصه و رمان درآورد

و مردم را به شگفتی‌های دانش و اماکن مختلف آشنا سازد[۳۲].

۲ ـ سفرهای عینی

مهم‌ترین موضوع مورد بحث ما سفرها و سفرنامه‌هایی است که بر مبنای مشاهدات صورت گرفته است. همان طور که گفته شد کم‌اند مردمانی که اولاً با قصد و هدف مشخص مسافرت کنند و ثانیاً از آغاز، تصمیم برنگارش مشهورات و مسموعات خود داشته باشد. اینان به راستی سهم بزرگی در تاریخ بشری دارند. در واقع سفرها و سفرنامه‌های این افراد اگر موجد بعضی از علوم نباشد دست کم سهم عظیمی در تحول و تکامل علوم مختلف داشته و دارد. جورج سارتون می‌گوید: «برای گسترش علم، انتقال به اندازه اکتشاف اساسی است»[۳۳] و یا گفته‌اند میان تمدن و بیماری مسری شباهت تامی است.

لازم به تذکر است که بحث در مورد سفر و انگیزه‌های اصلی سفرکنندگان و تأثیرات فراوان و چند جانبه‌ای که هریک در جامعه بشری داشته است آنقدر وسیع است که بحث‌های مستقلی را می‌طلبد و از عهده یک مقاله و کتاب خارج است. در اینجا بنابر رعایت اختصار فقط به ذکر چند نمونه از تأثیرات سفرها در تدوین و یا تکمیل علوم مختلف اشاره می‌شود.

الف. سفر و سفرنامه و تأثیر آن در تدوین علم جغرافیا

پیدایش و گسترش علم جغرافیا به مقدار زیادی مدیون سفرهاست. شاید بتوان گفت اساساً سفرها و سفرنامه‌ها آغازگر تدوین و نگارش علم جغرافیا شدند. ازآرانستین یونانی (۱۹۶ ق. م)، استرابون جهانگرد رومی، پنیوس جغرافی دان یونانی و بطلمیوس در اواسط قرن ۲ میلادی که بگذریم،به جهانگردان مسلمان می‌رسیم. ویل دورانت در تاریخ تمدن خود چنین می‌گوید:

«از سرگذشت سفر سلیمان تاجر به عنوان قدیمی‌ترین وصف عربی از دیار چین یاد می‌کند که ۴۲۵ سال پیش از مارکوپولو نوشته شده است.» او سپس اضافه می‌کند:

در همین قرن ابن خردادبه کتابی درباره هند و سیلان و جزایز شرقی و چین نوشته بود المسالک والممالک که ظاهراً برای تنظیم آن از سفرها و مشاهدات خود در این مناطق استفاده کرده بود. ابن حوقل گزارشی از هند و آفریقا نوشت. احمد یعقوبی از مردم ارمنستان و خراسان به سال ۲۷۸ درکتاب البلدان یاد می‌کند که در آن ممالک و شهرهای

مسلمان و بسیاری از کشورهای بیگانه را به وضعی قابل اعتماد توصیف کرده بود.

محمد مقدسی در همه قلمرو اسلام به جز اسپانیا سفر کرد و در اثنای سفر سختی‌های بسیار دید و به سال ۲۷۵ ق کتاب احسن‌التقاسم فی معرفة‌الاقالیم را نوشت که پیش از کتاب تحقیق ماللهند بیرونی مهم‌ترین کتاب جغرافیایی ممالک اسلامی بود[۳۴].

یعقوبی نخستین جغرافی نویس عربی است که ممالک اسلامی را بر پایه مشاهدات و ملاحظات خاص خود تعریف کرده و اختصاصاً به همین منظور به سیاحت پرداخته است. به گفته خودش از آغاز جوانی و شکفتگی ذهن به دانستن اوضاع شهرها و فاصله راهها علاقه و توجه پیدا کرد. هنوز کمسال بود که شروع به سفر کرد و پیوسته در سفر بود. و دوریش از وطن طول کشید. همه ممالک اسلامی را گشت و در ارمنستان رحل اقامت افکند. از خراسان گذر کرد و در مصر و مغرب مدتی مقیم شد حتی به هند رفت و هرگاه کسی را می‌دید از وطن و شهرش می‌پرسید و اینکه زراعت آن منطقه چیست و ساکنانش عربند یا عجم و....[۳۵]

به گفته صاحب کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر، یعقوبی بر جا حظ خرده گرفت که بدون سفر اطلاعات جغرافیایی را نوشته است[۳۶].

هشام‌بن محمد کلبی (۲۰۶ ق = ۸۰۲ م) اولین تحقیقات درباره جزیرةالعرب را نوشت.[۳۷] محمدبن موسی خوارزمی (۲۴۹ ق = ۸۶۳ م) ترجمه جغرافیای بطلمیوسی و صورةالارض را تهیه کرد و اولین نقشه زمین و آسمان را ساخت. ابویوسف یعقوب‌بن اسحاق کندی (۲۶۶ ق = ۸۷۳ م) کتابی به نام رسم‌المعمور من‌الارض نوشت که توصیف مناطق مسکونی زمین است. او به بسیاری از زبانها آشنا بود[۳۸]

«ابن رسته» در ۲۹۱ ق دائرةالمعارف الاعلاق النفیسه را نوشت. شیوه وی در نگارش، علمی و منتظم است. وی در جغرافیای سرزمین‌ها از مرزهای جهان اسلام پا فراتر نهاده و سرزمین‌های خزرها، بلغارها، اسلاوها را توصیف کرده است[۳۹]. ابوعبدالله محمدبن ابی‌بکر البشّار م ۳۸۱ ق که به مقدسی شهرت یافت سرزمین‌های اسلامی به جز سیستان و اسپانیا را درنوردید. او گردآوری اطلاعات مربوط به تمام نقاط دنیای اسلام را بر پایه مسافرت‌ها و مشاهدات شخصی وظیفه خود دانسته بود[۴۰]. ابوالحسن مسعودی ۳۳۴ ق مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر را نوشت، او بیش از هر چیز به سیاحت عشق می‌ورزید و در جوانی به اقصی نقاط سفر کرد، از نواحی گوناگون هند، بخصوص سند، پنجاب... دیدن کرد و بعد از عبور از سیلان به سوی دریای چین رفت. به زنگبار

و ماداگاسکار بازگشت و سپس بر سر راه خود به بغداد و عمان باز آمد. پس از اندک زمانی در طول سواحل جنوبی دریای خزر به مسافرت پرداخت و از آسیای صغیر سوریه و فلسطین دیدن کرد و درخلال سالهای آخر عمرخود به مصر آمد [۴۱].ابوریحان بیرونی در(۴۴۰ ق = ۱۴۰۸ م) تحدیدالنهایات‌الاماکن و تصحیح مسافات‌المساکن را نوشت او از اهل «خیوه» است. سپس به غزنین برده شد و در برخی از هفده لشکرکشی سلطان محمود غزنوی به هند همراه او بود[۴۲].

ابوعبدالله ادریسی ۵۷۶ ق صاحب کتاب نزهة‌المشتاق فی اختراق‌الافاق است. او سفرهای دوروردراز به سراسر دنیای اسلام و اروپا داشت[۴۳]. یاقوت حموی ۶۲۷ ق = ۱۲۲۹ م معجم‌البلدان را نوشت،او از شهری به شهری می‌رفت و نسخه‌های خطی می‌فروخت[۴۴].

«ابن فضلان در حدود سال ۳۰۹ داستان مسافرت خود را به سرزمین بلغار و سواحل رود ولگا وصف کرده است و ابویوسف نیز در حدود سال ۳۳۳ داستان سیاحت خود را در آسیای میانه و دور به رشته تحریر درآورد[۴۵].

«در قرن ۴ به اوج کار شهر نگاری در کتابهای ابن حوقل و مقدسی می‌رسیم که هر دو جهانگرد و عاشق سیاحت بودند و جهان را فرسودند. مقدسی می‌نویسد که هرپیش آمدی برای هر مسافری رخ داده برای او هم رخ داده جز آنکه به تبهکاری و گدایی دست نیازیده است. مقدسی به زی هرگروهی داخل می‌شد تا حقیقت احوال ایشان را دریابد چنانکه در شهرها و ممالک مختلف بیش از ۳۰ نام و لقب به خود می‌گرفت، وی کتاب خود را پیش از ۴۰ سالگی عرضه نکرد[۴۶].

ابن حوقل می‌گوید: هرچه نوشته است از مشاهدات شخصی بوده جز آنکه صحرای بزرگ غربی را تماماً ندیده است[۴۷]. آثار اکثر جغرافی‌نویسان بویژه یعقوبی، مقدسی، ابن خردادبه، مسعودی، بیرونی، ادریسی، یاقوت حموی بر سفرهای طولانی متکی بوده است.

سفرنامه مارکوپولو نیز سفر دو برادر از اهالی «ونیز» است که از راه آسیای صغیر و ایران به چین سفر کردند. در آن زمان چین شمالی، مغولستان، ترکستان شرقی و ایران در دست جانشینان چنگیز بود. پولوها مدتی در پکن اقامت کردند و سپس به اروپا بازگشتند. دربازگشت سفرنامه‌ای بنام عجائب درباب جغرافیای چین، مغولستان، ترکستان و آسیای جنوب شرقی منتشر کردند[۴۸].

ب. سفر و سفرنامه در رابطه با تدوین علم تاریخ

تاریخ نیز همچون علم جغرافیا با سفر و سفرنامه ارتباط بسیار زیادی دارد. اکثر تواریخ برپایه

مشاهده و یا به استناد مشاهدات مکتوب در سفرنامه‌ها نوشته شده است. از کتابهای تاریخی که با استفاده از سفر و مشاهدات شخصی نوشته شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عبدالرزاق سمرقندی صاحب مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین است،او سفری به هندوستان داشته است. عطاملک جوینی صاحب تاریخ جهانگشا ملقب به علاءالدین‌بن بهاءالدین محمد از رجال و مورخان معروف زمان خوارزمشاهیان و مغول است. او چندبار به قراقروم پایتخت مغولستان سفر کرد، در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول‌ها و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد[۴۹].

سیرت سلطان جلال‌الدین مینکبرنی نوشته شهاب‌الدین محمدبن احمد نسوی است. این اثر سرگذشت سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه پسر علاءالدین محمد است که در سالهای ۶۲۸ ـ ۶۱۶ حکومت کرد و قریب یازده سال در جنگ با لشکریان مغول بود. شهاب‌الدین خود منشی جلال‌الدین بود و در بسیاری از این نبردها او را همراهی می‌کرد. شاید به همین دلیل است که این اثر را تاریخی مفصل و صریح و معتبر درباره خوارزمشاهیان می‌دانند[۵۰].

المعجم فی معاییر اشعارالعجم تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس رازی است. وی در معیت سلطان محمد خوارزمشاه در نبردهای آخرین وی علیه مغولان بود کتاب، حاوی خاطرات روزهای فرار و وضعیت خوارزمشاهیان در آخرین سنوات انقراض است[۵۱].

تاریخ عالم‌آرای عباسی از اسکندر بیک ترکمان مشهور به منشی است. اهمیت و امتیاز خاص این کتاب در این است که مؤلف خود شاهد و ناظر بسیاری از وقایع و حوادث آن دوران (حکومت شاه عباس) بوده است[۵۲]. او گفته است «آنچه را می‌بینم می‌آورم».

راحة‌الصدور و آیة‌السرور از منابع اصلی تاریخ سلجوقیان عراق است. راوندی در این اثر به شرح زندگی اتابکان آذربایجان که بر عراق عجم تسلط یافتند می‌پردازد... شرح این وقایع بدان علت برای محققان مهم است که راوندی خود از شاهدان عینی این رویدادها بوده است[۵۳].

د. سفر و علم مردم شناسی و تاریخ تمدن

در این جا فقط به دو مورد اشاره می‌شود:

ـ ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد از بزرگان حکما و مورخان (قرن ۸۰۶ یا ۸۰۸ ق) وی چون شهرت علمی یافت به دعوت ابوعنان حاکم فاس به آن دیار شتافت و سپس به سعایت

حاسدان به زندان افتاد و پس از رهایی به شاعری گرایید. سفری به قسطنطنیه، غرناطه و قشتاله کرد و عاقبت در قلعه بنی سلامه عزلت گزید و به نوشتن تاریخ معروف خود مشغول گردید. سپس به تونس بازگشت و به‌تدریس پرداخت بعد در جامع ازهر تدریس کرد. کتاب تـاریخ او موسوم به کتاب العبر و دیوان المبتداء والخبر فی ایام‌العرب والعجم والبربر است[۵۴].

ـ دورانت، ویل و آریل تاریخ تمدن ویل دورانت تاریخ بس عظیمی است که نویسندگان شخصاً بسیاری از مناطق دنیا را از نزدیک دیده و با مردمان آن صحبت کرده‌اند. این دو، عاشق‌وار بـه سیروسیاحت پرداختند تا توانستند مجموعه عظیم خویش را تا اندازه‌ای متکی بر واقعیات به جامعه تحویل دهند[۵۵].

هـ. سفر و تاثیرات عرفانی و اخلاقی

در این زمینه می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

ـ غزالی، محمد بن محمد(۴۵۰ ق) اهل سفر بوده است. سفرها در تغییر شـخصیت و تـحول روحی او سهمی بسزا داشته است. او از طوس به گرگان و سپس به نیشـابور رفت و پس از مدتی منصب تدریس نظامیه بغداد را گرفت. سپس تحول روحی در او پدید آمد وبه سیروسلوک در بلاد شام و حجاز پرداخت. پس از دهسال به طوس بازگشت، در نظامیه نـیشابور بـه تـدریس پرداخت سپس به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد خلق پرداخت. غزالی با آنکه مخالف فلسفه بود ولی در نتیجه سفرها و سیروسلوک، مقالات و گفتارش چاشنی عرفان پیدا کرد و مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت[۵۶].

ـ ناصرخسرو قبادیانی، او با داشتن منصبی در دستگاه حکومت در «مرو» به یکباره عزم سفر می‌کند. سفرش ۶ سال و هشت ماه و بیست روز طول می‌کشد. او از جوزجانان به مرو، نیشابور، زنجان یا قزوین، آذربایجان، آسیای صغیر، شام، فلسطین، مکه و از راه شام به مصر و قاهره سه باربه مکه می‌رود. ناصرخسرو بعدی ناصرخسرو قبلی نیست.

ناصرخسرو در سال ۴۲۷ ق خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرد و به جهانگردی و سیر در آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله خود، حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا حنفی مذهب بود، در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنـان گـردید و از دعـاة سـرسخت

اسماعیلیه و حجت زمین خراسان شد. ناصرخسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ کرد. از آثار او سفرنامه است که بعد از مراجعت از سفرهفت ساله آن را در سال ۴۴۴ تألیف کرد و دیگر زادالمسافرین است که یادگار دوره آوارگی او بعد از مراجعت از سفر خراسان، مازندران و طبرستان است[۵۷].

- عطارنیشابوری که قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرد[۵۸].

سفر و تأثیر آن در تفکرات فلسفی

بی شک فلاسفه بزرگ عالم کسانی بوده‌اند که دست کم به قصد کسب علم به سفر دست یازیده‌اند و طبعاً سفر در روحیات آنان ونحوه نگرش به مسائل جهان تأثیر فراوانی داشته است نمونه‌هایی از این گروه عبارتند از:

- فارابی که به معلم ثانی ملقب است. از بغداد به مصر رفت به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی‌بن عبدالله حمدان پادشاه حلب و دمشق و شام درآمد. از ماوراءالنهر به بغداد برای تحصیل علوم رفت، چندی بعد به حران آمد و سپس به بغداد بازگشت. او صاحب کتاب آراء اهل‌المدینه‌الفاضله است[۵۹].
- ابن سینا، حجةالحق شیخ‌الرئیس که از بخارا به گرگانج رفت و در آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان مسافرت کرد و آثار ذیقیمت خود را در این سفرها تحریر کرد[۶۰].
- صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتألهین فیلسوف بزرگ ایرانی اواخر قرن دهم هجری، او در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرداماد حکمت آموخت. مدتی در قم به افاضه مشغول شد، سپس به امرشاه عباس دوم به شیراز بازگشت، او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت[۶۱].

ز. سفر و علم گیاهشناسی

در این زمینه از ابن‌بیطار، ابومحمد عبدالله بن احمد ضیاءالدین از مردم مالگا (مالقه) باید نام برد. او گیاهشناسی معروف بود (۶۴۴ ق). در سن ۲۰ سالگی در جستجوی ادویه مفرده به شمال

آفریقا و مصر سفر کرد. او آسیای صغیر و شامات را برای جستجوی گیاهان بـه پـای طـلب پیمود.[۶۲]

ج. سفر و تأثیر آن در تفکرات اجتماعی ـ سیاسی

در اینجا فقط به ذکر دو تن بسنده می‌کنیم:

- سید جمال‌الدین اسدآبادی متفکر و مبارز معروف اسلامی. او پیوسته به شرق و غرب سفر می‌کرد، در پاریس روزنامه عروة‌الوثقی را انتشار داد و به سیاست انگلستان در شرق حـمله کرد. در قاهره، استانبول، هند و افغانستان طی نطقهای پرشوری افکار آزادیخواهانه را به مردم تلقین کرد. در سال ۱۳۰۶ بار دوم به امر ناصرالدین شاه تبعید شد و به لندن رفت و روزنامه ضیاءالخافقین را به زبان‌های عربی و انگلیسی منتشر کرد[۶۳].
- جک لندن نویسنده مشهور آمریکایی (۱۹۱۶ ـ ۱۸۷۶). او سالها در اعماق اجتماع آشفته در سرزمین‌های یخ بسته شمالی دریاهای پرآشوب و طوفانی جنوب، زندگی پرماجرایی را گذراند و با مردمان گوناگون آشنایی پیدا کرد. این نویسنده صحنه‌هایی راکه تصویر کرده با چشم خود دیده و قهرمانهایش بیشتر داستان کسانی است که با او معاشر بوده‌اند. او غالباً تجزیه و تحلیل‌های بسیار دقیق اجتماعی دارد.شهرت‌اودر اروپا و قاره‌های آسیا بسیار است.
- پاشنه آهنین، آوای وحش، گرگ دریاها، سپید دندان، خاموشی سپید و سیرآفتاب از اوست[۶۴].

د. سعدی شیرازی و سفر

او جهانگردی جهانشناس است که سیروسفر بیرونی را با سیروسلوک درونی درهم آمیخته و آمیزه‌ای گوش افروز و چشم افسا پدید آورده است. ادراک واقعیت‌های بیرونی و انـدرونی او ستاره‌ای دنباله‌دار است و همیشه انفعالی موقت یا دائم را در وی زمینه‌چینی مـی‌کند. هـمین انفعال است که پس از دریافت شعر او از سوی مخاطبان درآنان پدید می‌آید.

تصاویر شاعرانه در سروده‌های سعدی به فراوانی تصویرهای شاعرانه سـروده‌های کسـانی چون مولاناجلال‌الدین، عرفی، صائب و بیدل نیست اما کلیت بسیاری از شعرهای او محتوایی تصویری دارد و این ناشی از دیدارهای راستین وی با واقعیت‌های جهان صغیر و کبیر و حاصل مشاهده مستقیم او از عالم و آدم است.

سعدی جهانگردی جهانشناس است که با اقوام مختلف و با فرهنگ‌های گوناگون برخورد

کرده وبه مدد سرشت جستجوگر و پرسان خویش به خوشه چینی پرداخته و بر مشترکات فرهنگی همه آنان انگشت گذارده و آنچه را پسندیده در هم تنیده و به بشریت زمانه خود و همه زمانها عرضه داشته است.

در اقصای عالم بگشتم بسی — به سر بردم ایام با هرکسی
تمتع زهرگوشه‌ای یافتم — زهر خرمنی خوشه‌ای یافتم

سعدی شاعر آزمون‌های خویش است. آنچه برقلم وی رفته است حاصل تجارب عملی او درروند زندگانی است. سخن او شیرین و شورانگیز است و در آن از ماخولیای وهم نشانی نیست. آفرینه‌های او آزموده‌های اوست. حتی در آنچه که او در زمینه ادبیات تعلیمی خلق کرده است از دست سروده‌های اخلاقی، حکمی، سیاسی و اجتماعی نیز تجربه را آبشخور اصلی می‌یابیم. تکیه‌گاه خیال او همواره واقعیت است و همه ذهنیات او مایه ارایی در عینیت دارند[۶۵].

ح . سفر و مقاصد اکتشافی، نظامی، استعماری

شاهان و زمامداران همواره به قصد توسعه‌طلبی و تجاوز به سفر علاقمند بوده و به آن امر می‌کرده‌اند. تاریخ مملو از اینگونه سفرهاست. در واقع ایجاد و توسعه بسیاری از زمینه‌های دانش بشری مرهون تلاش‌های نظامی بوده که سفر در آن نقش عمده‌ای داشته است، اگر چه نقمات و مصیبات فراوانی هم برای بشریت به ارمغان آورده است. جنگهای اسکندرمقدونی، یورش‌های مغول، جهانگشائیهای نادر. جنگهای صلیبی و... همه و همه آثار گرانبار و مخرب آن بر هیچکس پوشیده نیست.

در قرون اخیر که مقاصد استعماری غرب شکل جدیدی به خود گرفته است، مقاصد سفرها نیز همرنگ خواست آنان گاه برای تتبعات علمی و گاه برای به زنجیرکشیدن بشریت در خدمت اروپائیان تبلور یافته است. پس از سقوط غرناطه این فرصت برای کشور اسپانیا فراهم شد و درست در همان سال کریستف کلمب از سوی اسپانیا مأموریت یافت تا قاره امریکا را کشف کند[۶۶].

به هر روی، در زمینه انگیزه سفرهای اکتشافی اروپائیان دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است. به شیوه‌ای نمونه «سانسوم» فزونخواهی‌های آغازین اروپائیان را در آسیا زاییده حرکت و گسترش طبیعی و اجتناب‌ناپذیر غرب دانسته است[۶۷].

همان‌طور که در زمینه توسعه باستانشناسی کلاسیک لشکرکشی به مصر مقدمه همکاری ارتش و باستانشناسان بود و همان گونه که هیأت‌های علمی تحت سلطه یونان و روم قدیم به خاور نزدیک گسیل می‌شدند و زمینه انتقال از دوره هلنستیک را به دوره رومی فراهم می‌آوردند، همان‌طور در عصر جدید نیز سفرهای اکتشافی موجب رونق باستانشناسی شد. «وتیکلمین» در اشاعه نظر خود مبنی بر وجود تاریخ هنر کوشید (تاریخ هنرباستان، ۱۷۶۴) و آثاری در مورد ابنیه ناشناخته متعدد انتشار داد و «کلوس» با انتشار مجموعه آثار باستانی مصر، اتروسک، یونان، رم و گل (هفت جلد) توانست با استفاده از نقش‌هایی که اغلب خود ترسیم کرده بود پیشرفت‌های عظیمی در شناساندن هنرها، فنون و بویژه ابزار و وسائل پدید آورد[۶۸].

در سده ۱۶ و ۱۷ میلادی، کاشفان، جهانگردان و حادثه جویان اروپایی خاور زمین را از نزدیک بررسی کردند ونتایج آزمایش‌ها و آزمودگیهای خود را به صورت سفرنامه برای اروپائیان به جای گذاشتند. در این سفرنامه‌ها از خودکامگی پادشاهان خاورزمین سخن فراوان به میان آوردند تا جایی که «ویت فوگل» بر آن باور شده است که جهانگردان و دانشمندان یک کشف در زمینه اندیشه کرده‌اند که با کشفیات برجسته و بزرگ جغرافیایی آن روزگار قابل سنجش است و آن آشنایی بر «جامعه آسیایی» یا «شرق» بود که خودکامگی شرقی نیز از آن زاییده شده است. وی نیز از قول صاحبنظران نقاد می‌افزاید که خودکامگی خاورزمین مسلماً فراگیرتر و ستمکارانه‌تر از خودکامگی باختر زمینی بوده است![۶۹]

می‌دانیم که سوداگری‌ها و سودگرایی‌های استعمار به ویژه پس از انقلاب صنعتی انگلیسی در سده ۱۸ و نقش فعالانه بورژوازی غرب در این روند، حوزه جغرافیایی خاصی را نمی‌شناخت. متمدنان جهان برای دستیابی به خواست‌های استعماری خود شرف انسانی را کم زیرپا نگذاشتند. در انگلستان حادثه جویی‌های غیرانسانی دریانوردان و بازرگانان انگلیسی بسیار مورد تشویق و تمجید قرار می‌گرفت و خبرهای مربوط به ورود یک کشتی، ناپدید شدن کشتی دیگر و لنگرانداختن کشتی‌های پرکالایی که در بندر «پلیموث» لنگر می‌انداختند همه با سیاست شگفت افزایی در سراسر لندن پخش می‌شد[۷۰].

بررسی سفرنامه‌های خارجی و تحقیق در مورد انگیزه‌های آنان جالب و خواندنی است همین‌طوراست سفرنامه‌های ایرانیانی که با انگیزه‌های مختلف از کشورهای اروپایی دیدن کردند.

خارجیان برای استمرار سلطه و استعمارگری خود از هیچ امری در کشورهای مغلوب فروگذار نکردند. از تمسخر، استهزاء، تهمت، وارونه کردن حقایق دریغ نداشتند. آنان تحت لوای

انقلاب صنعتی دست به تحقیر جوامع دیگر زدند تا راه را برای تسلیم آنان هموار کنند. آنها دقیقاً نقش فرعون و قوم بنی‌اسرائیل را برای جلب اطاعت محض ایفا کردند[۷۱]. با تحقیر و استهزاء، سرسپردگی، خودباختگی واز خودبیگانگی ملت‌ها را به دست آوردند. نمونه‌ای از این سفرنامه‌ها که حکایت از استهزای جامعه ایرانی دارد می‌توان به کتاب حوادث زندگی حاجی بابای اصفهانی اشاره کرد:

«جیمزدوموریه» در سال (۱۲۳۹ ق = ۱۸۲۴ م) این کتاب را در لندن منتشر کرد و چهارسال بعد جلد دیگری به شکل ذیل آن تحت عنوان حاجی بابا در انگلستان انتشار داد. این دو کتاب که در حقیقت یک داستان است خواسته است آداب و اخلاق، طرز زندگانی اجتماعی، سیاسی و عقاید قومی و تعبیرات زبانی و تعارفات معمولی ایران را به خوانندگان انگلیسی زبان بفهماند. و همه جا لحن استهزاء و طعن و انتقادهای نیشدار و بزرگ کردن معایب و زشت نشان دادن آرایی که وی آن‌ها را زشت می‌پنداشته است در کتاب دیده می‌شود. این کتاب از انگلیسی به فرانسه و از فرانسه به فارسی ترجمه شده است[۷۲].

امروزه استعمار با همه وجود و با همه قوا و مجهز به همه تکنیک‌های پیشرفته علمی، صنعتی، اطلاعاتی و تبلیغاتی در صحنه ایستاده است و برای ادامه سلطه خود بر جوامع عقب نگه داشته شده با همه قدرت تلاش می‌کند و از آستین گشاد خویش هرلحظه ترفندهای جدیدی را عرضه می‌نماید. مسأله خبرنگاری در جهان امروز و مسافرت‌های هر روز هزاران خبرنگار وابسته به کمپانیهای بزرگ خبرگزاری که دارای مقاصد استعماری سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جاسوسی و... هستند قابل تعمق فراوان است. این به آن معنا نیست که باید درها را به روی دیگران بست و با دنیا در ارتباط نبود بلکه باید توجه داشت که نفوذ و تهاجم فرهنگی دشمن با قوت و قدرت هرچه بیشتر در حال انجام است. تنها کسانی می‌مانند که با شناخت خود در برابر این تهاجم وسیع و فراگیر به شکلی کاملاً گسترده با تجهیزات علمی و ابزاری به طور اصولی برخورد کنند.

جهانگردی و ایرانگردی و تقویت صنعت توریسم نباید تنها به قصد کسب درآمد باشد. درست است که بسیاری از کشورهای دنیا از طریق جلب توریست مشکل اقتصادی خود را حل می‌کنند اما ما با عنایت به مسائل فرهنگی اسلامی و با توجه به علائق مذهبی سیاسی و اجتماعی باید با این قضیه کاملاً حساب شده و دقیق برخورد کنیم. در برابر هجمه همه جانبه

خارجی خود را نبازیم. با دست خالی به مبارزه نرویم و افرادی را که در مواجهه مستقیم با آنان قرار می‌گیرند حساب شده انتخاب کنیم و بر کارشان نظارت داشته باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ فرهنگ معین و دهخدا زیر ماده سفر.

۲ ـ اشاره به حرکت جوهری ملاصدرا و کتاب نهادناآرام جهان تألیف دکترعبدالکریم سروش.

۳ ـ قرآن، سوره یس.

۴ ـ اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب الدعوه ... بقره.

۵ ـ سوره دهر، آیات ۳ و ۴.

۶ ـ سوره بقره.

۷ ـ سوره یوسف، ۱۰۹.

۸ ـ سوره حج، آیه ۴۶.

۹ ـ سوره روم، آیه ۹.

۱۰ ـ سوره روم، آیه ۴۲.

۱۱ ـ سوره سباء، آیه ۱۸.

۱۲ ـ سوره انشقاق، آیه ۶.

۱۳ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۴۹.

۱۴ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۱۷۲۵.

۱۵ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۱۷۲۶.

۱۶ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۱۷۱۸.

۱۷ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۴۶۴.

۱۸ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۴۸۰.

۱۹ ـ نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۱۶.

۲۰ ـ امثال و حکم دهخدا، زیر ماده سفر.

۲۱ ـ امثال و حکم دهخد، زیر ماده سفر.

۲۲ ـ تمدن اسلامی آدام متز ترجمه ذکاوتی قراگوزلو ص ۳۱۶.

۲۳ ـ همان ص ۳۱۶.

۲۴ ـ همان ص ۳۱۶.

۲۵ ـ روش‌های پژوهش در تاریخ، مشهد، آستان قدس رضوی / شارلی ساماران ترجمه ذات علیان و دیگران، ص ۹ ـ ۳۱۸.

۲۶ ـ مرجع‌شناس و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تهران / غلامرضا ستوده سمت، ۱۳۷۱. ص ۳۳۵

۲۷ ـ همان ص ۳ – ۳۴۲

۲۸ ـ اعلام معین ص ۴۶۹.

۲۹ ـ اعلام معین ص ۱۶۰۲.

۳۰ ـ اعلام معین، ص ۸۲۹.

۳۱ ـ دائرة‌المعارف مصاحب ص ۱۲۵۲.

۳۲ ـ اعلام معین، ص ۲۲۰.

۳۳ ـ تاریخ علم / جورج سارتون.

۳۴ ـ تاریخ تمدن ویل دورانت بخش اول، عصر ایمان، ص ۳۱۱.

۳۵ ـ تاریخ تمدن اسلامی، ص ۳۱۳.

۳۶ ـ خدمات مسلمانان به جغرافیا/ نفیس احمد.

۳۷ ـ همان، ص ۳۰.

۳۸ ـ همان، ص ۹۱.

۳۹ ـ فرهنگ زندگینامه‌ها/ حسن انوشه، ص ۴۳۵.

۴۰ ـ خدمات مسلمانان به جغرافیا، ص ۴۰.

۴۱ ـ همان، ص ۳۸.

۴۲ ـ همان ص ۵ ـ ۴۲.

۴۳ ـ همان ص ۲ ـ ۵۱.

۴۴ ـ همان

۴۵ ـ تاریخ تمدن اسلامی ص ۳۱۶.

۴۶ ـ همان ص ۳۱۳.

۴۷ ـ تاریخ تمدن اسلامی، ص ۳۱۴

۴۸ ـ اعلام معین، ص ۳۵۸.

۴۹. همان ص ۱۱۸۲

۵۰ ـ منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، / غلامرضا ورهرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۶۰

۵۱ ـ همان، ص ۶۴

۵۲ ـ همان، ص ۱۰۰

۵۳. همان، ص ۶۰

۵۴ ـ اعلام معین، ص ۸۳

۵۵ ـ اعلام معین، ص

۵۶ ـ اعلام معین، ص ۱۲۵۳

۵۷ ـ اعلام معین، ص ۲۰۹۵

۵۸ ـ اعلام معین، ص ۱۱۸۳

۵۹ ـ اعلام معین، ص ۱۳۸۸

۶۰ ـ اعلام معین، ص ۸۵

۶۱ ـ اعلام معین، ص ۹۹۰

۶۲ ـ همان، ص ۸۳۱

۶۳ ـ همان، ۴۳۲

۶۴ ـ همان، ص ۱۸۲۲

۶۵ ـ از دیدن تا سرودن / قدمعلی سرامی، تحقیقات اسلامی، سال ۶، شماره ۱ و ۲ (۱۳۷۰) ص ۳۹۳ ـ ۳۷۵.

۶۶ ـ دورویه تمدن بورژوازی و غرب / عبدالهادی حائری. ص ۵۶

۶۷ ـ همان، ص ۵۷

۶۸ ـ روش پژوهش در تاریخ / شارل ساماران، ص ۳۲۵ ـ ۳۱۹.

۶۹ ـ همان، ص ۱۰۵

۷۰ ـ همان، ص ۶۲

۷۱ ـ فاستخف قومه فاطاعوه، قرآن

۷۲ ـ اعلام معین، ص ۴۳۹

بخش دوم

کتابخانه‌های عمومی

۴

کتابخانه‌های عمومی و توسعه فرهنگی*

□ اهمیت کتاب و کتابخانه بر کسی پوشیده نیست، فرهنگ و تمدن جامعه ارتباطی ناگسستنی با کتاب و کتابخانه دارد.

تاریخ کتابخانه بخشی از تاریخ پیشرفت معنوی و فرهنگی است، و حتی در مراحل آغازین فرهنگ هدفهای کتابخانه جنبه عمومی داشته و در زمان رومیها درب کتابخانه‌ها به روی همگان باز بوده است[1]. در هر حال با پیشرفت خط، که یکی از مهمترین حوادث زندگی بشر است، انگاره ارتباطی به وجود آمد و نیاز بشر به دانش موجب گسترش کتابخانه‌ها در دوره‌های مختلف فرهنگی شد. بحث درباره کتابخانه‌ها و بویژه کتابخانه‌های عمومی در ادوار مختلف تاریخ، از عهد باستان گرفته تا قرون وسطا، و نیز دوران معاصر فرصتی فراختر می‌طلبد، وگرچه کم و بیش تحقیقاتی نیز انجام شده است، هنوز جای بحث فراوان دارد.

در اسلام نیز که طبیعت آن با کتاب و کتابت عجین شده و معجزه جاودان آن کتاب است به اندازه کافی در تشویق و ترغیب به امر کتاب و کتابخوانی و گسترش کتابخانه‌ها توصیه شده

---

* ـ این مقاله در دوشماره اطلاعات علمی شماره ۱۶ و۱۷ در بهمن و اسفند ۱۳۷۱ چاپ شده است.

است. از بحث مجاورت و احداث همزمان کتابخانه‌ها با مساجد و مدارس اسلامی که بگذریم شاید بتوان به عنوان اولین کتابخانه عمومی به کتابخانه حیدریه نجف اشاره کرد: «کتابخانه حیدریه نجف کتابخانه مزار شریف علی(ع) است و تربت علی(ع) در آن واقع است. کتابخانه نجف در زمانهای بسیار دور پدید آمده است».[۲] با آنکه وجود کتابخانه‌ها، بویژه کتابخانه‌های عمومی در همه زمانها از ضروریات اولیه زندگی انسان بوده است، اما در جامعه امروزی، با توجه به گسترش علم و تکنولوژی و پیشرفت صنعت چاپ و قدرت تکثیر و توزیع از یک طرف و متراکم‌تر شدن جمعیت در کل جهان بویژه در مناطق شهری، و فراوانی اشتغالات (ذهنی و بدنی) از طرف دیگر، ضرورت توجه به کتابخانه‌ها چند برابر شده است. بشر امروز، بیش از هر زمان دیگر نیازمند کتاب و کتابخوانی است. ضرورت این امر تا بدانجاست که سازمانهای بین‌المللی اختصاصاً، مسأله ضرورت توسعه کتاب و کتابخوانی را در دستور کار خود قرار داده‌اند[۳]. علت این امربسیار روشن است: بشر امروزی، انسان فرهنگی و حتی اطلاعاتی نام گرفته است. قدرت اطلاعات را موج سوم نام نهاده‌اند[۴]. چقدر زشت و نازیباست اگر در این جهان مملو از اطلاعات، ملتی اهل کتاب نباشد و یا کتابخانه‌هایش کم رونق باشد.

یکی از راههای توسعه فرهنگی توجه خاص به گسترش و تقویت کتابخانه‌ها و از جمله کتابخانه‌های عمومی است. کتابخانه پل ارتباطی بین حال و گذشته و سکوی پرشی برای رسیدن به آینده است. اگر توسعه فرهنگی «فراهم آوردن امکانات، آفرینندگی فرهنگی و هنری بر پایه مشارکت تمامی افراد» جامعه توصیف شود که «در آن به فرد برای جستجوی خلاقیت کمک می‌کند».[۵] آنوقت طبعاً باید به کتابخانه به عنوان یکی از نهادهایی که در مثلث تعادل فرهنگی قرار می‌گیرد نگریست. در اینجا بی مناسبت نیست که به تفاوت توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه هم اشاره شود. اگر چه در هر دو مورد، گسترش و سهم کتابخانه غیرقابل انکار است، اما از آنجا که غرض تبیین اهمیت و ارتباط کتابخانه‌های عمومی با توسعه فرهنگی است، ضرورت اشاره به آن لازم به نظر می‌رسد. در جایی که فرهنگ توسعه ملاک و محور است بیم آن می‌رود که کتابدار به عنوان عرضه کننده خدمت در راه توسعه، آن هم به معنای اقتصادی آن باشد. اگر فرهنگ توسعه مطرح باشد باید همان گونه عمل شود که کشورهای در حال رشد و توسعه بی صبرانه خواستار توسعه اقتصادی و اجتماعی‌اند. اگر چه توجه و عنایت به فرهنگ توسعه برای نظام و کشوری که سیاست کلی خود را بر محور توسعه استوار کرده است امری ضروری و اجتناب ناپذیر است، و کتابخانه و کتابدار هم در این زمینه سهم بسیار مؤثر و حساسی دارند، اما توسعه

فرهنگی به معنای اعم آن، چیز دیگری است، و شاید به طریقی مفهوم فرهنگ توسعه را هم در بر داشته باشد. کتابداری که به توسعه فرهنگی می‌اندیشد، نمی‌تواند نسبت به ارزشها، آرمانها و معتقدات جامعه، و حتی در تصحیح آن بی تفاوت باشد. کتابدار بویژه در کتابخانه‌های عمومی صاحب نظر است، نقش آفرین است و تلاش می‌کند مسیری را تعقیب کند تا سلامت فکری واخلاقی جامعه به خطر نیفتد. او کتابخانه را آموزشگاه و دانشگاه برای عموم می‌بیند. نکته دیگری که رسالت کتابخانه‌ها در توسعه فرهنگی را تأیید می‌کند فلسفه وجودی آنهاست که بر پایه دو امر مهم آموزش و سرگرمی استوار شده است، و طبیعی است که این دوموضوع آنقدر گسترده است که ابعاد مختلف زندگی انسان را با همه وسعتش در بر می‌گیرد.

«کتابخانه برای جامعه دو کارکرد فعال به عهده می‌گیرد که یکی آموزش است ودیگری سرگرمی. بهترین موادخواندنی و سرگرم‌کننده را عرضه می‌کند؛ نهایت مهارت و استعداد و تفکر را به کار می‌اندازد تا سبب ترغیب عامه مردم به خواندن و لذت بردن شود. عادتی که چنانچه احتمالاً بارور شود، سرانجام فرد را به خواندن سایر مواد و کتب و دانشها رهنمون می‌شود، به علاوه در واقع خواندن به قصد لذت بردن، بدون دانش‌اندوزی میسر نیست».[6]

آموزش در کتابخانه به عنوان عامل توسعه، پدیده‌ای نیست که حاصل کشف و دستیابی متفکران دوران معاصر باشد، بلکه در روزگار قدیم بویژه در فرهنگ اسلامی چنین برداشت و تلقی‌ای وجود داشته است. ما از بین نمونه‌های فراوان به یکی بسنده می‌کنیم:

«درکاخ بزرگ علی بن یحیای منجم (۲۷۵ ق)،کتابخانه‌ای به نام «خزانة‌الحکمة» وجود داشت که مردم از جاهای گوناگون برای مطالعه بدان روی می‌آورند. برای دانشجویانی که می‌خواستند در گوشه‌ای از کتابخانه زندگی کنند، تسهیلاتی آماده کرده و هزینه‌هایی اختصاص داده بودند و به آنان غذا می‌دادند. یکی از پژوهشگران به نام «ابومعشر بلخی» در سر راهش از خراسان به مکه، از این کتابخانه بازدید کرده بود. هنگامی که او به کتابخانه وارد شد چنان در برابر آن به شگفت آمد که برنامه حج خود را برهم زد و برای آموختن درآنجا ماند و سرانجام بـه استادی و کـارآیـی رسید».[7]

کتابخانه‌ها در قبال جامعه مسؤولیت سنگینی دارند. آنها به عنوان واحدهایی برای خدمت به جامعه به وجود آمده‌اند. خدمت اجتماعی از وظایف اولیه کتابخانه‌هاست. این امر بـویژه درباره کتابخانه‌های عمومی بیشتر صادق است. کتابخانه‌های عمومی باید آنقدر افق دیـدشان وسیع باشد که بتوانند برای آحاد مردم جامعه طراحی و برنامه ریزی کنند. سازمانهای بین المللی

برای کتابخانه‌ها در زمینه‌های مختلف استانداردهایی مشخص کرده‌اند. مثلاً «ایفلا» برای جمعیتی معادل ۱۰۰۰۰۰ نفر باسواد ۲۰۰۰۰۰ جلد کتاب را ضروری می‌داند بی‌جهت نیست که «رانگاناتان» هم با اصول پنجگانه خویش آنچنان به کتابخانه می‌نگرد که گویی همه جامعه مخاطب او هستند.

در بنیاد کتابخانه عمومی، هدف اجتماعی مافوق همه چیز است و کتابخانه را به عنوان وسیله‌ای برای خدمت می‌نگرند که هدف آن ایجاد امکاناتی برای همگان، بر اساس نیازها و موقعیت هاست تا بتوانند با دسترسی کامل به کتابخانه و پیشینه‌های مربوط به اشکال گوناگون از بهره‌گیری از آن لذت ببرند. تکیه بر خدمت در سطح محلی است، زیرا به درستی این باور هست که باید خدمت جنبه شخصی داشته باشد. همچنین معتقدند که فردی کتاب خوانده، شهروندی بهتر و سرمایه‌ای ارزنده‌تر برای جامعه خواهد بود. کتابخانه عمومی به تمامی موادی که برای فرد و جامعه ارزشمند است توجه دارد، و موظف است نه تنها به برآوردن نیازهای موجود، بلکه به تحقق نیازهای گسترده آتی مردم بپردازد.[۸]

در کتابخانه‌های عمومی برخلاف انواع دیگر کتابخانه‌ها که جنبه خاص و یا مخاطبان خاص دارد، همه جامعه مخاطبان آن هستند. مدیران کتابخانه‌های عمومی باید به همه جوانب و مسائل جامعه بیندیشند و آنچه را در جهت آموزش و یا سرگرمی عموم است مدنظر قرار دهند. البته کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان در بعضی تقسیم‌بندیها، همانند کشور ما، به طور جداگانه معرفی می‌شوند. این به لحاظ تأکید و تکیه بیشتر بر اهمیت موقعیت سنی کودکان و نوجوانان است، ولی از نظر عمومیت مخاطبان آن با کتابخانه‌های عمومی وجه مشترک دارند.

اگر چه آموزش می‌تواند به خاطر هدفدار بودن آن محور انجام وظایف کتابخانه‌های عمومی قرار گیرد، اما سرگرمی برای جامعه، بویژه جوامع پرجمعیت و صنعتی، از ویژگی خاص برخوردار است. ایجاد محیطی مناسب برای کسانی که خسته و کوفته از کار بر می‌گردند و میل دارند ساعاتی از عمر خویش را به فراغت بگذرانند و در عین حال چیزی هم بیاموزند، در مسیر توسعه فرهنگی ولو به طور جنبی و ضمنی و پشتوانه‌ای، بسیار پرارزش و مهم است. در این زمینه است که کتابخانه‌های عمومی علاوه بر کتاب به انواع و اقسام وسایل و سرگرمی‌های آموزنده و غیرمضر برای سلامت اخلاقی و روانی در جامعه می‌اندیشند. به عبارت دیگر می‌توان گفت اگر کتابخانه مأمنی برای آموزش و سرگرمی باشد، بسیاری از مردم بویژه نسل جوان که از انرژی و تحرک بیشتری برخوردار است، بخشی از وقت خود را در کتابخانه خواهد گذراند و نیز

بزهکاریهای اجتماعی که ناشی از بلاتکلیفی، سرگردانی، بی برنامگی، جهالت و... است کمتر خواهد شد. پرکردن اوقات فراغت جامعه بویژه نسل جوان از حساسیت خاصی برخوردار است. بر اساس محاسبه، حدود ۸۰ درصد وقت سالیانه انسان، حدود ۲٪ از کل فراغت وقت او محسوب می‌شود که این رقم در رابطه با کشور ما حدود ۳ ماه از سال است.[۹]

کتابخانه‌های عمومی ما

کتابخانه‌های عمومی ما دارای مسائل و مشکلات خاصی است. با آنکه قانون تأسیس آنها به سال ۱۳۴۴ بر می‌گردد، اما با توجه به فرهنگی بودن جامعه ما، رشد بیشتری را اقتضا می‌کند. به رغم نگرشهای فراوان پس از انقلاب، توسعه چندان مطلوب نیست. کافی است بدانیم در شهر تهران که از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارای موقعیت ویژه و ممتازی است تا سال ۱۳۶۹ تعداد کتابخانه‌های عمومی تغییر نکرده است. سیزده کتابخانه عمومی در تهران بوده است که دو واحد آن تعطیل می‌شود، در عوض دو واحد دیگر احداث می‌گردد و به فعالیت می‌پردازد.

هنوز هم مناطق بیستگانه تهران به ازای هر منطقه یک کتابخانه ندارند. اخیراً با تشکیل انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی و تلاش و فعالیت مردمی خارج از چارچوب اداری، روح تازه‌ای در این کتابخانه‌ها دمیده شده که گرچه مغتنم است ولی هنوز راه زیادی تا رسیدن به وضع مطلوب باقی است. کتابخانه‌های عمومی ما در مسیر توسعه فرهنگی دارای مشکلاتی است که به اختصار به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱ ـ کم بودن تعداد: تعداد کتابخانه‌ها با توجه به استانداردهای موجود بسیار کم است. تعداد ۵۰۰ کتابخانه فعلی در سطح کشور به معنای هر صد هزار نفر یک کتابخانه است، به شرطی که جمعیت ایران را ۵۰ میلیون در نظر بگیریم. توزیع و پراکندگی آن نیز نکته قابل توجه دیگری است. مثال شهر بزرگ تهران به عنوان نمونه در بالا ذکر شد. با وصف اینکه هر منطقه‌ای از شهر تهران خود از بسیاری از شهرهای ما بزرگتر و پرمسأله‌تر است. از این گذشته از تعداد ۵۰۰ کتابخانه فقط ۱۳۳ واحد آن اختصاصاً برای کتابخانه‌های عمومی طرح ریزی شده است[۱۰]

۲ ـ نامناسب بودن مجموعه‌ها: تنوع و تکثر مجموعه، اعم از کتاب، مجله و یا سایر مواد کتابخانه‌ای و اطلاع رسانی می‌تواند بر غنای کتابخانه بیفزاید و جذابیت ایجاد کند، تا موجب جلب افراد بیشتری شود. بودجه اختصاصی برای خرید کتاب نه تنها کافی نیست بلکه بسیار

اندک است. مقایسه تعداد عناوین مجلدات خریداری شده و اعتبارات تخصیص یافته برای خرید کتاب در چهارسال انتخابی زیر می‌تواند گویای این واقعیت باشد، با توجه به سطح تورم موجود در جامعه و گرانی کتاب مقایسه این ارقام حائز اهمیت است.[۱۱]

سال	عنوان	جلد	اعتبار (ریال)
۱۳۵۷	۴۷۹	۲۲۷۲۰۹	۴۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۳۶۲	۶۶۰	۴۱۰۱۱۱	۴۲/۴۶۱/۰۰۰
۱۳۶۶	۶۲۷	۲۱۸۴۳۳	۱۶/۳۵۲/۰۰۰
۱۳۶۸	۲۴۶	۱۱۲۱۳۰	۳۲/۰۰۰/۰۰۰

۳ ـ محدود بودن فعالیتها، محدودیتها چه به لحاظ وجود موانع قانونی مانند ممنوعیتهای جابجایی کتاب و مجله و یا مبادله آنها و چه به لحاظ عدم واگذاری اختیارات، آن هم از طرف مسؤولان مافوق، فی المثل صرف وجوه دریافتی به عنوان حق اشتراک در موارد ضروری، یا نبودن انگیزه لازم برای کار بیشتر به دلیل حقوق و مزایای کم کارمندان، یا گرفتاریهای دیگر زندگی سبب شده است که فعالیت به حداقل ممکن تنزل پیداکند. طبیعی است که میزبان خسته، حتماً نمی‌تواند پذیرای میهمان باشد و حتی اگر میهمانان بخواهند با نشاط و شور سرخوان کتابخانه بنشینند، هرگز نخواهند توانست لذت فرونشاندن عطش علمی خویش را احساس کنند.

۴ ـ محدود بودن کارمندان متخصص یا با تجربه.

این مطلب که می‌توانست در ضمن بندقبلی طرح شود خود موجب محدود شدن فعالیتها می‌شود. بعضیها چنین تصور می‌کنند که کتابخانه تنها محل نگاهداری کتاب است و باید کسانی را در کتابخانه به کار گرفت که مواظب باشند کتابها از بین نرود و یا حداکثر کاری که می‌توانند بکنند این است که کتاب بدهند و کتاب تحویل بگیرند. در حالی که قضیه کاملاً طور دیگری ست. آن کس که به معنی واقعی کتابدار است خود اهل مطالعه است. و از اینکه دیگران به سمت کتاب و مطالعه نمی‌آیند رنج می‌برد و همچون عالمی که می‌خواهد غریق را بگیرد و از مهلکه جهل نجات دهد با همه وجود خود تلاش می‌کند. اگر بپذیریم که کتابخانه محل آموزش و سرگرمی است، طبعاً کسانی که عهده‌دار مسؤولیتهای این مدرسه دوم اجتماعند باید همچون معلمان وارسته و کارآمد از ویژگیهای لازم برخوردار باشند؛ باید متخصص و متعهد اخلاقی و انسانی باشند و بتوانند از عهده وظیفه‌ای که بر دوششان گذاشته شده است به خوبی برآیند.

۵ ـ محدود بودن تبلیغات: محدودیت تبلیغات به این معناست که به رغم همه

محدودیتهایی که برای کتابخانه هست از همین محدوده ناقص هم به خوبی بهره‌برداری نمی‌شود. به این علت که کمتر کسی متوجه واقعیت وجودی آنهاست. شاید بسیاری از اهالی محل نمی‌دانند که مثلاً در منطقه آنها کتابخانه وجود دارد، یا اگر می‌دانند منتظرند کسی آنان را دعوت کند و یا به نوعی ارتباط برقرار شود، و یا اگر چنین انتظاری ندارند با مفهوم کتابخانه و بویژه کتابخانه عمومی آشنا نیستند و یا اگر آشنا هستند از مجموعه به خوبی اطلاع ندارند و یا طرز استفاده و شرایط بهره‌گرفتن از آن را نمی‌دانند. مهمتر اینکه رسانه‌های گروهی و همگانی نیز سر سازش و همکاری با کتابخانه‌های عمومی را ندارند.

چه خوب بود اگر صداوسیما هر هفته به معرفی یکی دو کتابخانه عمومی می‌پرداخت و نشان می‌داد که برخلاف انواع آموزشگاههای انتفاعی و غیرانتفاعی و کلاسهای زبان خارجه که از مردم پول می‌گیرند، در جامعه چنین مکانهای مقدسی وجود دارد که در آن آموزش و سرگرمی هست و نه تنها پول نمی‌گیرند بلکه کتاب هم به امانت می‌دهند و اگر خدمتی هم از دستشان برآید به رایگان در اختیار می‌گذارند.

۶ ـ داشتن مراجعان خاص: این مشکل که شاید مشکل تبعی باشد و ناشی از عدم توجه به مشکلات دیگر است به این معناست که مراجعان کتابخانه‌های عمومی عمدتاً دانش‌آموزان و دانشجویان هستند. آن‌ها هم نه برای استفاده از موجودی و محتوای کتابخانه‌های عمومی، بلکه اغلب جهت استفاده از سالن مطالعه و به منظور خواندن دروس آموزشگاهی و دانشگاهی خود به کتابخانه مراجعه می‌کنند. اینکه دانش‌آموزان و دانشجویان سالن کتابخانه‌ها را محیط امنی جهت انجام تکالیف درسی خود بدانند عیب نیست و نشانگر نبودن امکانات کافی و لازم از این قبیل برای نسل جوان است. عیب این است که چرا عموم مردم و بویژه نسل جوان از مجموعه و محتوای کتابخانه‌ها استفاده نمی‌کنند. آیا نبودن وقت علت عدم استفاده است؟ یا عدم آشنایی با مجموعه‌ها، عدم اطلاع از چگونگی بهره‌برداری، مقررات سخت و دست و پاگیر یا...؟ هرچه هست این است که کتابخانه بیشتر جنبه قرائت خانه دارد، آن هم در زمانهای خاص و در موقع امتحانات. براساس آمار، در شهر تهران، علت مراجعه به کتابخانه‌های عمومی را ۸۱/۳٪ درسی و ۱۸/۷٪ غیردرسی عنوان کرده‌اند. از نظر تحصیلات ۱۲/۳٪ سطح متوسطه، ۶۲/۹٪ دیپلم، ۸/۲٪ فوق دیپلم و ۱۴/۹٪ لیسانس و بالاتر هستند که از بین آنها ۳۶/۸٪ دانش‌آموزان، ۲۹/۱٪ دانشجویان و ۳۴/۲٪ سایرین بوده‌اند.

از مشکلات دیگری که می‌توان برشمرد عدم حمایت از مسؤولان و مدیران کتابخانه‌ها در

مسیر پرتحرک نمودن کتابخانه‌هاست. این عدم حمایت شامل حمایت مادی و معنوی است. مدیری که در مسیر انجام فعالیتهای مربوط به کارش مورد حمایت و تشویق قرار گیرد، روحیه پیدا می‌کند و علاقه بیشتری از خود نشان می‌دهد، و سعی می‌کند از امکانات موجود حداکثر بهره را ببرد و خود را اسیر شرایط نکند. با توجه به آنچه گفته شد، به رغم کمبودهای فراوان، کتابخانه‌ها مراکز بزرگ فرهنگی و آموزشی هستند و نقش بزرگی در توسعه فرهنگی دارند. ما می‌توانیم با برنامه ریزی و دقت از امکانات و مقدورات، بیشتر استفاده کنیم و برای تسهیل امور و پیشرفت کار از بذل مساعی دریغ نورزیم حتی اگر توسعه فرهنگی را از جنبه اقتصادی صرف هم مطرح کنیم.

کتابخانه‌های عمومی می‌توانند تحت مدیریت قوی، کارآمد و کارآشنا و دلسوز با همکاری انجمن کتابخانه‌های عمومی به فعالیت خود سروسامان دهند. اهم فعالیتهای کتابخانه‌های عمومی را می‌توان در ده بخش دسته‌بندی کرد، که هریک شامل چند بخش فرعی است و کتابخانه‌های فعال و پرنشاط می‌توانند به تنهایی و یا با همکاری سایر کتابخانه‌ها به این اهداف دست یابند.

۱. فعالیت مشترک کتابخانه‌های عمومی

یکی از اساسی‌ترین محورهای فعالیت در کتابخانه‌های عمومی، رابطه مشترک میان آنهاست. هر کتابخانه در عین استقلال، باید خود را جزو مجموعه و خانواده‌ای بداند که در همه جا درکنار آنهاست، این حس همکاری و همجواری می‌تواند رغبت مشتریان را زیاد کند، علاقه مسؤولان و کارکنان را به کار افزایش دهد و از شیوه‌های بهره‌گیری بیشتر اطلاع یابد. این فعالیت مشترک می‌تواند در قالب برنامه‌های زیر باشد:

الف. امانت بین کتابخانه‌ای

ب. قبول و پذیرش اعضای یکدیگر با شرایط مورد توافق طرفین

ج. تهیه فهرستگان چه به صورت چاپی چه برگه‌های فهرست و یا تکثیر شده در نسخه‌های محدود

د. اجازه نقل و انتقال کتابهای تکراری یا بلااستفاده ازیک حوزه کاری به منطقه و یا مناطق دیگر

ه. پیش بینی فعالیتهای جمعی دیگر. وقتی عده‌ای مجتمع باشند و راجع به افزایش میزان

بهره‌وری کار خویش به بحث بنشینند مسلما به راههای تازه‌ای دست می‌یابند که با تصویب جمع می‌تواند مورد استفاده و عمل قرار گیرد. اخیراً مجموعه کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد به ابتکاری جمعی دست زده‌اند و پیشنویس تشکیل شورای همکاری را به تأیید رئیس دانشگاه رسانده‌اند که به نظر می‌رسد اقدام مثبت و سازنده‌ای است. امید است پس از به ثمر رسیدن آن، طرح مزبور الگوی خوبی برای سایر مجموعه کتابخانه‌ها اعم از عمومی، دانشگاهی و یا تخصصی باشد[۱۲]

۲. فعالیت مشترک با دیگر کتابخانه‌ها

اولویت فعالیت مشترک کتابخانه‌های عمومی اگر چه در آغاز به جمع خودشان بر می‌گردد، ولی هر کتابخانه می‌تواند به طور مستقل یا به صورت جمعی با کتابخانه‌های دیگر برحسب نزدیکی فاصله و یا تناسب موضوعی و وضعیت اجتماعی رابطه برقرار کند. این ارتباط می‌تواند با مجموعه کتابخانه‌های زیر باشد:

الف. با کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

مجموعه کتابخانه‌های کانون کودکان و نوجوانان، مجموعه نسبتاً موفقی است و محدوده کاری آن به آموزش و ایجاد سرگرمی برای دانش‌آموزان و افراد تا سن ۱۲ سال برمی‌گردد. در واقع در بعضی از کشورها، مجموعه کتابخانه‌های کودکان در داخل وظایف کاری کتابخانه‌های عمومی منظور شده است. در هر حال ارتباط بین کتابخانه‌های عمومی و کانون می‌تواند از جهات گوناگون مورد توجه قرار گیرد. در بحثی که با بعضی از مسؤولان این دو نوع کتابخانه پیش آمد، چنین عنوان شد که دانش‌آموزان پس از سن ۱۲ سالگی که ارتباط آنها با کانون قطع می‌شود در حالتی بلاتکلیف قرار می‌گیرند. عدم ارتباط بین کتابخانه‌های عمومی هم سبب می‌شود که مراجعان و اعضای کتابخانه کودکان و نوجوانان پس از گذشتن از سن ۱۲ سالگی رها شوند و کتابخانه‌های عمومی هم به دلیل عدم اطلاع نتوانند آنها را جذب نمایند.

ب. ارتباط با کتابخانه‌های مدارس

مدارس در سطوح مختلف دارای کتابخانه هستند. بعضی از مدارس و بویژه دبیرستانها از مجموعه‌های خوب و قوی برخوردارند. علاقه‌مندی معلمان پرورشی در ایجاد انگیزه برای مطالعه فرصت خوبی است که می‌تواند در اثر ارتباط با کتابخانه‌های عمومی بارورتر شود. چنانچه رابطه بین کتابخانه‌های مدارس با کتابخانه‌های عمومی و نیز کانون به صورت منظم

برقرار شود، پیامدهای تربیتی مطلوبی را در برخواهد داشت. اشتراک مساعی بر غنای مجموعه‌ها می‌افزاید و مشاوره مسؤولان و مربیان با یکدیگر در پرورش ذهن و فکر دانش‌آموزان و مراجعان تأثیر فراوان خواهد گذارد.

ج. ارتباط با کتابخانه‌های مساجد

مساجد بعضاً دارای کتابخانه‌های بسیار خوبی هستند. قرائتخانه و سالن مطالعه آنها از بسیاری از کتابخانه‌های عمومی بهتر و وسیعتر است. در بعضی از مناطق تهران کتابخانه‌هایی هستند که درآنها تا پاسی از شب به روی جوانان و نوجوانان باز است. اگر کتابخانه‌های عمومی در هر شهر و یا هر محله از محلات بزرگ با کتابخانه‌های مساجد در ارتباط باشند، می‌توانند در جذب اعضا، گسترش مجموعه و افزایش ساعات کار و مطالعه، توفیقی نسبی به دست آورند.

در زمینه کتابخانه‌های مساجد در بعضی از کشورهای اسلامی تحقیقاتی انجام شده است. در تهران نیز قرار بود با همکاری مرکز شورای مساجد تحقیقی درباره کتابخانه‌های مساجد تهران به عمل آید که به دلیل مشکلات اداری هنوز پیشرفت چندانی نداشته است.

د. ارتباط با کتابخانه‌های دانشگاهی

کتابخانه‌های دانشگاهی هم در نوع خود دارای بزرگترین مجموعه کتابخانه‌ای است. ارتباط کتابخانه‌های عمومی با یک یا چند کتابخانه دانشگاهی بویژه آنها که نزدیکند می‌تواند از جهات مختلف راهگشا باشد. امانت از کتابخانه‌های یکدیگر، تبادل تجربیات و کمک در زمینه پاسخهای مرجع از مهمترین انتظاراتی است که می‌توان از کتابخانه‌های دانشگاهی داشت. آشنایی با استادان دانشگاه و مشاوره با آنها در صورت لزوم، آشنایی با تحقیقات انجام شده، دعوت از آنها جهت ارائه سخنرانی و یا مشاوره‌های دیگر، کمک در برگزاری نمایشگاههای مختلف ازفواید این ارتباط است. ارتباط کتابخانه‌های عمومی با کتابخانه‌های دانشگاهی پلی ست که بین جامعه و دانشگاه زده می‌شود. البته کتابخانه‌های تخصصی دیگر را می‌توان در این زمینه نام برد اما به لحاظ اینکه این نوع کتابخانه‌ها از ویژگی خاصی برخوردارند و ارتباط کتابخانه‌های عمومی ممکن است در اکثر موارد خالی از فایده و یا کم فایده باشد و علی الظاهر موجب ضرر و زیان اقتصادی به بخشهای صنعتی و تجاری شود، فعلا به اولویت این ارتباط توصیه نمی‌شود، مگر آنکه ضرورت آن روشن و قطعی باشد.

ه. ارتباط با سایر کتابخانه‌ها

ارتباط با کتابخانه‌های بیمارستانها و مراکز نظامی (پادگانها)، سازمان تبلیغات و یا دیگر

کتابخانه‌ها خود می‌توانند در گسترش تفکر کتابخوانی تأثیر فراوان داشته باشد. اصولاً اگر کتابخانه عمومی بتواند حالت مرکزیت و محوریت خود را نسبت به این قبیل کتابخانه حفظ کند، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. باید توجه داشت که مکانیزم ارتباط با هریک از این کتابخانه‌ها مستلزم شور و بحث و تدوین آیین نامه مشترکی است که به صورت انفرادی یا کلی وگروهی تهیه می‌شود.

۳. ایجاد انجمنها و یا شورای منطقه‌ای حمایت از کتابخانه

از آنجا که امور کتابخانه همچون سایر خدمات عمومی اگر تنها بر دوش دولت باشد کارآیی کامل و جامع ندارد، باید از مشارکت مردم در این زمینه استفاده فراوان برد. مردم همچنانکه در زمینه ایجاد مدارس و یا کمک به تقویت آنها سهیم هستند در ایجاد و گسترش کتابخانه‌ها نیز می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. انجمنهای کتابخانه‌های عمومی در کشور از بدو فعالیت منشأ خدمات فراوانی بوده‌اند. در تهران انجمن کتابخانه‌های عمومی در مدت یک سال خدمات فراوانی ارائه داده است و کمکهای زیادی را به صورت نقدی و یا قبول خدمات و یا تعمیرات انجام داده و یا برای آن بانی پیدا کرده است. در برنامه سال ۱۳۷۱ انجمن، بنابراین بود که هر ماه در تهران یک کتابخانه افتتاح شود، که اگر چنین شود از نظر تعداد در پایان سال خدماتی معادل تمام دوران حیات کتابخانه‌های عمومی در تهران می‌داشتیم. قوت و قدرت این انجمنها بستگی تمام به جدیت و علاقه‌مندی اعضای آن انجمن دارد. اگر اعضا به دقت انتخاب شده باشند، طبیعی است که حاصلی پربار خواهد داشت.

در شهرهای بزرگ بویژه شهر تهران باید به ازای هر محله و یا بخش،انجمن کتابخانه عمومی وجود داشته باشد و این مسأله، هم ضرورت دارد و هم به خوبی قابل اجراست. شهرداران و رؤسای آموزش و پرورش مناطق بیستگانه به همراه روحانیان سرشناس یا افراد باسواد، با تجربه و خیر مناطق می‌توانند با حمایت انجمن مرکزی در این زمینه متشکل شوند. علت ضرورت این امر آن است که برای شهری چون تهران یک انجمن بدون داشتن دستیارانی در کلیه مناطق نمی‌تواند به خوبی وظیفه خود را انجام دهد.

۴. افزایش ساعات کار

کتابخانه‌ها برای ایجاد انگیزه بیشتر برای مراجعان خود می‌توانند ساعات کار خود را افزایش

دهند. این افزایش می‌تواند به دو صورت زیر باشد:

الف. افزایش ساعات کار کتابخانه تا دیروقت شب و حتی روزهای تعطیل.

ب. بازنگه داشتن سالن مطالعه و قرائت.

۵. تبلیغات

در جامعه امروز تبلیغات یکی از عوامل اساسی موفقیت در هر امری است. شاید به علت اشتغالات فراوان ذهنی و عملی آحاد جامعه، چنانچه تبلیغ نشود، بـه طـور طـبیعی وجـود و اهمیت کتابخانه مورد غفلت قرار گیرد.

تبلیغات صحیح می‌تواند جاذبه و انگیزه ایجاد کند و افرادی را که بر سر انتخاب چند مسأله در تردیدند به تصمیم قطعی بکشاند. چه بسا افرادی که نمی‌دانند اوقات فراغت خود را چگونه سپری کنند؛ مثلاً در خانه بمانند و از صداوسیما استفاده کنند و یا بـه سـینما بـروند و یـا در مسابقات هیجان انگیز شرکت کنند و یا دیداری از دوست و آشنای خویش داشته باشند.

تبلیغات کتابخانه می‌تواند نقشی در این انتخاب داشته باشد. چنانچه برای کتابخانه به اندازه کافی جذابیت ایجاد شود طبعاً علاقه‌مندانی خواهند بود که آن را بر دیگر مراکز ترجیح دهند. شیوه این تبلیغات عمدتاً می‌تواند بر محور سلیقه‌های فردی و جمعی استوار باشد. ذوق هنری گاهی اوقات جاذبه‌های فراوان ایجاد می‌کند. در این زمینه موارد زیر قابل ذکر است:

الف. سروصورت دادن به وضع ظاهری کتابخانه گاهی اوقات آنقدر وضع ظاهری کتابخانه اسفبار است که مراجعه کننده را دلگیر و دلمرده می‌کند. توجه به مسائل ظاهری از قبیل نظیف بودن ساختمان، نوع رنگ آمیزی، نورکافی، هوا و فضای مناسب، دکوراسیون مرتب و با سلیقه حائز اهمیت است.

ب. استفاده از اطلاعیه‌ها، راهنماها، پوسترها خط زیبا و طراحیهای مناسب و استفاده از اطلاعیه‌ها، راهنماها و پوسترها برجلب و جذب افراد می‌افزاید. همچنین به مناسبتهای مختلف می‌توان از این وسایل به خوبی استفاده کرد.

ج. استفاده از تبلیغات صدا و سیما. اگر کتابخانه‌ای فعال است و انگیزه کافی برای کار کردن دارد و یا می‌خواهد به جامعه توان یا شیوه کار خویش را نشان دهد و از این طریق، بـرای بـه فعلیت درآوردن اهداف خویش کمک بگیرد، بسیار مناسب است که از تـبلیغات صـداوسیما استفاده کند. این تبلیغات می‌تواند شامل بخشهای مختلف کتابشناسی و معرفیهای مبسوط از

کتابخانه، کتابداری و کتابخوانی و یا دست کم همچون آگهیهای بازرگانی باشد که فقط نام و محل کتابخانه‌ها را اعلام کند و اینکه آمادگی پذیرش مراجعان را دارد و حاضر است انواع و اقسام خدمات مشاوره‌ای را انجام دهد.

د. استفاده از تبلیغات مطبوعات. مطبوعات خود سهم فراوانی در معرفی کتابخانه‌ها و عملکرد آنها دارند. آنها با تحلیل عملکرد کتابخانه‌ها و کتابخوانی قادرند رغبت و انگیزه مطالعه را زیاد کنند. توجه به امر تبلیغات از طریق صداوسیما و مطبوعات به این علت است که هم مسؤولان کتابخانه‌ها مدعی قضیه باشند و در این راه تلاش کنند و مخارج آن را از طریق مردمی فراهم کنند، و هم مسؤولان صداوسیما و ارباب جرائد برای این گونه تبلیغات هزینه‌ای دریافت نکنند یا تخفیف قائل شوند.

۶. آموزش

آموزش در همه جا نقش اول را دارد. کاری که توام با آموزش نباشد با دوام نیست. انسانی که با علم و اطلاع کار نکند بیش از آنکه نفعی برساند ضرر می‌زند. آموزش در کتابخانه‌های عمومی می‌تواند به اشکال زیر باشد:

الف. آموزش کتابداران در جهت کارایی بیشتر. آموزشهایی که فعلاً به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود بیشتر حول محور خدمات فنی است. کمتر آموزشی پیرامون نحوه جذب مشتریان و مراجعان به کتابخانه انجام می‌گیرد. بحث و گفتگو درباره یافتن انگیزه‌های گوناگون در این مورد اهمیت بسیار دارد آموزش کتابداران در زمینه بهبود شیوه‌های مطالعه و تقویت سرعت کتابخوانی چه برای خود که باید عملاً انجام دهند و چه برای آموزش دیگران باید مورد توجه قرار گیرد.

ب. تأکید در نقش مشاوره‌ای کتابدار تاکنون روال بر این بوده است که کتابدار را به عنوان حافظ و نگهبان مجموعه کتابخانه بشناسند، شخص کتابدار را به عنوان مشاوری در زمینه‌های مختلف تحقیقی به حساب نمی‌آورده است. شاید حق هم با مردم است زیرا عدم تخصص و تجربه کتابداران ما در کتابخانه‌های عمومی چنین تصوری درذهن آنان ایجاد کرده است، برای از بین بردن چنین ذهنیتی باید کتابداران بر معلومات خویش بیفزایند. از نظر برخوردهای انسانی جاذبه بیشتری ایجاد کنند، و هم سعی نمایند راههای ارتباطی مطمئن و قابل قبول را برای انجام چنین خدمت بزرگی جستجو کند. کتابدار باید بتواند مشکل مراجعه کننده را شخصاً یا از طریق

مشورت با مجموعه خود و یا تماس با افراد و مراکز صاحب نظر حل کند.

ج. **آموزش دوره‌ای مراجعان و اعضاء** یکی از راههای پربار کردن کتابخانه آموزشی است که برای مراجعان و اعضا برای استفاده هرچه بیشتر از مجموعه کتابخانه انجام می‌شود. تبیین ضرورت گذراندن این آموزش و تفهیم آن به مراجع و اعضا ظرافت و دقت خاصی لازم دارد که باید با توانایی و مهارت لازم انجام شود. اگر ضرورت گذراندن این آموزش ماهرانه صورت گیرد ممکن است خود داوطلبان حاضر باشند بابت آن وجوهی نیز بپردازند.

۷. فعالیتهای فوق برنامه

فعالیتهای فوق برنامه حدومرز خاصی ندارد. اما یک اصل همیشه باید مدنظر قرار گیرد و آن اینکه اهداف اصلی کتابخانه را تحت الشعاع قرار ندهد. کلیه اموری که بتواند افراد را به کتابخانه جذب و پس از مدتی آنان را به استفاده از کتاب و کتابخانه علاقه‌مند کند مطلوب و مورد توجه است. طبعاً کتابخانه‌هایی می‌توانند چنین فعالیتهایی را به راحتی انجام دهند که از ابتدا برای کتابخانه ساخته شده باشد. پیش بینی فضای لازم، وجود آمفی تئاتر و سالن سخنرانی و دیگر امکانات در هر کتابخانه برای مسؤولان و مدیران آن امکان فعالیت فوق برنامه را بیشتر می‌کند. اما مدیرانی که انگیزه خاصی دارند می‌توانند از همان امکانات محدود و مختصر خویش حداکثر بهره را ببرند و با تنظیم برنامه و ساعات کار به امور فوق برنامه هم برسند.

کتابخانه عمومی پارک شهر تهران به لحاظ موقعیت مکانی و نیز داشتن امکانات ویژه، توان انجام فعالیتهای فوق برنامه را دارد و گاهگاهی انجام می‌دهد، کتابخانه محقق حلی و شاید تعدادی دیگر از کتابخانه‌های شهر تهران و یا شهرستانها نیز چنین‌اند، همان طور که قبلاً گفته شد تنها حدود یک سوم از کتابخانه‌های عمومی موجود به منظور کتابخانه ساخته شده‌اند. در هر حال فعالیتهای فوق برنامه می‌تواند به یکی از طریق زیر باشد:

الف. دعوت از روحانیان؛ مثلاً هفته‌ای یک روز برای پاسخ به سؤالات و مشکلات مذهبی و اخلاقی با تبلیغ قبلی و برنامه ریزی درست، شور و شوق افراد را جهت یادگیری و یا رفع مشکلات دینی خود بر می‌انگیزد. انتخاب روحانی مورد نظر نیز از ویژگی خاصی برخوردار است. در مشهد در زمان حیات حجةالاسلام والمسلمین شهید هاشمی نژاد در مسجد صاحب الزمان(ع)، کانونی به نام کانون بحث و انتقاد دینی تشکیل شده بود که هر هفته هر کس هرگونه سؤال و اشکالی داشت مطرح می‌کرد و ایشان با بیان رسا و منطقی به آن پاسخ می‌گفت.

ب. دعوت از پزشکان متخصص؛ برای بیان مسائل بهداشتی، درمانی و آموزشهای لازم برای عموم. این پزشکان اگر اهل محل باشند از جهاتی بهتر خواهد بود.

ج. دعوت از معلمان ورزیده؛ جهت بیان مسایل و مشکلات اخلاقی، آموزشی و فرهنگی. تشکیل کلاسهای تقویتی در کنار کتابخانه و یا پاسخ به سؤالات رسیده در طول هفته و اختصاص یک روز در هفته به آن

د. دعوت از خطاطان، نقاشان، هنرمندان برای آموزش مسائل هنری بر طبق برنامه خاص و یا برگزاری نمایشگاههای دوره‌ای در این زمینه‌ها.

ه. دعوت از مسؤولان تربیت بدنی برای بیان اهمیت ورزش و نرمش و آموزشهای لازم در این مورد. انجام این گونه فعالیتها مستلزم داشتن روابط عمومی قوی است. به این معنا که مدیر و کارکنان هرکتابخانه باید به خوبی محدوده و موقعیت جغرافیایی خود را بشناسند و از امکانات و تواناییهای بالقوه و بالفعل منطقه آگاه شوند و بتوانند زمینه تماس با افراد مناسب را مهیا سازند و با برنامه ریزی و تبلیغات کافی شوروشوق آنان را جهت استفاده رساندن هرچه بیشتر فراهم کنند.

مراسم بزرگداشت نودمین سال تولد روانشاد دکتر حسابی در کتابخانه محقق حلی خود یکی از این نمونه‌ها بود که انجام شد. در این مراسم با همت و همکاری علاقه‌مندان محلی به کتابخانه، همه برنامه‌ها به خوبی اجرا شد.

۸. افزایش خدمات تلفنی و پستی

نقش تلفن و خدمات پستی در کتابخانه‌های عمومی بسیار حساس است، ولی متأسفانه تاکنون از آنها به اندازه کافی استفاده نشده و شاید پاره‌ای از آنها اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. چنانچه خدمات کتابخانه‌ای از طریق پست و تلفن گسترش یابد بسیاری از مردم می‌توانند بدون صرف وقت بویژه در شهرهای بزرگ که ترافیک در آنها مسأله‌ای جدی است از خدمات مشاوره‌ای کتابخانه‌ای استفاده کنند. گسترش خدمات پستی و تلفنی به همکاری دو وزارتخانه پست و تلگراف و تلفن و فرهنگ و ارشاد اسلامی بستگی دارد: همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جهت تربیت و استخدام کتابداران ورزیده و باسواد برای انجام خدمات مشاوره‌ای و همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن از جهت تخصیص خطوط تلفنی مناسب و اختصاص تسهیلات ویژه پستی برای این منظور. در هر حال خدمات تلفنی و پستی می‌تواند

به روشهای زیر صورت پذیرد:

الف. ایجاد صندوق پستی برای هر کتابخانه

ب. اختصاص یک شماره و یا شماره‌های تلفن مجانی یا با تخفیف ویژه به هر کتابخانه

ج. تخفیف دادن یا رایگان نمودن مراسلات پستی کتابخانه‌ها، و اعلام آمادگی کتابخانه‌ها برای پاسخگویی به متقاضیان از طریق تلفن و پست.

معاونت پست وزارت پست و تلگراف و تلفن و دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی خود پیشاپیش به استقبال انجام این قبیل خدمات رفته است.

۹. فعالیتهای جنبی کتابخانه‌ها

از آنجا که محور در کتابخانه‌ها خدمت به انسان است و فرض بر این است که انسانهای پرنشاط و پرتحرک عهده‌دار این وظیفه سنگین‌اند، بدیهی است باید همیشه در انتظار نوآوریهای ارزشمندی در انجام این رسالت خطیر بود. هم می‌توان نوآوری کرد و هم روشهای قدیمی راکه کاربرد ندارد اصلاح یا جایگزین نمود و از نقد و انتقاد مراجعان برای ارائه طرحهای نوبهره برد. از جمله این خدمات موارد زیر را می‌توان ذکرکرد:

الف. عرضه کتاب به خانمهای خانه‌دار با همکاری پست. در واقع خانمهای خانه‌دار از نظر ارائه خدمات فرهنگی فراموش شده‌اند. بویژه آنهایی که به اندازه کافی دارای سواد و قدرت خواندن هستند می‌توانند مخاطبان خوبی برای کتابخانه‌های عمومی باشند. ارتباط کتابخانه از طریق پست از خستگیهای احتمالی و یکنواختی کار در خانه می‌کاهد و آنان را تشویق به مطالعه کرده، کمکشان می‌کند به معلومات خود بیفزایند.

ب. عرضه کتاب به اماکن عمومی؛ مثل آرایشگاهها، گرمابه‌ها، بیمارستانها، پارکها، ورزشگاهها و اماکن عمومی دیگر و استفاده از سرویسهای سیار. در واقع چنانچه کتابخانه‌های عمومی از نظر امکانات و مقدورات مشکلی نداشته باشند با استفاده از ذوق و سلیقه مردم می‌توانند در گسترش فرهنگ کتابخوانی سهم بزرگی داشته باشند.اماکن عمومی فوق الذکر از جمله مراکزی هستند که مشتریان، ساعاتی از وقت خود را در آنها می‌گذرانند. وجود مجله یا معرفیهای خوب کتاب چه به صورت خلاصه یا چکیده و یا انواع دیگر جاذبه‌های خوبی ایجاد می‌کند و یا دست کم جهت ایجاد ارتباط با کتابخانه عمومی کاری مفید و پسندیده است. واحدها و کتابخانه‌های سیار هم تجربه موفقی در بسیاری از کشورها بوده است.

ج. ارتباط با ناشران و یا اتحادیه آنان جهت عرضه کتاب به صورت مجانی و یا با تخفیف و یا دست کم ارسال یک نسخه از انتشارات جدید جهت معرفی در کتابخانه، این مسأله با گرانتر شدن کاغذ و کتاب از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد.

وقتی کتاب گران باشد وظیفه کتابخانه عمومی و درجه اول دولت است که نسبت به غنی سازی مجموعه کتابخانه‌ها اقدام کند. ظاهراً در یکی از کشورها (شاید انگلستان) دولت ناشران را مجبور می‌کند که مجانی یک یا دو نسخه از کتاب تازه منتشر شده خود را به طور رایگان برای همه کتابخانه‌های عمومی بفرستند. آنگاه در تعیین قیمت کتاب خود تا حدودی آزاد باشند. فایده چنین کاری این خواهد بود که با فراوان بودن تعداد کتابخانه‌ها همه، بویژه علاقه‌مندان کتاب می‌دانند که تازه‌ترین انتشارات برای استفاده در کتابخانه‌ها وجود دارد و دیگر نگران قیمت کتاب نیستند و بالطبع افرادی که امکان مالی بیشتری دارند نیز برای کتابخانه شخصی خود می‌توانند کتاب را با هر قیمتی تهیه کنند. البته این مسأله برای کشور ما هنوز خیلی زود است و باید با احتیاط با آن برخورد کرد.

د. ایجاد فروشگاه و یا نمایشگاه کتاب در کتابخانه‌ها، این فروشگاهها و نمایشگاهها می‌تواند دائمی و یا موقت باشد. اگر در ساختمان کتابخانه‌ها پیش بینی چنین فروشگاه یا نمایشگاهی باشد مرکز خوبی جهت ارائه فروش جدیدترین آثار ناشران خواهد بود.

هـ. برگزاری سمینارها و جلسات در کتابخانه‌ها علاوه بر امور فوق برنامه‌ای که در بند ۷ ذکر شده. گاه سمینارهای منطقه‌ای در شهرهای مختلف برگزار می‌شود، چنانچه کتابخانه امکانات ساختمانی مناسبی داشته باشد می‌تواند بهترین محل برگزاری چنین جلساتی باشد.

و. همکاری سایر واحدهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با کتابخانه‌های عمومی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونتها و واحدهای مختلفی دارد که به نظر می‌رسد اختیارات و فعالیتهای آنها از کتابخانه‌های عمومی بیشتراست. میزان توجه وزارتخانه و ابعاد تبلیغات صداوسیما و مطبوعات ما از بخشهای هنری و سینمایی گرفته تا نمایشگاه سالیانه کتاب آنچنان گسترده و وسیع است که هرگز با اهمیتی که برای کتابخانه‌های عمومی قائلند قابل مقایسه نیست. نگارنده در سال گذشته به مناسبت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب نکاتی را یادآور شد که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید و اینک به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

شاید اگر بسیاری از بازدیدکنندگان می‌دانستند که کتابهایی که در نمایشگاه

کتاب به دنبال آنها می‌گردند، در بسیاری از کتابخانه‌های عمومی کشور براحتی و بزودی در اختیار آنان قرار می‌گیرد، کتابخانه‌های کشور این گونه سوت و کور و بی‌رونق نمی‌ماند.

چه ارتباطی بین نمایشگاههای دائمی و یا احیاناً محلی با کتابخانه‌های عمومی می‌توان پیدا کرد؟ در نمایشگاهها این همه بذل توجه و عنایت و استقبال می‌بینیم اما در کتابخانه‌های عمومی نشانه‌ای از آن همه توجه و استقبال نیست. حضور مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، اهمیت و ارزش این نمایشگاه را افزایش داد.

آیا از گرایش این خیل عظیم و علاقه‌مند به کتاب نباید در جهت جذب آنان به کتابخانه‌های عمومی استفاده کرد؟ به عنوان مثال آیا نمی‌توان از آرمها، اطلاعیه‌ها و تابلوها، راهنماها و بروشورها، جهت معرفی و شناساندن کتابخانه‌ها استفاده کرد؟ آیا نمی‌توان سؤال کرد که آیا این قشر عظیم تحصیلکرده، کتابخانه‌های عمومی را می‌شناسند؟ به کتابخانه‌ها سر می‌زنند؟ آیا به گسترش کتابخانه‌ها و امکانات آنها نظر دارند؟ آیا محیط کتابخانه را جهت پر کردن ساعت فراغت مناسب می‌دانند؟ آیا می‌دانند که مجموعه کتابهای عرضه شده در نمایشگاه بزرگ بین‌المللی تهران سرانجام در کتابخانه‌ها قرار می‌گیرند؟ آیا نمی‌توان علاقه‌مندی و گرایش جامعه را در این مورد ارزیابی کرد؟ آیا نمی‌توان برای بهترین مطالعه‌کننده ویا بیشترین مطالعه‌کنندگان و یا مراجعه‌کنندگان به کتابخانه‌های عمومی تخفیفی جهت خرید کتاب قائل شد؟

آیا نمی‌توان از بیشترین اهداکنندگان کتاب یا وجوه نقدی به کتابخانه‌ها و یا سازندگان کتابخانه‌ها در نمایشگاه به گونه‌ای شایسته و مناسب تقدیر کرد و یا آنها را معرفی کرد؟ آیا نمی‌توان درصدی از فروش را به گسترش کتابخانه‌های عمومی اختصاص داد؟ اگر در کنار هر کتابخانه عمومی به کمک شهرداری یک کتابفروشی احداث شود که هم نیاز علاقه‌مندان را برطرف کند و هم در پویا شدن کتابخانه نقشی ایفا کند، گام بسیار مثبتی در این زمینه است.

۱۰. تلاش برای ایجاد شبکه کتابخانه‌های عمومی به عنوان یک واحد متشکل اطلاع‌رسانی

اهمیت اطلاع رسانی و ایجاد شبکه گسترده و هماهنگ و مرتبط با یکدیگر بر کسی پوشیده نیست. اما متأسفانه درکشور ماکمتر به جنبه اجرایی و عملی آن توجه شده و می‌شود. خدمات گسترده و به هم پیوسته کتابخانه‌های عمومی به عنوان یک واحد متشکل حائز اهمیت است. دست کم در ارتباط با خدمات متقابل کتابخانه‌ای در زمینه مبادله کتاب، اسناد و ردوبدل کردن اطلاعات ارجاعی می‌تواند نقطه شروعی باشد.

ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی به این معنا نیست که سریعاً به فکر تهیه کامپیوتر برای کتابخانه‌های عمومی بیفتیم بلکه تمهیدات لازم را می‌توان به کمک کارمندان دلسوز و علاقه‌مند به طور دستی فراهم کرد. تنها به گونه‌ای که اگر روزی ضرورت ایجاب کرد و نیاز به ماشینی شدن خدمات بود، بسادگی قابل تبدیل باشد و این ممکن نخواهد بود مگر با آموزش قبلی که باید توسط متخصصان فن صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ تاریخ و فلسفه کتابداری/ ا.ک.موکهرجی، ترجمه اسدالله آزاده، انتشارات آستان قدس،مشهد، ۱۳۶۸

۲ ـ اولین کتاب و کتابخانه در اسلام/ غلامرضا فدائی، کیهان اندیشه، ۳۱ (۱۳۶۹).

۳ ـ پیام کتابخانه، شماره ۴ (زیرنظر سازمان یونسکو تشکیلاتی به نام اختصاری «اپرب» جهت تقویت کتاب و کتابخوانی ایجاد شده است).

۴ ـ موج سوم/ الوین تافلر.

۵ ـ اطلاعات و توسعه فرهنگی/ نوراله مرادی، فصلنامه کتاب، ۱۰ (۱۳۶۹)، ص ۴۴.

۶ ـ تاریخ و فلسفه کتابداری/ ا.ک. موکهرجی، ص ۸۰

۷ ـ تاریخ آموزش در اسلام/ احمد شیلی، ترجمه محمدحسین ساکت، نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۹، ص ۱۲۳ (نقل از معجم الادباء).

۸ ـ بررسی کتابخانه‌های عمومی شهر تهران پایان نامه کارشناسی ارشد/ مینو بهروزی، ۱۳۷۰.

۹ ـ بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی در ایران/غفوری،محرابی سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۷۰، ص ۲۳.

۱۰ ـ همان منبع ص ۲۲ به نقل از: سیمای کتاب و کتابخوانی (دبیرخانه شورای عالی تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵).

۱۱ ـ گزیده مسائل اقتصادی اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه (مسأله اقتصاد در کتابخانه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شاید فرط اهمیت کتاب و کتابخانه در ذهنیت جامعه اجازه آن را نداده است که برای آن هم از نظر اقتصادی حسابی بازکنند. اما واقعیت نشان می‌دهد که در شرایط موجود، احتکار کتابهای گران قیمت اگر نه برای استفاده باشد کاری ضد اقتصادی است. شیوه استفاده گردش کار می‌تواند گوناگون باشد. امروز بحث اقتصادی در کتابخانه هم مورد توجه قرار گرفته است.)

۱۲ ـ آیین نامه شورای برنامه‌ریزی و بهسازی کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد

به منظور بهبود وضعیت کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد، رفع مسائل و مشکلات و افزایش کارآئی آنها در ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی، شورای برنامه ریزی و بهسازی کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی مشهد با ترکیب و وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

الف:

۱) معاون آموزشی دانشگاه، رئیس شورا

۲) رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

۳) مدیر گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی

۴) یک نفر از اعضای هیئت علمی گروه کتابداری به انتخاب رئیس دانشکده

۵) رؤسا یا سرپرستان کتابخانه‌های دانشکده‌های دانشگاه فردوسی

۶) دو نفر از کتابداران شاغل به انتخاب کارکنان کتابخانه‌ها

۷) کتابدار و مسئول هماهنگی کتابخانه‌ها

۸) رئیس اداره خدمات کتابداری کتابخانه مرکزی

تبصره: مدت عضویت اعضای بند ۶ دوسال بوده و عضویت مجدد آنان بلامانع است.

تبصره: شورا می‌تواند در صورت لزوم در جلسات خود از متخصصان و صاحب نظران دیگر نیز دعوت به عمل آورد.

تبصره: شورا می‌تواند در صورت لزوم، کمیته‌های فرعی تشکیل دهد که اعضای این کمیته‌ها ممکن است از اعضای کمیته اصلی و یا افراد متخصص و کارشناسان صاحب‌نظر باشد.

تبصره: شورا باید حداقل هرماه یکبار جلسات خود را تشکیل دهد، همچنین بنا به درخواست و نیاز می‌تواند جلسات ضروری تشکیل دهد.

تبصره: محل تشکیل شورا کتابخانه مرکزی مرکز اسناد است و در صورت لزوم در کتابخانه‌های دیگر نیز شورا می‌تواند جلسات خود را تشکیل دهد.

ب: وظایف شورا:

۱) بررسی وضعیت خدمات علمی، آموزشی، پژوهشی و اطلاع رسانی در کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی و اتخاذ تدابیری جهت بهبود این خدمات.

۲) بررسی کیفیت و کمیت خدمات فنی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد به منظور ارائه خط مشی‌های ضروری.

۳) ایجاد هماهنگی و همکاری نزدیک میان کتابخانه‌های دانشگاه با یکدیگر و با کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد تهیه پیشنهادهای لازم در این زمینه.

۴) بررسی و ارائه پیشنهادهایی در مورد بودجه و مسائل مالی کتابخانه‌ها.

۵) بررسی آئین نامه‌ها و مقررات استفاده از کتابخانه‌ها به منظور اصلاح، تکمیل و هماهنگ نمودن آنها.

۶) بررسی وضعیت موجود کتابخانه‌ها (از جمله ساختمان و تجهیزات، امکانات، مسائل بهداشتی) ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود شرایط و تأمین امکانات مورد نیاز.

۷) بررسی مسائل مربوط به کامپیوتری کردن کتابخانه‌های دانشگاه فردوسی با استفاده از تسهیلات مرکز کامپیوتر دانشگاه.

۸) تهیه برنامه‌هایی جهت آموزش و آشنایی دانشجویان و استادان با کتابخانه‌ها و خدمات آنها.

۹) بررسی و پیشنهاد گردهماییهای عمومی درباره مسائل مورد علاقه کتابداری و کتابخانه‌ها.

۱۰) ارائه پیشنهادهایی جهت برنامه های آموزشی کارکنان کتابخانه‌ها و افزایش سطح آگاهیهای تخصصی آنها.

این آئین‌نامه در دوبخش ۱۶ بند و ۵ تبصره در جلسه هیئت رئیسه مورخ ۶/۱۲/۶۹ به تصویب رسید.

۵

نظرخواهی در باره‌ی کتابخانه‌های عمومی و توسعه فرهنگی

درپی نظرخواهی فصلنامه پیام کتابخانه در رابطه با کتابخانه‌های عمومی و توسعه فرهنگی چهار سؤال مشخص زیر برای عده‌ای ارسال و پاسخ‌هایی در شماره دوم و سوم سال دوم مجله چاپ شد. این سؤالات عبارتند از:

ـ به نظر شما کتابخانه‌های عمومی چه رسالتی بر عهده دارند؟

ـ رسالت کتابخانه‌های عمومی به وسعت معنای آن وابسته است. اگر می‌توانید عموم را تعریف کنید رسالت کتابخانه‌های عمومی را هم می‌توانید تعریف کنید. هرچه این عموم از نظر کمی و کیفی وسیعتر باشد، دشواری تبیین رسالت این نوع کتابخانه‌ها هم بیشتر می‌شود. شما تفاوت بین یک کتابخانه عمومی مربوط به جامعه کوچک چند صد نفری در یک روستا یا بخش را با یک جامعه چندین هزار نفری و به طریق اولی در یک جامعه چند میلیونی مثل شهر تهران را به خوبی می‌توانید درک کنید. ابعاد کمی و پیچیدگی کیفی شناخت جامعه‌های بزرگتر و درک نیازمندی آنها و فراهم آوردن آنها در یک و یا چند محل به نام کتابخانه‌های عمومی در واقع

بسیار مشکل‌تر است و هر چه هست کتابخانه‌های عمومی مخاطبان عام دارد، عموم مردم با آن سر و کار دارند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که از یک نظر کتابخانه عمومی مانند مسجد است، مال همه است، همیشه و همه جا وجود دارد، و درش به روی مردم باز است. ضمن این که می‌توان از لحاظ قدرت نیز آن را همانند مسجد دانست که مراجعه‌کنندگان به قصد آموزش، تهذیب و کسب طریق و راه‌حل برای مشکلات خود به آن مراجعه می‌کنند. از نگاه دیگر می‌توان گفت که کتابخانه عمومی واسطه بین جامعه و مدرسه و دانشگاه است. آنهایی که دستشان به دانش آموختگان دانشگاه و مدارس در آن نمی‌رسد، می‌توانند در کتابخانه‌های عمومی آنها را بیابند. میعادگاه اهل نظر است برای بیان نظرات خویش به جامعه، کتابخانه‌های عمومی می‌توانند در مقیاس کوچکتر نقش صدا و سیما را در جهت اشاعه فرهنگ عمومی باز می‌کنند.

ـ توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

ـ تعریف فرهنگ از آن مقولات سهل و ممتنع است و به نظر ساده می‌آید ولی در واقع از فرط سادگی نمی‌توان تعریف جامعی برای آن یافت. هر کس از منظری به آن می‌نگرد و نقش خویش را در آن می‌بیند. جامعه‌ای که فقط به مادیات می‌اندیشد فرهنگ را مادی می‌پندارد. ملتی که عرفان اساس وجودش را فراگرفته است، به فرهنگ رنگی عرفانی می‌زند و یا آنان که از دریچه علم همه چیز را می‌بینند، فرهنگ بازتاب نگرشهای علمی آنها خواهد بود. تاکنون از فرهنگ ده‌ها تعریف شده است. بحث و بررسی نظرات متفاوت اندیشمندان در زمینه فرهنگ فرصتی مناسب می‌طلبد. اما به نظر من می‌توان فرهنگ را چنین تعریف کرد که کلیه دستاوردهای فکری، تاریخی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه که میراث نسلهای گذشته نیز هست و هویت و شخصیتهای یک ملت را تشکیل می‌دهد و آن ملت باید در ارتقاء و تعالی آن بکوشد فرهنگ نامیده می‌شود. بدیهی است که توسعه فرهنگی ناظر به گسترش کمی و کیفی این دستاوردهاست.

از آنجا که در جهان، ملت‌های مختلف وجود دارد، فرهنگهای گوناگونی هم وجود دارد و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای همه ملل جهان نوشت، حتی برای یک ملت هم نمی‌توان با توجه به قومیتهای مختلف و آداب و سلایق و رسوم گوناگون فرهنگ واحدی را مشخص کرد. شاید این تفاوت و تخالف در آراء و عقاید ملل، اقوام و قبایل، خود از ویژگی‌های ساختاری فرهنگ

باشد. به عبارت دیگر فرهنگ آن است که در ذات خود چنین تمایزها و تفاوتهایی را داشته و بر آن صحه گذاشته باشد، زیرا این تفاوتها موجب رشد و بالندگی می‌شود.

اما باید توجه داشت که مآلاً هر فرهنگی با همه تخالف‌ها و تضادها رنگی دارد و جهتی و سمت و سویی و این با وجود تخالف‌ها هیچ‌گونه مغایرتی ندارد. ممکن است ملتی لائیک باشد و سمت و سوی فرهنگش هم به سوی لائیسم و ملتی دیگر مذهب برایش همه چیز است و لذا فرهنگ صبغه‌ای مذهبی دارد و همین‌طور ...

در این‌جا ممکن است عده‌ای به جهان وطنی معتقد باشند و جهان را به مثابه یک خانه فرض کنند که همه باید با فرهنگ‌های یکدیگر آشنا شوند و چه بسا تأثیر و تأثرپذیرند و یا اقوام به اصطلاح برتر، فرهنگ خود را به اقوام زیردست دیکته کنند، اما باید دانست که چنین چیزی نه در شعار و نه در عمل ممکن نیست. در شعار ممکن نیست زیرا همه می‌دانند که جهان وطنی خود شعار و سرابی بیش نیست. آنهایی که دم از جهان وطنی می‌زنند به نوعی در فکر چپاول دیگران و استثمار آنان بوده‌اند. در نظر آنان جهان وطنی در صورتی خوب است که بتوانند ملل دیگر را تحت سلطه فکری و سپس اقتصادی و اجتماعی قرار دهند!! در عمل هم می‌بینیم که چگونه ملت‌های مظلومی گرفتار ستم معتقدان به آزادی و برابری می‌شوند. جنایاتی که در فلسطین انجام شده و می‌شود نمونه بارزی از این دسته است. حالا مورد دیگری بر آن اضافه شده و آن جنایات و آدم‌کشی و نسل براندازی مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین است که با آنکه از نظر نژاد با اروپائیان قرابت و نزدیکی کامل دارند اما به جرم مسلمان بودن آماج همه گونه حمله قرار گرفته‌اند.

ـ آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟
اگر پاسخ مثبت است آن تأثیر چگونه متجلی می‌شود؟

ـ مسلماً کتابخانه‌های عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه فرهنگی دارند. اما همان‌طور که گفته شد از آن جا که مفهوم فرهنگ پیچیده است و تعریف توسعه فرهنگی از آن پیچیده‌تر و دشوارتر، لذا طبیعی است که اختلاف‌نظر هم در آن زیاد است. بنابراین کتابخانه عمومی محلی خواهد بود که اهل نظر در کنار یکدیگر بتوانند حرفهای خود را بزنند، عقاید خود را اظهار کنند و بدون تعصب و لجاجت و کینه‌ورزی آنچه را دریافته‌اند نه برای پذیرش که برای اصلاح و نقد در

برابر افکار دیگران قرار دهند. کتابخانه عمومی مانند کتابخانه پزشکی و یا کتابخانه علوم عملی نیست که محققان عمدتاً بر گرد مطالب ثابت شده و یا مشخص بتوانند به بحث و تحقیق بپردازند. کتابخانه عمومی از یک دیدگاه محل تماس و ارتباط صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و فرهنگی است. محلی است برای شناخت جامعه مورد نظر و بررسی افکار، آداب، عقاید و رسوم آنان. هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند مورد بحث، مداقه و تحقیق قرار گیرد و این در حد اندیشمندان و صاحب‌نظران جامعه است.

از جهت دیگر نیز کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگی نقش مؤثر دارد و همه طبقات می‌توانند به آن مراجعه کنند. کتابخانه عمومی می‌تواند میعادگاه برخورد صاحب‌نظران جامعه با افراد عادی باشد. این ارتباط و امتزاج، زمینه ایجاد امکان عمل برای تحقیقات نظری است. تئوریها می‌تواند مصادیق کاربردی خود را در کتابخانه‌های عمومی بازیابد و به عبارت دیگر علم اجتماع، عینیت خود را می‌تواند از جمله در کتابخانه‌های عمومی به محک بزند. مخاطبان کتابخانه‌های عمومی هم دانشگاهی است، هم کاسب و کارگر است، و هم محصل و خانم خانه‌دار و هم بازاری و کشاورز و دانش‌آموزان و دانشجویان تا برسد به بازنشستگان و کودکان خردسال.

- برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

- به نظر من برای این که کتابخانه‌های عمومی نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشند باید به مسائل زیر توجه داشت:

۱. **درک نیاز جامعه.** درک نیاز جامعه متکی بر شناخت واقعی جامعه است. در جامعه‌ای که متفکران آن، جامعه را آن‌طور که باید و شاید نشناخته باشند طبیعی است که به نیاز واقعی آنان نیز واقف نباشند. شما در یک مدرسه و در یک کلاس درس وقتی بخواهید درس بگویید، در چند جلسه اول با برنامه‌های خاص به ارزیابی کیفیت و سطح کلاس می‌پردازید و متناسب با آن، برنامه درسی خود را شروع می‌کنید. جامعه با پیچیدگی‌های خاص خود باید مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. به نظر می‌رسد بررسی، کم و کیف خلق و خو و خواست و تمایلات و هنجارها و ناهنجاریهای جامعه از مقولاتی است که به دلیل دشواری کار، کمتر مورد توجه قرار گرفته و

متخصصان کمتری هم در این رابطه تربیت شده‌اند.

۲. **فراهم آوردن نیاز جامعه در کتابخانه.** وقتی جامعه شناخته شده طبعاً نیازمندیهای آن هم کم و بیش مشخص می‌شود و متناسب با نیازمندیها و با رعایت اولویتها منابع و مدرک در کتابخانه باید فراهم شود. عدم توجه به این مسأله سبب می‌شود تا آنچه که مطابق ذوق و سلیقه و نیاز واقعی جامعه نیست در کتابخانه گردآوری شود، آن وقت مشاهده می‌گردد که سالها و سالها می‌گذرد و اثری از مراجعه‌کننده نیست و یا آنقدر کم است که به قول معروف «النادر کالمعدوم» است.

۳. **انتخاب مکانی مناسب برای کتابخانه.** اگر بخواهیم که نقش کتابخانه عمومی در توسعه فرهنگی از درجه بالایی برخوردار باشد و جامعه مخاطب به آن میل و رغبت کنند و دائماً آن را مورد استفاده قرار دهند باید در انتخاب مکان مناسب چه به لحاظ ساختمانی، فضا و نور و تجهیزات و چه به لحاظ مرکزیت و قابل دسترس بودن دقت فراوان شود. چگونه است که شما درمانگاه یا مدرسه را جایی انتخاب می‌کنید که همگان با سهولت بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند و وقتی وارد محوطه آن می‌شوند با مشکلی مواجه نگردند، به نظر من به کتابخانه عمومی هم باید با چنین نگرشی برخورد کرد.

۴. **گماردن افراد بصیر و آشنا و دلسوز در کتابخانه عمومی.** وقتی بنا شد کتابخانه را به عنوان مرکزی جهت ارتقا سطح فرهنگی جامعه در نظر بگیریم و با انتخاب مکان مناسب، فراهم آوردن مجموعه مناسب با نیاز جامعه آن را به جامعه عرضه کنیم، طبعاً مدیران و کارگزاران کارآشنا، باسواد و دلسوزی طلب می‌کند تا بتواند از سرمایه‌گذاری انجام شده حداکثر استفاده را ببرد. چنین افرادی، بویژه آنهایی که در تماس مستقیم با مردم هستند، یا بخش مرجع آن را اداره می‌کنند باید هم زبان بدانند و هم زبان مردم را بفهمند. دانستن زبان به این معناست که مسلط بر زبان رایج و نیز زبانهایی که مجموعه کتابخانه حاوی آن است باشد، ولی زبان مردم را بفهمد به این معنی است که بتواند با مردم ارتباط برقرار کند. از چنان خلق و خوی و سعه صدری برخوردار باشد که نه تنها مردم را از کتابخانه گریزان نکند، بلکه موجب جذب و جلب آنها شود تا به ویژه جوانان و نوجوانان ساعت فراغت خود را در آن سپری کنند.

۵. **بازبینی مستمر مجموعه.** یکی از ویژگیهایی که می‌تواند سهم کتابخانه‌های عمومی را در توسعه فرهنگی بالا ببرد روزآمد نگاه داشتن مجموعه است. جامعه پویا و مترقی همواره در حرکت

است و این حرکت و بالندگی موجب می‌شود که نیازمندیهای جدیدی داشته باشد. کتابخانه عمومی باید از چنان قدرت و پشتوانه‌ای برخوردار باشد که بتواند به نیازمندیهای جامعه پاسخ گوید، بتواند مجموعه را روزآمد کند، قدرت وجین کردن داشته باشد یا بتواند مجموعه زائد را به کتابخانه‌های دیگری که بیشتر آن نیاز را دارند برساند و یا از مجموعه‌های آنها استفاده کند. بسیار اتفاق می‌افتد که سیاستگذاران جامعه به فکر انجام اموری هستند که لازم است ذهن جامعه نسبت به آن آماده باشد.

فی‌المثل، تنظیم خانواده یکی از مسائل اجتماعی مورد ابتلای ماست. اگر سهمی برای کتابخانه‌های عمومی به معنای واقعی کلمه قائل باشیم باید پیش از شروع این کار، این نوع کتابخانه‌ها را با انواع مواد تبلیغی ـ آموزشی مجهز کنیم و همانگونه که با صدا و سیما برخورد می‌کنیم و برای تبلیغات و آموزشهای آن هزینه می‌کنیم و خوب هم هزینه می‌کنیم در اینجا نیز چنین برخوردی داشته باشیم.

۶. **پیش‌بینی راههای برقراری ارتباط.** اینکه مکان کتابخانه عمومی جایی باشد که امکان دسترسی عامه به آن آسان باشد، لازم است اما کافی نیست. کتابخانه باید راههای برقراری ارتباط را از طریق دیگر جستجو کند و به اطلاع عموم برساند. امروزه مسأله ارتباط، مسأله مهم روز است. با ارتباط بسیاری از مسائل حل می‌شود و دانستن اینکه چگونه ارتباط برقرار می‌شود یکی از موارد مهم است و در بعضی موارد نیاز به اندیشیدن، برنامه‌ریزی کردن و تخصص داشتن دارد. دانستن اینکه مردم یک شهر و یا محل چگونه می‌توانند علاوه بر راههای موجود وقت‌گیر با کتابخانه برای رفع حاجت و یا حاجات خود ارتباط برقرار کنند اهمیت دارد. از طریق مکاتبه، از طریق تلفن، از طریق تلویزیون، از راه مراجعه مستقیم و تسهیلات لازمی که در این زمینه پیش‌بینی شده است همه می‌توانند زمینه‌ساز توسط روابط و ارتباط باشند که مقوم توسعه فرهنگی است. کتابخانه عمومی اگر فعال باشد و اگر تمهیدات لازم برای آن پیش‌بینی شده باشد می‌تواند و باید با جامعه خویش رابطه برقرار کند. یعنی باب سخن را با آن باز کند. همانند روانکاوی که می‌خواهد مشکل روانی شخصی را حل کند، کتابخانه عمومی می‌تواند مسائل و معضلات اجتماعی را به بحث بکشد، از مردم سؤال کند و از صاحب‌نظران پاسخ آنها را جویا شود. و در این رابطه، پلی باشد بین متفکران جامعه و مردم، و یا در مثلث متفکران، مجموعه کتابخانه و مردم، رابط کارآمد و فعالی باشد.

۷. **توجه به نقش هدایتگری و یا تبلیغات صحیح.** امروزه تبلیغات رکن اساسی در ارشاد و هدایت مشتریان است. بخش اعظم سرمایه‌گذاری در هر تولیدی صرف تبلیغات آن می‌شود. کتابخانه‌های عمومی به عنوان واحدهای اطلاع‌رسانی در سطح جامعه با توجه به توان و توسعه‌شان باید مورد شناسایی قرار گیرند و چنانچه مقامات مسؤول و جامعه فرهنگی هر دو از آن انتظار دارند که در مسیر توسعه فرهنگی نقش‌آفرین باشد باید توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن را به سمع مردم برسانند و بدانند که کثرت مشتری نه تنها موجب ملال نمی‌شود که خود باعث توجه مردم و مسؤولان به این کانون‌های علمی ـ فرهنگی می‌گردد و نقش این توجه و اقبال موضوعیت دارد.

۸. **تقویت انجمن کتابخانه‌های عمومی.** از آنجا که کتابخانه‌های عمومی مربوط به عموم مردم است بیش از هر سازمان دولتی دیگر به مردم نزدیک است و با مردم ارتباط دارد، لذا وجود انجمن‌ها که بویژه می‌توانند از نظر مالی و فرهنگی کتابخانه‌ها را تقویت کنند نقش اساسی دارد.

مردمی کردن کتابخانه‌ها یکی از سیاستهای کنونی دولت است و به نظر می‌رسد که در این شرایط چنانچه شهرداری‌ها که از نظر مالی خودکفا هستند به سروسامان بخشیدن به کتابخانه‌ها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی بپردازند قدم بزرگی در این زمینه برداشته‌اند.

۶

گزارش فعالیت‌های دوساله‌ی انجمن کتابخانه‌های عمومی تهران*

انجمن کتابخانه‌های عمومی در کشور ما ابتکار تازه‌ای نیست. سایر کشورها در این زمینه پیشگام بوده‌اند. بسیاری از کتابخانه‌های عمومی از طریق کمک‌های مردمی و حمایت توده و عامه مردم و حمایت مقامات شهری سروسامان یافته‌اند. عمومیت کتابخانه‌های عمومی ایجاب می‌کند که همواره انجمن‌ها و یا هیأت‌هایی از طرف مردم و یا مقامات و مسؤولان که بیشتر با مردم در ارتباطند و می‌توانند کمک‌های مادی و معنوی آنان را جلب و جذب کنند منصوب و یا انتخاب شوند تا پشتوانه‌ای قوی برای این‌گونه کتابخانه‌ها باشند. در واقع بدون وجود این انجمن‌ها اهداف کتابخانه‌های عمومی تأمین نمی‌شود.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، دستور تشکیل انجمن کتابخانه‌های عمومی طی بخشنامه شماره ۲۳/۵۹۴ مورخ ۱۳۶۷/۹/۲۲ دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی به همراه یک نسخه آیین‌نامه اصلاح تشکیل انجمن کتابخانه‌های عمومی کشور صادر شد. اولین انجمن در

---

* این مقاله در شماره ۱ (۳) سال ۱۳۷۲ در پیام کتابخانه چاپ شده است.

شهر اصفهان تشکیل و احکام عضویت اعضای آن در تاریخ ۶۸/۶/۵ صادر گردید. از آن پس انجمن‌ها یکی پس از دیگری پا به عرصه وجود نهادند که تاکنون حدود ۲۵۰ انجمن در کل کشور تشکیل شده است.

انجمن کتابخانه‌های عمومی شهر تهران نسبت به سایر انجمن‌ها با تأخیر نسبتاً زیادتری شروع به کار کرده است. علت آن دقیقاً معلوم نیست. دبیرخانه هیأت امنا علت آن را نبودن دستورالعمل مشخصی عنوان کرده است. شاید هم چون شهر تهران مرکز همه مشکلات و گرفتاریهاست این هم یکی از آن گرفتاریهاست. از آنجا که تهران مرکز استان و مرکز کشور است اغلب از بعضی از مواهب محروم می‌ماند. وقتی امکانات موجود در آن در مقایسه با کل کشور بررسی می‌شود مشاهده می‌گردد که هر چه هست در تهران مجتمع شده است و نسبت به خودش هم بیشتر دارد، اما وقتی محاسبه سرانه می‌شود معلوم می‌گردد بعضی از مناطق آن از بسیاری از نقاط دیگر کشور امکانات کمتری دارد.

فی‌المثل در بعضی از مناطق شهر تهران، که خود می‌تواند با بسیاری از شهرهای کشور مقایسه شود، اصلاً کتابخانه‌ای وجود ندارد و تراکم جمعیت در کلیه مناطق عملاً دسترسی به کتابخانه‌ها را در تهران دشوار کرده است. در تهران به ازای حدود ۶ میلیون جمعیت ۱۳ کتابخانه وجود دارد در حالی که شهرهایی با جمعیت یکصدهزار نفر هم ممکن است یک یا دو کتابخانه داشته باشد.

یکی دیگر از دلایل عدم تشکیل به موقع انجمن کتابخانه‌های عمومی تهران، نبودن مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی برای شهر و یا استان تهران بوده است که همچنان ادامه دارد. در مرکز کشور دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی، علاوه بر مسؤولیت کتابخانه‌های کل کشور، مجبور است بار مشکلات کتابخانه‌های شهر تهران را نیز که چندان هم اندک نیست به دوش بکشد.

در هر حال، انجمن کتابخانه‌های عمومی شهر تهران در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۰ با دعوت رسمی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در محل دفتر ایشان با ترکیب اعضای زیر تشکیل شد: حجة‌الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی نماینده مقام معظم رهبری، حجة‌الاسلام والمسلمین جلالی خمینی از روحانیت شرق تهران، آقای دکتر خلیجی رئیس دانشگاه علامه طباطبائی، مهندس طاهری استاندار تهران، آقای کرباسچی شهردار تهران، آقای محمد رجبی

رئیس وقت کتابخانه ملی، آقای میرزایی رئیس سازمان اوقاف استان تهران، آقای انصاری دبیرکل هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی و نگارنده. در اولین جلسه پس از بیان اهداف کار توسط آقای دکترخاتمی، انتخاباتی انجام شد و آقای رسولی محلاتی به عنوان رئیس و اینجانب نایب رئیس، و آقای انصاری لاری به عنوان خزانه‌دار انتخاب شدند. قرار شد جلسات هر ۱۵ روز یکبار تشکیل شود تا با تلاش بیشتر جبران مافات گردد و بعداً فاصله زمانی آن افزایش یابد. اولین دستور کار اصلاح آیین‌نامه بود که پس از بحث و بررسی در چندین جلسه با اصلاحاتی مورد تصویب قرار گرفت.

دومین موضوع بحث شیوه برگزاری جلسات و عمدتاً بحث و بررسی در باره نحوه کسب درآمد و چگونگی هزینه آن بود که عمدتاً انتظار و توقع از استاندار و شهردار تهران می‌رفت که در این زمینه فعالیت بیشتری داشته باشند. بحث سوم نحوه گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین جامعه بود که علی‌رغم مذاکراتی چند، هنوز مستوفا و قانع‌کننده نبوده است.

لازم به ذکر است که پس از چندین جلسه، آقای رسولی محلاتی به دلیل داشتن مشغله فراوان کاری در بیت مقام معظم رهبری از حضور در جلسات امتناع کردند. ناگزیر با انتخاب مجدد، اینجانب به عنوان رئیس و آقای طاهری به عنوان نایب رئیس انتخاب گردیدند، ضمناً آقای مهندس حبیبی، قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان به عضویت جلسه درآمدند.

فعالیت‌های انجمن را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

۱. فعالیت‌های درآمدی

۲. فعالیت‌های بهسازی و رفاهی

۳. فعالیت‌های عمرانی و احداثی

۴. فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی

۱. فعالیت‌های درآمدی

بودجه‌ای که فعلاً انجمن را تغذیه می‌کند، دو در هزار درآمد شهرداری است که شهرداری صرف احداث کتابخانه در نقاط مختلف شهر تهران می‌کند. استانداری تهران از دیگر منابع مهم درآمدی انجمن است. این نهاد با مراکز و مؤسسات و اتحادیه‌ها و افراد خیر تماس می‌گیرد و تلاش می‌کند منابعی را جهت انجمن فراهم کند. بعضی از واحدها و مؤسسات نیز راساً تقبل

می‌کنند که کتابخانه بسازند. در سال اول تشکیل انجمن، استانداری تهران تقبل نمود که مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون ریال تا پایان سال ۷۰ جهت احداث کتابخانه‌ها چه به صورت نقدی، جنسی یا عمرانی فراهم کند و شهرداری تهران نیز متقبل شد مبلغ ۱۵۰۰ میلیون ریـال بـرای احداث کتابخانه هزینه کند. گرچه این کل مبلغ وصول نگردید ولی سرآغاز خوبی برای فعالیت انجمن شد. در بیست و یکمین جلسه تصویب شد که بودجه سالیانه انجمن برای سال ۷۲ رقمی حدود ۵ میلیارد ریال باشد.

به علاوه، حدود ۶۰ میلیون ریال وجوه نقدی توسط اداره کـل اوقـاف تـهران و شـهرری، وزارت پست و تلگراف و تلفن، بنیاد مستضعفان و جانبازان و سازمان صنایع وابسـته بـه آن، شرکت سهامی گچ تهران، شرکت نفت، استانداری تهران و دبیرخانه هیأت امنا به خزانه انجمن واریز شده است.

۲. فعالیت‌های بهسازی و رفاهی

در جلسه‌ای که کلیه رؤسای کتابخانه‌های عمومی شـهر تـهران حـضور داشـتند مسـائل و مشکلات کتابخانه‌ها عنوان شد و اظهار گردید که کتابخانه‌ها گاه از حداقل امکانات برای خدمت به متقاضیان و مراجعان بی‌بهره‌اند. لذا تصمیم گرفته شد که در اسرع وقت حداقل نیاز لازم برای این کتابخانه‌ها فراهم شود. بر طبق محاسباتی که کتابخانه‌های سیزده‌گانه تهران انجام داده بودند، مبلغ ۲۷ میلیون ریال به عنوان حداقل نیازمندی کتابخانه‌ها برای رفع مشکلات روزمره برآورد شده بود. انجمن تصمیم گرفت که شهرداری تهران (از طریق شهرداری‌هـای مـناطق ۲۰ گـانه) سریعاً به حل این مشکلات بپردازد که خوشبختانه انجام شد و این خـود بـارقه امـیدی بـرای کتابخانه‌های عمومی بود.

از نظر نیروی انسانی کتابخانه‌ها پیوسته با کمبود روبرو بوده‌اند. شهرداری تهران با همکاری دبیرخانه هیأت امنا ۳۰ نفر لیسانسیه را استخدام و پس از آموزش به کار مشغول نمود. ظاهراً قرار است اقدام مشابهی نیز به زودی انجام گیرد.

از اقدامات رفاهی دیگر خرید ماشین تحریر دوزبانه فارسی و لاتین برای همه کتابخانه‌ها، دستگاه فاکس، فتوکپی و تایپ برای کتابخانه مرکزی به مبلغ ده میلیون ریال است. به علاوه مقرر شد برای هر یک از کتابخانه‌های عمومی مبلغ یکصدهزار ریال بـه عـنوان تـنخواه بـرای رفـع

نیازمندی‌های ضروری منظور شود.

از اقدامات جنبی و متفرقه می‌توان به بعضی فعالیت‌ها به شرح زیر اشاره داشت:

ـ تخصیص سه سهمیه زیارتی سوریه برای سه نفر از کتابداران نمونه، که امید است از طرف اداره کل اوقاف تأمین شود.

ـ اهداء قرآن و جوائزی به کتابداران از طرف اداره کل اوقاف و امور خیریه به مناسبت هفته دولت.

ـ بزرگداشت روز زن برای کتابداران خواهر و اهداء جوائزی به آنان.

۳. اقدامات عمرانی و احداثی

در آغاز کار انجمن، کتابخانه‌های عمومی شهر تهران ۱۳ باب بود. از تصمیمات انجمن این بود که به تعداد کتابخانه‌ها افزوده شود. بسیاری از مناطق تهران که خود از بسیاری از شهرهای ایران بزرگترند، فاقد کتابخانه‌اند.

بر اساس آمار، در حال حاضر برای پنج میلیون جمعیت بالای ۶ سال شهر تهران فقط ۲/۹۱۱ متر مربع فضای مطالعه کتابخانه‌ای وجود دارد. در حالی که این فضا صرفاً برای استفاده حداکثر ۱/۵۹۰ نفر کافی است و برای جمعیت باسواد تهران حداقل فضایی برابر ۱۸/۷۵۰ متر مربع است[۱].

شهرداری تهران چنانچه در این زمینه مایه بگذارد می‌تواند منشأ خدمات و برکات فراوانی باشد. با در نظر گرفتن مفهوم جدید شهرداری، که تنها مسؤول آسفالت و نظافت شهر و کوچه و خیابان نیست بلکه همه مسائل شهر بویژه خدمات فرهنگی و بهداشتی و رفاهی به عهده آن است، این مسأله نه تنها دور از انتظار نیست که بسیار هم متوقع است. فعالیت‌های جنبی شهرداری مثل ایجاد گلستان کتاب در پارکها نویدی برای نیل به اهداف بلند کتابخانه‌های عمومی است.

بر اساس گزارش دبیر انجمن، گزارش پیشرفت کار در زمینه افزایش تعداد کتابخانه‌ها به قرار زیر است:

ـ هم‌اکنون تعداد کتابخانه‌های شهر تهران با احتساب کتابخانه امامزاده زید و کتابخانه انجمن آثار مفاخر فرهنگی به ۲۱ عدد می‌رسد.

- ساختمان کتابخانه پارک ورزش واقع در تقاطع بزرگراه آل احمد - شیخ فضل‌الله نوری افتتاح گردیده و کتابخانه شهید چمران به این ساختمان منتقل شده است.
- عملیات ساختمان کتابخانه‌ای واقع در منطقه ۱۵ در شرف اتمام است.
- عملیات ساختمان کتابخانه واقع در چهارصد دستگاه، منطقه ۱۴، در شرف اتمام است.

به علاوه، زمین‌های در اختیار انجمن قرار داده شده به شرح زیر است:

- سیاهدشتک (دهکده المپیک) زمین واگذار شده ولی نقشه تاکنون تهیه نشده است.
- قلعه سلیمان‌خان (جنوب تهران) زمین واگذار شده ولی نقشه آن تهیه نشده است.
- شهرداری منطقه ۲۱ یک قطعه زمین در اختیار گذاشته و نقشه نیز آماده شده و قرار است سازمان گسترش صنایع اقدام به احداث نماید.
- شهرداری منطقه ۱۶ در پارک بهمن قصد دارد کتابخانه بزرگی احداث نماید و نقشه در دست تهیه است. قرار است در سال ۷۲ به اجرا درآید.
- شهرداری منطقه ۱۳ در پارک دانش‌آموز قصد دارد کتابخانه‌ای با مساحت بیش از ۱۰۰۰ متر مربع احداث نماید. نقشه‌های اولیه آماده شده است.
- شهرداری منطقه ۶ قصد دارد در پارک لاله و پارک ساعی کتابخانه بسازد.
- شهرداری منطقه ۲ یک قطعه زمین در بزرگراه آیت‌الله اشرفی اصفهانی از سازمان زمین شهری خریداری کرده و برای احداث و طراحی نقشه مناسب نظرات مشورتی را ارائه نموده است.
- شهرداری منطقه ۲ بین فرحزاد و سعادت‌آباد قصد دارد کتابخانه بسازد، که امید می‌رود در سال ۱۳۷۲ به مرحله اجرا درآید.
- شهرداری منطقه ۱۱ قصد توسعه کتابخانه پارک دانشجو را دارد.
- سازمان گسترش و نوسازی منابع ایران قرار است در دولت‌آباد کتابخانه‌ای بسازد و دخانیات نیز از مدتها قبل پیشنهادی در این زمینه داشته است.

۴. فعالیتهای فرهنگی و تحقیقاتی

از اقدامات اساسی انجمن در اصلاح آیین‌نامه قبلی، اضافه کردن بند «ی» به ماده ۶ به عنوان وظایف و اختیارات انجمن کتابخانه‌های عمومی به این شرح بوده است:

«اتخاذ تدابیر لازم در جهت ترویج کتابخوانی در بین اقشار مردم» که مورد تصویب هیأت

امنای کتابخانه‌های عمومی هم قرار گرفت. انجمن از بدو تولد به لحاظ ماهیت فرهنگی خود و اعضای آن، همت خود را تنها مصروف گسترش کمی کتابخانه‌ها نکرد و از همان آغاز تلاش داشت که در جهت ارتقاء سطح کیفی کار و گسترش کتابخوانی اقداماتی انجام دهد. اما کمبودهای ظاهری و فیزیکی به قدری زیاد و مشکل‌آفرین بود که ناگزیر اکثر وقت جلسه پیرامون رفع مشکلات و فراهم آوردن حداقل امکانات برای مراجعان ولو به صورت تفریحی، سرگرمی و یا مطالعه کتب درسی دانشجویان و دانش‌آموزان بود. در دومین جلسه انجمن پیشنهادهایی تقدیم جلسه شد که عمدتاً و بویژه ایجاد انجمن‌های فرعی برای مناطق ۲۰ گانه تهران مورد تصویب قرار گرفت. این موضوع در بیست و دومین جلسه انجمن که قرار بود با حضور وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شود مورد بحث قرار گرفت.

یکی دیگر از فعالیت‌های فرهنگی انجمن، تصویب طرح توسعه کتابخانه‌های شهر تهران بود که توسط دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی تهیه شده بود. این طرح در بیستمین جلسه انجمن به تصویب رسید و در بیست و دومین جلسه دو کمیته مأموریت یافت تا مکانیزم اجرایی طرح توسعه کتابخانه‌های عمومی را در سطح شهر مشخص نماید. در اولین جلسه کمیته دوم مقرر شد سریعاً اصل طرح به شهرداری‌های مناطق ابلاغ شود و جایابی در مناطق مختلف برای ایجاد کتابخانه شروع و مشخص و زمینهای مورد نظر بلافاصله جهت احداث کتابخانه عمومی آماده‌سازی شود. تابلوهای زیبایی درکنار این زمین‌ها و اماکن نصب شود و احیاناً کتابخانه و یا کتابفروشی موقت در آن مکان دایر گردد تا قطعیت این مراکز جهت احداث کتابخانه مسجل گردد.

پی‌نوشت:

۱ - گزارش دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی به انجمن

بخش سوم

برنامەریزی و مدیریت

۷

بایدها و نبایدها*

چند نکته ضروری

پس از پایان جلسه انجمن کتابخانه‌های تهران، در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۳، دبیرکل محترم هیأت امنای کتابخانه‌های کشور خبر انتشار مجله دیگری به نام «پیام کتابخانه» راکه در نامگذاری آن هم کمی تردید داشتند دادند، و اظهار داشتند این همان مجله‌ای است که روزی با شما درباره آن صحبت کردم و شما با آن مخالفت کردید. در جواب گفتم ابداً. بنده با انتشار نشریه مخالف نیستم بلکه غرضم این بود که سعی شود از کارهای تکراری جلوگیری به عمل آید. در هر حال از من خواستند که ظرف مدت کوتاهی چنانچه بتوانم مقاله‌ای برای این نشریه بنویسم که به نظرم رسید به جای یک مقاله مستوفا، به چند نکته در این مورد اشاره کنم:

۱. مطلق گرایی یکی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه ماست. مردم ما، به ویژه کم سوادان و

* ـ این مقاله در فصلنامه پیام کتابخانه شماره ۱ (۱) ۱۳۷۰ چاپ شده است.

علی الخصوص بی‌سوادان، آنهایی که قدرت تجزیه و تحلیل و حلاجی مطالب را ندارند و به عبارت دیگر فکر و ذهن آنها مشق و تمرینی نداشته است، همه چیز را از دوحال خارج نمی‌دانند، یا خوب خوب و یا بد بد. مسأله نسبیت و مقایسه خوب با خوبتر و یا بد با بدتر و نمره‌گذاری و درجه‌بندی اصلاً مطرح نیست. همچون بچه‌ها که درباره هرکس می‌پرسند آیا آدمی خوب است و یا بد، و هرچه ببینند از خوبی و یا بدی آن سؤال می‌کنند. شاید در جمع‌بندی کمتر کسی نسبیت را در نظر می‌گیرد و به اصطلاح با جمع‌بندی خوبی‌ها و بدی‌ها کمتر به موردی نمره قبولی می‌دهد.

در گزینش نیروی انسانی هم شاید در بعضی از مراحل، ما دچار چنین گرفتاری‌هایی شده‌ایم، و به خاطر این که حاضر نبوده‌ایم به فرد مورد نظر خود کمتر از نمره ۲۰ بدهیم، لذا صفر داده‌ایم و او را رد کرده‌ایم. در حالی که این تلقی درست نیست. البته جامعه هم چنین تفکر و برداشت غلطی دارد؛ آنها هم فکر می‌کنند اگر کسی به هر دلیلی برای جائی انتخاب نشد دیگر نمی‌تواند برای جای دیگر مفید باشد، و به فردی عاطل و باطل و یا مخالف تبدیل گشته است. دعوای گزینشگران و گزینش شدگان از این مقوله بوده است.

در مورد کتابها نیز چنین امری صادق است، ذهن جامعه ما به ویژه در فرهنگ عمومی قادر نیست سره را از ناسره مستقیم و در همه موارد، بویژه زمانی که باید تجزیه و تحلیل صورت گیرد، بازشناسی کند، و چون قدرت پاسخگویی در بعضی از مراحل نیست و یا پاسخگویی به اشکالات و ایرادات کتاب ها و مقالات مجله‌ها، دقت، نیرو و شاید تشکیلات و سازمان می‌خواهد، ترجیح می‌دهد که صورت مسأله را پاک کند و ابداً به سراغ آن نرود و شاید برای توده جامعه هم که ذهنی نقاد ندارند مناسب تر همین باشد، اما در هر حال طرد یک مسأله و یا حذف آن مسائل واقعیت را عوض نمی‌کند و نسبیت را از بین نمی‌برد.

در مورد مسائل آموزشی هم چنین است. به خاطر این روحیه ذهنی وقتی بحث آموزش پیش می‌آید ذهن ها بر روی آموزش عالی آن هم در سطح فوق لیسانس و دکترا متمرکز می‌شود که از جهتی هم حق همین است، زیرا نتایج نهایی همه آموزش‌ها در آنجا ظاهر می‌شود، اما واقعیت این است که هرم بدون قاعده و یا با قاعده‌ای نامناسب و ناهنجار و نالایق نمی‌تواند بطور مدام و مداوم رأسی مترقی، با فکر و باشعور تربیت کند و بالاخره دچار آسیب شده و یا منقرض خواهد شد. اینجاست که توجه به آموزش به این معناست که باید کلیت آموزش را در

نظر گرفت، و همه سطوح را هم دید.[1] بنابراین اگر کمیت آموزش مطرح باشد، دیگر ضعیف ترین و غیرکارآمدترین نیروها را در آموزش ابتدائی به کار نمی‌گیریم و آنهایی که از نظر حقوق و مزایا هم با دیگران قابل مقایسه نیستند حتی با دوره راهنمایی که فقط یک دوره از آنان بالاترند با هم مقایسه نمی‌شوند وگرنه نتیجه کار این خواهد بود که در بستر آموزشی ناهمگون و نالایق، انتظار پرورش انسانهای فکور، تحصیلکرده، محقق و دانشمند راکم می‌توان داشت و یا اصلاً نمی‌توان داشت. البته این که می‌گویم بیشترین بها را به آموزش عالی می‌دهیم در مقایسه با وضعیت داخل کشور خودمان است والا در مقایسه با کشورهای بزرگ و پیشرفته دنیا، آنقدر تفاوت هست که ذکر آن موجب سرافکندگی می‌شود.[2]

در مورد کتابخانه‌ها هم همین طور، وقتی بحث از کتابخانه‌ها به میان می‌آید، ذهن ما متوجه کتابخانه ملی و یا کتابخانه دانشگاهی، آن هم دانشگاهی معتبر و یا مراکز اطلاعاتی در یک مؤسسه تحقیقی و پژوهشی می‌شود، که گرچه با مقایسه با کتابخانه‌های بزرگ و تخصصی کشورهای دیگر وضعیت واقعاً ما اسفبار است،[3] اما در مقایسه با دیگر کتابخانه‌ها به نظر می‌رسد از اهمیت بیشتری برخوردارند. این را از آن جهت عرض می‌کنم که در بستری که آشنایی با کتاب و کتابخانه در حد بسیار نازلی است، و خواندن نقش و پایگاهی ندارد و کتابخانه جایگاه خود را نیافته است، چه می‌توان کرد؟[4] شهر تهران، فی‌المثل بسیاری از مناطق آن کتابخانه عمومی ندارد،[5] و سرمایه‌گذاری لازم در امر مطالعه و کتابخوانی نشده است، چگونه می‌توان انتظار داشت که کتابخانه‌های تخصصی ما مواجه با انبوه محققان و پژوهشگران باشد و تشنگی زائدالوصف آنان به امر پژوهش، آنها را مقیم شبانه روزی کتابخانه‌ها نموده باشد؟ براستی به چند مورد می‌توان اشاره کرد که محقق و یا پژوهشگری از راه دور و نزدیک به کتابخانه‌ای آمده و برای انجام تحقیق خود نیازمند به اتاق و خدمت لازم باشد و همه چیز در اختیار او قرار گرفته باشد؟[6] اگر هم، چنین افرادی باشند، همان افراد بازنشسته مسنی هستند که از گذشته با همه وجود خویش به امر تحقیق آن هم بیشتر در زمینه‌های علوم انسانی مشغولند و به این نوع زندگی عادت کرده‌اند.[7]

وقتی کتابخانه‌های عمومی کشور از کمترین امکانات برخوردار است و در بعضی از موارد سرایدار نقش کتابدار را ایفا می‌کند، و چهره ظاهری کتابخانه دلمردگی و غم می‌افزاید و وضعیت کتابها اسفبار است، و با اینهمه مردم از وجود کتابخانه در محلی که احداث شده اطلاع کافی

ندارند، طبیعی است که حاصل و نتیجه کار در مقاطع تحصیلی باید مشاهده شود. دانشجویان رده بالای ما عمدتاً بیش از آنکه بفکر کشف و درک حقایق و انجام پژوهش به معنای واقعی آن باشند، عمر خویش را در کسب نمره قبولی می‌گذرانند و تحقیق‌های خود را اگر هم زحمت فراوان روی آنها کشیده باشند درحدی نیابند که با مشابهات آن در خارج برابری کند.[8]

۲. تشتت درتصمیم‌گیری از آفاتی است که گاه عمداً و گاه سهواً رخ می‌دهد. در ارتباط با کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعات این امر وجود دارد. البته شاید یکی از دلائل هم این باشد که کتابخانه‌های ما در حال حاضر زیر نظر چندین مدیریت است. کتابخانه ملی زیرنظر نهاد ریاست جمهوری است، کتابخانه‌های عمومی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌های دانشگاهی و پاره‌ای از مراکز تحقیقاتی زیرنظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و کتابخانه‌های مدارس زیر نظر وزارت آموزش و پرورش. تازه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خود مقوله جداگانه ایست که استقلال دارد، و کتابخانه‌های مساجد و اوقاف که بعضاً در حد بسیار خوبی است، مدیریت جداگانه دارند. طبیعی است این تشتت سازمانی و تفرق مدیریتی، خود در کاهش ضریب استفاده بهینه از محتوا و موجودی و حتی هماهنگ کردن موجودیتها تأثیر بسیار زیادی می‌گذارد. چگونه می‌توان وزارت آموزش و پرورش و یا فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا دیگر وزارتخانه‌ها و سازمانها را ملزم کرد که همکاری لازم را با دیگران داشته باشند؟ البته ناگفته نماند که قانون، حدود وظایف را مشخص کرده است، ولی چنانچه از قانون تخطی شود کسی نیست که به سرعت خبردار شود و با سرعت از آن جلوگیری کند و از این گذشته پاره‌ای از موارد هست که در وظایف هرسازمانی می‌گنجد، اما در سایه تفاهم و هماهنگی می‌توان ضریب استفاده را بالا برد و نتیجه کار را چندین برابر کرد.[9] به عنوان مثال چنانچه در شورایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا واحدهای تابعه آن وظایف دقیق و ارتباط هماهنگ بین واحدها مشخص و همکاری به عنوان یک اصل تلقی شود -که نباید از آن تخطی کرد - وضعیت واحدها سازمان خواهد یافت و اگر چنین شود خط و ربط موجودی ما از نظر کتاب و اطلاع مشخص خواهد شد. بانک اطلاعاتی به وجود خواهد آمد و هر محقق و پژوهنده در اسرع وقت خود را با آن مرتبط خواهد کرد و از اینکه کتاب و یا مقاله و یا اطلاعاتی خاص در کجای کشور و در نزد چه کتابخانه و یا مرکز اطلاعاتی و یا شخص پژوهشگر و محققی موجود است مطلع خواهد شد، و چنانچه نیاز به تماس با خارج

از کشور باشد، با نظامی ارگانیک و هماهنگ در اسرع وقت اقدام، و روند کار و نتایج تحقیقات در جایگاه خود ثبت خواهد شد تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد و منجر به هزینه اضافی و مجدد نگردد،[10] و مآلاً از محققان نخواهیم شنید که بگویند تحقیق در کشور به جایی نمی‌رسد و برای انجام پژوهش فقط باید به کشورهای خارج و کتابخانه‌های بزرگ آنجا رفت تا آنچه را که لازم است در اسرع وقت برایتان فراهم کنند.[11]

۳. کامپیوتر در جهان امروز غوغا می‌کند و این موجود عجیب الخلقه مصنوع دست بشر به سرعت وارد زندگی روزمره اداری و اطلاعاتی ما شده است.[12] کتابخانه‌ها نیز از این موهبت بی‌نصیب نیستند. از ورود آن به کتابخانه‌ها باید شادمانی کرد و خوشحال شد. اما باید عواقب بی‌گدار به آب زدن‌ها و عجولانه تصمیم گرفتن‌ها و خطر یکباره متوقف شدن را در بعضی از موارد پیش‌بینی نمود. ورود کامپیوتر در دستگاههای اداری و اطلاعاتی و علمی برای آنان که غم تکنولوژی ندارند و از آسیب دیدن قطعات و تعویض آن نمی‌هراسند و با دانش بهره‌برداری آن کاملاً آشنا هستند امری است لازم و ضروری؛ اما آنجا که چنین خبرهایی نیست و یا به وسعت کشورهای پیشرفته نیست و وابستگی ارزی و ریالی آن به نسبت خیلی زیاد است باید احتیاط کرد، و الا هم فی الاهم نمود، و به یکباره همه سیستمهای دستی را در همه جای کشور از بین نبرد و آهسته آهسته و متناسب با نیاز جامعه و مصرف کنند. کامپیوتر را به خدمت درآورد.[13]

۴. تقسیم کار بویژه در امور فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به کمی نیروهای کیفی فرهنگی و کمبود امکانات و بودجه، اگر تقسیم کار نشود تلاش‌های فرهنگی به هرز می‌رود، سمبل کاریها افزایش می‌یابد، کارفرهنگی زیاد می‌شود اما بازده فرهنگی چیز قابل توجهی نخواهد بود. کارها، دوباره و یا چندباره انجام خواهد شد. هرکس به مقتضای حال و مقال و سلیقه خویش دست به کاری می‌زند که از عهده آن برنمی‌آید و طرح و برنامه مشخص و مدونی برای حداقل چند سال ندارد. شاید هم بتوان گفت تشتت و تفرق در تشکیلات هدایت‌کننده کتابخانه‌ها خود به این عامل مهم عدم تقسیم کار دامن می‌زند.

وقتی هر وزارتخانه‌ای در قالب وظایف مصوب خویش بودجه آموزشی جداگانه دارد و اگر نه معاونت فرهنگی، که دست کم بخش فرهنگی دارد، مشخص است که چه اتفاقی می‌افتد. مضافاً در قالب بخش‌های تعاونی و یا غیردولتی و شرکتها و بخش خصوصی هم فعالیتهائی صورت می‌گیرد اما پراکنده از هم و جدای از یکدیگر، به طوری که در شهر قم تنها بیش از ۵۰

مؤسسه تحقیقاتی بر روی مسائل اسلامی و انسانی به کار مشغول‌اند که عمدتاً ارتباط مشخصی هم با یکدیگر ندارند. کف نفس و خویشتن داری و تنزل از نیت های شخصی و یا سازمانی نیاز به الزام های قانونی ندارد، بلکه ایثار می‌طلبد و اخلاق، دلسوزی و عشق به اعتلای وطن می‌خواهد، که هرکس باید آن را در عالم نسبیت و نه اخلاق بررسی کند و بسنجد. وقتی مقدمات کار فهرست مندرجات مجله‌ای که اخیراً توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌ها) در شرف انجام بود عرض کردم که کار بسیار خوبی است، ولی باید تلاش کنید تا با هماهنگی دیگر مسؤولان و متولیان این کار صورت بگیرد که پس از چندی دستگاه دیگری نگوید بدلیل داشتن فلان نقاط ضعف بایدما از نو کار را شروع کنیم. هم اکنون آستان قدس رضوی در این زمینه فهرست مندرجات منتشر می‌کند که اگر چه با این مجله جدید تفاوتهایی دارد ولی به هرحال فهرست مندرجات است. امید است که با اطمینان از انتشار این یکی، آن دیگری متوقف شود و یا مسیر کار خود را عوض کند، تا با صرف کمترین امکانات و نیروها بتوان بیشترین خدمت را به جامعه تحقیق، نمود.

در واقع باید دانست که ما آنقدر کار انجام نشده داریم که از حساب بیرون است. در همین زمینه کتاب و کتابداری و کتابشناختی، جایگاه نقد کتاب،* نقد مقالات مجله‌ها، کتاب های در حال نشر**، عملکرد ناشران، کتابهایی که باید چاپ شوند، فهرست مقالات، چکیده‌ها و نمایه‌ها خالی است، که همه آنها نیرو و امکانات و عزم و اراده‌ای آهنین و استوار برای شروع و ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت ادامه می‌خواهد. اگر دست‌اندرکاران فعالیت های فرهنگی براساس حسن تفاهم و از سر دلسوزی واقعی نسبت به نیازمندیهای علمی و تحقیقاتی کشور گردهم جمع شوند و اگر مرکزیتی جهت دریافت و پخش اطلاعات و در صورت لزوم مشاوره و هدایت به وجود آید، می‌تواند نقش بسیار حساس و جدی در این زمینه ایفا کند، البته بشرطی که همه نسبت به آن تمکین کنند. گاه اتفاق افتاده است که در زمینه ترجمه کسی کتابی را ترجمه نموده و به ناشر سپرده است و پس از انتشار متوجه می‌شود که همزمان شخص دیگری بدون اطلاع او چنین کاری را کرده است.

فهرست قبل از چاپ یکی از مسائلی است که سالها مورد بحث است و هنوز متولی

* - Book Review

** - Books in Print

مشخصی ندارد. در حالی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند با برقراری ارتباط سه جانبه بین مؤلف یا مترجم، ناشر و کتابخانه ملی در اسرع وقت به این کار ظریف مبادرت ورزد و نتیجه این خواهد شد که زحمت چندین ساعته فهرست نویس را صرفه جویی و از بلاتکلیفی کتاب در اتاق های کتابخانه قبل از ورود به سالن مطالعه جلوگیری خواهد کرد.

۵. ادامه کار اگر از شروع آن مهمتر نباشد کم اهمیت تر نیست. آغاز کار در کشور ما علیرغم همه مشکلاتی که دارد با شوق و تلاش فراوان همراه است. بسیاری از کارها خوب شروع می‌شود ولی پس از مدتی متوقف می‌گردد و یا به خاطر وجود موانع مختلف آنقدر با تأخیر توأم می‌شود که خود همانند تعطیل است. مجله فهرست مندرجاتی در زمینه علوم و علوم اجتماعی در مرکز اسناد و مدارک علمی قبل از انقلاب چاپ می‌شد که پس از مدتی متوقف شد. اکنون که طلیعه فهرست مندرجات جدیدی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آشکار شده است امید می‌رود که دیر بپاید. اما به راستی چه کسی می‌تواند چنین امری را تضمین کند که این انتشار مجله و یا امثال آن برای مدتی دراز ادامه داشته باشد؟ شما به نشریات خارجی بنگرید، اکثر آنها عمری بیش از ۵۰ سال و یا بیشتر دارند[۱۴]. در آنجا مراکز علمی فارغ از جریانات سیاسی و بدور از تصمیمات عجولانه مدیریت است. اما اینجا گاه به مقتضای عشق، علاقه و فهمی که نسبت به مسائل فرهنگی دارند و یا بعضاً بخاطر خودنمایی و یا مؤسسه‌ها و سازمانهایی براساس سلیقه شخصی اقدام به کاری می‌کنند اما با تغییر مدیریت همه چیز دگرگون می‌شود و به هدر می‌رود. این به راستی نه تنها ضایعه که فاجعه است. چگونه کشوری می‌تواند ادعای فرهنگی بودن کند در حالیکه مسائل علمی و فرهنگی‌اش دستخوش ناهمگونی و ناهمواری‌هاست. بدیهی است وجود چنین محیط و جوی رغبت محقق و پژوهشگر را می‌کشد و امید امیدواران را نسبت به استفاده مستمر از یک جریان فکری ـ علمی بباد می‌دهد.

فصلنامه کتاب که مربوط به کتابخانه ملی است و باید هر فصل شماره‌ای از آن ظاهر شود حدود یک سال است که از اولین شماره آن می‌گذرد و کیهان فرهنگی مدتی تعطیل شده بود و خوشبختانه انتشار مجدد یافته است. من به پدیدآورندگان نشریه فهرست مندرجات عرض کردم که با آنکه زحمت تهیه آن همچون سایر نشریات نیست ولی در صورتی ارزشمند خواهد بود که استمرار و در سایه استمرار تکامل داشته باشد[۱۵]. در کشورهای دیگر در ارتباط با مقالات

تحقیقی مجله‌ها و چه بسا کتابها،پیش چاپ* دارند، یعنی قبل از اینکه مقاله‌ای مراحل چاپ و انتشار را که در آنجا خیلی هم طولانی نیست بگذراند، آنرا به دست محقق ذیربط می‌رسانند تا هرچه سریعتر او را با حاصل تحقیقات انجام شده توسط دیگران آشنا کنند و او را منتظر گرفتاریهای چاپ و توزیع پس از آن نکنند[۱۶].

۶.کیفیت باید همانند کمیت مورد توجه قرار گیرد. یعنی کیفیت از نظر آنچه عرضه می‌شود و کیفیت نسبت به شیوه عرضه و جذب و جلب افراد به کتاب و کتابخانه و مطالعه. باید از حداقل کمیت موجود حداکثر استفاده را برد. مردم از مطالعه چقدر بهره می‌برند، چقدر با روشهای مطالعه و صحیح خوانی، یا پژوهشگری، ثبت و ضبط و نگهداری یادداشت ها و احیاناً روش تحقیق و گزارش نویسی آشنا هستند. کسانی هستند که با علاقه و تجارب شخصی و با صرف یک عمر زندگی پژوهشگرانه خویش به نتایجی دست یافته‌اند و احیاناً با روش و یا روشهایی هم خو گرفته‌اند. ولی حاصل این زحمات و تجربیات تا چه حد به سمع مردم رسیده است؟ آیا مصاحبه با این افراد نمی‌تواند هم اهمیت مطالعه را برای مردم تداعی کند و هم روش های بهینه را به آنها تفهیم نماید؟آیاآموزش استفاده از کتابخانه آنهم بصورت مستمر و در حد معمولی و یا عالی و کیفی آن وجود دارد؟ از اینکه کتابخانه‌ای عمومی و یا دانشگاهی بویژه در فصل امتحانات از دانشجویان و دانش‌آموزان پر می‌شود نمی‌توان آن را دلیل افزایش علاقمندی به مطالعه و کتابخوانی دانست. شاید مهمترین سازمان پس از خانواده، آموزش و پرورش باشد که می‌تواند با استخدام و تشویق معلمان قوی واهل مطالعه و با عنایت به زندگی مادی آنان رغبت مطالعه و توجه به کتاب و کتابخوانی را با شیوه‌های صحیح در وجود کودکان از همان دوران ابتدائی نهادی کند[۱۷]. شما به کتابخانه سری بزنید، بویژه به کتابخانه‌های عمومی، خواهید دید که بسیاری از کتابها برای سالها دست نخورده باقی مانده‌اند. بسیاری از افراد از نزدیک شدن به بعضی ازکتابها، یا به علت سنگینی مطالب و یا ناآشنایی به زبان آن و یا عدم معرفی و تبیین از جانب شخصی یا نهادی و یا حجیم بودن آن ابا دارند.

شیوه استفاده از کتابهای مرجع را بسیاری از افراد نمی‌دانند. مقررات دست وپاگیر هم که در کتابخانه‌ها وجود دارد از انتقال کتاب های بی‌استفاده و یاکم‌استفاده به محل‌هایی جهت استفاده

---

* - Proprint

بیشتر و یا دست کم به صورت امانت بین کتابخانه‌ای جلوگیری می‌کند و این غیراز کتابهای نفیس و نسخه‌های خطی ارزشمندی است که باید شدیداً محافظت شود.

۷. ارتباط محققین با کتابخانه‌ها باید به عنوان یک اصل تلقی شود، اما کمتر کسی واقعیت آن را لمس می‌کند. آنان که به کار تحقیق مشغولند و ساعت هایی از عمر خویش را صرف یافتن مطالب و مواد مورد لزوم می‌کنند، به اهمیت کار کتابخانه خوب پی می‌برند. البته شاید بعضی هم پی نبرند به این دلیل که نمی‌دانند کتابخانه می‌تواند چنین وظیفه سنگینی را به عهده بگیرد، زیرا وقتی کتابدار مجرب و با سوادی بر سرکار نباشد و حداقل همانند یک مغازه‌دار نسبت به موجودی مغازه خویش و کیفیت ظاهری محصولاتی که عرضه می‌کند اطلاعی نداشته باشد، چگونه می‌تواند در مواقع لزوم مورد مشاوره قرار گیرد؟ اما چنانچه کتابخانه با وجود کتابداران قوی و مطلع، به عنوان یک ابزار قوی برای تحقیق و بازوی محکم مشاوره مورد توجه قرار بگیرد و یا دست کم واسطه و رابطی جهت برقراری ارتباط بین محققان و منابع اطلاعاتی باشند، طبعاً کتابخانه جایگاه خود را باز می‌یابد. البته در این زمینه هم به کتابخانه‌های عمومی نسبت به کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی کمتر به عنوان ابزار تحقیق نگریسته می‌شود، در حالی که اگر فرهنگ عمومی به عنوان یک رشته و یا رشته‌های علمی مورد مداقه و تحقیق قرار گیرد (که ناگزیر باید چنین باشد) بزرگترین ابزار تحقیق در این زمینه خواهد بود و اصولاً مراکز تحقیقاتی کشور و بویژه شورای فرهنگ عمومی که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است باید با طرح موضوعات مورد نیاز جامعه و بسیج علاقمندان و تقویت کتابخانه‌های عمومی جهت خدمات لازم برای این امور تلاش بیشتری را آغاز کنند.

اگر شهرداریها با همه گرفتاریهائی که دارند و مقامات سیاسی و دانشگاهی که بر روی مسائل اجتماعی کار می‌کنند، کار تحقیقاتی خود را از درون کتابخانه‌های عمومی شروع کنند و ثمرات تحقیقات خود را نیز در اختیار آنها قرار دهند، این امر موجب تقویت کتابخانه‌ها به عنوان پایگاه‌های تحقیقاتی خواهد شد[۱۸]. اصولاً اگر شهرداریها توجهی که این روزها به فضای سبز می‌کنند - و حق هم هست - درصدی از آن را به کتابخانه‌ها اختصاص می‌دادند، آنوقت مردم می‌فهمیدند که مطالعه جزو زندگی آنان است و می‌فهمیدند که همچون فضای سبز که به زندگی نشاط می‌دهد مطالعه نیز به روح انسان قوت و توانایی می‌بخشد.

۸. تبلیغات در جهان ما نقش‌آفرین است. در مورد همه چیز تبلیغات نقش تعیین‌کننده دارد.

اگر فعالیتی سیاسی انجام می‌شود اول تبلیغات و زمینه‌سازی می‌شود. اگر کالائی اقتصادی قرار است به فروش برسد، گاه بیش از نیمی از اعتبار آن صرف تبلیغات می‌شود و اگر از نظر اجتماعی و فرهنگی بخواهند فکری را پیاده کنند متوسل به تبلیغات می‌شوند.

البته تبلیغات اگر صرفاً درباره هرکس و هرچیز، بیان آنچه هست باشد امری مطلوب است و به معنی ابلاغ و رساندن و کاری مفید است. درباره کتابخانه‌ها و کتابخوانی ما نه تنها واقعیت آنها را ننمایانده‌ایم که حتی بسیاری از توهمات و ناصوابها را در ارتباط با آنها از صفحه ذهن و دل مردم نزدوده‌ایم. مضافاً، بسیاری از مردم تصوری صحیح، آنچنان که باید از کتابخانه‌ها ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد که باید در ارتباط با شناساندن کتابخانه‌ها به عنوان کانون‌های فرهنگی از طریق صداوسیما، مطبوعات، بحث در محافل و مجالس و مدارس و دانشگاه‌ها بیش از پیش کوشید. باید نمونه‌های عینی و عملی را به مردم عرضه کرد. باید علاقمندان به مطالعه را به مردم شناساند. باید محققان زبده و چیره دست را به مردم معرفی کرد، و بویژه از آنها خواست که ارتباط خود را با کتاب و کتابخانه برای مردم بیان کنند و نشان دهند که چگونه با کتاب برخورد کرده‌اند و چقدر آن را عزیز داشته‌اند وبا چه شیوه‌ای گمشده خود را از دل آنها بیرون کشیده‌اند، و در ایام خلوت و فراغت با چه عشق و شوری با آن به نجوا پرداخته‌اند.

باید مردم بدانند که کتاب و کتابخانه چه نقشی در پرورش شخصیت علمی و فرهنگی آنان داشته است، باید از انواع و اقسام امکانات جهت عرضه کتابخانه و خدماتی که می‌تواند ارائه کند بهره برد. باید همه مسؤولان بویژه شهرداران جهت پرکردن بخشی از اوقات فراغت مردم در کتابخانه‌ها سرمایه گذاری کنند.

چگونه است که مردم برای دیدن یک مسابقه ورزشی سرودست می‌شکنند، پول هم خرج می‌کنند، اما در مورد کتابخانه آن شوروشوق نیست؟ بدیهی است که ارائه بهترین خدمات در کتابخانه‌ها خرج دارد. باید برای آن سرمایه‌گذاری کرد. جذب بهترین و متخصص‌ترین افراد به عنوان مشاور اعتبار می‌خواهد. چون در این زمینه کار نشده است ممکن است گفته شود که جامعه از این امر استقبال نمی‌کند و چون جامعه استقبال نمی‌کند پس کار بیشتر فایده ندارد، و این دور باطل همچنان ادامه پیدا کند، در حالی که اگر صلاح‌اندیشان جامعه به فکر باشند و کتابخانه‌ها را به محل تحقیق و مراکز برخورد اندیشه‌ها و آراء تبدیل نمود. و کنار آن وسائل سرگرمی و خدمات جنبی نیز پیش‌بینی کنند، جامعه آن را پذیرا خواهد بود. چه می‌شد اگر در هر

محله‌ای کتابخانه و کتابخانه‌هایی وجود داشت و افراد شاخص و سرشناس علمی و فنی و هنری با آنها در ارتباط بودند، و طبق برنامه‌های منظم در محل حضور می‌یافتند و با پاسخ به نیازهای علاقمندان افراد بیشتری را جذب و راهنمایی می‌کردند؟ چه می‌شد اگر پست در خدمت کتاب‌رسانی به جامعه علاقمند از کتابخانه وارد عمل می‌شد. همچنانکه در رابطه با جانبازان این کار را شروع کرده است و با هماهنگی با کتابخانه‌ها، مسؤول رساندن کتاب و تحویل به موقع آن می‌بود و بالاخره در نمایشگاههای بین‌المللی کتاب چه در داخل و چه در خارج کشور، سهمی را به سود کتابخانه‌های عمومی در نظر داشته باشند و بحث ها به همان اندازه که در رابطه با فیلم و تئاتر در مجله‌ها و روزنامه‌ها به ویژه مجله سروش چاپ می‌شود درباره کتاب و کتابخانه‌ها نیز صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ باارزش‌ترین سرمایه هر جامعه، منابع طبیعی، درآمد ملی و شاخصهایی از این قبیل نیست بلکه وجه کیفی با تحصیلات و فرهنگ و هنر و از همه مهمتر ذهنیت مستعد برای شکوفائی‌های انسانهای گوناگون است. از آنجا که علم و تحقیق را مردم پی می‌گیرند، ارتقاء پذیرش عمومی از شرایط مهم توسعه و جامعه علمی تحقیقاتی است.(فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۱، ۱ ص ۴۰.)

۲ ـ درکشور اتریش، با ۷ میلیون نفر جمعیت (حدوداً برابر شهر تهران) ۸۵۳ مؤسسه تحقیقاتی و دانشگاه وجود دارد. (آمار سال ۱۹۸۹)(فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۱، ۱ ص ۱۸.)

۳ ـ کتابخانه دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف به زحمت ۶۰۰۰ جلد کتاب دارد در مقابل کتابخانه دانشکده فیزیک وین (اتریش) بیش از ۳۰/۰۰۰ جلد ودانشگاه صنعتی شریف قبل از انقلاب ۱۶۰ نشریه ادواری مشترک بوده که در حال حاضر به زحمت به ۱۰ مجله می‌رسد در مقابل دانشکده فیزیک دانشگاه وین ۱۲۰۰ عنوان مجله دارد.

۴ ـ این که خواندن عادتی عام است و می‌تواند از طریق نهاد آموزشی و کتابخانه به حد کافی پرورده و گسترده شود باید از ارکان ایمان ما باشد. با در نظر گرفتن این واقعیت که چنین عادتی را می‌توان در آموزشگاهها و کلاسهای بزرگسالان پرورش داد. تا به شناخت کامل رابطه میان آموزش و عادت مطالعه نیازمندیم، تنها با

آموزش خواندن و داشتن کتابخانه‌ها، نمی‌توان این عادت را ایجاد کرد....(موکهرجی. ا.ک. تاریخ و فلسفه کتابداری، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد آستان قدس، ۱۳۶۸ - ص ۷۱.)

۵ - در حال حاضر حدود ۱۴ کتابخانه در ۸ منطقه شهر تهران وجود دارد و بقیه مناطق کتابخانه عمومی ندارند که امید است با تلاش انجمن کتابخانه‌های تهران وسازمانهای عضو در این انجمن این نقیصه از نظر کمی به سرعت رفع شود.

۶ - درمورد کتابخانه مجلس که یکی از معدود کتابخانه‌های بزرگ کشور است و گنجینه‌ای از ذخائر ارزشمند کشور در آن قرار دارد باید گفت که نه تنها خدماتی برای میهمانان ندارد بلکه ساعات کار آن هم به قدری محدود است. که کمتر کسی می‌تواند برای کار پژوهشی خود از آن به شکل منظم استفاده کند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هم با کمی اختلاف وضعیت مشابهی دارند.

۷ - بارها مشاهده کرده‌ام که استاد محیط طباطبایی با دردست داشتن دو عصا و عمدتاً پای پیاده نفس نفس زنان به کتابخانه مجلس می‌آید تا با دیدن دوستان قدیمی خود و گپی و حال و احوالی اندکی روح خود را از خستگی‌های زندگی برهاند. او که وجودش مملو از خاطرات و ذهنش سرشار از محفوظات و معلومات است و من در عجبم که این نیروها به سادگی از دست می‌روند بی‌آنکه ما بهره لازم را از وجود آنان برده باشیم. یک روز با وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت این مسأله را در میان گذاشتم و ایشان در جواب به فعالیت کیهان فرهنگی و انجام مصاحبه‌هایی چند اشاره داشتند.

۸ - امارات متحده عربی در سال ۱۳۶۵، ۱۰ برابر ما و عربستان سعودی ۱۸ برابر ما و نیجریه ۶ برابر ما تحقیقات علمی داشته‌اند. مقام کشور ما از اتیوپی و یکی دو کشور دیگر بهتر است. (فصلنامه علمی پژوهشی ۱. ۱ ص ۲۳.)

۹ - قبل از انقلاب برای مراکز اسناد و اطلاعات شورائی به نام شورای سیاستگذاری مراکز اسناد وجود داشت که نقش هماهنگی را در حد بسیار نازلی انجام می‌داد. اکنون کمیته اطلاع‌رسانی عمومی PGI زیرنظر کمیسیون ملی یونسکو تشکیل شده که هدفش انجام هماهنگی نسبی بین مراکز اطلاعات و کتابخانه‌های کشور است.

۱۰ - هیچ کتابخانه‌ای در سراسر دنیا پیدا نمی‌شود که قادر باشد به تنهائی بودجه لازم برای خرید تمام منابع مورد نیاز مراجعان خود را فراهم آورد حتی اگر بودجه کافی داشته باشد. هیچ کتابخانه‌ای نمی‌تواند تمام منابع خود را با همان سرعت و میزانی که چاپ و منتشر می‌شوند تهیه کند. دو نکته فوق موجب می‌شود که کتابداران و متخصصان علم اطلاع رسانی تلاش خود را در جهت همکاری بین کتابخانه‌ها و شبکه‌های

کتابخانه‌ای و استفاده مشترک کتابخانه‌ها از منابع یکدیگر متمرکز کند.(فدائی غلامرضا، نقش ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و گسترش اطلاعات، تهران. اطلاعات علمی اسفند ۶۹.)

۱۱ ـ یکی از دوستان دانشگاهی که اخیراً برای فرصت مطالعاتی به فرانسه رفته است قبل از عزیمت با خستگی مفرط از تلاش برای یافتن منابع تحقیق و مطالعه اظهار می‌داشت واقعاً انسان اینجا کلافه می‌شود و دنبال هرچه می‌گردد کمتر پیدا می‌کند.

۱۲ ـ تکنولوژی مربوط به کامپیوترهای شخصی نیز هر روز بهتر و قویتر می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که این افزایش در قابلیت‌ها، باید موجب زیاد شدن ارزش اطلاعات و ارتقاء سطح کاربردها بشود اما متأسفانه چنین نیست،کم توجهی به ارزش اطلاعات عامل بازدارنده‌ای برای ارتقاء سطح کاربردها شده است و روند استفاده از انفورماتیک در ایران به حالتی بحرانی و مغشوش دچار شده است.(گسترش صنعت سنگین، چهارشنبه ۱۳۷۰/۵/۲۳ ص ۱۵.)

۱۳ ـ... یک وزارتخانه صد دستگاه کامپیوترشخصی خریده است و در به در دنبال شرکتی می‌گردد که ظرف شش ماه آخر سال سیستمی را روی این کامپیوترها طرح و اجرا کند. اصراری که در مورد سرعت انجام این کار می‌شود و اغماضی که نسبت به کیفیت کار وجود دارد حاکی از این است که نقش این سیستم نه رافع مشکلی از وزارتخانه بلکه توجیه آن خرید خواهد بود. سازمان دیگری یکی از بزرگترین کامپیوترها رابه خارج سفارش داده بدون این که تحلیل جامع و برنامه روشنی برای به کارگرفتن آن داشته باشد و از قرار معلوم مشخصات دقیق خود کامپیوتر هم معلوم نیست.(گزارش کامپیوتر، ماهنامه انجمن انفورماتیک ایران، سال دوازدهم، شماره ۳، مرداد و شهریور ۶۹ سرمقاله.)

۱۴ ـ تعدادی از نشریات با سابقه خارجی خدمت عمدتاً در زمینه مسائل کتابشناختی و کتابداری هستند. مثلاً Newyork times Index از ۱۹۱۳ به بعد،

Index to times از ۱۹۰۷، Reader's Guide to Preiodical Litrature از ۱۹۰۵ ، Applide science و & Technology Index ـ ۱۹۱۴ و Library literature از ۱۹۳۴ منتشر شده‌اند. (مهراد، جعفر، مقدمه‌ای بر خدمات مرجع عمومی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷.)

۱۵ ـ تعدادی از نشریات باسابقه ما بدین شرحند:

صف که نام سابق آن مهنامه ارتش بوده است از سال ۱۳۰۰ و مجله آینده که از سال ۱۳۰۴ منتشر شد و پس از یک توقف طولانی نشر آن مجدداً از سرگرفته شده است. (اطلاعات هفتگی از سال ۱۳۲۰ و آفات و بیماریهای گیاهی از سال ۱۳۲۵ و مجله دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۶ نیز جزو مجلات

قدیمی هستند.) (راهنمای مجله‌های ایران، ۱۳۶۷، ص ۱۶.)

۱۶ ـ فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۱. ۱، ص ۱۶.

۱۷ ـ مطالعه، همچون سایر فعالیتهای انسانی، تا حد زیادی، تحت تأثیر دگرگونی اجتماعی قرار گرفته است. هرچه جامعه‌ای پویاتر باشد، میزان سرعت دگرگونی اجتماعی آن که به افزایش مطالعه و افزایش درخواست تلاش و اطلاعات می‌انجامد بیشتر می‌شود. در این موارد جامعه عاملی تعیین کننده است، اگر فرد به جامعه‌ای کاملاً پیشرفته متعلق باشد برای حفظ پایگاه خویش در جامعه به کوششی آگاهانه در جهت تشویق نمودن عادت مطالعه که به ساختار نیازهای او مربوط است، دست می‌زند؛ می‌خواند چون باید بخواند. می‌خواند چون مجبور است پنداری از آنچه که در اطراف وی در این دنیای عظیم می‌گذرد داشته باشد، می‌خواند چون نیازمند اطلاعات است. (موکهرجی.ا.ک. تاریخ و فلسفه کتابداری، ترجمه اسدالله آزاد ص ۷۲.)

۱۸ ـ از نظر تاریخی پیشرفت یک ملت در دستاوردهای فرهنگی آن باز می‌یابد و پیشرفت کتابخانه‌ها، نشانه راهنمای فرهنگی هر ملت، به فشار عمومی برای بهبود وضع اجتماعی، اقتصادی و فکری و تا حد زیادی اندازه و سازمان اجتماعی که کتابخانه باید در آن به کار پردازد، مشروط است. کتابخانه بخشی از چشم‌انداز فرهنگی عام است. (موکهرجی. مقدمه‌ای بر خدمات مرجع عمومی، ص ۱۴۰)

۸

برنامه ریزی و مدیریت در تهیه ابزار کتابشناختی*

اهمیت کار کتاب شناختی در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. آمار تحقیقات و رشد روزافزون اثرهای تحقیقاتی در دنیای صنعتی به خوبی مؤید این مسأله است. اگر ابزار کار تحقیقات از قبیل فهرستها، چکیده‌ها، خلاصه‌ها، نمایه‌ها و اخیراً ماشینهای حسابگر (کامپیوترها) که سرعت اعجاب انگیزی در پخش واشاعه اطلاعات ایجاد کرده‌اند نبود، هرگز چنین رشدی در تحقیقات و پژوهش به وقوع نمی‌پیوست و دانشمندان نمی‌توانستند از ثمره کار یکدیگر استفاده کنند.

ابزار و اسباب در انجام هرکاری در زندگی بشر، شرط لازم و مقدماتی انجام آن است، که «ابی‌الله ان یجری‌الاشیاء الا باسبابها».[1] در این رابطه در زمینه گردآوری و بازیابی اطلاعات و ارقام و آمار که بنیادی‌ترین قسمت انجام یک پژوهش است بیش از هر چیز دیگر به اسباب و ابزار کارآمد نیاز است. این ابزار با سرعت و دقتی که در گردش و چرخش کار ایجاد می‌کنند،

---

* این مقاله در فصلنامه کتاب شماره ۲ (۱)، ۱۳۶۹ چاپ شده است.

می‌توانند ضریب اطمینان را بالا ببرند. همچنانکه آمده است: «اذا ارادا... بعبد خیرا هیا اسبابا له»، هنگامی که خدا برای بنده خویش نیکی اراده کند، اسباب آن را فراهم می‌کند. در جهان امروز اگر نظر لطف و عنایتی به امر پژوهش و تحقیق در راستای برنامه‌های توسعه باشد، فراهم نمودن اسباب و ابزار لازم، شرط اساسی و ضروری است.

در کشور ما، برخلاف دنیای پیشرفته صنعتی، کار کتابشناختی آنچنان که باید شناخته شده نیست. در گذشته دانشمندانی بر روی فهارس کار کرده‌اند و از خود آثاری بجاگذاشته‌اند. فهرست ابن ندیم، فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتجب الدین، فهرست غضائری... تا برسد به سفینة‌البحار مرحوم قمی که فهرست بحارالانوار علامه مجلسی است و اثر عظیم الذریعه شیخ آقابزرگ، اعیان‌الشیعه امین العاملی و مرآة‌الکتب ثقة‌الاسلام تبریزی، در تاریخ اسلامی می‌درخشند. در رجال نیز کتب فراوانی از رجال‌کشی، رجال شیخ طوسی، رجال مامقانی گرفته تا مصفی‌المقال شیخ آقابزرگ تهرانی به چشم می‌خورد.[۲]

با آنکه اخیراً در کشور ما، کم و بیش فهرست نویسی و نمایه‌سازی و تنظیم انواع فهارس و دیگر فعالیتهای کتابشناختی باب شده، ولی آنطور که باید و شاید مسأله جا نیفتاده و بیش از آنکه به محتوا و اهمیت و ارزش اینکار توجه شده باشد، به ظاهر اکتفا گردیده است. حتی اهمیت این امر توسط دست اندرکاران تألیف و نشر و جامعه پژوهشگر هم جدی تلقی نشده است.[۳] علت این امر بعضاً به عدم توجه کلی به امر پژوهش و تحقیق بر می‌گردد، و بعضاً به عدم امکانات مالی و مادی، و قسمتی نیز به روحیه سودجویی و جلب منفعت آنی ناشران ارتباط پیدا می‌کند، که دوست دارند در کارهایی سرمایه‌گذاری کنند که سریعاً سرمایه آنها برگردد و از انجام کارهایی که بازده آن در مدتی طولانی‌تر عاید شود پرهیز می‌کنند. دولت هم که معمولاً باید اهل سرمایه‌گذاری دراز مدت به ویژه در کار تحقیقی و پژوهشی باشد بیش از آنکه به امر تحقیقات توجه کند، به حاصل کار سرمایه‌گذاری خود در زمینه‌های فنی و صنعتی می‌اندیشد. وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی نیز ـ به ویژه سازمان برنامه و بودجه ـ از بودجه‌ای که تخصیص می‌دهند انتظار عرضه تولید و کاردارند، که گاه در این زمینه هم به دلیل نبودن تحقیقات ارزشمند و یا نبودن آمار دقیق، انتظارات، تحقق نمی‌یابد. به عبارت دیگر در کار تحقیق و پژوهش نیز باید همچون سایر امور، مدیریتی اعمال شود که پراکندگی و عدم ارتباط امور پژوهشی را سامان دهد، و برای تسهیل امر پژوهش سرمایه‌های لازم در طی زمانهای مشخص تخصیص یابد.

کار تحقیقات و استفاده بهینه از آن در زمینه‌های علوم انسانی و اجتماعی از جنبه‌های دیگر حساس‌تر است،[4] زیرا سرمایه‌گذاری در زمینه‌های علوم انسانی بویژه معارف اسلامی بازده ملموس و مشخصی چون امور تولیدی و فنی ندارد که بتوان آن را در قالب عدد و رقم نشان داد؛ و با عنایت به ولع و تشنگی فراوانی که برای صنعتی شدن و بهینه کردن وضعیت تولید و توزیع مشاهده می‌شود، طبعاً مجالی برای این امر باقی نمی‌ماند. دولت نه فرصت پرداختن به مسائل علوم انسانی را دارد و نه بودجه و امکاناتی را برای این کار تخصیص می‌دهد، و اگر هم اعتبار مالی موجود باشد، هزینه کردن آن با چنان سخت‌گیریهایی صورت می‌گیرد که رغبت محقق را در همان مراحل اول می‌کشد و نابود می‌کند.

با این حال، در زمینه علوم انسانی و به ویژه معارف اسلامی، رغبت افراد مؤمن و علاقمند به علت انگیزه‌های دینی و الهی، گاه سبب می‌شود که کارهای اصیل و بدیعی به وجود آید. تلاش مرحوم مجلسی، حاج شیخ عباس قمی یا صاحب الذریعه و علامه امینی که ارزش علمی آثار آنها بر کسی پوشیده نیست، حاصل تلاش فردی کسانی است که همه عمر خود را صرف تحقیق کرده‌اند. اگر تلاش و مجاهدتهای این از خود گذشتگان، که نه به خاطرنان و نام و نه به خاطر کسب حیثیت و مقام، بلکه فقط برای ادای وظیفه آنهم در زمینه‌هایی که کمتر محقق و پژوهشگری به دنبال آن می رود نبود هرگز چنین آثاری به وجود نمی‌آمد. در حالی که انجام این قبیل کارها در کشورهای دیگر محصول تلاشهای جمعی است، وبرای این قبیل امور، کمیته‌ها، انجمنها، سازمانها و مؤسسات به وجود می‌آید که بودجه‌های خاص دولتی و ملی را به خود اختصاص می‌دهند و هزاران نفر را درگیر مستقیم و غیرمستقیم کار می‌سازند تا مثلاً دایرةالمعارف های جامع و معتبری را در انواع علوم و موضوعات تحویل جهان دهند و با فروش آن استفاده‌های مادی هم در دراز مدت ببرند.

در زمینه‌های علوم انسانی و معارف اسلامی برادران اهل سنت هم از ما جلوترند. آنان برای علوم مختلف اسلامی از جمله احادیث و روایات، معاجم و فهارس گرانقدری پدید آورده‌اند. المعجم‌المفهرس لالفاظ‌الحدیث الشریف‌النبوی نمونه چنین تلاشی است، و یا کار عظیم آقای «فؤاد سزگین» تحت عنوان تاریخ آثار عربی[5] که دایرةالمعارف بزرگ اسلامی برادران اهل تسنن است نمونه دیگری است.

فؤاد سزگین در کشور ترکیه و آلمان صاحب مؤسسه و دفتر و تشکیلاتی جهت انجام این کار

بزرگ است و علاوه بر آن از طرف شیوخ ثروتمند عرب مورد حمایت فراوان مالی و پرسنلی قرار می‌گیرد تا با خیال راحت و فراغت کامل بتواند کار خویش را بپایان برد.[۶]

در حالی که محققین ما که بعضاً معروفیتی هم دارند، نه تنها از نظر انجام امور تحقیقاتی در مضیقه هستند، که حتی ناچار می‌شوند، بخش عمده‌ای از وقت خود را صرف تأمین معاش و رتق و فتق امور ضروری روزمره خود سازند، و این مصیبتی جبران ناپذیر و خسرانی عظیم است.[۷] گاه ذهن‌های خلاق آفرینشگران و مبتکران ما علی رغم آمادگی و استعداد کامل، به راهی می‌رود که مصداق قول معروف «سعدی را به کار گل واداشتن» می‌شود.

دوباره کاری و چندباره کاری به علت نبود مدیریت و برنامه‌ریزی جامع تحقیقاتی، خود فاجعه دیگری است که همواره رخ می‌دهد و ظاهراً هیچ کس هم رادع و مانع ادامه آن نیست. هر مؤسسه و سازمانی، به محض اینکه با اندک مطالعه به این نتیجه رسید که باید کار تحقیقاتی را شروع کند، بدون تأمل دست به کار می‌شود، در صورتی که باید دست کم همانند پروژه‌های تحقیقاتی در علوم و فنون و صنعت که مختصر ارزیابی فنی و اقتصادی می‌شود، ـ گرچه همان ارزیابیها هم نقص فراوان دارد ـ بررسی کند که آیا در مؤسسات و سازمانهای دیگر و حتی در خود همان سازمان، قبلاً چنین کاری انجام شده و یا در حال حاضر انجام می‌شود یا خیر؛ و همچنین توان موجود در کل کشور برای یافتن اطلاعات صحیح بررسی شود، و دست کم مرکز یا مراکزی برای کسانی که می‌خواهند اطلاعات اولیه تحقیقاتی را بگیرند و سپس کار را شروع کنند شناسایی نمایند. بایستی همواره چنین مراکزی وجود داشته باشد تا اهل پژوهش و تحقیق به منظور جلوگیری از اتلاف نیرو، سرمایه و عمر، ابتدا به آنجا مراجعه نمایند و خدمات آماری و مشاوره‌ای دریافت دارند. البته ممکن است کم و بیش مؤسسه‌هایی بطور پراکنده چنین وظیفه‌ای را در سطوح مختلف به عهده داشته باشند، که طبعاً یا فراگیر نیستند و یا در جامعه محققان و فرهنگیان شهرت ندارند و به زحمت از وجود آنها و نوع فعالیت شان اطلاع حاصل می‌شود.

یکی از مسؤولین سازمان تبلیغات اسلامی می‌گفت که وقتی ما خواستیم کاری تحقیقاتی را در زمینه علوم و معارف اسلامی شروع کنیم، پس از مدتی تفحص دریافتیم که فقط در شهر قم، بیش از ۵۰ مؤسسه و یا مجمع تحقیقاتی وجود دارد که به صورت پراکنده و جدای از یکدیگر بر روی مسائل علوم انسانی و اسلامی کار می‌کنند و عموماً هم از کار یکدیگر اطلاع ندارند.[۸] حتماً در شهرستانهای دیگر به ویژه شهرهای مذهبی چون مشهد و اصفهان و یزد و... نیز کارهایی

انجام می‌شود و یا افرادی علاقمند شخصاً به تحقیقاتی در همین زمینه مشغولند.

پژوهش و تحقیق، آن زمان به خوبی انجام می‌گیرد که نه تنها محقق بداند که پیرامون او در داخل کشور چه می‌گذرد و یا چه گذشته است، بلکه بداند چه فعالیتهای مشابهی در جهان صورت می‌گیرد و چه نتایجی تاکنون به دست آمده و دامنه و گسترش مسائل تحقیقاتی در زمینه مورد نظر تا چه اندازه است.

فقدان اطلاعات جامع و گسترده در زمینه مسائل تحقیقاتی و عدم برنامه ریزی و مدیریت جامع پژوهشی به منظور رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده سبب می‌شود که بسیاری از پژوهندگان کاری را بطور انفرادی شروع کنند و با هزاران رنج و مشقت به پایان برند، که طبعاً خالی از اشکال نیست، و البته اغلب هم خسته شده و کار را نیمه تمام رها می‌کنند و یا به زمانی دیگر موکول می‌نمایند.

در این جا برای توضیح بیشتر به نمونه‌ای مربوط به موضوع اشاره می‌شود:

صاحب کتاب مفتاح‌الکتب‌الاربعه در مقدمه کتاب ایضاح‌الطریقه الی تصانیف اهل‌السنه والشریعه فی تلخیص کشف‌الظنون و ذیله و الذریعه چنین می‌نویسد:

«و بعد فیقول العبد الجانی محمد... الموسوی الدهسرخی: لما طال اشتغالی فی مدت تقریب من عشرین سنة بتالیف کتابی مفتاح‌الکتب‌الاربعه واتعبت فی طبع سته عشرمن اجزائه الی حداللان (ثامن من شهرالصیام ۱۴۰۰ ه) بلا معین و لااعوان، الابعون... اللهالملک المنان و رایت قلة طلابه مللت و سئمت بحیث لااقدر علی ترسیمه و ترتیبه و تبییضه و تکمیل ۳۳ جزءا من اجزائه و رایت الاصلح بحالی ان اتنوع بتألیف کتاب آخر حتی یعود اشتیاقی الی تبییض باقی من اجزائه... فشرعت بعدالتفأل والاستخاره من کتاب اله العزیز فی تلخیص کتب ثلاث و هی کتاب الذریعه الی تصانیف‌الشیعه و کشف‌الظنون عن اسماءالکتب والفنون و ذیله ...[۹]

آنچه از این مقدمه بر می‌آید این است که نامبرده به عنوان محقق، ۱) کارش را با سلیقه و علاقه شخصی خویش انتخاب کرده و نهایت کوشش را برای انجام آن مبذول داشته است. ۲) مدت ۲۰ سال به تدوین و تألیف این کتاب مشغول بوده است و تنها توانسته شانزده جلد از کتاب را به چاپ برساند - البته تا زمان فعلی تعداد بیشتری منتشر شده است - ۳) خستگی فراوان از کاری که یک تنه شروع شده و فقدان یار و یاور و مشوقی در این مورد سبب توقف کار در مدتی قابل توجه بوده است. ۴) کمی علاقمندان و درخواست کنندگان در رابطه با همکاری در

تألیف این کتاب خود عامل دیگری برای خستگی مفرط پژوهنده شده، بگونه‌ای کـه اعـتراف می‌کند دیگر قدرت ادامه آن را ندارد و لذا تصمیم می‌گیرد که برای تنوع، کار دیگری را شروع کند و ادامه کار قبلی را به زمان دیگری که اشتیاق و شعف او باز گردد موکول نماید.

اگر چه نویسنده محترم بعداًکار را شروع می‌کند و مجلدات دیگری را به چاپ می‌رساند، اما آنچه قابل توجه است و در عالم تحقیق و پژوهش در این کشور و بویژه در جامعه اسلامی مطرح است اینکه چرا نباید مؤسسات مشاوره‌ای و ذیصلاح وجود داشته باشد تا وقتی که فردی عالم و مسلمان می‌خواهد اثری تحقیقی از خود بجای بگذارد، در انتخاب موضوع با آنان مشورت کند و انتخاب احسن نماید؟ و ثانیاً، چرا در آغاز برای هرچه بهتر شدن تألیف، در مورد روش کار و شیوه نگارش و رعایت کلیه ظرایف کتابشناختی و نمایه‌سازی از بهره مشاوران فحل و مجرب نباید برخوردار باشد؟ ثالثاً، چرا در طول کار نباید مشوق و یا مشـوقانی چـه از نـظر مـالی و تدارکاتی و چه از نظر روحی و معنوی وجود داشته باشند تا پژوهشگران با عشق و علاقه دائم‌التزاید به کار خویش ادامه دهند؟ و رابعاً، چرا در رابطه با تحقیق و پژوهش نباید مؤسسه و یا مؤسساتی وجود داشته باشند تا هم مشکلات مالی محققان را حل کنند و هم نسبت به طبع سریع و صحیح کارشان اقدام نمایند و هم تضمین و تأمینهایی جهت عرضه و فروش محصول عمرشان ارائه دهند؟ و بسیاری از چراهای دیگر که به نظر می‌رسد در صورت تحقق برنامه ریزی و مدیریت تحقیق در کشور، کم و بیش به آنها پاسخ داده خواهد شد.

چرا بجای صرف وقت بیست، سی و یا چهل سال و گاه عمری برای تهیه یک مجموعه، با صرف یک دهم آن، کار بهتر و پخته‌تر و قابل استفاده‌تر ارائه نشود؟ اگر چه بایدگفت مجموعه کارهای ارزشمند فرهنگی، حاصل تلاشهای فردی است و کوشش ارزشمند صاحبان بحارالانوار، مستدرک بحار، الذریعه، الغدیر، لغت نامه دهخدا و مفتاح‌الکتب‌الاربعه والحیاة و... خود مبین آن است، ولی اگر به کارگروهی و مصالح جامعه و اسلام و کشور اعتقادی باشد، و امر تحقیق قرین سعه صدر و خوش فکری و بی نظری گردد، و اهمیت والای تحقیقات به تهیه ابزارهای مناسب پژوهش وابسته شود، اولاً سرمایه‌گذاری در این زمینه لازم و واجب شمرده مـی‌شود و ثـانیاً نهایت دقت در جهت حداکثر استفاده از امکانات بعمل خواهد آمد و ثالثاً تألیفات به گونه‌ای سامان خواهد یافت که بجای استفاده یک شهر و یک استان از آن، عرضه جهانی و دست کم منطقه‌ای آن مقدور باشد.

در جهان امروز، مجموعه‌های بزرگ دایرةالمعارفها همچون بریتانیکا، آمریکانا، لاروس و دایرةالمعارفهای مختلفی که در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف تألیف شده حاصل کار هزاران نفر در آن کشورهاست که با مدیریت واحد و با نظم و ترتیب خاصی بدست آمده، که علاوه بر اعتبار معنوی، بزرگترین سرمایه‌گذاری آن کشورها، از نظر مالی و مادی به حساب می‌آید، زیرا فروش آن در مدتی نه چندان طولانی همه مخارج و هزینه‌های انجام شده را باز می‌گرداند. البته ظهور دائرة المعارف بزرگ اسلامی کوششی از این دست که امیدی در دلها ایجاد کرده است.

با درخواست توفیق از خدای بزرگ، آرزو دارم در آینده بتوانم به نمونه‌های دیگری از این ناهماهنگیها و راه حل آن اشاره کنم و نشان دهم که اگر نیروهای متفرق، مجتمع می‌شدند و سلایق را به هم نزدیک می‌کردند، بازده کار تا چه اندازه بیشتر می‌شد. امید است به جای کارهای مشابه کردن، خلاقیت و ابتکار جانشین شود و آنان که دارای توان اندیشیدن هستند مورد حمایت قرار گیرند، و آنهایی که به تهیه ابزارهای لازم در امور پژوهشی می‌پردازند، رعایت اولویت ها و ضرورت ها را بنمایند و مراکزی معتبر و صاحبنظر باشند تا در مشاوره علاقمندان را یاری دهند.

با امیدواری به اینکه درک این ضرورت موجب هماهنگی لازم در تحقیقات مربوط به کتابشناختی علوم اسلامی و انسانی شود، گفتارم را با سفارش آقای فؤاد سزگین به پایان می‌رسانم:[10]

«سفارش می‌کنم به شما که مهم را از غیر مهم و ممکن را از غیر ممکن فرق بگذارید ... دیده‌ام که مسلمانان در تقلید عمیق هستند، همه تقلید می‌کنند ... هیچ کدام کار اصلی نمی‌کنند». و اینکه « در ایران برادران، هوش و آمادگی و استعداد دارند. توصیه من این است که از تقلید بپرهیزند و کارهای ابتکاری بکنند. هدف من این است که تحولی بزرگ در عالم به وجود آید.»

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ کافی کلینی. جلد اول، ص . ۱۵۹

۲ ـ مرآت‌الکتب، ثقةالاسلام تبریزی، مقدمه

۳ ـ چکیده نویسی، مفاهیم و روشها/ محمدتقی مهدوی، مرکز اسناد و مدارک علمی ص ۱۲.

۴ ـ «دکومانتاسیون و سازمان اطلاع رسانی»/ زوترگل زاگوبرت، ترجمه جلال مساوات. نشریه فنی. مرکز مدارک علمی: ۳ و ۴:۱۳۵۶. ص ۵۷.

۵ ـ دیدار مهمانان دهه فجر، مصاحبه با فواد سزگین، مشکوة، ۱۲، ۱۳: ۱۳۶۵. ص ۲۴۲.

۶ ـ کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان.../ فؤاد سزگین، تهران، معارف، ۱۳۶۶. مقدمه ص بیست و نه، از محمدتقی دانش پژوه: «دولتهای عربی مبالغی گزاف در دسترس او گذارده و او هم با آن بنیاد خویش را گسترده‌تر ساخته است».

۷ ـ یکی از محققین که راضی نیست نامش برده شود و صاحب تألیفات فراوانی هم هست اظهار می‌داشت که شرایط زندگی او به گونه‌ای است که گاه او را درانجام امور تحقیقاتی با همه عشقی که به این کار دارد باز می‌دارد و خانه او به قدری نامناسب است که بیم او بیشتر از این است که کتابهایش آسیب ببینند و دیگری با کهولت فوق‌العاده سن اظهار می‌داشت که نه تنها کمکی را از دولت دریافت نمی‌کند که فرزندانش را با بهانه‌هایی از کار بیکار کرده و خانه‌نشین نموده‌اند.

۸ ـ در فهرستی که توسط سازمان تبلیغات اسلامی تهیه شده بود بیش از ۶۰ مؤسسه در حال حاضر بنابر احصاء آنان در قم مشغول در امور دینی هستند.

۹ ـ ایضاح‌الطریقة الی تصانیف اهل‌السنه والشریعه فی تلخیص کشف‌الظنون و ذیله والذریعه/ مهدی موسوی دهسرخی، مقدمه.

۱۰ ـ «مصاحبه با فواد سزگین»، مشکوة، ۱۲، ۱۳: ۱۳۶۵. ص ۲۴۲ ـ ۲۴۵.

۹

بررسی تنگناها و مشکلات موجود اطلاع‌رسانی کشور*

مقدمه:

قبل از بحث در بارهٔ موانع عمده در امر مدیریت اطلاع‌رسانی و کتابداری اجازه می‌خواهم تا سه واژه «اطلاع»، «رساندن» و «مدیریت» را تعریف کنم.

اطلاع: آنچه که ارزش معنوی داشته و ما را در نیل به مقصود و هدف یاری می‌رساند[۱].

رساندن: وقتی صحبت از رساندن پیش می‌آید، طبعاً مبدا و مقصد در ذهن تداعی می‌شود. زیرا اگر مبدأیی درکار نباشد و مقصدی نیز در نظر گرفته نشود، رساندن چه معنا دارد؟ لذا وقتی این دو، مطرح شدند لازم می‌آید که مبدأ اطلاع معلوم باشد و صحت و اعتبار آن مورد توجه قرار گیرد. و نیز در برابر، مقصد هم مشخص باشد تا «اطلاع» متناسب با نیاز مقصد و گیرنده، تعیین و

---

* متن سخنرانی ایراد شده در نخستین «سمینار بررسی نقش اطلاع‌رسانی در تحقیق و توسعه». ۱۳۷۲. و نیز در مجله اطلاع‌رسانی، نشریه فنی مرکز اطلاعات و مدارک علمی، دوره ۱۰، شماره ۴ (بهار ۱۳۷۳) چاپ شده است.

تبیین گردد. آن‌وقت در امر «رساندن»، وسیلهٔ ارسال مطرح خواهد شد که: این وسیله چیست و آیا با حمل اطلاع متناسب است؟ آیا سرعت و دقت لازم در ارسال پیام را داراست؟ و آیا کاربرد و استمرار آن در فضای مفروض، معنا و مفهومی خواهد داشت؟ طبعاً باید همه اینها تعریف و روشن شود. فی‌المثل، اطلاع‌رسانی در یک شهر کوچک، شهر متوسط، شهر بزرگ و در سطح جهان، ابزارهای گوناگونی را می‌طلبد ـ اگرچه در بعضی موارد دارای نقطه و یا نقاطی مشترک هستند.[۲]

مدیریت: مدیریت که از نظر لغوی از دور، دایره و مدار گرفته شده، به این معناست که اجزای تشکیل دهندهٔ یک مجموعه بر گِرد محور، به گونه‌ای دایره‌وار بچرخند که، بتوانند ضمن حفظ مجموعه‌ای بودن خود، از همه امکانات به طور متعادل بهره‌ور شوند. و نیز طبعاً مدیریت از نظر اصطلاحی شاید، بتواند به معنای استفادهٔ بهینه از وضع موجود با حداقل هزینه تعریف شود.

مدیریت در دورانهای گوناگون، به انواع مختلف اِعمال شده است. و اگرچه، از نظر هدف همه دورانها با هم نقاط اشتراک دارند؛ اما روشها و شیوه‌ها در اعصار گوناگون زندگی بشر، تفاوت داشته است. می‌گویند زمانی که بشر غارنشین بوده به مدیریت نیازی نداشته و اگر چنین نیازی را احساس می‌کرده، چماق بزرگ‌ترین حربه و ابزار اجرایی مدیریت او بوده است. در دوران سلطهٔ تفکر زراعت و زراعت‌پیشگی، شلاق، جای چماق راگرفته و بشر برای پیشبرد کار خود، از شلاق بر گرده رعیت استفاده کرده است. و در عصر حاکمیت صنعت هم، معروف است که مدیریت حماری و یا تشویقی، ابزارکار بوده و حاکمان صنعتی برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از نیروی کار، به تشویق آنها می‌پرداخته‌اند[۳]. اما مدیریت امروز را مدیریت انسان فرهیخته و دانش‌آموخته‌ای می‌دانند که بر اساس اطلاع و دریافت آن تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند. امروزه، بسیاری از محققان در سراسر جهان با یکدیگر ارتباط اطلاعاتی دارند و بدون آنکه یکدیگر را ببینند با رد و بدل اطلاعات، به بحث می‌نشینند و تصمیم‌گیری می‌کنند. انسانِ امروز، انسان اطلاعاتی است و موج سوم[۴] خود ناظر به همین مسأله است. البته، بحث در اینکه این انسان اطلاعاتی، در مدیریت خویشتن راهی برتر را برگزیده و به مقاصد انسانی خویش رسیده یا نه، امری دیگر است که به بحث مفصل دیگری نیاز دارد.

مدیریت کلان و مدیریت بخشی

عده‌ای به ویژه درکشورهای در حال رشد، مدیریت بخشی را بر مدیریت کلان، ترجیح و یا

به آن اهمیت بیشتری می‌دهند. می‌گویند: «کار بزرگ» انجام نمی‌شود، زیرا به اصطلاح سنگ بزرگ علامت نزدن است. این عده عقیده دارند «کار» باید کوچک باشد و هر کس مشغول «کار» خودش باشد. در حالی که اگر، اطلاع‌رسانی خُرد و کلان تبیین شود و روح جمعی بر جامعه حکومت کند و موانع تفاهم و برقراری ارتباط از بین برود، این دو با هم منافات ندارند و مکمل یکدیگرند. این عده، معتقدند که مدیریت کلی و همه‌جانبه، هم زود است و هم ناشدنی:

ـ زود است؛ زیرا باید «بخشها» در کوران کار و با دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، پا بگیرند و نیز ضمن درک ضرورت مدیریت، عمیقاً بفهمند که باید با دیگران تفاهم و ارتباط حسنهٔ کاری برقرار نمود.

ـ ناشدنی است؛ به خاطر خصلتهای جاه‌طلبانه و منیّت‌های فردی و یا سازمانی که، مانع از انجام «کار بزرگ» می‌شود.

باید دانست که این استدلال درست نیست. امامت و رهبری در همه امور، از جمله و به ویژه در امر اطلاع‌رسانی، از اهم مسایل است. البته به زعم بسیاری، «بخشی نگریستن» فوایدی دارد که از آن جمله است:

۱) هر کسی کار خودش را می‌کند.

۲) کسی مزاحم کار دیگری نمی‌شود و خودیها، نمی‌توانند در کار یکدیگر دخالت کنند چون اطلاعی از کار یکدیگر ندارند.

۳) ارتباط با بالاترها، به ویژه کشورها و سیستمهای خارجی برای همه میسّر است.

۴) چه بسا به ظاهر کار سهل‌تر، زودتر و کم‌هزینه‌تر انجام می‌شود.

اما در برابر، باید دانست که معایب این طرز تفکر هم، کم نیست. و از جملهٔ این معایب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) هزینه‌ها چند باره انجام می‌شود و این امر متأسفانه در میان کشورهایی که با این طرز تلقی اداره می‌شوند، شایع است.

ب) نیروها به هدر می‌رود و به جای اینکه، نیروی انسانی ماهر در «طول» و در ادامهٔ هم و برای پیشرفت، کار کنند در «عرض» گرفتار می‌شوند.

ج) حیثیت و حرمت اجتماعی و ملی در مخاطره قرار می‌گیرد.

د) صمیمیت و دوستی داخلی، از بین می‌رود و به جای رقابت سالم، حسادت جایگزین

می‌شود.

به یاد دارم که در پیش از انقلاب اسلامی که در جلسات شورای هماهنگی مراکز اطلاعات و اسناد شرکت می‌کردم، نمایندهٔ سازمان برنامه و بودجه ـ که عضو این شورا بود ـ در مورد دوباره‌کاریها اظهار می‌داشت که: برای انجام دو پروژهٔ مشابه، مثلاً در مورد آب‌رسانی کشورمان که یکی در شمال و دیگری در جنوب، در حال اجرا بوده است، مشاور خارجی، همان طرحِ قبلی را کپی نموده و فقط با تعویض جلد و بعضی مطالب ظاهری و ضروری متن طرح، دوباره پولی به جیب زده و بدین صورت از بیت‌المال سوءاستفاده کرده است.

بنابراین چنین تفکری، به عنوان امر مزاحم در مدیریت قابل قبول نیست. مدیریت کلان و بخشی مکمل یکدیگرند، کل و فرد از هم منفک نیستند. باید به طور منظم و سیستماتیک با هم باشند ـ بدون اینکه در قلمرو یکدیگر وارد شوند. در مدیریت مهم این است که، هر بخش ضمن حفظ استقلال، وابستگی جمعی خود را فراموش نکند. در چنان شرایطی است که هر بخشی در مدیریت، به صورت کلاف سردرگمی درنمی‌آید و سر نخ همیشه پیداست.

تأکید بنده در این مورد، از این جهت است که در طول خدمتگزاریم در گذشته، به کرات به این مسأله برخورده، به آن گوشزد کرده و از آن رنج برده‌ام و آن بخشی فکر کردن و بخشی نگریستن و بخشی عمل کردن صِرف است. چرا که در آن صورت، رابطه‌های طولی و عرضی در بسیاری از موارد قطع می‌شود و هر کس، «خودش» می‌شود و «خودش» حتی در انجام امورش مورد سؤال هم قرار نمی‌گیرد و به تعبیری، رهبری کلی فراموش می‌گردد.

در یکی از جلسات کمیتهٔ اطلاع‌رسانی عمومی، وابسته به سازمان ملی یونسکو در ایران ـ که نمایندگان چندین سازمان و دانشگاه تهران در آن عضویت دارند ـ بحث نظام اطلاع‌رسانی مطرح بود و در آنجا، یکی از اعضا مؤثر اظهار می‌داشت که: هنوز نظام اطلاع‌رسانی کلان، برای کشور زود است. باید اجازه داد هر بخش، برای خودش کار کند تا آن که، گذشت زمان، خود وقتش را معین کند.

در اینجا، با آنکه قضیه برای همگان روشن است؛ ولی چون در «عمل» در کشور ما توفیق چندانی نیست، خوبست برای تیّمن مثالی عرض کنم: گویند هشام‌بن حکم، که شاگرد امام صادق علیه‌السلام و متکلم معروف زمان خودش بود به حریفی برخورد که بر علیه امامت تبلیغ می‌کرد و ضرورت آن را منکر بود. او در جلسهٔ بحث آن حریف، حاضر شد و به صورت ناشناس

از او سؤالاتی کرد که: آیا دست دارد؟ پا دارد؟ گوش و چشم دارد؟ و مصارف هر یک از اعضا چیست و چه وظایفی انجام می‌دهند. آنگاه، پرسید قلب هم دارد (البته منظور قلب گوشتی نبود) و فایده‌اش چیست؟ پس از جواب، از او پرسیده بود که با آنکه هر یک از اعضا وظایف خود را به نحو کامل انجام می‌دهند، دیگر قلب به چه درد می‌خورد؟ و بدین صورت او را متنبه می‌کند. لذا همچنان که در امور داخلی، هماهنگ کننده لازم است در امور خارجی هم، «رهبری» جایگاه ویژه دارد[۵].

خلط مبحث اطلاع‌رسانی با وسیله و ابزار اطلاع‌رسانی

از مصائب امر اطلاع‌رسانی، این است که «اطلاع» با آنچه «اطلاع را می‌رساند» مخلوط شده است و به تعبیری حمل شیء بر حامل آن شده است. درست مثل این است که؛ شبکه حمل و نقل کشور ـ که عهده‌دار ارسال مواد و کالاست ـ با خود کالا یکی گرفته شود و یا خطوط و شبکه ارتباطی مخابرات، با موادی که مخابره می‌شود مخلوط گردد.

نکته‌ای که در اینجا باید عرض کنم این است که جذبه و جاذبه آنفورماتیک سبب شده، امر اطلاع‌رسانی ـ که عمدتاً به عهدهٔ کتابداران و اطلاع‌رسانان است ـ در حیطه وظایف و اختیارات متخصصان کامپیوتر قرار گیرد و آنها چنین احساس کنند که بدون نیاز به دانش کتابداران و اطلاع‌رسانان، می‌توانند و باید به رتق و فتق امور بپردازند. طبیعی است که بسیاری از امور هم، در حیطه اختیار آنان است: سیستم دادن به کامپیوتر و کار با آن در وهله اول با آنهاست؛ ولی اینکه چگونه «اطلاع» آماده و به حافظهٔ دستگاه داده شود تا به هنگام بازیابی مشکلی پیش نیاید، به کتابداران و اطلاع‌رسانان مربوط می‌شود[۶].

موانع در امر نظام و مدیریت اطلاع‌رسانی:

با آنکه موانع برشمرده در زیر بعضاً، خاص اطلاع‌رسانی نیست؛ اما از آنجا که «اطلاع» و «اطلاع‌رسانی» اساس هر کاری است، مطرح نمودن آن موانع در اینجا محمل می‌یابد. در هر حال، این مشکلات و موانع به قرار زیر است:

۱) **عدم عنایت به تفکر منظم و منطقی در کارها:** از آنجا که فرد فرد جامعهٔ ما، اغلب با تفکر منظم و سیستماتیک آشنا و شیوه بهره‌وری از آن را نیاموخته‌اند، لذا به هنگامی که در «سازمان»

قرار می‌گیرند و به ویژه اگر در رأس هرم مدیریت اینگونه دستگاهها قرار گرفته باشند، به این امر بهای لازم را نمی‌دهند: هر فرد دوست دارد که کارها به موقع انجام شود؛ ولی اگر خود در زندگی، از «شیوه» و «روش» پیروی نکرده باشد، طبعاً اشکال سیستم اطلاع‌رسانی و مدیریت تحت امر خود را درک نمی‌کند و نمی‌تواند توصیه‌های لازم و بهینه را به اجرا درآورد و طبیعی است که تحت‌تأثیر هر کس که او را بهتر توجیه کند ـ ولو شیاد باشد ـ قرار گیرد. عدم توجه به این امر مهم، سبب می‌شود که در کارهای عمومی، نظم و دقت وجود نداشته باشد. و مثلاً وقتی صحبت از کامپیوتر و وسایل انفورماتیک پیش می‌آید، «مدیر» چنین می‌پندارد که «کامپیوتر» همهٔ کارها را انجام می‌دهد، در حالی که کامپیوتر، خود محصول تفکر منطقی و سیستمی پدیدآورندگان آن است. وقتی کارها به طور «دستی» از منطق و نظم پیروی کند، طبعاً هر زمان که لازم باشد، می‌تواند به سادگی ماشینی شود.

۲) **عدم توجه به نظام اطلاع‌رسانی:** همان‌گونه که در کتابخانه‌های کشور، هنوز نظامی حاکم نیست، بدیهی است که در امر اطلاع‌رسانی هم نظامی حاکم نباشد. البته در شرایط زمانی فعلی، با توجه به حساسیت «اطلاعات» و «اطلاع‌رسانی» در امر تحقیق، در جهان پیشرفتهٔ صنعتی و مد روز شدن این امور برای بعضی از مقلدان آنها، طبیعی است «اطلاعات» و «اطلاع‌رسانی»، وردِ زبانها شود و محور بحثها گردد؛ اما از آنجا که گرایش به سمت «اطلاع‌رسانی» به تشنگی شدید علمی متکی نیست و توجه به اطلاع‌رسانی، مخلوق یک نیاز حتمی و ذاتی جامعه نمی‌باشد، پس از مدتی، از جوش و خروش می‌افتد و همان سرانجامی را پیدا می‌کند که کتابخانه‌های ما پیدا کرده است[۷].

۳) **حاکمیتِ تفکر بخشی در برابر تفکر سیستمی و نگرش کلان به سیاست کلی اطلاع‌رسانی:** این به این معناست که، هر کسی می‌خواهد کار خودش را انجام دهد و به اصطلاح «خر» خود را از پل بگذراند و چنانچه لازم باشد، نشان بدهد که تواناست و توانسته است از امکانات، بهترین استفاده را بنماید. این تفکر حتی در وزارتخانه‌های ما هم حاکم است و به عبارت دیگر، هر وزارتخانه‌ای می‌خواهد، خودش همه کارها را انجام دهد؛ دوست دارد آنقدر استقلال و قدرت و آزادی داشته باشد که همه چیز در کنارش باشد ـ از فرودگاه اختصاصی گرفته تا نامه‌رسان و تا بخش فرهنگی و امور بین‌الملل داشتن. و به عبارت دیگر، در چنان شرایطی هر «وزارتخانه‌ای» در داخل، برای خودش یک «حکومت» است. و طبیعی است که بخواهد همه چیز

در اختیارش باشد. حتی اگر بتواند، سعی می‌کند اختیاراتش را وسیع‌تر کند: اگر قانون کم داشته باشد، قانون آن را به تصویب برساند؛ اگر از نظر اجرایی کمبود دارد، ابزارش را تهیه کند؛ و اگر که مانع قانونی در کار نباشد، تا آنجا پیش می‌رود که کسی مزاحمش شود. والّا همچنان به پیش می‌تازد. در سایه همین «بخشی» فکر کردن؛ می‌بینیم که از کامپیوتر که به عنوان وسیله و ابزاری در خدمت اطلاع‌رسانی است، به طور کاملاً ناعادلانه‌ای استفاده می‌شود. دستگاهی برای همه واحدهای خود و همه کتابخانه‌های کوچک و بزرگش کامپیوتر می‌خرد و آن را با سخاوت هر چه تمام‌تر در اختیار مصرف‌کنندگان و دانشجویان قرار می‌دهد و متقاضیان واحدی دیگر، برای حتی دیدن کامپیوتر با مشکلات بیشماری روبرویند. کتابخانهٔ دانشکدهٔ علوم تربیتی دانشگاه تهران ـ که دارای حدود ۱۶۰۰ نفر دانشجوست ـ و حدود یک سوم این دانشجویان در رشته کتابداری مشغول درس خواندن هستند، حتی یک دستگاه کامپیوتر در اختیار ندارد و اگر کامپیوتری هم داشته باشد، جای استفاده برای آن نیست. در اثر همین بخشی فکر کردن است که وقتی در کمیته اطلاع‌رسانی عمومی وابسته به یونسکو در ایران، بحثی در بارهٔ «نظام اطلاع‌رسانی» مطرح شد، با بسیاری از صاحبنظران در سازمان برنامه و بودجه، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نهاد ریاست جمهوری و دیگران صحبت نمودم و همه در عین استقبال و پذیرش ضرورت و حساسیت مسأله، مضمون حرفهای آنان این بود که: ما به عنوان «محور» حاضریم این مسؤولیت را بپذیریم!

۴) **نبود روحیه جمعی**: به خاطر خصلتهای ذاتی و تبعات مدیریت حاکم بر جوامع سنتی و کشورهای عقب نگه داشته شده، روحیهٔ جمعی[8] کارکردن ضعیف است؛ تحمل شنیدن عقاید و آراء دیگران کم است؛ قدرت تجزیه و تحلیل نظرات دیگران در سطح پایین است؛ به محض اینکه سخن درشتی و برخورد ناملایمی از دوستی شنیده یا دیده شود، فوراً ورقه دوستی پاره، نمره او صفر، ارتباط قطع و خط و خط‌کشی شروع می‌گردد. در حالی که در جوامع پیشرفته ـ که کار فراوان و نیروی انسانی کارآمد کم است و هر کس باید مناسب با ذوق، سلیقه و استعدادش به کاری مشغول باشد ـ هرگز چنین روشی حاکم نیست. البته باید گفت، این خصلت جوامع بیکار است که در آن رقابت و حسادت ریشه‌دار است. در کشور خودمان هم اگر دقت کنید، رقابت و حسادتهایی که در روستاها و شهرهای کوچک وجود دارد، در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران دیده نمی‌شود؛ زیرا در مراکز بزرگ به دلیل وجود مشغله‌های فراوان و مشاغل گوناگون، چه

کاذب و چه غیرکاذب، کمتر وقت و فرصتی برای اینگونه روابط ناسالم باقی می‌ماند. وجود چنین خصلتی، سبب می‌شود که: «اطلاع‌رسانی» مشکوک و نامطمئن به نظر آمده؛ بدگمانی تشدید شده؛ و نتیجتاً با برکناری افراد شاغل ـ که تجاربی در کار به دست آورده‌اند ـ کار معطل مانده و تجربه‌ها به هدر رفته و سرمایه‌هایی که صرف آموزش نیروی انسانی شده است، ضایع می‌گردد. و از همه مهم‌تر، در چنان شرایطی، «زمان» است که از دست رفته و دیگر برنمی‌گردد. به علاوه، تبعات روحی و فرهنگی این موقعیت حقیقتاً جبران‌ناپذیر است.

۵) ناثباتی در مدیریت: تعویض پی‌درپی مدیریتها، هم به برنامه ـ اگر وجود داشته باشد ـ ضرر می‌رساند، و هم به پیشرفت و اجرای کار، چنانچه مورد نظر باشد. هم اینکه در اینگونه شرایط، مسؤولیتها لوث می‌شود، و کسی خود را در برابر برنامه و مسؤول مافوق متعهد نمی‌بیند؛ زیرا او هم به نوبه خود، در معرض تغییر و تعویض است. جالب است که در یک کلاس مدیریت، استادی در مورد فرمول مدیریتی «پشتیبانی + سعی + توانایی = عملکرد»، از دانشجویان ـ که عمدتاً مدیران اجرایی بودند ـ خواسته بود تا آنها در فرمول فوق، مشخص کنند که چه عاملی در میزان عملکرد، از همه بیشتر تأثیر می‌گذارد. اکثر آنها در پاسخ، به نقش عدم پشتیبانی از طرف مقام و یا مقامات مافوق اشاره کرده بودند. این پاسخها مؤید عدم ثبات در مدیریت است؛ زیرا آن کس که پشتیبانی نمی‌کند، یا به دلیل این است که تازه آمده است و راه را از چاه تشخیص نمی‌دهد و یا محافظه‌کار است، و می‌ترسد که چنانچه اگر بخواهد، در پشتیبانی از نیروهای متعهد و کاریش بیش از حد مایه بگذارد، خود گرفتار قهر مافوق شود. و نتیجهٔ این تعویضهای پی در پی، این می‌شود که افراد نالایق و ناآشنای به کار، به مسؤولیتهای بزرگ و حساس گماشته گردند. و نهایتاً آنان نیز چون از عهده برنمی‌آیند، کار را خراب‌تر و افراد علاقه‌مند را مأیوس‌تر می‌کنند[۹]. «رابطه» به جای «ضابطه» می‌نشیند و در این گیرودار، مشخص است بر سر «اطلاعات» و «اطلاع‌رسانی» که از حساسیت و دقت ویژه‌ای برخوردار بوده و ابزار اصلیِ کار مدیریت است، چه خواهد آمد.

۶) نبودن پیگیری و نظارت: البته این بند، دنباله بند قبلی است، چرا که از لوازم مدیریت شایسته، نظارت و پیگیری است. وقتی مدیری، کارآشنا، دلسوز، علاقه‌مند و در عین حال از پشتیبانیِ مقام مافوق و یا کل نظام برخوردار و به کار خود دلگرم باشد، طبعاً بر پیشرفت و انجام امور نظارت مستمر خواهد داشت و به تعبیر مولای متقیان «در نامه شریفشان به مالک اشتر»

عیون و چشمهایی برای نظارت مستمر بر کارها خواهد گذاشت.

۷) جدی نگرفتن امر تحقیقات از طرف مقامات مسؤول برای محققان داخلی: کشوری که در راه سازندگی است و برای رسیدن به اهداف برنامه‌ای خود مایه می‌گذارد، به تحقیق و جامعهٔ محقق بیشترین بها را می‌دهد. اگر کمبودها در چنین جامعه‌ای فراوان باشد، چون «فکر» و «متفکر» در اولویت است، پس سعی می‌شود به هر طریق نیازهای این بخش تأمین گردد. وقتی اولویت این بخش مُحَقَق شد، طبعاً اطلاع‌رسانی نیز، به عنوان اصلی‌ترین ابزار تحقیق، در صدر برنامه‌ها قرار می‌گیرد: کتابخانه‌ها رشد می‌یابند؛ افراد بصیر و خیره در راس امور قرار می‌گیرند؛ کتابداران مسؤول و متعهد، عهده‌دار مسؤولیت می‌شوند و افراد نالایق حذف می‌گردند. البته در کشورهای در حال توسعه، به دلیل توجه به مسألهٔ اقتصاد و یا اقتصادی نگریستن به قضایا، چه بسا که کارها و پروژه‌ها به دست مشاوران و پیمانکاران خارجی سپرده شود. و همین امر، اگرچه در کوتاه مدت ممکن است، به نفع انجام یک پروژه و یا طرحی بینجامد؛ اما در درازمدت، به ضرر کشور و جامعهٔ محقق آن، تمام شده و مآلاً این مسأله به رکود و جمود بیشتر مراکز تحقیقاتی، مراکز اطلاع‌رسانی داخلی و خروج اطلاعات ـ به عنوان اصلی‌ترین سرمایه کشور ـ به خارج و کتابخانه‌های خارجی منجر می‌گردد. محققان داخلی مأیوس می‌شوند؛ زمینه کار پیدا نمی‌کنند و بسیاری از تبعات دیگر که جامعه را فرا می‌گیرد. واقعاً مصیبت از این بزرگتر نمی‌شود که مسؤولان صنعتی کشور، در مجلس ما فریاد می‌زدند: سایر وزارتخانه‌ها به ما کار نمی‌دهند و با خارجیها قرارداد می‌بندند و ما باید باواسطه برویم و از آنها کارهای دست چندم را تحویل بگیریم که طبعاً منافع از آن خارجیهاست[۱۰].

۸) مشکل زبان: یکی از موانع توسعهٔ نظام و مدیریت در امر اطلاع‌رسانی، عدم آشنایی کافی محققان به یک یا چند زبان خارجی است و همین سبب می‌شود که محققان ما به سختی با دنیای خارج، ارتباط برقرار کنند. و نهایتاً از آنچه آنان کرده‌اند به زحمت مطلع می‌شوند و همین عدم‌اطلاع، گاه سبب می‌شود که با آنکه می‌دانند و خوب هم فکر می‌کنند؛ ولی احساس کنند که نمی‌دانند. محققان و دانش‌پژوهان ما، در بسیاری از موارد، کمتر از دیگران نبودند و نیستند؛ اما نمی‌توانند افکار و عقاید خود را به زبان رسا برای دیگران بازگو کنند. و این، علاوه بر بازماندن از قافله علم و دانش، موجب هتک حرمت نظام و کشور ما می‌شود. متخصصان و مسؤولان کشور ما، در مجامع علمی بین‌المللی شرکت می‌کنند؛ اما بعضاً همچون مجسمه بدون هیچگونه

اظهارنظر و عرض اندام و فقط به صورت مستمع باقی می‌مانند. در کنفرانس «ایفلا» که خوشبختانه و یا بدبختانه، باید گفت هر سال عده زیادی بدون هیچ طرح و برنامهٔ مشخصی، در آن شرکت می‌کنند ـ و گویی که سفر حج واجب است که حتماً باید رفت ـ می‌گفتند که شرکت‌کنندگان ایرانی، گروهی حدود ۴۰ ـ ۵۰ نفر همیشه مهر سکوت را بر لب داشتند و یا اصلاً در مباحث شرکت نمی‌کردند و یا در جلسات حاضر نمی‌شدند. در حالی که کشورهای مجاور ما، چون پاکستان و هندوستان و حتی بنگلادش، بیشترین تحرک را از خود نشان می‌دادند و بعضی از مقالات عرضه شده به کنفرانس مربوط به آنها بود.

۹) عدم‌تفاهم و یا ارتباط اطلاع‌رسانان و متخصصان کامپیوتر: یکی از تبعات هجوم فرهنگ اطلاع‌رسانی به کشور ما، این بوده است که متخصصان و مسؤولان کشور ما، چنین تصور کنند که انجام امور اطلاع‌رسانی، با سرانگشت توانای متخصصان کامپیوتر حل می‌شود. جاذبهٔ کار با متخصصان این رشته و تنوع سیستمها و برنامه‌های مختلف در این زمینه، گاه کار کتابداران و اطلاع‌رسانان را تحت‌الشعاع کامل قرار داده است. و آن بدین معناست که، عمدتاً در اغلب مراکز تحقیقی و اطلاعاتی، به ویژه بخش خصوصی با استخدام یک یا چند متخصص کامپیوتر، مراکز اطلاعات و تحقیقات راه می‌اندازند و به کار نمایه‌سازی و امور دیگری که در حیطه خاص کار کتابداری و اطلاع‌رسانی است می‌پردازند. و پس از مدتی با اشکال مواجه می‌شوند که ضرورتاً باید متحمل خساراتی هم بشوند. در کشورهای دیگر، وضعیت به گونه‌ای دیگر است: متخصصان اطلاع‌رسانی و کتابداری، دوش به دوش متخصصان کامپیوتر گام برمی‌دارند و در بسیاری از مراکز و پایگاههای اطلاعاتی دنیا، از قبیل «یونی سیست»، «اگریس»، «مدلار»، «مدلاین» و غیره ـ که حاصل کارشان به صورت کتابهای قطور نمایه‌ای و یا دیسک‌های فشرده در ابعاد گوناگون منتشر می‌شود ـ این دو قشر متخصص با یکدیگر کار می‌کنند. در این زمینه، بحثهایی با معاونت سازمان برنامه و بودجه و مدیر شورای عالی آنفورماتیک داشتم و در کمیته اطلاع‌رسانی عمومی (پی.جی.آی) وابسته به سازمان ملی یونسکو هم، این مسأله محور بحث بسیاری از جلسات آن بوده است.

۱۰) حلاوت تماس و ارتباط با خارج از کشور: همانند بسیاری از امور، متخصصان و مسؤولان، به زعم خودشان به جای ایجاد دردسر برای کار با متخصصان داخلی و استفاده از امکانات داخل کشور ترجیح می‌دهند، با خارج در ارتباط باشند، از متخصصان خارجی استفاده

کنند، و با بانکهای اطلاعاتی آنان مرتبط باشند و طبعاً عنایتی به داخل و امکانات داخلی نیز نداشته باشند. البته این، به آن معنا نیست که ما نباید با بانکهای خارجی در ارتباط باشیم و یا از متخصصان خارجی استفاده نکنیم؛ بلکه هدف این است که، چنانچه ملتی به خود متکی باشد، سعی می‌کند از حداکثر امکانات داخلی استفاده کند و بر حسب ضرورت و به منظور تقویت بنیه داخلی با خارج در ارتباط باشد. مشکل از اینجا شروع می‌شود که آن نوع ارتباط، برنامهٔ حمایت داخلی و نظارت بر کیفیت انجام کار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. و از آنجا که مسؤولان بعضاً سازمانها و مؤسسات تحقیقاتی بین‌المللی را دیده‌اند، بنابرآن می‌گذارند که در داخل چیزی نیست و باید برای تحقیقی کردن کشور، به آن مراکز متصل شده و از آنجا ارتزاق کرد ـ بدون اینکه، تشنگی لازم را جهت تحقیق در جامعه به وجود آورده باشند. نتیجهٔ طبیعیِ این نگرش، این است که، متخصصان و دلسوزان داخلی نه رغبتی به کار داشته باشند و نه از نظر مالی و شغلی حمایت شوند و در نهایت اگر بر حسب ضرورت و موردی، مشکلی به مراکز داخلی ارجاع شود، یا آنها پاسخ نگویند و یا با تأخیری که موجب کشتن رغبت تحقیق و پژوهش شود، مبادرت به دادن جواب کنند. و این عدم پاسخگویی به موقع، مجدداً بر روی نگرش مسؤولان و نیز محققان، نسبت به مراکز اطلاع‌رسانی داخلی تأثیر متقابل می‌گذارد و آنان را در اتصال به خارج راغب‌تر و مصّرتر می‌کند، این سیکل همچنان ادامه پیدا می‌کند. بسیار بوده‌اند و هستند محققانی که صراحتاً اظهار می‌دارند، برای فرصتهای مطالعاتی باید حتماً به خارج رفت، چراکه در داخل کشور، نمی‌شود کار کرد. این افراد علت عمده را نبودن منابع و مراجع کافی و عدم پاسخگویی به موقع متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌دانند. این حلاوت ارتباط با خارج و جاذبه‌هایی که خارجیان برای عرضه کالاهای خود، به ویژه تولیدات اطلاعاتی ایجاد می‌کنند، سبب دیگری برای فراموش نمودن وضعیت داخلی کشور می‌شود[11]. در جلسات کمیته پی.جی.آی (اطلاع‌رسانی عمومی) نمایندهٔ یکی از سازمانها که، مسؤولیت داشت تا گزارشی در بارهٔ مراکز و پایگاههای اطلاعاتی داخل کشور به کمیته ارائه دهد، پس از مدتها تأخیر اظهار داشت که ارائهٔ سیاههٔ پایگاههای اطلاعاتی خارجی آماده است و لیست کامل آن را در اختیار داریم؛ اما جهت تحقیق و احصا در مورد مراکز اطلاعاتی داخل کشور، باید فرصت و بودجه کافی داده شود تا طی انجام پروژه‌ای این کار صورت گیرد. البته، باید گفت که شاید این کار توسط بعضی از مراکز پژوهشی، دست کم، نه به طور کامل و جامع انجام شده باشد و عدم آگاهی ما از

آن، خود مصداق بارز عدم توجه به نظام اطلاع‌رسانی داخلی است.

به طور کلی، موارد دهگانه‌ای که در فوق بدانها اشاره گردید، به نظر اینجانب به عنوان موانع بزرگ اطلاع‌رسانی کشور محسوب می‌شوند که البته، می‌توان به این موارد، عوامل فرعی دیگری نیز اضافه کرد. نتیجه چنین نگرشی به مسألهٔ بزرگ اطلاع‌رسانی، نتایج شومی را دربر دارد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف) بریدگی، انقطاع و انسداد در کار اطلاع‌رسانی: در عین حالی که کار اطلاع‌رسانی به طور پراکنده در کشور انجام می‌شود، از آنجا که این فعالیتها در یک مسیر به هم پیوسته و مرتبط صورت نمی‌گیرد، کار به طور موردی انجام و سپس گم می‌شود. گویی در نظام اطلاع‌رسانی ـ اگر بتوان نام نظام بر آن گذاشت ـ بریدگی و انقطاع وجود دارد و یا در جاهایی، عواملی ایجاد سد کرده‌اند که نمی‌گذارند همگان از وجود کار انجام شده باخبر شوند.

ب) درهم برهمی و بلاتکلیفی: در این باره، از آنجا که کشور می‌خواهد در زمینه توسعه، گام بردارد و با توجه به اینکه در اغلب موارد و بویژه در پروژه‌های مهم، کار به خارجیان سپرده می‌شود و از آنجا که حمایت داخلی، نسبت به موضوع اطلاع‌رسانی وجود ندارد، کارگزاران امر اطلاع‌رسانی دُچار سردرگمی و بلاتکلیفی عجیبی می‌شوند. کار می‌کنند؛ اما می‌دانند که ثمره کار آنها فراگیر نیست و علاقه‌مندان به نحو مطلوب، از آن اطلاع پیدا نمی‌کنند. و این گیجی و بلاتکلیفی مجدداً مشکل را بیشتر می‌کند.

ج) حبس اطلاعات: نتیجهٔ دیگری که بر نگرش فوق «بار» می‌شود، «حبس اطلاعات» است. اطلاعات در بسیاری از جاها ذخیره می‌شود که نباید بشود و یا چون برای یک بار آن هم به صورت موردی انجام شده، مسؤول کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی نمی‌داند که با آن چه کند. از نظر مقررات و قوانین هم، دست او باز نیست که آن را به مرکز و یا مراکز نیازمند منتقل کند و این در صورتی است که بتواند با سیستمی مشخص، از وجود نیاز در سطح جامعه مطلع شود.

د) تولید اطلاعاتی که ضروری نیست و یا در اولویت قرار ندارند: از آنجا که اطلاع‌رسانی کشور دارای «نظام» نیست، طبعاً یافتن اولویتها، نه تنها کاری دشوار؛ بلکه محال است. و به خاطر عوامل دهگانهٔ یاد شدهٔ فوق، چون مدیریتها متزلزل‌اند و بر محور اطلاع، شناخت، تعهد و برنامه قرار ندارند، هر کس به میل خود دستوری صادر می‌کند و کاری انجام می‌شود، در حالی که هرگز مطمئن نیست که کارش مقبولیت و مشروعیت لازم را داراست یا خیر و نتیجه این می‌شود

که با تعویض مدیریت، همه چیز فرو می‌ریزد و کار تولید شده، مصداق بارز دولت مستعجل می‌شود.

ه) زمینه‌سازی برای ورود اجنبی: و سرانجام راه برای ورود بیگانه باز می‌شود. بیگانه‌ای که هرگز تعالی و ترقی ما را نمی‌خواهد. حتی کار به جایی می‌رسد که ما خود آرزوی ورود بیگانه را می‌کنیم. آنقدر به خود شک می‌کنیم و ناباور می‌شویم و آنقدر دیوارهای عدم تفاهم ضخامت پیدا می‌کند و روحیهٔ ضدهمکاری تقویت می‌شود که، حاضر می‌شویم مشاوره خارجی را بر هر چیز دیگر ترجیح دهیم[۱۲]. تأکید می‌کنم: من مخالف تماس و ارتباط با خارج نیستم؛ بلکه منظور این است که، اگر ما بپذیریم شاگرد تخصص و تجربه خارجی باشیم و خارجی هم استاد ما، چنانچه شاگرد و استاد شرایط لازم را احراز نکنند، فعل و انفعالی مثبت صورت نخواهد گرفت و بده و بستانی مطلوب انجام نخواهد شد. شاگرد، در درجه اول باید قدرت گیرندگی، توان جذب و قابلیت فهم داشته باشد و از نظر علمی خود را به آن درجه از توانایی رسانده باشد که بتواند از استاد استفاده کند و زبان ارتباط را هم بداند و بر آن مسلط باشد. و از سوی دیگر، استاد نیز علاوه بر دانش لازم، صداقت و صمیمیت را هم در عرضه مطالب همراه کرده باشد و واقعاً بخواهد که دانشجوی خارجی او، همچون هموطنش ترقی کند. در حالی که می‌بینیم نه ما، به عنوان گیرندگان، توان جذب کافی داریم و نه آنانی که ادعا دارند، صداقت لازم را جهت آموزاندن واجدند.

با توجه به مطالب بالا، آنچه بیش از هر چیز دیگر ضرورت دارد، بازگشت به خود، سر و سامان دادن به وضع داخلی، تجهیز امکانات درونی و ارتباط مستمر محققان، کتابداران و اطلاع‌رسانان با یکدیگر، تبیین وضع موجود و سپس بسیج همگانی برای کسب آنچه در اختیار نیست می‌باشد. و به قول شاعر، نباید آنچه را خود داریم از بیگانه تمنا کنیم. باید علم و حکمت را در هر جا هست جذب نماییم ـ ولو از بیگانه باشد ـ در جلسه‌های کمیته اطلاع‌رسانی عمومی، بارها به دوستان عرض می‌کردم که، اگر هر طرح و پروژه‌ای توسط یونسکو، یا هر سازمان خارجیِ دیگر بخواهد در کشور ما اجرا شود و یا اگر استادانی از خارج، جهت آموزش و یا مشاوره دعوت شوند، اولین سؤالی که خواهند داشت، این است که شما در کشورتان چه دارید؟ اگر بگوییم چیزی نداریم که قطعاً دروغ است و اگر بگوییم داریم، ولی ما از آن اطلاع نداریم، باعث سرافکندگی است و یا اگر بگوییم داریم و باید آنها را جمع‌آوری کنیم، پس چه بهتر قبل از

اینکه دیگران از ما طلب کنند، خود به جمع‌آوری و ارزیابی «موجودی» و «سرمایه» خود اقدام کنیم. در این زمینه، شایسته است ضرورت همکاری و همیاری را در صدر برنامه‌های خود قرار داده و برای یک مبارزهٔ علمی و یا دفاع از حیثیت و شرافت علمی کشورمان، همه را بسیج کنیم. عدم توجه به چنین امری، موجب می‌شود که همچنان که در بسیاری از زمینه‌ها خارجیها، برای ما کار می‌کنند، باز هم کار را به آنها سپرده و استدلالمان هم این باشد که، آنها بهتر و سریع‌تر کار را انجام می‌دهند. درست است که خارجیها، تکنولوژی دارند؛ اما ما که در خریدن تولیدات آنها و در بعضی موارد در اسراف در توزیع و مصرف که عقب نیستیم! لذا برای تحقیق در مورد اطلاعات اولیه و ارائهٔ حقایق آماری ـ که زیربنای انجام هر فعالیتی است ـ به مداخله دیگران نیاز نیست.

بنابراین، ضرورت اولیه در کار اطلاع‌رسانی این است که، باید با حذف مشکلات و از بین بردن موانع، با مدیریتی قوی به ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی داخلی، همت گماشت و به پایگاههای اطلاعاتی داخلی اهمیت داده و روابط فی‌مابین آنها را مستحکم‌تر نمود. مسؤولان سطح اول کشور، باید سیاست کلان اطلاع‌رسانی را تصویب کنند. در این زمینه شورای عالیِ انقلاب فرهنگی، می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. اگرچه، برای تهیه و تدوین نظام اطلاع‌رسانی مدعیان فراوانند، اما هیچ یک به تنهایی نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. حتی اگر قانون، یک دستگاه را موظف کند، در اجرا، همکاری و ارتباط صمیمانه با یکدیگر نقش اساسی دارد. وقتی در کمیتهٔ اطلاع‌رسانی عمومی وابسته به یونسکو، بحث در زمینهٔ تدوین نظام اطلاع‌رسانی جدی شده بود و کمیته تصمیم داشت به این کار اقدام کند، شنیده شد که مرکز تحقیقات استراتژیک، در حال انجام چنین کاری است. لذا بلافاصله، نامه‌ای به مقام ریاست جمهوری نوشته و درخواست شد مشخص کنند یک واحد به چنین کاری اقدام و بقیه تبعیت نمایند.

در هر صورت وجود سیاست اطلاع‌رسانی[13] و تعیین شبکهٔ اطلاع‌رسانی، از ضروریات کشور است. مهم نیست این شبکه، به صورت دایره باشد ـ که فی‌المثل همهٔ مراکز واقع در محیط، نسبتشان با مرکز مساوی در نظر گرفته شود ـ و یا به شکل مستطیل، یا ذوزنقه و یا چند ضلعی، مهم این است که، روابط مشخص گردد. نقاط محوری و پایگاههای اطلاعاتی معلوم باشد و امکان برقرار کردن ارتباط فراهم شود. و سرانجام در یک کلام، اطلاع‌رسانی بخشی در تحت سیاستی مشخص، روابط عاقلانه و منطقی خود را با دیگر بخشها بشناسد و اعلام کند[14].

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ اطلاع، یک محصول انسانی است و عمدتاً از تجربه، مشاهده، تکامل، مطالعه و تحقیق سرچشمه می‌گیرد. روش ثبت شدهٔ واقعیات، داده‌ها، پیامها، علایم، نشانه‌ها، مفاهیم، عقاید، اظهارنظرها، بیانیه‌ها و غیره که هر یک دارای معنایی هستند، عناصر اطلاعات هستند: موهیندر، سینق «پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم در حوزه کتابخانه و اطلاع‌رسانی». اطلاعات علمی، ۶ (۷)، (۱۳۷۱)، ص ۷.

۲ ـ مدل طرح پیام: ۱. چه کسی = فرستنده پیام ۲. چه چیزی را = پیام ۳. به چه کسی = گیرنده پیام ۴. از چه طریقی = وسیله ۵. در چه شرایطی = شرایط زمانی و مکانی ۶. با چه تأثیری = نتیجه: (محمد احمدیان. مقدمات تکنولوژی آموزشی. تهران: نشر برن)

۳ ـ محمد لطیفی. دانش مدیریت. شماره ۱۱، زمستان ۱۳۶۹

۴ ـ کتاب موج سوم تألیف آلوین تافلر.

۵ ـ داستان هشام‌بن الحکم، شاگرد مبرز حضرت امام جعفر صادق (ع) که در علم کلام سرآمد زمان خود بود.

۶ ـ مدیریت اطلاع‌رسانی / محمدحسین شاهنگیان، تهران: وزارت سپاه، ۱۳۶۵.

۷ ـ منظور این است: با آنکه در جامعه به تحقیقات به طور فراوان نیاز وجود دارد، اما به خاطر ضعف مدیریت و عدم برنامه‌ریزی و نامشخص بودن سیاست علمی و تحقیقاتی کشور، کسی نمی‌داند چه کار در اولویت است و کدام تحقیق در درجه اول و ... قرار دارد. بودجه‌ها صرف می‌شود بدون اینکه از حاصل کار بهره لازم برگرفته شود.

۸ ـ با تحقیقی که انجام شده، ۶۶/۷ درصد فقدان حس تعاون برای انجام کار و فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی را عنوان کرده‌اند. «بازنگری به مسایل و مشکلات مراکز تحقیقاتی دولتی». فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۲ (۱) ۱۳۷۰، ص ۱۶۶.

۹ ـ مشکل مالی و به دنبال آن فرار نیروی انسانی نیز از تبعات مدیریتهای ضعیف است.

۱۰ ـ با تعویض دبیرکل یونسکو در ایران، کمیته اطلاع‌رسانی عمومی (پی.جی.آی) پا در هوا مانده است و دبیرکل جدید، ماه‌هاست که هیچ تصمیمی در باره آن نگرفته است.

۱۱ ـ در این بخش، لزوم حمایت و پاسداری از حرمت و منزلت محققان در جامعه، جلب توجه جامعه به تحقیقات آنان، به کارگیری نتایج پژوهشها و دستاوردهای علمیِ آنان در سطح جامعه، باید مورد توجه قرار گیرد. در این راه، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی مکلف‌اند به وظیفه خطیری که از این بابت بر عهده دارند،

به نحو مطلوب عمل نموده و توجه جامعه را به نقش بس مهمی که محققان و پژوهشهای آنان در سربلندی و خودکفایی و استقلال کشور ایفا می‌کنند معطوف سازند. در فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، جهت مشخص نبودن جایگاه واقعی تحقیقات در جامعه و قایل نبودن منزلت کافی برای تحقیق ـ ۵۰ درصد بی‌توجهی جامعه به نتایج تحقیقات و به ویژه تحقیقات کاربردی ۲۰ درصد ـ مجموعاً ۷۰ درصد عنوان شده است. فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۲ (۱)، ۱۳۷۰، ص ۱۶۸.

۱۲ ـ با اصلاح ساختار اقتصادی کشور، امید است که از این حلاوت کاسته شود و به داخل کشور و نیروهای کیفی آن توجه بیشتری مبذول گردد.

۱۳ ـ با فرار مغزهاست که راه برای ورود خارجی باز می‌شود. این فرارها هم عمدتاً مشکل اقتصادی و مدیریتی دارد. عموماً افراد متخصص از کار دولتی به نیمه دولتی و نیمه خصوصی و سپس به بخش خصوصی و بعد هم به خارج عزیمت می‌کنند.

۱۴ ـ که عمدتاً فرع بر تعیین سیاستهای کلی علمی تحقیقاتی کشور است.

۱۰

نظری به :
کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و مدارک و آموزش کتابداری کشور

اهمیت تحقیق برکسی پوشیده نیست. دنیای امروز دنیای پیشرفت علوم و تکنولوژی است و جهان به سرعت برق در جهت کشف مجهولات خویش قدم برمی‌دارد. در این راستا یکی از بزرگترین و مهمترین ابزارکار تحقیق محققان، کتابخانه‌ها و مراکز اسنادو اطلاعاتند که اگر عمیقاً به آنها توجه شود می‌تواند فرد و جامعه بخصوص در کشورهای در حال توسعه را در این روند برق‌آسای علمی و تحقیقی همگام و همراه باشد[۱] وگرنه به صورت مراکزی تشریفاتی و بسیار پرخرج درآمده که صرفاً ظاهری و صورتی دارد اما از محتوا و بهره‌وری خالی خواهد بود.

حجم اطلاعات تولید شده در علوم و تکنولوژی به تنهایی آنقدر زیاد است که مدیریت اطلاعات به صورت مدرن را هم بسیار مشکل نموده است. براساس تخمین هرساله حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار گزارش تحقیقی در دنیا منتشر می‌شود. چکیده‌های مربوط به علوم شیمی قریب ۴۵۰ هزار در سال، چکیده‌های علوم زیستی ۲۵۰ هزار و علوم فیزیک ۱۶۵ هزار و علوم مهندسی ۱۰۵ هزار در سال برآورده می‌شود. مجلاتی که در زمینه‌های علوم و تکنولوژی منتشر

می‌شود چیزی در حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار تخمین زده می‌شود.[۲] در این انفجار اطلاعات[۳] کار کتابخانه‌ها و مراکز اسناد در زمینه‌های جای یابی، انتخاب، جمع‌آوری، آماده‌سازی و اشاعه اطلاعات آنقدر عظیم است که به وصف نمی‌آید و در واقع در کشورهایی که مهد این پیشرفتهاست، کار به صورت کلاف سردرگمی درآمده که ابتدا و انتهای آن پیدا نیست.[۴]

کار تحقیق و پژوهش برای تولید اثر و نشر و توزیع تا جمع‌آوری آن عمدتاً در مراکزی بنام کتابخانه یا مرکز اسناد و اطلاعات شکل می‌گیرد و طبعاً آماده‌سازی و طبقه‌بندی و بازیابی مواد وارده برای کارهای تحقیقی جدیدتر باید در یک مجموعه‌ای فعال و پویا انجام شود. در وضع موجود در بسیاری از کتابخانه‌ها و بخصوص در کشور ما، این سیستم آن طوری که باید و شاید کار نمی‌کند و در بعضی جاها اصلاً کار نمی‌کند. به این معنا که این سیستم و دائره بسته که باید همگن و هماهنگ باشد در یک یا چند جا قطع می‌شود و وضعیت به گونه‌ای است که اگر تحقیق صورت می‌گیرد و یا کاری علمی انجام می‌شود بر اثر ذوق شخصی و انگیزه‌های فردی، بدون اطلاع از انجام کارهای مشابه یا حتی همانند، شروع می‌شود و محقق از اندوخته‌های فکری خود و نیز ابزارهایی اعم از کتابخانه شخصی و یا دیگر اطلاعات تجربی اندوخته خویش استفاده می‌کند. و سرانجام یا به مقصود می‌رسد و یا نمی‌رسد و در صورت رسیدن به مقصود و احیاناً تهیه گزارش تحقیقی و علمی و انتشار آن، چنانچه کتابخانه و یا مرکز اسنادی خودبشخصه فعال و پویا و علاقه‌مند باشد آن را تهیه و در مخزن کتابخانه خویش بایگانی می‌کند و چه بسا به صورت اسناد راکد و مرده در می‌آید به امید آنکه شاید و برحسب اتفاق روزی کسی برای منظوری خاص و شخصی و به ندرت اجتماعی آن را مطالبه کند. - البته اگر دست زمان آن را از بین نبرده باشد. در حالی که در یک مجموعه پویا، کار تحقیق و مراکز تحقیقی و اطلاعاتی آنچنان بهم مرتبط اند که اصلاً بدون یکدیگر نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. مجموعه کار محققان، مبتکران و دانشمندان متکی بر استفاده فراوان و بی‌حساب از کتابخانه‌ها و مراکز اسناد است و با خلق و تولید اثرهای علمی و تحقیقی، غنای مجموعه مراکز اسناد و کتابخانه‌ها بیشتر شده و فعالتر در خدمت محققان و اندیشمندان قرار می‌گیرد و این حرکت تکاملی همچنان ادامه می‌یابد.

عنایت و توجه به کتابخانه‌ها و مراکز اسناد در واقع یک نوع سرمایه‌گذاری است، سرمایه‌گذاری بسیار پرخرج و عظیم اما ناپیدا و نامعلوم. کافی است به هزینه‌های اصلی همین کتابخانه‌ها توجه شود و قیمتهای ریالی و ارزی آن مورد توجه قرار گیرد. ایجاد و حفظ و

نگهداری کتابخانه‌ها و مراکز اسناد را هیچ انسان عاقل و علم دوست و دانش طلبی منکر نمی‌شود اما تلاش در جهت بهره وری و پویایی آن از فرط وضوح گاه به فراموشی سپرده می‌شود. اگر میزان استفاده‌ای که از این سرمایه‌گذاری عظیم به عمل می‌آید مورد بررسی قرار گیرد قضیه به خوبی روشن می‌شود. ناگفته نماند که این فراموشی متأثر از میزان احساس نیاز تحقیقاتی و علمی و فرهنگی است که در جامعه وجود دارد و خود آن به سیاستگذاری فرهنگی و علمی جامعه برمی‌گردد بدین معنی که وقتی افق علمی و تحقیقاتی روشن و سیاستگذاری در این موارد مشخص نیست، این عدم وضوح و تشخیص نهایتاً به بی‌خاصیتی و بی‌محتوایی کار کتابخانه‌ها و مراکز اسناد به عنوان ابزار مهم تحقیق می‌انجامد.

فعالیت عمده کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و اطلاعات:

عمده فعالیت کتابخانه‌ها و مراکز اسناد را می‌توان در دو قسمت خلاصه کرد. جمع‌آوری و بازیابی.

الف ـ جمع‌آوری: با توجه به حجم روزافزون اطلاعات در جهان و گسترش علوم و فنون، بدیهی است اطلاع از انتشارات و داده‌های علمی، فنی و تحقیقاتی، خود نیازمند شم قوی، استفاده از مکانیزم‌های سریع و مطمئن است. اطلاع از مجموعه‌های علمی و راه دسترسی به آنها و طریقه حصول و وصول نشریات، کتب و اطلاعات در اسرع وقت و با نازل‌ترین قیمت، کار کوچکی نیست. هرچه مجموعه قوی‌تر و غنی‌تر باشد و مسؤولان و کارگزاران متعهدتر و با تجربه‌تر، امکان دستیابی و بهره‌وری آنان به طور طبیعی بیشتر است. در بعضی موارد هم جور بودن جنس، برای منظورهای خاص، از مسائل مهم است و این یکی از ویژگیهای کتابخانه‌های تخصصی است. بسیارند کتابخانه‌ها و مراکز اسنادی که به رقابت هم مواد بسیاری گردآوری می‌کنند که محتملاً کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای یک عمر مقداری از سرمایه خود را محبوس و معطل می‌نمایند و از آنها استفاده‌ای نمی‌کنند و حتی در فکر عرضه به دیگران، چه به صورت واگذاری و یا امانت بر نمی‌آیند و تازه اگر به این فکر افتاده باشند مقررات دست وپاگیر مانع از انجام کار می‌شود. در حالی که کتابخانه‌های دیگری که جنبه عمومی دارند و باید همه نوع کتاب و نشریات و جزوه در آن باشد، همچون کتابخانه ملی، از آن بی‌نصیب می‌ماند. ذوق و سلیقه کتابداران در کتابخانه‌ها، اعم از خصوصی، عمومی، دانشگاهی، آموزشگاهی می‌تواند

موجد انگیزه و محرکهایی جهت استمرار علاقمندی به مطالعه، ابتکار و نوآوری‌هایی شود که در عمل می‌توان بدان دست یافت.

ب ـ بازیابی: درست است که هرچه مجموعه غنی‌تر باشد، امکان دسترسی محقق به نیاز خود بیشتر است اما این در صورتی است که بهنگام مراجعه با انبوه کتاب و گزارش درهم ریخته انسان گیج و مبهوت نشود تا وقتی راکه باید صرف امور تحقیقی و ابتکاری نماید، در جستجوی اطلاعات مورد لزوم خود صرف نماید و چه بسا بیشترین و بهترین زمان و نیروی کار خود را در تهیه و کسب مقدمات کار صرف نماید که این خود خسران بزرگی در کار پژوهش یک مملکت است. این مسأله به قدری مهم است و گاه به قدری بی‌توجه از کنار آن می‌گذرند که شاید در بسیاری از موارد آن را طبیعی هم بدانند. فی‌المثل یک محقق و دانشمند که برای کار تحقیقی مأمور شده و شاید هزینه فراوانی هم در این زمینه به او پرداخت می‌شود به جای آنکه بنشیند و به کار مورد نظر خود بپردازد باید شخصاً در جهت جمع‌آوری ابزار کار و اطلاعات مورد نظر و لزومش به جستجو بپردازد در حالی که اگر کتابخانه و یا مراکز اطلاعاتی قوی، غنی و آماده بهره‌وری وجود داشته باشد و فرد و یا افراد مطلع و آشنای به مجموعه و مرتبط با سایر مراکز و محققان و مطلعان در دسترس باشد، می‌تواند ساعات زیادی از عمر او را در جهت نیل به مقصود صرفه جویی کند و او را در انجام کارش راهنما باشد. بسیار شده است که حتی شخصی که می‌خواهد مقاله‌ای تحقیقی بنویسد چون فرصت ندارد منابع اطلاعاتی خود را تهیه کند و جایی را هم سراغ ندارد که آن مدارک را برایش آماده کند از خیر کار می‌گذرد و رفته‌رفته انگیزه‌ها در وجودش خشک می‌شود. شاید یکی از علتهایی که عده‌ای ترجیح می‌دهند در انجام پروژه‌ها از مشاوران و پیمانکاران خارجی استفاده کنند به خاطر دسترسی سریع آنان به اطلاعات و داده‌های طبقه‌بندی شده علمی و فنی است و بدیهی است که از جهل و عدم نظم و انضباط ما چه سوء استفاده‌ها که شده و می‌شود. اگر تز خود اتکایی هم که شعارش زیاد داده می‌شود جدی گرفته شود وضعیت کتابخانه‌ها و مراکز اسناد به مراتب از این بهتر خواهد شد. بنابراین وجود قوی‌ترین ابزار دستیابی به مجموعه و نیز افراد واجد شرط، مطلع و با سواد که به مجموعه خویش تسلط کافی داشته باشند و به مجموعه‌های دیگر در شهر و کشور و جهان به طور نسبی آشنا باشند و بتوانند سریعاً ارتباط برقرار کنند، محرکی قوی جهت سوق دادن افراد به کارهای علمی و تحقیقاتی خواهند بود. کتابخانه‌ها و مراکز اسناد با استفاده از سیستمهای قوی بازیابی به

به همراه افراد کاردان و مطلع، می‌تواند هم ابزار کار محقق باشد و هم مشاوران خوبی جهت انتخاب ابزارهای مناسب دیگر و نهایتاً صرفه‌جویی در وقت. کافی است ارزیابی شود که مثلاً در هر پروژه تحقیقاتی با آن هزینه گزاف، اگر فقط یک دهم وقت صرف جستجوی منابع شود و کتابخانه‌ها و مراکز اسناد بتوانند این یک دهم را صرفه‌جویی کنند چقدر به صرفه‌جوییها کمک نموده‌اند.

آموزش: به خاطر اهمیت دسترسی به مجموعه‌های علمی، تحقیقاتی و فرهنگی دنیا و مسأله انتخاب، سفارش، آماده‌سازی و بازیابی، شیوه‌هائی معمول بوده و هست که در نهایت به استفاده از کامپیوتر انجامیده است.

مجموعه نیازها، نقش آموزش را بسیار مهمتر نموده است و متخصصان این فن را ناگزیر کرده است تا دائماً خود را در معرض آموزش‌های جدید قرار دهند تا بتوانند با ابزارها و مکانیسمهای مطمئن‌تر و سریع‌تر از درون جهان اطلاعات و داده‌های علمی، فنی، تحقیقاتی به مقصود خود برسند و دیگران را نیز راهنمایی کنند. دوره‌های مختلف کوتاه و بلند مدت با آموزشهای رسمی و استاندارد در این زمینه معمول و متداول است.

اما وضعیت موجود کشور ما:

۱ ـ مجموعه‌ها: با آنکه مجموعه مواد کتابخانه‌های ما در مقایسه با آنچه در قبل داشته‌ایم و یا با آنچه در دنیای امروز است زیاد قابل توجه نیست یعنی در برابر ۴ و ۶ میلیون جلد کتاب پاره‌ای از کتابخانه‌های تمدن اسلامی و نیز ۷ و ۸ و تا ۲۰ میلیون جلد کتاب کتابخانه‌های بزرگ دنیای امروز،[۵] داشتن کتابخانه‌هایی تا حدود دویست هزار جلد که نیم بیشتر آن هم کتابهای خارجی است (کتابخانه ملی و مرکزی دانشگاه تهران[۶]) هنری بزرگ نیست، اما در هر حال با عنایت به میزان علاقمندی جامعه در امر تحقیق و مطالعه به طور نسبی باز هم قابل توجه است یعنی از این مجموعه هنوز ما به اندازه کافی استفاده نمی‌کنیم تا انتظار بیشتر از آن را داشته باشیم.

البته می‌توان امیدوار بود که چنانچه سیاستگذاری فرهنگی و علمی کشور تبیین شود، و ارجاع کارها و امور تحقیقاتی و علمی بیشتر از این به این مردم واگذار شود. مجموعه کتابخانه‌های تخصصی و مراکز اسناد که نسبت به کتابخانه‌های عمومی و یا قدیمی بسیار جوانتر هستند کماً و کیفاً افزایش یابد. اما با این حال همین مجموعه‌های موجود، چون کتابخانه‌های

وزارت ارشاد (عمومی)، کتابخانه‌های دانشگاهی و کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی از نظر نظام فهرست نویسی و طبقه‌بندی هماهنگی کامل با هم ندارند. شاید هریک به گونه‌ای خاص اداره می‌شود و هنوز یک وضعیت ثابت و مشخص، مطابق با نیاز جامعه علمی ما مورد پذیرش قرار نگرفته است و سیستم تهیه و تکثیر و توزیع کارت کاتالوگ که قبل از انقلاب توسط مرکز خدمات کتابداری انجام می‌شد گرچه همان وقت هم با دقت و وسواس بیش از حد و تأخیر غیرقابل قبول همراه بود،اما ظاهراً دیگر انجام نمی‌شود و تازه در آنوقت هم همه کتابخانه‌ها ملزم به خرید نبودند مضافاً که وزارت ارشاد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز هریک برای خود به این کار پرخرج و پرزحمت جداگانه مبادرت می‌کردند که ظاهراً وزارت ارشاد باز هم برای کتابخانه‌های عمومی خود، تهیه و توزیع برگه‌های فهرست نویسی شده را ادامه می‌دهد.*

علاوه بر این، ارتباطی که باید بین کتابخانه‌ها وجود داشته باشد و از مجموعه یکدیگر اطلاع داشته باشند نیست. باز سابقاً و قبل از انقلاب، مجموعه‌ای به نام فهرستگان ایران چاپ می‌شد که پس از انقلاب آن هم متوقف گشته است. انتشارات سالانه هرکشوری که معمولاً در کتابهایی به نام کتابهای در حال چاپ "Books in Print" به صورت مرتب چاپ می‌شود در ایران وضعیت مشخصی ندارد. قبلاً توسط کتابخانه ملی، تحت عنوان کتابشناسی ملی، فصلی و سالانه، کتابهائی منتشر می‌شد ولی مدتهاست که این مجموعه ناقص هم چاپ نمی‌شود و ظاهراً آخرین کتابشناسی موجود در بازار مربوط به سال ۶۲ است؛[۷] یعنی با چهارسال تأخیر، ظاهراً وزارت ارشاد و یا بعضی از جاهای دیگر هم تحت عنوان تازه‌های کتابخانه، جزوه‌هایی منتشر می‌کنند که جامع نیست خلاصه انسان به طوردقیق نمی‌داند چه کتابهایی منتشر می‌شود و چه کتابخانه‌هایی واجد چه مجموعه‌هایی هستند تا چه رسد که محقق با آن فرصت کم بخواهد نیاز خود را در کتابخانه شخصی طلب کند.

این مسأله در مورد مراکز اسناد به طور جدی تر وجود دارد. قبل از انقلاب شورایی بنام شورای هماهنگی مراکز اسناد و مدارک به وجود آمده بود که صرفنظر از تشریفاتی بودنش به خاطر غیررسمی بودن آن، الزامی هم در کار نبوده و صرف آشنایی شخصی مسئولان مراکز مدارک با هم نتیجه دیگری نداشت.

---

* اخیراً با هماهنگی‌هایی که بین وزارت ارشاد ـ سازمان مدارک انقلاب فرهنگی و کتابخانه ملی به عمل آمده امید است که فهرست قبل از انتشار برای کتاب ها انجام شود.

مجموعه‌های نسخه خطی، خود با آن همه ظرافت و ارزشمندی، قابل بررسی و مطالعه است که این مجموعه‌ها در کجاها پراکنده‌اند و چه نظارت و حفاظتی از جهات مختلف در مورد آنان اعمال می‌شود و چه می‌شود که گاهی این نسخه‌های خطی در بازار آزاد و در کتابفروشیهای خیابان ناصرخسرو و جاهای دیگر یافت می‌شود که به ثمن بخس به فروش می‌رسد و آنگاه از مرزها گذشته و راهی کشورهای بیگانه می‌شود.

۲ ـ مکان (جای کتابخانه): ارتباط مجموعه با جا، یکی از مسائل مهم است. ضمن بررسیهای فنی[۸] و علمی در مورد انتخاب مکان، مشکل بزرگ کتابخانه‌ها بخصوص کتابخانه‌های بزرگی چون کتابخانه ملی و مجلس، کمبود جا است و عجیب اینکه کتابخانه ملی که جزو ذخایر و افتخارات یک ملت است و از ۴۹ سال قبل به وجود آمده و به عنوان مادر تمامی کتابخانه‌های ایران محسوب می‌شود، از کمبود جا به شدت رنج می‌برد و تاکنون در این باره اقدامی اساسی صورت نگرفته است، و مع‌الاسف اقدام اخیری که در مورد گشایش این تنگنا به عمل آمده کتابخانه ملی راکه باید در مرکز و قلب شهر و در دسترس عموم محققان و اندیشمندان قرار گیرد بخشی از آن را به موزه سابق فرح، نیاوران انتقال داده‌اند که بر انزوای آن بیش از پیش می‌افزاید. و به جای تشویق و ترغیب محققان جهت مراجعه، آن را در محیطی گرچه خوش آب و هوا ولی دور از دسترس همگان می‌برد. البته اگر منظور این است که فقط شرق شناسان و ایران شناسان و اسلام شناسان از آن استفاده کنند خود بحث دیگری است که باید مورد مداقه قرار گیرد.

۳ ـ مواد سمعی و بصری: مواد سمعی و بصری که در واقع جزو مجموعه کتابخانه‌ها بخصوص کتابخانه‌های بزرگ و دانشگاهی قرار گرفته است از قبیل میکروفیلم و میکروفیش، میکروپرینت و اسلاید و فیلم و... به خاطر نبود افراد متخصص در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و عدم آشنایی استفاده‌کنندگان و یا نقص فنی آنها و نیز فوق نیاز بودن آنها در سازمانهای مختلف، اکثراً آن استفاده لازم از آنها نمی‌شود و در خیلی از موارد این سرمایه‌های ارزشمند عاطل و باطل در گوشه‌ای از کتابخانه یا مرکز مدارک خاک می‌خورند.

۴ ـ سازمان کتابخانه‌ها و مراکز اسناد: کتابخانه‌ها و مراکز اسناد اغلب سازمان مشخصی ندارند. نقل و انتقالات سریع انجام می‌شود . تصمیمات آنی و لحظه‌ای از طرف مسؤولین

مافوق در مورد کتابخانه‌ها منجر به تعویض سریع رؤسای کتابخانه‌ها می‌شود. کارمندان بعضاً تبعیدیهای سایر قسمتها هستند و در بعضی کتابخانه‌ها، مستخدمین نقش کتابدار را ایفاء می‌کنند که خوب طبیعی است نگاهبانند نه کتابدار.

بدیهی است با تثبیت مدیریت های لایق و کاردان و حتی‌الامکان دانشمند وکتابشناس، می‌توان از نیروهای موجود به نحو مطلوب استفاده کرد و جو عمومی و روحیه حاکم بر کتابخانه‌ها را به سود انقلاب و در جهت تحکیم مبانی علمی ـ فرهنگی تغییر اساسی داد.

محدوده‌کاری کتابخانه‌ها و بخصوص مراکز اسناد دقیقاً تعریف شده و مشخص نیست. آیا اساسنامه دارند یا بدون اساسنامه کار می‌کنند خود قابل بحث است مثلاً، مرکز مدارک علمی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی تا چه اندازه با هم ارتباط دارند، فصل مشترک آنها چیست و نقطه یا نقاط افتراقشان در کجاست. ظاهراً معلوم نیست و یا دست کم دیگران نمی‌دانند مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی چه می‌کنند. بنیادهای مربوط به دائرة المعارف اسلامی چه ارتباطی با هم دارند و...

۵ ـ آموزش کتابداری: آموزش کتابداری نوین از حدود سال ۴۷ توسط امریکاییها و با همان انگیزه خاص خودشان شروع شده است و در این رابطه تا حدودی هم موفق بوده‌اند، اما از آنجا که برای تحقیق و مطالعه در کشور ما، جایی باز نشده بود، رفته رفته و یا شاید از همان آغاز، کتابداری کاری لوکس و فوق نیاز جامعه تلقی می‌شد در حالی که اگر بر اساس نیاز واقعی نه صوری، کتابدار تربیت و به کار گرفته شود، طبیعتاً جایگاه واقعی خود را باز خواهد یافت. باید در محدوده تعاریف تحقیق و نیازهای تحقیقاتی، جایی هم برای کتابداری و دکومانتاسیون بعنوان، کتابشناسی ومدارک شناسی باز شود تا همگام و پابه پای محقق او را مدد کار باشد.[۸]

باید دانست که گرچه آغاز این حرکت بر اساس اهداف آمریکایی شکل گرفته و حتی از دانشگاه ایلی نویز برای برگزاری دوره دکترا هم به ایران آمده بودند اما با دقتی شایان، می‌توان این جریان را به سود حرکت انقلاب اسلامی تغییر داد و این کار میسر نیست مگر اینکه در برنامه گزینش‌ها دقت وافر صورت گیرد که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته است.[۹]

لازم به تذکر است که هم اکنون قرار است وزارت فرهنگ و آموزش عالی برای دوره دکترای کتابداری و دکومانتاسیون، دانشجو به خارج از کشور اعزام نماید.

۶ـ کامپیوتری کردن: بدیهی است در کار تحقیقات و اطلاعات، کامپیوتر نقش بسیار زیادی دارد. بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز اسناد بزرگ دنیا با سیستم کامپیوتری مجهزند و بسیاری از اطلاعات و انتشارات به طریق کامپیوتری تهیه و منتشر و اطلاعات به سرعت از این طریق ذخیره و بازیابی می‌شوند. در کشور ما هم شاید در مواردی نیاز به کامپیوتر باشد. اما باید دید تا چه حد و تا کجا و با توجه به نیروی انسانی بالنسبه فراوان موجود در کشور و عدم تحرک لازم جامعه تحقیقی ما، لازم است که همه کتابخانه‌ها را کامپیوتری کنیم. البته بدیهی است که علاوه بر دقت و سرعتی که کامپیوتر در ذخیره و بازیابی اطلاعات دارد، لوکس بودن و تشریفاتی بودن آن را هم باید بدان افزود.[۱۰] و به ویژه اینکه مدیرانی که نمی‌خواهند درد سر کارمند را داشته باشند میل دارند سروگوششان از این بابت آسوده باشد ترجیح می‌دهند ولو با هزینه بیشتر، به سمت کامپیوتری کردن کتابخانه و مراکز اطلاعات حرکت کنند. اما باید دید که دقیقاً با احتساب همه محاسبات اقتصادی ـ اجتماعی کشور و اینکه در شرایط فعلی مملکت ما باید به اقتصاد کاربر بیشتر توجه کنیم یا سرمایه‌بر، آیا توسل به کامپیوتر تا این حد مورد لزوم است و در اولویت قرار دارد. و اگر هست میزان وابستگی آن باید تا چقدر باشد و خرید و اجاره و نیز تأمین قطعات یدکی و خدمات بعد از فروش را حداقل برای مدتی محدود باید محاسبه کرد نه اینکه مثل بسیاری از کارهای دیگر، کار با استقبال شایانی شروع شود و پس از اینکه مقداری از اطلاعات بر روی حافظه‌های کامپیوتر جای گرفت، دستگاهها خراب شود، قطعات یدکی نداشته باشد و یا به خاطر نیاز به ارز فراوان مجبور باشیم کار را متوقف کنیم، آنگاه باز برگشت به همان روشهای سنتی قبلی. کشوری که به خودکفائی یا دست کم خوداتکائی می‌اندیشد باید بداند که هرچه راکه خود بتواند تولید کند، و یا امکان تولید برایش بیشتر است به مراتب اولویت دارد بر خرید و استفاده از کالاهای مدرن که وابستگی‌ها را تشدید می‌کند. تازه باید بدانیم که هم اکنون مجموعه‌های بسیار خوبی از کامپیوتر در اختیار پاره‌ای از وزارتخانه‌ها و مؤسسات است که اگر در استفاده از آن سازماندهی مناسب انجام شود بسیاری از گرفتاریهای فعلی ما حل می‌شود.

پیشنهاد:

به منظور بررسی همه جانبه نسبت به مسائل انتشارات و کتابخانه‌ها اعم از عمومی، دانشگاهی و تخصصی و آموزشگاهی، حتی ملی و مراکز اسناد، سیاستگزاری عمومی برای امر تحقیق، انتشار، مطالعه، سیاستگزاری و نظارت در امر نشر، توجه جهت هماهنگیهای لازم مراکز

با یکدیگر، گشایش گره‌های موجود از کار کتابخانه‌ها به منظور گسترش روح مطالعه و تحقیق جلوگیری از اسراف کاریها و چندباره کاریها، گسترش دوره‌های کتابداری، تلاش برای دادن مسؤولیتها به افراد لایق و کتابشناس و تثبیت مدیریتها و دورنگهداشتن مسائل کتابخانه‌ها و مراکز اسناد از جنجالهای سیاسی، شورایی زیرنظر شورای عالی انقلاب فرهنگی با اختیارات کافی و با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.[11]

- یک نفر از شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان رئیس شورا.
- سه یا چهار نفر از کمیسیونهای فرهنگ و آموزش عالی، ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش و بهداری ترجیحاً به انتخاب مجلس شورای اسلامی.
- چهار نفر از افراد محقق، دانشمند و کتابشناس به انتخاب مشترک کمیسیونهای مزبور و شورای عالی انقلاب فرهنگی.

معاونان پژوهشی وزارتخانه‌های ذیربط بدون حق رأی می‌توانند در شورای مزبور شرکت نمایند.

هر چهار سال، شش ماه پس از انتخاب مجدد نمایندگان مجلس، اعضاء شورای مزبور انتخاب می‌شوند.

حتی الامکان باید نصف اعضاء فوق الاشاره همواره ثابت باشند.

تنها ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، می‌تواند شورای مزبور را منحل و دستور انتخاب جدید را صادر نمایند.

آئین نامه اجرائی را خود شورا تهیه خواهد کرد.

لازم به توضیح است که پس از ارائه گزارش فوق الذکر طرحی توسط اینجانب بمنظور رسیدن به اهداف ذکر شده در بالا تهیه شد و پس از طی جلساتی با کارشناسان دولتی تقدیم به مجلس گردید اما در این بین لایحه و سپس طرح اساسنامه کتابخانه ملی تقدیم مجلس شد و چون بسیاری از اهداف مندرج در طرح مزبور می توانست در لایحه اساسنامه کتابخانه ملی قرار گیرد نهایتاً اینجانب به نفع آن از این طرح صرفنظر کردم و این دو درهم اقدام گردید و با تلاشی که صورت گرفت اساسنامه کتابخانه ملی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ از نیمه دوم قرن مجدهم میلادی، جهش تازه‌ای در انتشارات علمی و امکان اشاعه نوشته‌های علمی صورت گرفت. به اعتبار تحقیقات «درک دو سولابرایس» جمعیت دنیا، هر ۵۰ سال دو برابر می‌شود در حالی که تعداد محققین علمی هر ۲۰ سال وتعداد مجلات علمی هر ۱۵ سال و در برخی از رشته‌ها، حجم انتشارات‌علمی بین ۵ تا ۱۰ سال دوبرابر می‌شود: سیاست اطلاعات علمی درکشور، مرکز مدارک علمی ۱۳۵۵. ص ۲.

۲ ـ اطلاعات علمی، مقاله‌ی محمدنقی مهدوی.

۳ ـ پس از جنگ جهانی (اول و دوم به حجم انتشارات علمی آنقدر افزوده شد که صاحبنظران این پدیده تازه را «انفجار انتشارات یاانفجار اطلاعات» نام دادند. سیاست اطلاعات علمی کشور، مرکز مدارک علمی، ۱۳۵۵، ص ۳.

۴ ـ رئیس سابق آکادمی، علوم شوروی گفته است: دانشمند امروزی در برابر هیمالیایی از مدارک علمی به حیرت فرو رفته است، وامانده است که اطلاعاتی راکه می‌خواهد چگونه از میان انبوه مدارک جدا کند... تراکم بیش از حد نوشته‌ها درکشورهای اروپایی و امریکایی مشکلات بسیاری در راه اشاعه اطلاع به وجود آورده است. همان ص ۳ ـ ۴.

۵ ـ براساس World of learning (80 - 81)، کتابخانه کنگره امریکا، بیش از ۷۵ میلیون مواد دارد که کتاب و جزوه آن ۱۸/۹۳۰/۹۰۵ دست کتابخانه لنین در شوروی ۲۸/۲۱۶/۰۰۰ کتاب و نشریات ادواری و ۳۴۵/۰۰۰ نسخه خطی در فرانسه کتابخانهٔ ملی : ۹ میلیون کتاب چاپی ۵۰۰/۰۰۰ نشریات ادواری و ۱۸۰/۰۰۰ نسخه خطی British Library بیش از ۱۰ میلیون کتاب چاپی و ۱۱۸۰۰۰ نسخه خطی و National Diet Library در ژاپن ۳/۴۹۴/۰۰۲ کتاب و ۳۱/۳۶۶ نشریات ادواری دارد.

۶ ـ به کتابخانه‌های بزرگ ایران باید کتابخانه مجلس شورای اسلامی و آستان قدس رضوی و کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم را هم افزود.

۷ ـ اخیراً کتابخانه ملی، تحرک بیشتری یافته و کتابشناسی ملی تا نیمه‌های سال ۶۵، ۶۶ را به سبکی جدید و به صورت برگه‌های فهرست شده چاپ و منتشر نموده است.

۸ ـ کتابداری در بسیاری از موارد به معنای اخص آن یعنی فهرست‌نویسی اطلاق می‌شده و یا می‌شود و کتابدار خوب کسی است که با سیستم فهرست نویسی به ویژه کنگره امریکا آشنا باشد. تفکر اینکه کتابدار واقعی

کسی است که از خدمات مرجع اطلاع کافی داشته باشد و بتواند نیاز محقق و پژوهشگر را به بهترین شکل و در اسرع وقت با استفاده از ابزارهای مناسب پاسخگویی باشد که خریدار داشته است و عده‌ای که خود پایه‌های تحقیق داشته و یا کسب نموده‌اند ترجیح داده‌اند که از جرگه کتابداران به حوزه اندیشمندان و پژوهشگران و کتاب‌نویسان بپیوندند.

۹ ـ منظور از اهداف امریکایی این است که همانطور که قبل از انقلاب سیاست های امریکایی همه ارکان و شؤون کشور را احاطه کرده بود طبعاً نظام کتابداری نوین هم با حاکمیت کتابخانه کنگره امریکا و سیستم طبقه‌بندی و فهرست نویسی و... خود را بر کتابخانه‌های این کشور تحمیل کرد بدون اینکه فرصت انتخابی برای کسانی که سالها با کتاب و کتابخانه سروکار داشته‌اند وجود داشته باشد. هم اکنون بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا سیستم فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی کنگره آمریکا را نپذیرفته‌اند و یادر آن غرق نگشته‌اند. شوروی و کشورهای بلوک شرق از نظام رده‌بندی UDC استفاده می‌کنند. انگلستان، سیستم دهدهی دیویی را به کار می‌برد. فرانسه به گونه‌ای دیگر و هندوستان از نظام ویژه خویش استفاده می‌کند و حتی کشورهای عربی طرفدار امریکا بعضاً جانب احتیاط را پیموده‌اند. در حالی که در کشور ما اعتقاد بسیاری از صاحبنظران کتابخانه‌های با حجم تا صد هزار و دویست هزار می‌تواند به خوبی با نظام رده‌بندی دیویی کار کند و از آن پس اگر نیازی به رده‌بندی کتابخانه کنگره بود از آن استفاده گردد. ولی متأسفانه موج سیستم کنگره‌خواهی و کنگره‌طلبی گویی همه کتابخانه‌ها را فرا گرفته، که حتی کتابخانه‌هایی که با سیستم دیویی به خوبی اداره می‌شوند، اصرار دارند که آن را به نظام طبقه‌بندی کنگره تعویض نمایند. این موضوع خود می‌تواند مبنای پژوهش باشد.

۱۰ ـ در جامعه‌ای که کامپیوتر براساس نیاز و ضرورت تحقیقاتی جای خود را باز کرده باشد. طبیعی است که مسأله لوکس و تشریفاتی بودن مفهومی نخواهد داشت اما آنجا که به خاطر چشم و هم‌چشمی و رقابت‌های ناسالم به تهیه و تدارک کامپیوتر مبادرت می‌شود. باید نسبت به ضرورت این امر تردید کرد.

۱۱ ـ ضرورت وجود شورا جهت هماهنگی، اصلی پذیرفته شده است و در سطح جهانی مطرح و مورد توجه است و طبعاً برای مراکز اطلاع‌رسانی کشور با هم توصیه شده است. سیاست اطلاع‌رسانی علمی در کشور، مرکز مدارک علمی، ص ۳۵.

۱۱

برنامه ریزی اطلاعات عمومی (پی جی آی):
دستاورد دهساله و دورنمای آینده*

ریشه‌ها

برنامه اطلاعات عمومی (پی جی آی)[1] راکنفرانس عمومی یونسکو در نوزدهمین اجلاسیه خـود در سـال ۱۹۷۶ بـنا نـهاد تـا فـعالیتهای یـونسکو را در زمـینه‌های اطـلاعات عـلمی و تکنولوژیکی، ارائه سند[2]، کتابخانه‌ها و آرشیوها هماهنگ کند. برنامه اطلاعات عمومی (پـی جی آی) از تلفیق دو برنامه به وجود آمد. یکی یونی سیست[3] که در کـنفرانس عـمومی سـال ۱۹۷۲به وجود آمد و به عنوان بخش اطلاعات علمی و تکنولوژیکی در یک برنامه بین‌المللی

---

* این مقاله در نشریه رسانه ۴ (۳) زمستان ۱۳۷۱ چاپ شده است.

در زمینه اطلاعات علمی و فنی عمل کرد و دیگر ناتیس[4]، که کنفرانس بین‌المللی در زمینه برنامه‌ریزی زیرساختهای اسناد ملی، کتابخانه‌ها و آرشیوهاست که در سال ۱۹۷۴ به کوشش بخش اسناد کتابخانه‌ها و آرشیو برگزار شده بود.

در فوریه سال ۱۹۷۷، دبیرکل یونسکو بخشی را برای پی جی آی ایجاد کرد تا برنامه‌های جدید را به رهبری شورای تازه تأسیس بین‌المللی، برای برنامه ریزی اطلاعات عمومی اجرا کند. این بخش قسمتهای دیگری را نیز در بر می‌گرفت و اهداف آن عبارت بود از:

- ارتقای سطح دسته‌بندی و تدوین سیاستها و نقشه‌های اطلاعاتی (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی)
- افزایش و توزیع روشها، اصول و استانداردهای کاربردی اطلاعات
- مشارکت در توسعه زیرساختهای اطلاعاتی
- مشارکت در توسعه نظامهای اطلاعاتی تخصصی در زمینه‌های آموزش، فرهنگ و ارتباطات و علوم طبیعی و اجتماعی
- افزایش سطح تربیت و آموزش متخصصان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات

فعالیتهایی که قبلاً یونی سیست و ناتیس آنها را اجرا می‌کردند، در این اهداف جمع شد، با وجود این، برای تاکید بر نقش فزاینده اطلاعات علمی و تکنولوژیکی در مراحل توسعه، کنفرانس عمومی توصیه کرد تا علامت اختصاری نام یونی سیست با پی جی آی حفظ، و ناتیس از زمره فعالیتهای یونسکو حذف شود. در کنفرانس بین‌المللی در زمینه اطلاعات علمی و فنی برای توسعه (یونی سیست دو) که در سال ۱۹۷۹ برگزار شد، بر این نظر تأکید شد که اصول یونی سیست نه تنها در زمینه‌های علمی و فنی کاربرد دارد، بلکه در همه زمینه‌های علمی هم قابل اجراست.

اهداف پی جی آی

ایجاد برنامه ریزی اطلاعات عمومی، با اجرای اولین طرح میان مدت یونسکو در سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۸۲ شکل گرفت. در این طرح، فعالیتهای پی جی آی در پنج موضوع یاد شده، با تکیه

بر توسعه و ارتقای نظامهای اطلاعاتی و خدمات در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی اجرا شد. در دومین طرح میان مدت (۱۹۸۴ - ۱۹۸۹)، پی جی آی به عنوان هسته یکی از چهار برنامه مهم و اصلی یونسکو شناخته شد. و هدف عمده آن تسهیل دسترسی عمومی به اطلاعات، افزایش جریان آزاد اطلاعات و توسعه ظرفیت کشورها جهت مبادله، ذخیره و استفاده از اطلاعات مورد نیاز برای توسعه بود. اما از آنجا که دیدگاه تغییر پیدا کرد، در طرح جدید، موضوع اصلی اولین طرح میان مدت حفظ، و در برنامه‌ها و زیربرنامه‌های زیرین دسته‌بندی شد:

برنامه ۷۰۱؛ پیشرفت در دسترسی اطلاعات، تکنولوژی مدرن، استاندارد کردن و نظامهای اطلاعاتی میان ارتباطی[۵].

این برنامه، ایجاد و کاربرد روش شناسیها و ابزار فنی و اصولی را افزایش می‌دهد و استفاده از فنون جدید آماده‌سازی و ارتباط داده‌ها را تشویق می‌کند و از جمله، نرم‌افزار مناسب را برای ایجاد پایگاهها و بانکهای اطلاعاتی در کشورها و مناطق مختلف و بررسی نظامهای اطلاعاتی مرتبط با یکدیگر و قابل رقابت را معرفی می‌کند. فعالیتها در قالب زیربرنامه‌ها برای توسعه و تطبیق ابزار فنی و اصولی و برای کاربرد این ابزار و تکنولوژیهای جدید در چارچوب پروژه‌های نمونه جامع و تأسیس پایگاههای اطلاعاتی ملی و منطقه‌ای و ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای، سازمان یافته‌اند.

برنامه ۷۰۲؛ زیرساختها، سیاستها و آموزش مورد لزوم برای آماده‌سازی و توزیع اطلاعات تخصصی.

هدف این برنامه، افزایش تدوین سیاستها و طرحها، توسعه زیرساختهای اطلاعاتی و آموزش کارکنان و استفاده کنندگان است. فعالیتها در قالب زیربرنامه سازمان یافته‌اند تا سیاستهای اطلاعاتی را تدوین کنند، و کتابخانه‌ها، آرشیوها و مراکز اسناد، خدمات تجزیه و تحلیل و ارجاعی و بانکهای اطلاعاتی کتابشناختی و رقمی را ایجاد و تقویت کنند و در نتیجه، قدمی برای پیشرفت برنامه‌های آموزشی برای اطلاعات کارکنان و مصرف کنندگان باشد.

در ارتباط با هریک از دوبرنامه، توجه خاصی به موارد زیر شده است:

نیاز به اطلاعات استفاده‌کنندگان بالقوه، نظامهای اطلاعاتی متناسب با استفاده‌کننده در حال

پیشرفت، نیاز کشورهای کاملاً عقب مانده، اهمیت پیشرفت و تسریع جریان دسترسی به اطلاعات، خلاقیت و نوآوری، تولید و استفاده تکنولوژی و نیاز برای ارزشیابی فعالیتهای انجام شده.

روشهای اجرای برنامه

بخش برنامه اطلاعات عمومی (پی جی آی)، فعالیت خود را با نظارت و راهنمایی شورای بین‌المللی پی جی آی و دفتر مخصوص آن انجام می‌دهد. این شورا مرکب است از ۳۰ عضو از کشورهایی که در یونسکو عضویت دارند و برای دوره چهارساله کنفرانس عمومی آنها را انتخاب می‌کند. این شورا، مفهوم و برنامه میان مدت و برنامه‌های دوسال یک بار را هدایت، اولویت‌ها را توصیه، نتایج را بررسی، و شرکت اعضا را در اجرای امور ـ به ویژه برای یافتن همکاریهای داوطلبانه ـ فراهم می‌کند. شورا، معمولاً در هر سال مالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد.

بنابراین، باید ذکر شود که مفهوم و اجرای پی جی آی تحت تأثیر یونی سیست و ۷ اجلاس شورا و ۱۴ جلسه دفتر که دبیرکل یونسکو در بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۸ برگزارکرد، قرار داشت.

برنامه فعالیتهای پی جی آی همچنین در گروههای تخصصی کار و کمیته‌های مشورتی و سمینارها مورد بحث قرار می‌گیرد. بعضی از سازمانهای غیردولتی بین‌المللی حرفه‌ای مانند اف آی دی، ایفلا و آی سی آ که با یونسکو همکاری مشورتی دارند، در برنامه ریزی و اجرای برنامه پی جی آی کمکهای شایانی انجام می‌دهند.

بسیاری از فعالیتها، با همکاری مشترک سازمانهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، واحدهای دیگر یونسکو، کشورهای عضو، آژانسهای سازمان ملل، و سازمانهای غیردولتی انجام می‌شود.

بسیاری از فعالیتهای پی جی آی به سطوح منطقه‌ای به ویژه در آمریکای لاتین و منطقه کاراییب و آسیا و اقیانوس آرام تقسیم می‌شود.

در سایه این ارتباط و همکاری نزدیک با این سازمانهاست که پی جی آی نقش سازمان دهندگی خود را ارتقاء می‌دهد و در تدارک و مصرف اطلاعات در جهان، هماهنگی ایجاد می‌کند. این کار، از طریق برپایی جلسه‌های آموزش، پروژه‌های نمونه، مشاوره‌ها، کمک

هزینه‌های تحصیلی،تحقیق و انتشارات،که آنها رابودجه عمومی یونسکو یاسازمان یو ان دی پی و موافقت نامه‌های سرمایه در امانت[6] بانکهای توسعه و منابع مالی ویژه تأمین می‌کنند، انجام می‌پذیرد. همکاری مشخصی بین برنامه‌های پی جی آی که بودجه معمولی یونسکو آن را تأمین می‌کند و پروژه‌های دیگری که از دیگر منابع مالی ویژه تأمین می‌شود، وجود دارد.

برنامه‌های مشارکتی، مکمل فعالیتهای برنامه ریزی شده منظم است و بنابه درخواست کشورهای عضو، برای همکاری در اجرای فعالیتهای مربوط به یونسکو، از بودجه عمومی تأمین مالی می‌شوند. این منبع، مقدار زیادی از کمک هزینه‌های تحصیلی را، تعداد زیادی از مأموریتهای مشاوره‌ای را و خرید تجهیزات را بـه همراه سمینارهای ملی و منطقه‌ای و جلسه‌هایی که به طور مشخص برای توسعه زیرساختهای اطلاعاتی در کشورهای عضو مؤثر است، حمایت مالی می‌کند. در خلال سالهای ۱۹۸۴ ـ ۱۹۸۵، پی جی آی ۱۴۴ فعالیت مصوب را اجرا کرده و در خلال سالهای ۱۹۸۶ ـ ۱۹۸۷، این عدد به ۶۹ رسیده است.

بازبینی مهمترین اقدامات

نتایج فعالیتهای پی جی آی در خلال سیزده سال، به ویژه درکشورهای در حال توسعه، در موارد زیر قابل توجه است: توسعه پایگاههای اطلاعاتی، توسعه همکاری بین کشورهای عضو در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، تدوین سیاستهای اطلاعاتی ملی، توسعه زیرساختها و برنامه‌های آموزشی مورد نیاز برای آماده سازی و پخش اطلاعات.

توسعه ابزار برای آماده سازی و انتقال اطلاعات

به دنبال کوشش برای قابل دسترس کردن ابزارهای فنی و اصولی مورد نیاز برای طرح و اجرای نظامها و خدمات اطلاعاتی قابل رقابت، پی جی آی بر توسعه ابزار و کاربرد آنها در نظامهای اجرایی مناسب جهانی آنها، از طریق اقتباس استانداردهای کتابشناختی و فنی و ایجاد نظامهای ملی و بین‌المللی، کنترل کتابشناختی و واژه‌شناختی اطلاعات تأکید کرده است.

تدوین و کاربرد روشها و استانداردهای اطلاعات، از طریق انتشار آی اس اُ (ایزو)، کتاب

دستی یونسکو در انتقال تکنولوژی، و برنامه آموزشی بعدی برای استفاده آن کامل شده است. این نشریه، با تعدادی از اسناد اصولی دیگر در زمینه آماده‌سازی داده‌ها، سخت افزار، نرم‌افزار و واژگان سازی که به همت یونسکو یا زیرنظر آن تهیه شده، همراه گردیده است (مثلاً راهنمای یونی سیست برای استاندارد کاربرد اطلاعات، ۱۹۸۰). یونسکو با سازمان بین‌المللی استاندارد آی اس اُ همکاری نزدیک داشته است.

یونسکو و پی جی آی، توجه خاصی به استاندارد کردن آرشیوها و مدیریت اسناد داشته‌اند. نشریه پرتیراژ «قابلیت عمل خطوط کلی یونی سیست و استانداردهای بین‌المللی آی اس اُ برای اداره آرشیو مدیریت اسناد، ۱۹۸۲» جزو انتشارات برنامه مدیریت آرشیو و اسناد[۷] منتشر شد.

بخش پی جی آی با توصیه کنگره بین‌المللی کتابشناختی ملی در سال ۱۹۷۷، در سایه همکاری با ایفلا و با مشارکت نزدیک با سازمانهای حرفه‌ای غیردولتی، برای تشریح و کاربرد استانداردها اقدام مناسب را انجام داد. یونسکو (پی جی آی) با تشکیل کنفرانس دایمی آفریقایی در زمینه کنترل کتاب شناختی، معرفی وکاربرد استاندارد را در کشورهای آفریقایی تشویق کرد. همچنین با استقرار و استاندارد کردن فهرست در حال انتشار، زمینه‌های همکاری بین کتابخانه‌ها و ناشران را فراهم نمود.

پی جی آی همچنین برای ثبت جهانی نشریات ادواری با موافقت حکومت فرانسه، مرکز بین‌المللی ثبت نشریات ادواری (۱۹۷۶) را برای ایجاد یک نظام خودکار به عنوان یک نظام داده بین‌المللی در زمینه نشریات برپا کرد. این مرکز، در سال ۱۹۷۵ توانست تقریباً ۹۰ درصد نشریات جهانی را تحت پوشش گیرد.

پی جی آی فعالانه درایجاد ساختار ارتباط مشترک (سی سی اف) که برای تسهیل مبادله اطلاعات بین کمیته‌های اطلاعاتی و همچنین بین کشورهای در حال رشد مناسب بود، مشارکت کرد. پی جی آی یک روش دقیق برای ضبط عناصر اطلاعاتی در ضبط‌های کتابشناختی قابل خواندن با کامپیوتر به دست داد و یک دستور کار برای مصرف کنندگان ساختار ارتباط مشترک که در کشورهای در حال رشد طرفدار زیاد پیدا کرد، تهیه نمود.

پی جی آی همچنین فعالیت مهمی، در استاندارد کردن واژه‌ها انجام داد، و از مشارکت

کشورهای در حال رشد برای ارتقای سطح همکاری در آماده‌سازی واژه‌شناسیها و ضبط آن به صورتی که با ماشین قابل خواندن باشد، حمایت کرد.

توسعه و استفاده از پایگاههای اطلاعاتی

یکی از بزرگترین فعالیتهای پی جی آی را از سال ۱۹۸۴، می‌توان همکاری آن با کشورهای در حال رشد در ایجاد پایگاههای اطلاعاتی خودشان و نیز افزایش قدرت دسترسی آنان به پایگاههای اطلاعاتی در کشورهای پیشرفته صنعتی به شمار آورد. در آغاز، بر معرفی و قابل انطباق کردن بسته‌های (پکیج)[۸] نرم‌افزار ریزکامپیوتر قابل حمل، و اجرای طرحهای جامع منطقه‌ای و ملی که در آن پایگاههای اطلاعاتی بتواند ایجاد شود، تأکید شد. پی جی آی برای تعداد فراوانی از سازمانهای کاری غیرانتفاعی در بسیاری از کشورهای جهان بسته‌های نرم‌افزار تهیه کرد.

همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی در بین کشورهای عضو

پی جی آی از آغاز ایجاد، در ارتقای سطح همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی نهایت کوشش را کرده و در دو منطقه آسیا و اقیانوس آرام و آمریکای لاتین و کاراییب به نتایج قابل توجهی دست یافته است.

در آسیا و اقیانوس آرام، پی جی آی یک شبکه منطقه‌ای برای مبادله اطلاعات و تجربیات در زمینه علوم و تکنولوژی ایجاد کرده است. این شبکه، یک چارچوب منطقه‌ای فراگیر برای ارتقای پخش منابع اطلاعاتی در مرزهای ملی، آموزش متخصصان اطلاعاتی در منطقه، توسعه زیر شبکه‌های فرعی اطلاعاتی تخصصی، و دسترسی به پایگاههای اطلاعاتی بین‌المللی، به وجود آورده است. پی جی آی در این چارچوب، فعالیتهای زیادی انجام داده، به سازمانهای ملی گوناگونی برای افزایش ظرفیت کاربرد اطلاعاتی‌شان کمک کرده، پایگاههای منطقه‌ای اطلاعات به وجود آورده، سیاستهای اطلاعاتی ملی آنها را تدوین کرده و متخصصان آنها را آموزش داده است. دو زیر شبکه تخصصی، عبارتند از: ۱) شبکه اطلاعاتی آسیا و اقیانوس آرام در زمینه

کارخانه‌های دارویی و آروماتیک[9]. ۲) زیرشبکه برای منابع انرژی جدید و نوشونده[10] که با نظارت شبکه منطقه‌ای برای مبادله اطلاعات و تجربیات در زمینه علوم و تکنولوژی کار می‌کنند.

همچنین از سال ۱۹۷۷ کوششهای بسیاری برای استقرار یک همکاری منطقه‌ای و برنامه استفاده مشترک از منابع، در آمریکای لاتین و منطقه کاراییب به عمل آمده است. پی جی آی به طور فعال در همه برنامه‌ها شرکت داشته و سرانجام یک رشته جلسه‌های منطقه‌ای که از راهبرد جدیدی به دست آمده، ترتیب داده است. این راهبرد جدید که متکی بر تعهد سازمانی فزاینده بود، عبارت است از: برنامه منطقه‌ای برای تقویت همکاری در بین شبکه اطلاعات و نظامهای توسعه در آمریکای لاتین و منطقه کاراییب. این دیدگاه، برپایه انجام سیاستها و برنامه ریزی اطلاعاتی و منطقه‌ای، مصرف و آموزش و توسعه پایگاههای داده‌هاست.

در منطقه کاراییب، پی جی آی در سایه هماهنگی با سازمانهای منطقه‌ای، از سال ۱۹۸۰، یک پروژه درازمدت را برای همکاری و تقویت قابلیتها و همکاریهای منطقه‌ای در بین کشورهای منطقه آغاز کرده است. در سال ۱۹۸۴، برای تمرکز بر استقرار یک شبکه اطلاعات علمی و فنی برای منطقه کاراییب، بازنگری و فعالیتهای بسیاری برای حمایت از این پروژه اجرا شد. یک مطالعه فنی ـ اقتصادی برای استقرار مرکز آماده‌سازی منطقه‌ای، دوره‌های آموزش متعدد، سفرهای مطالعاتی و سمینارها، و مشاوره‌ها در جنبه‌های مختلف نظام طراحی و توسعه از آن جمله‌اند.

درآفریقا در سال ۱۹۸۰، پی جی آی با طرح اجرا و استقرار نظام اطلاعات و اسناد آفریقایی همکاری کرده است. در این ارتباط، پی جی آی همچنین در توسعه طرحها برای یک شبکه اطلاع رسانی منطقه‌ای که به ۹کشور عضو کنفرانس هماهنگی توسعه در جنوب آفریقا خدمت می‌کند، کمک کرده است. به دنبال این تلاش، پی جی آی اکنون با همکاری این کشورها، در پی توسعه استفاده مشترک از منابع اطلاعاتی در منطقه‌های کوچکتر جنوب آفریقا به ویژه از طریق تدوین سیاستهای اطلاعات ملی برای تسهیل همکاریهای منطقه‌ای و ملی است.

کشورهای عربی بر اثر همکاری با یونسکو (پی جی آی) و یو ان دی پی، مرکز اسناد مجمع

عرب را برای تحقق همکاری کشورهای عربی ایجاد کرده‌اند. در سال ۱۹۸۷، یک نظام شبکه اطلاعاتی عربی برای تحقق یک سیستم توزیع بخشی در سطح منطقه‌ای ایجاد، و کار تدوین سیاستهای اطلاعاتی ملی در کشورهای عربی آغاز شد.

یونسکو (پی جی آی)، در توسعه برنامه اطلاعاتی سایر مؤسسه‌های تابعه سازمان ملل نیز همکاری نزدیک داشته، جلسه‌هایی بین مسؤولان آرشیو و مدیران اسناد و واحدهای سازمان ملل را سرپرستی کرده، و در سال ۱۹۷۹، برای ارزیابی نظام ارجاعی بین‌المللی برنامه محیط زیست سازمان ملل[۱۱] حمایت مالی و فنی کرده است.

پی جی آی همچنین مطالعات تحلیلی موردی بر روی تدارک و استفاده از اس تی آی را در هشت کشور با تدارک مالی از صندوق موقت برای توسعه علوم و تکنولوژی اجرا کرده است. به عنوان همکاری در اجرای شبکه جهانی اطلاعات علمی و فنی، یونسکو (پی جی آی) یک پروژه نمونه را در کلمبیا اجرا کرد که بر اثر آن، دسترسی و استفاده از اسناد تولید شده در سازمان ملل را مورد بحث قرار داده است.

پی جی آی، به سازمان فید (اتحادیه بین‌المللی برای اطلاعات و مدارک)، به ایفلا (اتحادیه بین‌المللی انجمنها و مؤسسه‌های کتابداری) و آی سی آ (شورای بین‌المللی آرشیو) که هریک در طراحی و اجرای پی جی آی نقش مهمی ایفا کرده بودند، کمکهای مالی کرده، و از همکاری سازمانهای غیردولتی بسیاری که خود در زمینه فعالیت پی جی آی کار می‌کنند، بهره برده است؛ مانند کمیته بین‌المللی برای اطلاعات و اسناد علوم اجتماعی[۱۲]، شورای بین‌المللی اتحادیه‌های علمی[۱۳] و سازمانهای تخصصی، از جمله: کمیته اطلاعات[۱۴]، اتحادیه بین‌المللی آماده سازی اطلاعات[۱۵]، گروه بین‌المللی ناشران علمی و فنی و پزشکی[۱۶]، انجمن ناشران بین‌المللی و اتحادیه جهانی سازمانهای مهندسی[۱۷].

تدوین سیاستهای اطلاعاتی ملی

در خلال سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۸۳، پی جی آی برای تدوین سیاستهای اطلاعاتی به منظور ترغیب تلفیق اطلاعات در طرحهای توسعه‌ای اقتصادی - اجتماعی به عنوان یک منبع، و برای

تسهیل مبادله اطلاعات تلاش کرده است. از سال ۱۹۸۴، بر تدوین سیاستها و طرحهای اطلاعاتی و برای توسعه منابع و خدمات اطلاعاتی، هماهنگی سیستمهای اطلاع رسانی ملی و توزیع منابع اطلاعاتی تأکید عمده بوده است، در خلال اولین دوره، نیاز به سیاست و برنامه‌ریزی پایه در اولویتهای ملی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفت. استقرار نقاط محوری و کمیته‌های ملی ارتقا یافت و سمینارهای منظم برای نمایندگان آنها در جنبه‌های مخصوص سیاست اطلاعاتی تشکیل شد. با برنامهٔ میان مدت دوم، پوشش نقاط محوری و کمیته‌های ملی گسترش یافت، تا نه تنها اس تی آی را در بر گیرد، بلکه خدمات کامل اطلاعاتی را هم بپوشاند.

توسعه زیرساختهای اطلاعاتی

به هنگام ایجاد پی جی آی، تلاش ویژه‌ای برای افزایش توسعه زیرساختهای اطلاعاتی از طریق انتشار خطوط اصلی در ارزیابی نظام از خدمات اطلاعاتی، جهت دادن به مطالعات مصرف کنندگان، توسعه مراکز ارجاعی، انتقال تکنولوژی اطلاعاتی، مطالعات موردی و مأموریتهای مشاوره‌ای انجام شد. در سال ۱۹۸۲، کنگره بین‌المللی دسترسی جهانی به انتشارات[۱۸]، آغاز فعالیتهایی را که به دسترسی بیشتر استفاده‌کننده به انتشارات اختصاص داشت، نوید داد. هم‌اکنون همکاری گسترده‌ای برای توسعه فزاینده تحقیقات دانشگاهی و ملی و کتابخانه‌های مدرسه‌ای و عمومی انجام شده است. پروژه‌های فراوانی در این زمینه اجرا و اغلب با همکاری سایر سازمانها مانند انجمن دانشگاههای جزئاً یا کلاً فرانسه زبان و یا مرکز اسناد فرانسه انجام شده است. از جمله این فعالیتها می‌توان کار بر روی تأسیس مرکز هماهنگی برای کتابخانه‌های دانشگاهی آفریقای غربی، فهرستگان مشترک و پروژه نمونه در مکانیزه کردن (خودکارسازی) خدمات اسنادی، ایجاد مرکز اسناد بررسی زبان آفریقایی و غیره را برشمرد. تعداد زیادی از مواد آموزشی، کتابهای دستی و دوره‌های آموزشی برای توسعه کتابخانه‌های آموزشگاهی را پی جی آی از زمان شکل گیری خود تولید کرده است. پی جی آی همچنین فعالیت زیادی برای تأسیس شبکه‌های کتابخانه عمومی، کتابخانه‌های روستایی و کتابخانه

نابینایان انجام داده است.

در زمینه مدیریت آرشیوها و ضبط سندها، فعالیت پی جی آی بسیار چشمگیر است. در خلال سالهای ۱۹۷۷ ـ ۱۹۷۸، کنفرانس عمومی نقشه‌ای برای فعالیت یونسکو به منظور انتقال اسناد از مخازن موجود از بعضی کشورها به کشورهای اصلی، فراهم کرد. در پی آن، مطالعات بر روی پایگاههای داده‌های چنین مواردی در فراهم ساختن موافقت نامه‌های مدل و نیز امکان ایجاد یک پشتوانه میکروفیلم بین‌المللی انتشار یافت. با اجرای برنامه مدیریت پیشینه‌ها و آرشیوها در سال ۱۹۷۹، کمک برای توسعهٔ خدمات آرشیوی بعضی از کشورها عملی شد. این عمل، تأکیدی گسترده برای فعالیتهایی در زمینه آرشیو بود که توسعه آرشیو و سیستمهای مدیریت پیشینه[۱۹] را ارتقا و همکاری در برنامه توسعه را افزایش داد. پروژه‌های نمونه برای شبکه‌های آرشیوی و مراکز آموزشی در احیای اسناد و تکثیر آنها، در معدودی از کشورها به وجود آمد. برنامه مدیریت پیشینه‌ها و آرشیوها، همچنین بر اهمیت استانداردها، خطوط راهبردی و آموزش هماهنگ تأکید کرد. انتشارات فراوانی برای تشویق و ذخیره اشکال فیزیکی مختلف پیشینه‌ها از جمله سینماها و پیشینه‌های ماشین خوان پدید آمد. از سال ۱۹۴۸، کوششها با همکاری نزدیک شورای بین‌المللی آرشیو[۲۰] به سمت مدرنیزه کردن آرشیوهای سنتی، معرفی اسناد قابل خواندن به وسیله ماشین، پروژه‌های نمونه بر روی شبکه‌سازی آرشیو و همکاری جنبی بر روی توسعه اقدامات مدیریت اسناد جاری در دستگاههای حکومتی، جهت داده شد.

پی جی آی همچنین فعالیتهایی برای افزایش تکنیکهای کاربردی اطلاعات تخصصی انجام داده است. فعالیتها بر روی کاربرد داده غیرکتابشناختی تدارک شده و توزیع آن مورد توجه قرار گرفته است. به موازات آن، پی جی آی برای توسعه سیستمهای اطلاعات تخصصی (علمی، کشاورزی، محیط زیست، منابع طبیعی و اقتصادی، اجتماعی) و خدمات (تقویت و بسته‌بندی دوباره) کمک مالی و فنی کرده است.

در سال ۱۹۸۰، پی جی آی نشریه‌ای در خدمات اطلاعاتی ابداعی موفق منتشر کرد و از آن پس، فعالیتهای دیگری برای ارتقای سطح چنین خدماتی انجام داده است. یونسکو (پی جی آی)

همچنین با همکاری فید و بخش برنامه اطلاعات عمومی (پی جی آی)، فعالیت خود را با نظارت و راهنمایی شورای بین‌المللی پی جی آی و دفتر مخصوص آن انجام می‌دهد. این شورا، مرکب است از ۳۰ عضو از کشورهایی که در یونسکو عضویت دارند و برای دوره چهارساله، کنفرانس عمومی آنها را انتخاب می‌کند. این شورا، مفهوم و برنامه میان مدت و برنامه‌های دوسال یک بار هدایت و اولویتها را توصیه، نتایج را بررسی، و شرکت اعضا را در اجرای امور ـ به ویژه برای یافتن همکاریهای داوطلبانه ـ فراهم می‌کند.

ایزورید، سیستم اطلاعات بین‌المللی در تحقیق بر اسناد را ایجاد کرد که به جمع‌آوری، سازماندهی و توزیع اطلاعات در تحقیق و توسعه در زمینه‌های اطلاعات، اسناد، کتابخانه‌ها و آرشیوها می‌پردازد.

در سال ۱۹۸۰، فید راهنمایی درباره مؤسسه‌ها و افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، منتشر کرد، این نشریه، به طور مرتب اطلاعاتی را درباره فعالیتهای تحقیقی پخش می‌کند. از سال ۱۹۸۴، فید جنبه‌های عملی سیستم را به عهده گرفته است.

فعالیتهای آموزشی

برنامه‌های پی جی آی، همیشه تأکید بسیاری بر آموزش کارکنان اطلاعاتی متخصص و استفاده‌کنندگان اطلاعاتی داشته است. برخی از این فعالیتها، با راهنمایی کمیته ویژه برنامه و سیاست آموزشی ـ تربیتی، و با توصیه‌های تعدادی از سمپوزیومهای بین‌المللی که در هماهنگی و همنواسازی برنامه‌های آموزشی در کتابخانه «آموزش و پرورش» آرشیو و مطالعات اسنادی مشارکت داشته‌اند، به انجام رسیده است. فعالیتهای عمده‌ای در این زمینه، شامل خبرنامه فصلی در آموزش و تربیت کارکنان اطلاعاتی و انبار پخش بین‌المللی در موارد تربیتی و آموزش اطلاعاتی، در سال ۱۹۸۰ ایجاد شد که هر دو آنها، در سایه قرارداد با فید صورت گرفته است. راهنماهای موقعیتها و مؤسسه‌ها، عبارتند از: راهنمای جهانی به مدارس کتابداری ودوره‌های آموزشی در اسناد، ویرایش دوم ۱۹۸۱، و ویرایشهایی از ثبت فعالیتهای آموزشی و تربیتی در علوم کتابداری و اطلاع رسانی وآرشیو که به سه زبان و براساس قرارداد با فید منتشر شده است.

پی جی آی برای برنامه ریزی تسهیلات آموزشی منطقه‌ای و ملی، به منظور ارزیابی و بازبینی برنامه‌ها و آموزش بعضی از موضوعات کمک کرده است. از آغاز دهه ۱۹۸۰، کمک برای تعداد معدودی از برنامه‌های منطقه‌ای، برای نشان دادن فعالیتهایی در این زمینه مورد توجه خاصی قرار گرفته است، که از آن جمله‌اند: دوره منطقه‌ای برای متخصصان اطلاعات علمی در دانشگاه فیلیپین، توسعه برنامه منطقه‌ای در آفریقا، برنامه‌های پیشرفته (کارشناسی ارشد به بالا) در ونزوئلا و چین.

پی جی آی همچنین در تهیه مواد آموزشی برای متخصصان اطلاعاتی همکاری کرده است. کتاب دستی برای سیستمها و خدمات اطلاعاتی (۱۹۷۷)، خلاصه‌ای از دانش در این زمینه برای استفاده کارگزاران و دانشجویان، هنوز سخت مورد نیاز است. یونسکو برنامه‌های آموزشی فراوانی را به ثمر رسانده است. (برای مثال، مقدمه عمومی علوم اطلاع رسانی و اسناد، ۱۹۸۱، مدل آموزشی برای آموزش متخصصان در ذخیره و احیای اسناد، ۱۹۸۴، و بسیاری دیگر).

پی جی آی دوره‌های فراوانی با موضوعات مختلف مانند تکنولوژیهای جدید، بازیابی اطلاعات، مدیریت خدمات، نمایه‌سازی، شبکه‌سازی و کاربرد استانداردها ارائه کرده است. از سال ۱۹۷۴، یونسکو، سرپرستی دوره‌های آموزشی پیشرفته را در فرانسه برای متخصصان اطلاع رسانی و اسناد علمی به عهده داشته است. همچنین از دوره‌های آموزشی در دانشگاه شفیلد انگلستان حمایت کرده است. با اولویتی که به برنامه میان مدت یونسکو در توسعه اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی اطلاعات داده شده این امر بسیار قابل توجه و شدیداً در تمام مناطق و در همه رشته‌ها و حرفه‌ها مورد نیاز بود. هزینه زیاد سازماندهی دوره‌های بین‌المللی که در زمان کافی تجاربی بیش از دسترسی سطحی به مواد اطلاعاتی فراهم آورد، در سال ۱۹۸۶ منتج به تجربه‌ای موفق شد که در آن سال با «دوره‌های پروازی»، گروهی از استادان دانشگاه شفیلد درآن شرکت داشتند. به طور مشخص، از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷، حدود ۴۰ دوره و سمینار در ۲۶ کشور سازماندهی شد که در آن ۷۶۱ نفر شرکت کردند.

پی جی آی تأکید خاصی بر آموزش استفاده‌کنندگان اطلاعاتی دارد. با این همه، بر توسعه مواد و روش شناسی نسبت به سازماندهی فعالیتها برای استفاده‌کنندگان منابع محدودی تمرکز

دارد. تمرکز بر توسعهٔ مواد و روش شناسی، شامل توصیف تکنیکهای قابل تطبیق با مناطق، راهنمایی در افزایش شعور اطلاعاتی در معلمان، بسته‌های آموزنده برای جایگزین کردن تدریجی مهارتهای اطلاعاتی در آموزندگان، راهنماییهایی در بازاریابی اطلاعات و غیره می‌شود. این اقدامات با کارگاههای ملی و منطقه‌ای بر روی موضوعاتی که به مصرف اطلاعات مربوط است، تکمیل شده است.

برنامه ریزی اطلاعات عمومی (پی جی آی) در ۶ سال آینده

بیشتر کشورهای عضو، به ویژه کشورهای در حال توسعه، برای رسیدن به توسعه جامع زیرساختهای اطلاعاتی (خدمات اطلاعات فنی و علمی، کتابخانه‌ها و آرشیو) احساس نیاز می‌کنند. هم‌اکنون بسیاری از آنها بدین منظور سیاستهای خود را طراحی کرده‌اند و برای این مقصود، ماشین‌آلات هماهنگ کننده را یامستقر کرده‌اند و یا در حال استقرار آنها هستند. این جریان، حاصل نزدیکی سه عامل است: اول روش شناسی مشترک برای تأسیس و مدیریت کلیه خدمات و محصولات اطلاعاتی؛ دوم، وجود محور حرفه‌ای مشترک انضباط و تکنیک و سوم، احساس مشترک ضرورت برای استفاده حداکثر از منابع ملی اطلاعاتی. این آگاهی فزاینده از اهمیت حیاتی اطلاعات در برنامه توسعه، موجب افزایش چشمگیر فعالیتهای ملی در زمینه اطلاعات شده است. در مورد کشورهای در حال توسعه، این جریان موجب درخواست وسیعتر و منظمتر همکاری و کمک بین‌المللی شده است. صنعت اطلاعات و سایر تکنولوژیهای مورد نیاز در این زمینه، معمولاً به نام «تکنولوژیهای اطلاعاتی»، روشهای دسترسی و انتقال اطلاعات درگذشته را تغییر می‌دهند. این عمل،به خودی خود نگرشی مشترک را به کتابخانه‌ها، آرشیوها و سایر خدمات اطلاعاتی ایجاب می‌کند. تکنولوژی اطلاعاتی همچنین استقرار یک سیستم درسی مشابه را برای آموزش کتابداران، سندآرایان، آرشیوداران و مدیران ضبط سندها ضروری کرده است، زیرا مرز بین این امور، خیلی مشخص نیست. به علاوه، پیشرفت سریع اخیر در ریز انفورماتیک، برای کشورهای در حال توسعه (همانند واحدهای کوچک و متوسط اطلاعاتی در کشورهای صنعتی)، امکان استقرار سیستمها و خدمات اطلاعاتی کافی را با هزینه نسبتاً کم

فراهم می‌کند. در حالی که این روش، احتمالاً در آینده فراگیر خواهد شد، برای کشورهای در حال توسعه با توجه به محدودیتهای منابع در بین سایر عوامل، رسیدن به مدلهای کشورهای صنعتی با دشواریهایی همراه است. این خود نشانگر این است که چرا آنها به طور روزافزون بر دیدگاههای منطقه‌ای و حتی کوچکتر از آن تکیه می‌کنند و از این رو، ممکن است به شکل شبکه‌های تعاونی برای جمع‌آوری مدیریت و توزیع اطلاعات تخصصی، یا به صورت همکاری مشترک برای آموزش متخصصان اطلاعاتی و یا برنامه‌هایی برای تبادل تجربه‌ها درآید. سرانجام، ارزش برتر اطلاعات، به طور وسیع در حال شناخته شدن است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، برای بررسی راههای بازاریابی محصولات و خدمات اطلاعاتی خود کار را شروع کرده‌اند.

هدفها و راهبردها

در سالهای آینده، یکی از تلاشهای اصلی در برخورد با جامعه حرفه‌ای در سراسر جهان، همگامی با تغییرات تکنولوژیک است. هدف یونسکو، تعقیب دقیق و ارزیابی اثرهای آنها در روش شناسیهای دسترسی و زیرساختها، از جمله برنامه ریزی اطلاعات و توسعه نیروی انسانی است. تأکید بر روی ارزیابی و آزمایش خدمات جدید مشکل یاب، که به نیازهای متغیر پاسخ می‌گوید و اطلاعات تخصصی را به شکلی که برای تصمیم‌گیری آن را خیلی زود قابل استفاده می‌کند، قرار دارد. اهداف عمده، شامل تطبیق با نقش پویا و فزاینده کتابخانه‌ها که منعکس‌کنندهٔ نیازهای متغیر برای اطلاعات در جامعه، ومدرنیزه کردن خدمات آرشیوی است، می‌باشد؛ و توجه خاصی به نقش «میان فرهنگی» کتابخانه‌ها معطوف شده است.

راهبردها، به طرف تقویت طرحهای تعاونی میان منطقه‌ای، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای و شبکه‌های اطلاعات تخصصی، به گونه‌ای که به سرعت به سوی خودکفایی پیش روند، سمت گرفته‌اند. این چنین راهبردهایی با همکاری بسیار و مداوم سایر آژانسها و بخشهای سازمان ملل و سازمانهای غیردولتی توأم خواهد بود.

اقدامات

در سالهای آینده، برنامه یونسکو تا اندازه‌ای با گذشته متفاوت است: کشورهای عضو تصمیم گرفته‌اند که آن را در قالب هفت منطقه برنامه اصلی و تعدادی پروژه‌های سیار، موضوعات و برنامه‌های متقاطع (عرضی) سازمان دهند.

به پی جی آی، برنامه متقاطع (عرضی) داده شده تا از یک طرف، توصیه روش شناختی برای مناطق، برنامه موضوعات عرضی و پروژه‌ای متحرک داشته باشد، و در عین حال، هویت خویش را به عنوان برنامه واحد یونسکو برای فعالیتهای اطلاعاتی در بین کشورهای عضو حفظ کند.

برنامه برای سالهای ۱۹۹۰ ـ ۱۹۹۵، حول چهار برنامه زیر شکل گرفته است:

- چارچوب مفهومی (از جمله آموزش عمومی)
- خدمات و شبکه‌های اطلاعاتی، در زمینه علوم و تکنولوژی
- کتابخانه‌ها
- آرشیوها (از جمله آرشیوهای سمعی و بصری)

چارچوب مفهومی و روش شناختی برای مدیریت سیستمها و خدمات اطلاعاتی علمی و فنی، کتابخانه‌ها، مراکز اسناد، آرشیوها و سیستمهای مدیریت ضبط صوت ها توسعه خواهد یافت، و مدام با تغییرات تکنولوژی و محیط زیست انسانی خود را همگام خواهد کرد. برخی از اقدامات برای ارزیابی تأثیر تکنولوژی جدید بر روی حرفه اطلاعاتی و انتقال دانش و دانش فنی، انجام خواهد شد.

تجدیدنظر و تطبیق خطوط کلی، ابزار و استانداردها برای کاربرد اطلاعات و یا توسعه و تربیت، برپایه مطالعات قبلی صورت خواهد پذیرفت. به کشورهای عضو، در تدوین سیاستهای اطلاعات ملی و برنامه‌هایی که بر مسیر اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی ـ هر جا که مربوط است ـ متکی است، کمک می‌شود. دوره‌های آموزش پیشرفته برای متخصصان اطلاعاتی، که در برنامه میان مدت دوم در جریان است، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و یک رشته از دوره‌های جدید به ویژه برای مربیان، گذاشته شده است. کوشش برای هماهنگ کردن برنامه‌های تربیتی، تعقیب

خواهد شد. به عنوان یک دیدگاه جدید، برای استفاده تسهیلات جدید ارتباطات دوربرد در پروردن اطلاعات، یک شبکه تعاونی از مؤسسه‌های آموزشی برقرار خواهد شد و نتایج مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

با توجه به خدمات و «شبکه‌های اطلاعاتی در علم و تکنولوژی»، دانشمندان، مهندسان و تصمیم‌گیرندگان در برتری مناطق توسعه، برای استفاده بهتر از پایگاههای موجود و سایر منابع اطلاعاتی تخصصی، به ویژه داده‌های واقعی که مستقیماً در فعالیتهای توسعه مورد استفاده‌اند، تربیت خواهند شد.

شبکه‌های اطلاعات بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای موجود تحکیم خواهند شد و قابلیتهای بعضی ازکشورهای عضو برای اینکه بتوانند به طور مؤثر در این شبکه‌ها شرکت کنند، تقویت خواهد شد.

در محدوده «کتابخانه‌ها»، به مدیریت کتابخانه‌ها، ارتقا و بازاریابی خدمات کتابخانه‌ای، ارزیابی نیازهای اطلاعاتی مصرف‌کنندگان و تربیت کتابخانه‌ای توجه خواهد شد. با دید افزایش توجه به نیازهای عموم، اطلاعات ویژه و خدمات مشاوره‌ای در مقیاس یک پروژه نمونه توسعه خواهد یافت. برنامه‌ای در ذخیره و حفاظت مواد کتابخانه‌ای و آمادگی برای شرایط سخت به تدریج رشد خواهد کرد و اجزای تربیت شونده را شامل خواهد شد. توافقهای همکاری و سایر شکلهای حمایت بین‌المللی، در بین کتابخانه‌ها برای افزایش جریان ادبیات علمی به سوی کشورهای در حال رشد سیر خواهد کرد. جنبه‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و حقوقی مربوط به استفاده رسانه‌های نوری، برای انتقال اسناد و نیازمندیهای آموزشی مربوط، مورد آزمایش قرار خواهد گرفت و نمونه‌های عملی گرفته خواهد شد. در سایه همکاری با مقامات ملی و جامعه بین‌المللی، پروژه برای بازسازی کتابخانه اسکندریه به عنوان یکی از پروژه‌های بزرگ «دهه جهانی برای توسعه فرهنگی» مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

درقالب چارچوب برنامه مدیریت پیشینه و آرشیوها، تأکید بر روی خودکارسازی و مدرنیزه‌کردن خدمات آرشیوی، برپایه استقرار نظامهای خلاق آرشیوی، بر روی حفاظت در ذخیره آرشیوها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه همانند آمادگی به هنگام بحران و خطر

وجود داشته است. باید نسبت به شبکه‌سازی آرشیوها، در قالب طرح نمونه توجه عمیق داشت. برنامه‌های میکروفیلم سازی در قالب برنامه ده ساله برای احیا و مرمت میراث آرشیوی به وسیله میکروفرمها ادامه خواهد یافت. تقویت و مدرنیزه کردن آرشیوهای سمعی و بصری، همانند همکاری و آموزش منطقه‌ای در این منطقه، در خلال برنامه افزایش خواهد یافت.

عملیاتی که در بالا ذکر شد، مطمئناً تأثیری برچشم‌انداز بین‌المللی خواهد داشت و به کم کردن ناهمگونیها و اختلافات ملی و بین‌المللی کمک خواهد کرد. به هرجهت، روشن است که عملیات پی جی آی فقط می‌تواند از یک طبیعت تشکیلات دهندگی برخوردار باشد و کوششهای اصلی را برای مشارکت، جمع‌آوری، ذخیره سازی، بازیابی و استفاده بهتر از اطلاعات، باید خود کشورهای عضو انجام دهند.

پی‌نوشت‌ها:

1. PGI = The General Information Programme, Ten year Achievements and Future Prospects/ V.Montviloff, W. Lohner, Information Fotum On Information and Documentation. 4/14 (1989). PP. 3 - 9
2. Decumentation
3. UNISIST = United Nations International System Of Information On Science and Technology
4. NATIS = Narth Atlantic Treaty Information Service.
5. Interconnection
6. Funds - in - Trust
7. RAMP = Records & Archives Managment Programme
8. Packages
9. APINMAP = The Asian & Pacific Information Network On Medical and Aromatic Plants

10. INNERTAP

11. INFOTERRA

12. ICSSD = International Committee For Social Science Information & Documentation

13. ICSU = International Council Of Scientifie Unions.

14. CODATA = Cammitee On Data

15. IFIP = International Federation For Information Processing

16. STM = International Croup Of Scientific, Technical and Medical Publishers

17. WFEO = World Federation Of Engineering Organization

18. UAP = Universal Availabity Of Publishers

19. Record

20. ICA = International Council For Archives

ISO = International Standard Organization

IFLA = International Federation Of Library Assoination

PADIS = Pan Agrican Doumentation & Information System

ISORID = International Information System On Research In Documentation

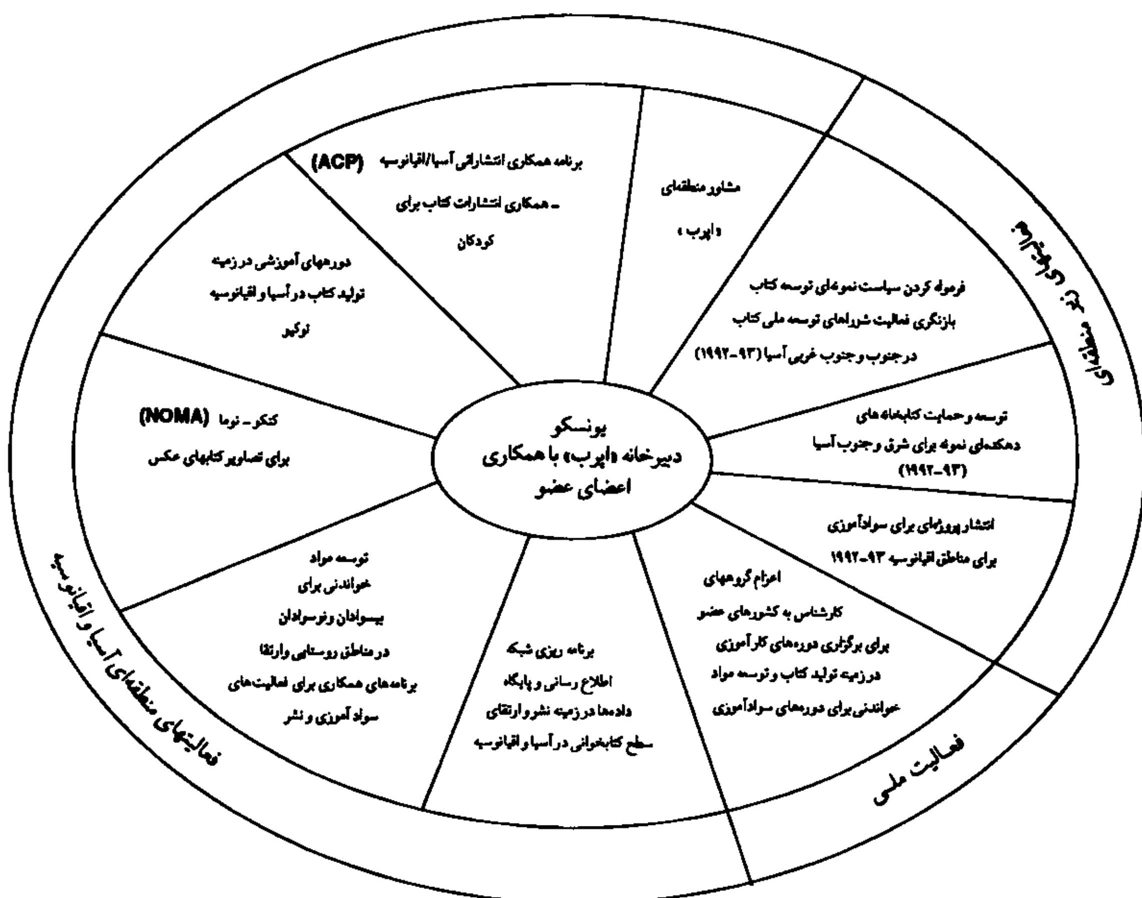
۱۲

اپرب چیست؟*

اپرب که «علامت اختصاری نام لاتین برنامه همکاری آسیا و اقیانوسیه برای ارتقاء سطح خواندن و توسعه «کتاب» و وابسته به «آسی‌سی‌یو[۲]» که علامت اختصاری «همکاری فرهنگی آسیا برای یونسکو» است تلاش می‌کند در زمینه‌های مورد نظر در کشورهای عضو به فعالیت بپردازد.[۳] این سازمان نشریه‌ای به نام ABD[۴] که مخفف «توسعه کتاب در آسیا» است که به زبان انگلیسی به صورت فصلنامه چاپ و منتشر می‌شود و اولین شماره آن در سال ۱۹۶۹ منتشر شده است. در این نشریه عمدتاً رویدادها، اخبار و فعالیت‌های مربوط به کتاب و کتابخوانی و نشر در کشورهای منطقه چاپ می‌شود. ایران نیز از طریق سازمان ملی یونسکو و کمیتهٔ پی‌جی‌آی (برنامه اطلاعات عمومی) که زیرمجموعه آن است به این سازمان وابسته است، شاخه این سازمان شامل کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان به مرکزیت پاکستان (اسلام‌آباد) فعالیت دارد.

---

* ـ این مقاله در فصلنامه پیام کتابخانه شماره ۲ (۴) زمستان ۱۳۷۱ چاپ شده است

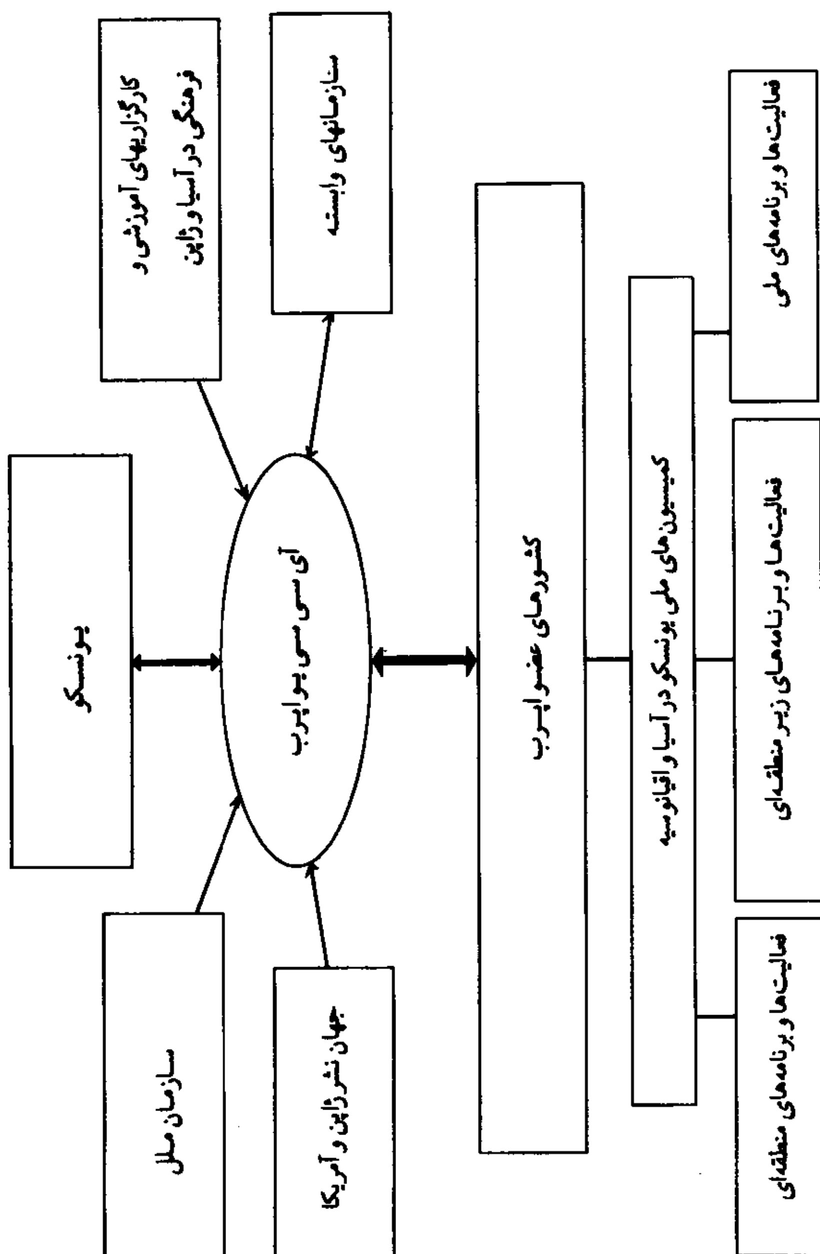


نمودار ۱ - وظایف و اهداف اپرب

مأخذ فصلنامه ABC، شمارهٔ ۲، سال ۱۹۹۲

نمودار ۱ - وظایف و اهداف اپرب

مأخذ فصلنامه ABC، شمارهٔ ۲، سال ۱۹۹۲



نمودار ۲ - شبکهٔ همکاری اپرب
مأخذ فصلنامه ABC، شمارهٔ ۲، سال ۱۹۹۲

نمودار ۲ - شبکهٔ همکاری اپرب

مأخذ فصلنامه ABC، شمارهٔ ۲، سال ۱۹۹۲

لازم به ذکر است که متأسفانه از زمان فعالیت دبیرکل جدید سازمان ملی یونسکو در ایران هیچگونه توجهی به این کمیته نشده و هیچ فعالیتی در جهت شناساندن وضعیت کشور در بارهٔ موضوعات مورد بحث صورت نگرفته است. اگرچه درگذشته هم حمایت چندانی به عمل نمی‌آمد اما دست کم جلسات تشکیل و اخبار در بین سازمان‌های عضو منتشر می‌شد. این کمیته کوشید که خبرنامه‌ای را در زمینهٔ اطلاعات مربوط به اطلاع‌رسانی منتشر کند، اما به سبب عدم حمایت و پشتوانه لازم تنها یک شمارهٔ آن منتشر گردید.

در هر حال آنچه موجب تأسف است عدم مشارکت کشورمان در این گونه مجامع، عدم بهره‌گیری لازم از امکانات آنها و دست‌کم عدم حضور به منظور عرضهٔ وقایعی است که درکشورمان می‌گذرد. امید است مقامهای مسؤول علی‌رغم گرفتاری‌های فراوان چنانچه تشکیل و ادامه جلسات را ضروری می‌دانند نسبت به فعال شدن آن اقدام لازم به عمل آورند. این در حالی است که بنابر اخبار واصله با وجود این کمیته اطلاع ـ رسانی، کمیته مشابه دیگری به تازگی متولد شده است.

غرض از ذکر این مقدمه کوتاه توضیح مجدد در باره فعالیت‌های «اپرب» است که برگرفته از روی جلد نشریه ABD جلد ۲۳ شماره ۲ سال ۱۹۹۲ است. آشنایی با فعالیت این سازمان دست کم برای سازمانهایی مثل نهضت سوادآموزی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یا فرهنگ و آموزش عالی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، وزارت آموزش و پرورش بسیار مفید خواهد بود.

توضیحات:

1 . APPREB = Asian/ Pacific Cooperative Programm
in Reading Promotion and Book Development.

2 . ACC U = Adisn / Pacific Cultural Cooperative
for Unesco

۳. توضیح مفصّلی در بارهٔ اهداف «اپرب» در شمارهٔ ۳ مجلّهٔ پیام کتابخانه آمده است.

4 . ABD = Asian / Pacific Book Development.

PGI = Programme Generalde, Information.

۱۳

فعالیتی جدید برای حمایت از کتاب و کتابخوانی*

شبکه‌ای با نام برنامه همکاری آسیا ـ اقیانوسیه برای ارتقاء سطح کتابخوانی و توسعه کتاب: اپرب** زیر نظر سازمان یونسکو به وجود آمده که از آن دفتری برای اداره امور مربوط به کتاب و کتابخوانی در سه کشور افغانستان، پاکستان و ایران در اسلام‌آباد تشکیل گردیده است. در سال ۱۹۹۰، سه برنامه مشاوره در مانیل، دهلی و اوکلند برگزار گردید و پیشنهادهای مقدماتی برای ایجاد سازمان «اپرب» داده شد. در این سه اجلاس همه کشورهای عضو، علاقه‌مندی کشور متبوعشان را در این امر خیر بیان داشتند و اعلام نمودند که حاضر به تخصیص منابع برای این امر مهم هستند. از طرف مؤسسان تجاری و ناشرانی که به اجلاس ۱۹۹۱ دعوت شده بودند نیز

---

* این مقاله در فصلنامه پیام کتابخانه شماره ۲ (۱) بهار ۱۳۷۱ چاپ شده است.

** (Aisa _ Pacific Co _ Operative Programme In Reading Promotion and Book Development : APREB)

این مسأله مورد استقبال قرار گرفت.

از همه کشورهای منطقه ـ از جمله ایران ـ دعوت به عمل آمده بود تا ضمن معرفی نماینده‌ای برای پیگیری این امر، در صورت داشتن شرایط به عضویت درآیند، اعضاء از مؤسساتی انتخاب می‌شوند که دارای ویژگیهای زیر باشند:

ـ برای مدت ۵ سال یا بیشتر فعال باشند.

ـ در امور آموزشی، برنامه‌های مطالعاتی، تشکیل سمینارها و کارگاه‌های منطقه‌ای یا ملی برای کشور خود و یا سایر کشورها مشارکت داشته و یا درگیر مستقیم باشند.

ـ به متخصصان واجد شرایط برای اجرای دوره‌ها و یا کارگاه‌های کوتاه و یا بلندمدت برای توسعه کتاب و کتابخوانی دسترسی داشته باشند.

ـ ظرفیت تشکیل و یا میزبانی در فعالیت منطقه‌ای و یا ملی را داشته باشند و بتوانند خدمات دبیرخانه‌ای را در خلال سالهای ۹۳ ـ ۱۹۹۲ (چنانچه بودجه یونسکو اجازه دهد) به عهده بگیرند.

اهداف مشاوره

این اهداف را می‌توان چنین برشمرد:

۱ ـ ترسیم چارچوبی که در قالب آن دبیرخانه «اپرب» بتواند انجام وظیفه کند.

۲ ـ آماده نمودن برنامه‌های عملی منطقه‌ای و ملی برای سالهای ۳ ـ ۱۹۹۲ در راستای برنامه و بودجه مصوب یونسکو از طریق:

الف ـ ترتیب برنامه‌ای که منعکس کننده اولویتهای ملی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای باشد به‌گونه‌ای که برنامه‌ها در قالب بودجه مصوب بتواند اجرا شود.

ب ـ دادن اولویت به فعالیتهایی که ممکن است به صورت ملی تکرار شود.

ج ـ مشخص کردن مؤسسات میزبان.

د ـ برآورد سطح و نوع حمایت «اپرب» که برای اجرای این فعالیتها در سطح ملی مورد لزوم‌است.

۳ ـ مشخص کردن برنامه‌هایی که از طریق برنامه مشارکت در سطح منطقه‌ای یا ملی می‌تواند اعتبار دریافت کند.

دبیرخانه «اپرب»

هر عضو، جزء لاینجزای دبیرخانه «اپرب» است. یونسکو اسلام‌آباد به عنوان هماهنگ‌کننده اجرایی، خدمات اطلاع‌رسانی از جمله تعیین و تدارک حمایت حرفه‌ای و فنی، مبادله اطلاعات و خدمات است و به عنوان رابطی با سازمان (اصلی) یونسکو و سازمان ملل و شرکای مالی عمل خواهد کرد. دبیرخانه به ویژه همکاری و حمایت مؤسسان فرهنگی آسیا را جلب خواهد نمود.

در پیش‌بینی منافع همه‌جانبه و تمایل برای مشارکت به عنوان بخشی از فعالیت دبیرخانه باید به محدودیت امکانات اشاره کرد. دبیرخانه مشارکت در مشاوره را برای حداکثر ۵ کشور در سال محدود می‌کند، مگر اینکه منابع مالی جدید مشخص شود.

آموزش و آینده

این شبکه، از فعالیت در زمینه‌های دوران بعد از باسوادی، تهیه مواد آسان خواندنی در موضوعات مربوط و مورد توجه کودکان و یا افراد بزرگسال باسواد شده حمایت خواهد کرد. و نیز از کوششهایی که در دهه جهانی برای توسعه فرهنگی به منظور ایجاد محیطی مناسب برای خواندن به زبان مادری یا زبانهای ملی صورت می‌گیرد، پشتیبانی می‌کند. این حمایت شامل تهیه فرصتهای خواندن و تولید و توزیع مواد خواندنی برای نوسوادان با کمکهای لازم در به حرکت درآوردن منابع ملی و بین‌المللی، به‌ویژه در تهیه مواد آموزشی در اجرای مصوبات «کنفرانس جهانی آموزش برای همه» ظرفیت‌های فنی و مدیریت ملی برای اجرای این برنامه‌هاست.

فرهنگ برای توسعه

این شبکه بر نقش کتاب و مطالعه در تقویت فرهنگ و رسیدن به آموزش سوادآموزی و توزیع دانش علمی، و تشویق برای توسعه شرکت‌های انتشاراتی در کشورهای در حال رشد، و ترغیب پذیرش و نظارت بر قانونگذاری مربوط به حق مؤلف در سطح ملی تأکید دارد. در زمینه کتاب و کتابخوانی، خط مشی بر ارتقاء سطح خواندن، تقویت قابلیتها و فعالیتهای منطقه‌ای به منظور از بین بردن هر چه بیشتر موانع موجود بر سر راه گردش جهانی کتاب و توسعه کتابهای

درسی، کتابخانه‌ها و کتاب به طور کلی استوار است.
فواید حاصل از این فعالیت به شرح زیر است:

۱. مشارکت ملی، منطقه‌ای در «اپرب» موجب صرفه‌جویی در منابع، توسعه در برنامه‌های مورد نیاز، از میان برداشتن موانع، ارتقاء دسته‌جمعی، افزایش فعالیتهای انعطاف‌پذیر و فعال‌تر شدن مؤسسات و کشورهای مشارکت‌کننده خواهد شد.
۲. بر اساس روابط دوجانبه ـ و نه یک طرفه ـ و به منظور کمک به کشورهایی که به سمت خودکفایی حرکت می‌کنند، شبکه «اپرب» فرصتی واحد را برای هر یک از اعضاء و برای مبادله با سایر اعضاء فراهم خواهد کرد.
۳. شبکه همکاری، مکانیزم بلندمدت توسعه را بر اهداف کوتاه‌مدت ترجیح می‌دهد و زمینه را برای اعضاء فراهم می‌سازد.
۴. شبکه همکاری از مبادله اطلاعات و توزیع آن حمایت و به توسعه کتاب و کتابخوانی کمک می‌کند.

اهداف

«اپرب» از طریق شبکه تخصصی خود تسهیلات زیر را فراهم می‌کند:

الف. رسیدن به سواد پایا و عادت مطالعه مستمر برای همه.
ب. توسعه کیفیت کتابها از جمله کتابهای کودکان، خوانندگان جنبی و مواد سوادآموزی.
ج. ایجاد و گسترش مراکز خواندنی روستایی و کتابخانه‌های سیار.
د. تقویت قابلیتها، ظرفیتها و زیرساختهای ملی.
هـ. تقویت منابع، به ویژه منابع انسانی از طریق حمایت برنامه‌های تربیتی برای ارتقاء سطح کتابها، تولید و توزیع مهارتها از جمله تربیت مربیان صنعت کتاب، از طریق:

۱. عدم تمرکز تصمیم‌گیریها در زمینه برنامه‌ها و بودجه‌ریزی، از طریق دریافت داده‌های ارزشمندی که توسط اعضاء به شبکه می‌رسد.
۲. تقویت همکاری بین سازمانی و فردی در جهت مبادله افکار، اطلاعات، اسناد، تجارب و نیروی انسانی، و نیز رغبت به همکاری و حمایت سازمانهایی نظیر مرکز فرهنگی آسیا

برای یونسکو (ACCU).

۳. حمایت و تشویق نوآوریها و تغییرات در منطقه به منظور توسعه تحقیق، ظرفیتهای تولیدی، بازاریابی و توزیع.

۴. تشویق تجدیدنظر انتقادی و مستمر از تأثیر برنامه‌ها در جهت حمایت از اهداف ملی توسعهٔ نیروی انسانی.

۵. افزایش اهمیت خوداتکایی و حداکثر استفاده از نیروی تحصیلکرده ملی.

۶. ارتقاء سطح همکاری دوجانبه بین کشورهای عضو منطقه.

۷. تدارک حمایت لازم در زمینه‌های فنی، فرهنگی و مدیریتی در سطح بالای نیروی انسانی.

۸. استفاده از حمایت مؤثر و جدی سازمانهای مرکزی یونسکو در خدمات اسنادی و ارجاعی و رسیدن به پایگاههای داده‌ها، حق مؤلف، توسعه بین‌المللی کتاب و موافقت‌نامه‌ها.

مکانیزمها (شامل عضویت، شوراهای ملی کتاب و مرکز هماهنگ‌کننده)

۱. اصالتاً اعضای این شبکه باید به سازمانها، اشخاص و پروژه‌هایی محدود شود که درکار نشر، ارتقاء و توسعه کتاب وکتابخوانی و توزیع کتاب مشغولند.

۲. شورای توسعه کتاب، در جایی که وجود دارد و فعال است می‌تواند به عنوان کارگزاران، هماهنگ‌کننده در شکل گروه‌های توسعه ملی* که در نظام شبکه‌ای APIED معرفی شده‌اند برای افزایش سطح نوآوریها درکشورهای خویش و به عنوان رابطی بین مراکز هماهنگ‌کننده و وابسته در محدوده منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای عمل نمایند.

۳. مراکز هماهنگ‌کننده (که به آن مراکز همکار در نظام APIED گفته می‌شود) باید به وسیله مقامات ملی برای انجام خدمات کتاب در سطح ملی و محلی مشخص شوند.

۴. ممکن است توسط مراکز هماهنگ‌کننده ملی ملاکهای دیگری هم پیش‌بینی شود.

---

* (National Development Groups : GDN)

فعالیتها

(شامل فعالیتهای مصوب سال ۱۹۹۱، پیشنهادها برای سالهای ۹۲ - ۱۹۹۳ و فعالیتهایی که از درون آن برنامه‌هایی را می‌توان پیشنهاد کرد).

برنامه مصوب ۱۹۹۱ در زمینه توسعه کتاب در حال انجام است. و فعالیتهای مشخصی برای دوره ۹۳ - ۱۹۹۲ که توسط شرکت‌کنندگان در یک برنامه مشاوره پیشنهاد شده است. دو برنامه دیگر مشاوره فعالیتهایی را پیشنهاد کردند که از درون آن می‌توان برنامه‌هایی را بیرون کشید.

برنامه مصوب سال ۱۹۹۱

- مشاوره منطقه‌ای در سطح بالا برای قبول پیشنهادهای مشخصی که توسط مشاوره‌های سال ۱۹۹۰ انجام شده بود و فرموله کردن مکانیزم برنامه شبکه‌ای «اپرب» برای برنامه میان مدت و باقیمانده (مالزی).
- همکاری در نشر مواد خواندنی برای بعد از دوره سوادآموزی برای زنان و دختران با همکاری برنامه APPEAL یونسکو و دانشگاه آزاد علامه اقبال در اسلام‌آباد پاکستان.
- تکمیل تحقیق LASP در مورد تلاشهای نشر دانشگاهی در آسیا و اقیانوسیه (فیلیپین).
- کارگاه آموزشی زیرمنطقه‌ای در مورد استفاده از ISBN (تایلند).

برنامه‌های پیشنهادی سال ۹۲ - ۱۹۹۳

بر پایه برنامه و بودجه مصوب یونسکو، فعالیتهای زیر می‌تواند انتخاب شود.

- مشاوره منطقه‌ای در سطح بالا برای بازبینی برنامه «اپرب» و تصویب برنامه‌ای برای سالهای ۴ - ۱۹۹۵.
- ترتیب ملاقات منطقه‌ای بین صاحب‌نظران در زمینه ارتقاء سطح کتاب‌خوانی و روشهای تقویت مطالعه.

تأسیس کارگاه

- تأسیس کارگاههای زیرمنطقه‌ای برای توسعه مهارتها در ارتقاء سطح کتاب و کتابفروشی

روستایی و شهری.
- تأسیس کارگاههای زیرمنطقه‌ای بر روشهای نگارش و طراحی کتابهای درسی.

فعالیتهای پیشنهادی

۱. دوره‌های آموزشی برای کارکنان شاغل در امر کتاب و توسعه تسهیلات تربیتی.
۲. کمکهای فنی برای افراد و سازمانهای داوطلب در برنامه‌ریزی و مدیریت جنبه‌های مختلف توسعه کتاب و کتاب‌خوانی.
۳. کمکهای فنی برای پیشرفت در معرفی و طراحی کتابهای درسی و آموزشی.
۴. حمایت مبادله تجارب و مواد خواندنی برای کودکان.
۵. کمکهای فنی برای تولید و توزیع مواد خواندنی برای دوره بعد از سوادآموزی به ویژه در مورد دختران و زنان.
۶. دوره‌های آموزشی برای معلمان، استقرار مرکز مطالعه روستایی و افزایش سطح کتاب و کتابخوانی برای کودکان و اولیاء آنها.
۷. حمایت از برنامه‌های آگاهی‌دهنده و ارتقاء موقعیت معلمان و متخصصان در زمینه خواندن، ارتقاءدهندگان سطح کتاب، کتابفروشیها، تصمیم‌گیرندگان، توزیع‌کنندگان، مطالعه‌کنندگان، صاحب‌نظران در امر افزایش سطح کتابخوانی و تهیه‌کنندگان فیلمهای کودکان و شوراهای ملی کتاب.
۸. تقویت رقابت در زمینه‌های بازاریابی و فروش کتاب، ارتقاء سطح کتاب، تبلیغات، آگاهی در زمینه کتاب‌خوانی، و توسعه سیاست کتاب.

دبیرخانه «اپرب» (شامل وظایف، کارکنان و محل)

وظایف دبیرخانه عبارتند از:
۱. آماده ساختن و همکاری منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای امور برای هر دوره دو ساله.
۲. عقد قرارداد در مورد انتشار هماهنگ در سه سطح کتاب و انتشار حقوق برای تجدید چاپ کتابهای فنی
۳. تدارک خدمات واسطه‌ای برای تجهیزات چاپی مستعمل.

۴. افزایش سطح آگاهی نسبت به واژه‌ها و تعاریف استاندارد.
۵. تدارک بنگاه پخش برای تحقیق و بررسیهای مربوط.
۶. تقبل انجام مطالعات.
۷. استقرار منابع انسانی و برنامه پایگاههای داده‌ها و اشاعه اطلاعات.
۸. ایجاد مجموعه و خدمات ارجاعی برای حکومتها به منظور افزایش سطح نشر، توسعه بازارها، تقلیل هزینه‌ها، و افزایش ایجاد نمایشگاههای زیرمنطقه‌ای کتاب.
۹. معرفی منابع جدید اعتباری.
۱۰. اقدام به عنوان واسطه و بنگاه پخش برای سفارشات مناقصه‌ای و فرصتهای نشر دوجانبه.
۱۱. حمایت از توزیع گسترده کتاب از جمله منابع و مواد اطلاعاتی برای آموزش پایه و برنامه‌های بعد از سوادآموزی.
۱۲. تلاش مستمر به منظور تقلیل حقوق گمرکی برای واردات کتاب.
۱۳. حمایت از همکاری بخش خصوصی یا بخش دولتی در زمینه کتاب.
۱۴. حمایت از افزایش تولید مواد خواندنی در سطح بالا برای اینکه کتابهای درسی را تکمیل کند.
۱۵. حمایت از گردش دوباره کتابهای درسی در بانکهای کتاب.
۱۶. تحقیق در مورد هزینه‌های پستی و قبولاندن حذف هزینه‌های پستی برای کتاب و مجلات، با همکاری سازمانهای IPU و UNDP.

کارکنان و محل دبیرخانه

۱. به منظور ایجاد ارتباط، خدمات هماهنگی و اطلاع‌رسانی بهتر برای ۳۲ کشور عضو منطقه آسیا و اقیانوسیه، شرکت‌کنندگان در سه برنامه مشاوره اظهارنظر کردند که دبیرخانه «ایرب» باید در منطقه‌ای که حالت مرکزیت برای این کشورها داشته باشد مستقر باشد تا بتواند بر فعالیتهای خود در زمینه کتاب و کتابخوانی ادامه دهد.
۲. کشورهای حوزه اقیانوسیه به خاطر دوری آنها، کوچک بودنشان و اقتصاد و زیرساختهای انتشاراتی محدود، جمعیت کم، چندگانگی، زبان و مشکلات ارتباطی آنها که باید از

طریق دریا انجام شود از ویژگی خاصی برخوردارند. در اجلاس مشاوره‌ای «اوکلند» تصمیم گرفته شد که این کشورها بتوانند مرکز زیرمنطقه‌ای در بین کشورهای عضو داشته باشند.

۳. با توجه به بزرگی کشورهای جنوب آسیا و پیچیدگی مسائل آنان در اجلاس مشاوره‌ای اصلی توجه شد که مرکزی جداگانه در این رابطه باید به وجود آید که می‌تواند در ROBDAP باشد.

۴. بنابراین، حداقل نیروی انسانی مورد لزوم می‌تواند یک نفر متخصص و دکومانتالیست در مرکز و یک متخصص برنامه در هر یک از مراکز تابعه باشد که در مجموع چهار نفر خواهند بود. تا تأمین چنین نیرویی، کشورهای عضو به نوبت برای مدت دو سال این نیروها را تأمین خواهند کرد.

برنامه‌ها

در سال ۱۹۹۱

مشاوره منطقه‌ای برای استقرار دبیرخانه «اپرب» برای سالهای ۹۲ - ۱۹۹۳ و آماده کردن یک برنامه کار اجرا و تکمیل برنامه‌های مصوب (۲۵ سی / ۵)، مشخص کردن مراکز هماهنگ‌کننده ملی شرکت کننده واستقرار پایگاههای داده‌ها در زمینه الف) انتشار و توسعه کتاب، ب) شوراهای کتاب، و ج) مؤسسات و شرکتهایی که وظایف مشابه را انجام می‌دهند.

سال ۱۹۹۲

اجرای برنامه‌های مصوب (۲۶ سی / ۵) آغاز خبرنامه «اپرب» و شروع خدمات دکومانتاسیون، بازسازی برنامه‌های آماده و ارجاعی.

سال ۱۹۹۳

مشاوره منطقه‌ای برای ایجاد دبیرخانه‌ای جدید برای سالهای ۵ - ۱۹۹۴، بازبینی برنامه «اپرب» و استقرار برنامه‌ای برای سالهای ۹۵ - ۱۹۹۴.

مکانیزم و مؤسسات منطقه‌ای که با این شبکه همکاری می‌کنند.

هم‌اکنون شبکه‌هایی در منطقه وجود دارند. که برنامه‌هایی برای رفع نیازمندی‌های ملی، زیرمنطقه‌ای و منطقه‌ای در مورد آموزش پایه سوادآموزی، فرهنگ، آموزش تکمیلی، نوآوری آموزشی، نشر و اطلاع‌رسانی عمومی دارند. این شبکه‌ها شامل شرکتهای خصوصی، سازمانهای دولتی و سازمانهای وابسته به یونسکو می‌شود که به نوعی در کار توسعه کتاب و کتابخوانی نقش دارند.

دبیرخانه «اپرب» با این شبکه‌ها باب مراوده را به منظور تقویت زیرساختهای اهداف خویش می‌گشاید. تعدادی از این شبکه‌ها عبارتند از:

- مرکز فرهنگی آسیا برای یونسکو (ACCU) در توکیو.
- برنامه توسعه بین‌المللی نشر (IPDC) در دهلی‌نو.
- برنامه نوآوری آموزشی آسیا ـ اقیانوسیه برای توسعه APEID یونسکو در بانکوک.
- برنامه آموزشی برای همه آسیا و اقیانوسیه (APPEAL) یونسکو در بانکوک.
- برنامه اطلاعات عمومی آسیا ـ اقیانوسیه (PG/ ASTINFO) یونسکو در بانکوک.
- برنامه توسعه سوادآموزی اقیانوسیه USP SUVA.
- مؤسسه انتشار کتاب در دهلی‌نو.
- مؤسسه بین‌المللی ناشران دانشگاهی (SCH _ LARLY).
- دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY).
- کنفرانس نشر آسیایی ـ آفریقایی، که به ترتیب در آسیا و آفریقا برگزار می‌شود.
- شورای آسیایی ـ آفریقایی کتاب در دهلی‌نو.

۱۴

تحلیلی برروشهای تهیه پایان‌نامه‌های دوره‌کارشناسی‌ارشد و دکترا*

مقدمه

با آنکه در زمینه روش پژوهش و نگارش پایان‌نامه مطالب فراوانی به فارسی تألیف و یا ترجمه شده است[1] اما هنوز زمینه‌های مبهم به ویژه در نحوه اجرای آن وجود دارد. مطالب نوشته شده عمدتاً ناظر به نحوه نگارش پایان‌نامه، انواع پژوهشها، تفاوت روشها و مکانیزمهای جمع‌آوری اطلاعات، کاربرد مسایل آماری و پژوهش عملیاتی و مانند آن است. تاکنون پژوهشی مستقل در مورد روابط دانشجو و استاد، و هر دوی آنها با کمیته تحصیلات تکمیلی و یا کمیته‌های با وظایف مشابه، نحوه شروع تدوین پایان‌نامه و مراحل انجام آن، و مشخصات طرح پیشنهادی تحقیق[2] برای اینکه زودتر به تصویب برسد، تنظیم وقت برای اجرای پایان‌نامه، نقش استاد راهنما و مشاور و داور و مسؤولیتهای آنها، و نیز شکل برگزاری جلسه دفاع از پایان‌نامه و مسایل مشابه آن صورت نگرفته است و راهنمای جامعی در اختیار دانشجویان

---

* ـ این مقاله در فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی ۱، ۳ (بهار ۱۳۷۴) چاپ شده است

نیست. البته پاره‌ای از این موارد ممکن است بـه عـنوان آیـین‌نامه‌های اجـرایـی و راهـنماهای آموزشی در هر دانشگاهی وجود داشته باشد اما تعدد و تکثر روشها و تنوع آنها در دانشگاههای مختلف و وجود فرمهای گوناگون و استفاده از اصطلاحات متنوع نگاهی جامع و دوباره را به موضوع می‌طلبد.

ضرورت این مسأله از آن جا روشن می‌شود که گاه در بعضی از دانشکده‌ها سـاعتها وقت صرف می‌شود تا آیین‌نامه‌ای تفسیر شود و تعارض و تناقض بخشنامه‌ها رفع گردد. فی‌المـثل کمیته تحصیلات تکمیلی، شورای پژوهشی، کمیته دکتری، کمیته پایان‌نامه، شورای آموزشی و پژوهشی و یا مشابه آن وظایفی دارند که گاه موهم تداخل است. حدود اختیار استاد راهـنما، مشاور و داور باید کاملاً روشن باشد. استادی که معمولاً پس از تکمیل کار پایان‌نامه دعـوت می‌شود گاه استاد مدعو، ناظر و یا داور نامیده می‌شود ولی در اینکه او چه اختیاراتی دارد هنوز بحثهایی وجود دارد. هر یک از سه واژه فوق بار معنایی خاص دارد. آیا ناظر فقط باید نظارت کند؟ آیا نظارت او شکلی و صوری و یا محتوایی است؟ آیا داور حق داوری دارد؟ آیا او می‌تواند یک تنه به مخالفت برخیزد و جلوی تصویب پایان نامه را بگیرد؟ و چنانچه مسأله به بن‌بست رسید تکلیف چیست؟ آیا در ایـن رابـطه در دانشکـده‌های مـختلف عـلاوه بـر دسـتورالعـمل رویه‌هایی هم وجود داشته و دارد؟ آیا این رویه‌ها جمع‌آوری و تدوین شده‌اند؟

همان‌طور که استفاده از اصطلاحات مختلف در بیان یک مقصود و مفهوم موجب تفسیرهای گوناگون و تشتت‌آرا در تصمیم‌گیریها می‌شود، وجود فرمهای مختلف نیز موجب اختلاف در نحوه برداشت و در نتیجه اتلاف وقت استاد و دانشجو می‌شود. قابل ذکر است که در یک بررسی در یکی از دانشگاههای کشور معلوم شد که حدود ۱۷۰۰ نوع فـرم وجـود دارد کـه بـا تـلاش کارشناسان آن را به یک دهـم تـقلیل داده‌انـد. جـدول شـماره ۱ مـربوط بـه یک دانشکـده از دانشگاههای تهران با پنج رشته کارشناسی ارشد و بالاتر است که در آن برای طرح پـیشنهادی تحقیق ۴ نوع فرم وجود دارد که تعداد صفحات آن بین ۲ تا ۱۳ صفحه است و طبعاً انتظارات هر گروه آموزشی از دانشجو برای تکمیل آن و پاسخ به سؤالات مطروحه متفاوت است و در نحوه تکمیل پایان‌نامه هم بی‌تأثیر نیست.

اگر فرض کنیم که حدود ۲۰ دانشگاه در کشور با ظرفیت حداقل سه دانشکده و هر دانشکده

فرم ۱ (دو صفحه)	فرم ۲ (بدون تعیین صفحه)	فرم ۳ (۱۳ صفحه)	فرم ۴ (۵ صفحه)
- عنوان رساله - خلاصه‌ای از سابقه پژوهش - مسأله مورد پژوهش - فرضیه، فرضیه‌های پژوهش - تعریف متغیرهای اساسی پژوهش - روش پژوهش - جامعه مورد مطالعه - فنون سنجش و اندازه‌گیری - فهرست منابع مقدماتی	- عنوان کامل پایان‌نامه - زمینه توضیح مسأله مورد پژوهش - اهداف و سؤالات تحقیق - اهمیت و ضرورت تحقیق - فرضیه‌های تحقیق - تعیین و تعریف متغیرهای پژوهش و اصطلاحات مورد استفاده - متدولوژی - نوع تحقیق - وسیله و نحوه جمع‌آوری اطلاعات - جمعیت یا نمونه مورد تحقیق - روش آماری - محدودیتهای تحقیق - مطالعات و کارهای انجام شده در زمینه مسأله مورد پژوهش - ضمائم شامل: ابزار مقدماتی جمع‌آوری اطلاعات و فهرست منابع استفاده شده	- عنوان پایان‌نامه - نوع پژوهش کاربردی بنیادی - بیان مسأله - مقدمه - تعریف مسأله - تعریف عملیاتی اجرای مسأله - پرسش‌های اساسی - هدف و فایده پژوهش - فرضیه(های) پژوهش - روشها و فنون - روش پژوهش (توجیه روانی آن) - جامعه مورد مطالعه - شیوه نمونه‌گیری - شیوه گردآوری اطلاعات - ابزارهای پیش‌بینی شده برای گردآوری اطلاعات - شیوه‌های تجزیه و تحلیل یافته‌ها - پیشینه پژوهش - در ایران - در خارج - برآورد اتمام پژوهش	- عنوان کامل پایان‌نامه - طرح زمینه و مسأله مورد پژوهش - فرضیه‌های مورد بررسی - متغیرهای موجود در پژوهش و تعریف علمی آنها - متدولوژی طرح - گروه نمونه - نحوه جمع‌آوری اطلاعات - محاسبات آماری - منابع مربوط به پژوهش

جدول شماره یک: محتوای فرمهای چهار گروه آموزشی یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران برای نگارش طرح پیشنهادی تحقیق

سه گروه تحصیلات تکمیلی داشته باشیم و هر یک فرم خاصی برای طرح پیشنهادی تحقیق داشته باشند احتمال وجود ۱۸۰ نوع فرم در این زمینه هست. اگر دانشگاههای علوم پزشکی را هم به این مجموعه اضافه کنیم تعداد فرمها خیلی بیشتر از این خواهد بود.

مقاله حاضر بنا ندارد که به همه مسایل اجرایی در این رابطه بپردازد. بسیاری از مسایل در حین عمل مطرح می‌شوند. تحقیق جامعی در زمینه فرمها و روشها و نحوه اجرای پایان‌نامه در همه دانشگاهها نیاز به پژوهش مستقل دارد. سعی این مقاله بر آن است تا بخشی از مسایل مبتلا به دانشجو در رابطه با انتخاب طرح پیشنهادی تحقیق، مراحل تصویب و برنامه زمان‌بندی پیشنهادی برای اجرای پایان‌نامه، نحوه ارتباط دانشجو با استادان راهنما و مشاور و ایجاد آمادگی جهت شرکت در جلسه دفاع را مطرح نماید.

اهمیت پایان‌نامه

اصولاً هر دانشجویی، به ویژه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، برای خاتمه کار خود، لازم است اثری تحقیقی را تهیه و تحویل نماید. این اثر در واقع عصاره و چکیده فعالیتهای آموزشی و پژوهشی او محسوب می‌شود. پایان‌نامه به معنای تأیید پایانی کار تحصیلی یک دانشجو است و نشانگر فعالیتهای منسجم او به حساب می‌آید که با راهنمایی و ارشاد استاد راهنما و استادان مشاور آن را به پایان می‌رساند.

نباید چنین تصور شود که پایان‌نامه همانند همه درسهای دیگر جنبه تمرینی دارد. در نگارش پایان‌نامه و یا رساله با توجه به اینکه مدت قابل توجهی وقت صرف می‌شود و بر حسب اینکه ارزش پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری باشد بیش از یک یا چند واحد درسی است چنین تصوری درست نیست. در کارشناسی ارشد تعداد واحد پایان‌نامه بین سه تا چهار واحد است در حالی که در بعضی کشورها تا ۱۲ واحد نیز برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد منظور می‌شود.[۳] تعداد واحدها در دوره دکتری بیش از ۲۰ واحد است. با توجه به این مسأله در تعریف، دو واژه پایان‌نامه و رساله* اگرچه در بسیاری از موارد مترادف گرفته شده‌اند، اما بعضی‌ها فرق قائل شده‌اند و گفته‌اند که اولی برای پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دومی برای

---

* Theses & Dessertation

پایان‌نامه‌های دوره دکتری است.[۴]

پایان‌نامه کارشناسی ارشد دارای ویژگیهایی است که از جمله می‌توان به موارد زیر شاره کرد:

۱. اولین تجربه در تحقیقات دانشگاهی (آکادمیک) به شمار می‌آید. دانشجو می‌تواند با یک نوع تلاش پژوهشی و جامعیت مورد نیاز در تحقیق آشنا شود و این مقدمه‌ای برای کار تحقیقی دوره دکتری باشد.

۲. می‌تواند دانشجو را دست‌کم در یک جنبه از موضوع حرفه‌ای یا آکادمیک ماهر سازد.

۳. می‌تواند به عنوان یک واحد مهم تحقیق پیشرفته مطرح باشد.[۵]

اهداف پایان‌نامه و رساله

در این که اهداف عمومی پایان‌نامه و رساله‌نویسی چیست، نظرهای مختلفی ابراز شده است. بعضی‌ها آنرا صرفاً یک کار پژوهشی و تحقیقی* می‌دانند. عده‌ای آنرا رقابت پژوهشی** می‌نامند و پاره‌ای آنرا مشارکت در دانش*** بشری به حساب می‌آورند، و شاید همه این مفاهیم مورد نظر باشد، و بر حسب دانشکده تا دانشکده دیگر فرق کند؛ و این تلقی عمدتاً یک تلقی فردی است تا جمعی.[۶]

پایان‌نامه و رساله باید راه نشان دهد، ذهن دانشجو را در مسیر مسائل اجتماعی به حرکت درآورد و او را برای آینده‌ای بهتر آماده سازد. البته این به این معنا نیست که پایان‌نامه‌ها صرفاً باید مسائل کاربردی را مدنظر داشته باشند و مسائل نظری را مورد توجه قرار ندهند بلکه به این معناست که به خاطر فراوانی مسائل کاربردی، درگیر شدن در این گونه موضوعات هم برای دانشجو جاذبه بیشتری دارد و هم او می‌تواند ثمره فعالیتهای خود را به زودی مشاهده کند که این امر موجب تشویق دیگران در زمینه‌های پژوهشی می‌شود. شاید عمدتاً تحقیقات کاربردی برای پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و تحقیقات نظری در سطح دکتری مناسبتر باشد اگرچه این امر کلیت ندارد و بر حسب مورد و در موضوعات مختلف فرق می‌کند.

تفاوتهای جدول ۲ را می‌توان بین تحقیقات نظری و کاربردی قائل شد.[۷]

** Scholarly Work

*** Research Competence

**** Contribution to Knowledge

وآماده کردن طرح پیشنهادی تحقیق گام مهمی در فرآیند تحقیق است. در بسیاری از مؤسسات پیش از آنکه طرحی مورد تأکید قرار گیرد باید طرح پیشنهادی تحقیق به مؤسسه تسلیم شود طرح پیشنهادی مانند نقشه اولیه است که مهندسان پیش از آغاز به کار ساختمان تهیه می‌کنند. پیش‌نویس طرح پیشنهادی با تجزیه و تحلیلی که توسط دانشجو و استاد راهنما انجام می‌گیرد تعدیل می‌شود[۸]. در یک نگاه کلی هنگامیکه دانشجو طرح تحقیق خود را آماده می‌کند باید به سؤالات زیر پاسخ گوید:

- آیا این موضوع ارزش تحقیق را دارد؟
- آیا می‌شود در این موضوع رساله‌ای نوشت؟
- آیا من توانائی انجام آن را دارم؟
- آیا میل و علاقه‌ای به این کار در من هست[۹]؟

ویژگی‌های پایان‌نامه یا رساله

از ویژگیهای پایان‌نامه این است که زیر نظر استادان راهنما و مشاور تکمیل و به پایان می‌رسد. در واقع می‌توان گفت که این کار یک کار جمعی و گروهی است. پایان‌نامه یا رساله غیر از گزارشهای فصلی و موسمی است که توسط دانشجو برای استادان فراهم می‌شود. در دنیا هم برای پایان‌نامه‌ها اهمیت فراوانی قائلند. بسیاری از تحقیقات پیمایشی، توصیفی و یا تجربی توسط دانشجویان انجام می‌شود و کار آنها سرآغاز یک سلسله پژوهشهای مفصل‌تر و اساسی‌تر می‌شود. چکیده‌هائی که به طور روزآمد و مرتب از پایان‌نامه‌ها درکشورهای پیشرفته جهان تهیه می‌شود حاکی از اهمیت آن است.[۱۰]

	تحقیقات نظری	تحقیقات کاربردی
هدف پژوهش	۱ ـ هدف اصلی ارتقاء سطح دانش در یک زمینه موضوعی خاص است.	۱ ـ مقاصد اصلی در دو جنبه مطرح است اولاً افزایش دانش در باره یک موضوع به کاربرد حرفه‌ای آن مربوط است و ثانیاً به استفاده در رهیافت سیستمی حل مسأله توجه دارد.
طبیعت مسائل پژوهشی	۲ ـ موضوعات مورد مطالعه به وضوح به سایر مسائل مطالعه شده در حوزه‌موضوعاتی‌که ازنظر علمی شناخته شده‌اند وابسته است. بدین طریق یک فیزیکدان یا فیلسوف ممکن است‌درباره‌یک موضوع بگوید: جالب است ولی موضوع فیزیک یا فلسفه نیست و کاملاً انتظار داشته‌باشداکثریت همکارانش با او موافقت کنند.	۲ ـ مسائل مطالعه شده ممکن است در محدوده توجهات و علائق بشری باشند به شرطی که کاربردهائی درامور مهم حرفه‌ای جامعه داشته باشند
ملاک ارزشیابی پژوهشی	۳ ـ ارزش پایان‌نامه یارساله عمدتاًبستگی‌به‌میزان کمکی دارد که به‌پیشرفت‌دانش بشری می‌کند،آن را روشن‌تر می‌سازد، به فرضیه‌ای می‌انجامد و یا تحقیق بیشتری را طلب می‌کند.	۳ ـ ارزش پایان‌نامه و یا رساله اساساً به قوت کاربرد نتایج و دستاورد آن به دانش حرفه‌ای بستگی دارد.
دلایل جمع‌آوری دانش در خلال تحقیق	۴ ـ دانش به خاطر دانش است.	۴ ـ دانش از آنجا ارزش دارد که جنبه‌های کاربردی را زنده کند و یا حرفه و خدمت آن را تقویت کند و یا آسان سازد.
وضعیت در ارتباط باارزشها	۵ ـ موضوعات ارزشی به استثنای داده‌های اولیه عمدتاًموردتوجه قرار نمی‌گیرند و هویت دانشجو کاملاً به بررسی مفاهیم عقاید، اهداف حیاتی و غیرحیاتی، مواد، اسناد و حوادث بستگی دارد.	۵ ـ هم مواد کاربردی و ارزشی می‌تواند موضوع تحقیق باشد و گاه ارزش‌ها داده‌های لازمی هستند که در معرض تحقبق قرار می‌گیرند.
روش مورد قبول پژوهش	۶ ـ هر رشته دانشگاهی، روش خاص مربوط به خود دارد که در طول فعالیتهای انجام شده برای کشف یا اثبات مواد مهم موضوع مورد نظر پذیرفته شده‌اند.	۶ ـ روشهای تحقیق ابداع یا برای حل مسائل انطباق داده می‌شود و محققان به سادگی روشهائی از موضوعات دانشگاهی یا کاربردی را وام می‌گیرند.
چه کسانی پایان‌نامه یا رساله را می‌پذیرند	۷ ـ یک‌پایان‌نامه‌ویارساله‌به داورانی‌درداخل رشته خاص‌تحویل می‌شود.امتحان‌دانشجوممکن‌است جنبه عمومی داشته باشد. (در داخل جامعه دانشگاهی انجام شود) ولی قبول و یا عدم آن در دست سه یا چهار عضوی است که قبلاً انتخاب شده‌اند. شاید با افزودن یک داوردیگرازرشته‌های مربوط با حق رأی کار تکمیل شود.	۷ ـ مقبولیت پایان‌نامه‌ها یا رساله توسط اعضاء حرفه خاص پایان‌نامه که در واقع از موضوعات حمایت (مالی) می‌کنند مورد قضاوت قرار می‌گیرد. همچنین متداول است که از متخصصان موضوعی دانشگاهی یا سایر حرفی که بر روی موضوعی حساسیت دارند دعوت شود، تصویب معمولاً با اکثریت آراء چهار یا پنج عضو کمیته ارزیاب که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند انجام می‌شود.

جدول شمارهٔ ۲: ویژگیهای تحقیقات نظری و کاربردی

نکتـه قابل توجه این است که دانشجویان که درگیر گرفتاری زندگی و یا از نظر مالی و مادی در مضیقه هستند طبعاً نمی‌توانند کار خوبی تحویل دهند. به علاوه، بعضی از طرحـها واقـعاً هزینه‌های زیادی دربر دارد و برای همین است که دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بر حسب مقدورات و امکانات خود بودجه‌هائی را برای این منظور در نظر گرفته‌اند که طبعاً باید بر کمیت آن افزوده شود. زیرا دانشجو ممکن است دارای نظریه‌ها و فرضیه‌های خوبی باشد که چنانچه پشتوانه مالی نباشد ذهن جوشان او به سردی می‌گراید و انگیزه‌ها از بین می‌رود. در رابطه بـا پایان‌نامه‌های کاربردی این مشکل زودتر حل می‌شود زیرا دستگاههای بهره‌بردار ـ در صـورت اطلاع ـ می‌توانند حمایت کنند و مشکلات مالی و اجرائی پژوهش را برطرف سازند. باید روال و رویه‌های مشخصی از طرف دانشگاهها و آموزش عالی برای حمایت و تقویت و پیشرفت کار پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها طراحی گردد و به طور مستمر و با نظارت، چه به صورت هزینه کامل و یا کمک هزینه، مجریان طرحها را یاری نمود. کمکهائی از قبیل تایپ، تجلید و یا تـخفیف در انجام آنها، حداقل کمک ممکنی است که دانشـجو مـی‌توانـد از آن بـهره‌مند شـود. بـعضی از سازمانهائی که عهده‌دار وظیفه چکیده‌سازی و یـا جـمع‌آوری آن هسـتند مـی‌توانـند بـا عـقد قراردادهائی با دانشگاهها و یا دانشجویان و نیز هدایت آنان جهت تـهیه چکـیده کـمکهائی را بنمایند.

برنامه تحقیق که پایان‌نامه هم یکی از موارد آن است مانند برنامه‌ریزی برای یک سفر است. دانستن اینکه کی می‌روید و چرا با داشتن موقعیت محل، ارزیابی زمان و فعالیتها، پـیش‌بینی وسیله‌ای که با آن مسافرت می‌کنید، تهیه نقشه سفر، برنامه‌ریزی برای رسیدن به مقصد در سر وقت و قدرت انتقال کامل تجربیات برای دیگران از مسائل کم است در واقع یک تحقیق خوب نیاز به طرح و ادلهٔ تحقیق دارد[۱۱].

تحقیقات مهم دوره فوق‌لیسانس و دکتری ممکن است زیر نظر استاد راهـنما و بـا اسـتاد ارشدی انجام گیرد که انرژی خود را وقف تحقیق در مسائل مهم می‌کند. در این صورت تلاش داوطلبان درجه‌های تحصیلی را مـی‌توان در جـهت‌های خـاص مسأله اصـلی هـدایت کـرد و مطالعات درازمدت را امکان‌پذیر ساخت.[۱۲]

نحوهٔ انتخاب موضوع پایان‌نامه یا رساله

بهتر است موضوعات پایان‌نامه در ارتباط با مسائل و مشکلات مـوجود در زمـینه‌های

موضوعی خاص باشد. آنهائی که به این امر اعتقاد و یا اعتنا ندارند یا ارزش دانشجو را نمی‌دانند و یا به حساب نمی‌آورند و یا به حل مسائل و مشکلات موجود در فضای موضوعات خاص، آشنائی، توجه و یا علاقه ندارند و یا بر اثر کثرت کار و گرفتاری نمی‌توانند در این زمینه بیندیشند، طبعاً شتابزده موضوعی را که خود در نظر دارند و یا دانشجو پیشنهاد می‌کند می‌پذیرند، بدون توجه به اینکه موضوع مزبور در سلسله مسائل و مشکلات، محلی از اعراب داشته باشد. عده‌ای از استادان هم ممکن است خود سرگرم انجام پژوهش باشند و دانشجویان را در راستای اهداف پژوهشی خود به کار گیرند. و بطور مشروحتر سؤالات می‌تواند این چنین باشد:

الف ـ اصولاً در یک مدرسه عالی، گروه آموزشی و یا دانشگاه برای چه مقصد و یا مقاصدی پایان‌نامه و یا رساله نوشته می‌شود.

ب ـ اگر موضوعات مختلفی در رابطه با دوره‌های کارشناسی ارشد و یا دکتری می‌تواند مطرح باشد به چه دلیل موضوع انتخابی ترجیح و اولویت دارد.[۱۳]

موضوعات کاربردی و نظری فراوان‌اند. هر موضوعی فی‌نفسه و خود خوب و مناسب تحقیق است. بسیاری از افراد موضوعاتی را انتخاب می‌کنند و از استادان خود سؤال می‌کنند که آیا این موضوع خوب است و طبعاً به کاربرد آن در جامعه و یا سهم آن در حل پاره‌ای از مشکلات موجود اشاره دارند. آنچه به هنگام انتخاب موضوع باید مورد توجه باشد این است که موضوع باید:

ـ مورد علاقه دانشجو باشد.

ـ دانشجو توانائی جود را در نظر داشته باشد.

ـ نیاز جامعه را در نظر داشته باشد.

ـ دانشجو بتواند استاد راهنمائی را در این رابطه پیدا کند و با او برای انجام کار به تفاهم برسد. حتی‌المقدور به زمینهٔ کاری او وابسته باشد.

ـ در مورد علاقه‌مندی دانشجو باید گفت که گاه اتفاق می‌افتد که دانشجو بر حسب ضرورت و صرفاً به خاطر ادای تکلیف و اخذ مدرک و یا به جهت سهولت کار و یا مضیقه زمانی با عدم استقصای کامل در مورد موضوعات مجبور می‌شود موضوعی را انتخاب کند که تمایل چندانی به کاربر روی آن ندارد. به نظر می‌رسد که این بدترین شکل انتخاب برای پایان‌نامه و یا رساله است.

ـ گاه اتفاق می‌افتد دانشجو به موضوع علاقه‌مند است اما به خاطر عدم تبیین موضوع و یا گستردگی کار و عدم پیش‌بینی‌های لازم در تهیه اسناد و مدارک، در آغاز و یا در حین انجام کار متوجه می‌شود که توان انجام آن را ندارد.

دانشجو باید برای تهیه اطلاعات از همکاری دستگاههای ذیربط مطمئن باشد و قبل از شروع، تضمین‌های کافی دریافت کند، و بررسی کند که اطلاعات مورد نیاز او قابل تحصیل است، یا محرمانه و طبقه‌بندی شده است و یا ...

ـ در مورد نیاز جامعه در رابطه با موضوعات انتخابی باید توجه داشت، موضوعاتی که مورد ابتلای جامعه‌اند و می‌توانند گرهی از مشکلات موجود در جامعه را بگشایند در اولویت‌اند.

ـ «توجیه موضوع تحقیق بخش مهمی از طرح پیشنهادی به شمار می‌رود. تحقیق‌ها اغلب پرهزینه و وقت‌گیرند و اکثر سازمانها نسبت به حمایتهای مالی این قبیل طرحها بی‌میل‌اند. مگر اینکه از نظر کاربردی به نتایج آن مطمئن باشند».[۱۴]

ـ دانشجو باید توجه داشته باشد که انتخاب استاد راهنمای مورد نظر و متقاعد کردن او برای پذیرش سرپرستی پایان‌نامه و یا رساله وظیفه اوست. معمولاً استادان دانشگاه به خاطر مشغله فراوان و یا محدودیتهای دیگر ـ گاه روی خوشی برای انتخاب هر پایان‌نامه و یا رساله نشان نمی‌دهند مگر آنکه مورد علاقه خودشان هم باشد. در این که آیا اول استاد راهنما انتخاب شود و سپس موضوع رساله به تصویب کمیته و یا گروه آموزشی برسد و یا بر عکس آن باشد، و یا به طور همزمان انجام گیرد، بستگی به خط مشی دانشگاههای مختلف دارد. گاه اتفاق افتاده است که موضوعی انتخاب شده ولی استاد راهنمائی برای سرپرستی آن پیدا نشده و بناچار دانشجو مجبور شده است که پس از انقضای مدت، دوباره موضوعی دیگر را انتخاب کند. به نظر می‌رسد چنانچه این هر دو همزمان انتخاب شود بهتر است. در اینکه استاد راهنما از چه دانشگاه و یا چه شهری باشد علی‌الاصول نباید محدودیتی وجود داشته باشد؛ اما گاه دانشگاه و یا دانشکده‌ای عمدتاً به خاطر مسائل مالی و اجرائی، انتخاب استاد راهنما و نیز استادان مشاور از خارج از دانشکده و یا شهر مورد نظر را منع می‌کنند. در هر حال صلاحیت علمی استاد راهنما و استادان مشاور و توانائی آنها جهت سرپرستی باید تأیید شود.

ـ موضوع انتخابی باید در رابطه دقیق با موضوع و رشته دانشجو باشد. استاد راهنما و کمیته رساله یا تحصیلات تکمیلی موظفند با بررسیهای قبلی افق روشنی را فراراه دانشجو قرار دهند.

ارتباط اعضای گروه آموزشی با پیشرفتهای علمی در سطح کشور و جهان و سازمانهای علمی، پژوهشی و کاربردی نیازمند به حاصل تحقیقات می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. بسیاری از سازمانهای علمی و پژوهشی علاقه‌مندند فهرستی از زمینه‌های مورد علاقه خود را در اختیار دانشگاهها و گروههای آموزشی قرار دهند تا به هنگام انتخاب موضوع رساله توسط دانشجویان و یا انتخاب طرح پژوهشی توسط استاد و یا استادان مورد توجه قرار گیرد.

«بعضی از دانشجویان نخستین مسأله را طوری انتخاب می‌کنند که بعدها بتوانند در سطح پایان‌نامه فوق‌لیسانس یا رساله دکتری آنرا گسترش دهند. بنابراین نخستین تحقیق به عنوان فرآیند اکتشاف خواهد بود».[۱۵]

در موضوعات کاربردی این توجه و عنایت هم به نفع دانشجو است هم به نفع گروه آموزشی و دانشکده که مشخصاً موضوعات خاصی را دنبال می‌کند و هم جامعه که با توجه به تخصص گروه و یا گروههای آموزشی از آن بهره‌مند می‌شود.

بعضی از دانشجویان به خاطر سهولت کار و یا علاقه‌مندی، موضوعی راکه قبلاً روی آن کار کرده‌اند به عنوان موضوع پایان‌نامه و رساله انتخاب می‌کنند. اگرچه در این زمینه محدودیتی نیست ولی رعایت نکات پیش گفته در این مورد باید مدنظر باشد.

وظیفهٔ دانشجو در قبال طرح پیشنهادی تحقیق

دانشجو باید نظر کمیته پایان‌نامه و رساله را با نشان دادن صلاحیت و با ارائه طرح نوشته شده خود در این مرحله برای ورود به مرحله عملی تدوین پایان‌نامه و یا رساله تأمین کند. سؤال اصلی این است که آیا آمادگی کافی دانشجو از خلال نوشته طرح پیشنهادی او مشخص است؟ او در بخش اصلی طرح خویش به نحوه بررسی و جستجوی سؤالات مطروحه خود که گاه به آن فرایند می‌گویند می‌پردازد و از لحظه شروع تا پایان کار، آن را تعقیب می‌کند.

عملاً توصیه می‌شود که به هنگام ارائه طرح پیشنهادی تحقیق، جزئیات فرایند تحقیق به شکل برجسته‌تر در طرح عنوان شود. همه اجزای طرح پیشنهادی تحقیق باید با یکدیگر هماهنگ و از نظر معنائی وابسته باشند.

ویژگیهای طرح پیشنهادی تحقیق

در یک نگاه کلی این طرح باید به سؤالات زیر پاسخ گوید:

ـ مسأله چیست؟

ـ سؤالات تحقیق و یا فرضیه‌ها کدام‌اند؟

ـ کاربرد تحقیق چیست؟

ـ زمان اجرای تحقیق، و محل اجرای آن کجاست؟

ـ روش اجرا و منابع مورد لزوم کدام است؟[۱۶]

دانشجو باید بداند که دیدگاههای اعضای کمیته پایان‌نامه و رساله در ارزیابی با هم فرق دارند.

توصیه این است که دانشجو سه ملاک زیر را مدنظر داشته باشد:

اول، ملاک شامل بررسی دست کم عوامل زیر است:

الف ـ یک عنوان مختصر که تحقیق را توصیف کند.

ب ـ خلاصه فهرست مندرجات.

ج ـ شرح مقدماتی در توصیف مسأله مورد مطالعه.

د ـ بیان مشخص مسأله در قالب سؤالاتی که نتایج تحقیق باید به آنها پاسخ گوید، یا به صورت فرضیه‌ای که باید تأیید شود یا اطلاعاتی که باید آماده گردد یا محصولاتی که باید تولید شود و یا ترکیبی از همه اینها.

در اینجا اگر اصطلاحات تعریف شوند بسیار بجاست. نمودار شماره ۱ ممکن است الگوی مشخصی برای این کار باشد.[۱۷]

هـ ـ تهیه سیاهه‌ای از دسته‌بندی متون مربوط به مقاله با بازبینی انتقادی و تحلیلی آن به گونه‌ای که بتواند پشتوانه‌ای برای رفع نیازهای تحقیقی مورد نظر باشد.

و ـ بخش فرایند گام به گام شامل اطلاعات مخصوصی در باره داده‌های جمع‌آوری شده و اعتبار و قابل اعتماد بودن داده‌ها و بررسی و ارزیابی آنها برای پاسخگوئی به مسائل خاص.

ز ـ خلاصه‌ای از جستجوی پیشنهادی که قبلاً به طور فهرست‌وار آمده است، و نیز سایر مواردی که باید جزو یادداشتها باشد (مثل زمینه‌های انسانی مسأله و محدودیتهای مربوط به مطالعه).

ـ نمونه‌ای از فرمهای جمع‌آوری داده‌ها یا تستها یا مواد مشابهی که در تحقیق مورد استفاده

قرار می‌گیرد.
ـ کتابشناسی منابع. در کتابشناسی منابع باید به سه نکته توجه داشت: ۱) جستجوی کاملی در رابطه با مسأله مورد تحقیق باید انجام گیرد و اطمینان حاصل شود که کار مشابهی در حال انجام نیست. ۲) کارهای انجام شده دسته‌بندی شود. ۳) این آثار نقد و نواقص آن مطرح شود[۱۸].

دوم، باید اطمینان حاصل شود که ابهامات و مسائل موجود به طور واضح و روشن مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال، اگر پاره‌ای از داده‌ها برای پاسخ به پرسشنامه‌هائی که برای افراد فرستاده می‌شوند متکی است و سابقه نشان داده است که درصد پاسخها به سؤالات مشابه بسیار کم و کوتاه بوده است باید در طرح کلی مورد توجه قرارگیرند و روشها و اقداماتی اتخاذ شود تا نتیجه مطلوب عاید گردد.

سؤالات کلی

بیان مسأله

مفهومی
تلفیقی
توسعه‌ای
ارزیابی
فرمول‌سازی
تاریخی

بدون فرضیه

با فرضیه

متغیرهای عملیاتی

جامعه آماری

عملیاتی
تحقیقی
آماری

محدود
نامحدود

نمونه

مطالعه موردی
خوشه‌ای یا دسته‌ای
غیرمتجانس
قضاوتی
چندمرحله‌ای
بهینه‌سازی نمونه
متجانس
همزمان
تصادفی ساده
اندازه‌گیری مکرر روی مورد
قشربندی
منظم و سیستماتیک
کلی و جهانی

جمع‌آوری داده‌ها

کارگزارها
شرایط
ابزار
روشها

آماده‌سازی داده‌ها

تحلیلی
طبقه‌بندی
فزآیندها
تحول و دگرگون‌سازی

تصمیم (نهایی) تحقیق

تفسیر
ارزیابی
استنتاج
استلزام

نمودار شماره ۱: الگوی کلی برای تحقیقات

مرحله بازبینی و تصویب

برنامه‌ریزی انتخاب موضوع، ایجاد تدارک و تنظیم طرح پیشنهادی تحقیق پایان‌نامه چهار ساله

جمع‌آوری
منابع کتابشناسی

بازبینی متون
۱ـطرح
۲ـیافته‌ها
۳ـارتباط نظری

تحقیق در متون
۱ـسابقه مسأله
۲ـاهمیت مسأله
۳ـضرورت مطالعه

تصویب
طرح
پیشنهادی
تحقیق

دفاع از طرح

بازبینی طرح

ایجاد طرح
۱ـمعاصر
۲ـداده‌های
مورد لزوم
۳ـمنابع داده‌ها
۴ـعملکردها
۵ـترسیم طرح
به صورت نمودار

محدود یا عدم
محدود کردن
مسأله

تعریف
اصطلاحات

تهیه بیان مسأله
۱ـبیانیه اصلی
۲ـبیانیه‌های فرعی
۳ـعنوان نهایی

انتخاب مسأله
۱ـبیان علاقه به موضوع
۲ـمشخص کردن موضوع
۳ـمسأله‌یابی
۴ـبیان اهمیت
۵ـعنوان آزمایشی (موقت)

اخذ مجوز برای
شروع کار
پایان‌نامه

تکمیل
اسناد طرح

تهیه ساختار
برای گزارش‌دهی

انتخاب
روش

تصویب نهایی
توسط کمیته پایان‌نامه

طرح پیشنهادی تحقیق توسط کمیته ارزیابی می‌شود

برنامه، طرح
به وسیله دانشجو تهیه و نوشته می‌شود

انتخاب مسأله توسط دانشجو

نمودار شماره ۲ ـ نمودار پیشرفت فرایند طرح پیشنهادی تحقیق

سوم، توصیه این است که فرایند برنامه‌ریزی منظم که نشانگر مراحل زمان‌بندی شده تحقیق است تهیه شود. این مطلب ممکن است به صورت یک ضمیمه تلقی شود. نمودار شماره ۲ فرایند زمانی این امر را نشان می‌دهد[۱۹]. به عبارت دیگر، دانشجو برای تحویل کار خویش باید سه ملاک و معیار زیر را مدنظر داشته باشد. ملاکهائی که خود برای کار خویش دارد؛ ملاکهائی را که استاد راهنما تعیین می‌کند؛ و ملاکهائی که مؤسسه یا دانشکده آنها را لازم‌الاجرا می‌داند. دانشجو باید در چارچوب این ضوابط به انجام کار خویش مشغول باشد.د[۲۰]

ویژگیهای یک پایان‌نامه خوب

یک پایان‌نامه خوب پایان‌نامه‌ای است که در تهیه آن به همه ظرایف و نکات ریز و درشت عنایت شده باشد. رعایت همه نکات در انواع پایان‌نامه‌ها ممکن است با هم فرق کند، اما توجه و هوشیاری دانشجو می‌تواند به او کمک کند تا جلوی بسیاری از ایرادهائی که ممکن است استاد راهنما، استادان مشاور و یا اعضای کمیته تحصیلات تکمیلی، گروه و یا دانشکده بگیرند گرفته شود. جدول شماره ۳ مجموعه کلیه مسایلی است که در نگارش پایان‌نامه و یا رساله باید از آغاز تا انجام در مدنظر باشند و دانشجو همواره کار خویش را با آنها مطابقت و ارزیابی نماید تا نکته‌ای فراموش نشده باشد[۲۱].

- ارجاعها و کتابشناسیها
- استثناهای مربوط به رساله (اگر باشد)
- استفاده از زبان خارجی
- استفاده از نسخه‌های دانشجویان و یا استادان
- اسناد مورداعتماد و سایر مواد
- امضاءهای مورد نیاز
- انتخاب موضوع
- اندازه و ترکیب مورد درخواست کمیته پایان‌نامه و رساله
- بخشهای تصویری
- بخشهای فرعی و اصلی
- بررسی تفاوت بین نیازمندیهای مورد درخواست دانشگاه، گروه و کمیته
- برگه‌های چاپ شده کامپیوتری
- پاورقیها
- پرداختهای ویژه و زمان آن
- تحویل طرح کلی
- ترسیمها
- تصاویر از جمله تصاویر ناخورده
- تعریف اصطلاحات
- تغییرات و اصلاحات
- تقدیرها

- تکثیر و یا نسخه‌برداری نسخ خطی
- توضیحات و آموزش مربوط به مواد به کار رفته پایان‌نامه
- ثبت‌نام برای دفاع رساله یا پایان‌نامه (زمان)
- چشم‌اندازها
- چکیده
- حاشیه‌ها
- حق مؤلف
- خدمات ماشین‌نویسی
- روش بررسی نواقص و احتیاجات
- زندگینامه (طرح سرگذشتنامه‌ای)
- صحافی
- صفحه عنوان
- ضمائم
- عکس‌ها
- علائم اختصاری، رمزها و اصطلاحات غلط‌گیری
- فرایند عدول از مقررات رسمی
- فرم انتخابی گزارش پایان‌نامه و یا رساله فضاها
- فهرست جداول
- فهرست مندرجات (نمونه)
- قالب‌بندی صفحات
- قالبها و پردازشگر کلمات
- قراردادهای ماشین‌نویسی
- کار با کمیته پایان‌نامه
- ماشین‌نویسها
- مالکیت پایان‌نامه (حقوق ادبی)
- محدودیتهای زمانی و برنامه زمان‌بندی شده برای تحویل
- مسؤولیت رئیس دانشکده
- مسؤولیت رئیس گروه
- مسؤولیت دانشجو
- مشاوره و کمک در ویرایش
- مقررات محلی
- مکان و جایگذاری مواد غیرچاپی
- مواد طبقه‌بندی شده
- مواد قبلاً توزیع و چاپ شده و یا قابل چاپ مجلدات جداگانه
- مواد و مطالب نقل شده مجاز مثل نقل‌قولها
- میکروفیلم
- نسخه شخصی
- نسخه نهایی
- نسخه‌های مورد نیاز
- نظم مطالب
- نمره پایان‌نامه و یا رساله
- نیازهای باقی‌مانده

جدول شماره ۳ ـ مواد اداری و فنی ملحوظ در مقررات تدوین یک پایان‌نامه و یا رساله به ترتیب الفبائی

مطالب بالا مجموعه مطالب و مواردی است که در یک پایان‌نامه و رساله جامع و فراگیر می‌تواند مدنظر باشد، گواینکه در بعضی از موارد ممکن است پاره‌ای از آنها به دلایل مختلف کاربرد نداشته باشد و یا نسبت به آن سختگیری نشود.

بسیاری از دانشجویان در ارزیابی کار خود سردرگم و گیج می‌شوند. زیرا از آغاز کار، آن‌طور که باید و شاید، کار را برآورد نمی‌کنند و در اثر سهل‌انگاری، خوش‌باوری، و یا ساده‌انگاری چنین تصور می‌کنند که کار بموقع تمام می‌شود و چون با تأخیر مواجه می‌شوند همواره تقاضای تمدید وقت می‌کنند. گاهی اوقات هم کار آماده است ولی به دلیل عدم آشنایی با مقررات گروه و یا کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده چون خود را در نوبت نگهداشته‌اند باز به خاطر تراکم متقاضیان دفاع پایان‌نامه و یا برخورد با تعطیلات رسمی و یا سالانه دانشگاه و یا در مرخصی و مأموریت بودن استاد راهنما و یا استادان مشاور و داور کار دفاع به تأخیر می‌کشد. دانشجو برای اینکه کارش دچار تأخیر نشود از آغاز باید برنامه زمان‌بندی داشته باشد. هر کاری را در تاریخ معین انجام دهد و سر موعد و حتی پیش از موعد به فکر انجام آن باشد. جدول شماره ۴ پیشنهادی برای تعیین وقت مراحل مختلف کار است[۲۲]:

ملاحظه می‌شود که این برنامه زمان‌بندی مربوط به موردی است که به دقت هر چه تمامتر همه موارد را در نظر گرفته است. اولاً نیمی از موارد مربوط به قبل از شروع کار است که باید دقیقاً مورد توجه باشد. ثانیاً نظرهای استادان راهنما و مشاور، که در این جا به عنوان کمیته معرفی شده، باید به دقت ملحوظ و با نظر استاد راهنما هماهنگ شود، و وظیفهٔ دانشجوست که این کار را انجام دهد. ثانیاً همواره وقت و زمان برای اظهارنظر استاد راهنما و استادان مشاور وجود دارد و حتی در آخرین دفاعیه هم ممکن است نظراتی را ابراز کنند، و دانشجو ملزم به انجام اصلاحات است. نکته قابل توجه این است که آخرین نسخه جهت تحویل به استاد راهنما باید ماشین شده باشد. البته پیشنهاد این است که آخرین نسخه قبل از دفاع جلد نشود تا چنانچه در آخرین جلسه دفاعیه پیشنهادهائی ابراز شد ـ که معمولاً خیلی زیاد و مهم نیست ـ بتوان اصلاحات را با تعویض صفحات انجام داد.

نام دانشجو

شماره اقدامات	عنوان فعالیتها	زمان تخمین	تاریخ
۱	انتخاب استاد راهنما		
۲	تحویل موضوعات پیشنهادی استاد راهنما		
۳	تصویب موضوع انتخابی توسط استاد راهنما		
۴	تصویب استاد راهنما و موضوع توسط گروه		
۵	انتخاب سایر اعضای کمیته پایان‌نامه و یا رساله		
۶	تعیین اعضای کمیته توسط گروه		
۷	تحویل پیش‌نویس طرح پیشنهادی تحقیق که توسط استاد راهنما بازبینی شده به کمیته		
۸	اصلاح پیش‌نویس به وسیله استاد راهنما		
۹	جلسه با سایر اعضای کمیته جهت بحث بر روی طرح پیشنهادی تحقیق		
۱۰	بحث بر روی ملاحظات اعضای کمیته با استاد راهنما		
۱۱	لحاظ کردن نظر اعضای کمیته و استاد راهنما در طرح پیشنهادی		
۱۲	تصویب پیش‌نویس طرح پیشنهادی تحقیق توسط استاد راهنما		
۱۳	تصویب مدارک طرح پیشنهادی تحقیق توسط استاد راهنما		
۱۴	تصویب نهایی طرح پیشنهادی تحقیق		
۱۵	شروع به کار پایان‌نامه و یا رساله		
۱۶	گزارش پیشرفت کار به استاد راهنما و اعضای کمیته		
۱۷	انطباقهای لازم که توسط استاد راهنما و اعضای کمیته پیشنهاد می‌شود		
۱۸	تکمیل مطالعه		
۱۹	تهیه پیش‌نویس پایان‌نامه یا رساله		
۲۰	تهیه نسخه پایان‌نامه و یا رساله که ماشین و قالب‌بندی شده است		
۲۱	بازبینی اولین نسخه توسط استاد راهنما برای اصلاحات		
۲۲	پذیرش اولین نسخه اصلاح شده توسط استاد راهنما		
۲۳	تسلیم اولین نسخه اصلاح شده‌به‌اعضای کمیته‌ومصاحبه با یک‌یک اعضا		
۲۴	مصاحبه با یک یک اعضای کمیته		
۲۵	بحث با استاد راهنما به منظور پذیرش دیدگاههای سایر اعضای کمیته		
۲۶	پذیرش تغییرات توسط استاد راهنما		
۲۷	نسخه نهایی پایان‌نامه و یا رساله و تحویل آن به کمیته		
۲۸	جلسه دفاع		
۲۹	اصلاحات احتمالی توسط کمیته		
۳۰	تصویب نهایی		

جدول شماره ۴: برنامه زمان‌بندی مراحل مختلف پایان‌نامه

فهرست مندرجات یک پایان‌نامه و یا رساله می‌تواند شامل مطالب زیر باشد:

۱ ـ مقدمه

۲ ـ طرح مسأله

الف ـ منطق، اهمیت و نیاز تحقیق

ب ـ چارچوب نظری طرح پیشنهادی

ج ـ بیان مسأله که باید مورد تحقیق قرار گیرد.

د ـ عناصر، فرضیه، نظریه و یا سؤالات تحقیقی مورد بررسی

هـ ـ حد و حدود مطالعه

و ـ خلاصه

۳ ـ بررسی متون

الف ـ نگاهی تاریخی به نظریه و متون تحقیق

ب ـ نظریه و آثار تحقیقی مربوط به موضوع

ج ـ تحقیق در زمینه‌های وابسته به موضوع پایان‌نامه و یا رساله

د ـ بررسی دقیق اعتبار نظریه و آثار تحقیقی مناسب

هـ ـ خلاصه آنچه در رابطه با موضوع پایان‌نامه یا رساله شناخته و ناشناخته است.

و ـ سهمی که این تحقیق در افزایش حجم آثار مورد نظر خواهد داشت.

۴ ـ طرح تحقیق

الف ـ روش عمومی

ب ـ فرایندهای ویژه

ج ـ جمعیت یا نمونه تحقیق

د ـ ابزار

هـ ـ پایلوت

و ـ جمع‌آوری داده‌ها

ز ـ آماده‌سازی داده‌ها

ح ـ خلاصه

۵ ـ یافته‌ها

الف ـ طرح (مطالعه)

ب ـ فرایندها

ج ـ عناصر، فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق

د ـ گواهانی که پس از تحقیق، عوامل، فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق را تأیید یارد می‌کنند.

هـ ـ نتایج غیرقابل پیش‌بینی (یافته‌ها)

و ـ خلاصه آنچه یافته شده است.

۶ ـ خاتمه و کاربردها

الف ـ نتایج

یک ـ نتایجی که بر پایه یافته‌ها باید ترسیم شوند.

دو ـ توضیحات جایگزین برای یافته‌ها

سه ـ اثر تحقیق (مطالعه) در قالب آنچه آموخته شده است.

چهار ـ قوتها، ضعفها و محدودیتهای مطالعه

ب ـ کاربردها

یک ـ کاربرد برای فعالیت حرفه‌ای یا طراحی

دو ـ کاربرد برای یک امر تحقیقی در موضوع

سه ـ کاربرد در نظریه‌پردازی

چهار ـ کاربرد برای پژوهشهای بعدی

ج ـ توصیه‌ها

یک ـ توصیه‌ها برای پژوهشهای بیشتر یا تغییر روش‌شناسی پژوهش

دو ـ توصیه‌ها برای تغییرات در فعالیتهای حرفه‌ای

سه ـ تغییرات توصیه شده یا تعدیل‌ها در ساختار نظری پذیرفته شده

چهار ـ توصیه‌ها راجع به تغییرات در سازمان، فرایندها، فعالیتها و رفتار

د ـ خلاصه

ضمائم[۲۳]

کتابشناسی

از ویژگیهای دیگر یک پایان‌نامه خوب تهیه چکیده برای آن است. همانند همه آثار علمی چه کسی بهتر از شخص پدیدآورنده می‌تواند چکیده اثر خویش را فراهم کند. این امر کمکی به گسترش اطلاعات در زمینه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها است و کار کسانی را که به تهیه و جمع‌آوری و انتشار چکیده مشغولند آسان می‌سازد.

برای اینکه دانشجویان بیش از پیش با نگارش مقاله‌ای تحقیقی آشنا شوند بهتر است که از همان آغاز شروع به تهیه پایان‌نامه و یا رساله بدانند که باید یک مقاله تحقیقی قابل چاپ در یکی از نشریات علمی کشور از پایان‌نامه خویش را فراهم سازند. این کار، دانشجو را متقاعد خواهد کرد که اثر او در افزایش دانش بشری در زمینه مربوطه سهمی داشته است.

امروزه در دنیا، بر خلاف گذشته که پایان‌نامه فقط به تعداد محدودی تکثیر و به کمیته‌های مربوط و به کتابخانه ارائه می‌شد، رساله‌های دوره دکتری و بسیاری از پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد پس از تصویب بلافاصله میکروفیلم شده و به سادگی و با قیمت ارزان در اختیار دیگران قرار داده می‌شود، و بخشی از آنها در بانکهای اطلاعاتی مخصوص ذخیره می‌شوند. دسترسی به این مجموعه‌ها همانند سایر مواد کتابخانه‌ای برای دانشجویان امکان‌پذیر شده است[۲۴].

باید توجه داشت که چاپ رساله و یا پایان‌نامه اگر ممکن باشد بسیار بجا و مطلوب است ولی عمدتاً در عمل مشاهده شده است که کار دانشجویی هر چند در سطح بالا باشد بدون اصلاحات و دوباره‌نویسی قابل چاپ نیست. در واقع کار و ساختار اصلی طرح در پایان‌نامه و یا رساله فراهم شده است که پس از تصویب، دانشجو می‌تواند در جهت تکمیل و گسترش آن برای چاپ اقدام کند.

بسیاری از مؤسسات و افرادی که به دنبال نیروهای کیفی جهت استخدام برمی‌آیند. از طریق پایان‌نامه‌ها و یا رساله‌ها و بررسی و ارزیابی آنها می‌توانند به مقصود خویش دست یابند، ضمن

اینکه موضوع پایان‌نامه و یا رساله تا حد زیادی علاقه، تجربه و نگرش دانشجو را نسبت به موضوع مشخص می‌کند[۲۵].

نگارش پایان‌نامه

از نکات قابل توجه در نگارش پایان‌نامه رعایت قواعد و اسلوب نگارش است. توجه به رسم‌الخطها می‌تواند بسیار مفید باشد. در واقع توجه به چنین مسأله‌ای کار ماشین‌نویس را آسان می‌کند و ضمن اینکه تمرینی برای دانشجو برای ورود به عالم نویسندگی است کار را برای چاپ نهایی نیز آسان‌تر می‌سازد. توجه به قواعد آوانویسی و نقطه‌گذاری نیز از آن جمله است. همچنین لازم است دانشجو از به کار بردن عبارات سبک، یا محاوره‌ای حتی‌الامکان خودداری کند مگر اینکه موضوع رأساً در آن رابطه باشد. باید به نقل‌قولهای مستقیم و غیرمستقیم توجه کامل داشته باشد و سعی کند در استفاده از نظرات دیگران حفظ امانت کند. از آوردن مطالب اضافی که در اثبات آن دچار مشکل می‌شود و یا اثبات آن هنوز مشخص نیست اجتناب ورزد. حتی‌الامکان از جدل بپرهیزد و از مطالب اضافی که ربطی به موضوع ندارد خودداری نماید. استفاده از ضمیر اول شخص معمولاً مطلوب نیست و از تواضع علمی به دور است. در استنادها معمولاً توجه به منابع اولیه و اصلی بسیار مهم است. در نقل‌قولها هم قواعدی است، که چنانچه مثلاً از چند خط بیشتر نباشد می‌تواند بین دو گیومه و در متن عبارات قرار گیرد ولی چنانچه بیشترباشد لازم است با فرورفتگی بیشتر و چه بسا با حروف ریزتر مشخص شود. (در این زمینه، اطلاعات بیشتر در کتب روش تحقیق و آئین نگارش و گزارش‌نویسی موجود است ولی متأسفانه یکدست نیستند).

حجم رساله از نکاتی است که گاه مورد پرسش دانشجو واقع می‌شود. آنچه در درجه اول اهمیت است بحث حول موضوع انتخابی و پروراندن کامل آن تا سرحد نتیجه‌گیری و ارائه راه‌حلها و پیشنهادهاست. در عین حال، بعضی از دانشگاهها رساله دکتری در تاریخ و ادبیات را حول ۶۰ هزار کلمه (حدود ۳۰۰ صفحه) و رساله کارشناسی ارشد را حول ۴۰ هزار کلمه (حدود ۲۰۰ صفحه) می‌دانند[۲۶]. ولی در رساله‌های علمی ممکن است حجم رساله کاملاً فرق کند و چه بسا یک طرح ابتکاری علمی در چند صفحه وافی به مقصود باشد. البته دانشجو می‌داند که آنچه وجودش در پایان‌نامه برای طرح و اثبات موضوع مورد بحث لازم است حتماً باید بیاید و آنچه

لازم نیست نباید بیاید و در مورد آنچه نسبت به ضرورت آن تردید دارد می‌تواند به عنوان پیوست ذکر کند[۲۷].

قبل از دفاع

لازم است دانشجو قبل از دفاع و مشخص شدن روز آن، اموری را انجام دهد تا با دلی آسوده و جمعیت خاطر بتواند در جلسه دفاعیه حضور یابد و به وظیفه خود عمل کند. او باید مطمئن باشد که آمادگی لازم را در این زمینه به دست آورده است. و از آنجا که خود کار تحقیق را انجام داده است طبیعی است که بر کار خویش مسلط باشد اما از آن رو که شاید این کار اولین تجربه پژوهشی او به حساب می‌آید چه بسا ابهت جلسه دفاع و یا سایر عوامل و شرایط او را از انجام این مقصود به نحو مطلوب ـ علی‌رغم کوششهایی که کرده است باز دارد.

دانشجو علاوه بر این که خود نسبت به نحوه ارائه مطالب، تمریناتی را انجام می‌دهد و تسلط خویش را بر بیان مسأله و موضوع می‌آزماید باید از دوستان خود در این رابطه نیز کمک بگیرد و در زمانهای مناسب مطالب را برای آنها بازگوید و نظرات آنها را بشنود و اگر انتقاد و ایرادی از جانب آنها می‌شود با خونسردی بپذیرد و جواب گوید.

در این زمینه استاد راهنما و مشاوران نقش بسیار حساسی دارند. استاد راهنما باید به طور آزمایشی از دانشجو بخواهد تا از رساله خویش دفاع کند و موارد لازم به او تذکر دهد و توان و قابلیت او را برای دفاع ارزیابی کند.

بسیاری از دانشجویان فکر می‌کنند که با یکبار نوشتن، مشکل طرح مسأله و یا گسترش آن به خوبی انجام می‌شود در حالی که چنین نیست. قسمتهای مشکل و پیچیده رساله پایان‌نامه ممکن است چندین بار نوشته شود. افراد کمی وجود دارند که می‌توانند نثر روانی را بدون قلم‌خوردگی و خط‌زدگی داشته باشند. نوشته خوب به فکر روشن بستگی دارد. و برای بسیاری از نویسندگان به سادگی حاصل نمی‌شود. نوشته‌های پژوهشی، فنی یا علمی این چنین هستند. نثر قابل خواندن و روشن و روان غالباً حاصل اصلاحات، ویرایش و بازنویسی چندین باره است[۲۸].

پاره‌ای از دانشجویان تنها منتظر استاد راهنما هستند تا اثرشان را، به ویژه از نظر ادبی و جمله‌بندی، نقد کند، که این در واقع اتلاف وقت است. هر شخص باهوش و دارای ذهن روشن

که کمی تخصص موضوعی هم داشته باشد می‌تواند فصلهای پایان‌نامه و یا رساله را بخواند و در باره معانی و اصطلاحات آن سؤال کند. اگر پاره‌ای از مفاهیم و اصطلاحات و یا عبارات برای این اشخاص روشن نباشد طبعاً برای کمیته تحصیلات تکمیلی و استاد راهنما نیز روشن نیست. البته بازبینی نسخه پیش‌نویس توسط استاد راهنما بسیار مهم است ولی دیگران نیز می‌توانند در خلال این مدت پیشنهادهای خوبی در باره جملات داشته باشند؛ که این امر نیز وقت استاد راهنما را صرفه‌جوئی خواهد کرد و به او اطمینان می‌دهد که دانشجو برای حل مسائل عمده و نهایی به نزد او آمده است. دانشجو باید جمیع مطالب لازم، از قبیل نقطه‌گذاری، هجای کلمات، جلمه‌بندی و غیره، را رعایت کند.

سؤالات زیر می‌تواند به عنوان یک وارسی (چک‌لیست) پایان‌نامه و رساله مطرح باشد:

ـ در مقدمه و بیان مسأله

آیا مسأله به صورت کلی و جزئی هر دو بیان شده است؟

آیا مقصود و هدف مطالعه (تحقیق) بیان شده است؟

آیا سؤالات و یا فرضیه‌ها معلوم شده‌اند؟

آیا خواننده برداشتی عمومی، و منطقی از تحقیق و ارتباط آن با مبنای فرضی دریافت خواهد داشت؟

آیا در آغاز، مسأله به صورت کلی و در پایان به صورت ریزتر، راه رسیدن به هدف مشخص طرح شده است؟

آیا خواننده آگاه شده است که بررسی متون، انتخابی و گزینشی است، و ملاک انتخاب و ارتباط تشریح شده است؟

آیا متون مربوطه ارزیابی دقیق شده‌اند؟

آیا ارتباط بین آنچه قبلاً دیگران انجام داده‌اند و آنچه قرار است در این تحقیق انجام شود بیان شده است؟

آیا علائمی مناسب برای کمک به خواننده برای اینکه بخشهای بازبینی و نقد شده را از بقیه جدا کند به کار رفته است؟ آیا هر بخش خلاصه دارد؟

آیا برای انتقال از بخشی به بخش دیگر تمهیدات لازم اندیشیده شده است؟

آیا خلاصه نهایی که ضرورت انجام طرح را اثبات می‌کند و این که این تحقیق چه خلائی را پر کند وجود دارد؟

ـ در رابطه با روش و فرایند اجرا

آیاتوضیح داده شده است که برای جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تحقیق چه اقداماتی شده است؟

آیا برای شخص دیگری که این رساله یا پایان‌نامه را می‌خواند امکان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل این داده‌ها وجود دارد؟

آیا روش به کار رفته در تحقیق از روشهای مشهور در متون روش‌شناسی تحقیق است؟

آیا موضوعات انسانی مطرح شده کاملاً مورد حمایت قرار گرفته است؟

آیا متغیرها در این طرح کاملاً توضیح داده شده‌اند؟

اگر کنترلهایی برای متغیرها به کار رفته است آیا آنها نیز کامل و دقیق توضیح داده شده‌اند؟

اگر از موارد و یا دستگاههائی استفاده می‌شود آیا آنها تشریح و تصویر شده‌اند و تاریخچه و مفید بودنشان بیان شده است؟

آیا وضعیت ظاهر مطالعه مشخص شده است؟

آیا پرسش لازم است؟ اگر چنین است انجام شده است؟

ـ در رابطه با نتایج

آیا جداول شامل همه اطلاعات ضروری هستند که بدون مراجعه به متن بتوان آنها را مورد استفاده قرار داد[۲۹]؟

وظیفه استاد راهنما

در واقع استاد راهنما برای دانشجو به مثابه پدر و مادر می‌ماند که او را تحت راهنمایی‌های خویش به کاری وادار کرده و در طول کار او را سرپرستی نموده است. طبیعی است که همان‌طور که دانشجو نگران کار خویش است استاد راهنما نیز همانند پدر و مادر که نگران اعمال فرزند خویش‌اند او نیز نگران کار دانشجوست. او میل دارد دانشجو به خوبی از عهده انجام کار برآید.

البته پدر و مادر در تحت هر شرایطی ممکن است از فرزند خود دفاع کنند. اگرچه همه این چنین نیستند اما استاد راهنما به رغم این میل باطنی باید خونسرد باشد و از حد خود پا فراتر نگذارد و عدالت را دقیقاً اجرا کند. او به مثابه یک قاضی و داور بی‌طرف است که نه از دانشجو بی‌جهت دفاع می‌کند و نه اجازه می‌دهد که سؤال‌کنندگان بحث را به انحراف بکشانند و یا حمله غیرمنصفانه بنمایند[۳۰]. دانشجو خود نسبت به رساله خویش مسؤول است و نباید تصور کند که استاد او مسؤولیت هر کاری را می‌پذیرد. همچنین نباید انتظار داشته باشد که استاد در بحث‌ها از او دفاع کند. استاد در واقع هم راهنماست و هم ممتحن، چه بسا استاد راهنما آماده بودن رساله‌ها را جهت دفاع اعلام کند ولی در پایان جلسه دفاع، دانشجو مجبور می‌شود دوباره به اصلاحات خود بپردازد[۳۱].

در بین اعضای کمیته دفاع، نقش استاد راهنما از همه برجسته‌تر است. دانشجویان بسیاری از مسایل را می‌توانند از دانشجویان دیگری، که قبلاً پایان‌نامه و یا رساله خویش را گذرانده‌اند، سؤال کنند اما شنیدن از شخص استاد راهنما برای دانشجو لطف دیگری دارد. دانشجویان معمولاً از استادان راهنما بسیار ممنون خواهند شد چنانچه قبل از جلسات رسمی مطالبی را به آنها گوشزد کنند و یا در کلاسهای سمینار تحقیق آنها را بیان نمایند. عمده وظایف استاد راهنما به قبل از روز دفاع مربوط است. در تهیه طرح پیشنهادی تحقیق وظیفه استاد راهنما خیلی سنگین‌تر است و شاید نیاز به بحث و گفتگوی بیشتری با دانشجو داشته باشد تا او را کاملاً برای طرح مطلب خویش در جلسه بررسی طرح پیشنهادی تحقیق آماده نماید. مراحل دوازده‌گانه زیر قبل و بعد از جلسه رسمی کمیته پایان‌نامه و یا رساله و یا کمیته تحصیلات تکمیلی برای پذیرش طرح پیشنهادی تحقیق به عهده استاد راهنما به عنوان هدایت‌کننده اصلی است.

۱ ـ استاد راهنما و دانشجو بارها قبل از جلسه رسمی یکدیگر را در دفتر کار استاد ملاقات می‌کنند تا مطمئن شوند که کار برای ارائه آماده شده است یا خیر؟

۲ ـ استاد راهنما در روز ارائه طرح پیشنهادی تحقیق برنامه را طوری ترتیب می‌دهد تا دانشجو در کنار اتاق کنفرانس یا اتاق جلسه در جائی مناسب استقرار یابد.

۳ ـ هنگامی که اکثر اعضای کمیته حضور پیدا کردند و زمان مشخص فرا رسید جلسه رسماً افتتاح می‌شود.

۴ ـ استاد راهنما مطمئن می‌شود که اعضا آمادگی دارند دانشجو را بپذیرند و اعتراضی از جانب

کسی وجود ندارد.

۵ ـ از دانشجو خواسته می‌شود تا به جمع بپیوندد. استاد راهنما از دانشجو می‌خواهد تا خلاصه‌ای مختصر از (الف) سوابق علمی تجربی خود و (ب) طرح پیشنهادی تحقیق که برای تصویب ارائه کرده است بیان کند.

۶ ـ سؤالات و پیشنهادها در باره طرح پیشنهادی تحقیق آغاز می‌شود. استاد راهنما معمولاً از استاد ارشد می‌خواهد که رهبری جلسه را به عهده بگیرد.

۷ ـ سؤالات و بحثهای مربوط و پیشنهادها تا آنجا ادامه پیدا می‌کند تا استاد راهنما احساس کند که اعضای کمیته تمایل به ختم جلسه دارند. در غیر این صورت، بحث ادامه پیدا می‌کند.

۸ ـ سپس استاد راهنما رسماً از اعضا می‌خواهد مشخص کنند که طرح پیشنهادی رد شده، بدون قید و شرط پذیرفته شده و یا با شرایطی مورد قبول واقع شده است.

۹ ـ کمیته فرم ارائه شده توسط استاد راهنما را امضا می‌کند.

۱۰ ـ استاد راهنما دانشجو را احضار می‌کند و در حضور اعضا نتیجه را به اطلاع وی می‌رساند.

۱۱ ـ استاد راهنما و دانشجو چنانچه لازم باشد در باره موضوع به بحث می‌نشینند.[۳۲]

البته رعایت مراحل فوق در همه موارد به گونه‌ای مشخص و یا درهم ادغام شده اجرا می‌شود. رعایت دقیق تک تک موارد هم بر ابهت و اهمیت اجرای کار می‌افزاید و هم راه اعتراض و گله را، چه از جانب استادان و چه از جانب دانشجو، مسدود می‌کند. نکته جالب‌تر اینجاست که گاه حتی قبل از تصویب طرح پیشنهادی تحقیق استاد راهنما تعیین شده است در حالی که در بعضی از گروهها و دانشکده‌ها ممکن است استاد راهنما به مدت ۱۵ روز الی یک ماه پس از تصویب طرح پیشنهادی تحقیق معین شود. در صورت اجرای طرح اول یعنی انتخاب استاد راهنما قبل از تصویب طرح پیشنهادی تحقیق، طبعاً باید یکی از اعضای گروه آموزشی دانشکده‌ای مسؤولیت را به عهده بگیرد.

اشکال طرح دوم این است که ممکن است پس از تصویب طرح پیشنهادی تحقیق استاد راهنمای واجد شرایط یا پیدا نشود و یا سرپرستی را قبول نکند و کار مدتی به تعویق بیفتد و اصل پذیرش موضوع زیر سؤال برود. بنابراین، انتخاب موضوع با فرض وجود استاد راهنمای متبحر در آن زمینه قابل تصور خواهد بود.

همان‌طوری که گفته شد اداره جلسه به عهده استاد راهنماست. ولی در آغاز جلسه رئیس

گروه آموزشی و یا رئیس دانشکده می‌تواند جلسه را با ذکر مقدماتی رسماً آغاز و محور بحث را به استاد راهنما بسپارد.

در روز دفاع دانشجو باید عصاره‌ای از آنچه را انجام داده است بیان کند. او نباید چنین تصور کند که چون استاد راهنما و یا مشاوران از نحوه کار او با اطلاع هستند دیگر طرح مجدد مسأله ضرورت ندارد. او در این جلسه طرح یک مسأله علمی و روش انجام و نتیجه‌گیری کار خویش را در معرض آزمایش نهائی می‌گذارد. ارائه خوب مطلب یکی از ویژگیهای کار دفاع از پایان‌نامه و یا رساله است. انتقال خوب مفاهیم، کاربرد خوب جملات، طرح منظم مسأله ـ استفاده از مثال چنانچه لازم باشد ـ پرهیز از کلمات و جملات اضافی و تکراری و حاشیه‌ای، از مسائل مهمی است که دانشجو باید آنها را رعایت کند. او به سه دلیل باید تصویری کوچک از مجموعه کاری را که انجام داده است ترسیم و بیان کند، زیرا:

۱ ـ استادان می‌خواهند بدانند او در ارائه اثر خویش به صورت شفاهی تا چه اندازه تواناست.

۲ ـ در جلسه ممکن است افراد دیگری از استادان دانشگاهها و یا مسؤولان اجرائی و حتی دوستان دانشجو حضور داشته باشند که نسبت به موضوع و روش انجام کار خالی‌الذهن‌اند و کم می‌دانند و منتظراند تا همه مطالب را به دقت بشنوند.

۳ ـ عرضه خوب مطالب از بروز سؤالات غیرمرتبط و حتی مربوط غیرلازم جلوگیری می‌کند.

وقتی دامنه کار کاملاً مشخص و روش کار به نحوی بیان و مسیر انجام آنها روشن شود بسیاری از سؤالات خود به خود پاسخ گفته می‌شود و در وقت دفاع پایان‌نامه و یا رساله صرفه‌جوئی خواهد شد.

وظایف کمیته پایان‌نامه و یا رساله

کمیته پایان‌نامه و یا رساله معمولاً تعدادشان برای دوره کارشناسی ارشد ۳ نفر و برای دوره‌های دکتری ۵ نفر است[۳۳]. در بعضی اوقات ترکیب به این صورت است که با یک استاد راهنما، دو استاد مشاور و یک استاد داور جمعاً ۴ نفر می‌شود. استاد داور، مدعو یا ناظر معمولاً پس از انجام کار تعیین می‌شود. به نظر می‌رسد که برای تقویت نظام ارزیابی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها لازم است نکات زیر توسط کمیته پایان‌نامه و عمدتاً توسط کمیته تحصیلات تکمیلی و گروه آموزشی مورد توجه قرار گیرد:

۱ ـ بازبینی رساله‌ها و پایان‌نامه‌های ارائه شده در مقاطع زمانی مشخص. این امر مروری بر گذشته است و حاصل آن در انجام کارهای بعدی تأثیر خواهد داشت. دانشکده نیز می‌تواند کمیته‌ای را برای ارزیابی کارگروهها در مورد پایان‌نامه‌ها تعیین کند و نتایج آن را به اطلاع همکاران برساند.

۲ ـ کمیته می‌تواند هرازگاهی بحثهائی را در این زمینه حتی با کمک دیگر استادان و دانشجویان داشته باشد تا به عنوان بازخورد مورد استفاده قرار دهد.

وظیفه اصلی کمیته پایان‌نامه و رساله به شرح زیر است:

۱ ـ کمیته پایان‌نامه علاوه بر استاد راهنما دارای وظایفی است که اجرای آن موجب کمک به استاد راهنما و تقویت کار دانشجوست. وظایف زیربخشی از وظایف کمیته پایان‌نامه و رساله است:

۱ ـ در طول جریان کار انجام پایان‌نامه و رساله به دانشجو مشاوره می‌دهد.

۲ ـ در باره اثر نوشتاری دانشجو قضاوت می‌کند. مواد، قالب، سبک، دستور زبان، طرح، روش‌شناسی، فرایند کار و نتایج آن را بررسی می‌کند.

۳ ـ با تصویب طرح پیشنهادی تحقیق راه مطالعه را باز می‌کند و به استاد راهنما برای دست یافتن به راه کارها کمک می‌کند.

۴ ـ دستورالعمل و اجرای کار دانشجوئی را تصویب و چنانچه با دستورالعمل کلی تفاوت دارد به آن توجه می‌کند.

۵ ـ نسخه نهائی را برای روز دفاع تصویب می‌کند.

۶ ـ اطمینان حاصل می‌کند که به حقوق و مقدسات انسانی اهانت و تعرضی نشده است[۳۴].

روز دفاع

روز دفاع برای دانشجو روز بسیار مهمی است. او باید از قبل خود را کاملاً آماده کرده باشد تا بتواند خوب از عهده دفاع اثر خویش برآید، او در چنین روزی نباید مشغله فکری و ذهنی دیگر داشته باشد و گرفتاریهای زندگی نباید او را به جای دیگر مشغول کند و یا از فرط خستگی روزهای گذشته نیاز به استراحت داشته باشد. خونسردی یکی دیگر از نکاتی است که دانشجو

باید به آن توجه کند. باید از هیجان به دور باشد و خستگی‌های دوران کار را نباید به حساب آورد.

در روز دفاع پایان‌نامه و یا رساله علی‌الاصول رئیس گروه آموزشی اعضای کمیته پایان‌نامه و رساله را دعوت می‌نماید. حضور استاد راهنما به عنوان محور اصلی و گرداننده جلسه الزامی است مگر این‌که عذری داشته باشد و رسماً این مسؤولیت را به عهده دیگری واگذار نماید. برای اینکه جلسه دفاعیه از شور و ابهت بیشتری برخوردار باشد و از نظر علمی ـ کاربردی بتواند منشأ اثرات و خیرات بیشتری باشد می‌توان از متخصصان موضوعی در این زمینه، چه از دانشکده‌های دیگر و یا سازمانها و مؤسسات ذیربط و ذینفع، دعوت به عمل آورد این کار فوائد زیر را در بر دارد:

- ارتباط بین دستگاههای اجرائی و آموزشی را بیشتر می‌کند. آنها از کار و مشکلات یکدیگر بیشتر مطلع شده و زمینه‌ای برای همکاریهای گسترده آتی آنها فراهم می‌شود.
- به امر اطلاع‌رسانی کمک می‌کند زیرا اشاعه اطلاعات یکی از وظایف دستگاههای آموزشی است. هر واحد آموزشی موظف است در قالب موضوعات مطروحه به گسترش دانش و نیز جذب اطلاعات مورد لزوم کمک کند. این امر موجب تسهیل اجرای پروژه‌های بعدی برای دانشجویان و استادان می‌شود. داشتن دستورالعمل مشخص از جانب واحد آموزشی و ترجیحاً از طرف معاونت آموزشی دانشکده و یا دانشگاه می‌تواند به تمرکز و نیز سازماندهی و استفاده بهینه از نتایج و دستاوردهای آن کمک کند.
- موجب همکاری بیشتر دستگاههای اجرائی با طرح مورد مطالعه می‌شود. چنانچه موضوع رساله و یا پایان‌نامه مورد علاقه آنها باشد با دانشجو ارتباط برقرار می‌کنند و برای تکمیل طرح هزینه‌های لازم را می‌پردازند.
- حضور صاحب‌نظران و متخصصان از دیگر دانشکده‌ها و مؤسسات اجرائی آموزشی و پژوهشی موجب ارائه پیشنهاد استفاده و مانند آن می‌شود و به تکمیل طرح و اصلاح آن خواهد انجامید.

ارزشیابی و نمره‌گذاری

طبعاً پس از اتمام کار توسط دانشجو در روز دفاع و انجام پرسشهای لازم توسط حاضران و

پاسخ توسط دانشجو و احیاناً استاد راهنما، دانشجو جلسه را ترک می‌کند تا کمیته پایان‌نامه و یا رساله برای تعیین نمره وارد شور شود. در این که برای دادن نمره باید ملاک و معیاری باشد هیچ بحثی نیست. بحث در این است که چگونه می‌توان همه مسائل کیفی را به صورت کمی نشان داد تا بتوان برای آن نمراتی را در نظر گرفت.

وجود معیار و میزان یکی از ضروریات است زیرا در غیر این‌صورت سلائق حاکم می‌شود. حب و بغض‌ها ممکن است سبب شود که به طور عادلانه به دانشجو نمره داده نشود و در یک ارزیابی کلی متوجه شوند که استادان در دادن نمره قوت و ضعف رساله و پایان‌نامه و نحوه ارائه را در نظر نگرفته‌اند. عدم توجه به معیار در نمره‌گذاری موجب دلسردی دانشجویان و سلب اعتماد آنها به کمیته پایان‌نامه و در نهایت به گروه آموزشی می‌شود.

پس از شور لازم در پایان جلسه دفاعیه و بیان نقاط قوت و ضعف و رعایت ملاکها بهتر است نمره توسط استادان مربوط به صورت مخفی داده شود تا از میانگین نظرات نمره واقعی دانشجو معین شود. در پاره‌ای از موارد که بعضی از استادان از نظر علمی و یا اجرائی دارای موقعیت برتر هستند، ممکن است نظرات دیگران را تحت‌الشعاع قرار دهند و دیگران چه به لحاظ احترام به آنها یا داشتن رودربایستی از اظهارنظر واقعی خودداری کنند و نمره واقعی را اظهار نکنند. جدول زیر الگوئی در این رابطه خواهد بود[۳۵].

جدول شمارهٔ ۵ فرم ارزیابی است که به وسیلهٔ تعدادی از مشاوران باتجربه مورد استفاده قرار گرفته است

نام ارزیاب و تاریخ						
عنوان پایان‌نامه و رساله						
نام دانشجو						
خصوصیات مورد ارزیابی	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	غیرقابل قبول	ملاحظات
ـ عنوان روشن و دقیق است						
ـ مسأله به خوبی مشخص و بیان شده است						
ـ محدودیتهای مطالعه بیان شده است						
ـ راه‌کارها خوب و توضیح داده شده و مناسب برای حل مسأله است؟						
ـ فرضیات قابل دفاع‌اند؟						
ـ طرح تحقیق حقوق انسانی را به هم نمی‌زند؟						
ـ اصطلاحات مهم تعریف شده‌اند؟						
ـ سؤالات مهم به وضوح توضیح داده شده‌اند؟						
ـ فرضیات عناصریاسؤالات تحقیق به خوبی بیان شده‌اند؟						
ـ فرضیات، عناصر یا سؤالات تحقیق حاصل مطالعه منابع موجود در موضوع است؟						
ـ ارتباط تحقیق با مطالعات قبلی کاملاً روشن است؟						
ـ بررسی منابع و مآخذ موضوع به خوبی‌انجام شده‌است؟						
ـ فرایندکار به تفصیل تشریح شده است؟						
ـ فرایندکار، مناسب حل مسأله است؟						
ـ جمعیت و نمونه به‌طور وضوح مشخص شده‌اند؟						
ـ روش نمونه‌گیری مناسب است؟						
ـ مطالب به روشنی نوشته شده است؟						
ـ متغیرها کنترل شده‌اند؟						
ـ روش جمع‌آوری داده‌ها توضیح داده شده‌اند؟						

نام ارزیاب و تاریخ						
عنوان پایان‌نامه و رساله						
نام دانشجو						
خصوصیات مورد ارزیابی	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	غیرقابل قبول	ملاحظات
ـ روش جمع‌آوری اطلاعات مناسب حل مسأله است؟						
ـ اعتبار و قابل اعتماد بودن داده‌ها توضیح داده‌شده‌است؟						
ـ روشهای مناسب برای تحلیل اطلاعات داده شده است؟						
ـ جمله‌بندی و نقطه‌گذاریها صحیح است؟						
ـ غلطهای تایپی و چاپی کم است؟						
ـ هجا و دستور زبان صحیح است؟						
ـ مطالب به روشنی نوشته شده است؟						
ـ لحن نوشتار بیطرفانه است؟						
ـ درجه‌بندی کلی از خلاقیت و اهمیت‌مسأله چگونه است؟						
ـ جداول و نمودارها به خوبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟						
ـ یافته‌های اصلی مورد بحث قرار گرفته وبه‌تحقیقات قبلی مربوط‌اند؟						
ـ اهمیت یافته‌ها تشریح شده است؟						
ـ ارتباط بین تحقیق و یافته‌هاباستدلال قوی ومنطقی بیان شده است؟						
ـ نتایج به خوبی بیان شده‌اند؟						
ـ نتایج بر یافته‌ها متکی است؟						
ـ تعمیم به خوبی شکل گرفته است؟						
ـ محدودیتهاونقاط‌ضعف‌تحلیل‌موردبحث قرارگرفته‌است؟						
ـ آنچه با یافته‌ها ملازمه دارند موردبحث قرار گرفته است؟						
ـ پیشنهادهایی برای مطالعات بعدی بیان شده است؟						
ـ درجه‌بندی نهایی اجرای طرح و نسخ پایانی						
ـ اظهارات کلی:						

جدول شماره ۵: فرم ارزیابی طرح پیشنهادی تحقیق و پایان نامه

پس از ختم جلسه دفاع از پایان‌نامه دانشجو برای فراغت کامل از کار اموری را باید انجام دهد. البته در اینکه پایان‌نامه نهایی را برای روز دفاع چگونه باید تحویل دهد گاه اختلاف سلیقه‌هایی وجود دارد. آنچه عمدتاً مورد توجه است این است که اثر پس از تأیید استادان راهنما و مشاور باید ماشین شده و بدون غلط برای ارزیابی نهایی استاد داور تحویل گروه آموزشی شود. در بعضی از دانشگاهها جلد شده پایان‌نامه را برای روز دفاع طلب می‌کنند، ولی در بعضی دانشگاههای دیگر توصیه می‌کنند که پایان‌نامه نهایی ماشین شده ولی جلد نشود تا چنانچه در روز دفاع و با بحثهایی که مطرح می‌شود احیاناً اصلاحاتی لازم بود به سادگی انجام شود. در این رابطه وحدت رویه در بین دانشگاهها خیلی مهم است و توصیه می‌شود. در این که استاد داور یا مدعو چه سهمی از پایان‌نامه به عهده اوست دقیقاً مشخص نیست. در بعضی از دانشگاههای ما برای داوری استاد داور یا مدعو حق‌الزحمه‌ای پرداخت می‌شود. ولی در بعضی از دانشگاهها مثل دانشگاه تهران چیزی پرداخت نمی‌شود این هم موجب نگرانی استاد داور است و هم گروه آموزشی که برای ختم کار پایان‌نامه به استاد داور نیاز دارد. علاوه بر اینکه در بعضی از دانشگاهها بابت زحمت استاد داور، که طبعاً وقتی را صرف مطالعه پایان‌نامه می‌کند، در روز دفاع حضور می‌یابد و در بحث شرکت می‌کند چیزی نمی‌پردازند، از حقوق معنوی هم برخوردار نیست. به عبارت دیگر، در بعضی از دانشگاهها، صورتجلسه دفاعیه که در آن نام استادان راهنما و مشاوران و داور همراه با امضاء آنان وجود دارد، به اول پایان‌نامه ضمیمه می‌شود. ضمن اینکه گاه دانشجو همان‌طور که از استادان راهنما و مشاور نام می‌برد از او هم یادی می‌کند ولی در بعضی از دانشگاهها این صورتجلسه ضمیمه نمی‌شود و لذا یادی از استاد داور نمی‌شود و طبعاً انگیزه‌ای برای استادان نیست تا داوری را بپذیرند.

نکته دیگر جلد پایان‌نامه و تعداد نسخه‌هایی است که دانشجو باید تهیه کند. فرم استانداردی باید در این زمینه باشد و شاید هم هست ولی دقیقاً رعایت نمی‌شود. بعضی‌ها آرم دانشگاه را بر روی جلد پایان‌نامه حک می‌کنند و بعضی به این امر توجهی ندارند. رعایت درشتی خط و فاصله بین تک‌تک عناوین و نامهایی که بر روی جلد و نیز صفحه عنوان می‌آید باید تابع دستورالعملی باشد که از طریق دانشگاه رسماً ابلاغ شود. در بسیاری از موارد صحافی‌های خارج از دانشگاه به دلیل وجود قرائن و سوابق و با سلائق شخصی به صحافی پایان‌نامه‌ها و نوشتن موارد لازم بر روی آن اقدام می‌کنند.

همچنین تعداد نسخه‌هایی که از متن نهایی پایان‌نامه باید تهیه شود باید برای دانشجو دقیقاً معلوم باشد. اکنون که هزینه تکثیر زیاد است باید کمکهای لازم از طرف دانشگاه و یا دانشکده‌ها در اختیار دانشجو قرار گیرد تا بتواند به تعداد لازم از آن تهیه کند. آنچه ضروری و قطعی به نظر می‌رسد این است که دانشجو باید یک نسخه به استاد راهنما، یک نسخه به کتابخانه و احتمالاً نسخه‌ای به استاد مشاور بدهد و طبعاً نسخه‌ای هم برای خود او نیاز است که حداقل ۴ نسخه می‌شود.

فهرست منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ حیدری عبدی. احمد. کتابشناسی روش تحقیق. تهران. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ۱۳۷۳ (تکثیر محدود)

۲ ـ این اصطلاحات از کتاب روشهای تحقیقی در علوم تربیتی و رفتاری به عاریت گرفته شده است.

3. University of British Colombia, 1992/3 Calender, Vancouver, UBC officer of the Register. 1992

4. Emauch James & Jack N. Brich, Guide to successful Theses and dessertation. 1989.P.2

5. Ibid.P.13

6. Ibid.P.15

7. Ibid.P.8 - 9

8. International Dessertation Abstracts.

اخیراً مرکز اطلاعات و مدارک علمی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به نشر چکیده‌های پایان‌نامه‌های دانشگاهی اقدام کرده است.

9. Stater, Margaret, Research method in library and information studies. London, L.A., 1990. Pt.I.

۱۰ ـ بست، جان، **روشهای تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری**، ترجمه حسن پاشاشریفی و نرگس طالقانی، تهران، ۱۳۷۱

۱۱ ـ همان منبع، ص ۶۰

۱۲ ـ شلبی، احمد، **کیف تکتب بحثاً او رسالة، رسالة منهجية لکتابة البحوث واعداد سائل الماجيستر والدکتورا طبعةالثامنه**، قاهره، مکتبة النهضة المصريه. ۱۹۷۴، قم. انتشارات موسی صدر

13. Emauch, Tames.... P.2

14. Introduction To reproductive Health Epidimiology, Oxford

۱۵ ـ بِست روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. ص ۵۴ وشلبی، ص ۳۰

16. Introduction To Reproductive Health Epidimiology, Oxford, 1987

17. Emauch, James, P.111

18. Introduction to Reproductive Health Epidimiology, PP.1-9, 1987

19. Emauch, James. PP. 112-4

20. Ibid. P.29

21. Ibid. P.5

22. Ibid. PP. 60-61

23. Ibid. PP. 169-70

24. Ibid. PP. 208

25. Ibid. P. 209

۲۶ ـ شبلی، احمد، فصل ۳

۲۷ ـ همان، ص ۹ ـ ۱۲۸

28. Emauch, James, P. 176

29. Ibid. P. 177

30. Ibid. PP. 23-4

۳۱ ـ شبلی، احمد، ص ۲۲

32. Emauch, James. P.124

33. Ibid. P.5

34. Ibid. P.90

35. Ibid. PP. 90-92

۱۵

نقش ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و مراکز اسناد در گسترش اطلاعات*

اهمیت اطلاعات در جهان امروز

اهمیت اطلاعات در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. قرن حاضر را قرن و بهتر است بگوییم دهه حاضر را دهه اطلاعات و انفجار اطلاعات می‌نامند. گسترش مواد و منابع اطلاعاتی و سرعت انتقال آنها از یک نقطه دنیا به نقطه دیگر در ظرف مدت بسیار کوتاه از ویژگی‌های این زمان است. کامپیوتر، پدیده جدیدی است که مبین خلاقیت ذهن بشر از یک طرف و کوچکتر شدن جهان از دیدگاه بشر امروز از طرف دیگر است. تاریخ زندگی بشر، کیفیت رشد علمی و اطلاعاتی بشر را به خوبی نشان می‌دهد که از چه شتابی در قرون و دهه‌های اخیر برخوردار بوده است. «لنکستر» صاحب کتاب کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر الکترونیک معتقد است که اگر ۵۰ هزار سال زندگی گذشته انسان را به دوره‌های ۶۲ سال تقسیم کنیم هشتصد دوره از این نوع

---

* این مقاله در اولین سمینار کاربردی مرکز و سازمان‌های پژوهشی و اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۶۹ در تهران مطرح و در کتاب مجموعه مقالات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۰ چاپ شده است.

خواهیم داشت که از آن ۶۵۰ دوره به تمامی در غارها سپری شده و تنها در خلال هفتاد دوره اخیر زندگی، برقراری ارتباط مؤثر از یک دوره به دوره دیگر امکان‌پذیر شده است زیرا نوشتن آن را امکان‌پذیر ساخته است. تنها در ۶ دوره اخیر زندگی توده‌های انسان‌ها، چشمشان به کلمه‌های چاپی افتاده است و در خلال ۴ دوره اخیر زندگی، اندازه‌گیری زمان ممکن شده و تنها در دوره اخیر، زندگی، در جایی از موتور برق استفاده کرده است و بیشترین کالاهای مادی مورد استفاده زندگی روزمره ما، در هشتصدمین دوره زندگی، دوره حاضر به وجود آمده است.[۱] او سپس به امواج سه‌گانه دگرگونی اجتماعی اشاره می‌کند: اول انقلاب کشاورزی که در طول هزاران سال اتفاق افتاده و دوم انقلاب صنعتی که تنها سیصدسال دوام داشته و سومین موج، انقلاب اطلاعاتی که در چند دهه دیگر به کمال خواهد رسید[۲].

در جهانی که اطلاعات به سرعت به روند شتاب‌آلود خود ادامه می‌دهد باز آنچه بیش از هر چیز مهم‌تر جلوه می‌کند خود اطلاعات است. اطلاعات چون برق می‌رسد و چون برق می‌رود و بشر خود باید به دنبال آن باشد و هرازگاهی هم ممکن است دردسرهایی تولید کند.

«ماه گذشته یک ماشین کامپیوتری از چنگ مراقبان خود گریخت و در خیابان‌های توکیو نمایشی تأسف‌آور عرضه کرد و شروع به چرخیدن به دور خویش نمود. همه لوازم کنترل به کار گرفته شد اما از آدم‌ها «رُبوتها» و «ریموت کنترل‌ها» کاری برنیامد، ناگزیر شدند با سلاحی قدرتمند آن را منفجر کنند[۳]».

«در دیدگاه سیاسی نیز، اطلاعات نقش عظیمی را ایفا می‌کنند. قدرت جایگاه خود را عوض کرده است و به سمت اطلاعات گام برداشته است» آلوین تافلر* مؤلف معروف آثاری چون «شوک آینده» و «موج سوم» در اثر جدید خود به نام «تغییر ماهیت قدرت»** چنین اظهار می‌دارد «دیری نمی‌پاید که این دوره (شاخص قدرت سرمایه) جای خود را به دوره جدید که در آن «دانش» یا «اطلاع» در معنی وسیع آن شاخص قدرت است و در آن وضعیت شکل سیاسی جهان کاملاً دگرگون خواهد شد[۴]» می‌دهد.

در هر حال، ارزش اطلاعات به عنوان یک منبع عظیم ملی باید حفظ شود و همچون

---

* Alvin Tafler

** Power Shift

جنگل‌ها، منابع آبی و خاک‌های حاصلخیز کشور نگهداری و در مصرف بی‌رویه آن امساک گردد.

اگر[5] کتابخانه‌ها و مراکز مدارک و اسناد را به عنوان مهمترین جایگاه نگهداری اطلاعات به حساب آوریم باید بدانیم که حجم اطلاعات جمع شده در هر مرکز آنچنان زیاد است که هر چه صاحبان قدرت بر ظرفیت و مساحت کتابخانه‌ها می‌افزایند باز جا کم می‌آورند. کتابخانه‌های بزرگ برای نجات از این مصیبت بزرگ به سرعت به سمت میکروفیلم و انواع دیگر مواد سمعی و بصری روی می‌آورند با آنکه از آینده آن نیز به خوبی مطمئن نیستند[6]. قانون واسپاری هر نشریه و کتاب به کتابخانه ملی که زمانی از نعمات و خدمات به حساب می‌آمد و هنوز هم در کشورهای در حال توسعه و یا عقب نگهداشته شده برای تقویت کتابخانه‌های ملی نعمت محسوب می‌شود برای آنها به «بلا» تلقی شده است[7]. در بریتانیا لایحه قانون واسپاری منابع الکترونیکی مانند: دیسک‌های نوری، دیسک‌های لیزری، دیسک‌ها فشرده و انواع قوطی‌های الکترونیکی برای تصویب به مجلس ارائه شده است[8].

در کشور اتحاد جماهیر شوروی در مدت ۱۵ سال شمار کتابخانه‌ها از ۲۴۰/۷۵۶ و مجموعه‌ای برابر با ۴۴۲ میلیون جلد در سال ۱۹۳۹ به تعداد ۳۸۰۰۰۰ کتابخانه و به یک میلیارد جلد افزایش یافته است[9].

کتابخانه بزرگ لنین با آن همه استحکام، از کمبود جا و فضا در مضیقه بود و طرح ساختمانی بزرگ را برای آن در تدارک بودند. کتابخانه بزرگ لنینگراد (سالتیکف سچدرین) با ۲۷ میلیون جلد کتاب و موارد دیگر از کمبود جا رنج می‌برد، کتابخانه علمی و صنعتی لنین در مسکو با آنکه با تعدادی شعبه در سطح شهر کار می‌کند، ساختمانی دیگر را با مساحتی بیشتر در اطراف شهر در دست ساختمان داشتند[10].

در ایران نیز ساختمان کتابخانه ملی، دچار تفرقه و پراکندگی‌ست. مجموعه آن با آنکه با کتابخانه‌های دنیا قابل مقایسه نیست ولی متأسفانه به سه تکه تقسیم شده است. کتابخانه سازمان برنامه و بودجه در چندین ساختمان و انبار مجتمع است[11].

مشکل جا به اضافه هزینه‌های سرسام‌آور پیدا و ناپیدا که از ذخایر کشورها برای جمع‌آوری اطلاعات صرف می‌شود همه و همه این فکر را القاء می‌کند که در جهان امروز که جهان اطلاعات است در عین حالی که از جمع‌آوری، ذخیره و بازیابی اطلاعات گریزی نیست باید برای پاسخ به نیازهای اطلاعاتی موجود تا آنجا که ممکن است دست نیاز به سوی کتابخانه‌های

همجوار و در صورت لزوم دوردست برد. ارتباط متقابل کتابخانه‌ها با یکدیگر چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای و یا جهانی بزرگترین و مناسبترین راه‌حل این مسأله بزرگ است.

«هیچ کتابخانه‌ای در سراسر دنیا پیدا نمی‌شود که قادر باشد به تنهایی بودجه لازم برای خرید تمام منابع مورد نیاز مراجعان خود را فراهم آورد حتی اگر بودجه کافی هم داشته باشد. هیچ کتابخانه‌ای نمی‌تواند تمام منابع خود را به همان سرعت و میزانی که چاپ و منتشر می‌شود تهیه کند. دو نکته فوق موجب می‌شود که کتابداران و متخصصان علم اطلاع‌رسانی تلاش خود را در جهت همکاری بین کتابخانه‌ها، شبکه‌های کتابخانه‌ای و استفاده مشترک کتابخانه‌ها از منابع دیگر متمرکز کنند.[۱۲]»

از این رو، تدارک و عرضه اسناد از طریق روابط متقابل بین کتابخانه‌ها از رشد ویژه‌ای برخوردار بوده است. این امر که تاکنون تحت عنوان «روابط متقابل کتابخانه‌ای» انجام می‌شده، اینک با توسعه ابزارهای اطلاع‌رسانی به شکل فتوکپی، میکروفیلم یا میکروفرم‌ها انجام می‌شود اگرچه همان نام «امانت متقابل بین کتابخانه‌ای» بر آن صدق می‌کند. رشد سریع تکنولوژی و گسترش دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی، نحوه عرضه اسناد و مدارک نیز دستخوش تحویل و تحول شده و عرضه‌کنندگان تنها به کتابخانه‌های محدود نشده بلکه مراکز عرضه‌کننده اسناد، واحدهای اطلاعاتی در داخل کمپانی‌های تجاری و صنعتی و عرضه‌کنندگان تخصصی (چون علائم اختراعات و استانداردها و غیره) نیز به انجام چنین رسالتی مشغولند[۱۳].

در کنفرانسی که در سال ۱۹۸۸ در لندن در رابطه با موضوع «امانت بین کتابخانه و عرضه اسناد» با حضور ۲۳۰ نماینده از ۳۸ کشور تشکیل شد، موضوعات مختلفی مورد بحث قرار گرفت، از جمله مسایلی که مورد بحث قرار گرفت و بر آن تأکید شد عبارتست از: امروز چه موادی بیشترین خریدار را دارند؟ نیاز خواننده چیست؟ هر کس با مسأله امانت بین کتابخانه‌ای کارکند چنین سؤالاتی برایش مطرح خواهد شد: چه کسی این سند را دارد؟ چگونه می‌توان آن را امانت گرفت و یا کپی از آن تهیه نمود؟ چگونه کپی (تصویر) فرستاده می‌شود؟ آیا باید برای آن چیزی پرداخت؟ اگر باید، چقدر و چه کسی باید آن را بپردازد؟ آیا در این زمینه موانع قانونی وجود دارد[۱۴]؟

بدون شک در این راه مشکلاتی وجود دارد، اگرچه مشکلات کتابخانه‌های بزرگ در کشورهای پیشرفته با آنچه در کتابخانه‌های کوچک و در کشورهای در حال رشد است تفاوت

دارد، ولی در هر حال اعتقاد کلی بر این است که امانت بین کتابخانه‌ای و عرضه اسناد می‌تواند بهترین راه‌حل تلقی شود. تبیین سیاست واحد و مستقل ملی در جهت استفاده صحیح و سریع و اقتصادی اطلاعات با بهره‌گیری از مناسبترین ابزارهای موجود مهمترین گام در این رابطه است.

اطلاعات در جهان سوم

بی‌شک رشد فزاینده اطلاعات در جهان پیشرفته صنعتی معلول تلاش زایدالوصف آنان در طریق طلب علم و تکامل تکنولوژی‌ست. استفاده از برنامه‌ریزی و متدولوژی نیز بر سرعت کار افزوده است. همچنان که قدرت، قدرت می‌آورد، علم نیز که خود نوعی قدرت و یا دستکم ابزار قدرت است موجب افزایش روند علم‌جویانه می‌شود و هرچه زمان می‌گذرد فاصله عقب‌ماندگان از تلاشگران در این زمینه بیشتر می‌شود.

در جهان سوم ـ اگر بتوان باز هم چنین اصطلاحی پس از تلاشی مارکسیسم و بلوک شرق به کار برد ـ و کشورهای در حال توسعه اگر انگیزه‌های علم‌جویانه و تکامل طلب پس از مدت‌ها رکود و رخوت احیاء شده و یا در حال احیاء شدن باشد باید از تجارب دیگران حداکثر استفاده را بنماید و بدون آنکه خود را دربست به تقلید عادت دهند از نکات ظریف و دقیق عبرت بگیرند و به ویژه برنامه‌ریزی و متدولوژی را از یاد نبرند که این هر دو از مهمات در پیروزی آنان است. به عنوان نمونه مطلب زیر که حکایت از نگرش مسؤولان قبل از انقلاب می‌کند مؤید این مطلب است:

«در این دوران ما با یک نوع مسابقه وحشتناک بین مدیران و مسؤولین خائن مملکتی در امور انفورماتیک مواجه هستیم. بدین معنی که هر کدام در دادن سفارش به کامپیوتر بزرگتر و قرارداد خرید و اجاره سنگین‌تر و نرم‌افزارهای گرانتر با هم رقابت و چشم و همچشمی می‌کردند ...»[۱۵] و نیز «بر اساس تبلیغات و زمینه‌سازی‌ها و فعالیت‌ها ... موج کاذبی از نیازمندی به افراد متخصص در سطوح مختلف تحلیل‌گر، برنامه‌نویس، اپراتور، پانچیست و غیره در جامعه پیدا شد. این موج سبب شد که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی اقدام به تأسیس رشته علوم کامپیوتری کنند. اما متأسفانه دانشگاه‌ها و مراکز علمی به جای آموزش و پژوهش در زمینه تولید تجهیزات کامپیوتری برنامه‌های خود را به شناخت راه‌های مصرف این تکنولوژی اختصاص داده و به تربیت آنالیست، برنامه‌نویس و اپراتور پرداختند»[۱۶].

در هر حال، تربیت نیروهای متخصص در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها بر اساس استراتژی مشخص علمی در همه زمینه‌ها به ویژه در زمینه اطلاع‌رسانی و پخش و توزیع اطلاعات با استفاده از روش‌های معقول ممکن و متناسب و اقتصادی از ضرورت‌های اولیه است. گسترش روح تحقیقاتی و تقویت و پشتیبانی دولت‌ها از این موضوع در این قبیل کشورها، خودبخود به تقویت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعات خواهد انجامید و ضرورت، مشکلات آنان را یکی پس از دیگری حل خواهد نمود.

در بحثی که با مسؤول مرکز اطلاعات سازمان «یونیدو» وابسته به سازمان ملل متحد در «وین» داشتم، نامبرده اظهار داشت که هزینه توزیع اطلاعات زیاد است و اینکه کشورهای در حال توسعه که عمدتاً مصرف‌کنندگان اطلاعات موجود در «یونیدو» و یا تهیه شده به وسیلهٔ «یونیدو» هستند نمی‌توانند آنچنان که باید از اطلاعات استفاده کنند زیرا که کشورهای پیشرفته صنعتی نیازی به اطلاعات سازمان «یونیدو» ندارند آنها اطلاعات می‌دهند. گیرندگان، کشورهای ضعیف هستند که هم نمی‌توانند هزینه را بپردازند و هم توان آنرا ندارند که از اطلاعات به‌طور دقیق استفاده کنند[۱۷].

در جهان سوم، مناطق بسیاری‌ست که هنوز استفاده از اطلاعات برای آنها جزو رویاهاست البته اگر اطلاعاتی وجود داشته باشد[۱۸]. در کشورهای جهان سوم، مشکل، میزان کارکنان تعلیم دیده است[۱۹]. کتابخانه‌های کشورهای جهان سوم معمولاً از نظر ارائه خدمات به مراجعه کنندگان ضعیف هستند.[۲۰]

باید توجه داشت که کتابخانه‌های پیشرفته جهان نیز در گذشته چنین بوده‌اند و در اثر تلاش و در سایه پیشرفت تکنولوژی به وضع پیشرفته کنونی رسیده‌اند و در ایالات متحده در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰، طرح‌های همکاری بین کتابخانه‌ها چندان موفق نبود علت آن را بیشتر در ذهنیت و طرز تفکر کتابداران که خود را حافظان کتاب می‌انگاشتند، کمبود بودجه، عدم توانایی کتابداران در دستیابی به نیازهای اساسی خود، فاصله بین کتابخانه‌ها و کمبود کارکنان آموزش‌دیده می‌دانستند و اینها همان عواملی است که جهان سوم نیز در حال حاضر با آن دست‌بگریبان هستند.[۲۱]

متأسفانه در بسیاری از مناطق توسعه نیافته و یا در حال رشد، هیچ نوع شبکه اطلاع‌رسانی که برای این قبیل کشورها نافع باشد به وجود نیامده است و یا بهتر است بگوییم نتوانسته‌اند به

وجود آورند. اطلاع‌رسانی در نگاه اول بسیار جذاب و دل‌انگیز است. اما اگر قبلاً مشکلات اساسی آن حل نشود و به صورت اصولی و جدی با قضیه برخورد نشود ناکامی در آن حتمی است. قبل از ایجاد سیستم و یا شبکه در کشورهای در حال رشد و یا آغازکننده باید مسایل زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱ ـ آیا در کشور و یا منطقه به اندازه کافی منابع و مواد اطلاعاتی برای تشکیل چنین شبکه اطلاعاتی وجود دارد؟

۲ ـ آیا نیازها با عرضه اطلاعات کافی جواب گفته می‌شود زیرا در غیر این صورت سیستم بی‌فایده خواهد بود؟

۳ ـ با توجه به اینکه عمده اطلاعات علمی و تکنولوژیکی در کشورهای پیشرفته وجود دارد آیا تشکیل یک شبکه غنی که فقط در زمینه علوم انسانی کار کند و از گزارش‌های محلی تغذیه شود می‌تواند جوابگوی نیازها باشد؟

۴ ـ آیا تقاضای کافی برای اینکه سیستم اطلاعاتی زنده و پویا باقی بماند و نیز منبع کافی مالی برای آنکه ادامه حیات شبکه را تضمین کند وجود دارد[۲۲]؟

در هر حال، آنچه مسلم است این است که یک شبکه اطلاعاتی در یک کشور در حال رشد به تنهایی قادر نخواهد بود همه نیازهای خود را برطرف کند. این شبکه نیازمند است که از خارج خود، چه از نظر مالی و چه از نظر اطلاعاتی تقویت شود.

کارهای بزرگ برای کشورهای در حال رشد، خطرات بزرگی را هم به همراه دارد، تجربه کشورهای در حال رشد باید به دقت و با احتیاط برنامه‌ریزی شود و گرفته‌ها در حد نیاز باشد. باید متناسب با شور و عشق تحقیقاتی اشتهای کافی برای استفاده از مواد و مدارک اطلاعاتی به گسترش سیستم‌ها دست زد. اگر چنانچه بهترین شبکه دایر شود اما استفاده‌کننده چندانی نباشد، نهایتاً این شبکه به تعطیلی خواهد کشید. فرق نمی‌کند، چه به خاطر عدم‌اطلاع محققان بالقوه از این شبکه باشد و یا عدم‌توانایی این شبکه جهت معرفی خود و یا نبود محققان و پژوهشگران بایسته در کشور. اگر تشنگی، تحقیقاتی و پژوهشی ایجاد شود شبکه‌های تحقیقاتی و اطلاعاتی به سرعت رونق خواهد گرفت و به قول مولوی.

آب کم جو تشنگی آور به دست   تا بجوشد آبت از بالا و پست

در مورد تعیین یک سیستم مشخص برای هر منطقه باید تدابیر لازم اندیشیده شود. آیا

سیستم تمرکزی بهترین است و یا سیستم عدم تمرکزی و یا مدل‌های دیگر؟ به هر حال باید این ویژگی را داشته باشد که نیاز منطقه‌ای را بپوشاند[۲۳].

در ایران بنا به دلیل خاص و شرایط مدیریتی کشور سیستم عدم تمرکزی بیشتر خریدار دارد اما بهترین نیست. هر دستگاه و سازمان راغب است که اطلاعات و آمار و ارقام را خود تولید کند و از اطلاعات و آمار و ارقام دیگران عنداللزوم برحسب ضرورت استفاده می‌نماید. چند سال قبل طرحی در زمینه متمرکز نمودن سیستم آمارگیری کشور در مجلس شورای اسلامی مطرح شد ولی رأی نیاورد. سیستم عدم‌تمرکز اگر به ارتباط و هماهنگی قایل باشند مطلوب خواهد بود وگرنه موجب اتلاف وقت، نیرو و ثروت می‌شود، در هنگام تصمیم‌گیری کار را باوقفه توأم می‌کند و نتیجه نیز قطعی و روشن نخواهد بود ولی به حال باید توجه داشت که نظام ملی امانت، زیربنای نظام امانت بین‌المللی‌ست[۲۴]. در کشورهای در حال توسعه به کارگیری الگوی کار، خود مورد بحث قرار می‌گیرد و متأسفانه انتخاب بهترین الگو، گاه نیاز به مشاوره خارجی پیدا می‌کند[۲۵]. یونسکو در سال ۱۹۸۶ در جنوب شرقی آسیا، مطالعاتی را در این مورد انجام داده است ولی تاکنون گزارشی از آن نرسیده و مطالب آن هم چاپ نشده است[۲۶].

در هر حال، برای مناطق در حال رشد طرح‌های خیلی بزرگ نسبت به طرح‌های کوچکتر که یکی بر دیگری متکی باشند توفیق کمتری دارند[۲۷]، بدین معنی که شبکه‌ای کشوری به وجود آید که با زیرمجموعه‌های خود در استان‌ها ـ اگر توان علمی و اطلاعاتی‌شان بالا باشد ـ در ارتباط باشند، پس از آن در منطقه با کشورهای منطقه رابطه داشته باشند. البته در اینجا کمک‌های دولت، مشکل زبان ملیت‌های مختلف و مرکزیت چنین شبکه‌ای مورد بحث خواهد بود. این مسایل ممکن است به نوعی خفیف‌تر در رابطه با زیرمجموعه‌های این شبکه در داخل استان‌های یک کشور هم وجود داشته باشد ولی حاد نیستند. سازمان اکو (ایران ـ ترکیه ـ پاکستان) به عنوان یک مثال می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. اتصال به شبکه جهانی، دریافت کمک از آنها پس از رسیدن به حد مطلوب و قابل قبول همواره باید مدنظر قرارگیرد. در این مورد می‌توان از طرح «فارمینگتون»[۲۸] که طی آن ۶۰ کتابخانه امریکایی به طور داوطلبانه در زمینه تبادل اطلاعات با یکدیگر کار می‌کنند و یا از طرح فراملیتی «اسکاندیا» که کشورهای اسکاندیناوی را از نظر اطلاعاتی زیر پوشش می‌گیرد[۲۹] یاد کرد.

در کشور ما برای انجام بهترین خدمات اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات متقابل بین کتابخانه‌ای

و مراکز اسناد در سطح کشور شبکه‌ای گسترده باید به وجود آید ولی چه کسی آن را وظیفه اصلی باید تلقی کند و دیگران از نظر قانونی و اجرایی خود را با آن هماهنگ نمایند خود جای بحث و کف نفس فراوان دارد. در مورد کتابخانه‌ها آیا کتابخانه ملی بـا مسـؤولیت و وظـایف جـدید می‌تواند این وظیفه را عهده‌دار شود واگرنه چه کتابخانه دیگری چنین وظـیفه‌ای را بـه عـهده خواهد گرفت؟ مرکز مدارک علمی سال‌هاست به‌گونه‌ای این وظیفه را انجام می‌دهد[۳۰] در مورد مراکز اطلاعات و یا پایگاه‌های اطلاعاتی، شورای عالی انفورماتیک وظایفی را بر عهده داشته است ولی در اجرا با مشکلات فراوانی روبروست[۳۱] چه بسا نیاز به دستور و حـمایت قـاطع دولت داشته باشد. ولی آیا در آن صورت باز هم ارتباط و همکاری‌ها در حد مطلوب خواهد بود؟ روحیه جمعی کار کردن در کشور ما و دیگر کشورهای مشابه باید به صورت فرهنگ درآید والا انجام و یا پیشرفت کار با دشواری توأم خواهد بود.

مکان‌یابی اسناد و مدارک

زمانی تنها راه جستجو و تحقیق در مورد یک اثر و یا سند و نشریه، مراجعه به فهرست‌های درهم کرد (یونیون کاتالوگ) و فهرست درهم کرد نشریات (یونیون لیست آو سریالز) بود، امـا اکنون در تعدادی از کشورها استفاده از برگه‌دان و یا فهرست درهم کرد نشریات دیگـر کـاربرد چندانی ندارد و در بسیاری از موارد اطلاعات کاملی در اختیار نمی‌گذارند. در جهان پـیشرفته صنعتی، علاقه وافری جهت فهرست‌های درهم کرد که توسط ماشین قابل خـوانـدن است بـه وجود آمده است، مزیت کار ماشین‌های از این نوع، هم دسترسی به آن آسانتر است و هم دقتی بیشتر دارد و هم اطلاعات جاری را به کتابخانه‌ها چه برای فهرست خود و یا برای یافتن آنچه کتابخانه‌های دیگر دارند به دست می‌دهند. ورود ماشین کارت‌خوان به کتابخانه در زمینه ارتباط متقابل بین کتابخانه‌ها نیز نقش فراوانی دارد. زیـرا بـا آن بـه سـرعت مـی‌توان فـهمید کـه هـر کتابخانه‌ای حاوی چه مدارک و اطلاعاتی‌ست بدون اینکه نیاز بـه مـراجـعه بـه فـهرست‌ها و برگه‌دان‌ها باشد.

امانت بین کتابخانه‌ای آنچنان در حال گسترش است که می‌رود در بعضی از کشورها سیستم کل کشور را به هم دیگر پیوسته کند و حتی چند کشور به صورت یک منطقه وابسته و پیوسته به یکدیگر مرتبط باشند. در کشور ایالات متحده فهرست ملی «نشنال کاتالوگ» بدون طراحی قبلی

و برحسب اتفاق یا ارتباطی که کتابخانه‌ها با یکدیگر برقرار کردند به وجود آمد. با این برنامه هر کتابخانه‌ای می‌تواند در اسرع وقت بداند که کتابخانه دیگر چه موادی دارد و چنانچه نیاز به مدرکی باشد آن را از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی از کتابخانه‌های دیگر ایالت‌ها درخواست نماید. در انگلستان نیز پروژه‌ای مشابه تحت عنوان ویس کانت (Viscount) که لندن و منطقه جنوب شرقی را می‌پوشاند به وجود آمده که می‌تواند با سیستم‌های موجود در هلند و فرانسه مرتبط باشد[۳۲]. در کشور ژاپن، مرکز اطلاعات کتابخانه ملی با ایجاد شبکه‌ای که از سال ۱۹۶۵ ایجاد شده با بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعات داخلی و خارجی ارتباط برقرار کرده است[۳۳].

در حالی که ارتباط متقابل کتابخانه‌ای در یک کشور باشد و یا کشور خیلی وسیع و پرجمعیت نباشد، یک سیستم می‌تواند جوابگو باشد اما در جایی که ارتباط چند کشور با یکدیگر که از نظر جغرافیایی و یا ملیتی و نیز زبان متفاوتند ممکن است یک سیستم بزرگ به تنهایی از عهده انجام کار برنیاید و یا اینکه از نظر اقتصادی به ویژه برای واحدهای کوچک مقرون به صرفه نباشد. مثلاً در هلند «یک فهرست در مدار» کافی‌ست، رشد توسعه شبکه‌های محلی به ویژه در ایالات متحده، زنگ خطری‌ست، زیرا که در این کشور تمایل به شبکه‌های محلی روزبروز بیشتر می‌شود تا اطلاعات ملی را بگیرد و در منطقه و محل مصرف نماید، این امر پایگاه‌های ملی را از داشتن پاره‌ای اطلاعات محروم می‌کند. دسترسی به اهداف عرضه اسناد را محدود می‌نماید و گروه‌های شبکه‌های محلی را که به نوعی خودکفا شده‌اند تقویت می‌کند. برای تحقیق در باره یک موضوع و یا یک سند، لازم است که پایگاه‌های اطلاعاتی چندگانه‌ای مورد آزمایش قرار گیرند و این کار انسان را بیاد روزهای گذشته‌ای که از طریق کارت کاتالوگ (برگه‌دان) مطالب پیدا می‌شد می‌اندازد[۳۴].

البته موضوع فوق در مورد کشورهای پیشرفته که حجم اطلاعات فوق‌العاده زیاد است، سیستم تمرکزی با توجه به حجم زیاد اطلاعات مشکل و ممکن است دست و پاگیر شود که در این شرایط بحرانی، احتمالاً بازگشت به سیستم عدم‌تمرکز تجویز می‌شود. اما در مورد کشورهای در حال توسعه که در مسایل اطلاعاتی و توزیع آن در آغاز راهند سیستم تمرکزی شاید مناسبتر باشد. در کشور ما نیز شورای عالی انفورماتیک موظف است که به منظور هماهنگ نمودن پایگاه‌های اطلاعاتی، اقداماتی را انجام دهد[۳۵].

در مورد کتاب نیز فهرستگان کار مفید و ارزشمندی در کشور ما بود اما افسوس دیری نپایید

و محدود به کتاب‌های خارجی (لاتین) بود. وجود این فهرستگان در زمینه کتاب می‌توانست تا حدی کار امانت و مبادله بین کتابخانه‌ای را تسهیل کند. در مورد عدم توفیق نسبی شورای عالی انفورماتیک در انجام وظیفه با مذاکره‌ای که با وزیر پست و تلگراف و تلفن داشتم، نامبرده علت عدم‌توفیق کار شورا را در این می‌دانست که از نظر سازمانی این شورا باید زیر نظر مخابرات باشد[۳۶].

درخواست اسناد و مدارک

درخواست اسناد و مدارک در نظر اول ممکن است خیلی ساده و پیش‌پا افتاده به نظر آید، بدین معنی که هر کس می‌تواند در هر شرایطی به هنگام نیاز خود به مرکز اسناد و مدارک مراجعه نماید و نیاز خود را مطرح کند. حال این مرکز چه با سیستم‌های پیشرفته مجهز باشد یا نباشد، اما در واقع چنین نیست. روش‌های مختلفی جهت درخواست سند و مدرک وجود دارد همچنان که برای دریافت پیام‌های دیگر راه‌های گوناگونی هست. این راه‌ها را می‌توان به دو نوع عمده تقسیم کرد:

راه و روش اول این است که کتابخانه و یا دیگر عرضه‌کنندگان مدارک و اسناد، هر تقاضایی را با هر شکل و خصوصیت می‌پذیرند و به نیاز مراجعه‌کنندگان پاسخ بگویند. یک نامه ساده، ساده‌ترین شکل درخواست یک سند و اطلاع است اما این روش در بسیاری از کتابخانه‌هایی که شکل استاندارد را پذیرفته‌اند قابل قبول نیست. همچنین به هنگام درخواست وجه برای فتوکپی‌ها ممکن است تولید اشکال کند. بسیاری از سازمان‌های عرضه‌کننده اطلاعات، درخواست‌های غیراستاندارد را نمی‌پذیرند و از اول خود را با دردسر مواجه نمی‌کنند. استفاده از تلکس و فاکسیملی دارد به سرعت رواج پیدا می‌کند. پست الکترونیکی، شایع‌ترین روشی است که به ویژه در امریکای شمالی و استرالیا برای درخواست اسناد به کار می‌رود علی‌الخصوص زمانی که به پایگاه‌های جستجوگر اتصال داشته باشد. علی‌رغم پیشرفت‌های تکنولوژیکی جدید در عمل، هنوز اختلاف فراوانی در روش درخواست وجود دارد. انگلستان و امریکا و استرالیا فرم‌هایی را تولید می‌کنند که در خارج از کشورشان مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که فرم‌های امانت یا فتوکپی بین‌المللی ایفلا[۳۷]، عمدتاً در کتابخانه‌های دانشگاهی پذیرفته شده است اما عرضه‌کنندگان عمده مرکزی غیردانشگاهی از آن استفاده نمی‌کنند. تضاد بین فرمت‌های

کاغذی پذیرفته شده و ارتباطات الکترونیکی باعث مشکلاتی از نظر مدیریت شده است[۳۸].

استاندارد کردن

آیا برای ارسال پیام و پاسخ به درخواست‌های متقاضیان باید استاندارد مشخصی را به کار برد. بسیاری را عقیده بر این است که به کار بردن استاندارد به ویژه موقعی که ارتباط توسط پیام‌های الکترونیکی‌ست ضروری‌ست. حتی در زمانی که بر روی روش انتقال اطلاعات توافق شده است باز در اینکه چه اطلاعی فرستاده شود مورد بحث است. اطلاعات کتابشناختی در حد ممکن باید ضمیمه شود ولی دامنه این اطلاعات تا کجا گسترش یابد باز مورد اختلاف‌نظر است. کانادا روشی را به کار برده است که می‌رود مورد استقبال بین‌المللی قرار گیرد. عده‌ای اطلاعات کتابشناختی را به طور کامل ضمیمه می‌کنند و عده‌ای چنین نمی‌کنند. بعضی از عرضه‌کنندگان اطلاعات، به هنگام دریافت درخواست بررسی و تحقیق می‌کنند که آیا قبلاً چنین اطلاعاتی برای متقاضی فرستاده شده یا نه ولی عرضه‌کنندگان بزرگ چنین کاری را نمی‌کنند. استاندارد کردن این فایده را دارد که جلوی بسیاری از امور غیرضروری را می‌گیرد و در صرف وقت، نیرو و هزینه صرفه‌جویی به عمل می‌آورد. البته در بعضی از موارد، وسواس ممکن است هزینه و صرف وقت بیشتری را هم بدنبال داشته باشد.

استاندارد کردن همه جا مطرح بوده است ولی به علت گسترش سریع پایگاه‌های اطلاعاتی و ارتباط‌های الکترونیکی، مسأله‌ی ارتباط کامپیوتر با کامپیوتر در اولویت قرار گرفته است و به ویژه در صنعت اطلاع‌رسانی بین‌المللی که در آن عرضه اسناد یکی از جلوه‌های آن است مورد تجربه و آزمایش قرار گرفته است، شکست در توسعه سیستم ارتباطات مناسب، به هر جهت اثر عمیقی بر عرضه اسناد در سراسر جهان و نیز بر پروتکل‌های سیستم باز ارتباط داخلی* می‌گذارد که توسعه آن بخشی از امکان دسترسی جهانی به انتشارات** خواهد بود. باز هم در این زمینه کاناداییها، رهبری را به عهده دارند و با همراهی کتابخانه بریتانیایی در پروژه‌ای فعالیت می‌کنند تا امکان استفاده از سیستم باز ارتباط داخلی (OSI) را برای سیستم‌های عرضه اسناد تجربه

---

* (OSI - Open System Interconnect)

**(Availability Of Universal Publiction)

نمایند[۳۹].

عرضه اسناد

همچنان که در زنجیره تولید و ساخت، روش‌ها و مراحل مختلفی با سرعت‌های متفاوت وجود دارد و مشکلاتی هم هست، در زمینه عرضه اسناد همچنین مشکلاتی وجود دارد. بسیاری از کتابخانه‌ها از تکنیک‌های فوق‌الذکر جهت طرح درخواست استفاده می‌کنند، ولی تعداد کمی از روش‌های پیشرفته بهره می‌گیرند. البته در جایی که نسخه اصلی به امانت می‌رود، انتخاب وسیله حمل به روشی که اتخاذ می‌شود بستگی پیدا می‌کند. در روش پست ملی و یا وسیله حمل عام تجاری، خراب شدن بعضی از اسناد به وسیله درجه حرارت نامتعادل و یا رطوبت در خلال انتقال و یا اثرات بالقوه‌ای که در طول پرواز هواپیما به اسناد وارد می‌شود نگرانی‌هایی را سبب می‌گردد و این در واقع ارزش آن را دارد تا برای به دست‌آوردن روش‌های بهتر تلاش‌هایی صورت گیرد. در این زمینه کدهای عملی همچنان که در آلمان غربی شده است، در نظر گرفته شده است.

به هر جهت انتقال نسخه‌ها باید خیلی آسانتر صورت گیرد، اما اکثراً هنوز به وسیله پست انجام می‌شود و تعدادی از عرضه کنندگان هنوز از پست هوایی استفاده نمی‌کنند. استفاده از فاکس برای فرستادن اسناد در حال افزایش است ولی هنوز مشکلاتی در زمینه‌ی تکنولوژی وجود دارد. استفاده از فاکس هنوز نیاز به فتوکپی سند دارد که باید قبلاً تهیه شود والا اصل سند یک برگ است و چنانچه بخواهد مورد استفاده قرار گیرد صدمه می‌بیند[۴۰].

مجانی یا با پول

مسأله‌ی پرداخت، ذهن بسیاری از عرضه کنندگان را مشغول کرده است. دو نظر کاملاً متفاوت وجود دارد: آیا باید چیزی پرداخت شود و اگر چنین است توسط چه کسی؟ تردیدی نیست که سند برای هر کس و در هر جا ارزشی دارد، وقتی که کارمندان صرف می‌کنند؛ پست کردن سند، بسته‌بندی آن، فتوکپی آن و جریان تکثیر همه هزینه دارند. بعضی از کتابداران عقیده دارند که باید این مواد به صورت مجانی توزیع شود. حرف آنها این است که آنچه را توزیع می‌کنند آنقدر کوچک است که ارزش زیادی ندارند. البته این کار مصرف‌کنندگان را علاقه‌مند می‌کند. ولی به هر حال این به این معناست که باید کار محدود باشد. در تعداد و نیز در حجم باید

محدودیت قایل شد و نیز به کتابخانه‌های محدودی باید سرویس داده شود. در استرالیا این بحث بود که آیا باید مجانی و یا با پول این کار صورت گیرد و سرانجام به یک هزینه استاندارد مشخص رسیده‌اند. اگرچه بعضی از کتابخانه‌ها مانند کتابخانه‌های دانشگاهی از این جریان معاف هستند، این مسأله در بین کتابداران موجب خشم و دلزدگی شده است. در عین حال بعضی از کشورها چنین می‌پندارند که عرضه اسناد جزو مجموعه کار کتابخانه و نوعی گسترش فعالیت آن است و بنابراین نباید چیزی در این رابطه پرداخته شود. در عین حال، توجه فزاینده‌ای وجود دارد که باید قیمتی توسط کتابخانه درخواست کننده پرداخت شود. در جایی که عقیده دارند باید پول پرداخته شود، عده بسیاری عقیده دارند که باید کتابخانه پول را بپردازد نه خواننده زیرا در غیر این صورت به این معنا خواهد بود که به خاطر اینکه کتابخانه‌ای محدودیت منابع دارد، خواننده که هیچ کنترلی بر مجموعه ندارد باید تنبیه شود.

اکنون این یک دوگانگی‌ست. زیرا نظرات در مورد پرداخت توسط خواننده اگر به او کتاب یا سندی قرض داده شود و یا فتوکپی فرستاده شود فرق می‌کند. اگر خواننده فتوکپی دریافت کند عموماً عقیده دارند که باید چیزی توسط خواننده پرداخت شود. علت آن این است که او بالاخره چیزی را دریافت داشته است، به نظر می‌رسد که در این بحث و گفتگو عرضه سند به عنوان وسیله‌ای انتقال اطلاع فراموش شده و عرضه سند مورد بحث قرار گرفته است. این مسأله با مقررات کشورها پیچیده‌تر می‌شود. زیرا بعضی از کتابخانه‌ها مثل کتابخانه‌های آلمان فدرال، کتابداران مجاز نیستند پولی را که خود دریافت می‌کنند برای کتابخانه نگاه دارند و لذا انگیزه‌ای برای تلاش در جهت توسعه خدمات نو یا روش‌های موجود برای تبادل اطلاعات بیشتر وجود دارد، حتی جایی که وجوهی اخذ می‌شود این وجوه به اندازه‌ای نیست که در برابر حجم ترافیک نامنظم درخواست‌ها بتوان جهت استخدام کارمند اضافه استفاده نمود[41].

در هر حال «امانت بین کتابخانه‌ها می‌تواند خدمات پرخرجی باشد. برای کنترل آن باید از اقداماتی که هزینه‌ها را چه مستقیم و چه غیرمستقیم افزایش می‌دهد اجتناب کرد ....[42]»

حق مؤلف

قانون حق مؤلف، در حال حاضر خود مسأله‌ای‌ست. با رشد صنعت چاپ و تکثیر و توسعه

انتشار الکترونیکی، تکنولوژی تشخیص هویت نوری*، سی دی رام** و تله فاکسی مایل***، حق مؤلف مسأله‌ای‌ست که قابل توجه است و احتمالاً در آینده نزدیک مورد بحث و جنجال قرار خواهد گرفت. نویسندگان و ناشران چنین می‌پندارند که عرضه اسناد آنان به عنوان فعالیتی است که حکایت از حقوق اقتصادی و اخلاقی آنان دارد که به غارت می‌رود. از طرف جامعه کتابخانه‌ای فشارهایی اعمال می‌شود تا این مسأله به عنوان حقی شناخته شود ولی هرگز دلیلی نیاورده‌اند که عرضه سند هم به جای آبونمان مجله است و مطمئناً جای خرید کتاب را نمی‌گیرد. در انگلستان در باره‌ی قانون جدید حق مؤلف که در اول اوت سال (۱۹۸۹) تصویب شد بحث و جنجال فراوانی در گرفت. دولت آمادگی داشت تا اجازه دهد افراد و کتابخانه‌ها ـ نه در بخش تجاری ـ از کپی کردن اسناد استفاده کنند. اما تلاش حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی در این رابطه برای این بود که تا دولت را تشویق کند تا بپذیرد که این اجازه‌ها باید بدون توجه به منظوری که اطلاعات برای آن خواسته می‌شود داده شود.

به هر حال در کشورهای دیگر، تحرک‌های قویتری جهت محدود کردن استفاده از حق مؤلف وجود دارد. قانون جدید کره اجازه می‌دهد که کتابخانه‌ها برای استفاده خصوصی، برای تحصیل و تحقیق کپی کنند ولی مشخص نمی‌کند که آیا تحقیقات تجاری را هم شامل می‌شود یا نه. قانون جدید جمهوری دومینیکن به هر جهت برای سازمان‌های انتفاعی، کپی کردن بدون اجازه را ممنوع می‌کند. در سنگاپور کتابخانه‌ها مجاز نیستند تا برای کتابخانه‌هایی که برای مؤسسات انتفاعی کار می‌کنند نیز کپی تهیه کنند. این مسأله اخیر در مورد مالزی هم صحیح است. بدین طریق در نگرش به این قضیه، نظر واحد مشخصی که مقبولیت بین‌المللی داشته باشد وجود ندارد.

در مجموع، نشانه‌های کمی در جهت محدود کردن عرضه اسناد و مدارک وجود دارد، در حالی که جریان بیشتر به این سمت که در مقابل اخذ وجه که معمولاً توسط سازمان‌های

---

* OCR = (Optical Character Recognition)

** CD - ROM

*** Telefaximile

مشخصی چون مرکز تحقیق حق مؤلف* در امریکا و آژانس گواهی حق مؤلف** در انگلستان سازمان می‌یابد پیش برود[۴۳].

بررسی وضعیت آینده

عرضه اسناد یک فعالیت دائماً در حال تغییر است، با پیشرفت تکنولوژی جدید تغییرات سیاسی یا اقتصادی تأکیدها و روش‌ها در جهت توجه به بهره‌برداری از اسناد و مدارک تغییر می‌یابد. بدون شک تکنولوژی جدید اثر مهمی بر شیوه‌هایی که اسناد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند می‌گذارد. رشد سریع بازار «سی. دی. رام» به این معنی است که مقدار زیادی از اسناد می‌توانند به صورت تمرکزی ذخیره شوند و توسط محققان در روش‌های جامع بازیابی شوند. ارزش‌های این تکنولوژی هنوز به هر جهت بالاست و سرعت جدید روزآمد کردن*** پایگاه اطلاعاتی فقط می‌تواند با فاصله‌های ثابت در یک حالت دسته مانند**** اجرا شوند. اگر قیمت تجهیزات کم شود، استفاده و دسترسی فزونی خواهد گرفت. در حال حاضر، ذخیره حجم زیاد اطلاعات بر روی «سی. دی. رام» در مرحله‌ی تجربه است.

در هر حال، راه‌حل روشن این است که سه تکنولوژی به هم پیوسته باشند: پست الکترونیکی «سی. دی. رام» و فاکس سه ضلع ایده‌آل مثلث جستجو و سفارش ذخیره و کپی کردن و انتقال است. این به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد که عمل جستجو را انجام دهد، درخواست سند کند و یک کپی با کیفیت خوب و در ظرف چند دقیقه دریافت نماید. آیا برای دریافت متن کامل یک سند، صرف یک چنین هزینه‌ای توجیه می‌شود مطلبی است که باید منتظر جواب بود. در این میان «سی. دی. رام» برای ذخیره اطلاعات کتابشناختی با پشتوانه نمایه‌سازی مورد استفاده روزافزون قرار می‌گیرد. این ممکن‌ست داده‌های بیشتری را برای مصرف‌کننده‌ای که قبلاً با پایگاه‌های الکترونیکی در تماس نبوده است فراهم کند. به طور معمول روشن است که افزایش

---

* Copyright Cleance Center

** Copyright Licensing Agency

*** Updating

**** Batch Mode

آگاهی کتابشناختی ـ خود موجب افزایش تقاضا برای اسنادی که در محل قابل دریافت نیستند خواهد شد و این مسأله بر حجم ترافیک اطلاعاتی خواهد افزود. در این رابطه، «سی. دی. رام» ممکن است مفاهیم قابل توجهی برای حجم و نوع ترافیک داشته باشد.

تکنولوژی جدید، هم تهدیدات و هم راه‌حل‌هایی را ارائه می‌دهد. پایگاه‌های اطلاعاتی مادر، سازندگان «سی. دی. رام» و سایر پیشرفت‌های جدید به ناشران اجازه می‌دهد تا نسبت به استفاده‌ای که از مواد آنها می‌شود نظارت دقیق کنند، این مطلب می‌تواند محدودیت‌هایی را برای دسترسی به اسناد و حتی به طور خطرناکتر، جریان انتشار، ایجاد کند. زمانی تکنولوژی جدید برای مقاصد حق‌التألیف به کار می‌رفت، این به ناشران اجازه می‌دهد تا ببینند چه موضوع و یا موضوعاتی سود آورند و کدامیک نیستند، این امر می‌تواند بر تصمیم‌گیری سردبیر یک نشریه در قبول و یا رد پاره‌ای از مقالات در قالب اصولی که به آن پای‌بند است اثر بگذارد. مقالاتی که حذف می‌شوند می‌توانند جزو شبکه اطلاعاتی قرار گیرند که در مخزن الکترونیکی کم مصرف ذخیره شده‌اند ولی سؤال این است که چگونه مصرف‌کنندگان می‌توانند وجود آن را دریابند و یا چگونه می‌توان آنها را قابل دسترسی نمود؟

زمینه دیگر، رشد و تغییر، عرضه‌کنندگان اسناد تجاری هستند. در حال حاضر بیشتر تولید سند در مفهوم وسیع آن توسط کتابخانه‌ها انجام می‌شود مانند مرکز عرضه اسناد کتابخانه بریتانیا*، در نانسی، وینتی** در شوروی و شبکه‌هایی در کتابخانه‌ی خاص در آلمان غربی و ایالات متحده، به هر حال دلال‌های تجاری که خدمات وسیعی را برای مشتریان خود از جمله پیش‌گویی‌های اقتصادی، اطلاعات آماری، جستجوهای علایم یعنی اختراعات و کتابشناسی‌ها فراهم می‌کنند، دوست دارند که اصل متن را هم ضمیمه کنند. هم اکنون تعدادی از کمپانی‌ها به ویژه در امریکا هستند که چنین می‌کنند و این روند ادامه خواهد داشت البته نه بر حسب رقابت با عرضه‌کنندگان سنتی که در کنار آنان روش‌های جدید دلال‌های اطلاعاتی شیوه‌هایی سنتی را در کنار روش‌های مدرن می‌پذیرد. شرایط چنین ایجاب می‌کند که اطلاعات باید در دسترس باشد و دلال‌ها در این رابطه مشتریانی دارند که حاضرند مبالغ هنگفتی در این زمینه خرج کنند.

---

* INIST

** VINITI

محدودیت‌های معمولی که بر سر راه دریافت این مواد هست از جمله حق مؤلف معمولاً از این طریق می‌تواند پرداخت شود زیرا سودی که در این موارد از طریق استفاده تجاری نصیب مشتریان می‌شود آن قدر زیاد است که پرداخت حق مؤلف در قبال آن چیزی نیست.

بعضی از کتابداران عقیده دارند که جنبشی غیر از بازیابی دومرحله‌ای مقالات مجلات که در اکثر نقاط جهان معمول است وجود دارد. جستجوی چکیده‌ها و نمایه‌ها برای مقالات مخصوص، آنگاه فهرست‌های درهم کرد (یونیون کاتالوک) و فهرست عناوین مجلات که با تقاضای کتابخانه‌های علاقمند برای مقالات خاص فرستاده می‌شود می‌توانند با یک ترکیب از نوع* یا فهرست‌های درهمکرد مقالات در مدارک که از طریق موضوع نمایه شده‌اند جایگزین شود. این عمل موجب می‌شود تا دیگر جستجوگر منتظر اطلاعات کتابشناختی و یا چکیده‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی در مدار برای ضبط مقالات نمی‌ماند و با یک جستجوی یک مرحله‌ای به مقاله مورد نظر می‌رسد، در واقع این آرزویی‌ست که در ایالات متحده قابل تحقق است تکنولوژی هم در آنجاست. چنانچه این طرح از نظر اقتصادی قابل توجیه باشد باقی خواهد ماند اما قضاوت آن به آینده موکول است. مواد جمع‌آوری شده چه در سطح ملی و یا بین‌المللی ممکن است به آنچنان بانک اطلاعاتی بزرگی تبدیل شود که مملو از اطلاعات غیرقابل مصرف و ناخواسته باشد که هم نگهداری آن هزینه گزاف دارد و هم استفاده از آن بسیار مشکل خواهد بود.

تاریخ بازیابی اطلاعات بر محمل یک چنین طرح بلند پروازانه قرار دارد. پایگاه اطلاعاتی محلی از این نوع ممکن است بعد جدیدی در فرهنگ عرضه اطلاعات و اسناد باشد. در جهانی که وابستگی اقتصادی و سیاسی‌اش روز به روز بیشتر می‌شود نیاز افزونتری برای جریان اطلاعات و دسترسی به اسناد دارد.

از آنجا که هیچ کتابخانه‌ای یک جزیره نیست بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند نیاز اطلاعاتی خویش را با استقلال برطرف کند. نظام‌های عرضه اطلاعات و اسناد در جهانی که دائماً در حال کوچک‌تر شدن است بیش از پیش مورد توجه قرار خواهد گرفت[۴۴].

---

* ADONIS

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر الکترونیک/ اف. ویلفرد لنکستر، ترجمه اسدالله آزاد. مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۶. ص ۲۸.

۲ ـ جهان. ص ۳۳.

۳ ـ سروش، شنبه ۲۶/ ۸/ ۱۳۶۹ ص ۴.

۴ ـ اطلاعات، ۸/ ۹/ ۱۳۶۹ نقد و نظر آقای لاریجانی.

5 - "On Keeping up With Keeping up" Unesco Bulletin for Libraries, Vol.16. P.72.

۶ ـ کتابخانه‌های بزرگ جهان، ترجمه شیفته سلطانی، فصلنامه کتاب ۱، ۱ (۱۳۶۹)، ص ۹۶.

۷ ـ همان، ص ۹۷.

۸ ـ همان، ص ۹۸.

* مرکز خدمات تهیه و عرضه مدارک (دفتر غیرانتفاعی ناشران و کتابداران است).

۹ ـ تاریخ و فلسفه کتابداری/ ا. ک. موکهرجی، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس ۱۳۶۸، ص ۱۶۷.

۱۰ ـ در بازدیدی که خود داشتم در تاریخ   صورت گرفت.

۱۱ ـ

۱۲ ـ خدمات مناسب کتابخانه‌های علوم پزشکی در کشورهای جهان سوم/ ا. گوزوو، ترجمه طاهره زرین، فصلنامه کتاب ۱، ۱، (۱۳۶۹) ص ۸۵

13 - "Recent Trends and Development in Interlending and Document Supply", Cornish, Graham P International Forum on Information and Documenlalion, vol, 14(4), 1986.p.19.

در نگارش مقاله حاضر از چارچوب و مطالب این مقاله استفاده فراوان شده است.

14 - Ibid: P.19.

۱۵ ـ بررسی مقدماتی انفورماتیک کشور/ سازمان برنامه و بودجه تهران، مهرماه ۱۳۵۹، ص ۱۳.

۱۶ ـ همان، ص ۱۴.

۱۷ ـ ملاقات شخصی با مسؤول مرکز اطلاعات یونیدو وابسته به سازمان ملل واقع در وین.

18 - Recent ... P.21.

۱۹ ـ خدمات مناسب کتابخانه‌های علوم پزشکی در کشورهای جهان سوم ص ۸۸.

۲۰ ـ همان، ص ۸۶.

۲۱ – همان، ص ۸۵.

22 - Recent P.21

23 - Ibid : P.22

۲۴ ـ امانت بین کتابخانه‌ها، اصول و رهنمودها/ محمدتقی مهدوی، تهران، مرکز اسناد و مدارک علمی، ۱۳۶۷، ص ۹۳.

25 - Recent... P.21

26 - Ibid: P.22

27 - Ibid: P. 22

۲۸ ـ تاریخ و فلسفه کتابداری/ ا. ک. موکهرجی، ... ص ۲۰۸ (فارمینگتون توافقی داوطلبانه میان ۶۰ کتابخانه امریکاست که برای افزایش کل منابع پژوهشی کشور مسؤولیت‌هایی در زمینه گردآوری مواد پذیرفته‌اند).

۲۹ ـ همان، ص ۲۰۹. این طرح نه تنها تلاش در راه همکاری ملی، بلکه مبتنی بر اصول بین‌المللی است. کشورهای اسکاندیناوی دانمارک، نروژ، سوئد و فنلاند اعضای این طرح تعاونی‌اند.

۳۰ ـ امانت بین کتابخانه‌ها ... ص ۱۰۵ (طرح امانت بین کتابخانه‌ای در ایران، در ۲۰ آذر ۱۳۴۸ با حضور جمعی از نمایندگان کتابخانه‌های کشور پیشنهاد گردید و اجرای آن به طور آزمایشی در همان سال در مرکز اسناد و مدارک علمی آغاز گردید .... تعداد کتابخانه‌های شرکت‌کننده در این طرح سال ۱۳۵۲، ۴۷ کتابخانه و ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۲، ۷۹ کتابخانه بوده است و در سال ۷۶ به ۱۴۱ کتابخانه رسیده است.)

۳۱ ـ مذاکره با آقای دکتر داوری‌نژاد معاونت انفورماتیک وقت سازمان برنامه و بودجه.

32 - Recent ... P. 19

33 . National Diet Library, Tokyo, Japan P.3

34 - Recent ... P.20

۳۵ ـ سازمان برنامه و بودجه، وظایف و تشکیلات و پست‌های سازمانی معاونت انفورماتیک فروردین، ۱۳۵۶.

۳۶ ـ مذاکره با آقای مهندس غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن در روز جمعه ۳۰/ ۹/ ۱۳۶۹ در اراک.

۳۷ ـ برای تهیه فرم بین‌المللی ایفلا می‌توان از آدرس مندرج در «امانت بین کتابخانه‌ها» ترجمه و نگارش محمدتقی مهدوی، ص ۸۱ استفاده نمود.

38 - Recent ... P. 20

39 - Ibid. p. 20

40 . Ibid. P. 20

41 . Ibid. P. 21

۴۲ ـ امانت بین کتابخانه‌ها ... ص ۹.

43 . Cornish, Graham P. Rencent ... P. 21.

44 . Ibid : P. 22

۱۶

مدیریت، کارآیی و اثربخشی در کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکزاطلاع‌رسانی*

امروزه مدیریت به عنوان یک هنر هم تلقی می‌شود. مدیریت را ابزار و نرم‌افزار پیشرفت و توسعه نامیده‌اند (صادقپور ۱۳۷) مدیریت، با امور اداری فرق می‌کند. تفاوت آن دو خیلی ظریف است. مدیریت معادل Management و امور اداری را معادل Administration گرفته‌اند «در واقع مقدار زیادی ابهام و سردرگمی بین دو اصطلاح امور اداری و مدیریت وجود دارد. نقش این دو در عین حالی که به هم مربوط است متفاوت است. امور اداری با جنبه‌هایی چون تأسیس اهداف اولیه، فرموله و تنظیم کردن خط‌مشی‌ها و یا برنامه‌هایی بلندمدت، تعیین سیاست‌ها و مراحل مهم و مشخص و تصویب بودجه‌ها و پروژه‌های لازم سروکار دارد. در حالی که مدیریت اساساً طرحها و سیاست‌های تعیین شده توسط امور اداری را در قالب بودجه‌های تخصیصی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده اجرا می‌کنند» (سینق، اطلاعات علمی، ۵ ـ ۴۴).

---

* این مقاله در سومین سمینار کتابداری دانشگاهی در مشهد، اردیبهشت ۱۳۷۳ قرائت شد و در نشریه کرانه سال اول شماره ۳ و ۴ (۱۳۷۳) چاپ شده است.

کارآیی و اثربخشی دو مقوله بسیار مهم در مدیریت‌اند و چه بسا ثمره و نتیجه مدیریت به حساب می‌آیند. ظرافت و دقت این دو اصطلاح آن چنان بوده است که گاه با هم یکی گرفته شده‌اند و به هنگام تفکیک هم ابهاماتی را داشته است. (کیا، ۳۲). کارآیی را مترادف Efficiency و اثربخشی را مترادف Effectiveness گرفته‌اند (میرسپاسی، ۸) و در این تعریف اثربخش بودن به مفهوم میزان موفقیت در تحقق اهداف و یا انجام دادن مأموریت‌های محوله مورد نظر است و کارآیی به مفهوم بازده یا نسبت کار انجام شده به منابع صرف شده (میرسپاسی، ۸) یا بازده فیزیکی در هر واحد کار مولد، درجه اثربخشی مدیریت در به کارگیری لوازم تولید، میزان استفاده از نیروی کار و تجهیزات یا رابطه بین کالاها و خدمات با صرف منابع انسانی و غیرانسانی در فرآیند تولید (علوی، ۳۰) است. در اینکه در کجا کارآیی مقدم بر اثربخشی است و یا برعکس به سازمان و اهداف آن بستگی دارد. عده‌ای معتقدند عمدتاً در بخش خصوصی و مراکز سودآور، که هدف به حداکثر رساندن سود است کارآیی بر اثربخشی تقدم دارد. اما در مراکز و ادارات دولتی که هدف جلب رضایت مردم و انجام وظایف عمومی است اثربخشی بر کارآیی مقدم است. به عبارت دیگر: مسؤول دولتی قبل از اینکه به اقتصادی بودن تصمیم و روش کار توجه کند به مصلحت آن از دید منافع جامعه می‌اندیشد (میرسپاسی، ۹).

با نگاهی دیگر به این دو مفهوم، ارتباط تنگاتنگ آن دو مشخص می‌شود. زیرا آنکه در مقام مسؤول دولتی به مصالح اجتماعی می‌اندیشد و اقتصادی بودن را در درجه دوم قرار می‌دهد در واقع او هم به اقتصاد فکر می‌کند. منتها تجزیه و تحلیل اقتصادی بودن را در فرآیندی طولانی‌تر می‌بیند که زیربنای آن رضایت عمومی با حفظ ارزشهای اجتماعی است. در این تحلیل سرچشمه بسیاری از سودهای اجتماعی، همکاری و تعاون اجتماعی است که از ناحیه حفظ ارزشها و تقویت فرهنگ و باور عمومی جامعه حاصل می‌شود. زیرا چنانچه این همکاری و تعاون در جامعه رخت بربندد و یا حسّ اعتماد عمومی سلب شود ضربه‌های اقتصادی نه تنها به یک واحد اقتصادی که به همه واحدها وارد می‌شود.

در دو نوع سازمان دولتی و خصوصی می‌توان، از سود به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری کارآیی در تخصیص منابع استفاده کرد. در مورد تصمیم‌گیری نهادهای دولتی لازم است که مفهوم سود دوباره تعریف شود. شاید استفاده از اصطلاح منافع خالص اجتماعی به جای سود

مناسب‌تر باشد برای حداکثر کردن سود اجتماعی یا منافع خالص اجتماعی، تولید خدمات دولتی باید تا زمانی که منافع اجتماعی با هزینه نهایی تولید برابر می‌گردد، بسط و گسترش یابد. مفهوم منافع اجتماعی کاملاً مشابه درآمد خصوصی است و عبارت از ارزش تولیدات نهاد برای مصرف‌کنندگان آن است. در سود نهادهای دولتی، هزینه اجتماعی، دربرگیرنده ارزش تمامی فرصتهایی است که در نتیجه فعالیت‌های نهادهای دولتی از دست مردم رفته است. (تقوی، ۲۸۷).

نقش مدیر در کارآیی و اثربخشی اجتناب‌ناپذیر است. طرحهای کوتاه، میان و بلندمدت مدیر می‌تواند کارآیی و اثربخشی را تقویت کند. نظارت مستمر مدیر به کار و حسن سلوک او با کارکنان و توان و تخصص او در تخصیص منابع و استفاده از آنها به این امر کمک فراوان می‌کند. سبک‌های رهبری در افزایش کارآیی و اثربخشی نقش بسیار اساسی دارند. در اثربخش بودن، میزان موفقیّت کاری مطرح است نه میزان حجم کاری که انجام شده است (علوی، ۴۴).

«ارزش واقعی یک مدیر هنگامی قابل سنجش است که وی برای انجام دادن مأموریت به خارج از حیطه نظارت خود رفته باشد. هر چه نبودن وی در سازمان کمتر محسوس باشد میزان اثربخشی او بیشتر است. زیرا معلوم است در چنین وضعی قبلاً ترتیب همه امور را داده است. هرچه این مدت به طول انجامد معلوم است که وی دوراندیشی بیشتری داشته است و طرحهای درازمدت بیشتری تدوین کرده است. زیرا تصمیمات کوتاه‌مدت اداری، همواره باید با مجری خود همراه باشد. تصمیمات با اهمیت و حساس، تصمیماتی است که اثرات آن در درازمدت ظاهر شود» (علوی، ۴۴).

نکته‌ای که در اینجا مطرح است این است که آیا در امور فرهنگی و نیز در کتابخانه و یا مرکز اطلاع‌رسانی می‌توان کارآیی و اثربخشی را بدون توجه به مسأله اقتصاد اندازه‌گیری نمود؟ ممکن است عده‌ای چنین تصور کنند که در کار فرهنگی و نیز سرمایه‌گذاری در کتابخانه هزینه به ویژه برای تهیه منابع هر قدر هم زیاد باشد مانعی ندارد و اسراف نیست، در حالی که عده‌ای دیگر معتقدند که کارآیی و اثربخشی در قالب محدودیتهای منابع و نیروی انسانی و دیگر امکانات سنجیده می‌شود. به نظر می‌رسد همانهایی که هزینه در زمینه مسائل فرهنگی از جمله کتابخانه را اسراف نمی‌دانند و یا به آن توجهی ندارند در واقع به مسائل دیگری می‌اندیشند که چنانچه تحلیل شود ممکن است به یکی از شقوق زیر برگردد:

- آنها صرف و خرید منابع بی‌حساب را برای کتابخانه از این جهت اسراف نمی‌دانند که می‌دانند بازده مسائل فرهنگی سریع نیست و احتیاج به زمان دارد.
- آنها بدین جهت به اسراف در خرید منابع اعتقاد ندارند که اهمیت کتابخانه و یا مرکز اطلاع‌رسانی را در گسترش ابعاد کمی خلاصه می‌کنند. آنها به جای استفاده کیفی از حداقل منابع به کمیت و گسترش مجموعه می‌اندیشند.
- آنها بدین جهت اصرار در خرید هر چه بیشتر دارند که روح همکاری و تعاون را در جامعه همکاران نمی‌بینند. بنابراین تلاش می‌کنند همه چیز را داشته باشند ولو نیاز فوری به آن منبع یا منابع نداشته باشند.
- آنها بدین جهت اسراف در خرید منابع را می‌پذیرند که شرایط بازار در کمیاب شدن منابع چنان است که باید هر چه زودتر در خرید شتاب کرد زیرا می‌دانند که فردا دیر است.

برای توسعه خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی به توفیق در برنامه‌های بازاریابی نیز توجه شده است که در آن توانایی‌های یک سازمان در مقابله نیازهایش با بازار بررسی می‌شود. می‌گویند درک همه‌جانبه نیازهای متقاضیان برای عرضه خدمات مؤثر بر سه محور زیر استوار است:

- بازار را بشناس یعنی نیازهای اطلاعاتی را ارزیابی کن.
- خود را بشناس یعنی توان خود را بر نظارت بر اطلاعات و تهیه آن ارزیابی کن
- و سه دیگر بر ارزیابی فرصت‌های بازار و بازاریابی و استفاده از آن بنا نهاده شده است (کارل، ۵).

البته این مطلب از آن جهت طرح می‌شود که یکی از شاخصه‌های کارآیی و اثربخشی در قالب بهره‌وری از منابع است. آنجا که محدودیت منابع مطرح است طبعاً استفاده بهینه و حداکثر از مجموعه قابل طرح است. اگر کتابخانه‌ای بخشی از مجموعه خود را برای مدتها غیرقابل استفاده و مراجعه ببیند طبعاً به این فکر می‌افتد که خرید این مجموعه چه ضرورتی داشته است. البته این در صورتی است که اقدامات لازم جهت شناساندن منابع به متقاضیان بالقوه و بالفعل صورت گرفته باشد. در حال حاضر، بودجه‌های انقباضی و احتمالاً اقتصاد ورشکسته جهانی که همچنان برای مدتی ادامه خواهد داشت دورنمای هزینه بیشتر برای کتابخانه‌ها را ترسیم کرده است (کارل، ۸).

بنابراین توجه به اقتصاد در اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ها، یکی از شاخصه‌های مدیریت خوب و از مقولاتی است که به تازگی حساسیت زیادی برای آن ایجاد شده است. توجه به اقتصاد در تکنولوژی اطلاعات، موضوع پنجمین کنفرانس بین‌المللی انجمن سندآرایی (دکومانتاسیون) آلمان بوده است. در این کنفرانس نتایج مقدماتی زیر که حاوی توجه به رعایت اصل اقتصاد و ضرورت توجه به تأثیرپذیری است به دست آمد:

- اول از همه، خدمات اطلاعاتی بیشتر باید به رضایت استفاده‌کننده بیندیشد تا گرایش به تکنولوژی داشته باشد.
- جنبه‌های کیفی خدمات اطلاع‌رسانی مهم است، باید منافع اجتماعی، جنبه‌های فرهنگی، بوم‌شناختی و مانند آن مدنظر باشد.
- دانش پایه‌ای اقتصاد در کتابخانه‌ها، انتشارات و خدمات اطلاع‌رسانی بیش از گذشته، مطرح است (تکنولوژی‌های اقتصاد و اطلاعات، ۳۳).

نکته اینجاست که چنانچه به مسائل اقتصادی توجه نشود به ناگزیر شرایطی پیش خواهد آمد که مسأله بین ادامه و یا توقف منجر می‌شود. «محدودیت‌های اقتصادی وجود دارند. نادیده گرفتن آنها ما را به مرگ می‌رساند و مطیع کردن آنها به وسیله دانش و آگاهی بیشتر از عوامل اقتصادی می‌تواند منشأ رضایت شخصی عظیمی بشود» (میشل، ۲۵۵).

هر یک از تولیدات یا خدمات کتابخانه‌ای باید جواب قاطعی به یکی از نیازهای بیان شده در یک سازمان باشد. رضایت استفاده‌کننده و بررسی توانایی‌ها و قابلیت‌های یک کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (فید، ۷). خدمات پیوسته نشان‌دهنده یک بخش رشد یافته از صنعت اطلاعات است. اکنون کتابخانه‌هایی که به این امر آگاهی دارند با این مسأله روبرو شده‌اند که چگونه این خدمات را برای استفاده‌کنندگانشان ایجاد کنند و از طرف دیگر چه قیمتی باید برای آن بپردازند (میشل، ۲۴۴). مدیریت‌ها برای افزایش کارآیی کتابخانه‌ها حتماً به سه محور توجه دارند:

- افزایش کارکنان که موجب هزینه بیشتر می‌شود.
- افزایش قیمت کتابها و نشریات ادواری و دیگر مواد که سریعتر از هزینه زندگی بالا می‌روند.
- تولیدات یا خدمات جدیدی که به بازار عرضه می‌شود و کتابخانه‌ها نمی‌توانند آن را نادیده

بگیرند (میشل، ۸ ـ ۲۴۷)

با در نظر گرفتن وضعیت و شرایط اقتصادی، در ارزیابی، کارآیی و اثربخشی در کتابخانه‌ها، عواملی مؤثرند که باید به آنها توجه کرد. باید توجه داشت که اندازه‌گیری کارآیی و اثربخشی در یک کتابخانه و یا یک مرکز اطلاع‌رسانی به سادگی اندازه‌گیری آن در یک کارخانه نیست. این مشکلات شامل نبودن فنون سنجش و ارزیابی کیفیت یک خدمت یا کارکرد است. به علاوه هیچ یک از ارزیابی‌های متداول و مرسوم، کل عملیات کتابخانه‌ها را به عنوان مسأله‌ای حساس مورد ارزیابی صحیح قرار نمی‌دهد. (نقد ...، ۱۲۶).

کتاب مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی، ارزیابی کارآیی و اثربخشی را در قالب شش مورد خلاصه کرده است. این موارد عبارتند از:

- جمع‌آوری و قفسه‌بندی
- مراقبت و حفاظت
- کهنگی و وجین کردن
- تعمیر و صحافی
- بازنگری موجودی و تصحیح قفسه‌ها
- اندازه‌گیری و ارزیابی

هر یک از موارد شش گانه فوق‌الذکر به زیربخشهایی مفصل تقسیم شده است. به عنوان نمونه اندازه‌گیری و ارزیابی به ارزیابی اثربخشی، ارزیابی هزینه ـ اثربخشی و ارزیابی هزینه ـ فایده تقسیم شده است (سینتق، بخش ۶).

مقاله دیگری، کارآیی کتابخانه را در قالب مفاهیم معیاری تحت عنوان: دسترسی، هزینه، رضایت استفاده‌کننده، زمان پاسخ، نسبت هزینه به بهره و استفاده که هر یک به راه کارهای عملی تحت عنوان مقیاس‌های معیاری تقسیم شده‌اند، بیان نموده است (نقد ... ،۸ ـ ۱۲۶).

در این مقاله، که در واقع یک مطالعه موردی برای کتابخانه ملی پزشکی آمریکاست، نگارنده آن اذعان دارد که ارزیابی هر یک از مفاهیم معیاری دشوار است. به علاوه که درجه اهمیت هر یک از آنها نیز با یکدیگر برابر نیستند. آنچه نگارنده را پس از دریافت پاسخ‌ها بیشتر ناراحت می‌کند این است که به کل برنامه خدماتی یک کتابخانه توجه لازم نشده است (نقد ... ،۱۲۹). حتی در چند بررسی که به کل خدمات کتابخانه توجه نموده بودند یکی از اساسی‌ترین

کارکردهای کتابخانه یعنی نگهداری و حفاظت از مواد را از قلم افتاده بود (نقد ... ، ۱۲۹).

البته در کشور ما مسائل به گونه‌ای دیگر است و همه مفاهیم فوق‌الذکر قابل اندازه‌گیری نیست؛ مثلاً سرعت پاسخگویی، نسبت هزینه به بهره با توجه به پیچیدگی آن عملاً در بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی امکان‌ناپذیر نیست. در هر حال، با توجه به رسالت کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی دانشگاهی می‌توان کارآیی و اثربخشی را در عوامل زیر محدود کرد:

- وجود مجموعه مناسب
- وجود کتابدار متخصص
- وجود بخش خدمات و اشاعه اطلاعات
- توجه به رضایت متقاضیان
- مدیریت

۱. وجود مجموعه متناسب:

تناسب و غنای مجموعه، روزآمد و سهل‌الوصول بودن استفاده از آن برای استفاده‌کننده یکی از معیارهای کارآیی و اثربخشی در یک کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی است. اگر هدف اصلی از ایجاد کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی به درستی فهمیده شود تلقی از آن به صورت انباری از مجموعه ناهمرنگ و ناهمگن و زیاد و غیرقابل دسترسی منتفی است بلکه مجموعه‌ای مورد نظر خواهد بود که با دقت، ظرافت، جامعیت، آینده‌نگری و متناسب با نیاز و درخواست فعلی و آتی یک سازمان و با حداکثر استفاده مواد آن تهیه می‌شود. همواره در این موارد، موادی که به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند و یا قیمت آن چنان بالاست که به جای آن می‌توان چندین مورد دیگر قابل استفاده و لازم را تهیه کرده از نظر اهمیت در درجه بعد قرار می‌گیرند. امروزه، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، کار را به جایی رسانده‌اند که گاه مرکزی با حداقل مواد و مجموعه اما با حداکثر ارتباطات و بهره‌گیری از انواع امکانات نیاز متقاضیان خود را در اسرع وقت پاسخ می‌گوید. باید توجه داشت که مجموعه کتابخانه، خود یک سرمایه و سرمایه‌گذاری است، این سرمایه هنگفت و گرانقدر باید مورد استفاده قرار گیرد. صرفنظر از مسائل معنوی و توجه قلبی انسان به گسترش کتابخانه، از نظر مالی و مادی و با توجه به قیمت ارزی و ریالی کتاب و اطلاعات، هر انسان عاقل انتظار دارد که سرمایه‌گذاری او، سرمایه‌گذاری پربازده باشد. البته به

مجموعه پاره‌ای از کتابخانه‌ها مثل کتابخانه ملی و مجلس که رسالت مشخصی دارند باید به گونه‌ای دیگر برخورد شود.

۲. وجود کتابدار متخصص

وجود کتابدار متخصص یکی دیگر از معیارهای کارآیی و اثربخشی است. چنانچه کتابدار متخصص نباشد چه انتظاری از کارآیی یک کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی می‌توان داشت. از کتابخانه‌های غیردانشگاهی که بگذریم. حتی کتابخانه‌های دانشگاهی که وظیفه آنها یاری دانشجویان و پژوهشگران در امر تحقیق و پژوهش است نیز متأسفانه از خدمات کتابداران متخصص بی‌بهره و یا کم‌بهره‌اند. در مقاله نقد معیارهای کار تهیه و سنجش کارآیی کتابخانه که وجود کتابدار متخصص را به عنوان معیاری جهت ارزیابی کارآیی مطرح نکرده است، شاید به اعتبار این بوده است که در آن کتابخانه مسأله کمبود کتابدار متخصص مطرح نبوده و اصل وجود کتابدار متخصص از نظر آنان حل شده است. اما ما در این رابطه در کتابخانه‌های دانشگاهی خود مشکل فراوان داریم و بدیهی است که انتظار انجام کار در سطح حرفه‌ای از کارکنان غیرحرفه‌ای غیرواقع‌بینانه است (نقد ...، ۱۳۱).

بر اساس استاندارد آ.سی.آر.اِل*، نیروهای متخصص نسبت به کل افرادی که در یک کتابخانه کار می‌کنند نباید کمتر از ۳۵ درصد باشد در حالی که تعداد کل کتابداران کتابخانه‌های مؤسسات آموزشی شهر تهران، ۱۳۷ نفر در مقابل رقم کل ۷۱۶ نفر است (حقیقی، ۲۱).

تازه اشکال دیگر این است که در تحقیق مزبور، تخصص به تفکیک کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر مشخص نشده و همه این افراد در این سطوح را به عنوان متخصص قلمداد کرده است. بدیهی است تخصص کاردانی به اندازه کارشناسی ارشد نیست و طبعاً در میزان کارآیی و اثربخشی تأثیر فراوانی دارد. به ویژه خدمت مرجع، که مهمترین خدمت کتابخانه‌ای به حساب می‌آید از کتابدار کاردان و حتی کارشناس در خیلی از موارد ساخته نیست مگر آنکه در سایه تمرین، تلاش و تجربه مهارت لازم را کسب کرده باشد.

---

* ACRL = Association Of College & Research Libraries

۳. وجود بخش خدمت و اشاعه اطلاعات

هنگامی که اسناد و اطلاعات تهیه و آماده‌سازی شد باید برای استفاده به خدمت درآید و اشاعه گردد. در زمینه خدمات کتابخانه و اطلاع‌رسانی برای استفاده از اسناد و اطلاعات ابعاد وسیعی وجود دارد. پاره‌ای از مهمترین خدماتی که معمولاً توسط کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تخصصی برای استفاده‌کنندگان به کار برده می‌شود عبارتند از:

- خدمت گردش (امانت) اسناد
- خدمت امانت بین کتابخانه‌ای
- خدمت مرجع
- خدمت ارجاعی
- خدمت جستجوی منابع و متون
- خدمت کتابشناختی
- خدمت ترجمه
- خدمت نمایه‌سازی
- خدمت چکیده‌سازی
- خدمت تهیه گزارش
- خدمت آگاهی‌رسانی جاری
- خدمت اشاعه گزینشی اطلاعات
- خدمت اعلان جلسات آتی
- خدمت پیوسته
- خدمت بریده روزنامه‌ها
- خدمت تولید اسناد
- خدمت ضبط میکروفرمها (ریزشکل‌ها)
- خدمت بازخوانی میکروفرمها (ریزشکل‌ها)
- خدمت روابط عمومی و توجه به نیاز استفاده‌کنندگان (سینق، بخش ۵)

در بسیاری و یا حتی همه موارد ۲۰ گانه فوق‌الذکر یک کتابخانه و یا یک مرکز اطلاع‌رسانی می‌تواند فعال باشد. این فعالیت بسته به تلاش‌های اولیه‌ای است که کتابدار متخصص و یا مسؤول مستقیم کتابخانه و یا مرکز اطلاع‌رسانی برای پاسخگویی مؤثر به متقاضیان فراهم کرده

است. مثلاً، خدمت مرجع که یکی از شاخص‌ترین فعالیت‌های جاری یک کتابخانه است از مهمترین فعالیت‌های کتابخانه‌های دانشگاهی محسوب می‌شود. اما مفهوم و ابعاد خدمت مرجع برای همه کتابخانه‌ها و همه کتابداران یکسان نیست. هماهنگی این خدمات با نیازهای مراجعان از وظایف کتابدار به شمار می‌رود. اطلاعات مستخرج از راهنمای کتابخانه‌های تهران در ارائه خدمات مرجع حاکی است که در ۱۱۱ کتابخانه مورد بررسی این خدمت ارائه می‌شود.

اما واقعیت این است که در این مورد تصویر روشنی از کیفیت انجام این خدمات در دست نیست و بر اساس تجربه می‌توان گفت که به علت مشغله زیاد کتابداران، این خدمات در اغلب کتابخانه‌های دانشگاهی در اولویت نبوده است (حقیقی، ۲۰)

باید گفت که علاوه بر اینکه مفهوم خدمات مرجع برای کتابداران معلوم نیست، کمبود امکانات، ابزار و تکنولوژی به ضعف آن می‌افزاید. تفکیک تخصص‌ها در کتابخانه‌های دانشگاهی نیز باید کیفیت انجام خدمت مرجع را مشخص کند. در واقع، اندازه‌گیری و ارزیابی خدمات مرجع کار ساده‌ای نیست. حتی در کشورهای پیشرفته، علیرغم اهمیتی که برای خدمت مرجع قائلند اما در چگونگی ارزیابی آن برای تعیین میزان کارآیی، توصیفی محتاطانه دارند و حق هم همین است:

به عنوان مثال، اغلب بخشهای مرجع، مقداری آمار در مورد تعداد پرسشهای مرجع خواسته شده نگهداری می‌کنند. با تقسیم تعداد کل سؤالهای پرسیده شده به هزینه کل ابقای بخش مرجع، شامل کل مخارج، می‌توان رقم هزینه واحدی را حساب کرد. اما این رقم، در مورد انجام کار حاکی از چه چیزی است؟ رقمی بالا یا پایین ممکن است بازتاب «بخوبی» انجام شدن کار باشد یا نباشد. پاسخ دادن به تعداد زیادی پرسش ساده توسط کارکنان کتابخانه از منابعی که خود مراجعان می‌توانستند بدون یاری کارکنان آنها را بیابند هزینه واحد پائینی به دست می‌دهد. اما الزاماً به معنای خوب انجام شدن کل عملیات کتابخانه نمی‌باشد. (نقد ...، ۱۳۱)

تازه انجام یک خدمت مرجع توسط چه شخصی، و با چه درجه از معلوماتی و یا تفکیک سطح آن سؤال و تعیین دشواری و سادگی آن کار دشوار دیگری است (نقد ...، ۱۳۲) و بررسی ارقام هزینه آن برای تعیین کارآیی مشکل دیگری است.

۴. توجه به رضایت متقاضیان

وجود کتابداران واجد شرط می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد رابطه با مخاطبان و متقاضیان

داشته باشد. البته مخاطب یا مخاطبان کارآشنا و دردمند، خود زمینه این ارتباط را بیشتر فراهم می‌کنند. تحصیلات، تجربه و آموزش می‌تواند در بهره‌وری هر چه بیشتر مجموعه و تقویت کمی و کیفی خدمات کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی مؤثر باشد. کتابدارانی که خود از دانش کافی برخوردارند و از مجموعه خود بخوبی آگاهی دارند و اخلاق انسانی ـ اسلامی و کتابداری بیش از هر چیز دیگر راهنمای عملی آنان در انجام وظیفه است، موجب جذب و جلب هر چه بیشتر متقاضیان می‌شود.

متأسفانه باید گفت که در کتابخانه‌های دانشگاهی ما عمدتاً به دلیل فقر کتابدار از ابزارهای ایجاد ارتباط که ساده‌ترین آن تشکیل جلسات آشنایی با کتابخانه است به خوبی استفاده نمی‌شود.

«عدم تشکیل جلسات آشنایی با کتابخانه و شرح و تفسیر فعالیت‌ها و خط‌مشی آن که از وظایف آموزشی اولیه کتابخانه‌ها محسوب می‌شود مراجعان را از آشنایی با خدمات و امکانات کتابخانه محروم ساخته و موجب می‌شود که از همان ابتدا بین مراجعان و کتابخانه ارتباطی صحیح بوجود نیاید. (حقیقی، ۱۷)

جالب توجه است که در بررسی کمبودهای کتابخانه‌های دانشگاهی شهر تهران، کمبود کتابدار به دانشجو (یعنی مخاطبان) ۲۱۷ نفر و کمبود کتابدار نسبت به مجموعه ۴۲ نفر ذکر شده است و این نشانگر افزایش و حساسیت وظایف کتابدار برای ایجاد رابطه با این خیل کثیر دانشجویان است. توضیح و توجیه آنان یکی از وظایف اصلی کتابداران کتابخانه‌هاست. تأمین کمبود نیروی انسانی برای این جمع کثیر دانشجویان می‌تواند در کارآیی کار کتابخانه‌ها تأثیر فراوانی داشته باشد. باکمال تأسف ناگزیر به ذکر این نکته هستم که در شرایط فعلی من از مطالبی سخن می‌گویم که کتابخانه در ساعات فعال روز تعطیل است ـ پنجشنبه و جمعه به جای خود ـ در چند روز گذشته قبل از ساعت ۵ بعد از ظهر که با توجه به تغییر ساعت فرصت خوبی برای مطالعه است، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه دانشکده ادبیات تعطیل بودند. ناخودآگاه این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا مردم برای گذراندن ساعت فراغت خود کتابخانه را انتخاب کنند، در حالی که حتی دانشجو در بسیاری از مواقع امکان استفاده از کتابخانه برایش میسر نیست.

۵. مدیریت

مدیریت از میان عوامل ذکر شده برای افزایش کارآیی و اثربخشی، نقش کلیدی و محوری

دارد. مدیران کتابخانه‌ها هر چند غالباً افراد علمی، باصلاحیت و دلسوز و مؤمن هستند، اما کتابدار واجد شرایط که به ویژگیهای خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی با تفصیل بیشتر آشناست، بهتر می‌تواند در تعیین خط‌مشی کتابخانه و فراهم آوردن زمینه‌های ایجاد رابطه با متقاضیان و انجام خدماتی مؤثر و پرثمر مفید باشد. با بررسی کتاب راهنمای کتابخانه‌های تخصصی، اختصاصی و دانشگاهی معلوم می‌شود که از مجموع کتابخانه‌های دانشگاهی ۵۳ تای آنها مدیرانی بامدرک کاردان، کارشناسی، کارشناسی ارشد کتابداری داشته‌اند، در حالی که حدود ۹۰ کتابخانه رؤسای با غیرمدرک کتابداری و ۲۱ کتابخانه بامدرک دیپلم داشته‌اند و مدرک ۴۹ کتابخانه دانشگاهی و دانشکده‌ای نامعلوم است. در واقع یک چهارم کتابخانه‌ها رؤسای با مدرک کتابداری داشته‌اند.

عدم انتخاب کتابداران واجد شرط به عنوان مدیر کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی از طرف مسؤولان مافوق با هر انگیزه و توجیهی که می‌خواهد باشد، مستقیماً در کارآیی و اثربخشی آن اثر مستقیم می‌گذارد. مدیریت‌های دلسوز، خوش اخلاق، و آشنای به مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی و نیز آشنا به تحلیل‌های ارزیابی‌کننده مدیریت و اقتصاد می‌تواند برنامه‌های غنی و پربار جهت استفاده هر چه بیشتر از مجموعه به نفع متقاضیان ترسیم و تصویب کند. در بین ارزیابی‌ها، امروزه ارزیابی، تحلیل هزینه، فایده بیشتر مطرح است:

استفاده‌کنندگان از تحلیل‌های فایده ـ هزینه باید از ضعف‌ها و کمبودها و مزایای این روش ارزیابی آگاهی داشته باشند. مهمترین مزیت این است که بر نظریه‌های اقتصادی متکی است. دومین مزیت آن این است که روشی نظام‌مند است. طرح‌ها بر اساس فرضیات مشابهی در باره قیمت‌ها، ارزش مزایا و نهاده‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند. یکی از مهمترین انتقادات وارد شده بر آن این است که کار مشکل است. تعیین قیمت‌های پایه و نرخ‌های تنزیل مناسب، تعیین قیمت، اهمیت مزایای کمیت‌ناپذیر، تعدیل قیمت‌های مورد نیاز، هنگامی که بیکاری وجود دارد یا بازار دارای ساخت غیررقابتی است و عدم‌اطمینان موجود در دستیابی به نتایج همه‌کار، تحلیل را مشکل می‌کند. دومین انتقاد این است که پیش‌بینی مزایا و هزینه‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر بدون توجه به اینکه کدام گروه‌ها از طرح سود می‌برند و چه گروههایی از طرح زیان می‌بینند، انجام می‌گیرد. بنابراین برای اینکه تحلیل هزینه ـ فایده کامل شود باید با تحلیلی در باره اثر طرح بر گروههای مختلف اجتماعی همراه باشد. (تقوی، ۳۱۲)

در هر حال، تحلیل هزینه ـ فایده که در ارزیابی کارآیی واثربخشی از پیشرفته‌ترین طرحها

محسوب می‌شود، آنگاه می‌تواند به درستی مورد استفاده قرار گیرد و نتایج مطلوب به بار آورد که مدیریت مؤمن، کارآشنا، دلسوز و متخصص، مسؤولیت را به عهده گیرد تا هدفش عمدتاً پویا کردن کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی و به حداکثر بهره‌وری رساندن واحد باشد. جدول زیر ارتباط عملیات و عوامل مختلف و تأثیر آنها با یکدیگر را در جریان تحلیل هزینه ـ فایده نشان می‌دهد:

هزینه‌ها

	سیاست انتخاب مواد	نوع اسناد	نوع استفاده‌کنندگان
عواملی که بر هزینه‌ها تأثیر می‌گذارند	اندازه بودجه هزینه هر سند روش سفارش نیاز استفاده‌کنندگان اندازه و حجم کارکنان وسعت خودکارسازی	اندازه مجموعه عمق طبقه‌بندی فهرست‌نویسی عمق نمایه‌سازی نوع استفاده‌کنندگان حجم و سطح کارکنان	تعداد استفاده‌کنندگان نوع تولیدات نوع خدمات حجم و سطح کارکنان ابزار نمایش حمایت از وسعت خودکارسازی
اجزاء نظام اطلاع‌رسانی	انتخاب و سفارش	آماده‌سازی و سازماندهی	اشاعه اطلاعات وسعت خودکارسازی خدمت و اشاعه اطلاعات
اندازه‌گیری اثربخشی	حجم مجموعه زمان تحویل اسناد اطلاعات و غیره	جامعیت زمان پاسخگوئی بازیابی دقت کوشش‌های انجام شده سهولت اجرا غیره	فراهم بودن اسناد و اطلاعات زمان پاسخ معرفی قابل دسترس بودن سهولت در استفاده و غیره

فایده‌ها

جدول ارتباط هزینه ـ اجرا ـ فایده

«اف.ای لنکستر» می‌گوید: اثربخش‌ترین نظام احتمالاً آن نظامی است که به منظور ارضای

نیازهای جمع کثیری از درخواست‌هایی که در برابرش قرار دارد به وجود آمده است، ولی نه همه نیازها. ما می‌توانیم یک نظامی را طراحی کنیم که بتواند به طور مؤثر و اقتصادی به ۹۰ درصد از نیازهای استفاده‌کنندگان پاسخ گوید ولی ارضای ۱۰ درصد باقی‌مانده به افزایش بی‌تناسب هزینه و نیرو منجر خواهد شد. (سینق ـ ۱۶۸)

البته باید توجه داشت که بسیاری از این مسائل به مدیریت کارآ و مؤثر کتابدار در کتابخانه برمی‌گردد، کتابداری که خود با اصول مدیریت آشنا باشد. اینجانب ممکن است با بخش اول سخن «ریس» که می‌گوید: فریاد همه کتابداران این است که چرا کتابخانه‌ها مدیران غیرکتابدار دارند، موافق نباشم اما قطعاً با بخش دوم سخن وی که کتابدار علاوه بر مسائل مربوط به سازماندهی باید به اصول بنیانی مدیریت و کنترل سیستم کتابخانه به صورت واحدی متشکل توجه کند، کاملاً موافقم (حری، ۲۵۳). به راستی جای بسی تعجب است که پاره‌ای اصلی‌ترین درس را در کتابداری سازماندهی می‌دانند اما این سازماندهی را در عالم کتاب و مدارک و چیدن و نظم دادن خشک و بیروح موادی به ظاهر بیجان در قفسه‌ها محدود می‌کنند ولی سازماندهی به معنای ایجاد حرکت، تلاش و تکاپو در انسانهای واجد شرط کتابخانه به منظور روح بخشیدن به کتابها و مدارک چیده شده در قفسه‌ها از طریق ارائه خدمات بهینه، فراموش می‌شود و یا کاملاً جدی گرفته نمی‌شود.

عدم‌توجه به نقش مدیریتی کتابدار در کتابخانه‌های مختلف، از جمله کتابخانه‌های دانشگاهی مرا بر آن داشت تا به دنبال علت باشم. حاصل تلاش به پرسشنامه‌ای انجامید تا در آن از مسؤولان مافوق کتابخانه‌ها سؤال شود که با چه دیدگاه و نگرشی در انتخاب مدیران کتابخانه‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند، پرسش‌های مطروحه در این رابطه بدین قرار است:

ـ آیا عدم نصب کتابدار به عنوان مسؤول کتابخانه به خاطر جهل مدیران مافوق نسبت به وجود کتابدار واجد شرط است؟ در صورت منفی بودن پاسخ سؤال اول، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

ـ آیا مدیران ارشد توانایی کتابدار در مدیریت را قبول ندارند.

ـ آیا کتابخانه در نظر آنان ارزش آنچنانی ندارد که مدیری کارآشنا و متخصص داشته باشد؟

ـ آیا مدیران ارشد، کتابخانه را در محیطی علمی و کتابداران را افراد غیرعلمی می‌دانند؟

ـ آیا آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی به نظر آنان در وضعیتی نیست که بتواند متناسب با

پیشرفت تکنولوژی مدیران کارآشنا تربیت کند؟

- آیا به لحاظ عدم‌تخصص موضوعی کتابدار است که آنان به ویژه در کتابخانه‌های تخصصی نمی‌توانند موافق باشند؟
- آیا عدم‌آشنایی کتابداران با اصول مدیریت است که مانع چنین کاری می‌شود؟
- آیا نداشتن تجربه کافی آنان باعث عدم‌انتصاب آنان به این سمت می‌شود؟
- آیا وضعیت جسمی، اخلاقی و روحی کتابداران مانع این کار می‌شود؟
- و بالاخره آیا آنان در مسائلی مانند مسائل مرجع و سفارش که عمدتاً تماس با خارج و نیاز به تصمیم‌گیری دارد توان لازم را ندارند، لذا بهتر است همواره در پشت صحنه باشند و به امور فنی مشغول باشند.

در هر حال، به نظر می‌رسد همه با این جمله موافق باشند که دانش مدیریت و لزوم آن برای کتابدار مانند بسیاری دیگر در آموزش کتابداری، پیوسته مورد تأکید یا تجدیدنظر محققان کتابداری قرار گرفته است. زمانی اعتقاد بر این بود که کتابداری در طبیعت خود نوعی مدیریت و سازماندهی است. (حری، ۲۴۸)

کارآیی و اثربخشی در بخشهای دولتی و خصوصی

همان‌طور که قبلاً مطرح شد چنانچه بین کارآیی و اثربخشی تفکیکی قائل شویم اثر آن می‌تواند در بخشهای دولتی و خصوصی ظاهر شود. به عبارت دیگر، از آنجا که وظایف بخش دولتی عمدتاً جلب رضایت عامه مردم است، لذا اثربخشی برای واحدهای دولتی بیشتر مطرح است اما با عنایت به اینکه دولت و مجلس به سمت خصوصی سازی پیش می‌رود چه بسا بسیاری از واحدهای دانشگاهی هم به بخشهای نیمه‌خصوصی و یا خصوصی تبدیل شوند و در آن صورت طبعاً کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعات آنان نیز تابع سیاست‌گذاری آن واحدها خواهد بود. در این صورت کارآیی و بهره‌وری هر چه بیشتر کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی مطرح خواهد بود. مراکز آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی برای تربیت نیروهایی که در این گونه مراکز باید جذب شوند همزمان با تربیت نیروی انسانی برای بخشهای دولتی باید بکوشند. آنچه می‌توان بر آن تأکید داشت این است که در هر صورت کتابخانه‌های مرکزی بنا به رسالت خاص خودشان همچنان باید در جلب رضایت عامه مخاطبان خود تلاش کنند و افزایش کارآیی و اثربخشی را با این هدف افزایش بخشند.

منابع

۱. راهنمای کتابخانه‌های تخصصی، اختصاصی و دانشگاهی/ شیرین تعاونی، تهران کتابخانه ملی ایران. ۱۳۷۰.

۲. اقتصاد مدیریت/ مهدی تقوی، مشهد، نیما، ۱۳۷۰.

۳. مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی/ عباس حری، تهران، دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۱.

۴. ارزیابی نیروی انسانی کتابخانه‌های دانشگاهی شهر تهران/ محمود حقیقی، پیام کتابخانه، ۹، ۱۰ (۳) ۱۳۷۲ ص ۲۱ - ۶

۵. مدیریت کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی/ موهیندر سینق، ترجمه غلامرضا فدائی عراقی، تهران، دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی، ۱۳۷۳.

۶. علوی، امین ... کارآیی و بهره‌وری. مدیریت دولتی . ۱۴ (۱۳۷۰) ص ۳۰

۷. مدیریت مؤثر و رهبری خلاق. اقتباس و ترجمه سیدامین ... علوی. مدیریت دولتی، ۱ (۱) ص ۵۰ - ۴۱

۸. نگاهی به آخرین نظریات و تحقیقات رهبری سازمانی/ منوچهر کیا، مدیریت دولتی، ۱ (۱) ص ۳۲. پاورقی

۹. آیا در مدیریت دولتی، اثربخشی بر کارآیی تقدم دارد/ ناصرمیرسپاسی، مدیریت دولتی ۱ (۱) ص ۱۶ - ۱۷.

۱۰. کتابخانه، اطلاعات، اقتصاد/ ژاک میشل، ترجمه مهدی داوری. فصلنامه کتاب، ۲ و ۳ (۱). ۱۳۶۹

۱۱. نقد معیارهای به کار رفته و سنجش کارآیی کتابخانه. ترجمه دکتر آزاد. مشکوة، ۱۷ (۱۳۶۶). ص ۱۳۹ - ۱۲۶.

۱۲. صادقپور، ابوالفضل. مدیریت دولتی، بهار، ۱۳۷۰

13. Calvin, Market - driven Approach for the Lib. /Infor center. *Fid News Bulletin* V.44 Issue I.Ian. 1994.

14. Economics of Information Technologies. 5th int. conf. of German Society for Docum. 29 - 31 May 1989. Int. *Forum on Infor. & Document.* no. 4 Vol. 14 (1989) PP.31 - 30

۱۷

اهمیت پژوهش در دانشگاه و ارتباط آن با بخش مرجع کتابخانه‌ها*

اهمیت پژوهش بر کسی پوشیده نیست. پیشرفت و توسعهٔ زندگی بشر در همهٔ موارد مرهون پژوهش است و راز پیشرفت دنیای امروز نیز در پژوهش نهفته است.

مرکز اصلی پژوهش دانشگاه است. در دانشگاه با استعانت از متدولوژی، ره صد ساله، یک شبه پیموده می‌شود و سرعت دستاوردهای بشری در چندین دههٔ اخیر نیز مؤید این ادعاست. دنیای امروز به خوبی درک کرده است که بزرگترین سرمایه، سرمایه نیروی انسانی آموزش دیده است و این نیرو به طور عمده و خاص در دانشگاهها تربیت می‌شود.

برای تحول درکشور و حرکت به سمت توسعه واقعی در همه ابعاد، باید در دانشگاهها تحول ایجاد کرد و بدون این تحول، صحبت از توسعه، مفهومی ندارد. «تا زمانی که ما به انسانهای آگاه که در دانشگاهها و مراکز علمی پرورش می‌یابند، دست پیدا نکنیم، جامعه ما به توسعهٔ مطلوب دست نخواهد یافت».[1]

---

* این مقاله در نشریه دانشگاه انقلاب، ۲۰ ـ ۲۶ آبان ۱۳۷۴ چاپ شده است.

تحقیقات در دانشگاهها متکی بر اطلاع‌رسانی است. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی که کانون درخشان این تحقیقات محسوب می‌شوند، در دنیای پیشرفتهٔ صنعتی به انواع و اقسام ابزارهای پیشرفته الکترونیکی مجهزند و کتابداران و اطلاع‌رسانان نیز سعی در عرضه هر چه سریعتر و مستقیمتر اطلاعات به متقاضیان دارند.

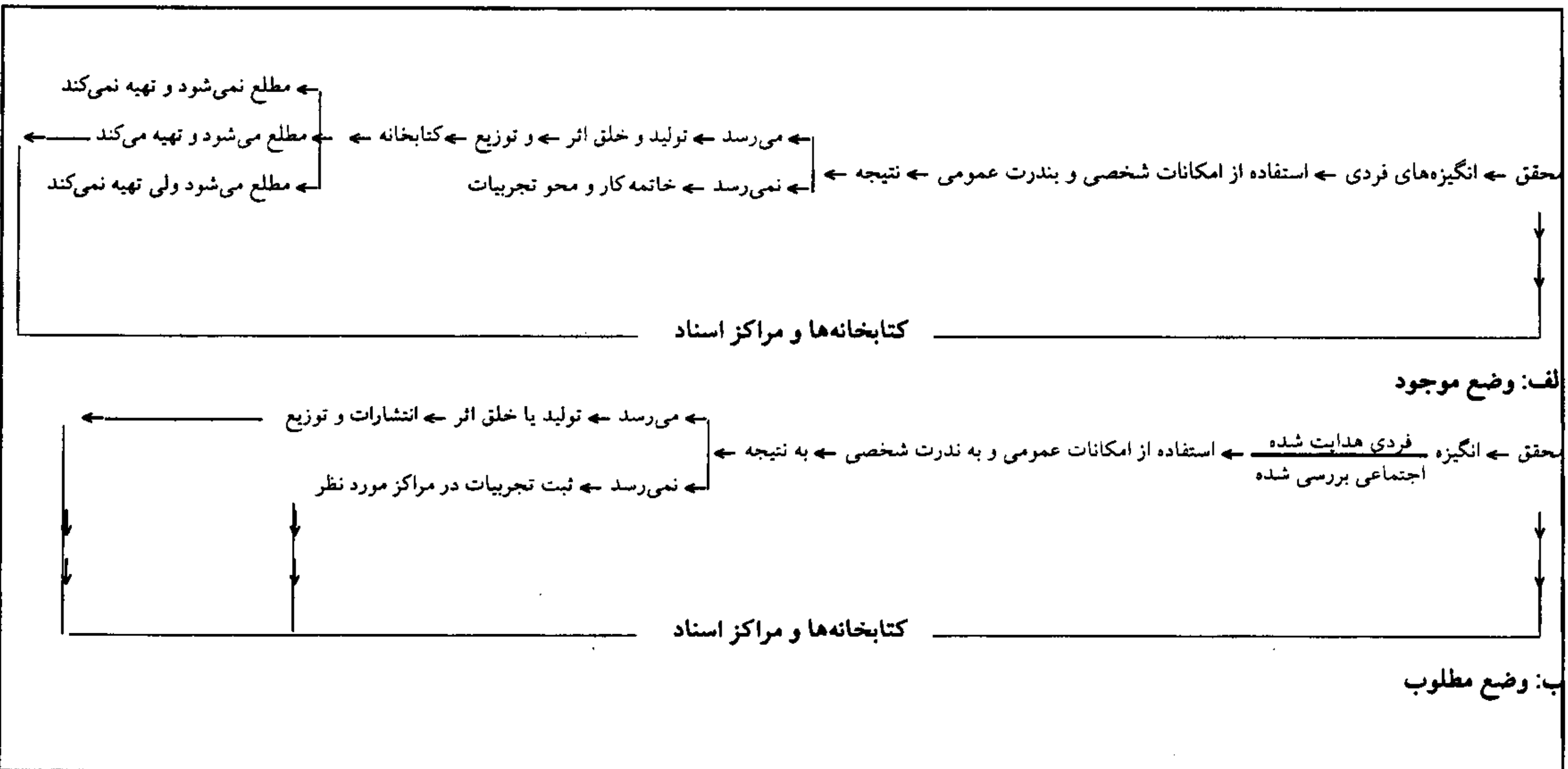
هر چه سرمایه‌گذاری در امر اطلاع‌رسانی بیشتر و هر چه اهداف اطلاع‌رسانی روشنتر باشد، محققان علاقه‌مند بهتر می‌توانند کار کنند. اگر در کشورهای پیشرفته صنعتی محقق سریعتر به نتیجه تحقیق خود می‌رسد و خستگی مفرطی از کار تحقیق بر تن او نمی‌نشیند و دوباره تحقیق دیگری را شروع می‌کند، به این خاطر است که ابزارهای پژوهشی برای او آنچنان آماده است که نیازی ندارد وقت خود را در غیر از مسیری که تعیین کرده، صرف کند. او حتی می‌تواند از اتاق کار خود یا منزلش خارج نشود و با وجود این، از همه اطلاعات موجود در سراسر دنیا باخبر شود.

در کشورهایی مثل ما به این علت که کارها منظم نیست و همه چیز در جای خود قرار ندارد، بر فرض اینکه هر واحدی در کار خود احساس مسئولیت کند، برای خود بدون ارتباط با دیگری نظامی می‌سازد و به دور آن دیواری می‌کشد و گاه کار به آنجا می‌رسد که زبان مشترک برای انتقال ساده‌ترین پیامها نیز وجود ندارد تا چه رسد به انتقال و مبادله اطلاعات علمی در سطحی گسترده و وسیع.

تحقیق، زمانی تحقیق است که اولاً حساب شده انتخاب گردد و اطلاعات اولیه کاملاً فراهم شده باشد و ثانیاً تا آخر راه، کار ادامه پیدا کند؛ خواه نتیجه مثبت باشد، خواه منفی. حتی نتیجه منفی نیز نباید نابود شود، بلکه باید در جایی ثبت و ضبط شود.

نمودار زیر تا اندازه‌ای وضعیت کتابخانه‌های ما را در وضعیت موجود و مطلوب ترسیم می‌کند.

نمودار ۱ وضعیت موجود و مطلوب کتابخانه‌ها



در چنین وضعیتی، به فرض تلاش و کوشش، به دلیل وجود عوامل بازدارنده، بازدهی همه چیز حتی آموزش در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نسبت به بازده‌های مشابه در کشورهای پیشرفته در سطح پایینتری قرار می‌گیرد.[۲]

ماحصل کلام آنکه: باروری آموزش و ترویج و توسعه فرهنگ پژوهش در دانشگاهها و سرانجام، گسترش مرزهای دانش، به اعتلای کیفی خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی وابسته است و این خود، مستلزم برخورداری این کتابخانه‌ها از خدمات نیروی انسانی مناسب و کارآمد است.

اهمیت بخش مرجع در کتابخانه‌های دانشگاهی

هر کتابخانه‌ای، به ویژه کتابخانه‌های دانشگاهی، دارای چندین بخش است: بخش سفارش، بخش فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی، بخش امانت، بخش مرجع، و بخش سمعی و بصری. آنچه کمتر مورد بحث قرار گرفته و در واقع مورد بی‌مهری کامل، بخش مرجع بوده است. از آنجا که بخش مرجع، علاوه بر داشتن ابزارهای مکتوب قوی، به کتابدار ماهر، علاقه‌مند، دانشمند، کریم و خوش‌برخورد نیاز دارد، در باره‌اش کمتر سرمایه‌گذاری شده و می‌شود. حتی این امر در دانشکده‌ها و گروههای آموزشی ما هم غریب مانده است.

در دیگر بخشهای کتابخانه، تکلیف روشن است. کار، حد و مرز دارد و می‌توان از الگوی خاصی پیروی کرد و وظیفه را به خوبی انجام داد: شیوه سفارش، چه داخلی چه خارجی و نحوهٔ مکاتبات و مربیگری فرمول دارد؛ روش فهرست‌نویسی و رده‌بندی بر اساس الگوهای مختلف کاملاً معلوم و مشخص است و ضابطه و حساب و کتاب دارد؛ اما بخش مرجع نه حساب و کتابی مشخص دارد، نه حد و مرزی می‌شناسد. درِ کتابخانه به روی هر پرسشگری باز است و او اجازه دارد که هر پرسشی را مطرح کند و انتظار دارد که کتابخانه به عنوان محل ذخیره دانش و اطلاعات و کتابدار به عنوان حافظ و عالم اطلاعات او را راهنمایی کنند و نه فقط مشکلش حل شود، بلکه با خاطرهٔ خوبی که در ذهن او ایجاد می‌کنند، او را به فردی علاقه‌مند و مراجعی دائم مبدل سازند. نظر به مشکل بودن امر و عدم وجود مربیانی که خود را برای تربیت چنین انسانهایی وقف کنند که با همه وجود به استقبال مشکل می‌روند و پیامبروار مرهم بر زخم جهالتها و نادانیهای افراد رمیده از دانش می‌گذارند، طبعاً این رشتهٔ مهم که یگانه عامل پیشرفت و تعالی است، مغفول مانده و مورد بی‌مهری تمام قرار گرفته است.

تعریف مرجع

از نظر لغوی مرجع (به فتح جیم) به معنای محل رجوع، اصل، و پایین کتف است و به همین معناست آنکه در علم یا ادب به او رجوع شود، خواه عالم باشد، خواه کتاب.

فرهنگ معین، مرجع را به کسر جیم ضبط کرده و می‌گوید که در عرف متداول مردم، مرجع با فتح جیم رایج است.

مرجع در اصطلاح عبارت است از:

۱. کتاب یا دیگر مواد کتابخانه‌ای که فقط برای یافتن اطلاعات معیّن و محدود تهیه شده است، نه برای به کلی خواندنشان؛ مثل واژه‌نامه‌ها و دایرةالمعارفها.

۲. کتاب یا دیگر مواد کتابخانه که غالباً به امانت داده نمی‌شود و در قسمت مرجع نگهداری می‌گردد». [۳]

اگر اطلاعات در جهان امروز و البته در همهٔ زمانها قدرت است، دارندهٔ آن هم صاحب اقتدار است و البته در کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی هیچ کس به اندازه کتابدار مرجع دارای اقتدار نیست.

ویلیام کنز، مرجع را «هنر یافتن اطلاعات» می‌داند و آن را از مفهوم کار یا کارکرد فراتر می‌شمارد. پی‌یر باتلر هم مرجع را کارکرد یا وظیفه می‌شمرد، نه کار. [۴] واتر کلاپ رئیس شورای منابع کتابخانه‌ای و معاون سابق کتابخانه کنگره، مرجع را گل سرسبد کارهای کتابخانه یا میوه و پاداش آن می‌داند. بیشاب مرجع را خدمتی معرفی کرده است که کتابداران برای کمک به نوعی مطالعه و پژوهش به عمل می‌آورند و وبر چکیده کار مرجع را همان «کمک» یا «دستیاری» محسوب کرده است. [۵]

وظیفه کتابدار مرجع شاید قدیمترین شکل کتابداری و خدمات آن بوده است. قدیمترین کتابخانه‌ها در آشور و اسکندریه، خدمات فراوانی به نیازهای حکومتی در ابعاد آرشیوی، اقتصادی و اداری کرده و به جامعه از نظر فرهنگی، مذهبی، و آموزشی مدد رسانده‌اند. [۶]

سابقه کتابداری نوین و خدمات مرجع به سبک جدید به قرن ۱۹ می‌رسد. [۷] در سال ۱۸۷۶ با بنیانگذاری انجمن کتابداری امریکا، خدمت مرجع، به عنوان خدمتی منحصر به کتابخانه‌ها آغاز شد. عواملی که در این امر سهیم بودند، عبارتند از: انتشار طرحهای دهدهی رده‌بندی کاترو دهدهی دیویی و نیز مقاله نامهٔ پول. [۸]

اهمیت بخش مرجع به سه عامل بستگی دارد که دو عامل اول مهمترند؛ هر چند که حاصل

هر سه به خدمات مرجع می‌انجامد. این سه عامل عبارتند از: ۱) ابزار مرجع، ۲) کتابدار مرجع، ۳. محیط مرجع.

ابزار مرجع

ابزار مرجع عمدتاً همان کتابهای مرجعند که در شکل لغت‌نامه، دایرةالمعارف، کتابشناسی، فهرست، سالنامه، منابع جغرافیایی سرگذشتنامه و اسناد و مدارک دولتی ظاهر می‌شوند. در تعریف کتاب مرجع گفته‌اند: کتابی است که برای مشورت در مورد مطلب یا موردی خاص، و نه برای مطالعه کامل، تهیه شده و دارای نظم و ترتیبی خاص است یا کتابهایی است که فقط در کتابخانه مطالعه می‌شوند.[9] هر یک از این ابزارها ویژگی خاصی دارند که معرفی کاملشان در این مقاله نمی‌گنجد؛ پاره‌ای از ویژگیها به این ترتیب است:

- کتبی هستند و مجموعهٔ اطلاعات در موضوعات مختلف در آنها گرد آمده است،
- بر حقایق و واقعیات متکی هستند،
- هدف آنها پاسخ به سؤالات است، نه سؤال‌آفرینی،
- تنظیم مطالب آنها اغلب الفبایی است،
- در باره یک مطلب به طور وسیع بحث نمی‌کند.

امروزه با پیشرفت تکنولوژی بسیاری از کتابهای مرجع بر روی "co - rom" ضبط شده و یا به صورت پیوسته* قابل دسترسی هستند.

کتابدار مرجع

در واقع، کتابدار مرجع به بخش مرجع پویایی می‌دهد. بدون وجود او کتب مراجع هر چند قوی باشند، فقط برای پرسشگران کارآزموده‌ای که خود سالها با این گونه منابع سر و کار داشته‌اند و با پیشرفت تکنولوژی، تغییرات سریع آنها را نیز تعقیب کرده‌اند، قابل استفاده‌اند. در هر حال، کتابدار مرجع نسبت به ابزار مرجع، حکم معلم را به کتابهای درسی دارد. گاه اشاره‌ای از جانب کتابدار مرجع مشکل غامض جستجوگر را حل می‌کند و باعث دلگرمی و قوت قلب او می‌شود.

---

* On Line

به علاوه کتابدارِ مرجع همچون معلم در بسیاری از مواقع می‌تواند تجربیات خویش را منتقل کند.

کتابدار مرجع با تخصص و تجربه‌ای که دارد و روز به روز بر کیفیت آن می‌افزاید، آنچنان به مجموعهٔ زیر نظر خود احاطه و اشراف دارد که همچون یک داروساز می‌داند هر دارویی چه خاصیتی دارد.

در این مفهوم کتابدار مرجع یک مشاور است، یک مشاور امین و صادق. او در عین اینکه نظر دارد، سعی می‌کند که در کمال بی‌نظری جوینده را راهنمایی کند. او همچون فروشنده کالا بیش از هر چیز در پی جلب رضایت مشتری است. او در این مقام و موقعیت می‌داند که در بسیاری از موارد، متقاضی، گمشده‌ای دارد که احتمالاً نامش را نمی‌داند. کمکهای مؤثر کتابدار مرجع در این باره به مثابه یک روانکاو صدیق و دلسوز، برای پژوهشگر نجاتبخش است. هنگامی که افراد با مجموعه عظیمی از کتابها روبه‌رو می‌شوند به جای گشتن و صرف وقت، ترجیح می‌دهند که از شخص مطلعی کمک بگیرند که همان کتابدار مرجع است. همین جاست که اهمیت کتابدار مرجع معلوم می‌شود و دقیقاً به همین علت است که افرادی مثل «کیتس» حتی برای حالات چهره، نگاه، ابرو و امثال آنها راهنمایی‌های دارند که بر طبق آنها، کتابدار مرجع در جلب مراجعه‌کننده می‌کوشد و به او جرأت طرح سؤال می‌دهد. تعلیمات رانگاناتان در هند نیز با تأکید بر نقش کتابدار مرجع و بر اساس اصل خدمت رواج یافت؛ به طوری که اکنون خدمت کتابداران در هند مثال زدنی است.

کتابخانه بدون کتابدار مرجع، انبار کتابی بیش نیست.

محیط مرجع

محیط مرجع شامل فضا و مکان مناسب برای پاسخگویی است. امکانات پیشرفته تکنولوژیک برای تسهیل کار و تسریع در پاسخ دادن به سؤالات نیز در اینجا مطرح می‌شود. فراهم آوردن همه این امکانات برای افزودن بر بازده و رضایت خاطر پرسشگر و پرسشیاب از وظایف مدیریتی است و مدیر، مسئول مستقیم آن است.

اگرچه در بعضی مواقع، بخش مرجع را با بخش امانت یکی می‌گیرند یا در هم ادغام می‌کنند، در واقع مرجع یک مقوله مدیریتی است؛ زیرا برنامه‌ریزی برای جلب رضایت متقاضی و افزودن

بر میزان کمکهای لازم به او و جلب هر چه بیشتر علاقه‌مندان به کتابخانه و حتی ایجاد علاقه در کسانی که از کتابخانه بی‌خبرند یا از آن فاصله گرفته‌اند، یک مقوله مدیریتی است. روتشتاین و هنری روبستر پس از مطالعه کافی به این نتیجه رسیدند که: «خدمات مرجع کتابخانه از مسئولیتهای اصلی بخش مدیریت است و باید به گونه‌ای سامان یابد که نهایت بهره‌جویی از مجموعه‌ها را تضمین کند».[10]

علاوه بر این، به خاطر اینکه استفاده هر چه بیشتر از مجموعه مدنظر است، کتابدار مرجع می‌تواند در سایر بخشها نیز تأثیر بگذارد. او برای ارتباط با متقاضی مجبور است با همه ابزارها، به ویژه مراجع، به خوبی آشنا باشد. او در این تماسهای مکرر و استفاده‌های بی‌شمار به قوت و ضعف نظام رده‌بندی و فهرست‌نویسی کاملاً پی می‌برد. او می‌تواند توصیه‌هایی هم برای بخش سفارش خرید نیازهای فوری و آتی کتابخانه داشته باشد؛ چون با جامعه در ارتباط است. حتی می‌تواند در برنامه‌ریزی آینده کتابخانه فعالانه مشارکت کند.

«فن تحلیل و ترکیب، کتابدار را از تکیهٔ کامل بر فهرست رده‌ای رها می‌سازد. در واقع، وظیفه مرتبط کردن انگاره‌های مفاهیم تازه که با ابزار علائق خوانندگان و توجه به ساختار فهرست موضوعی رخ می‌دهد، کتابدار مرجع را دست کم در کتابخانه‌های اختصاصی در موقعیتی یگانه برای دادن اطلاعات مورد نیاز فهرست‌نویسان و رده‌بندی‌کنندگان قرار می‌دهد تا ملاحظه کنند که آیا رده‌بندی کتابخانه به راستی به هدف خود رسیده است یا نه».[11]

رانگاناتان می‌گوید: «طرح رده‌بندی زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که امکان تدارک و تهیه اطلاعات و ارائه پاسخ دقیق پرسشهای استفاده‌کننده را به کتابدار بدهد».[12] و این شاید تعبیر دیگر قانون چهارم از قوانین پنج گانه اوست که می‌گوید: «وقت خواننده را هدر ندهید». در واقع با مدیریت صحیح کتابخانه، مجموعه، درست انتخاب می‌شود و درست، فهرست‌نویسی می‌شود تا کتابدار مرجعِ مسلط و آگاه که نه فقط به ظاهر و نام کتابها اشراف و اطلاع دارد، بلکه به درونمایه آنها نیز واقف است بتواند بیشترین و بهترین بهره را از مجموعه ببرد و روز به روز بر رونق بیشتر کتابخانه و مراجعهٔ علاقه‌مندان و نیازهای اطلاعاتی به کتابخانه بیفزاید.[13]

خدمت مرجع

خدمت مرجع عبارت است از مجموعه فعالیتهایی که به پاسخ دادن به سؤال متقاضی

می‌انجامد و او را ارضا و اقناع می‌کند. در این فرایند مجموعه عواملی همچون ابزار خوب و مناسب مرجع، فعالیت و تلاش کتابدار مرجع به همراه روابطی انسانی که او با جستجوگر برقرار می‌کند در روند انجام دادن کار، تعاملی مثبت دارد. باتلر می‌گوید: «خدمت مرجع فرایندی است که بدان وسیله انسان متمدن می‌تواند اطلاعاتی خاص و دلخواه را به یاری کتابهایی که در کتابخانه منظم شده، به دست آورد».[۱۴]

در گذشته خدمات مرجع را با کمیتها و درصد پاسخهای داده شده با افراد مراجعه‌کننده ارزیابی می‌کردند؛ اما در سالهای اخیر بر کیفیت و تناسب موارد بیش از کمیت تأکید شده است.[۱۵]

از دیدگاه رانگاناتان، خدمت مرجع ابزار اصلی برآوردن و تحقق هدف اجتماعی کتابخانه است. او می‌گوید: خدمت مرجع جوهر کتابداری و فرجامین جلوهٔ انسانی قوانین پنج‌گانه است. همچنین معتقد است: خدمت مرجع انگیزه عمده و چکیدهٔ کتابداری است.[۱۶]

سطوح خدمات مرجع

اگر هدف کتابداری و به طور اخص هدف کتابداری مرجع، جلب رضایت پرسشگر و متقاضی باشد، طبعاً در این باره باید از انجام دادن هر گونه اقدامی که در چارچوب وظایف قانونی و اخلاقی کتابداری است، دریغ نورزد و برای اینکه پرسشگر و متقاضی را به نوعی وامدار کتابخانه و کتابدار کند و بالاتر از این، در او آنچنان شعف و علاقه‌ای به وجود آورد که نه فقط بار دیگر خودش برای حل مشکل به کتابخانه بیاید، بلکه مُبلغی راستین برای فعالیتهای کتابخانه باشد، لازم است همهٔ امکانات برای تحقق این مسأله در کتابخانه بسیج شود. فراهم آوردن این امکانات در کتابخانه یک مسأله است و عرضه یا استفاده از یک یا چند و یا همهٔ امکانات، بر حسب درجهٔ تقاضای متقاضی، مسأله‌ای دیگر. گاه پرسشگر، به نازلترین حد خدمت نیاز دارد و گاه محتاج تلاش و کوشش عمیق کتابدار مرجع برای رسیدن به مقصود است. به عقیده و بر چکیدهٔ کار مرجع همان کمک و دستیاری است؛ اما این کمک دارای سه سطح محافظه‌کارانه، میانه و آزادانه یا آرمانی است.[۱۷] به تعبیر دیگر از آنجاکه همهٔ کارکرد کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی برای انتقال اطلاعاتند، فعالیتهای آن را در سطوح مستقیم و غیرمستقیم می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

۱. خدمات مرجع و اطلاع‌رسانی، شامل کمک انفرادی به استفاده‌کنندگان در پی‌جویی اطلاعات؛
۲. آموزش رسمی و غیررسمی، به شیوهٔ بهره‌جویی از کتابخانه یا مراکز اطلاع‌رسانی و منابع آن؛
۳. خدمت مرجع غیرمستقیم، از راه فراهم کردن امکان دسترسی استفاده‌کنندگان به مجموعهٔ منابع اطلاعات، از جمله همکاری میان کتابخانه‌ها.[۱۸]

پوپ این فعالیتها را ابتدا به سه بخش کلی اطلاعات، آموزش و راهنمایی تقسیم کرده است و آنگاه هر بخش را به زیربخشهای دیگر تقسیم می‌کند.[۱۹]

موهیند رسینق در کتاب مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی، خدمات مرجع را که از مقوله مدیریت می‌داند به ۲۰ نوع تقسیم و برای هر یک بحثی مفصل طرح کرده است: این انواع عبارتند از:

۱) خدمت گردش اسناد (امانت)، ۲) خدمت امانت بین کتابخانه‌ای، ۳) خدمت مرجع، ۴) خدمت ارجاعی، ۵) خدمت جستجوی منابع (متون)، ۶) خدمت کتابشناختی، ۷) خدمت ترجمه، ۸) خدمت نمایه‌سازی، ۹) خدمت چکیده‌سازی، ۱۰) خدمت تهیهٔ گزارش وضعیتی، ۱۱) خدمت آگاهی‌رسانی جاری، ۱۲) خدمت اشاعهٔ گزینشی اطلاعات، ۱۳) خدمت اعلان جلسات آتی، ۱۴) خدمت پایگاه داده‌ها (بانک اطلاعاتی)، ۱۵) خدمت پیوسته، ۱۶) خدمت بریدهٔ جراید، ۱۷) خدمت تولید اسناد، ۱۸) خدمت ضبط ریزنگاشتها (میکروفرمها)، ۱۹) خدمت بازخوانی ریزنگاشتها، ۲۰) خدمت روابط عمومی و توجه به نیاز استفاده‌کنندگان.

لوئیس شورز فعالیتهای بخش مرجع را به هفت گروه اصلی و هر یک را به شرح زیر به چندین نوع فرعی تقسیم کرده است.[۲۰]

گروههای اصلی:

۱) کمکهای ارجاعی، ۲) کمکهای پژوهشی، ۳) آموزش، ۴) برنامه‌ریزی، ۵) گردآوری کتابشناسیها، ۶) گزینش مواد، ۷) سازماندهی مرجع.

کارتر الکساندر نیز پرسشهای مرجع را به هفت نوع اصلی به شرح زیر تقسیم می‌کند:[۲۱]

۱) انواع مربوط به واقعیتها، ۲) انواع مربوط به شیوهٔ انجام دادن امور، ۳) انواع مربوط به روندها و جریانها، ۴) انواع مربوط به شواهد پشتیبان، ۵) انواع مربوط به اطلاعات جامع در

بارهٔ یک مسأله، ۶) انواع مربوط به ارزیابی مرجع، ۷) انواع مربوط به تقلید و تکرار کارهای پیشین.

سؤال و مرجع

از ویژگیهای بخش مرجع این است که سؤال‌گراست و وجودش با پرسش عجین و آمیخته است. مرجع، به معنای محل رجوع است و طبعاً نیازمندان، جویندگان و پرسشگران به محل رجوع می‌آیند تا به جواب برسند. به عبارت دیگر، اگر سؤالی نباشد به مرجعی هم نیاز نیست و وجود سؤال، بی‌تردید وجود مرجع را ایجاب می‌کند.

لنکستر چگونگی شکل گرفتن سؤال را در ذهن انسان و انگیزهٔ او را برای یافتن جواب، و انتخاب احتمالی کتابخانه را برای این منظور در ۱۰ پردهٔ نمایش (حالت) درکمال زیبایی به شرح زیر بیان می‌دارد:

ـ حالت اول: احتمال ایجاد سؤال در فرد و تسلیم آن به کتابخانه

۱. سؤال در ذهن فرد شکل می‌گیرد. عوامل مؤثر: آموزش فردی، زمینهٔ قبلی، تجربه و سطح هوش و سواد.

۲. فرد درک می‌کند که باید سؤالش پاسخ داده شود. عوامل مؤثر: آموزش فردی، زمینه قبلی، علائق، تجربه و سطح هوش و سواد.

۳. فرد کاملاً متقاعد شده که باید پاسخ سؤال را دریابد. عوامل مؤثر: ارزش جواب برای شخص، و درک فرد از احتمال اینکه منبعی می‌تواند سؤال را پاسخ بدهد.

۴. رویکرد فردی به کتابخانه برای دریافت جواب. عوامل مؤثر: الف) آیا فرد به وجود کتابخانه آگاه است، ب) آیا فرد می‌داند که کتابخانه چنین خدمتی را عرضه می‌دارد، ج) آیا کتابخانه منبع مناسب و دقیقی برای استفاده است، د) آیا فرد خاطرهٔ خوب یا بدی از نوع کتابخانه به ویژه کتابخانه مفروض دارد؟ ه) آیا کتابخانه در زمانی که جواب مورد لزوم است، باز است؟ و) آیا به هنگام نیاز، فرد می‌تواند به کتابخانه برود و با کتابدار تماس بگیرد؟

ـ حالت دوم: آیا کتابخانه برای یافتن پاسخ تلاش می‌کند؟

۱. عوامل ارتباطی عبارتند از: پرسشگر، کتابدار.

۲. عوامل سیاستگذاری عبارتند از: آیا سؤال برای کتابخانه قابل قبول است؟ آیا پرسشگر برای

کتابخانه قابل قبول است؟

ـ حالت سوم: آیا پرسشگر جواب کامل و درستی را خواهد یافت؟

۱. آیا جواب جایی ضبط است؟

۲. آیا کتابدار با توجه به عوامل مربوط به سیاستگذاری، مجموعه‌ای، کتابدار، سؤال استفاده‌کننده، و محیط می‌تواند پاسخ را بیابد.

ـ حالت چهارم: عوامل مربوط به سیاستگذاری

۱. کتابدار برای یافتن این سؤال چقدر وقت صرف می‌کند؟

۲. کتابدار چه هزینه‌ای را برای پاسخ تقبل می‌کند؟ برای مثال هزینه تلفن راه دور، و جستجوی پیوسته.

ـ حالت پنجم: عوامل مربوط به مجموعه

۱. آیا کتابخانه حاوی منبعی است که جواب کامل و درست در آن باشد؟

۲. چه تعداد منبع در کتابخانه برای یافتن جواب کامل و درست وجود دارد؟

۳. چه تعداد از این منابع برای کتابدار قابل ارزیابی است؟

۴. این منابع، چقدر سازماندهی و نمایه‌سازی دقیق شده‌اند؟

ـ حالت ششم: عوامل مربوط به کتابدار

۱. سطح اطلاعات او نسبت به مجموعه، معلومات عمومی، آگاهیهای جاری، توانایی مربوط به زبان

۲. توان و علاقه‌مندی او برای برقراری ارتباط،

۳. توانایی او در تصمیم‌گیری،

۴. درک مسئولیتهای حرفه‌ای برای انجام دادن چنین کاری،

۵. کارآیی در قبال صحت و سرعت،

۶. آموزش و تربیت،

۷. تجربه او به عنوان یک کتابدار و کتابدار مرجع.

ـ حالت هفتم: عوامل مربوط به خود سؤال

۱. موضوع سؤال،

۲. ابهام سؤال،

۳. پیچیدگی سؤال،
۴. پایداری پاسخ (به ویژه اینکه اخیراً چه تغییرات احتمالی در جواب ممکن است پدید آمده باشد).

ـ حالت هشتم: عوامل مربوط به کارها

۱. وضعیت و موقعیت او،
۲. شخصیت و علاقه‌مندی او،
۳. توانایی او در درک پاسخ،

ـ حالت نهم: عوامل مربوط به محیط

۱. عوامل فشار،
۲. سلامت فیزیکی یا روانی کتابدار،
۳. شرایط محیطی همچون درجه حرارت، رطوبت، نور.

ـ حالت دهم: عوامل ارجاعی

۱. آیا کتابدار علاقه‌مند است که سؤال را به: الف) همکارش در کتابخانه ارجاع دهد، ب) به منبعی در خارج از کتابخانه بفرستد.
۲. دانش کتابدار در مورد منابع، تواناییها و علایق فردی یا سازمانی او تا چه اندازه گسترده است؟
۳. آیا راهنماییهای ارجاعی متناسب برای پاسخ سؤال مفروض وجود دارد. آیا کتابخانه آنها را دارد یا می‌تواند به صورت پیوسته به آنها دسترسی پیدا کند؛ آیا کتابدار آنها را می‌شناسد؟
۴. آیا پرسشگر علاقه‌مند است که سؤال او به جای دیگری ارجاع شود؟

با آنکه سؤال در ذات بشر نهفته و با وجود او سرشته است، ممکن است دلیل اینکه چرا بعضیها سؤال نمی‌کنند یا از مرجعی مثل کتابخانه نمی‌پرسند ناشی از عوامل زیر باشد:

الف) عوامل مربوط به پرسشگر

۱. فکر می‌کند که می‌داند یا بهتر از کتابدار می‌داند.
۲. فکر می‌کند دیگری نمی‌داند.
۳. فکر می‌کند دیگری خیلی می‌داند و بنابراین خجالت می‌کشد سؤال را مطرح کند.
۴. به نحوه سؤال کردن واقف نیست.

۵. بیم دارد دیگران را به زحمت بیندازد.

۶. به نظر او قیافه کتابدار یا رفتار او جالب نیست، و از اینکه سؤال بکند، نفرت دارد.

۷. می‌خواهد بپرسد، ولی می‌ترسد بارش سنگینتر شود و عواقب بعدی داشته باشد.

۸. مشغله زندگی به او اجازه نمی‌دهد که سؤال را مطرح کند.

۹. به نظر خودش سؤالش، سؤال جدی نیست و به این علت اصراری در ارائه آن ندارد.

ب) عوامل مربوط به پاسخگو

عواملی که ممکن است مربوط به پاسخگو باشد و سبب بی‌میلی در ارائه پاسخ می‌شود عبارتند از:

۱. خود نمی‌داند.

۲. نمی‌خواهد به دیگران به‌اصطلاح رو بدهد.

۳. کبر و غرور (با محفوظاتی که اندوخته است) او را گرفته است.

۴. به این کار بی‌میل است و به سستی انجام وظیفه می‌کند.

۵. تنبل و راحت‌طلب است.

۶. معتقد است پرسشگر خودش باید زحمت بکشد تا یاد بگیرد و قدر بداند.

۷. محافظه‌کار است و می‌ترسد مجموعه‌اش آسیب ببیند.

۸. کمبود پرسنل دارد و نمی‌تواند به تنهایی پاسخ همه را بدهد.

۹. بیان و یا اخلاق خوبی ندارد که سر حرف را برای کمک به مراجعه‌کننده باز کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - ژوزف؛ تکوین و توسعهٔ دانشگاههای غرب»، ترجمهٔ وهاب کریمی؛ دفتر دانش، ش ۲ و ۳، ص ۵۶ به بعد.

۲ - وودهال؛ «دانشگاه و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی»، ترجمه یوسف نراقی، دفتر دانش؛ ش ۲ و ۳، ص ۳۶ به بعد.

۳ - کتابخانه ملی ایران؛ اصطلاحنامه کتابداری.

۴ - دیانی، محمدحسین، مبانی مرجع، فنون پرسش‌کاوی و پاسخ از منابع کتابخانه، آستان قدس رضوی: مشهد، ۱۳۷۰.

۵ - همان، ص ۲۰.

6. Bopp, Richard and Linda Smith (ed); Referance and Information Services; Libraries Limited: Colorado, 1991, P.31.

7. Ibid; P. 34.

۸ - دیانی، محمدحسین؛ ص ۱۹.

9. Bopp, R. P. 237.

۱۰ - دیانی، محمدحسین؛ ص ۵۲.

۱۱ - همان، ص ۵۱.

۱۲ - همان، ص ۴۸ و ۴۹.

۱۳ - همان، ص ۵۳.

۱۴ - همان، ص ۲۰.

۱۵ - همان، ص ۱۹.

۱۶ - همان، ص ۳۵.

۱۷ - همان، ص ۲۰.

۱۸ - همان، ص ۲۵.

19. Bopp, R. P.5 _ 12.

۲۰ - دیانی، محمدحسین؛ ص ۵۳ و ۵۴.

۲۱ - همان، ص ۵۵ - ۶۰.

۱۸

بررسی میزان آگاهی رؤسای دانشگاه‌ها، معاونان پژوهشی و رؤسای کتابخانه‌های مرکزی نسبت به مشکلات اساسی کتابخانه‌ها*

کتابخانه و بویژه کتابخانه مرکزی در دانشگاه به عنوان یک زیرمجموعه آموزشی پژوهشی در جامعه امروزین دانشگاهی نقش بسیار حساس و حیاتی دارد. توجه و عنایت به کتابخانه، توجه به اصل آموزش و پژوهش و تقویت کتابخانه و امکان افزایش بهره‌وری آن بمنزله حاصلخیزی و باروری سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی کارآمد و متخصص است. میزان اثربخشی و کارآیی در

* این مقاله در کنفرانس بین‌المللی کاملیس (جامعه کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان) در خرداد ۱۳۷۴ ارائه شده است.

کتابخانه‌ها بستگی تام و تمام به عنایت و توجه به اصل مدیریت کتابخانه دارد.

مدیریت در کتابخانه‌ها جدای از مدیریت دانشگاه‌ها نیست. اگرچه گاه همان توجه نسبی که در مدیریت دانشگاه‌ها هست در مدیریت کتابخانه‌ها نیست. تغییر و تبدیل مدیریت‌ها و عدم تناسب و علاقه افراد منتخب به مسئولیتی که می‌پذیرند مزید بر علت است. طبعاً این نوع مدیریت‌ها نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند که آسیب هم می‌رساند.

«مدیریت در آموزش عالی ایران بعد از انقلاب دستخوش تحولات بسیاری گردیده است. مدیران رده‌های مختلف در دهه انقلاب از ثبات زیادی برخوردار نبوده‌اند. اگرچه اکثر آنها دانشگاهی هستند ولی کار مدیریت را از طریق آزمون و خطا انجام می‌دهند. این نوع مدیریت بسیار پرهزینه و آسیب‌پذیر است. در این مدت به طور سازمان یافته نه از کار مدیران ارزیابی به عمل آمده و نه آموزشهای لازم در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی به آنها داده شده است[1].»

تصمیم‌گیری اساس مدیریت است و تصمیم زمانی گرفته می‌شود که جهت‌ها مشخص و سیاست‌های کلی معلوم باشد به عبارت دیگر وقتی نگرشی صحیح در مورد مسأله‌ای وجود داشته باشد و یا به تعبیر دیگر دردها در یک مورد مشخص باشد و آسیب و آسیب‌پذیری‌ها معلوم، آنوقت می‌توان انتظار داشت که درمان صورت گیرد و اگر صورت نمی‌گیرد باید پرسید که علت چیست؟

در بسیاری از موارد تصمیم‌گیری‌ها بر اساس نظرات شخصی و برداشت‌های سطحی است طبعاً تصمیم‌گیریهایی که بر این اساس باشد انتظار بهره‌وری و کارآیی آن بیهوده خواهد بود.

پژوهش حاضر به بررسی نظرات مسئولان اصلی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها می‌پردازد این مسئولان، مدیران مستقیم و یا باواسطه کتابخانه هستند که از نظر سلسله مراتبی در یک راستا قرار دارند.

طرح مسأله

پژوهش حاضر بیان می‌کند که از نظر مسئولان پیش گفته مشکلات اساسی در کتابخانه چیست آیا

آنها نسبت به مشکلات کتابخانه آگاهی دارند؟ آیا آنها به وظائف کتابخانه آشنایی دارند؟ آیا آشنایی آنها در حد قابل قبول هست و آنها نسبت به کدامیک از مسائل مدیریتی کتابخانه بیشتر حساسیت دارند.

تعاریف کاربردی

منظور از دانشگاهها، دانشکدههای وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی که دارای کتابخانههای مرکزی هستند میباشد. بر این اساس فهرست آنها از کتاب «راهنمای مراکز اسناد و کتابخانههای تحقیقی، اختصاصی و دانشگاهی ویرایش دوم از نشریه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ استخراج شده است.

معاون در این پژوهش عمدتاً معاونی است که کتابخانه با یک واسطه زیر نظر او اداره میشود. در اغلب دانشگاهها از نظر سازمانی و تشکیلاتی کتابخانه زیر نظر معاونت پژوهشی و در اندکی از آنها زیر نظر معاونت آموزشی است.

مشکل اساسی در این پژوهش به این معناست که در نظر فرد پرسششونده وجود آن خللی به کار و وظیفه سازمان کتابخانه وارد میکند و لذا مشکل اساسی آنقدر جزئی نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت.

میزان آگاهی، چنین فرض شده است که عملکرد مطلوب کتابخانه یک اصل است و عدم کارکرد مطلوب در هر بخش از نظر افراد پرسششونده بمنزله آگاهی آنان از مشکل مورد بحث بوده است.

هدف پژوهش

هدف پژوهش مشخص کردن میزان آگاهی و اشراف مسئولان پیش گفته کتابخانههای مرکزی دانشگاه از مشکلات کتابخانههاست تا از این طریق معلوم شود اگر مشکلات را میدانند با توجه به قدرت آنها از نظر اداری و سطح تصمیمگیری چرا بدنبال راهحل نمیگردند.

این پژوهش یک نظرخواهی و نظرسنجی است. بررسی دیدگاههای رؤسای مورد بحث، نشانگر

نوع و سطح نگرش آنها به کتابخانه و مسائل آن است. طبعاً تبیین نظرات آنان برای هر گونه برنامه‌ریزی اصولی و اساسی امری ضروری است در ضمن نشان می‌دهد که تا چه اندازه مسئولان مورد بحث به اطلاع‌رسانی از طریق کتابخانه‌ها توجه دارند.

ضرورت پژوهش

کتابخانه عمده‌ترین مرکز اطلاع‌رسانی و اساسی‌ترین منبع برای انجام پژوهش است. ورود تکنولوژی و امکان ارتباط با سایر پایگاه‌های اطلاعاتی، استفاده از آن را صد چندان کرده است.

توسعه و پیشرفت علم و تکنولوژی جهان، مرهون تصمیم‌گیری‌های دقیق، سریع و بخردانه دارندگان اطلاعات است. مدیرانی که بهتر، بیشتر و سریعتر به منابع اطلاعاتی دسترسی دارند حرف اول را می‌زنند و قدرت بیشتری دارند و این ربطی به دنیای امروز ندارد که همیشه قدرت در اطلاعات بوده است.

در واقع، توسعه خدمات و امکانات مطلوب و بهینه کتابخانه‌ها در کشورهای توسعه یافته، در راستا و همراه با زنجیره‌های پیشرفت اقتصادی ـ اجتماعی صورت میگیرد. «کتابخانه مناسب نه تنها بنیان و اساس آموزش و مطالعه بلکه شرط ضروری تحقیق و پژوهش است. یک مجموعه تحقیقی خوب در کتابخانه‌های دانشگاهی، شهرت و اعتبار دانشگاه مادر را به عنوان مرکز علمی و آموزشی معتبر افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، از کیفیت و کارآیی کتابخانه هر دانشگاه می‌توان به عنوان ملاک ارزیابی و سنجش میزان هویت و کارآیی علمی ـ آموزشی آن دانشگاه یاد کرد. لذا دانشگاهی با هویت و کارآیی علمی ـ آموزشی بالا، باید دارای کتابخانه‌ای مجهز و با کیفیت بالا باشد.[۲]

عدم توجه به توان و توانائی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها، همانند همه کتابخانه‌های دیگر موجب خسران مضاعف می‌شود. سرمایه هنگفتی در قالب خرید کتاب، مجلات، لوازم و تجهیزات و امکانات معطل می‌ماند. عدم استفاده از نیروهای متخصص یکی از مصادیق بارز این عدم توجه است. ۷۰ درصد کتابخانه‌های دانشگاهی را مدیران بدون تخصص کتابداری اداره می‌کنند. ۵۶/۱ درصد کتابخانه‌ها فاقد حتی یک دستگاه تکثیر هستند.[۳]

در هر حال، توجه به سرمایه‌گذاری سنگین در کتابخانه‌ها و وجود هم‌پوشانی‌ها در بسیاری از موارد بویژه در مسابقه خرید از خارج از کشور و با توجه به مشکلات بزرگ ارزی، و ضرورت بازنگری در مسائل اقتصادی و مدیریتی همه سازمان‌ها، از جمله دانشگاه و کتابخانه‌های دانشگاهی، ضرورت روشن شدن این پرسش را تایید می‌کند که آیا مسئولان اصلی کتابخانه‌ها این مسائل و مشکلات را می‌دانند؟ آیا می‌دانند ضعف مدیریت از مسائل اساسی است و یکی از دلائل آن عدم آشنایی مسئول خاص کتابخانه‌ای در اطلاع‌رسانی است.

نتیجه عدم آشنایی مسئولان به مسائل خاص کتابخانه سبب می‌شود که بازده و عملکرد کتابخانه زیر سؤال برود در نتیجه استفاده‌کنندگان متضرر شوند و این ضرر، یک ضرر ملی است. بر اساس پژوهش، تنها ۳۰ درصد از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با یک واژه‌نامه و یا یک دائرةالمعارف تخصصی آشنایی دارند و باستثنای ده درصد هیچکدام از وجود کتابشناسیها، چکیده‌نامه‌ها و یا فهرستی در زمینه تخصص خود اطلاع ندارند، عدم عضویت و استفاده ۹۰ درصد از اعضای هیأت علمی از کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران خود حائز اهمیت است[۴].

پیشینه پژوهش

با آنکه در زمینه مسائل مختلف کتابخانه از جمله بررسی میزان موجودی و کمبودهای فیزیکی و مجموعه‌ای و تجهیزاتی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است ولی در زمینه بررسی دیدگاه‌ها و میزان آگاهی مسئولان طولی کتابخانه‌ها کاری صورت نگرفته است. فقط پژوهشی در حد پایان‌نامه از دانشگاه‌های علوم پزشکی صورت گرفته است که بی‌ارتباط با موضوع مورد بحث ما نیست:

بر اساس این پژوهش، که میزان آگاهی ۶۰ نفر از مسئولان اجرائی دانشکده‌های علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی مورد بررسی قرار گرفته نتیجه نشان داده است که علیرغم سطح تحصیلی بالای اکثر مسئولان هیچکدام از آنان آگاهی کامل از اهداف و وضعیت کتابخانه تحت سرپرستی خود نداشته‌اند. و هیچیک از آنان حد نصاب نمره لازم را که ملاک آگاهی کامل است را بدست نیاورده‌اند[۵].

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش سه مجموعه مدیر (رئیس دانشگاه، معاون پژوهشی و رئیس کتابخانه مرکزی) از ۲۴ دانشگاه عمده کشور است. سابقه تاریخی این دانشگاهها عمدتاً به قبل از انقلاب میرسد باستثنای دانشگاه تربیت مدرس که بعد از انقلاب تأسیس شده است. این دانشگاه‌ها مربوط به وزارت فرهنگ و آموزش عالی هستند. قدمت کتابخانه این دانشگاه‌ها از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۶۲ در نوسان است. قدیمی‌ترین کتابخانه‌ها، کتابخانه دانشگاه تربیت معلم و جدیدترین آن دانشگاه تربیت مدرس است. از مجموع دانشگاه‌های مورد بحث ۱۹ دانشگاه به پرسشنامه پاسخ گفته‌اند که از بین آنها ۱۳ نفر رئیس، ۱۲ نفر معاون پژوهش و ۱۸ نفر رئیس کتابخانه هستند.

شماره	دانشگاههایی که پرسشنامه را پاسخ داده‌اند	پاسخ رئیس *	پاسخ معاون پژوهشی	پاسخ رئیس کتابخانه	جمع
۱	دانشگاه تهران		×	×	۲
۲	دانشگاه امیرکبیر	×			۱
۳	تربیت مدرس	×	×	×	۳
۴	صنعتی شریف			×	۱
۵	هنر	×	×	×	۳
۶	الزهراء	×		×	۲
۷	فردوسی	×	×	×	۳
۸	لرستان	×	×	×	۳
۹	ارومیه	×	×	×	۳
۱۰	بوعلی سینا	×	×	×	۳
۱۱	دانشگاه رازی	×		×	۲
۱۲	گیلان			×	۱
۱۳	شهید باهنر	×	×	×	۳
۱۴	تبریز	×		×	۲
۱۵	شیراز	×	×	×	۳
۱۶	زنجان		×	×	۲
۱۷	شهید بهشتی			×	۱
۱۸	تربیت معلم		×	×	۲
۱۹	دانشگاه اصفهان	×	×	×	۳
	جمع	۱۳	۱۲	۱۸	۴۳

جدول ۱. اسامی دانشگاهها و جمع پاسخهای رسیده از مشکلات کتابخانه‌های دانشگاهها

نوع و روش پژوهش

این پژوهش توصیفی است و روش آن پیمایشی است. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه است که برای هر سه مقام مورد بحث سئوالات بطور یکسان فرستاده شده است.

فرضیه و سئوالات پژوهش

فرضیه‌هایی که برای این پژوهش در نظر گرفته شده است عبارتند از:

۱ـ درجه آگاهی مسئولان پیش‌گفته نسبت به کمبود کتابدار متخصص از همه بالاتر است.

۲ـ درجه آگاهی مسئولان پیش‌گفته نسبت به عدم مدیریت کتابخانه‌ها بوسیله کتابداران در حد قابل قبولی است.

۳ـ درجه آگاهی رؤسای کتابخانه‌ها بیشتر از معاونان پژوهشی و آگاهی معاونان پژوهشی بیش از روسای دانشگاه است.

در این پژوهش مشکلات عمده کتابخانه آنهم عمدتاً از دیدگاه مدیریتی، در ۱۰ بخش و ۵۸ سئوال مطرح شده است این ده بخش شامل مسائل مربوط به نوع تلقی از کارکرد کتابخانه، وابستگی تشکیلاتی کتابخانه، میزان رضایت از عملکرد کتابخانه، مشکلات مربوط به فضا بطور عام، مجموعه، نیروی انسانی، ارائه خدمات، مدیریت به معنای خاص، مشکلات برون سازمانی و محیطی، و مشکلات نهادی، فرهنگی و بنیانی جامعه است.

تفصیل سؤالات به شرح زیر است:

۱ـ آیا مشکلات کتابخانه‌ها با نوع نگرش افراد پرسش‌شونده ارتباط دارد. به عبارت دیگر آیا تلقی آنها از وظیفه این واحد تلقی آموزش پژوهشی است. سئوالات ۱/۱ تا ۱/۷ به این مسأله اختصاص دارد.

۲ـ از نظر افراد مورد بحث تا چه اندازه مشکلات اساسی و عمده کتابخانه به وابستگی تشکیلاتی و سازمانی ارتباط دارد سئوال‌های ۲/۱ تا ۲/۷ به این بخش مربوط است.

۳ـ سومین سئوال در مورد رضایت یا عدم رضایت افراد مورد بحث از کارکرد کتابخانه است که سؤالات ۳/۱ تا ۳/۲ به این امر می‌پردازد.

۴ ـ بخش دیگری از نظرخواهی شامل سئوالاتی است که مربوط به وضعیت فیزیکی (ساختمان، نور، فضا، سر و صدا) است سئوالات ۴/۱ تا ۴/۵ در این رابطه است.

۵ ـ سئوالات ۵/۱ تا ۵/۸ مربوط به وضعیت مجموعه (کتاب، مجله، رساله و گزارش، چکیده، نمایه و ابزار پیشرفته فنی) است.

۶ ـ سئوالات ۶/۱ تا ۶/۵ به وضعیت نیروی انسانی اعم از نیروی انسانی تخصصی، باتجربه، خدماتی را مطرح می‌کند.

۷ ـ بخش بعدی شامل سئوالاتی در باره نحوه ارائه خدمات که مهم‌ترین وظیفه کتابخانه است می‌باشد سئوالات ۷/۱ تا ۷/۱۴ نظرات و دیدگاه‌های افراد مورد بحث را در مورد انواع خدمات مطرح می‌کند.

۸ ـ سئوالات ۸/۱ تا ۸/۱۴ مربوط به مسائل خاص مدیریتی است و در آن از نبودن آئین‌نامه، عدم اجرای آن، کم بودن پست مصوب، عدم وجود مدیر متخصص، با تجربه، و عضویت هیات علمی و داشتن وقت کافی برای مدیریت، و میزان آشنایی او با اصول مدیریت و مانند آن بحث می‌کند.

۹ ـ سئوالات ۹/۱ تا ۹/۱۵ مربوط به تأثیرات محیطی بر سازمان کتابخانه است و در آن از وجود مراکز مشابه خارج از کتابخانه بحث می‌کند.

۱۰ ـ مجموعه سئوالات ۱۰/۱ تا ۱۰/۹ مربوط به مسائل اساسی، فرهنگی و ساختاری جامعه است که بر عملکرد سازمان کتابخانه تأثیر می‌گذارد نبودن روحیه تحقیق در دانشجو و استاد، داشتن مشغله زندگی برای هر دو و وجود مقررات دست و پا گیر، نبودن قانون الزام‌آور برای همکاری بین کتابخانه‌ای، نبودن برنامه پژوهشی در دانشگاه و ارتباط آن با کارکرد کتابخانه از جمله مسائلی است که مورد سؤال قرار گرفته است.

نحوه استخراج داده‌ها

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات آن اخذ و با کمک نرم‌افزار spss میزان فراوانی و درصد پاسخ‌ها و نیز بررسی میزان همبستگی پاسخ‌ها از طریق مجذور خی تحلیل شده است. بر اساس نظریه لیکرت میزان نظرات هر سه مقام پرسش شده بطور جمعی (رئیس، معاون و رئیس کتابخانه) و نیز فردی تهیه شده است.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های پژوهش بر دو نوع است: عام و خاص.

یکی از محدودیت‌های عام پژوهش، صرف وقت جهت پیگیری‌ها برای تکمیل پرسشنامه است. بر اساس محاسبه سرانگشتی، اگر قرار باشد برای هر مورد از ۲۴ دانشگاه که طبعاً ۷۲ مورد بازاء هر سه نفر مسئول می‌شود سه بار پیگیری صورت گیرد و هر پیگیری با مراجعه مستقیم انجام شود و هر مورد ۲ ساعت وقت بگیرد چیزی در حدود ۴۳۲ = ۲ × ۳ × ۷۲ وقت صرف می‌شود. اگر اجرت وقت پیگیری‌کننده با نظری خوش‌بینانه ساعتی ۵۰۰۰ ریال باشد مبلغ بدست آمده ۲۱۶۰۰۰۰ = ۵۰۰۰ × ۴۳۲ است که این مبلغ فقط صرف پیگیری می‌شود و اصلاً کار مثبتی بحساب نمی‌آید. عدم توجه مسئولان بویژه مسئولان دانشگاهی که خود به اهمیت و ارزش وقت و نیروی انسانی کارآمد توجه دارند جای تأسف جدی دارد. این رقم منهای تلفن‌ها و سفارش‌ها و موارد مشابه پیگیری دیگر است.

محدودیت‌های خاص در این رابطه فهرست‌وار عبارتند از:

۱ ـ عدم عنایت کافی به تکمیل پرسشنامه‌ها، تأخیر در ارسال، بی‌توجهی و گم کردن آنها.

۲ ـ سرسری گرفتن پاسخ‌ها، بی‌جواب گذاشتن پاره‌ای از سئوالات.

۳ ـ مشکل تماس تلفنی، حضوری با روسا، معاونان و حتی رؤسای کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها.

۴ ـ برخورد سرد با قضیه کتابخانه در بعضی از موارد.

۵ ـ تناقض در اختلاف در پاسخ‌ها در بعضی از موارد که خود نشانگر بی‌توجهی به مسأله است.

۶ ـ ارجاع پرسشنامه به کتابخانه توسط رئیس یا معاون پژوهشی دانشگاه فقط به صرف اینکه مربوط به کتابخانه است و پر شدن آن بوسیله رئیس کتابخانه.

یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، تفکیک و استخراج اطلاعات نتایج زیر بدست آمد:

با آنکه ذکر نام برای پاسخ‌دهندگان پیش‌بینی نشده بود تا بتوانند راحت‌تر اظهارنظر کنند ولی عده‌ای به پاره‌ای از سئوالات مربوط پاسخ ندادند از جمله موارد درخواستی ذکر رشته تحصیلی و درجه دانشگاهی بوده است.

در مورد رشته‌های تحصیلی، موارد زیر عنوان شده است: علوم تربیتی، ادبیات، فرهنگ و علوم قرآنی، کتابداری ۴ مورد، فیزیک ۳ مورد، مکانیک، تاریخ دو مورد، فیزیولوژی پزشکی، ریاضی با کاربرد آمار، ترویج، آموزش کشاورزی، بیوشیمی، تحقیق در عملیات، علوم تغذیه و بیوشیمی، بهداشت مواد غذایی، فیزیک هسته‌ای و مدیریت صنعتی، حدود ۵۳ درصد از مجموع افراد رشته‌های تحصیلی خود را ذکر کرده‌اند.

از بین آنهایی که پاسخ گفته‌اند رؤسای کتابخانه‌ها عمدتاً رشته‌های زیر را داشته‌اند:

فرهنگ و علوم قرآنی، کتابداری ۴ مورد، کشاورزی، ریاضی با کاربرد کامپیوتر، فیزیک، مهندسی مکانیک، تاریخ دو مورد، فیزیولوژی پزشکی، ادبیات و علوم تربیتی

در ارتباط با درجه دانشگاهی داده‌ها نشان میدهد که ۱۸/۶ درصد با درجه استادی، ۱۶/۳ درصد با درجه دانشیاری، ۲۰/۹ درصد با درجه استادیاری، ۴/۷ درصد با درجه مربی، ۴/۷ درصد با درجه پایین‌تر در میان پرسش‌شوندگان بوده‌اند، متأسفانه ۳۴/۹ درصد درجه دانشگاهی خود را ذکر نکرده‌اند.

بر اساس داده‌ها، ۳۴/۹ درصد از دانشگاه‌های مورد پرسش و پاسخ‌های رسیده از تهران، و ۶۵/۱ درصد از شهرستانها بوده است. از بین پاسخهای رسیده ۳۰/۲ درصد مربوط به رئیس دانشگاه، ۲۷/۹ درصد مربوط به معاون پژوهشی و ۴۱/۵ درصد مربوط به روسای کتابخانه‌ها بوده است.

در پاسخ به سئوال اول، ۴/۷ درصد افراد مورد سوال عقیده دارند کتابخانه واحدی پژوهشی است در حالیکه ۹۳/۴ درصد آنرا آموزشی - پژوهشی می‌دانند و ۲/۳ درصد پاسخ نگفته‌اند.

در پاسخ به سئوال دوم، ۱۱/۶ درصد اعتقاد دارند کتابخانه باید زیر نظر رئیس دانشگاه اداره شود در حالیکه ۸۳/۷ درصد معتقدند باید زیر نظر معاونت پژوهشی اداره شود و ۴/۷ درصد جواب نگفته‌اند.

در پاسخ به سئوال سوم ۷ درصد از وضع کتابخانه‌ها راضی، ۳۴/۹ درصد ناراضی و ۵۸/۱ درصد پاسخ نداده‌اند.

تحلیل داده‌ها

علیرغم انتظار فراوان از جمع پرسش‌شونده نسبت به برخورد فعال در پر کردن پرسشنامه، بسیاری از سئوالات بدون جواب باقی ماند. بعضی‌ها در پایان ذکر کرده بودند که آنجائی که علامتی زده نشده بمنزله

نداشتن نظری خاص است ولی بسیاری از ذکر چنین مطلبی خودداری کرده بودند.

همانطور که در میان داده‌ها ذکر شد در مجموع پرسش‌شوندگان ۳ نفر کتابدار با مدرک کارشناسی ارشد و یک نفر کارشناس کتابداری بوده است. نسبت آن به کل مجموعه ۰/۰۷ درصد در صورت احتساب کارشناسی ارشد و ۰/۰۹ درصد در صورت احتساب کتابدار اعم از کارشناس و کارشناس ارشد است. نسبت کتابداران مسئول در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها به کل مسئولان کتابخانه‌های مرکزی سهمی به ترتیب ۰/۱۷ درصد و ۰/۲۲ درصد است. که رقم بسیار کمی است.

از نکات قابل توجه این که در وجود بعضی از مشکلات اساسی در کتابخانه‌ها، مخالفی نبوده و قولی است که جملگی بر آن اتفاق‌نظر داشته‌اند این موارد عبارتند از:

کمبود فضا، کمبود کتابدار متخصص، کمبود کتابدار باتجربه، کمبود کتابدار موضوعی، کمبود نیروی خدماتی، نبودن امانت بین کتابخانه‌ها، کمبود ابزار پیشرفته فنی، ضرورت وجود آموزش در کتابخانه، ضرورت ارائه خدمت کامپیوتری بصورت دیسک نوری (سی دی رام)

در مورد سئوال ناقص بودن مجموعه مجلات باستثنای بی‌جواب‌ها پاسخ‌دهندگان اظهارنظر صریح داشته‌اند و کلاً یا موافق و یا مخالف نظر داده‌اند.

در پاسخ به سئوال اول، ۹۲ درصد معتقدند که کتابخانه یک واحد آموزشی ـ پژوهشی است و فقط ۴/۷ درصد آن را واحدی صرفاً پژوهشی میدانند. این عنایت خاص، توجّه بیشتر مسئولان را به جنبه‌های آموزشی، کمک آموزشی و پژوهشی کتابخانه ایجاب می‌کند. هماهنگی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها با امر آموزش و پژوهش طبعاً ابزار و تجهیزاتی را طلب می‌کند که مجدانه باید در پی تحصیل و تقویت آن بود. توجه به نظام آموزشی و بازنگری آن یکی از این موارد است.

در پاسخ به سئوال دوم، ۸۳/۷ درصد گفته‌اند که کتابخانه مرکزی باید زیر نظر معاونت پژوهشی باشد و فقط ۱۱/۶ درصد آن را زیر نظر مستقیم رئیس دانشگاه ذکر کرده‌اند. در هر حال با توجه به عنایت مسئولان به این مسأله و استقبال نه چندان گرم آنان از پر کردن پرسشنامه‌هایی که مربوط به کتابخانه است جای تأمل دارد.

در پاسخ به سئوال سوم که رضایت از عملکرد کتابخانه مورد پرسش قرار گرفته است ۳۴/۹۰ درصد اظهار عدم رضایت، و ۷ درصد اظهار رضایت کرده و ۵۸/۱ درصد پاسخ نداده‌اند اگر درصد گزینه‌های بی‌پاسخ را به سایر گزینه‌ها سرشکن کنیم، نتیجه این می‌شود که در قبال ۱۶/۷ درصد رضایت، ۸۳/۳ درصد

عدم رضایت از عملکرد کتابخانه وجود دارد.

تحلیل پاسخ‌های سئوالات ۴/۱ تا ۱۰/۸ و امتیازبندی آن بر اساس قاعده لیکرت که در آن کاملاً مخالفم یک و مخالفم ۲ و بی‌نظرم ۳، موافقم ۴ و کاملاً موافقم ۵ ارزش‌گذاری شده است به صورت زیر برای مجموعه سؤالات برای کل پرسش‌شوندگان است:

جدول (۲) امتیازات مکتسبه بر اساس روش لیکرت برای هر مجموعه سؤالات

سؤالات مربوط به	امتیاز کسب شده	حد متوسط اعتبار
مسائل فیزیکی	۱۰۵	
مجموعه	۱۱۴	
نیروی انسانی	۱۳۳	۱۲۹
خدمات	۹۴	
مدیریت	۸۳	
مسائل برون سازمانی	۲۴	
فرهنگی و بنیادی	۱۰۹	

همانطور که ملاحظه می‌شود در یک جمع‌بندی کلی، چنانچه مجموعه سؤالات ۴ تا ۱۰ را بطور جمعی در محورهای تعیین شده (مسائل فیزیکی، مجموعه، خدمات، نیروی انسانی، مدیریت، مسائل برون سازمانی و مسائل فرهنگی) در نظر بگیریم تنها در مجموعه سؤالات مربوط به نیروی انسانی شامل کمبود کتابدار متخصص، با تجربه و موضوعی، افراد مورد پرسش از آگاهی نسبی برخوردارند ولی نسبت به سایر مسائل مورد بحث آگاهی لازم ندارند. پس از مسائل برون سازمانی کمترین امتیاز مربوط به مسائل مدیریتی است. با توجه به این نتیجه و اظهار عدم رضایت از وضعیت کتابخانه در پرسش سوم چنین برمیاید که عدم رضایت آنان هم خیلی بر آگاهی متکی نیست اما اگر مجموعه سؤالات را برای تک تک مسئولان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم جدول ۳ بدست می‌آید.

جدول (۳) امتیاز روش لیکرت برای مجموعه سؤالات ۴ تا ۱۰ به تفکیک مسئولان

سئوالات / مسئولان	رئیس	معاون	رئیس کتابخانه
مسائل فیزیکی	۲۴/۷۵	۳۵/۷۵	۴۲
مجموعه	۳۴	۳۸	۱۴/۲۵
نیروی انسانی	۳۱/۵	۴۱/۷۵	۵۸
خدمات	۲۹/۵	۲۵/۳	۴۰/۷۶
مدیریت	۱۸/۳	۲۹/۳	۳۴/۳۸
برون انسانی	۶/۸	۳۰/۲	۸/۲
فرهنگی	۲۹	۲۹/۸	۴۹
حد وسط امتیاز لیکرت	**۳۹**	**۳۶**	**۵۴**

ملاحظه می‌شود که رؤسای دانشگاهها نسبت به مجموعه پرسشهای ۷ گانه ابداً آگاهی ندارند. معاونان پژوهشی نسبت به نیروی انسانی و پس از آن مجموعه آگاهی دارند. و در مرتبه آخر رؤسای کتابخانه‌ها فقط نسبت به نیروی انسانی آگاهی دارند.

از بررسی این جداول، سؤالاتی که بیشترین امتیازات را بخود اختصاص داده‌اند بقرار جدول شماره ۴ است.

جدول (۴) بیشترین امتیاز اخذ شده سؤالات بر اساس قاعده لیکرت (آگاهی مسئولان به تفکیک سؤالات)

عنوان سؤال به اختصار	امتیاز لیکرت	رتبه
کمبود فضا	۱۸۳	۱
کمبود کتابدار متخصص	۱۸۲	۲
کمبود کتابدار باتجربه	۱۵۲	۳
کمبود ابزار پیشرفته فنی	۱۵۰	۴
نقص مجموعه مجلات	۱۴۵	۵
نبودن قانون احترام‌آور برای همکاری کتابخانه‌ها	۱۴۵	۵
نبودن آموزش در کتابخانه	۱۴۴	۶
وجود مشغله زندگی برای اساتید و دانشجویان	۱۴۱	۷
نبودن روحیه پژوهشی در دانشجویان	۱۴۱	۷
نبودن روحیه همکاری بین کتابخانه‌ها	۱۳۸	۸
نبودن امانت بین کتابخانه‌ها	۱۳۵	۹
کم داشتن پست مصوب	۱۳۰	۱۰
۱۲۹ ـــــــ حد وسط امتیاز		

از بررسی این جدول بخوبی معلوم میشود که مسئولان عمدتاً کمبود فضا را مشکل اصلی می‌دانند و بیشترین عکس‌العمل را در این رابطه داشته‌اند. پس از آن کمبود کتابدار متخصص از رتبه بالایی برخوردار است و فقط با رتبه اول یک عدد فاصله دارد آنگاه بیکباره با ۳۰ شماره تفاوت کمبود کتابدار باتجربه در مرحله سوم قرار میگیرد. این مسأله نشان می‌دهد که مسئولان پرسش‌شونده (معاون و رئیس کتابخانه) کاملاً اذعان دارند که کتابدار متخصص مورد نیاز است و بویژه در کتابخانه عدم حضور آنان احتمالاً محسوس.

اگرچه عدم بکارگیری از توان تخصصی کتابداران در بعضی از کتابخانه‌ها این مسأله را خدشه‌دار می‌کند اما در واقع اعتقاد پاسخ‌دهندگان چنین است و حق هم همین است. اما با مقایسه جواب این سؤال با جواب سؤال کمبود مدیر واجد شرط و عکس‌العمل نسبتاً منفی آنان در پاسخ، معلوم میشود که مسأله مدیریت در کتابخانه‌ها، آنهم توسط کتابداران متخصص، ذهن این افراد را بخود مشغول نداشته است. آنان کتابداران را احتمالاً برای خدمات فنی و امور باصطلاح پشت پرده میخواهند. کتابداران در نظر آنان نباید به عنوان مدیر با همه مسائل درگیر شوند و این یکی از نکاتی است که مورد توجه این پژوهش بوده است. در واقع مشغله ذهنی افراد مورد بحث که کمبود کتابدار متخصص است تائید می‌شود ولی در اینکه کتابخانه‌ها توسط کتابداران متخصص مدیریت شود در نظر آنان از اولویت خاصی برخوردار نیست. روسای دانشگاه‌ها، معاونان پژوهشی و رؤسای کتابخانه‌ها به مسأله مدیریت توسط کتابداران عنایتی ندارند. شاید آنها را از نظر مدیریت واجد شرط نمی‌دانند. شاید تصور می‌کنند که کتابداران فقط باید به امور فنی بپردازند. شاید چنین می‌پندارند که اصولاً کتابداری یعنی خدمات فنی و اموری که با مدیریت سر و کار مستقیم و مستمری ندارند. در حالیکه سازمان‌دهی که به تعبیری اساس کار کتابداری است یک بحث مدیریتی است بسیاری از مسائل مدیریتی بویژه در بخش مرجع و خدمات ارجاعی که ارتباط مستقیم با مدیریت دارد برای افراد مورد بحث، مسأله نبوده و حساسیت کمی نسبت به آن نشان داده‌اند.

در اینجا از حق نباید گذشت که همچنانکه در ذهن افراد پرسش‌شونده که علی‌الاصول آگاهترین افراد نسبت به مسائل مدیریت دانشگاهی و امور آموزشی و پژوهشی هستند مدیریت کتابخانه‌ها به عنوان مراکز آموزشی - پژوهشی توسط کتابداران مطرح نیست. در نظام آموزشی دانشگاهی بویژه در دوره کارشناسی ارشد نیز این مسأله مورد توجه شورای برنامه‌ریزی قرار نگرفته است. همه میدانند که دو واحد درسی اداره کتابخانه چه توانی، آمادگی و تسلطی به کتابدار به عنوان مدیر میدهد! البته این به این معنا نیست که مدیران فعلی کتابخانه‌ها، با درجات مختلف دانشگاهی، همه با اصول مدیریت آشنا هستند. البته از یک طرف پرسش‌شوندگان از وضعیت کتابخانه‌ها اظهار عدم رضایت نسبی کرده‌اند، از طرف دیگر نسبت به مجموعه سؤالاتی که خاص مدیریت است (۸/۱ تا ۸/۱۲) حساسیت خاص نشان نداده‌اند، معلوم می‌شود که اجرای بهینه وظایف و ارائه بهترین خدمات در همه بخش‌ها و بویژه بخش مرجع مقولاتی هستند که از نظر آنان به

مدیریت ارتباط ندارد. همه باید کارهای خودشان را انجام بدهند. مدیر هم بدون اشراف و اطلاع نسبت به مجموعه‌ای که در زیر نظر اوست باید تنها مدیریت کند و عیب و ایرادی هم بر او نیست. اینجاست که قدری در پاسخ‌ها تناقض مشاهده می‌شود.

در کتابخانه‌ها همچون همه سازمانهای دیگر، مسأله مدیریت مطرح است و اگر مدیریت در جهان امروز یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است و مدیر کارآ و کارآشنا می‌تواند بهره‌وری را به حداکثر برساند چرا در کتابخانه‌ها و آنهم کتابخانه‌های دانشگاهی این مسأله نباید مطرح باشد و چرا آموزش کتابداری ما هم نسبت به این قضیه انفعالی برخورد می‌کند. واحدهای درسی که به نوعی با مدیریت سر و کار دارد در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به قرار زیر است.

در دوره کارشناسی:

در دوره کارشناسی ارشد: اصول مدیریت ۲ واحد (که اخیراً حذف شده) و اداره کتابخانه ۳ واحد

دوره دکتری: برنامه‌ریزی کتابخانه‌ها و خدمات اطلاعاتی (۲ واحد)، سمینار مدیریت اطلاعات ۲ واحد، مدیریت پایگاه داده‌ها ۲ واحد[۶]

عدم توجه به این امر، به این معنی است که چنین تصور شود که کتابداری و اطلاع‌رسانی اصولاً مدیریت نمی‌خواهد، که این مسأله در دنیای امروز کاملاً مطرود است.

در بحث کارورزی در دانشکده علوم تربیتی ـ در گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی مطرح شد که چرا کارآموز و یا کارورز همه قسمت‌ها را باید کارآموزی کند اما مدیریت را نه و پیشنهاد شد که با توافق رئیس کتابخانه‌ای که کارورز در آنجا آموزش می‌بیند، نهایی‌ترین بخش کار را می‌توان به تمرین عملی مدیریت در سطح کلان اختصاص داد تا مدیر کتابخانه عملکرد کارورز را در طی مدت مشخصی مثلاً دو روز بررسی کند و تصمیمات اخذ شده را مورد نقد و بررسی قرار دهد که این مسأله مورد استقبال اعضای گروه قرار گرفت.

تعجب اینجاست که بحث سازماندهی در کتابداری که به عنوان سنگین‌ترین درسها تلقی می‌شود و ۱۲ واحد را مجموعاً در بعضی از مقاطع بخود اختصاص داده است عمدتاً مربوط به سازماندهی مجموعه بظاهر بیجان است اما وقتی سازماندهی انسان و انسان‌ها برای بهره‌وری بیشتر مطرح می‌شود رشته کتابداری در این رابطه نقشی پیدا نمی‌کند، تازه درس اصول مدیریت هم در دوره کارشناسی ارشد اخیراً با تقلیل واحدها

حذف شده است.

در جهان امروز، نظام مدیریت اطلاعات* با قوت و قدرت تمام ذهن و فکر مسئولان و مدیران را به خود مشغول کرده است. بهره‌وری علمی ـ پژوهشی در دانشگاه‌ها نیز سرانجام روزی مطرح می‌شود و در آنجا باز هم باید به نقش کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی نگاهی دیگر نمود. نظام مدیریت اطلاعات به مقدار زیادی به کتابداری و اطلاع‌رسانی ارتباط دارد.

مگر نه این است که مدیران ما از ۳ دسته بیرون نیستند یا مدیران اجرائی صرف‌اند و یا مدیران علمی و یا ترکیبی از هر دو، اطلاعات در هر جا بدرد میخورد و اساس تصمیم‌گیری است. برای مدیران اجرائی اطلاعات از طریق برخورد فعال بایگانیها و مراکز اسناد و مدارک فراهم میشود همین نکته برای مدیران علمی نیز صادق است. اطلاعات کتابخانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی و آرشیوها مهم‌ترین نقش را در تصمیم‌گیری‌های علمی ایفا می‌کند. در مدیریت اجرائی چه بسیار بحث‌ها که در باره دوباره کاریها، ندانم‌کاریها و تصمیم‌گیری‌های بدون مطالعه می‌شود و در مدیریت علمی نیز چه بسیار شنیده شده و می‌شود که پروژه سنگینی بخاطر نقص و ضعف اطلاعات یا اصلاً تصویب نمی‌شود یا به نتیجه نمیرسد و یا پس از اتمام معلوم می‌شود قبلاً انجام شده است. و مگر نه این است که در بسیاری از موارد، دیگران تحت عنوان کارشناسان بخشهای مختلف، همین کار کتابداران و اطلاع‌رسانان را در قالب جمع‌آوری مطالب، سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها انجام می‌دهند.

به نظر من، این برخورد احتمالاً نشانگر این واقعیت است که کتابداران نقش خود را به عنوان مدیر نشان نداده‌اند و یا خود علاقمند به این مسأله نبوده‌اند و گروههای آموزشی و بویژه شاید شورای برنامه‌ریزی هم در این زمینه قصور و یا تقصیری داشته است.

علیرغم اظهارنظر در مورد کمبود کتابدار متخصص، هم‌اکنون با مواردی مواجه هستیم که با وجود کتابداران متخصص، کار به دیگران سپرده شده و در عوض کتابداران متخصص به کار غیرمربوط ارجاع شده‌اند. عدم توجه به مسأله مدیریت عامل اصلی این نوع برخوردهاست. عدم آگاهی مسئولان پیش گفته در

---

* MIS = Management Information System

رابطه با سؤالات مدیریتی خاص (سؤالات ۸/۱ تا ۸/۱۳) بمنزله عدم وجود مشکل مدیریتی کتابخانه در ذهن افراد پیش گفته بوده است.

نکته دیگری که در تحلیل نظرات افراد پرسش‌شونده مطرح است مسأله کمبود ابزار پیشرفته فنی است. این مسأله نشانگر این است که در بسیاری از موارد کتابخانه‌های ما بروش سنتی کار می‌کنند و یا اگر وسائل و ابزار در اختیار دارند قابل استفاده نیست و یا افراد واجد شرط جهت استفاده از آن‌ها در کتابخانه وجود ندارد. پیشرفت و گسترش تکنولوژی بویژه در امر اطلاع‌رسانی ایجاب می‌کند که کتابخانه‌ها و بویژه کتابخانه‌های دانشگاهی با ابزار پیشرفته مجهز شوند و رعایت صرفه و صلاح و امکان استفاده بهینه از آن را در مد نظر قرار دهند. هم‌اکنون بعضی از دانشگاه‌ها و گروههای آموزش کتابداری بخاطر عدم عنایت بـه مسأله مـدیریت کتابخانه‌ها و کتابداری از داشتن حداقل امکانات پیشرفته فنی محروم‌اند.

این عکس‌العمل مدیران پیش گفته صرفاً بیان مسأله است و نشان علاقمندی آنها به داشتن کتابخانه‌های مجهز و فعال در زمینه اطلاع‌رسانی است طبیعی است شرایط رسیدن به اهداف عالیه در این باره نـیازمند تدابیر لازمی است که بدون توجه به آن جز خسران مضاعف نتیجه‌ای دیگر ندارند. خودکارسازی کتابخانه صرفاً یک حرکت بدون برنامه نیست. فرایندی است که باید استمرار داشته باشد و تا شرایط و مقدمات آن به تمام و کمال فراهم نشود امکان عملی شدن مؤثر آن نیست. وجود و حضور کتابداران آموزش‌دیده شرط لازم برای تحقق استفاده بهینه از ابزارهای پیشرفته فنی است.

هم‌اکنون شرکت‌های فراوانی داعیه رهبری در این زمینه دارند که اگرچه تلاش آنان قابل تقدیر است ولی رقابت آنان گاه از نوع بازاری است و ربطی به مسائل فرهنگی ندارد. تفاهم و اشتراک نظر و پر کردن خلاء‌های موجود در این رابطه به غنای تکنولوژی اطلاع‌رسانی در کشور منجر می‌شود.

مسأله بعدی که در نظر افراد پرسش‌شونده حائز اهمیت بوده است وجود نقص در مجموعه مجلات است در زمینه کمبود مجموعه و قدیمی بودن مجموعه، آنان احتمالاً مشکل ندارند اما نقص مجموعه خود قابل توجه است. شاید این نقص مـجموعه، خـود نشـانگر سـیاست‌های حسـاب نشـده و مـقطعی مـدیران در کتابخانه‌هاست. بدون برنامه حرکت کردن و با توجه به گـرفتاریهای ارزی اولویت‌هـا را رعـایت نکـردن، مجموعه‌ها را ناقص می‌کند. این امر با در نظر گرفتن پاسخ‌های رسیده در سؤال ۷/۳ = نبودن امـانت بـین

کتابخانه‌ها و نیز سؤال ۱۰/۶ =نبودن روحیه همکاری بین کتابخانه‌ها و نیز سؤال ۱۰/۷ =نبودن قانون الزام‌آور برای همکاری بین کتابخانه‌ها، مبین این واقعیت است که هر چه سریعتر باید به سمت همکاریهای بین کتابخانه‌ای ولو بصورت توافقی یا تصویب قوانین الزام‌آور حرکت کرد.

مشکل عدم مفاهمه ـ در عین اقرار به ضرورت آن، اساس کار است. همین نکته مشکل کلی جهان سوم بویژه کشورهای مسلمان است.

نکته اینجاست که رؤسای دانشگاه‌ها و معاونان پژوهشی آنان که خود بیشترین نقش را در زمینه گسترش همکاریهای علمی و فنی و تخصیص اعتبار و بودجه دارند به این امر مهم اقدام نمی‌کنند. اقتصاد کشور پاسخگوی درخواست‌های مکرر و پرهزینه کتابخانه‌ها برای خرید مجلات گوناگون نیست الگوی کشورهای در حال توسعه باید متناسب با نیازهای آنان تعیین شود.

افزایش قیمت‌ها در کشورهای در حال توسعه، مشکل خرید مجلات را بسیار جدیتر کرده است. زیرا افزایش قیمت‌ها، بدلیل درصدی که کارگزاران اضافه بر قیمت اصلی نشریات دریافت می‌کنند و نیز بدلیل هزینه پست و بدلیل نابرابری پول رایج این کشورها با دلار، بسیار زیاد است. محاسبه قیمت ۳۵ عنوان مجله پزشکی که در دانشگاه علوم پزشکی اهواز تهیه می‌شود نشان داد که به طور متوسط برای هر عنوان در سال ۱۹۸۸، ۲۶ درصد و در سال ۱۹۹۰، ۳۴ درصد بیش از قیمت رسمی مجله پرداخت شده است. معنای ارقام مذکور این است که اگر قیمت یک عنوان مجله، برای یک کتابخانه امریکایی در سال ۱۹۸۸، ۱۴ درصد گرانتر از سال قبل بوده است برای کتابخانه‌های دانشگاه علوم پزشکی اهواز، ۴۸ درصد افزایش قیمت داشته است.[۷]

نکته دیگری که از بررسی نتایج داده‌ها بدست می‌آید اهمیت مسأله آموزش است. عدم آموزش مراجعه کنندگان و عدم آشنایی آنان نسبت به کاربرد واقعی کتابخانه به عنوان مشکل اساسی تلقی شده است. تعمیم آموزش چه بسا به خود آنان نیز برگردد. به عقیده من چه بسا خود مسئولان پرسش‌شونده به کارآیی واقعی کتابخانه‌ها آنطور که کتابداران و اطلاع‌رسانان معتقدند واقف نیستند و این مسأله برای شخص من در مصاحبه‌ای که با بعضی از مسئولان داشته‌ام کاملاً روشن است در بعضی از دانشگاه‌ها که کارگاه آموزشی برای استفاده بیشتر از کتابخانه برای اعضاء هیأت علمی گذاشته‌اند اگرچه در آغاز شرکت‌کنندگان با اکراه حضور

میافتند ولی پس از اندکی با جدیت و علاقمندی آنرا تعقیب نموده‌اند. تخصیص دو واحد درسی تحت عنوان «آشنایی با کتابخانه» برای همه رشته‌های دانشگاهی امری ضروری است، اما اولاً، در بخشنامه بجای باید، می‌تواند آمده است و بنظر میرسد اگر الزام می‌بود بهتر بود. نکته دوم نبودن کتاب مناسب بهمراه اساتید مجرب در این رابطه خود از مشکلات است که باید هر چه زودتر حل شود. در هر حال فرضیه سوم نیز به این ترتیب تأیید می‌شود.

مسأله بعدی که مسئولان پرسش‌شونده به آن عنایت داشته‌اند نبودن روحیه پژوهشی در بین دانشجویان است البته در مورد نبودن روحیه پژوهشی در بین اساتید هم پاسخ‌ها تا اندازه‌ای جالب توجه است اما عمدتاً نبودن روحیه پژوهشی در بین دانشجویان و نیز وجود مشغله زندگی برای دانشجویان و اساتید از امتیاز واحدی برخوردار بوده است. این احتمالاً نشانگر وجود مشکلات زندگی، نبودن نظارت کافی بر گزینش دانشجو، استاد، و روند آموزشی، پژوهشی دانشگاه‌هاست.

مسائل و مشکلات عمده اقتصادی و فرهنگی موجود در جامعه نیز به این امر کمک می‌کند. برای اینکه جامعه‌ای فعال و پویا در دانشگاه داشته باشیم اتخاذ تدابیر مناسب ضروری است. وقتی رؤسای دانشگاه‌ها، معاونان پژوهشی و رؤسای کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های عمده کشور در مسأله‌ای اتفاق نظر داشته باشند آنوقت چه کسانی باید در امر تجدیدنظر سیاستگزاری مشارکت کنند. آیا طرح این مسائل در شوراهای برنامه‌ریزی رؤسای دانشگاه‌ها و معاونان پژوهشی و یا طرح مصوبات به مراجع ذیصلاح کار را به ثمر نمی‌رساند.

آخرین پرسشی که جواب آن از حد نصاب لازم برخوردار بوده است کم بودن پست مصوب است.

پیشنهادها:

۱ ـ ایجاد گروه مدیریت کتابداری و اطلاع‌رسانی و یا حداقل گرایش مدیریت اطلاع‌رسانی در این رشته.

۲ ـ برگزاری کارگاههای آموزشی آشنایی با کتابخانه و روش تحقیق توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی برای مسئولان و اعضای هیأت علمی.

۳ـ تصویب و تنظیم آئین‌نامه همکاری بین کتابخانه‌ها در شورای رؤسای دانشگاهها و معاونان پژوهشی آنان.

۴ ـ تشکیل شورای رؤسای کتابخانه‌های مرکزی دانشگاهها دست کم هر سال یکبار.

۵ ـ پیش‌بینی و خرید نرم‌افزار واحد بمنظور امکان ارتباط متقابل کتابخانه‌ها با یکدیگر.

۶ ـ پیش‌بینی کلاسهای آموزشی هماهنگ در دانشگاهها برای توجیه اساتید و نیز دانشجویان در جهت بهره‌برداری هر چه بیشتر از کتابخانه.

۷ ـ طراحی برنامه‌ای برای توجه مدیران اجرایی به پژوهشگران به ویژه پژوهشگران علوم انسانی و ایجاد بانک اطلاعاتی لازم در هر سازمان و اداره تا در موقع لزوم نه پژوهشگر سرگردان شود و نه مدیر از پر کردن پرسشنامه بیم و هراس داشته باشد.

* این مقاله، برگرفته از پژوهشی است که دارای نتایج بیشتری است و امید است بزودی تکمیل شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - سیاری، علی‌اکبر، تحلیلی بر مشکلات و تنگناهای آموزش عالی کشور. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی: ۱، ۲ (۱۳۷۲) ص ۳۲

۲ - ریاحی، اسماعیل. کتابخانه‌های دانشگاهی در فرایند توسعه علمی - پژوهشی دانشگاه انقلاب به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی. آذر ۱۳۷۳ ص ۹۶.

۳ - سیاری، علی‌اکبر،.... ص ۳۲ ـ ۳۱.

۴ - بنی‌اقبال، ناهید، نقش آموزش کتابخانه‌های مرکزی دانشگاهها، پیام کتابخانه، ۲۰۷ (۱۳۷۱) ص ۵۰.

۵ - کیخاه، منیر. بررسی میزان آگاهی مسئولان دانشگاههای علوم پزشکی ایران، شهید بهشتی ...

۶ - مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی شاخه برنامه‌ریزی کتابداری شورایعالی پایان‌نامه برنامه‌ریزی مصوب دویست و هشتادمین جلسه شورایعالی برنامه‌ریزی، مورخه ۱۳۷۳/۴/۲۶.

۷ - دیانی، محمدحسین، روشهای علمی و عملی سازگاری افزایش قیمت اطلاعات علمی، در اولین سمینار کاربردی مراکز و سازمان پژوهشی و اطلاع‌رسانی، ۱۳۶۹ مجموعه مقالات تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۰، ص ۴۹.

بخش چهارم

معرفی کتابخانه‌های دیگر کشورها

۱۹

خاطره‌ها و کتابخانه‌ها*

درتاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۴ توفیقی نصیب شد تا به اتفاق تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کشور شوروی بازدیدی به عمل آورم، در واقع نیت این بود که از مراکز علمی و فرهنگی به ویژه کتابخانه‌های آنجا بازدیدی صورت گیرد. این بود که پس از شور و مشورت فراوان ترجیح داده شد که هیأت به طور غیررسمی سفر کند تا بتواند آزادانه‌تر از مراکز و منابع دیدن کند. قبلاً با پاره‌ای از مراکز فرهنگی به ویژه کتابخانه‌های داخلی نیز تماس حاصل شده بود تا چنانچه نیازمندیهایی در ارتباط با کتابخانه‌های شوروی دارند مطرح کنند که برخی از آنها از جمله کتابخانه مجلس شورای اسلامی فهرستی از کتابهای نادر و نسخه‌های خطی که احتمال وجود آن در کتابخانه‌های شوروی بود را تهیه نمود.

همان‌طور که گفته شد غرض هیأت، مطالعه علمی در کشور پهناور شوروی از جمله جمهوری‌های مسلمان‌نشین به ویژه آذربایجان شوروی، ازبکستان و تاجیکستان بود که

---

* این مقاله در مجله سروش، شماره‌های ۵۸۰ و ۵۸۱ سال ۱۳۷۰ مجله سروش چاپ شده است.

متأسفانه به دلایل زیر جز بازدید از آذربایجان شوروی آن هم فقط باکو امکان‌پذیر نشد. (سفر به تاجیکستان در خرداد سال بعد انجام شد) اولاً در فصل سرما این مسافرت انجام شد که این سردی خود باعث کندی کار بود و حتی در بعضی موارد پروازها دچار اختلال می‌گشت. ثانیاً مدت زمان سفر کوتاه بود و سیر در این جمهوریها فرصت بیشتری را می‌طلبید. ثالثاً این مسافرت با ناآرامی‌ها در آذربایجان شوروی مصادف شد که خود بزرگترین عامل بازدارنده گشت. رابعاً نبودن پروازهای فراوان و همه روزه از یک منطقه به منطقه دیگر که خود موجب اتلاف وقت می‌شد.

در هر حال این توفیق نصیب شد که به مدت دوهفته در کشور شوروی باشیم، یعنی حدود یک هفته در مسکو، دو روز در لنینگراد و حدود ۴ روز در باکو.

شوروی در یک نگاه

کشور سوسیالیستی شوروی از بزرگترین کشورهای دنیاست. بیش از نیمی از اروپا را پوشانده است. $\frac{۳}{۵}$ خاک آسیا، $\frac{۱}{۷}$ خاک دنیا است. از مجموع چهار قاره آمریکای جنوبی، قطب جنوب، اروپا و استرالیا بزرگتر است و تقریباً برابر با همه امریکای شمالی است. از نظر جمعیت بعد از چین و هند قرار دارد. مسکو هفتمین شهر بزرگ دنیاست.

در واقع شوروی یک قاره، بلکه یک جهان است. بیش از ۱۱۰ ملیت در این کشور پهناور وجود دارد که عموماً عقاید و آداب خود را حفظ کرده‌اند. برای صدها سال نظام تزاری بر این ملیت‌ها حکومت می‌کرده است که عمدتاً حکومت مطلقه‌ای بر روی طبقه ضعیف بوده است. تا سال ۱۹۰۰ بسیاری از کشورهای اروپائی پیشرفت کرده بودند اما شوروی پیشرفت چندانی نداشت. اکثر مردم، کشاورز و فقیر بودند و علاقه عجیبی به آب و خاکشان داشتند. با این حال در زمان روسیه تزاری نویسندگانی چون آنتوان چخوف، تئودور داستایوفسکی و لئوتولستوی به وجود آمدند.

در سال ۱۹۱۷ انقلاب کمونیستی شد. اول بلشویک‌ها و بعد از چند ماه کمونیستها آمدند. دیکتاتوری پرولتاریا همه چیز را به دست گرفت. اقتصاد رشد کرد و بعد از آمریکا تقریباً قدرتمندترین کشور گردید. البته بخش اعظم بودجه و اعتبار صرف تسلیحات نظامی شد. روسیه شوروی معتقد بود که کمونیسم می‌تواند جهان را اداره و در همه جهان گسترش پیدا کند. اما این

فکر به خاطر ضعف ایدئولوژیکی، عدم کارآیی اقتصادی، پس از ۷۰ سال به سرعت فروپاشید. سال ۹۰ ـ ۱۹۸۹ را باید سال فروپاشی کمونیسم نامید که با شروع پروستریکا و گلاسنوست گورباچف، شیرازه کمونیسم از هم پاشید و حزب کمونیست مطرود شد و به ویژه کشورهای هم‌پیمان اروپایی به سرعت خود را از شوروی کمونیستی جدا ساختند و انتخابات جدید برپا نمودند و حزب کمونیست در انزوای کامل قرار گرفت.[1]

با آنکه هنوز سرنوشت پروستریکا و گلاسنوست کاملاً مشخص نیست و در باره شخصیت گورباچف مطالب ضد و نقیض گفته می‌شود و گاهی او را نابغه قرن، عامل دست دیگران و یا تزار جدید روس می‌نامند اما ثمره پروستریکای وی این شد که ملیت های شوروی به ویژه در بعد مذهبی حق حیات یابند و به طور آزاد و رسمی داوطلب بازگشت به اعتقادات قلبی و قبلی خود شوند. کلیساها به سرعت احیا می‌شوند و مساجد نیز، اما تعداد مساجد باز پس گرفته شده نسبت به کلیساها بسیار کمتر است. در برابر صدها کلیسای بازسازی شده تنها چند مسجد در کل کشور شوروی تاکنون احیا شده‌اند.

شهر مسکو که جمعیت روزانه آن را ۱۱ میلیون و در شب ۹ میلیون می‌گفتند تنها یک مسجد جامع دارد، با آنکه جمعیت مسلمان آن را حدود ۵۰۰ هزار تن تخمین می‌زنند و یا در لنینگراد تنها یک مسجد وجود دارد. در شهر باکو که عمدتاً مسلمان و شیعه هستند یک مسجد کاملاً فعال به نام «تازه پیر» و مسجدی دیگر که می‌گفتند از قبل هم دایر بوده است وجود دارد.

شوروی ۱۵ جمهوری دارد که همه همچون دولت مرکزی دارای تشکیلات مشابه از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، دولت، مجلس و خلاصه همه چیز هستند. قوم غالب، قوم و نژاد روسی است که حاکمیت به دست آنهاست. سایر ملیت‌ها از روس‌ها بدشان می‌آید و خود را مستعمره آنها می‌دانند. روسها جمعیتی حدود ۱۳۰ میلیون نفرند. اسامی بعضی از این جمهوریها عبارتند از: لیتوانی، لتونی، استونی، مولداوی، اوکراین، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و چچن.

بخش اول: اوضاع اجتماعی ـ اقتصادی شوروی

شوروی کشور پهناور و پیچیده‌ای است به ویژه آنکه بیش از صد ملیت در آن با خصوصیات ویژه زندگی می‌کنند. این کشور متجاوز از سی سال، دیوار آهنین داشته و ارتباط آن با دنیای

خارج کاملاً قطع بوده است. بدین لحاظ کسی نمی‌تواند ادعا کند که شوروی را شناخته است، لذا هرکس از دیدگاه خویش و با توجه به مشاهدات خود در باره آن اظهارنظر می‌کند. طبیعی است باید جهت شناسایی کشور همسایه شوروی به ویژه نواحی مسلمان‌نشین اقدامات جدی و لازم به عمل آید. این مسأله برای ما به دلایل مختلف و به ویژه به دلیل همسایگی که می‌خواهیم با آن کشور روابط حسنه داشته باشیم بسی مهمتر است. ولی متأسفانه در این زمینه اقدامات جدی و اساسی نمی‌شود.

یکی از مشکلات اساسی ارتباط با کشور شوروی مسأله زبان است. زبان روسی از زبان‌های مشکل دنیاست و ریشه سریلیکی دارد. در کشور ما افراد اندکی زبان روسی می‌دانند که شاید بیشتر، رانده‌شدگان از روس و یا فراریان از آنجا باشند که طبعاً فقط در بعضی از موارد، مشکل‌گشایند. در مسکو، تنها یک دانشجو ایرانی را دیدم که آمده بود زبان و ادبیات روسی بخواند. او در ایران لیسانس گرفته بود و می‌خواست فوق‌لیسانس بگیرد. او می‌گفت چند نفر بودیم ولی آنها به دلیل مشکلات اینجا و نیز سختی یادگیری زبان روسی ترجیح دادند به جای دیگر بروند. او که در اقامتگاه سفارت بود از نظر مالی مشکل فراوانی داشت. ارز تحصیلی او را به تهاتر می‌پرداختند که خود سبب می‌شد به قیمت رسمی دولتی به او بدهند و طبیعی بود که با این ارز نمی‌توانست در آنجا زندگی کند، زیرا در آنجا هم مثل ایران ارز دونرخی است و تفاوت آن خیلی زیاد است.

در شوروی زندگی برای خارجیها مشکل است زیرا باید قیمتها را به دلار بپردازند ولی برای عموم مردم زندگی بخور و نمیری هست. می‌گفتند حدود ۲ میلیون نفر در مسکو از کمبود مسکن رنج می‌برند. در خانه‌های ۳۰ - ۴۰ متری حتی چندین خانوار زندگی می‌کنند. مواد غذایی، ارزان ولی کم است. بجز لبنیات، کمتر چیز دیگری برای مردم یافت می‌شد. فروشگاهها جنس خوب نداشتند. بسیاری می‌گفتند دو سال قبل و یا حتی یک سال قبل فروشگاهها پر از جنس بود اما حالا نیست. اجناس خوب را جمع کرده‌اند و در ازای قیمت بیشتر به مشتریان خاص می‌دهند. در لنینگراد خود شاهد بودم که در سه مورد متوالی، فروشنده در موقع شمارش پول، پول کمتری تحویل داد و پس از لحظاتی حتی پس از دور شدن از صندوق، به دنبال اعتراض، بلافاصله مبلغ ادعایی را به ما پرداخت. مردم به سرعت به سمت کارهای خصوصی و مشاغل آزاد روی می‌آورند. مالکیت خصوصی آزاد شده بود. خانمی که در لنینگراد برای ما

مترجمی می‌کرد، اطلاعات خوبی از وضع مردم داشت. او اعتقاد به کمونیسم را در بین مردم، بسیار سست می‌دانست. به اصلاحات گورباچف عقیده داشت و از این که محافظه‌کارانی که سرمایه‌هایشان در خطر است و خود باعث گرانیها شده‌اند و مزاحمت ایجاد نموده‌اند متأسف بود. روزنامه دیلی تلگراف در آن زمان طی گزارشی نوشت[۲]: «مردم در صفهای طویل مواد غذایی دیگر تحمل را از دست داده‌اند. بعضی‌ها برای تهیه مواد غذایی فاصله زیادی را تا روستاها طی می‌کنند تا جنس را مستقیماً از تولیدکنندگان دریافت دارند. ولی وقتی به شهر می‌آیند به سختی می‌توانند یک کیک یا ساندویچ پیدا کنند. در یک غذای سوس گوجه‌فرنگی میخ، آهن و چیزهایی از این قبیل پیدا شده است. گورباچف علیرغم پیروزی سیاسی‌اش در آغاز کار، اینک گرفتار مسائل داخلی است. مسأله کمبود مواد غذایی که به سرعت تقلیل یافته است و گرفتاریهای بعضی از جمهوریها از این قبیل است.»

در نمازجمعه مسکو شرکت کردیم. مردم خیلی به جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند بودند. یکی از همراهان به ترکی برای آنها سخنرانی کرد و از سالگرد پیام امام به گورباچف سخن به میان آورد. هنوز در باکو، مسلمانان کشتار نشده بودند ـ آنها طرفدار جمهوری اسلامی هستند و با چشم محبت و تکریم به ما می‌نگریستند. امام جمعه آنها دولتی است. ائمه جمعه عموماً در مدرسه امام بخاری در ازبکستان به مدت ۷ سال آموزش می‌بینند. مسجد آنها نسبت به جمعیت ۵۰۰ هزارنفری مسلمانان، کوچک بود به ویژه که کتابخانه هم نداشت. امام جمعه و جماعت معمولاً همه کاره است. امام جمعه مسجد مسکو جوانی بود در حدود ۳۵ سال با ریش‌های تراشیده و کراوات و خوش‌صورت و خوش‌بیان. در لنینگراد اگرچه امام جمعه را ندیدیم چون فرصت نداشتیم تا رسیدن وی در مسجد منتظر بمانیم ولی بعضی از اصحاب وی را زیارت نمودیم. آنها حتی ترکی هم بلد نبودند. فقط یکی از آنها چند کلمه‌ای عربی می‌دانست.

در باکو وضعیت به گونه‌ای دیگر بود. باکو همه مسلمان و شیعه‌اند. آب و هوای آنجا هم مثل تهران بود در حالی که در مسکو در سرمای زیر ۲۰ درجه بودیم. باکو شهر بسیار زیبایی است در کنار دریا. صدای رادیو تبریز و رشت در آنجا به خوبی شنیده می‌شد و مردم هواخواه رادیو تبریز و اردبیل بودند. آنهایی که فارسی می‌دانند از صدای رشت استفاده می‌کنند. برای کسی که ترکی می‌داند زندگی در باکو و آذربایجان شوروی مشکلی نیست، فقط نوشتن مشکل است زیرا خط عوض شده بود و به روسی می‌نوشتند. از نظر سیاسی و مذهبی مردم آذربایجان شوروی و

به ویژه باکو به جمهوری اسلامی سخت علاقه‌مندند و ایران اسلامی را مقتدای خود می‌دانند. تا قبل از بروز درگیری‌ها، حتی مسؤولین آنها در تلویزیون در مصاحبه‌ها به همبستگی‌های بین دو کشور تصریح نموده بودند.

از مسجد بزرگ شهر به نام مسجد «تزه پیر» بازدید و در نماز جماعت شرکت نمودیم. سبک معماری مسجد مخلوطی از سبک معماری ایرانی و عربی است. اما نوشته‌های بر دیوارها همه همچون مساجد ما و شاید با رنگی غلیظ‌تر نسبت به حب اهل بیت ـ علیهم‌السلام ـ است. پیرمردی که موظف بود دعاهای بعد از نماز را بخواند همه و یا بسیاری از دعاهای مأثوره در مفاتیح را می‌خواند و سپس دعا به امام زمان ـ علیه‌السلام ـ رهبر انقلاب ما و دعا برای شادی روح امام خمینی را فراموش نمی‌کرد.

سبک دعا و نیایش به گونه‌ای بود که واقعاً احساس می‌شد که در جمهوری اسلامی ایران و حتی در شهرهای مذهبی چون قم و مشهد هستیم. مردم به جمهوری اسلامی ایران و مردم آن به ویژه به روحانیت و سادات سخت علاقه‌مند ودلبسته بودند. این نه تنها مربوط به مردم داخل مسجد و نمازگزاران بود که حتی از مردم کوچه و بازار، حتی آنهایی که تقیدی به مذهب نداشتند هم کاملاً مشاهده می‌شد. در حومه شهر در یک شب به چندین مسجد سر زدیم، مساجدی که به‌تازگی از دست دولت گرفته بودند و مردم خود با آن بضاعت کم آنها را احیاء کرده بودند. رنگ‌آمیزی و فرش و کتیبه و محتشم و غیره همه به وسیله مردم انجام شده بود. کلاسهای آموزش قرآن بچه‌ها خیلی جالب بود. در یکی از مساجد حومه شهر به هنگام نماز مغرب و عشاء حدود ۵۰ نفر دانش‌آموز را دیدیم که مشغول آموزش قرآن هستند. نماز جماعت را با آنان بجا آوردیم. سپس با هماهنگی کنسولگری قرار شد از مساجد دیگر هم بازدید شود. نام این بخشها و روستاها بینه، بیزه‌اونا و نردلان بود. بچه‌ها برایمان قرآن خواندند و بسیار هم جالب خواندند و جوایز کوچکی هم دریافت نمودند. محلی به نام قدمگاه در کنار دریا را نشان دادند که زیارتگاه شده بود، می‌گفتند محل قدم حضرت علی(ع) است ودر کنارش مسجد و تکیه‌ای جهت انجام مراسم مذهبی و دعای کمیل ساخته بودند. ما را به محلی بردند که علاوه بر گورستان، امامزاده و مقبره‌ای در آنجا بود که می‌گفتند مربوط به حمیده خاتون خواهر حضرت معصومه ـ علیهاسلام ـ است. قبر در اطاقکی بود کاملاً محصور که فقط از دو سوراخ کوچک می‌توان آن را دید و روی آن سوراخ‌ها را پرده کوچکی کشیده بودند تا کسی متوجه نشود و از

تخریب توسط روسها محفوظ باشد. در تاریکی شب یکی از همراهان با شور و علاقه قبری را نشان داد که بر روی آن «الله» آرم جمهوری اسلامی حک شده بود و این نشان از شدت علاقه‌مندی آنها به جمهوری اسلامی بود. در ایام محرم و صفر این منطقه محل عزاداری مردم به سبک ایرانی است. ساعت حدود ۱۰ شب با اصرار فراوان همراهان باکویی به مسجدی دیگر رفتیم. مسجدی بود بسیار بزرگ و محکم با ستونهای قوی که به تازگی تحویل گرفته بودند. چیزی نگذشت که با اطلاعی که مردم پیدا کردند به سرعت در مسجد جمع شدند. یکی از همراهان برایشان سخنرانی کرد. مردم گویی به معشوقشان رسیده‌اند، اشک در چشمانشان حلقه زده بود، بی‌اختیار گریه می‌کردند. منظره جالبی بود، روزهای اول انقلاب ما را تداعی می‌کرد. آنها به هنگام خداحافظی سر و دست ما را می‌بوسیدند. یکی از اهالی در یکی از این مساجد به فارسی گفت ما با رهبر انقلاب اسلامی بیعت کرده‌ایم. همان وقتی که آقای هاشمی رئیس‌جمهور شما به باکو آمده بودند ما اولین شعارهای خودمان را در حمایت از رهبر انقلاب اسلامی سر دادیم.

البته این وضع عموم مردم به ویژه مذهبی‌ها بود. در بین مردم باکو، بی‌بند و باری هم فراوان بود، میگساری و قماربازی به حد وفور مشاهده می‌شد. آنها را چنین بارآورده بودند. گروهی دیگر در قید سائقه‌های ملی‌گرایی بودند و فقط چون به زبان ترکی تکلم می‌کردند برایشان خیلی جاذبه داشت. در بین بعضی از کارمندان دولت و به اصطلاح تحصیلکرده‌ها این مسأله دیده شد. می‌گفتند ما آذریها استقلال داریم چون به زبان ترکی سخن می‌گوییم. می‌پرسیدم شما که به خط روسی می‌نویسید چگونه می‌توانید چنین ادعایی داشته باشید. جواب صحیحی نداشتند.

جمهوری آذربایجان در بین جمهوریهای مشابه از ثروت سرشار نفت قفقاز برخوردار است و بر خلاف بعضی از جمهوریها که ثروت طبیعی ندارند ثروت این جمهوری علاوه بر نفت، زمینهای بسیار حاصلخیز است که عمدتاً آنها را صرف کشت انگور کرده‌اند. از دکتر نریمان نریمانف مجسمه‌ای بسیار بزرگ بر روی تپه‌ای در نزدیکی دانشگاه و مشرف بر دریا ساخته‌اند. وی یکی از همکاران نزدیک لنین بوده است که پس از مدتی به طرز مرموزی کشته شده است. می‌گفتند اخیراً پس از ایجاد فضای باز سیاسی اسنادی به دست آمده که در آن او درخواست کرده بود که از ثروت آذربایجان شوروی ۱۰ درصد را صرف آبادانی آن بکنند، اگر نه ۷ درصد و یا دست کم یک درصد و این را نشانگر ظلمی می‌دانستند که به این جمهوری شده است.

مردم این جمهوری با ارامنه اختلاف دیرینه دارند. ترکیه هم این مسأله را تشدید می‌کند. «ناگورنی قره‌باغ» ایالتی است که ارمنی‌ها و مسلمانان در کنار هم زندگی می‌کنند و آن را به جمهوری آذربایجان داده‌اند. به دلیل وجود ارمنی‌های بیشتر، جمهوری ارمنستان آن را به خود ملحق می‌کند و مجلس آنجا بودجه سال ۱۹۹۰ آن را تصویب واعلام می‌نماید. با آنکه دولت مرکزی این تصمیم را لغو می‌کند ولی دوباره درگیری آغاز می‌شود و ارمنی‌کشی و مسلمان‌کشی شدت می‌گیرد. و کار به آنجا می‌کشد که دولت مرکزی مداخله می‌کند ولی متأسفانه دولت مرکزی فقط از مسلمانان انتقام می‌گیرد. در مورد مسایل آذربایجان و دیگر جمهوریهای شوروی این روزها مطالب فراوانی در جراید و رسانه‌های خبری منتشر می‌شود. عده‌ای معتقدند که فضای باز سیاسی گورباچف خود پدیدآورنده ناآرامیهایی شده است که قبلاً هم در اثر فشار و جو اختناق کمونیستی مجال بروز نداشته است و در واقع عقده‌های سرکوب شده ملیت‌های مختلف در طول سالهای متمادی یکباره ظهور نموده و می‌رود که کار را از دست حکومت مرکزی بگیرد. عده‌ای را عقیده بر این است که عوامل کا. گ. ب. خود موجب بروز چنین تشنجاتی به ویژه در نواحی مسلمان‌نشین بوده‌اند تا با سرکوب آنها از دیگر جمهوریها زهرچشم بگیرند و کار خود را توجیه کنند و در سایه آن به پیشبرد حرکت پروسترویکا بپردازند. فاجعه‌ای که در باکو و آذربایجان شوروی و نیز در شهر دوشنبه و جمهوری ازبکستان و دیگر شهرهای اسلامی به وجود آوردند نمونه‌ای از این اقدامات بود.

با بررسی‌هایی که در جمهوری آذربایجان شوروی در مدت کوتاه اقامت هیأت اعزامی به عمل آمد چنین نتیجه‌گیری شد که در این جمهور به ویژه سه گرایش قابل تصور است، اگرچه ممکن است این سه نوع گرایش در سایر بلاد اسلامی جمهوریهای شوروی با همین قوت و شدت یا به نوعی دیگر وجود داشته باشد. این سه نوع گرایش عبارتند از: ۱) گرایش اسلامی و انقلابی، ۲) گرایش ملی گرایی، ۳) توطئه‌های شرق و غرب.

۱) **گرایش اسلامی و انقلابی**: آنچه از حرکت مردم در این مدت مستفاد می‌شد بیزاری و نفرت از کمونیسم و علاقه و گرایش به اسلام و به ویژه اسلام انقلابی به سبک ایران بود. نفرت و یا بی‌علاقگی نسبت به کمونیسم نه تنها در آذربایجان شوروی که مسلمان و شیعه‌اند کاملاً مشهود بود که حتی در مسکو و لنینگراد هم اثرات مشخصی داشت. سفیر ما می‌گفت در این مدت

اقامت من هرگز در هیچ جلسه‌ای با مقامات شوروی بحثی درباره مارکسیسم و کمونیسم نداشته‌ام و گویی مدتهاست این مقوله از دور خارج شده است. مترجمی که در لنینگراد با ما بود نیز این مسأله را تایید می‌کرد. استالین سالها است مورد نفرت همه قرار گرفته است. دیگر مجسمه‌ای از وی نبود و حتی قبر او را نبش کرده و جسد او را از پهلوی لنین به نقطه‌ای دیگر منتقل نموده بودند. در جمهوری آذربایجان علاقه‌مندی به اسلام روز به روز بیشتر می‌شد.

در روزهایی که ما در آنجا بودیم بدون استثناء به خاطر درگیری بین ارامنه و مسلمانان در قره‌باغ و سپس در باکو و جاهای دیگر هر روز تظاهرات و راهپیمایی بود و مردم از دولت شوروی می‌خواستند که نسبت به این مسأله موضع مشخص و قاطعی بگیرد. البته لحن آنان حاکی از آن بود که دولت مرکزی به ارامنه کمک می‌کند و از طریق غرب هم به ارامنه اسلحه داده می‌شود. این بود که خود را مظلوم می‌دانستند و در جهان یار و یاوری جز جمهوری اسلامی برای خود متصور نبودند. روزها به هنگام راهپیمایی به سمت دفتر حزب آذربایجان شوروی در مسیر از جلوی کنسولگری ایران می‌گذشتند و همیشه در آنجا متوقف می‌شدند و گاه با لحن تهدیدآمیز و گاه ملتمسانه از جمهوری اسلامی درخواست کمک می‌کردند. در یکی از روزها در مقابل دفتر جمهوری اسلامی قطعنامه‌ای را خواندند که خود مبین علاقه‌مندی آنها به اسلام و حرکت اسلامی بود.

آنها اظهار می‌داشتند ما از شما می‌خواهیم به خاطر خدا و به خاطر اسلام به حرف ما گوش دهید.

۱ ـ ما مسلمانیم و هیچ وقت از آن دست بر نمی‌داریم و ما جمهوری دموکراتیک آذربایجان هستیم (سوسیالیست نگفتند) و می‌خواهیم با جمهوری اسلامی ایران روابط سیاسی، فرهنگی گسترده داشته باشیم.

۲ ـ جمهوری ارمنستان دیروز بودجه سال ۱۹۹۰ قره‌باغ را تصویب کرده. قره‌باغ قانوناً مال ماست و این دخالت در امور داخلی ماست و این مطلب علیه مسلمانان است.

۳ ـ ما به عنوان مسلمان و انسان که در تاریخ از طرف روسها و تزارها تحت فشار بوده‌ایم و با تاریخ ایران یکی بوده است می‌خواهیم در تاریخ یکی باشیم و در سازمان ملل از ما حمایت کنید و آقای خامنه‌ای از ما حمایت کند.

۴ ـ اخباری که در رابطه با ایران و ارمنیها پخش می‌شود و می‌دانیم درست نیست را مرتباً تکذیب

کنید. در همه مسایل خصوصاً در مسایل منطقه‌ای دقت کنید که فردا دیر است.

زنده باد برادران مسلمان ـ عشق اولسون.

در روز آخری که ما به قصد خروج از باکو عازم فرودگاه بودیم و برای برداشتن اثاث به هتل آذربایجانیها که مشرف بر میدان لنین که این روزها آن را میدان آزادی می‌نامیدند رفتیم، جمعیت کثیر تظاهرکننده را که به سخنرانی گوش می‌دادند را دیدیم و شنیدیم که آیه «اناالله و اناالیه راجعون» را که حاکی از آمادگی آنان برای شهادت است قرائت کردند. تظاهرات به قدری وسیع بود که یادآور تظاهرات باشکوه مردم مسلمان کشور خودمان بود.

آنچه در یک جمع‌بندی می‌توان گفت این است که از برخوردها، راهپیمایی‌ها و قطعنامه‌ها به خوبی برمی‌آمد که حرکتی اسلامی و مردمی اساس خواست جمهور مردم را تشکیل می‌دهد. اگرچه عده‌ای و به ویژه سردمداران مرتبط با تشکیلات، آن را به سرعت انکار کردند و می‌گفتند که ما برای ملیت مبارزه می‌کنیم و حکومتی چون حکومت ایران را نمی‌خواهیم.

۲) **گرایش ملی‌گرایی**: این گرایش بیشتر در بین عده‌ای باسواد و کارمند و تحصیلکرده مشاهده می‌شد. در چندین برخورد چنین اظهار می‌داشتند که ما آذریها ملتی مستقل هستیم. در جواب می‌گفتیم درست است شما به زبان ترکی تکلم می‌کنید ولی آخر خط شما که به زبان روسی است و شما از فرهنگ گذشته خود بریده شده‌اید. موزه تاریخ طبیعی آذربایجان شوروی نیز خود مبین این روحیه بود. در آنجا آنچه مورد تأکید قرارگرفته بود قومیت آذری بود. فرازهایی که مربوط به اسلام و ایران در تاریخ آنان بود راکمرنگ نشان داده بودند. وقتی برای آنان توضیح می‌دادیم که در ایران ترک و فارس معنی ندارد و بسیاری از مقامات ما از وزراء و مجلسیان ترک هستند و حتی رهبر انقلاب ما ترک زبان هستند سکوت می‌کردند و جوابی نداشتند. مشخص بود که چنین القائاتی سالها و در همه جا مورد تبلیغ قرار گرفته است و تماس و ارتباط با جمهوری اسلامی می‌تواند به مقدار زیادی در این رابطه روشنگر باشد. به ویژه اگر دو قشر روحانی و دانشگاهی حاملین این پیام باشند.

۳) **توطئه شرق و غرب**: همان طوری که قبلاًگفته شد حرکت‌های اخیر اگرچه یک خواست فطری و واکنش طبیعی مردم در قبال استبداد و دیکتاتوری حاکم بوده است اما به نظر می‌رسد به ویژه

در قبال جمهوریهای مسلمان‌نشین و آنچه پیش آمده است دست شرق و غرب و توطئه‌های آنان کاملاً نمودار است. توافق شرق و غرب در این زمینه و در محدودکردن مسلمانان و کشتار آنان به آنان هشدار می‌دهد که در برنامه‌های خویش و انتخاب راه باید با دقت و مهارت عمل کنند و فریب این و آن را نخورند. شواهدی که این موضوع را تایید می‌کند و یا دست‌کم قابل تأمل است این است که:

اولاً، حرکت مردم آذربایجان شوروی ظاهراً مورد تـایید دولت تـرکیه است کـه بـا ارامـنه دشمنی دیرینه دارد و شایع بود که کمکهایی هم به آنان می‌نماید و اخبار آنان را منعکس می‌کند. با آنکه دولت ترکیه از طرفداران پر و پا قرص امریکاست. از طرف دیگر ارمنستان شوروی هم به دلیل هم‌کیشی با مسیحیان جهان مورد حمایت آمریکا و دولت‌های غرب است.

بخش دوم: بازدیدها به ویژه از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی

کشور روسیه شوروی سرزمین عجایب است و همه جای آن دیدنی است. این شبه قاره و یا بهتر است بگوییم قاره با این سابقه تاریخی و ملیت‌های گوناگون هر جـایش حـامل پـیام یـا پیامهایی است که اهل اندیشه و تدبر را برآن می‌دارد که با عبرت و دقت آن را نظاره کند، به ویژه که سالها دیوارهای آهنین، همه را از دیدن و سیاحت محروم کرده است. در این شهرهائی که مورد بازدید ما قرار گرفت یعنی مسکو، لنینگراد و باکو، آنچه به ویژه در دو شهر اول مورد توجه بود این بود که این کشور تأکید فراوانی در زنده نگهداشتن خاطرات جنگ با آلمان‌ها داشته است. طاق‌های پیروزی و مجسمه‌ها، میدانها و دیگر مناظر بر اهمیت این قضیه تأکید می‌کند. با آنکه در مسکو موزه‌ها و در لنینگراد به ویژه کاخ‌های تابستانی و زمستانی تـزارهـا، امـپراتـورها و امپراتریس‌ها واقعاً دیدنی است، به ویژه موزه عجیب و پرذخایر «ارمیتاژ» اما سه دیدنی که بیش از همه نظر مرا به خود جلب کرد عبارتند از هفت خواهران، مترو و پانوراما.

ـ هفت خواهران، ۷ ساختمان بسیار مجلل و باشکوه و تقریباً با یک سبک معماری، شبیه کلیساها ولی بسیار بزرگتر، وسیع‌تر و با ارتفاع مختلف است که در مسکو کـاملاً خـودنمایی می‌کند. بزرگترین آن در مرتفع‌ترین منطقه شهر و در اختیار دانشگاه مسکو است که مـی‌گویند حدود ۵۰ هزار دانشجو دارد. جالب توجه این است که این ۷ ساختمان را روسها توسط اسیران آلمانی ساخته‌اند.

- متروی مسکو که بسیار قوی و محکم ساخته شده است. درپاره‌ای از ایستگاهها با پله‌های برقی، مردم ده‌ها متر به زیرزمین هدایت می‌شوند و در آنجا فضاهای منور و با تهویه‌های مطبوع، محل تردد مردم مسکو است. علاوه بر استحکام ساختمان زیرزمین‌ها و دروازه‌ها و تقاطع‌های گوناگون، جالب‌تر این بود که در و دیوارها در هر ایستگاه و نیز سکوها، با هنرهای معماری هنرمندان تزئین شده بود و تصاویر نقاشی شده و یا از موزائیک ساخته شده خاطرات مختلف جنگ و صلح و نیز تصاویر دانشمندان روسی را جلوه‌گر می‌ساخت. برادری از سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو به خصوص تأکید می‌کرد که چه خوب است اگر ما هم در متروی خودمان به این قضیه توجه کنیم و هر ایستگاه را مثلاً بدهیم به یک استان تا هنرهای خودشان را در آن به نمایش بگذارند که در این صورت علاوه بر استفاده عمومی از مترو به عنوان وسیله ایاب و ذهاب، جنبه توریستی نیز خواهد داشت.

- پانوراما: پانوراما ساختمانی است استوانه‌ای شکل به قطر حدود ۲۰ الی ۳۰ متر که از درون بر دیواره‌های داخلی این استوانه، پاره‌ای از حوادث جنگ ۱۸۱۲ توسط فیلدمارشال کرتوزوف را به صورت زنده و نقاشی آن چنان درهم آمیخته‌اند که کمتر کسی متوجه می‌شود. وقتی انسان به تماشا می‌ایستد با آنکه در داخل ساختمانی بسته و محدود است گویی در فضای لایتناهی ایستاده و تا چشم کار می‌کند افق پیش روست و افراد حقیقی به صورت لشکریان در دشت و صحرا یا به جنگ مشغولند و یا به استراحت نشسته و یا خود را برای نبرد آماده می‌کنند، گویی همه افراد حقیقی‌اند، در حالی که فی‌الواقع نقاشی است. پیشنهاد می‌شود در مورد ۸ سال دفاع مقدس نیز چنین اقدام مثبتی انجام شود.

کتابخانه‌ها

۱ - کتابخانه دولتی لنین[۳]

با آنکه در کشور روسیه شوروی کتابخانه‌ها فراوانند به طوری که تعداد آنها را ۳۶۰ هزار می‌گویند که ۱۲۸ هزار آن عمومی است اما بزرگترین کتابخانه، کتابخانه لنین در مسکو است که خصوصیات آن به شرح زیراست:

این کتابخانه حدود ۳۶ میلیون جلد کتاب و سایر مواد دارد که در ۲۴۷ زبان (۲۵ میلیون به زبان روسی و بیش از ۱۱ میلیون به زبان‌های دیگر)است. این کتابخانه زیر نظر وزیر فرهنگ

کشور اداره می‌شود. حدود ۲۰ هزار جلد کتاب و دیگر منابع درباره ادبیات ایران دارد. سیستم طبقه‌بندی آنها از حرف و عدد تشکیل شده و با آنکه مادر همه کتابخانه‌ها به شمار می‌آید ولی هنوز کامپیوتری نشده است.

تاریخچه این کتابخانه به این گونه است که در سال ۱۸۶۲ در مسکو به عنوان اولین کتابخانه عمومی آزاد تأسیس می‌شود. در آغاز در خانه‌ای بسیار زیبا و مجلل در کنار کاخ کرملین جای می‌گیرد و نام رسمی آن موزه عمومی مسکو و موزه رومانتسف یا کتابخانه «رومانتسف» بوده است و این بدان جهت بوده که در ابتدا این مجموعه عمدتاً شامل کتابها و نسخه‌های خطی رومانتسف بوده است. پس از آن مجموعه‌های زیادی به این کتابخانه اهدا شد به طوریکه تا سال ۱۹۱۷ بیش از ۵۰ مجموعه خصوصی را دریافت کرد. در سال ۱۸۶۳ سالن مطالعه‌ای با ظرفیت ۲۰ صندلی داشت ولی در سال ۱۹۱۵ سالن مطالعه آن به ظرفیت ۳۰۰ صندلی گسترش یافت. همزمان با انقلاب اکتبر، ۹۰ هزار خواننده داشت و حدود ۳۰۰ هزار کتاب به امانت داده شد. در سالهای ۲۲ ـ ۱۹۱۹ بارها لنین از این کتابخانه کتاب به امانت گرفت و از کتابخانه خود هم کتاب‌هایی به کتابخانه رمانتسف اهدا کرد. و انقلاب اکتبر وضعیت کتابخانه را کاملاً عوض کرد.

در سال ۱۹۱۸ هنگامی که پایتخت لنینگراد به مسکو منتقل شد کتابخانه رومانتسف به عنوان اصلی‌ترین کتابخانه کشور شناخته و سپس از موزه جدا گردید. در سال ۱۹۲۵ کتابخانه به نام کتابخانه لنین شناخته شد.

این کتابخانه از ۳ نسخه اجباری که به صورت هدیه از هر ناشری دریافت می‌کند بهره‌مند می‌شود.

انتشارات این کتابخانه از ۹۱ زبان مردم شوروی تشکیل شده است.

نسخه‌های خطی از قرن ۱۱ تا ۱۹ حاوی ارزش فراوانی است. بیش از ۷۰۰ آرشیو شخصی افراد مشهور و شخصیت‌ها از قرون ۱۸ تا ۲۰ برغنای این مجموعه خطی افزوده است. تعداد زیادی ضبط و گرامافون در این کتابخانه‌ها وجود دارد که مجموعه‌ای کمیاب از نوارهای موسیقی را از قرون ۱۶ تا ۱۸ تشکیل می‌دهد.

مجموعه کتابخانه به صورت های کتاب، کاتالوگ، ایندکس، نمایش‌های دیداری، میکروفیلم و میکروفیش تجلی می‌کند.

بخش مرجع این کتابخانه قویترین منابع را از کتابشناسی‌ها، دائرةالمعارف‌ها و غیره به زبان

روسی و یا غیرروسی در اختیار دارد. سالانه حدود ۲۰۰/۰۰۰ اطلاع بـه افـراد و سـازمانها و مؤسسات روسی و غیرروسی عرضه می‌کند.

سالن مطالعه در حال حاضر ۲۳۰۰ صندلی دارد که روزانه ۷۰۰۰ تفر از خوانندگان روسی و غیرروسی را می‌پذیرد. موزه کتاب در آوریل ۱۹۸۳ افتتاح شد که حاوی آثار عتیقه و قدیمی از زمان‌های گذشته تا به امروز است.

در این کتابخانه بیش از ۱۲ میلیون جلد کتاب هر ساله به امانت داده می‌شود.

این کتابخانه با ۱۲ هزار کتابخانه روسی و غیرروسی روابط مـبادله بـین کـتابخانه‌ای دارد.

کتابخانه در واقع به عنوان یک دائرةالمعارف بزرگ در خدمت سیاستمداران، دانشمندان و خبرگان برای مراجعه است. در سال، حدود ۳۰۰ نشریه ارجاعی از قبیل کتابشناسی، چکیده‌نامه، نقد، نشریه اطلاع رسانی تولید می‌کند که عمدتاً در زمینه‌های زیر است:

- مسائل عمومی فرهنگ و توسعه فرهنگی
- هنرهای مستظرفه، موسیقی، تئاتر، رقص، سیرک و امثال آن
- حمایت از آثار تاریخی، خدمات و مطالعات موزه‌ای
- تحویل اطلاعات در ۱۵۰۰ موضوع به ۴۰۰ متقاضی در سال

متأسفانه به خاطر کوتاهی وقت بیش از یک بار نتوانستیم از این کتابخانه عظیم بازدید کنیم، با آن که قرار بود در مراجعه بعدی از بخش شرق و ایران‌شناسی بازدید شود که میسر نشد. فقط به بخش اسلام‌شناسی نگاهی سریع انداختیم که طبعاً کافی نبود.

۲ ـ کتابخانه ملی علم و صنعت[۴]

این کتابخانه بزرگترین کتابخانه عمومی در رشته‌های علوم طبیعی و تکـنولوژی است. در سال ۱۹۵۸ تأسیس شده و در دهه اول تأسیس، مجموعه آن از مرز ۱۰ میلیون گذشت و بـه اعتقاد مسؤولین آن چنین چیزی در دنیا سابقه ندارد. این کتابخانه زیرنظر کمیته دولتی علمی و فنی اداره می‌شود. کمیته‌ها کارهای بین دو یا چند وزارتخانه را هـماهنگ و سـیاست کـلی و عمومی آنها را تنظیم می‌نمایند. رئیس کمیته دولتی علمی و فنی معاون صدر هـیأت رئـیسه وزراء است. وضع کمیته‌ها شبیه به وضع وزارتخانه است. کمیته دولتی علمی و فنی اطلاعات علمی را در همه رشته‌های صنعتی از جمله کشاورزی و ماشین سازی بسط و توسعه می‌دهد.

ارتباط سازمانی کتابخانه‌ها در کشور جماهیر شوروی به قرار زیر است:

یک رشته از کتابخانه‌ها زیر نظر وزارت فرهنگ اداره می‌شوند که کتابخانه‌های عمومی این چنین هستند، یک سلسله دیگر از کتابخانه‌ها که عمدتاً کتابخانه‌های علمی و فنی هستند، زیرنظر کمیته دولتی علمی و فنی اداره می‌شوند، کتابخانه‌ها در مؤسسات صنعتی و تحقیقات علمی در این شمارند.

گروه کتابخانه‌های دانشگاهی، شبکه جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند که زیرنظر کمیته دولتی آموزش و پرورش اداره می‌شوند. در کشور شوروی، شورای سراسری کتابخانه‌های دولتی وجود دارد و کتابخانه‌ها اتحادیه‌های گوناگون دارند.

در هر حال، این کتابخانه مادر همه کتابخانه‌های علمی و صنعتی است، که مرجع بیش از ۶۴ هزارکتابخانه تخصصی و فنی در سطح کشور است. این کتابخانه با مرکز اطلاعات علمی و فنی وینیتی* از این جهت مشترک است که هر دو دارای کتب و نشریات علمی و فنی هستند اما وجه افتراق آنها در این است که وظیفه «وینیتی» تولید اطلاعات و توزیع آن است، در حالی که وظیفه این کتابخانه عمدتاً، کتابخانه بودن است که نگهدارنده کتب و نشریات علمی و فنی و توزیع آن بین متقاضیان برحسب درخواست است.

قسمت زیادی از مواد این کتابخانه به کامپیوتر داده شده است و کتابخانه دارای ۲ کامپیوتر بزرگ و ۳ کامپیوتر کوچک و کامپیوترهای شخصی «PC» است. کامپیوتر از سال ۱۹۶۸ در این کتابخانه مورد استفاده قرار گرفته است که در زمینه‌های زیر فعالیت دارد:

- نظام خودکارسازی برای آماده سازی و انتشار مجموعه کتب خارجی
- نظام خودکارسازی به منظور استفاده از نظام امانت بین کتابخانه‌ای
- نظام خودکارسازی جهت سفارش انتشارات برای مراکز اطلاعات علمی و تکنولوژیکی
- نظام تخصصی بین‌المللی کسب اطلاعات از کاتالوگهای صنعتی

کتابخانه دارای سه بخش اصلی است که عبارتند از ۱) کتابخانه، ۲) مؤسسه اطلاعاتی و محاسبه و ۳) مرکز تکثیر و چاپ که طبعاً دو بخش دوم و سوم وابسته به قسمت اول هستند.

---

* VINITI

این کتابخانه ۷ شعبه در نقاط گوناگون شهر مسکو دارد و به علاوه در ۶ مؤسسه تحقیقاتی و علمی نیز دارای ۶ شعبه است.

مرکز تکثیر آن یکی از بزرگترین مراکز تکثیر در اتحاد شوروی است که در یکسال یک میلیون سفارش برای تهیه کپی دریافت می‌کند. در سال ۱۹۷۹، حدود ۹ میلیون زیراکس، میکروفیلم و عکس گرفته است.

این کتابخانه با دو هزار مؤسسه در ۴۲ کشور مبادله اطلاعات و کتاب دارد. بیش از ۷ هزار عنوان نشریه خارجی دریافت می‌کند که ۴۵ درصد آن بر اساس مبادله بین‌المللی صورت می‌گیرد.

کتابخانه شامل ۳/۵ میلیون نسخه از کاتالوگ، بولتن و منابع مراجعه از سازمان‌های روسی و کارخانه‌های خارجی است. همچنین اینذکسهای چاپ نشده از ادبیات فنی و ترجمه‌هایی از متون علمی و فنی در این کتابخانه وجود دارد. با تلفن، روزانه تا ۵۰۰ سفارش انجام می‌شود. کتابهای مورد استفاده چنانچه برای بار دیگر بخواهد مورد استفاده قرار گیرد در مکانهای مخصوصی گذارده می‌شود تا مشتری بدون مراجعه مکرر به کتابدار از آن استفاده کند.

روزانه حدود ۵۰۰ بسته امانت برای متقاضیان به شهرهای دیگر فرستاده می‌شود و ۱۶ هزار مشتری در ۱۵۰۰ شهر و شهرک در کشور شوروی در هر سال ۷۰۰ هزار از نشریات مختلف (اصلی یا فتوکپی) آن را دریافت می‌کنند.

انواع کتابشناسی‌ها و اندیکسها مراجعین را از مجموعه کتابخانه، به ویژه مجموعه‌ای جدید آگاه می‌کند. در مورد روش‌شناسی و استفاده بهینه از کتابخانه فنی، این کتابخانه نشریاتی را چاپ و تکثیر می‌کند. در این کتابخانه جلسات و سمینارهای علمی برگزار می‌شود.

کتابخانه برای خانه‌های علم و فرهنگ شوروی در کشورهای بلغارستان، مجارستان، لهستان، چکسلواکی، یوگسلاوی، فنلاند و نیز ۱۳۶ کتابخانه روسی و مؤسسات بین‌المللی در ۷۵ کشور جهان نشریه می‌فرستد.

برای طبقه‌بندی کتابها از نظام دیوئی و حروف استفاده می‌شود. گسترش موضوعات و شماره‌های طبقه‌بندی براساس نیاز صورت می‌گیرد. توزیع کارت‌های فهرست شده، هم به صورت مرکزی صورت می‌گیرد و هم کتابخانه‌ها خود استقلال نسبی دارند تا مطابق با نیازشان تغییراتی صورت دهند.

در این کشور ۹ کتابخانه بزرگ است که حتماً یک نسخه کتاب مجانی از ناشرین دریافت می‌کنند و این کتابخانه هم یکی از آنهاست.

تعداد کارمندان این کتابخانه حدود ۸۰۰ نفر است که ۶۰ درصد آنها متخصص و ۱۲ نفرشان دانشجوی دکترا هستند. اکثر کارکنان از آموزش حین خدمت بهره برده‌اند.

در مجموع، عمده کار این کتابخانه بالا آوردن سطح تخصصی کتابخانه‌های علمی و صنعتی در ابعاد مختلف می‌باشد. این کتابخانه با اطلاعات و تجهیزات قوی‌ای که در اختیار دارد با اقتصاد کشور در ارتباط نزدیک است.

۳ـ وینیتی: مؤسسه اطلاعات علمی و فنی[۵]

در ملاقاتی که در مرکز این مؤسسه روی داد در آغاز معاونت این مرکز به نام آقای رستم سیف‌الملوکف از ما استقبال کرد و به سؤالات ما پاسخ گفت. پس از ساعتی رئیس مرکز هم به جمع ما پیوست و او نیز اطلاعات مبسوطی را درباره این مرکز در اختیار هیأت گذاشت. معاون مرکزی رستم سیف‌الملوکف که بعداً اظهار داشت مسلمان است از ما در باره معنی کلمه سیف‌الملوکف سؤال نمود که برای او توضیح داده شد. اطلاعاتی که درباره این مرکز بزرگ اطلاعاتی در اختیار قرار داده شده عبارتست از:

وینیتی (مؤسسه اطلاعات علمی و فنی) بزرگترین مرکز اطلاعاتی در جهان است که هم تولیدکننده اطلاعات و هم مرکز تحقیقات است و از سه بخش تشکیل شده:

۱) بخش تجزیه و تحلیل اطلاعات و آماده‌سازی که دارای ۳ هزار کارمند است.

۲) چاپخانه که در حومه مسکو قرار دارد و تعداد کارمندان آن حدود ۱۵۰۰ نفر است.

۳) بخش طراحی که بیش از ۵۰۰ نفر در آن کار می‌کنند.

وظیفه عمده چاپخانه چاپ و نشر رساله‌ها و مجلات است و وظیفه اصلی بخش طراحی کار با میکروفیش و میکروفیلم و کامپیوتر و استفاده بهینه از دستگاه‌ها و سیستم‌ها جهت گردآوری و پخش اطلاعات علمی و فنی است.

این مؤسسه که وظیفه اصلی آن دریافت اطلاعات علمی و فنی، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری و تکثیر و در اختیار علاقه‌مندان گذاردن اطلاعات است از بیش از ۶۰ زبان خارجی از ۱۳۰ کشور مطلب دریافت و ترجمه می‌کند و مورد تحقیق قرار می‌دهد و نتایج حاصله در ۲۰

جلد به صورت ماهانه منتشر می‌شود. از کارهای مهمی که در آنجا انجام می‌شود چکیده‌نویسی است. ۱۶ هزار دانشمند مشغول کارند و گاه به صورت مشاور با مرکز همکاری می‌کنند.

۱۲ هزار نشریه خارجی به مؤسسه می‌رسد که به زبان روسی ترجمه می‌شود و نتایج آن به زبان روسی و در بعضی موارد به زبان انگلیسی هم منتشر می‌شود. این مؤسسه با پنج هزار انستیتو در ارتباط است. بعضی از نشریات این مؤسسه خیلی کم‌نظیر است. نتایج تحقیقات علمی و فنی در ۱۵۰ جلد به طور سالانه منتشر می‌شود.

ظرفیت اطلاعاتی این مرکز ۵۰ گیگابایت است که هر گیگا معادل یک هزار مگابایت می‌باشد. خودکارسازی و الکترونیک رادیویی (رادیوالکترونیک) نجوم و ژئودزی، بیولوژی، جغرافیا و ژئوفیزیک، زمین‌شناسی و معدن، علوم اطلاع‌رسانی، ریاضیات و پردازش، ماشین‌ها و مهندسی مکانیک، متالوژی و جوشکاری، حفاظت محیط زیست، حمل و نقل، فیزیک، بیولوژی، فیزیکی شیمیایی و مهندس زیستی، شیمی و مهندسی شیمی، اقتصاد صنعتی، مهندسی الکتریکی و مهندسی قدرت از جمله موضوعات مهمی است که «وینیتی» در باره آن کار می‌کند، در حالی که عملاً انتشارات «وینیتی» در موضوعات وسیعتر به حدود ۲۴۰ مورد بالغ می‌شود.

در رابطه با وابستگی سازمانی رئیس مؤسسه گفت:

این وابستگی از سه جنبه قابل بررسی است. پروسترویکا در این مورد هم تأثیر گذاشته است. از یک جهت تابع مؤسسه آکادمی علوم شوروی است. مؤسسه اطلاعاتی دیگری هم که مسؤول مسایل اطلاعاتی سیاسی کشور است تابع این آکادمی است. از جهت دیگری این مؤسسه تابع کمیته دولتی حمایت از مسائل علمی و فنی است، زیرا نظریه‌پردازی و سیاستگذاری ایجاد سیستم اطلاعاتی سراسر کشور در جمهوریهای مختلف با این مؤسسه است. و از جهت سوم، مؤسسه تابع شورای اتحادیه اطلاعاتی است. ۵۳ مؤسسه اطلاعاتی کشور اتحادیه تشکیل داده‌اند که این اتحادیه تابع شورای اتحادیه اطلاعاتی کشور است. اتحادیه کارشناسان در رشته اطلاعات نیز سازمان اجتماعی مستقلی است.

مسؤول مؤسسه در زمینه همکاری اطلاعاتی با جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که ما آماده هر نوع همکاری هستیم از جمله می‌توانیم:

۱) نیازهای اطلاعاتی شما را به مدت یکسال رایگان تهیه کنیم، اگر سرانجام

تولیدکنندگان و اقتصاددانان شما آن را مفید دانستند می‌توانیم قرارداد ببندیم.

۲) ما می‌توانیم به افراد شما در اینجا آموزش کوتاه‌مدت یا بلندمدت بدهیم.

۳) و یا گروهی از کارشناسان ما به کشور شما بیایند و عده‌ای را در آنجا آموزش بدهند.

رئیس مرکز اظهار داشت که صلح اساس همکاری ماست و ما که با کشور شما مرزهای گسترده مشترک داریم. بیش از هرکشور دیگر باید به این همکاری بیندیشیم.

۴ ـ کتابخانه لنینگراد (سالنیکف سچدرین)[6]

این کتابخانه در سال ۱۸۱۴ تأسیس و بعداً به عنوان کتابخانه ملی به روی مردم گشوده شد. مردم هم با اهدای کتاب بر غنای این کتابخانه افزودند. این کتابخانه اکنون حاوی بزرگترین مجموعه روسی، در حدود ۶ میلیون جلد کتاب و دیگر مواد است. کتابخانه ولتر، اسناد مربوط به زندان باستیل و مجموعه‌های دیگر به این کتابخانه اضافه شد و دیپلمات‌ها نیز مقداری کتاب به این کتابخانه افزودند. در سال ۱۹۳۴ که کتابخانه حکومتی به مسکو انتقال یافت این کتابخانه به عنوان دومین کتابخانه بزرگ شوروی شناخته شد.

از مجموعه‌های بسیار مهم درباره ادبیات کلاسیک روسی، مثل آثار پوشکین، لرمانتف، گوگل، تورگنیف، لئوتولستوی، داستایوسکی، آنتوان چخوف، ماکسیم گورکی، ولادیمیر، مایاکوفسکی و ... در آن وجود دارد. مجموعه روسی شامل چندین مجموعه و واحد جداگانه است که مهمترین مجموعه آن مجموعه‌ای است که اختصاص به پدیدآورندگان مارکسیسم ـ لنینیسم دارد.

در این مجموعه، بیش از ۱۹ هزار جلد کتاب در زمینه ادبیات روسی، اوکراین، روسیه سفید و ۲۵ زبان دیگر اروپایی وجود دارد. کتابهایی که در این روزگار درباره مارکس، انگلیس و لنین نوشته و منتشر شده در این مجموعه است.

مجموعه «مطبوعات روسی آزاد» (در حدود ۱۵ هزار جلد) شامل مجموعه غیرقانونی است که در خارج یا داخل کشور بین سالهای ۱۸۵۳ تا ۱۹۱۷ چاپ شده است. اسناد جالب توجهی در باره تاریخ انقلاب اکتبر، جنگ داخلی، اسناد لنینگراد در جنگ بزرگ وطن‌پرستانه که منحصر به فرد و شامل ۱۸ هزار جلد کتاب و دیگر مواد است دراین کتابخانه وجود دارد.

کتابخانه در حال حاضر ۲۸ میلیون جلد کتاب و سایر مدارک دارد. هر روز ۴۰۰۰ نفر از

کتابخانه استفاده می‌کنند. هر سال حدود ۱۱ میلیون جلد کتاب به رسم امانت به خوانندگان عرضه می‌شود.

تعداد کارمندان این کتابخانه ۱۵۰۰ نفر است که نیمی از آنها غیرکتابدارند و از بین کتابداران ۳۵ نفر دانشجوی دکترا هستند. این کتابخانه علاوه بر کتابخانه بودن یک مؤسسه تحقیقاتی هم هست که در جهات مختلف تحقیق می‌کند که از جمله تحقیق درباره اقتصاد در کتابخانه است.

این کتابخانه به همراه کتابخانه بزرگ لنین به کتابخانه‌های دیگر کشور کمک می‌کند و سیاستگذاری کتابخانه‌ای و توصیه به آنها در مورد نحوه تنظیم مجموعه‌ها را انجام می‌دهد.

مجموعه نشریات قابل ذکر بالغ بر ۲/۵۰۰/۰۰۰ که شامل نسخه‌های کمیاب و مجلات ذیقیمت می‌شود. مجموعه کتابخانه از زبانهای خارجی غنی است و بالغ بر ۵ میلیون و از زبانهای اروپایی بالغ بر ۱/۷۰۰/۰۰۰ می‌شود. در موضوعات فلسفه، تاریخ، حقوق، اقتصاد، هنر و علوم طبیعی این کتابخانه به راستی غنی است.

همچنین کتابخانه شامل کتب ذیقیمتی است که در سایر نقاط دنیا یافت نمی‌شود. مجموعه ۲۵۰/۰۰۰ جلدی که شامل مجلات در تاریخ، جغرافی، اقتصاد، فرهنگ و مردم کشور تا سال ۱۹۱۷ می‌شود از شهرت جهانی برخوردار است.

این کتابخانه از روش خاص خود و نیز از سیستم UDC در بعضی از کتابخانه‌های فنی و مهندسی استفاده می‌کند. به خاطر وجود مشکلات در زمینه فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی هنوز نتوانسته‌اند در مورد استفاده از کامپیوتر تصمیم بگیرند. این مشکلات از نظر معاون کتابخانه عبارت بود از:

- عدم هماهنگی کتابخانه‌های شوروی از نظر طبقه‌بندی باهم
- عدم تناسب طبقه‌بندی فعلی با کامپیوتری شدن
- عدم هماهنگی کتابخانه‌های شوروی با کتابخانه‌های غربی

حدود ۱۲ درصد از مجموعه به صورت میکروفیلم و میکروفیش درآمده است.

بخش شرق‌شناسی این کتابخانه حاوی بیش از ۳۰۰ هزار جلد است و نسخه‌های خطی و ذیقیمتی در آن وجود دارد. جالب توجه این که تعدادی از کتابهای کتابخانه اردبیل که به غارت رفته‌اند در آنجاست.

بر پشت یک کتاب که ما از مسؤل بخش شرقشناسی درخواست کردیم و برایمان آورد به

خط فارسی نوشته بود:

«وقف آستان صفیه صفویه نمود، کلب آستان علی، عباس صفوی، هر کس این کتاب را از کتابخانه خارج کند لعنت خدا و رسول بر او باد».

آموزش کتابداری در دانشگاه لنینگراد انجام می‌شود و این رشته در این دانشگاه از دانشگاه مسکو قویتر است. دوره‌های سه ساله و پنجساله آموزشی وجود دارد و دوره دکترا هم هست.

ساختمان کتابخانه با آنکه از نظر قدمت، تاریخی و بسیار ارزشمند است ولی برای مجموعه روزافزون کتابخانهٔ کوچک است و در نقطه دیگر شهر،کتابخانه بزرگتری دردست ساختمان است.

۵ـ باکو ـ انستیتو نسخه‌های خطی آکادمی علوم آذربایجان شوروی

انستیتو نسخه‌های خطی در یک ساختمان قدیمی که قبلاً دبیرستان بوده است جا دارد. با قرار قبلی به آنجا رفتیم. احساس می‌کردیم مثلاً در اردبیل و یا تبریز هستیم و اینها همه برادران ترک مسلمان ما هستند که عموماً ترکی و بعضاً فارسی هم می‌دانستند. اغلب نامها اسلامی و ایرانی و فقط با پسوند «اف» به جای «زاده»، بود. علاوه بر بازدیدی که از مخزن نسخه‌های خطی داشتیم از نمایشگاه نسخه‌های خطی هم بازدید شد، در جلسه‌ای بحثی شاعرانه و عارفانه درگرفت و از شعرای فارسی و ترکی مانند حافظ و مولوی و یا نظامی گنجوی و ... با خواندن اشعارشان یاد شد. به علاوه از آیات و روایات پیامبر و ائمه معصومین هم در این جلسه عارفانه بحثهایی به تناسب طرح گردید.

مدیر انستیتو اظهار داشت: «دیدن‌ها، نگاه‌ها، دین‌ها و خلاصه همه چیزمان یکی است. خیلی دلم می‌خواهد اردبیل و یا تبریز را ببینم».

تاریخچه انستیتو:

این انستیتو در سال ۱۹۲۹ تأسیس شده و حدود ۶۰ سال سابقه دارد. دارای ۴۷ هزار نسخه خطی چاپ سنگی و اسناد مختلف است که ۱۳ هزار نسخه خطی آذری، فارسی، عربی، ترکی، و ازبکی در آن وجود دارد.

قدیمی‌ترین نسخه خطی مربوط به قرن ۹ میلادی است که جزئی از قرآن کریم به خط کوفی بر روی پوست است. قدیمترین اثر مربوط به دانشمند مشهور جوهری از «صحاح‌اللغه» است که

در سال ۱۱۱۷ میلادی رونویسی شد و قانون ابن‌سینا که ۱۱۰ سال بعد از مرگش استنساخ شده است (۱۱۴۳ م).

در این مجموعه نسخه‌ایی به خط خود مؤلف وجود دارد که از آن جمله است: سه خمسه مربوط به عیدی شیرازی در دوره صفویان که بخشی از آن در ایران و بخشی دیگر در باکو است.

نسخه‌ای خطی مربوط به قرن ۱۶ میلادی به نام شهداءنامه است که ظاهراً ترجمه ترکی «روضة الشهداء» کاشفی است که به دستور شاه طهماسب انجام شده است.

دانشنامه «قدرخان» که منحصر بفرد است و در قرن ۱۵ میلادی در هندوستان نوشته شده است حاوی لغاتی است که فعلاً متروک شده است.

نسخه‌های مختلف خمسه نظامی که در سده‌های مختلف رونویسی شده، با مینیاتورهای مختلف، قدیمی‌ترین نسخه دیوان فضولی مربوط به قرن ۱۶ میلادی که این دیوان ترکی است و ۱۷ سال بعد از وفات شاعر نوشته شده، نسخه‌هایی درباره نجوم، جواهرات، زیج ایلخانی، خواجه نصیرالدین طوسی، الغ‌بیک، تحریر مجسطی خواجه نصیر که از یونانی ترجمه شده از جمله آثار مجموعه این انستیتو است.

فقه‌الانوار از کتب فقهی که مربوط به فقه شافعی است در زمینه مسائل فقهی، نسخه‌های مختلف از قرآن کریم به خط زیبا، دیوان ناتوان که نسخه خود مؤلف است در قرن ۱۹ میلادی، دیوان حیران خانم دنبلی به خط خودش، انبیاءنامه مربوط به عامی شبستری که در جواب شاهنامه فردوسی در قرن ۱۶ میلادی و در دو جلد به فارسی نوشته شده از دیگر آثار نفیس این مؤسسه است. کتاب دده قورقور، اولین خط آذربایجانی که مؤلف آن معلوم نیست. از فهرست این مجموعه فقط دو جلد چاپ شده و بقیه مانده است و متأسفانه به دلیل انقطاع فرهنگی که در اثر تغییر خط ایجاد شده افرادی که بتوانند کتابهای قدیمی را ویرایش کنند ندارند. به علاوه چاپخانه‌ها نیز حروف عربی ـ ترکی ندارند و همه حروف روسی است و این خود مصیبت دیگری است. آنها پیشنهاد همکاری داشتند و علاقه‌مند بودند چنانچه جمهوری اسلامی ایران مشارکت کند بتوانند نسخه‌های قدیمی را ویرایش و چاپ نمایند و در ضمن فهرست‌ها را هم تکمیل کنند.

به نظر می‌رسد در این زمینه کتابخانه ملی ما از هر جای دیگر برای انجام این امر محق‌تر است.

از مجموعه، فقط ۱۲۰۰ عنوان میکروفیلم تهیه شده بود و امکاناتشان در این مورد هم خیلی قوی نبود.

کارمندان این انستیتو از ۱۱۰ نفر، که ۷۵ نفر کارمند علمی هستند، تشکیل شده بود. این کارمندان عموماً در زمینه آثار خطی آذربایجانی، نشر آثار خطی عربی، و فهرست‌نگاری کار می‌کنند. در بین محققین ۳۰ نفر دکترا هستند که عموماً در رشته‌های ادبیات، زبانشناسی و کتابشناسی فعالیت دارند. سالانه دو نفر متخصص کتب خطی از طرف دانشکده کتابداری برای این مؤسسه تربیت می‌شود. همان طور که گفته شد انستیتو وابسته به فرهنگستان علوم آذربایجان شوروی است که زیر نظر این فرهنگستان ۳۲ انستیتوی تحقیقاتی وجود دارد که این انستیتو یکی از آنهاست. در فرهنگستان فقط یک چاپخانه وجود دارد که می‌تواند سالانه ۵۰۰ عنوان را با تیراژ ۴ هزار نسخه منتشر کند. سیاهه‌ای از نسخ قدیمی در نزد ما بود و ما به دنبال آن بودیم که فقط تنها در این کتابخانه نسخه‌ای از کتاب «المقالة الثلاثون فی العمل بالید من الکّی والشق والبطّ» از ابوالقاسم زهراوی بود که رئیس انستیتو نسخه شخصی‌اش را به ما هدیه کرد.

کتابخانه آخوندوف (آخوندزاده)

کتابخانه آخوندوف که در واقع کتابخانه ملی جمهوری آذربایجان شوروی است. از سال ۱۹۲۳ در ساختمان آکادمی علوم شوروی تأسیس شده و از سال ۱۹۶۶ به ساختمان جدید که ساختمانی مجلل و باشکوهی است تغییر مکان یافته است. مجموعه کتب و سایر مواد آن حدود ۴/۵ میلیون جلد است، تعداد کارمندان آن حدود ۳۷۵ نفر که ۹۰ درصد کتابدار و ۲ نفر دانشجوی رشته دکترا در رشته‌های ادبیات و تعلیم و تربیت (پداگوژی) هستند. سیستم طبقه‌بندی کتابخانه الفبایی و دیویی است.

معاون کتابخانه اظهار داشت یادگیری زبان فارسی برای ما از زبانهای خارجی مهمتر است. مؤسساتی برای آموزش زبان فارسی تشکیل شده است. اینان نیز علاقمند بودند با کتابخانه‌های ایران تماس داشته باشند. مسؤل یکی از بخش‌های کتابخانه اظهار داشت تا قبل از انقلاب اسلامی با ایران تماس داشته است ولی پس از انقلاب ارتباط قطع شده و حتی پاسخ نامه او هم داده نشده است.

دانشگاه باکو ـ دانشکده کتابداری

باتفاق سرکنسول جمهوری اسلامی از دانشگاه باکو، بازدید مختصری بعمل آمد و به مدت دو ساعت با اساتید رشته کتابداری به بحث و گفتگو نشستیم. در اینجا نیز، از طرف اساتید به گرمی پذیرفته شدیم و این دیدار برای آنها بسیار جالب بود. پس از تعارفات معموله اطلاعاتی که در اختیار قرار گرفت بدین قرار است:

تحصیل در این دانشگاه هم به صورت روزانه، هم شبانه و هم به صورت مکاتبه‌ای امکان‌پذیراست. دانشکده کتابداری در سال ۱۲۰۰ دانشجو دارد که حدود پانصد نفر به صورت روزانه و صد و بیست و هفت نفر شبانه و بقیه هم به صورت مکاتبه‌ای آموزش می‌بینند. دوره تحصیل در این دانشکده برای روزانه پنج سال است و شش سال برای شبانه است. دارای دو کرسی کتابشناسی و کتابداری است. مجموعاً بیست و هشت نفر کارمند دارد که هفده نفر آن‌ها در رشته کتابداری کار می‌کنند و از بین آنها یک دکترا و شش فوق‌لیسانس است و در کرسی کتابشناسی یازده نفر شاغلند که از بین آنها شش نفر فوق‌لیسانس هستند. این دانشکده دارای سه لابراتوار تدریس است که دو تا مربوط به رشته کتابداری و یکی از آنها مربوط به رشته کتابشناسی است. در این آزمایشگاه‌ها (لابراتوارها) دروس تجربی و عملی تدریس می‌شود.

درسی که در یکسال تدریس می‌شود ۱۷۳۵۳ ساعت است که ۹۶۱۲ ساعت آن مربوط به بیوگرافی است. هر استاد به طور متوسط در هر سال ۷۵۰ ساعت تدریس دارد و کار تحقیقات علمی هم بر آن اضافه می‌شود. تاکنون ۲۵۰۰ نفر از این دانشکده فارغ التحصیل شده‌اند. تحصیل فوق‌لیسانس هم به صورت روزانه و هم شبانه امکان‌پذیر است. هر سال ۳ ـ ۲ نفر برای فوق‌لیسانس گرفته می‌شود. چندین نفر در دوره دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی کار می‌کنند. به طور غیابی (مکاتبه‌ای) تا دکترا هم می‌توان پیش رفت.

شرح درس‌ها عموماً به خط روسی بود، در بین دروس، تاریخ کتابخانه‌های کشورهای دیگر تدریس می‌شود. از ایران اطلاعات اجمالی دارند و چنانچه کتاب در باره تاریخ کتابخانه و کتاب در ایران برایشان فرستاده شود بسیار بجاست.

در پایان بازدید از این دانشکده به همه آنها قرآن اهدا شد که بسیار برایشان اهمیت داشت. می‌گفتند این بزرگترین هدیه‌ای است که دریافت داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

1 . Eneyclopedia world book , 1975

2 . Daily Telegraph, January 6 , 1990

3 . The State Lenin Library of The USSR

4 . The USSR National Public Library For Science and Technology

5 . The All - Union Institute Of Scientific and Technical Information (VINITI)

6 . Saltikof Schedrin State Library

۲۰

کتابخانه ملی چین*

کتابخانه ملی چین، کتابخانه ملی جمهوری خلق چین است که به خاطر داشتن منابع جامع و غنی تحقیقی و انتشارات عمومی گرانقدر و تاریخ طولانی‌اش شهرت دارد. این کتابخانه در شمال پارک زیبای بامبوی بنفش[1] در پکن - پایتخت مشهور تاریخی و فرهنگی - قرار دارد. شعبه این کتابخانه در خیابان ونجن[2] در کنار دریاچه پارک بی‌های[3] واقع شده است. تاریخچه این کتابخانه از این قرار است: در آغاز کتابخانه مرکزی پکن در ۲۴ آوریل سال ۱۹۰۹ ساخته شد. بعد از انقلاب ۱۹۱۱ سرپرستی آن به وزارت آموزش و پرورش حکومت پکن واگذار و در ۲۷ اوت ۱۹۲۱ رسماً افتتاح شد. (بعداً این تاریخ، به عنوان روز تأسیس کتابخانه نامگذاری شد) این کتابخانه به گردآوری نسخه‌های کتابها از ناشران داخل کشور پرداخت و خود را به عنوان یک کتابخانه ملی معرفی کرد. در ماه ژوئیه ۱۹۲۸، مجدداً به عنوان کتابخانه ملی بی پینگ[4]

---

* این مقاله ترجمه و تلخیص از راههای کتابخانه ملی چین است و در مجله فصلنامه کتاب شماره ۱ - ۴ بهار و تابستان ۱۳۷۰ چاپ شده است.

نامگذاری شد. در ماه اوت ۱۹۲۹ با کتابخانه «بی‌های» که مؤسسه آموزش و فرهنگ چین به وجود آورده بود، به همکاری پرداخت، اما نام آن همچنان ثابت ماند. ساختمان کتابخانه در خیابان ونجن ـ که اینک شعبه کتابخانه ملی است ـ بنا گردید. درسال ۱۹۳۳، هنگامی که کتابخانه مرکزی نان ـ جینگ[5] ساخته شد، این دو کتابخانه ملی با هم به موجودیت خود ادامه دادند. افرادی مشهور و شخصیتهایی فرهنگی، یکی پس از دیگری در هدایت و تأسیس کتابخانه نقش مؤثری داشتند. بعد از تأسیس جمهوری خلق چین، کتابخانه ملی بی‌پینگ به نام کتابخانه ملی و تنها کتابخانه ملی نامگذاری شد. همزمان با پیشرفت بنیان سوسیالیسم، ساختمان کتابخانه در خیابان ونجن برای چندمین بار توسعه یافت ولی هیچ‌گاه نتوانست با نیازهای روزافزون خود را تطبیق دهد. در مارس ۱۹۷۵، بنا به پیشنهاد نخست وزیر «چوئن لای» شورای ایالتی تصمیم گرفت تا به سرعت دست به کار ساختمانی شود که به عنوان یک کتابخانه ملی مناسب شناخته شود. جشن آغاز عملیات ساختمانی در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۳ برگزار شد. عملیات در ۱۸ نوامبر شروع شد و در اول ژوئیه ۱۹۸۷ تکمیل گردید (یعنی حدود ۴ سال)

کتابخانه جدید در حومه غربی پکن قرار دارد. مساحت محوطه آن ۷/۴ هکتار و مساحت زیربنای آن ۱۴۰ هزار متر مربع است. با محاسبه شعبه کتابخانه ملی در خیابان ونجن، مساحت کتابخانه ملی به ۱۷۰ هزار متر مربع بالغ می‌شود. ظرفیت قفسه‌های آن به ۲۰ میلیون جلد می‌رسد و ۳۰ سالن مطالعه مجزا از هم و بیش از ۳ هزار صندلی جهت مطالعه دارد. روزانه حدود ۷ تا ۸ هزار خواننده به این کتابخانه مراجعه می‌کنند.

کتابخانه جدید به تسهیلات مدرن مانند کامپیوترهای پیشرفته، دستگاه نقاله کتاب و مجله تجهیزات ارتباطی نسخه بردار میکروفتو و دستگاههای مختلفی که برای خواندن اسناد تعبیه شده است مجهز است. کتابخانه، کم‌کم خواهد توانست خدمات لازم را به خوانندگان و سایرکتابخانه‌های موجود در سراسر کشور با وسایل پیشرفته بدهد.

مجموعه‌ها

در پایان سال ۱۹۸۶، مجموعه کتابها و مدارک کتابخانه ملی چین به ۱۲۴، ۷۷۸، ۱۳ جلد، به شرح زیر رسید:

کتابها به زبان چینی و زبانهای دیگر ۶،۴۷۱،۷۴۱ جلد

نشریات به زبان چینی و زبانهای دیگر ۷۱۶، ۶۵ عنوان و ۸۶۸، ۸۹۵، ۵ جلد.
نشریات چاپی به زبان چینی و زبانهای دیگر ۸۴۱، ۲۲ عنوان
روزنامه به زبان چینی و زبانهای دیگر ۸۴۲، ۳ عنوان و ۲۰۹، ۸۸ جلد.
روزنامه‌های جاری به زبان چینی و زبان‌های دیگر ۶۳۷ عنوان
مواد غیرکتابی (دیداری و شنیداری) ۵۶۱، ۹۳۳ عنوان
مواد غیرکتابی به زبان چینی و غیرچینی ۷۴۵، ۳۸۸ جلد

اگرچه تاریخ کتابخانه به ۷۵ سال قبل بر می‌گردد اما تاریخ مجموعه کتابخانه به ۷۰۰ سال قبل منتهی می‌شود. بخشی ازکتابخانه سلطنتی خاندان سونگ جنوبی (۱۱۲۷ - ۱۲۷۹) - جی - خی دیان[6] و کتابخانه سلطنتی خاندان کینگ (۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ میلادی) - ون یوان جی - در این کتابخانه نگهداری می‌شود. مجموعه‌های کتابخانه بزرگ دولت، آکادمی سلطنتی و مدرسه جنوبی کالج سلطنتی خاندان کینگ پس از تأسیس کتابخانه ملی در سال ۱۹۱۰، به آن کتابخانه انتقال یافت.

کم‌کم، کتابخانه، نسخه‌های گرانبهای چوبی (که بر روی چوب حک شده بودند و نسخه‌های خطی مانند مجموعه کامل چهار مقوله ادبیات) که اصالتاً در پناهگاه کوهستانی سلطنتی نگهداری می‌شد و از نظر تاریخی به نام فقر موقتی نامیده می‌شد و همچنین نسخه‌های خطی غارهای وان هوانگ را به مجموعه خود اضافه کرد. در بین این مجموعه، نمونه‌های کتب کمیاب عبارتند از: دست‌نویس‌های بودایی که به سال ۴۵۸ میلادی بر می‌گردد، تا مجموعه‌های سلاطین سلسله‌های مختلف که قدمت آن به سالهای ۱۷۳۶ - ۱۷۹۵ می‌رسد.

در سال ۱۹۵۴، کتابخانه ملی چین، مجموعه ویژه‌ای از نسخه‌های خطی ترتیب داد و از آن پس به جمع‌آوری نسخه‌های خطی نویسندگان مشهور و تحصیلکردگان چینی و نویسنده آمریکایی آنالوئیس استرانگ[7] پرداخت.

کتابخانه ملی چین، مقالات و رساله‌های دکترا و نشریات سازمان ملل و مؤسسات تابعه آن را جمع‌آوری می‌کند.

کتابخانه ملی چین، مجموعه قابل توجهی از انتشارات کشورهای دیگر را جمع‌آوری کرده است که ابعاد مختلف پیشرفتهای سیاسی، اقتصادی، علمی و فنی کشورهای جهان را می‌نمایاند و از این طریق مواد لازم جهت تحقیق بر روی کشورهای خارجی در این کتابخانه فراهم است. در

حال حاضر، کتابخانه، انتشارات کشورهای دیگر را به ۱۱۵ زبان جمع‌آوری می‌کند که عمدتاً زبانهای انگلیسی، روسی، ژاپنی، فرانسوی و آلمانی تقدم دارند.

از زمان تأسیس، کتابخانه با فعالیتهای ایثارگرانه در جمع‌آوری، آماده‌سازی، ذخیره و کامل سازی مجموعه کتابها، توانسته است نظامی را با خصایص چینی به وجود آورد (هم‌اکنون این کتابخانه از یک سالن که در آن قفسه نسخه‌های حفاظت شده قرار دارد و یک سالن اصلی قفسه کتاب و ۲۹ سالن کمکی تشکیل شده است). نظام کتابخانه نه تنها تأکید بر جمع‌آوری دارد بلکه به گردش اسناد نیز بهای لازم را می‌دهد.

هم اکنون تلاش کتابخانه بر این است تا کتابها را در مجموعه‌های میکروفرم و انواع ماشینهای قابل خواندن نگهداری کند.

به غیر از مجموعه‌هایی که کتابخانه به هنگام تأسیس، مالک آنها شده، مجموعه‌های کتابخانه عمدتاً از راههای زیرغنای خود را به دست آورده است:

۱. نسخه‌های اضافی که توسط ناشرین داخلی فرستاده می‌شود
۲. انتخاب و خرید انتشارات داخلی، قدیم و جدید
۳. اهداء و اختصاص کتاب توسط مؤسسات و افراد
۴. انتخاب و سفارش از کشورهای دیگر
۵. مبادلات بین‌المللی کتاب و نشریات
۶. نسخه و عکس‌برداری از نشریات

ارائه خدمات به خوانندگان

کتابخانه ملی، چه از طریق سالنهای مطالعه و چه از طریق امانت و پاسخ به سؤالات و خدمات نسخه‌برداری و زیراکس، و چه از طریق ایجاد نمایشگاهها و برپایی سخنرانیهای علمی، خدمات گسترده‌ای را با استفاده از مجموعه غنی و متنوع خود به علاقه‌مندان عرضه می‌کند.

کتابخانه ملی چین، عمدتاً به سازمانهای مرکزی رهبری حزب، دولت، ارتش، مؤسسات تحقیقاتی علمی و واحدهای تولیدی مهم سرویس می‌دهد. کتابخانه ملی برای توسعه کتابخانه‌ها در سراسر کشور چین خدمات حرفه‌ای فراهم می‌کند. هم زمان به منظور ساختن تمدن مادی و معنوی سوسیالیسم سالنهای مطالعه‌ای در بعضی زمینه‌های مشخص برای

توده‌های خوانندگان تعبیه می‌نماید.

اشکال عمده خدمات عبارتند از:

- استفاده از سالن مطالعه: مستقیم‌ترین و اصلی‌ترین خدمت، مطالعه در سالن کتابخانه است. در میان ۳۰ سالن مطالعه مجزا، سالن مطالعه کتابهای جدید و سالن مطالعه مجلات، سرویس آزاد جهت دستیابی به منابع کتابخانه هستند. در حالی که دیگران، از طریق سالنهای اصلی و فرعی قفسه کتاب خدمات امانت را انجام می‌دهند. ساعات امانت کتاب در اغلب سالنهای مطالعه عبارتند از: ساعت ۸ صبح الی ۸ بعدازظهر روزهای دوشنبه تا جمعه و یکشنبه. کتابخانه در روزهای شنبه تعطیل است.
- امانت کتاب: کتابخانه ملی چین در شبکه امانت متقابل بین کتابخانه‌ای در داخل کشور و نیز در خارج از کشور فعالیت دارد. خوانندگان خارج از پکن می‌توانند از طریق کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی، شهرداری و مناطق خودمختار از کتابخانه ملی استفاده کنند. برگه‌های عضویت کتابخانه هر ساله به محققین علمی، استادان دانشگاهها و معلمانی که موقعیت های فنی ویژه دارند و نیز به اعضای رهبری حزب، دولت، ارتش و سایر مؤسسات و سازمانها داده می‌شود که با آن می‌توانند از مخزن اصلی و فرعی کتاب به امانت بگیرند.
- خدمات اطلاع رسانی: برای پاسخگویی به نیاز متقاضیان، کتابخانه ملی به جوابگویی سؤالات مختلف در محل کتابخانه، یا به وسیله تلفن، یا پست می‌پردازد، و به این منظور مجموعه‌ای از انواع کتابشناسیهای ویژه، فهرستگانها و نمایه‌ها (ایندکس) را در سالهای اخیر فراهم کرده است. برای مقابله با نیاز فوری، کتابخانه بخش پاسخ به درخواستهای داده شده توسط متقاضیان فهرست نویسی، نمایه‌سازی، فتوکپی و آموزش پرسنلی و خدمات ترجمه‌ای برای سایر کتابخانه‌ها و افراد را فراهم کرده است.
- خدمات تکثیر: کتابخانه چین به تجهیزات مدرن میکروفتوکپی مجهز شده است که فتوکپی اسناد و مدارک را در اختیار متقاضیان می‌گذارد. این تجهیزات و تسهیلات عبارتند از: خدمات زیراکس، میکروفیلم، چاپ عکسی بزرگ شده و غیر از اینها متقاضیان داخل و خارج چین می‌توانند درخواست خویش را به وسیله شخص یا پست ارسال دارند.
- نمایشگاهها و سخنرانیها: کتابخانه ملی چین دارای سالن سخنرانی با ۱۲۰۰ صندلی است و سالن نمایشگاه دارای ۵۰۰ متر است. بر طبق نیازهای جامعه انواع نمایشگاهها و سخنرانیهای

دانشگاهی می‌تواند در این محلها برپا شود.

- خدمات دیداری ـ شنیداری: کتابخانه ملی چین انواع تجهیزات نوین از قبیل فیلم، تلویزیون، صفحه‌های نوری و ضبط را دارد که خواننده را قادر می‌سازد تا انواع مدارک را بخواند و از آنها نسخه و فتوکپی تهیه کند. مواد دیداری ـ شنیداری تهیه شده توسط کتابخانه ملی چین عمدتاً حاوی مطالب تاریخی، علوم اجتماعی و مطالعات انسانی است.

سازمان انتشارات و نشریات

کتابخانه ملی چین دارای یک سازمان انتشارات آکادمیک ـ مرکز انتشار اسناد و کتابشناسی است که عمدتاً اسناد ارزشمندی را منتشر می‌کند. تعداد این انتشارات هفتاد تا هشتاد عنوان در سال است.

نشریات ادواری که به وسیله کتابخانه منتشر می‌شود عبارتند از:

۱. دکومانتاسیون (فصلنامه)

۲. بولتن کتابخانه ملی چین (فصلنامه)

۳. کتابخانه ملی چین

۴. بولتن کتابهای تازه به زبانهای خارجی

فعالیتهای بین‌المللی

کتابخانه ملی چین، برطبق قراردادهای فرهنگی که بین چین و سایر کشورها امضا شده است، مسؤولیت مبادله کتابها را به عهده دارد و مبادله بین‌المللی کتاب و مجله و خدمات امانت بین کتابخانه‌ای با بعضی از کتابخانه‌ها را انجام می‌دهد.

کتابخانه ملی چین، اغلب از کتابخانه‌های سایر کشورها و مجامع فرهنگی و دانشگاهی دوستانی می‌پذیرد و انواع مباحثات و سخنرانیها را ترتیب می‌دهد تا میزبانان و میهمانان را قادر سازد تا از تجربه‌های یکدیگر استفاده کنند. هم زمان، کتابخانه ملی چین، تعدادی از دانشجویان را برای شرکت در مجامع و کنفرانسهایی که به علوم کتابداری مربوط است و نیز انجام تحقیقاتی در این باره به خارج اعزام می‌کند. در حال حاضر، کتابخانه ملی چین با کتابخانه‌های دیگر کشورها (حدود ۱۶۹۴ کتابخانه و مؤسسات تحقیقات دانشگاهی در ۱۱۴ کشور و منطقه)

مبادله کتاب و مجله دارد، و ارتباط امانت بین‌المللی کتاب با کتابخانه ملی ۴۴ کشور جهان انجام می‌شود. اخیراً، کتابخانه ملی چین، به مبادله کتابدار و برگزاری کنفرانسهای کاری منظم با بعضی از کتابخانه‌های ملی و دانشگاهی در کشورهای دیگر مبادرت ورزیده است.

تحقیقات دانشگاهی

کتابخانه ملی چین، یک کتابخانه تحقیقاتی جامع است. به منظور انجام وظیفه خویش در این زمینه، کتابخانه از افراد متخصص دعوت می‌کند تا در فعالیتهای مختلف تحقیقاتی - دانشگاهی شرکت جویند.

فعالیت تحقیقاتی سازمان یافته‌ای که اخیراً توسط کتابخانه ملی انجام شده بیشتر در زمینه‌های زیر است:

- کاربرد کامپیوتر در کتابخانه و تحقیق بر روی ایجاد یک مبنای اطلاعات کتابشناختی در زبانهای مختلف.
- تحقیق بر اسناد میکروفتوکپی شده.
- تحقیق نظری و عملی در علوم کتابداری و اطلاع رسانی.
- تحقیق در تئوری استاندارد کردن اسناد (از جمله ساختن استانداردهای ملی).
- تحقیق برروی بعضی از اسناد مربوط، بر طبق پروژه‌های کلیدی تحقیقی، علمی و تولیدی ملی.

در سال اخیر، کارهای مؤثر فراوانی برای ایجاد نظام رده‌بندی کتابهای چینی و نیز در مورد رده‌بندی موضوعی، در زمینه ساختن استانداردهای کتابشناسی اسناد و نیز تحقیق بر روی کتابهای سنتی چینی و بعضی از اسناد در علوم وابسته انجام شده است.

مکانیزه کردن کتابخانه

در سالهای ۱۹۸۴، سیستم کامپیوتر M150-H با قابلیت آماده‌سازی اطلاعات جنبی به کتابخانه عرضه شد. سپس این کامپیوتر با استفاده از LC-MARC به فهرست نویسی پرداخت و سرویسهای مخصوص و نیز خدمات اطلاعات گزینشی (SDI) را در داخل کشور به استفاده‌کنندگان عرضه کرد. همچنین خدمات بازیابی به متقاضیان با نوارهایی که توسط سیستم اطلاع رسانی نشریات بین‌المللی (ISDS) انجام می‌شود و اطلاعات راجع به نشریات چینی از

طریق ماشین‌های قابل خواندن فراهم می‌شود. در کارهای مقدماتی به منظور ایجاد اطلاعات پایه کتابشناختی چینی، خصایص حروف چینی به صورت فرهنگ و واژه‌نامه و توسعه نرم‌افزارهایی که به این کار می‌آیند نیز انجام می‌شود. کتابخانه «فرمت MARC چینی» را طراحی و فهرست مستند نامهای چینی را جمع‌آوری کرده است. هنگامی که کتابخانه به روی همه باز شود کنترل خودکار ۳۰۰،۰۰۰ جلدی کتابخانه به صورت قفسه باز با کامپیوتر PDP 11/73 انجام خواهد شد.

اهداف خودکار کردن کتابخانه این است که بتواند یک مرکز اطلاعات کتابشناختی ملی برای چین باشد که با سیستم کامپیوتری در زمانی که آماده کار است به چند زبان و در چند مسؤولیت انجام وظیفه کند.

هدفهای مشخص به قرار زیر است: ایجاد یک مبنای اطلاعات کتابشناختی عمومی در سطح ملّی، شناسایی منابع کتابخانه، شناسایی خودکارسازی در بخش سفارشات، فهرستنویسی، بازیابی و کنترل گردش، به منظور سرعت بخشی به آماده‌سازی، بازیابی و گردش کتابها ومجلات، افزایش وسایل خدمات کتابخانه، گسترش امکان سرویس دهی به منظور افزایش سطح خدمت و آماده نمودن به موقع اطلاعات برای دسترسی نیازمندان به آن.

سیستم کنترل خودکار کتابشناختی در کتابخانه از چهارنظام فرعی نسبتاً مستقل تشکیل شده است: نظام فرعی جامع سفارش، فهرست‌نویسی و بازیابی؛ نظام فرعی کنترل گردش کتاب و مجلات؛ نظام فرعی تولید کتابشناختی و نیز نظام فرعی ذخیره و بازیابی کتابهای کمیاب. این نظامهای فرعی بر روی کامپیوترهای بزرگ و متوسط نصب خواهند شد.

سازمان و کارمندان

کتابخانه ملی چین زیرنظر وزارت فرهنگ جمهوری خلق چین اداره می‌شود. دارای یک رئیس و تعدادی قائم مقام و معاون است. زیرنظر رئیس، ۱۶ واحد و واحد وابسته انجام وظیفه می‌کنند. مانند کمیته سفارشات کتاب، مجلات و مواد؛ بخش سفارش و فهرست نویسی کتابهای چینی؛ بخش سفارش و فهرست‌نویسی کتابهای خارجی؛ بخش خدمات مطالعه و امانت؛ بخش روزنامه‌ها و مجلات؛ بخش گردآوری ویژه و کتابهای کمیاب؛ بخش تحقیق مراجعه؛ بخش توسعه خودکارسازی؛ بخش فعالیتهای دانشگاهی؛ بخش تکثیر اسناد؛ بخش

تحقیق علم کتابداری؛ مرکز ملی چینی سیستم اطلاع رسانی نشریات بین‌المللی (ISDS)؛ خانه نشرکتابشناسی و اسناد؛ مرکز ملی میکروفیلم چین برای منابع کتابخانه؛ مرکز خدمات اسناد و اطلاعات و کالج حرفه‌ای برای ساعات فراغت کارمندان. به علاوه تعداد دیگری از واحدهای موظف مانند: دفتر مدیران؛ بخش عملیاتی؛ بخش مالی؛ بخش پرسنلی؛ بخش حراست؛ بخش خدمات عمومی؛ بخش مدیریت ساختمان؛ بخش ساختن سرمایه همچون بخش مدیریت ماشین‌آلات و برق وجود دارد و کتابخانه، در شرایط فعلی، بیش از ۱۶۲۵ نفر کارمند دارد که ۱۱۳۲ نفر آنها دارای تخصص هستند.

پی‌نوشت‌ها:

1. Purple Bamboo
2. Wenjin
3. Beihai
4. Beiping
5. Nanjing
6. Jixi Dian
7. Anna Louis Strong

جدول ریزمجموعه کتابخانه ملی چین تا پایان سال ۱۹۸۶ میلادی

نوع سند	نام شخص اجزا	تعداد	حجم ظرفیت
کتاب	کتابهای چینی	۲،۲۰۶،۰۷۰ جلد	۶،۴۷۱،۷۴۱ جلد
	کتابهای کلاسیک با عطف	۱،۶۲۳ ،۰۲۱ جلد	
	کتابهای کمیاب وقدیمی چینی	۲۸۴۲۵۴ جلد	
	کتاب به زبان اقلیتهای بومی	۹۰،۶۵۵ جلد	
	کتاب به زبانهای خارجی	۲،۲۴۱،۹۵۸ جلد	
	کتابهای کمیاب به زبان خارجی	۱۵،۷۸۳ جلد	
نشریات	به زبان چینی	۱،۴۰۴،۹۷۹ جلد	۵،۸۹۵،۸۶۸ جلد
	به زبان خارجی	۴،۴۳۸،۲۱۰ جلد	
	مجلات جاری‌به زبان چینی	۹،۱۴۸ عنوان	
	مجلات جاری به زبان خارجی	۱۳،۶۹۳ عنوان	
مواد غیرکتابی	نقشه‌ها به زبان چینی و غیرآن	۹۶،۱۸۳ فقره	۹۳۳،۵۶۱ فقره
	عکس‌ها و لوحه‌ها	۱۱۵ ،۸۷۲ فقره	
	کتیبه‌ها و نوشته‌ها	۲۵۱،۲۶۷ فقره	
	نسخه‌های خطی و یادداشت ها	۸۲،۲۴۳ فقره	
	میکروفرم‌ها	۳۸۷ ،۹۹۶ فقره	
روزنامه‌ها	روزنامه به زبان چینی	۴۲،۱۴۷ جلد	۸۸،۲۰۹ جلد
	روزنامه به زبان خارجی	۴۶،۰۶۲ جلد	
	روزنامه‌های جاری به زبان چینی	۴۵۳ عنوان	
	روزنامه‌های جاری به زبان غیرچینی	۱۸۴ عنوان	
مواد	مواد به زبان چینی و غیرچینی	۳۳۸،۷۴۷ جلد	۳۸۸،۷۴۷ جلد
جمع		۱۳،۷۷۸،۱۲۴ جلد و فقره	

۲۱

سفری به تاجیکستان و ازبکستان*

اوضاع عمومی تاجیکستان:

تاجیکستان یکی از جمهوریهای ۱۵ گانه شوروی است، به زبان فارسی تکلم می‌کنند و سرزمین اصلی ماوراءالنهر قدیم به حساب می‌آید. مساحت آن حدود ۱۱۴ هزارکیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر ۵ میلیون نفر است، که بیشتر اهل تسنن و تعداد کمی شیعه در آنجا زندگی می‌کنند. ۹۳ درصد خاک این جمهوری کوهستانی، و بیش از ۹۰ درصد از ۷ درصد بقیه را مزارع پنبه تشکیل می‌دهد. این جمهوری بین چندین جمهوری ترک‌نشین چون ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان قرار دارد و ایالات سمرقند و بخارا که عمدتاً در گذشته تاجیک‌نشین بوده‌اند به ازبکستان داده شده و مردم معتقدند که این دو ایالت می‌بایست جزو جمهوری تاجیکستان باشد. شهر دوشنبه که مرکز این جمهوری است بسیار زیبا، سرسبز و خرم و دارای خیابان‌های وسیع می‌باشد. قبلاً این شهر استالین‌آباد نام داشته و اینک به نام اصلی خود برگشته

---

* این گزارش سفر در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۶۹/۶/۱۳ چاپ شده است.

است. این شهر، جدیدالاحداث است و حدود هفتاد سال قبل تعداد اندکی خانواده در آن زندگی می‌کرده‌اند، ولی اکنون بیش از هفتصدهزار نفر جمعیت دارد، و برای هر نفر حدود ۳۲ مترمربع باغ و درخت وجود دارد. از خیابانهای عمده آن خیابان عینی و خیابان لنین است. چنین معروف است که از نظر جمعیتی، جمهوریهای شوروی به‌گونه‌ای سازمان‌یافته‌اند که همواره چهل درصد جمعیت بومی و بقیه قوم روس و یا اقوام دیگر باشند. بی‌سوادی عموماً در جمهوریهای شوروی ریشه‌کن شده است و کتابخانه‌های زیادی در تاجیکستان وجود دارد که تعداد آن به قولی بالغ بر پنج هزار می‌شود و این اعم از کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی و غیره است.

کتابخانه ملی به نام «کتابخانه فردوسی» است که بیش از سه میلیون جلد کتاب دارد و بیش از هشت هزار نسخه خطی در آن هست. «کتابخانه آکادمی علوم» نیز بیش از دو میلیون جلد کتاب و سایر مواد را در خود جای داده است.

در دوشنبه خیابانها بنامهای: سعدی، حافظ، رودکی، بوعلی سینا، فردوسی و غیره وجود دارد و مجسمه‌هایی نیز از این دانشمندان زینت‌بخش میادین شده است.

مردم تاجیک بسیار به ایران علاقه‌مند و از روسها متنفرند. باسوادان و روشنفکران آنها بیشتر در مایه ملی‌گرایی مسیر و پیوند خود را با ایران بر اساس نژاد و زبان ترسیم می‌کنند. مردم عادی و نیز مسلمانان به انقلاب ایران علاقه‌مندند و جمهوری اسلامی ایران را الگوی خود می‌دانند و هر چیزی که از ایران بیاید برایشان مقدس و محترم است. متأسفانه اطلاعات مردم تاجیک از ایران بعد از انقلاب بسیار محدود است. نویسندگان، شاعران و متفکران و حتی خوانندگان ایران قبل از انقلاب را می‌شناسند. در کنفرانس بین‌المللی گذشته که مربوط به بزرگداشت باربد بوده است گروه موسیقی و آواز صدا و سیمای ایران در آنجا برنامه‌هایی را اجرا کرده است که مورد توجه شدید قرار گرفته است.

سمرقند به فاصله نیم ساعت با هواپیما از دوشنبه و در جمهوری ازبکستان قرار دارد. شهری است قدیمی و سابقه آن را به ۲۵۰۰ سال قبل هم می‌رسانند. دارای آثار بسیار ارزشمند تاریخی و بویژه اسلامی، چون «مسجد و مدرسه الغ‌بیک» (ریگستان) زیج الغ‌بیک «گورامیر» و «قبر شاه‌زند» و «مسجد جمعه» و «خضر» از آثار معروف آنجاست. قبر امام بخاری هم در سی کیلومتری شهر قرار دارد. جمعیت شهر حدود چهارصد هزار نفر است. مسجد و مدرسه واقع در «ریگستان» (یا به قول خودشان ریجستان) به قدری جذاب، بزرگ و جالب است که حتی کمتر

مدرسه و مسجدی در ایران هم به زیبایی آن وجود دارد، که باکمال تأسف فقط مرکز توریستی است، در حالی که هنوز هم می‌توان از آن استفاده علمی ـ مذهبی کرد. در مورد تعمیر بناها به کمک متخصصان فن در امور ترمیم آثار باستانی نیاز شدید دارند.

علاقه‌مندی مردم تاجیک به جمهوری اسلامی ایران کاملاً محسوس و قابل تقدیر بود. بارها با اینجانب و اعضاء دیگر شرکت‌کننده ایرانی مصاحبه‌های رادیوئی، تلویزیونی و مطبوعاتی انجام دادند و اظهار می‌داشتند که مصاحبه‌های رادیوئی از صدای برون مرزی تاجیکستان پخش می‌شود و مطالب در روزنامه‌هایشان چاپ می‌گردد. به هنگامی که رادیو اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی ایران قرار است نمایشگاه کتابی داشته باشد، ازخجند که حدود سیصد کیلومتر تا دوشنبه فاصله دارد و بیش از نیم ساعت پرواز هوایی است، برای بازدید آمده بودند.

در واقع، سرزمین تاجیکستان، سرزمین بکری است که بیش از نیم قرن پس از فشارهای کمونیستی، اینک آمادگی کامل دارد که به دامن اسلام برگردد و نیز به مناسبت هم زبانی با ایرانیان با انگیزه‌های ملی، پیوند بخورد و شاید بهتر است بگویم پیوند دارد.از آنجاکه با پروستریکای آقای گورباچف آزادیهای نسبی داده شده و می‌رود که این آزادیها و اختیارات بیشتر تفویض شود، زمان، زمان مناسبی جهت برقراری روابط است. بعضی‌ها اظهار می‌داشتند اگر انقلاب (پروستریکا) نبود، ما هم‌اکنون نمی‌توانستیم درکنار شما باشیم و با شما این چنین آزادانه سخن بگوییم. درخواست آنان عمدتاً ایجاد کنسولگری بود تا بتواند فعالیتهای فرهنگی را هماهنگ کند و راه را برای فعالیتهای بیشتر سیاسی و اقتصادی نیز هموار نماید. مانع بزرگ ارتباط ما با آنها خط روسی (سریلیکی) است که مشکل همه جمهوریهای شوروی است. حروف سریلیکی با حروف لاتین فرق دارد و لذا مشکل یک مرحله از آنچه در ترکیه می‌گذرد فراتر است. بدین معنی که کسی که با حروف لاتین آشنا است و زبان ترکی را هم می‌داند در ترکیه مشکلی ندارد ولی در این جمهوریها با دانستن زبان لاتین مشکلی حل نمی‌شود. از این رو وقتی تاجیک با شما سخن می‌گوید ارتباط کاملاً برقرار است اگرچه در بعضی کلمات و جملات و اصطلاحات تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود، اما به هر حال قابل فهم است ولی هنگامی که ارتباط از طریق کتابت صورت می‌گیرد رابطه قطع می‌گردد. آنها هم خیلی مصرند که خط عربی ـ فارسی را احیاء کنند و هم‌اکنون در مدارس متوسطه (میانی) به تدریس آن مشغولند، و از طریق صدا و سیما هم آموزش را شروع کرده‌اند. آنها روی ارتباط مستقیم با ایران از طریق پروازهای هوایی هم تأکید داشتند، زیرا

که پرواز از طریق مسکو واقعاً خسته‌کننده است. ۳/۵ ساعت از تهران تا مسکو و حدود چهار ساعت از مسکو تا دوشنبه، در حالی که بین دوشنبه تا تهران و یا مشهد فاصله هوایی یکی دو ساعت بیشتر نیست.

لازم به تذکر است که هیأتی به مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام عمدتاً از شخصیتها و مسؤولین آن منطقه به ایران آمده بودند و این سفر بر روی آنان تأثیرات مثبتی گذاشته بود.

ملاقات با مسؤولین جمهوری تاجیکستان: آقای محکم اف رئیس‌جمهور در منطقه نبود و در «آلماآتا» مرکز جمهوری قرقیزستان در اجلاس جمهوری‌های آسیای میانه شرکت نموده بود. با آقای لطیفی معاون هیأت وزیران ملاقات شد که ایشان جزو ۱۸ نفری بود که به ایران آمده بودند و از مسافرت خویش هم راضی بود. با وزیر فرهنگ «کولتور» که خود رئیس کنفرانس بود ملاقات جداگانه‌ای به عمل آمد و در باره روابط فرهنگی، ایجاد کنسولگری، مناسبات بازرگانی و تجاری و اهمیت آموزش خط فارسی و تعمیم آن به همه سطوح مدارس گفتگو شد. وزیر فرهنگ اظهار می‌کرد ما در زمینه کاغذ کمبود داریم و حتی نمی‌توانیم روزنامه‌های خود را به طور کامل چاپ کنیم و دولت مرکزی هم کمک لازم را نمی‌کند. چنانچه ایران بتواند در اینجا کارخانه‌هایی بیاورد که کاغذهای باطله را به کاغذ درجه دوم و یا چندم تبدیل کند، ما استقبال می‌کنیم. جالب توجه است که در جلسه افتتاحیه سمینار در جمع هیأت رئیسه سمینار در کنار یکی از نمایندگان پارلمان اتحاد شوروی نشسته بودم و ایشان هم بدون مقدمه گفت: «کشور روسیه از نظر کاغذ در مضیقه است». با معاونت شورای عالی وزیران و معاونت وزارتخانه آنجا هم در محل کاخ ریاست جمهوری ملاقاتی حاصل شد که پس از تعارفات معموله و اظهار همدردی آنها در مورد زلزله هولناک اخیر ایران و بیان مشترکات دو ملت، موضوعات مطروحه ایجاد کنسولگری به منظور برقراری روابط قویتر فرهنگی، خطوط هوایی مستقیم، تعمیم آموزش خط فارسی، برقراری روابط تجاری و بازرگانی بود که مورد استقبال قرار گرفت. نامبرده اظهار داشت که قرار است یک هیأت جهت عقد قرارداد در همه زمینه‌ها از ایران بیاید و ما منتظریم، که در پاسخ گفته شد هیأت آماده است و لازم است از جانب شما دعوت به عمل آید. در ضمن در رابطه با برقراری گروه‌های دوستی بین مجالس دو کشور هم صحبت شد.

همچنین با آقای توریجان‌زاده که هم نماینده مجلس و هم قاضی‌القضات و هم امام جمعه

است ملاقات حاصل شد. ایشان هم به اتفاق پدرش که روحانی است جزو هیأت شرکت‌کننده در مراسم سالگرد حضرت امام بوده است، که خیلی از این سفر راضی بوده و در یکی از خطبه‌های نمازجمعه به تفصیل در رابطه با سفر به ایران سخن گفته بود.

ملاقات با مردم: در روز جمعه ۲/ ۴/ ۶۹ در ملاقات با آقای توریجان‌زاده در مسجد جمعه شهر که در حال ساختمان است و مرکزی هم برای تحصیل طلبه‌ها خواهد بود و از مهرماه همان سال حدود بیست نفر دانشجو می‌گیرد، شخص ایشان از من خواست که برای مردم صحبت کنم. نامبرده در خطبه‌های خود پس از ابراز همدردی نسبت به وقوع زلزله در گیلان و ایجاد تأثر شدید در مردم و تجلیل از مقام حضرت امام (ره) چنین گفت: «به اعتقاد ما هر صد سال یک نفر مجدد مذهب اسلام ظهور می‌کند و به یقین در عصر ما، امام خمینی ـ رحمةالله علیه ـ بوده است» و چنین اظهار داشت که در خطبه جمعه هفته گذشته مفصل درباره ایران سخن گفته است. بعد گزارش فعالیت خود را در رابطه با اعزام حجاج اعلام نمود. نکته جالب اینکه در سال گذشته از تاجیکستان ۲ نفر و امسال صد نفر به حج اعزام شده‌اند و سال گذشته از طریق مسکو به جده و امسال مستقیماً از طریق تاشکند ـ مرکز جمهوری ازبکستان ـ حدود پانصد نفر از جمهوری‌های مسلمان‌نشین شوروی به حج اعزام شده‌اند. آنگاه درباره احیاء و بازسازی سریع مساجد سخنانی ابراز داشت و اینکه این وظیفه مردم است و باید از کمکهای مردمی در این رابطه استفاده شود. سپس ضمن معرفی اینجانب به مردم، به من گفت شما هر چه می‌خواهید می‌توانید بگویید، که من هم حدود سه ربع ساعت پیرامون اهمیت نماز جمعه و شرکت جوانان در مراسم عبادت و اینکه امام فرموده‌اند «مساجد سنگر است، سنگرها را حفظ کنید»، وحدت بین اقشار مختلف در جمهوری اسلامی، اعم از مذاهب و ملیت‌ها، توجه شدید امام (قدس سره) و رهبری معظم انقلاب به مسائل اتحاد، علم دوستی و نیز موقعیت و اهمیت زنان در جامعه و اینکه چرا سعودیها نگذاشتند امسال هم ما به حج برویم به تفصیل سخن گفتم.

آنگاه با استناد به غزل معروف امام « من به خال لبت ای دوست گرفتار شدم» توضیح دادم که «این اشعار مربوط به کسی است که حتی در بستر بیماری در بیمارستان نماز شب و دعا و مناجاتش با خدای بزرگ ترک نشد. و بنابراین تمثیل‌ها و تشبیه‌ها جنبه عرفانی دارد و باید به این مسأله دقت فراوان شود»، که مورد توجه شدید قرار گرفت. پس از نماز، به ویژه جوانان اظهار

علاقه خود را به جمهوری اسلامی ایران و مطالب گفته شده بیان می‌کردند و درخواست آمدن به ایران را می‌نمودند. توسط همین افراد در روز دیگری جلسه‌ای در مسجد مولانا یعقوب چرخی ترتیب داده شد که در آن عده‌ای از طلبه‌ها و به اصطلاح حزب‌اللهی‌های آنان حضور داشتند. لازم به ذکر است که این مسجد مربوط به یکی از عرفای آنان که شاگرد شیخ‌احمد نقشبندی است می‌باشد و محل زیارت مردم است و در انتهای شهر قرار دارد و جای بسیار باصفائی است. در این جلسه که برای ناهار دعوت شده بودم، در ابتدا سخنانی در رابطه با وضعیت انقلاب اسلامی و چگونگی شکل‌گیری آن و نیز «عالم متهتک و جاهل متنسک» سخن گفتم. آنگاه حاضرین سؤالاتی در رابطه با ولایت فقیه، مسأله حج، وهابیت و سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی از طریق آموزش و پرورش مطرح کردند که جواب داده شد. علاوه بر آن ملاقات‌هایی هم با تحصیلکرده‌ها از جمله آقای ترسان‌زاده رئیس انستیتو ایران‌شناسی، دکترکمال عینی از فرهنگستان علوم تاجیکستان و عده‌ای دیگر از مدعوین در کنفرانس انجام شد که محور بحث‌ها همان موضوعاتی بود که گفته شد.

باز هم در مورد سمینار: در جلسه افتتاحیه سمینار، با حضور وزیر فرهنگ، یک دقیقه سکوت به خاطر مصیبت وارده به ایران در اثر زلزله اعلام شد. در پایان از نمایشگاه کتاب جمهوری اسلامی ایران که از انتشارات کتابخانه ملی و نیز بیش از سی عنوان از نشریات سروش (صدا و سیما) و کتابهایی که اینجانب از سازمان تبلیغات گرفته بودم به اضافه پوسترها و وصیتنامه حضرت امام و پیام اخیر رهبر انقلاب تشکیل شده بود، بازدید به عمل آمد که مورد توجه شدید قرار گرفت، به طوریکه نمایشگاه خود آنها را تحت‌الشعاع قرار داد. مضافاً که اسلایدی هم برده شده بود که انقلاب اسلامی را در یک نگاه معرفی می‌کرد، به همراه نوارهای موسیقی مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی. آنها ضمن اینکه برای تحویل گرفتن کتابها پس از برگزاری نمایشگاه بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند، مصر بودند که باید نمایشگاهی کامل و جامع در تاجیکستان در آینده از طرف ایران برگزار شود. در ضمن به ما قول دادند که نمایشگاه کتاب جمهوری اسلامی ایران را برای مدت ۱۲ روز تا یکماه جهت استفاده عموم مفتوح نگهدارند.

در پایان سفر در اتریش از مقر سازمان ملل در وین که محل استقرار سازمان یونیدو، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان امور اجتماعی وابسته به سازمان ملل است، بازدید به عمل آمد

و با رئیس مرکز اطلاعات ملاقات و گفتگو شد. نامبرده اظهار می‌کرد که کشورهای در حال توسعه باید سریعتر و بیشتر از اطلاعات علمی استفاده کنند اما متأسفانه به دلیل نداشتن توان لازم استفاده کافی نمی‌شود.

آنچه در یک نگاه در مراکز کشورهای غربی و نیز مسکو جلب توجه می‌کند.

۱ ـ حفظ بافت قدیمی شهر و نمای ساختمانهای ۴ یا ۵ طبقه با سبک معماری خاص به طرز زیبا، و جلوگیری شهرداری‌های محل از ایجاد هر گونه تغییر در بافت قدیمی شهر، که بسیار جالب توجه است و من هر چه فکر کردم که ما در شهرهای خودمان به ویژه تهران آیا بافت قدیمی اسطقس‌دار، زیبا و قشنگ داریم که آن را حفظ کنیم، چیزی را نیافتم و اگر هم بوده است به خاطر بی‌توجهی از بین رفته است، مگر بازارها را بتوان حفظ کرد.

۲ ـ وجود هوای تمیز و امکانات ترافیکی قوی و رعایت ضوابط راهنمایی و رانندگی.

۳ ـ توجه شدید به فضای سبز و گسترش و تقویت هرچه بیشتر آن و حفظ محیط زیست.

و اما پیشنهادها:

۱ ـ توجه به کشور اتحاد شوروی باید بیشتر باشد.

سرزمین شوروی، سرزمین بسیار بزرگ و ناشناخته و بکری است که پس از پروستریکای گورباچف، هر کس زودتر در آن کار کند موفق می‌شود. جمهوریهای مسلمان‌نشین آن به ویژه برای ما اهمیت فراوانی دارد. اخیراً وهابیها در آنجا فعالیت را شروع کرده‌اند. بیش از یک میلیون قرآن چاپ نموده و مجانی به آنجا ارسال کرده‌اند. ظاهراً چهل هزار نسخه فقط به تاجیکستان رسیده و قرار است بقیه سهمیه نیز متعاقباً ارسال شود. گفته شده این قرآنها را به مردم فروخته‌اند و از درآمد آن، هزینه مساجد و نوسازی و بهسازی آنها نموده‌اند.

در بین جمهوریهای مسلمان‌نشین که عموماً شاخصه اسلام از یک طرف و سابقه دیرینه فرهنگی به عنوان ماوراءالنهر و قفقاز از طرف دیگر پیوندشان را با ما قویتر کرده است، دو جمهوری آذربایجان و تاجیکستان به نظر می‌رسد که به ما نزدیکترند، آذربایجانی‌ها به دلیل شیعه بودن، و تاجیکها به دلیل فارسی زبان بودن، چنانچه از این موقعیت ممتاز استفاده بهینه نشود در آینده ممکن است زمینه کاری به این خوبی نباشد. همزمان با مسافرت اینجانب هیأتی

از طرف عربستان سعودی در تاجیکستان حضور داشت که قاضی توریجان‌زاده میزبان آنها بود. آنها کمک‌های فراوان در ساختن مساجد و امور دیگر می‌کنند. اینک که تاجیکها خود اصرار دارند باید هر چه سریعتر به خواسته آنها پاسخ گفت. مردم از من قرآن به ویژه قرآن با ترجمه فارسی می‌خواستند که متأسفانه همراه نداشتیم. و علت آن را چنین می‌گفتم که به خاطر سالگرد حضرت امام (ره) هر چه بوده، توزیع شده است.

۲ ـ ایجاد ارتباط کنسولی

وجود یک کنسولگری قوی در تاجیکستان می‌تواند روابط فرهنگی را سامان دهد و از دوباره‌کاریها و چندباره‌کاریها جلوگیری نماید و موارد و مطالب لازم و مورد نیاز را تهیه کند. با توجه به استقبال گسترده آنان به آموزش خط فارسی، همکاری وزارت آموزش و پرورش به ویژه سازمان کتابهای درسی در کلیه سطوح می‌تواند مؤثر باشد. در محل انستیتو ایرانشناسی رئیس مربوطه کتاب اول ابتدائی ایران را نشان داد که مربوط به قبل از انقلاب بود. آموزش خط و هنر خطاطی زمینه مناسبی دارد.

۳ ـ تقویت کادر سفارت:

بدیهی است پهناور بودن کشور شوروی و حجم مناسبات و معاملات ما با آنها ایجاب می‌کند که کادر سفارت ما قویتر از این باشد. آشنایی با موقعیت‌های محلی و سرمایه‌گذاری فرهنگی و حضور در همه فعالیت‌ها، سرمایه‌گذاری خوبی است که می‌تواند در آینده منشأ اثر باشد. مقایسه تعداد نفرات سفارت شوروی و یا چین با تعداد نفرات ما در آن کشورها به خوبی نشان می‌دهد که ما در چه وضعیتی هستیم. کسانی که قبلاً در شوروی بوده‌اند و با این کشور آشنایی پیدا کرده‌اند را نباید به کارهای دیگر گماشت. از نیروهای کارآمد نباید به صورت آچار فرانسه استفاده نمود، هر روز در یک کشور و با یک فعالیت نو. جمع‌آوری و استفاده از تجربیات گذشته خود سرمایه‌گذاری جدیدی است که در آینده بهره‌های فراوان خواهد داد؛ مثلاً سفیر قبلی که مدت خدمتش به پایان رسیده اطلاعات خوب و مفیدی در باره این کشور دارد و حیف است که در آینده از اطلاعات او استفاده نشود.

مدیریت بهینه آن است که از تجربهٔ مفید افراد در موضوعات گوناگون استفاده شود و مدیران

هر چهار روز در منصب و مقامی جدید نباشند تا بتوانند از تجربیات و اطلاعات خود استفاده کامل کنند.

زمان حال از آن جهت اهمیت ویژه دارد که اتحاد جماهیر شوروی علی‌الظاهر دارد از هم می‌پاشد. هر یک از جمهوریها ادعای استقلال دارند و حتی جمهوری روسیه هم مدعی جدائی است. دولت مرکزی هم به جمهوریها ابلاغ کرده است که سعی کنند خودکفا باشند و قرار است اختیارات بیشتری هم به جمهوریها داده شود.

۴ ـ لزوم ایجاد هماهنگی در سفرها

بسیار بجا و مناسب است به جای اینکه به سفر خارج به چشم یک امتیاز آن هم امتیاز مادی نگریسته شود، که مسافر هم به جاذبه‌های جهانگردی توجه دارد و هم به صدور ارز و خرید سوغات و ره‌آورد، مسأله پرداخت به‌گونه‌ای تعدیل شود که جاذبه مادی آن کم و یا حذف شود و به کارمندانی که موقعیت مسافرت به خارج را ندارند امتیازات دیگری بر حسب موقعیت شغلی آنها در داخل کشور عرضه شود تا هم عدالت نسبی برقرار شود و هم مسافرت‌ها بر اساس کار و انجام وظیفه و کارآیی افراد ذیصلاح صورت پذیرد، تا هر مأمور مجبور نباشد در سفر بعدی از صفر شروع کند و هم سفارتخانه‌های ما بهای لازم را به هیأت‌ها بدهند و برای مأموریت آنان سرمایه‌گذاری کنند. بنابراین لازم است که مسؤولیت امور مختلف هر کشور با سفارتخانه‌ها هماهنگ شود. گزارش فعالیت بازدیدکنندگان در کشورهای خارجی ثبت و ضبط شود و هر فرد یا هیأت بعدی با مطالعه آنچه انجام شده قدم و قدم‌های بعدی را بردارد. من در این سفر ایرانشناسانی را از مسکو و لنینگراد دیدم که هم به خوبی فارسی می‌دانستند و هم اطلاعات بسیار خوبی در باره ایران و تاریخ ادبیات آن داشتند، و این نشانه آن است که آنها سالها بر روی این موضوع کار کرده‌اند. مثلاً پطروشفسکی برای ما تاریخ ایران می‌نویسد، ولی ما هرگز کسی را نداشته‌ایم که دست کم تاریخ قفقاز را بنویسد. چه خوب است مثلاً مؤسسه تحقیقات و مطالعات وزارت خارجه، اطلاعات کافی راجع به کشورها را تحت عنوان آرشیو اطلاعات کشور شوروی، چین و غیره به صورت مدون و تفکیک شده داشته باشد و مأموران، قبل از سفر ملزم باشند از این آرشیو استفاده کنند و حتی با متخصصان موضوعی هم صحبتی داشته باشند، در بازگشت هم با گزارشی که می‌دهند چیزی بر گنجینه بیفزایند. به عبارت روشن‌تر با دست پر

بروند و با دستی پرتر برگردند.

۵ـ ام‌القری زبان فارسی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبتی در باره جمهوری اسلامی فرموده‌اند که ایران ام‌القرای اسلام است. به نظر می‌رسد با عنایت و علاقه فراوانی که بخشی از مردم دنیا به زبان فارسی دارند، که یا خود بدان تکلم می‌کنند و یا دوستدار آنند و یا پاره‌ای از کلمات و اصطلاحات فارسی در زبان آنها به کار رفته است، و نیز از آنجا که ادبیات انقلاب ما عمدتاً به زبان فارسی است، بی‌مورد نیست که ایران را ام‌القرای زبان فارسی هم بنامیم. تا در این رابطه مرکزی قوی ایجاد شود و مسائل مربوط به زبان فارسی را سامان دهد. در این سفر، بسیاری از تحصیلکرده‌های تاجیکی در مورد کاربرد لغات فارسی می‌گفتند ما نیازمندیم که یک مرکزی ما را در این زمینه راهنمایی کند. آنها بسیاری از کلمات و اصطلاحات ما را می‌پسندیدند، اما اگر یک مرکز تحقیقات زبان فارسی باشد تا کاربرد لغات را در سراسر مناطق فارسی زبان مورد تحقیق قرار دهد و واژه‌های پیشنهادی عرضه کند، و حتی فرهنگی جامع در این زمینه تهیه شود که کاربرد هر کلمه در سراسر مناطق فارسی زبان را معین کند و نظرات محققین را از همه جا جمع‌آوری نماید، کار بسیار ارزشمندی خواهد بود. افغانیها نیز به این امر علاقه‌مند بودند ضمن اینکه اظهار می‌داشتند که زبان پشتو با آنکه به نوعی برگرفته از زبان فارسی است، اینک به دشمنی با زبان فارسی برخاسته است. من فکر می‌کنم فرهنگستان که جدیداً آغاز به کار کرده است، بهترین مرکزی است که می‌تواند بر روی زبان فارسی به معنای وسیع کلمه کار کند. البته در پایان کنفرانس پیشنهاد شد که مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان فارسی ایجاد شود که به خاطر مسائل داخلی خودشان با مخالفت بعضی‌ها روبرو شد و گفتند که از حیطه کار کنفرانس خارج است.

۶ـ توجه به مسائل اقتصادی و بازرگانی

تاجیکستان و چه بسا سایر جمهوریهای شوروی آماده سرمایه‌گذاری اقتصادی هستند. هیأتی از طرف استانداری خراسان جهت بررسی زمینه‌های تجاری آمده بود. آنها هم زمینه را بسیار مساعد می‌دیدند منتها از تغییر سیاست‌ها در داخل کشور کمی بیمناک بودند، و اینکه

احتمالاً از طرف مسؤولین مورد بی‌مهری قرار گیرند. به آنها پیشنهاد شده بود بیایید در شهر دوشنبه یک هتل بسازید و یا رستورانی که در آن غذای ایرانی را به مشتریان عرضه کند. لازم به توضیح است که افغانیها در مسکو رستوران خاص دارند. و یا آمریکائیها در مسکو مرکزی را در بهترین نقطه شهر در اختیار شرکت «مک‌دونالدز» قرار داده‌اند که فقط به مردم ساندویچ می‌دهند و مشتریان با صفهای عریض و طولانی خریدار آنند. کتابفروشی بسیار مشتری دارد. صنایع کوچک دستی می‌تواند نقطه شروع باشد. دست کم دولت می‌تواند دست استان خراسان را در فعالیتهای اقتصادی در آن منطقه باز بگذارد تا بتواند به عرضه بهترین محصولات و برقراری روابط تجاری که مقدمه روابط فرهنگی هم خواهد بود بپردازد.

۷ ـ اعزام مبلغین شیعه و سنی

و سرانجام اعزام مبلغین شیعه و سنی به آنجا بسیار بجاست. توجه به اینکه مثلاً ریاست جمهوری مشاور در امور اهل سنت دارد و یا سنی‌ها و شیعه‌ها در همه فعالیت‌ها در کشور در کنار یکدیگرند بسیار مؤثر است. ضمن اینکه ایران می‌تواند به طلاب تاجیکی آموزش دهد و یا دانشگاههای ما تعدادی از دانشجویان آنها را بپذیرد.

بخش پنجم

معرفی و نقد کتاب

۲۲

پوست سیاه، صورتکهای سفید*

«من از میلیونها انسانی سخن می‌گویم که ترس و عقده حقارت، و لرزیدن و زانو زدن و نا‌امیدی و نوکری، عالمانه بدانان تلقین شده است.»

امه سه زر: خطابه درباب استعمار[1]

فرانتس فانون (۱۹۲۰ ـ ۱۹۶۱)، نویسنده معروف و انقلابی سیاه پوست همچون امه سه زر در بیداری جهان سیاه نقشی عظیم به عهده داشته است. وی با آنکه از آنهمه ستم‌ها و ناروایی‌های نژادگرایانه و امپریالیستی نسل سفید، دلی پردرد دارد، و از بی‌خبری و خودباختگی همرنگان خویش در برابر انسان‌های به اصطلاح متمدن رنج می‌برد، ولی در عین حال برگذشته

---

* این مقاله که در نامه انجمن کتابداران ایران ۷ (۳) پائیز ۱۳۵۳ چاپ شده است نقدی است بر کتاب «پوست سیاه، صورتکهای سفید» تألیف فرانتس فانون، ترجمه محمدامین کاردان، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۳، ۲۴۲ ص.

تأسف نمی‌خورد، و آنچه بیشتر از همه برایش ارزشمند است بیداری و آگاهی انسان، دور از هرگونه تعصب جاهلی و احمقانه، و زندگی مسالمت آمیز در راه تحصیل خوشبختی است.

فانون بیش از هر چیز به انسان ایمان دارد و از وی می‌خواهد که ازپیشداوری‌های نژادی خویش دست برداشته و در راه فهمیدن ودوست داشتن قدم بر دارد، و از اینکه «سفیدپوست در زندان سفیدی خویش اسیر است و سیاه پوست در زندان سیاهی خود»[۲] سخت شکوه می‌نماید. وی به زمان حال و آینده تکیه می‌کند و می‌گوید باید گذشته‌ها را فراموش نمود و برای حال چاره‌ای اندیشید.

فانون در فصل اول کتاب از مسأله زبان سخن به میان می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه سیاهان خودباخته و از خود بیگانه (سیاهانی که برای اقامت به فرانسه می‌آیند، و در اینجا بیشتر از همه تأکیدش بر روی سیاهان آنتیلی و مارتینیکی است)، برای جبران خودکم‌بینی خویش سعی می‌کنند که هرچه فصیح تر مانند سفیدپوستان حرف بزنند. وی این مسأله و اهمیت آن را از نظر روانشناسی بررسی می‌کند و به نکته‌های دقیق و دور از توجه دیگران اشاره می‌نماید: «باری به مجرد اینکه سیاه وارد فرانسه شد، سرازپا نمی‌شناسد و تصمیم می‌گیرد که عوض شود و نه فقط ظاهرش را عوض می‌کند، بلکه بنیان و اساس خودش را هم، به استقلال از هر رفتار مشروط، عوض کند.»[۳] وی سپس رفتار سفیدپوستان را در برابر سیاهان و بازتاب این حرکات تحقیرآمیز و موهن و یا احیانا توأم با حس ترحم را به خوبی می‌نمایاند.

وی در فصول دوم و سوم، به ازدواجهای مرد سیاه پوست با زن سفیدپوست و بالعکس می‌پردازد و رفتار این دو را از نظر روانی با یکدیگر مقایسه و تجزیه و تحلیل می‌کند.

در فصل چهارم در باب عقده به اصطلاح وابستگی فرد استعمارزده سخن می‌گوید، وبه بعضی از نویسندگانی که سعی کرده‌اند عقده حقارت و وابستگی را عالمانه به خورد سیاهان دهند به شدت انتقاد می‌کند. وی بیش از هرچیز به بررسی کتاب «روانشناسی استعمار» اثر مانونی[۴] می‌پردازد و نویسنده را متهم می‌کند که ناامیدی انسان سیاه پوست را از درون احساس نمی‌کند. قضاوت و احساس او از دریچه چشم یک فرد استعمارگر سفیدپوست نژادگرا است و چنین می‌افزاید که: «من شخصاً در این مطالعه کوشیده‌ام که بدبختی سیاه پوست را لمس کنم. هم از نظر تماس جسمانی و هم از نظر عاطفی. نخواسته‌ام رفتاری عینی و بی‌طرف داشته باشم. وانگهی اینکه می‌گویند می‌توان بی‌طرف بود غلط است، من که نتوانستم»[5] و مانونی را در آنجا

که بین اشکال استثمار و استعمار فرق می‌گذارد و نژادپرستی‌ها را تقسیم‌بندی می‌کند و می‌گوید «استثمار استعماری را نباید با سایر صور استثمار مشابه دانست، نژادگرایی استعماری با سایر نژادگرائیها فرق می‌کند»[6] به شدت محکوم می‌کند و می‌گوید: «آیا واقعا بین دونژادگرایی تفاوتی وجود دارد؟ مگر در هر مورد پای همان سقوط و همان ورشکستگی انسان در میان نیست؟»[7]

وی آنجا که سخن از مسؤولیت همگانی به میان می‌آورد، فرد فرد اجتماع را در تعیین خط مشی خود و دیگران سهیم می‌داند و همه افرادی راکه در برابر جرم و جنایت سکوت نموده‌اند شریک جرم و مقصر می‌داند. وی در جواب این سخن که «استعمار و استعمارگری کار ماجراجویان است» و «صالح ترین نمایندگان را فوق همه این سروصداها می‌دانند»، از فرانتس ژانسون کمک می‌گیرد و می‌گوید «تک تک افراد هر ملت مسؤول اقداماتی هستند که به نام آن ملت انجام شده است...»[8]

به نظر فانون سفیدپوستان سعی کرده‌اند عالمانه، حقارت و تسلیم بودن را به خورد سیاهان دهند؛ و با تزریق عباراتی چون «تمام اقوام قابلیت به استعمار کشیده شدن را ندارند، فقط آنهایی قابلیت دارند که این نیاز (وابستگی) را دارا می‌باشند»، کار خود را توجیه کنند.

فانون به خوبی نمایانده است که اگر سیاه تا این اندازه سعی دارد در حرکات و سکناتش از سفید تقلید کند، و جزو سفیدپوستان قرار گیرد، علت اصلی و عمده آن همان عقده حقارت است، اما برخلاف گفته فوق که حقارت و عدم استقلال را در گروهی از افراد ذاتی می‌پندارد، معتقد است که این احساس معلول عواملی است که جامعه خود موجد آن گشته است. به عبارت دیگر احساس حقارت سیاه برای این است که در جامعه‌ای قرار گرفته است که بروز عقده حقارت را در او ایجاب کرده است.

در فصل پنجم درباره واقعیت سیاه‌پوستی بیانی ژرف دارد و در اینجا باز به تساوی اشکال استعمار، (استعمار نژاد یهود و استعمار نژاد سیاه) از زبان استادی فرانسوی خطاب به سیاهان شاهد می‌آورد که می‌گفت: «وقتی می‌شنوید از یهودی بد می‌گویند، گوشها را تیز کنید، دارند از شما حرف می‌زنند.»[9] او از جنگهای ماجراجویانه‌ای که هیچگونه هدفی جز استثمار و برده‌کشی و بهره‌وری از ذخایر مادی و طبیعی ملتی ندارند ابراز تنفر می‌کند، و تمام اشکال آن را یکی می‌داند، در ویتنام باشد یا در خاورمیانه، در کوبا باشد یا در الجزایر، فرقی نمی‌کند.

در فصل ششم به شناخت بیماریهای روانی سیاه پوستان می‌پردازد و این مسأله را با استفاده

از گفتار روانشناسانی چون فروید و آدلر و فیلسوفانی چون هگل به دقت می‌آزماید؛ و بیش از همه عامل اصلی را همان تحقیر و ضربه‌های عاطفی می‌داند که سفیدپوستان برجسم و جان سیاه وارد می‌کنند. سیاه پوست تا وقتی که در آفریقاست و با سفیدپوستی تماس نگرفته است زندگی‌اش عادی و متعادل است، اما به محضی که وارد فرانسه می‌شود، اگر چه در کشور خویش به سر برد، اما این احساس به او دست می‌دهد که با دیگران فرق دارد.

در فصل هفتم با استفاده از مکتب روانشناسی آدلر به شناخت علت های این خودباختگی می‌پردازد و اصرار دارد که سیاه خود را بشناسد، وعلیرغم طرز تفکر سفیدپوستان از سیاه‌به عنوان جرثومه پلیدی و ناپاکی و وحشیگری، اثبات کند که آن گونه که اروپایی فکر می‌کند نیست.

و بالاخره تأکید می‌کند که اگر موقعیت سیاه پوست بهتر شده و یا می‌شود، نه به خاطر عطوفت و مهربانی سفیدپوست هاست و نه انسان دوستی آنها، بلکه بخاطر تلاشها و مبارزاتی است که در این راه صورت گرفته، و هم از این راه باید حق و ارج خود را باز یابند. زیرا که این تغییر وضع هیچکدام دهش و بخشش نیست.[10]

و ختام کلام اینکه انسان یک «آری» است، آری به زندگی، آری به عشق، آری به بزرگواری؛ اما انسان یک «نه» نیز هست. نه به نفرت از انسان، نه به طرد شرافت انسان، نه به استثمار انسان، به کشتن آنچه در وجود آدمی از هرچیز دیگر، انسانی‌تر است یعنی آزادی.[11]

و سرانجام در پایان کتاب با گذشتی بی‌نظیر، فریاد می‌زند که باید از کنار آنچه گذشته است گذشت؛ زشتیها را فراموش کرد و انسانیت انسان را در هر کجا که هست کشف نمود و تقدیس کرد. نه سیاهان و نه سفیدپوستان بلکه جهانیان را به بیداری وجدان و زندگی دور از تعصب نژادگرایانه خواند. هیچگاه از سیاهان نمی‌خواهد که برسفیدپوستان بشورند و به قصد تلافی نسبت به آنچه بر آنان رفته است انتقام کشند. او نقش وجودی انسان را والاتر از این کشمکشهای بی‌ثمر می‌داند. او معتقد است که برای احیای گذشته سیاهان نیست که می‌جنگد و مبارزه می‌کند، او هرگز نمی‌خواهد خاطرات دردناک گذشته را از نو زنده کند. او بیش از هر چیز به حال و آینده تکیه می‌کند و بر وضع اسفبار کنونی هم نژادانش تأسف می‌خورد:

«به هیچ وجه نباید در صدد تجدید حیات تمدنی سیاه‌پوستانه که ناروا ناشناخته مانده است برآئیم،... من نمی‌خواهم به زبان حال و آینده خویش، سرود گذشته را سردهم.»

«شورش فرد هندوچینی به خاطر تمدن خاص خویش نیست، بلکه از آن رواست که به سادگی

هرچه تمامتر نفس کشیدن به جهات عدیده برایش غیرممکن شده بود...»[۱۲]

وی برای همه جهان، آرزو می‌کند که انسان هرگز اسیر ابزار نشود. اسارت بشر به دست بشر صورت نگیرد، و به انسان اجازه داده شود که انسان را هر کجا که هست کشف کند و دوست بدارد و در جهانی که مفهوم نژادگرایانه یا سیاه و سفید بی‌معنی است، همگان دست به دست یکدیگر و دوش به دوش هم برای سعادت واقعی خود بکوشند.[۱۳]

ترجمه کتاب گرچه به لحاظ متن ادبی، علمی و روانشناسی آن در پاره‌ای از قسمتها سنگین به نظر می‌رسد، ولی روان و یکدست است، چاپ و صحافی کتاب نیز خوب است.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - ص ۵

۲ - ص ۸

۳ - ص ۲۱

۴. Mannoni

۵ - ص ۸۹ ـ ۹۰

۶ - ص ۹۱

۷ - ص ۸۹ ـ ۹۰

۸ - ص ۹۴ ـ ۹۵

۹ - ص ۱۲۵

۱۰ - ص ۲۳۱

۱۱ - ص ۲۳۲

۱۲ - ص ۲۷۳

۱۳ - ص ۲۴۲

۲۳

خیال‌پردازی یا نابودی*

رنه دومن یکی از علمای کشاورزی و استاد دانشکده کشاورزی پاریس است. وی سالیان دراز است که برای یافتن راه‌حلی برای مبارزه با فقر و گرسنگی، بیشتر نقاط جهان را از افریقای سیاه تا چین و هند زیر پا گذارده است.

کتاب «خیالپردازی یا نابودی» فریاد اعتراضی است علیه استثمار و استعمار، و ادعانامه‌ای است علیه تمدن کنونی که اقتصاد سودجو بر آن حکمفرماست. نویسنده در این کتاب در آغاز، اثرات سوء این اقتصاد حاکم بر جهان را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به خوبی می‌نمایاند که چگونه با این نظام ـ نظامی که تنها نفع کشورهای بزرگ و ثروتمند و ثروتمندان کشورهای فقیر را در نظر دارد ـ نه تنها اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان در معرض نابودی قرار دارند، بلکه جهان نیز به همراه منابع حیاتی‌اش راه انهدام می‌سپارد؛ زیرا این اقلیت ممتاز سودجو در جهان

---

* ـ این مقاله در نامه انجمن کتابداران ایران ۷ (۴) زمستان ۱۳۵۳ چاپ شده است، نقدی است بر کتاب «خیال‌پردازی یا نابودی»، تألیف رنه‌دومن، ترجمهٔ منیر جزنی (مهران)، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۵۳.

بیش از تمامی مردم روی زمین آلودگی می‌آفرینند و در استفاده از ذخائر مادی و طبیعی جهان به نفع خود و به ضرر دیگران، بیش از حد اسراف و تبذیر می‌کنند.

این کتاب از این جهت عنوان «خیال‌پردازی یا نابودی» را گرفته است که نویسنده به گمان خود و با توجه به واقعیت‌های دردناک جهان، پیشنهادهایی راکه ارائه می‌دهد ـ هر چند سازنده و منطقی‌اند ـ غیرعملی می‌داند. وی نه نظام سرمایه‌داری موجود، نه کمونیسم حاکم، و نه سوسیالیسم‌های دیگر را قادر به درمان دردهای ریشه‌دار بشری می‌داند، و تنها برای یافتن راه‌حلی به منظور دست یافتن به بی‌عدالتیِ کمتر پیشنهادهایی را ـ که به قول خودش خیال‌پردازی است ـ عنوان می‌کند. زیرا در جهانی که ثروتمندان با ۲۹٪ از جمعیت سیاره، از بیش از $\frac{4}{5}$ منابع جهانی سود می‌گیرند، و از آن حدی که سطح زندگی خویش می‌نامند، عقب‌نشینی را به آسانی نمی‌پذیرند[۱]، و هزینه یک سگ آمریکایی بیش از هزینه یک سرخپوست است، ... و در حالی که غذاهای سرشار از پروتئین سگ‌ها و گربه‌های اروپائیان کافی است که ۱۲ میلیون کودک آسیایی را به طور کافی تغذیه کند ...[۲] و تا زمانی که تبلیغات یکی از ستونهای پایه‌ای و بنیادی اقتصاد سودجو است، اقتصادی که برای رونق گرفتن، و یا تنها برای حفظ خود، به گسترش مدام و بی‌انتهای مصرف نیازمند است ...[۳] و «مادام که امپریالیسم مسلط و سلطانی چون سود حاکم است»[۴] و «برده‌داری کاملاً حذف نشده است»[۵] و از داکار تا داکا میلیونها انسان از گرسنگی می‌میرند، و هند به خرید ۶ میلیون تن غلاتی که نیازمند بود توفیق نیافت، زیرا به رقم سه میلیون که رسید اعتبار ارزی‌اش پایان یافت، چه این غلات را به بهای خیلی گرانتر از آنچه تصور می‌رفت خریداری کرد[۶] ... و بودجه جنرال موتورز به تنهایی برابر است با شش برابر تولید ناخالص داخلی هفت دولت جامعه اقتصادی افریقای غربی[۷] ...، و در جهانی که بر روی سیبها و میوه‌ها مازوت می‌ریزند به دلیل اینکه بازار فروش قابل پرداخت نمی‌یابند[۸]، قبول و انجام پیشنهادات خود را از طرف آنهایی که قدرت به دست دارند، جز خیال‌پردازی نمی‌داند.

رنه دومن معتقد است که اوضاع به آن صورتی نیست که راضی‌ها و قدرتمندان جلوه می‌دهند، و وخامت اوضاع به قدری است که برای جلوگیری از انهدام منابع حیاتی زمین، و پیشگیری از قحطی‌های همگانی زودرس، و به خاطر اینکه آیندگان نیز در این زمین اگر نه بهتر، لااقل مثل ما زندگی کنند، هر کس که فکر می‌کند چیزی برای گفتن دارد، باید هر چه زودتر

بگوید، چه فرصت از دست می‌رود. باید از بنیانهای اقتصادی کنونی خارج شد، زیرا تنها از این راه است که تصحیح خطاها و اشتباهات امکان‌پذیر است. کشورهای فقیر، سلطه اقتصادی را که غارتگر ثروت‌های معدنی آنهاست دیگر زمان درازی تحمل نخواهند کرد.[۹]

نویسنده در بخش اول کتاب به خوشبینی‌های نسنجیده بسیاری از خوشبینها خرده می‌گیرد. امکانات و منابع حیاتی کره ما را محدود می‌داند، و با آمار ثابت می‌کند که اگر این چنین بی‌بندوباری ادامه یابد، به زودی جهان برای زندگی مکان خطرناکی خواهد شد. تنزل و پس‌روی کیفیت خاک، فرسوده شدن منابع معدنی، خطرات هسته‌ای، آلودگی آبها، هوا، سوءتغذیه تصاعدی، و ظرفیت‌های محدود شده کشاورزی، همه از عواملی هستند که بشریت را به نابودی تهدید می‌کنند.

«آلوده‌سازی، نخست از رودخانه‌ها آغاز شد، و آنگاه به دریاچه‌ها و به مصب رودها و به دریاهای بسته کشید، و اکنون نوبت به اقیانوس‌ها رسیده است ...»[۱۰] اکنون در توکیو شاگردان مدرسه از هوای ناسالم رنج می‌برند و در برخی از چهارراه‌های این شهر که در حال تبدیل شدن به قطبهای عظیم و عجیبی هستند پلیس‌ها ـ که ستونهای تمدن ما به شمار می‌آیند ـ برای اینکه بتوانند به زندگی خود ادامه دهند، دم به دم به پست اکسیژن نزدیک می‌شوند و نفسهای عمیق می‌کشند، و به ناچار این استفاده از اکسیژن مرتب در فاصله‌های نزدیکتری تکرار می‌شود، هم اکنون تجار سودجو و حیله‌گر از خود می‌پرسند که آیا نمی‌توان در نیویورک قرابه‌های پر از «هوای پاک آلاسکا را به فروش رساند».[۱۱]

دومن در بخش دوم کتاب، ثروتمندان کشورهای ثروتمند را مسؤول این مشکلات می‌داند، و نشان می‌دهد که اینانند که منابع کمیاب جهان را بیش از همه به هدر می‌دهند، در حالی که همه چیزشان تأمین است، حاضرند برای تنوع و سرگرمی خود، جهانی را به خاک و خون کشند تا از جامعه مصرفی هر چه بیشتر سودگیرند. «جالب است که مطبوعات انتخاب شده و تخصص یافته چگونه توفیق می‌یابند که توجه قشرهای مردم از کارگر تا دختر فروشنده، از مستخدم تا منشی را به جای معطوف ساختن به مسائل مهم زمان، به مسائلی که مربوط به سود شخصی آنهاست، به عشقها یا ماجراهای پرهیاهوی زندگی هنرپیشه‌ها و میلیونرها جلب سازند».[۱۲]

وی وجود تسلیحات، اتومبیلهای شخصی، و شهرهای غول‌آسا، و رشد سریع آنها را بزرگترین دشمنان انسان می‌داند، و آنها را سرچشمه‌های اسراف و اتلاف برای ممتازین،

ممتازینی که نتایج زیانبخش انفجار جمعیت و رشد بی‌نظارت صنعتی را به گونه‌ای وحشتناک تشدید می‌کنند، می‌خواند، امّا مادام که همه اهرمهای فرماندهی در میان دستهای منقبض این ممتازین است، چگونه می‌توان حرف حق را به گوششان رساند؟ مگر اینکه بتوان به پشت دستشان زد.[۱۳]

در بخش سوم شورشها و عصیانهای کشورهای زیر سلطه را گریزناپذیر می‌داند، و اعلام می‌دارد که برای آگاه کردن بشریت نسبت به محدودیت رشد و لزوم صرفه‌جویی و استفاده صحیح و برقراری عدالت اجتماعی به نفع همه، کوتاهی نشده است، زیرا در این زمینه کتابهای فراوان نوشته شده است. و پیشنهاد می‌کند که بیش از هر چیز باید اولویت را به کشاورزی داد، اما کشاورزی که با اقتصاد ملی تقویت و پشتیبانی شود، نه آنکه با سرمایه‌های خارجی به کار پردازد، زیرا از این راه است که هم به منابع تغذیه جهان کمک می‌شود، و هم سلامت هوا و حاصلخیزی خاک تأمین می‌گردد. او در این مورد کشور چین را مثال می‌آورد که چگونه بدون اتکا به کشورهای بیگانه، تنها به پشتوانه نیروی ملی، از هر وجب خاک خود استفاده می‌کند، و در این استفاده هرگز اسراف و تبذیر را جایز نمی‌داند، وگرچه راه چین را دربست برای تمامی جهان پیشنهاد نمی‌کند، ولی بسیاری از الگوهای آن را برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته توصیه می‌کند.[۱۴]

در بخش چهارم، اصرار دارد که برای رهایی از بدبختیهای کنونی که بیش از همه گریبانگیر ملل فقیر و بیچاره است، روش کشورهای ثروتمند و ثروتمندان کشورهای ضعیف عوض شود، و بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز، طرحهایی را عنوان می‌کند، و به لزوم ایجاد قدرتی مافوق ملت‌ها برای نظارت بر همه کشورها تأکید می‌نماید، قدرتی که بتواند به جای جنگ از طریق داوری اختلافات را حل کند. توصیه می‌کند که در توزیع درآمدها باید تغییر بنیادی داده شود، و به ملل فقیر همان اندازه تعلق گیرد که به کشورهای قوی ـ و معلوم است که قبول این طرحها برای ثروتمندان کاری بس دشوار است ـ به جای اتومبیل‌های شخصی از وسائل دسته‌جمعی استفاده شود، مسافرت‌های هوائی جیره‌بندی گردند، موج عنان گسسته شهرسازی مهار شود، و در عوض نسبت به صنعتی کردن روستاها بدون اینکه به محیط سالم و طبیعی آنها لطمه‌ای وارد شود، اقدام گردد.

در بخش پنجم خاطرنشان می‌کند که بشریت یا باید بی‌عدالتی‌های موجود را بپذیرد، و یا به

خاطر بقاء زندگی هر چه بیشتر در این سیاره به سلطه‌ها، تسلیحات، بهره‌کشی‌ها، از خودبیگانگی‌ها، و اسراف‌ها پایان دهد. در برابر فریاد «ایست به رشد»[۱۵] ، ضمن تأیید آن می‌گوید: لازم است قبلاً بگوییم «ایست به سلطه‌جویی بر ملت‌ها و زحمتکشان کشورهای فقیر توسط قدرتمندان کشورهای ثروتمند که متحد اقلیت‌های ممتاز این مناطق زیر سلطه‌اند.[۱۶] ایست به تسلیحات ـ تسلیحاتی که سبب اتلاف منابع طبیعی کمیاب می‌گردد، پیدایش کمبودها و فقدانهای شوم را تسریع می‌کند، کشورهای فقیر را به تباهی می‌کشاند و همگی ما را با خطر کند تنزل ژنتیک و یا خطر ناگهانی پایان دنیا از راه یک خودکشی اتمی روبرو می‌سازد[۱۷] ـ ایست به بهره‌کشیها و به از خودبیگانگیها با تلاش در ساختن تدریجی جامعه‌ای، نه آرمانی و بهشت‌آسا و بی‌نقص، بلکه جامعه‌ای دست‌کم با بی‌عدالتی کمتر ... ایست به اسرافها و اتلافها و ایست به انفجار جمعیت. و سرانجام راهی نیست به جز یک گرایش راستین به عدالت اجتماعی[۱۸]، و ایجاد جامعه‌ای بدون تحقیر.

مترجم کتاب، متفکرین امروز جهان را بر حسب بینش و برداشتشان از مسائل اجتماعی، به دو دسته تقسیم می‌کند: آنان که به خوشبینی معروفند، و کسانی که به بدبینی (و یا شاید واقع‌بینی صادقانه) متهم‌اند، و «دومن» را از نوع دوم می‌داند. گرچه مطالعه کتاب برای آنان که به بهداشت محیط زیست علاقه‌مندند، بخصوص آنهایی که دست‌اندرکار اسراف و تبذیرند ضرورت کامل دارد؛ ولی دیگران نیز، به منظور آگاهی از منابع و امکانات موجود زمینی ما و دست کم برای آگاهی از وضع موجود، و سپس اتخاذ خط مشی صحیح برای بهره‌برداری از ذخائر حیاتی، و تحت انضباط قرار دادن بهره‌برداریها به سود همگان، نه به سود اقلیت سودجو، از خواندن این کتاب بی‌بهره نخواهند ماند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - ص ۴۶.

۲ - ص ۵۶.

۳ - ص ۶۴.

۴ - ص ۷۰.

۵ - ص ۱۲۲.

۶ - ص ۱۲۷.

۷ - ص ۱۳۱.

۸ - ص ۳۸.

۹ - ص ۳۸.

۱۰ - ص ؟

۱۱ - ص ۳۸.

۱۲ - ص ۵۳.

۱۳ - ص ۶۹.

۱۴ - ص ۸۱.

۱۵ - عنوان کتابی است که توسط باشگاه رم منتشر شده است.

۱۶ - ص ۱۲۸.

۱۷ - ص ۱۲۹.

۱۸ - ص ۲۴۶.

۲۴

نقد حکمت عامیانه*

با تمام کارآئی فلسفه غرب، آنچه که گفتارش ضروری به نظر می‌رسد این است که فلسفه هر چند نگرشی عام و کلی از جهان و پدیده‌های جهان است، و تفسیری است از راز هستی و بودن، ولی خواه ناخواه، هر فلسفه‌ای کم و بیش متأثر از وضع اجتماعی، فرهنگ، دین و دیگر نهادهای جامعه است، و در بعضی موارد واکنش مستقیم یکی از این نهادها است. بنابراین فیلسوف یا منتقد فلسفه باید از یک طرف به تمام خصوصیات روانی انسان، و از طرف دیگر به مشخصات اجتماعات و طبقات مختلف با خصوصیات ویژه آنها، آشنا باشد. حوزه و قلمرو فلسفه غرب نیز بیش از همه اختصاص به خود غرب دارد تا سرزمین‌های دیگر، و اینکه فیلسوفان غربی به شرق با آن غنای فلسفی و مذهبی‌اش توجهی نمی‌کنند، شاید دلیل دیگری بر غرور علمی

---

* این مقاله که در نامه انجمن کتابداران ایران ۷ (۲) زمستان ۱۳۵۳ چاپ شده است، نقدی است بر کتاب «حکمت عامیانه»، تألیف سیمون دوبوار، ترجمهٔ مصطفی رحیمی، انتشارات آگاه، سال ۱۳۵۳.

آنهاست. از این جهت بر فیلسوفان و دانشمندان و چه بسا مترجمان است که این‌گونه آثار را نقد و ارزیابی کرده و با توجه به محیط و وضع اجتماعی خود، آنها را در اختیار عموم بگذارند.

صرف‌نظر از اثبات یا رد مکتب اگزیستانسیالیسم که در این کتاب از آن دفاع شده است، نویسنده در نمایاندن بسیاری از خصوصیات روانی فرد و جامعه مادی غرب توانایی خود را به اثبات رسانده است. این کتاب از چهار مقاله که سخنرانی‌های نویسنده است تشکیل شده است. وی در مقدمه کتاب چنین می‌گوید: «بشر را از فلسفه گریزی نیست، زیرا از آزادی خود گریز ندارد، آزادی متضمن طرح سؤال است و طرد چیزهای از پیش ساخته شده». بنابراین هر شیوه و طریقه زنده در زندگی، انتخابی است فلسفی و هدف هر فلسفه شایسته این نام آن است که شیوه‌ای از زندگی باشد متضمن توجیه خود.

در مقاله اول که همنام عنوان کتاب است، به اتهاماتی که به مکتب اگزیستانسیالیسم به عنوان یگانه مکتب زنده عصر کنونی وارد شده پاسخ می‌گوید. نویسنده می‌کوشد بسیاری از خصوصیات روحی و فکری مردم را در این‌گونه مسائل به دقت بررسی نماید و اثبات کند که رد یا اثبات مردم، نمی‌تواند دلیل و ملاک قرار گیرد، زیرا عموم مردم به خاطر خصوصیات روحی مشترکی که دارند، می‌خواهند شانه از زیر بار مسؤولیت خالی کنند، و نخستین ایرادی که به اگزیستانسیالیسم می‌گیرند، این است که نظامی است منسجم و سازمان‌یافته و فلسفه‌ای است که می‌خواهد به تمامی پذیرفته شود، و مردمان می‌ترسند که اگر نگرشی از جهان را که به صراحت تعریف شده، بپذیرند خطر آن هست که بار مسؤولیت‌های سنگینی را بر دوش بگیرند[1]. و در مقدمه کتاب نیز ضمن اشاره به ایرادهایی که به این نظام فکری می‌گیرند، علت اصلی آن را عدم اعتقاد مردم به فلسفه و یا نارسایی آن در جوابگویی به نیاز معنوی بشر و درماندگی آن از تفسیر واقعی جهان و ارائه خط‌مشی‌ای روشن می‌داند: «امروز هنگامی که به اگزیستانسیالیسم حمله می‌کنند معمولاً بدان علت نیست که آئین مشخص دیگری را بر آن ترجیح می‌دهند، بلکه بدان علت است که برای فلسفه به طور کلی اعتباری قائل نیستند».

در مقاله دوم واقع‌گرایی سیاسی را در مقابل آرمان‌گرایی اخلاقی قرار می‌دهد و در باره نقاط ضعف هر یک به تفصیل بحث می‌کند؛ ابتدا به آرمان‌گرای اخلاقی حمله می‌کند که صرفاً وارث اخلاق سنتی قدیم است، و در اینجا به خوبی نشان می‌دهد که در این زمینه تا چه اندازه از اخلاق

مسیحی متأثر است. اخلاقی که دنیا و زندگی دنیوی را به یکباره تحریم می‌کند و دست یازیدن به زندگی را نوعی پلیدی و ناپاکی می‌انگارد: «... هر کس که در راه هدفهای دنیوی گام برمی‌دارد به یکباره خود را خارج از جهان اخلاق قرار می‌دهد، تنها کاری که چنین کسی می‌تواند بکند این است که از نقض قوانین متعالی بپرهیزد[۲]...» سپس واقع‌گرایان را نیز به دو دسته محافظه‌کار و آینده‌نگر و انقلابی تقسیم می‌کند، و به خصوصیات روحی و فکری هر یک و نقاط ضعف آنان می‌پردازد، تا آنجا که می‌گوید: «... واقع‌گرا این وسواسها را ریشخند می‌کند، می‌پذیرد که بر خلاف اخلاق، دروغ بگوید و تهمت بزند، اما اگر برای تضمین پیروزی انسان به سعایت و دروغ دست یازیم، انسان پیروزمند موجودی خواهد شد که هر احترامی را از او دریغ داشته‌ایم، انسانی که فریفتن او، تهمت زدن به او و خیانت به او رواست، هنگامی که اعتماد و دوستی را از او دریغ داریم، از نابودی نجاتش داده‌ایم، اما او را مثله هم کرده‌ایم ...»[۳]

نویسنده پس از تحلیل خصوصیات هر یک از دو گروه و با ذکر شواهد و مثالها به این نتیجه می‌رسد که این دو یعنی آرمانگرای اخلاقی و واقع‌گرای سیاسی، باید با هم آشتی کنند و برای زندگی صحیح باید بین آنها تعدیلی برقرار شود: «اگر اخلاق معنای اصلی خود را بیابد، معلوم خواهد شد که هیچ قلمروی نیست که از تابعیت او بیرون باشد ...»[۴] و چنین معتقد است که: اخلاق مجموعه ارزشها و اصول موضوعه و تعیین شده نیست، بلکه جنبشی است تعیین‌کننده که اصول و ارزشها را مطرح می‌سازد و وضع می‌کند ...[۵] و در آخر به این نتیجه می‌رسد که ... آشتی دادن اخلاق و سیاست یعنی آشتی دادن بشر با خود، یعنی تأیید اینکه در هر لحظه بشر می‌تواند به تمامی، خود را بر عهده بگیرد، اما این امر متضمن آن است که بشر از امنیتی که امیدوار است با محبوس ساختن خود در درونگرایی محض اخلاق سنتی، یا در برونگرایی سیاست واقع‌گرایانه به آن برسد، دست بردارد»[۶].

در مقاله سوم به تفصیل در باره ادبیات و فلسفه در نقش و قلمرو هر یک سخن می‌گوید و اینکه آیا فلسفه در قلمرو رمان، میهمان ناخوانده است؟

در مقاله چهارم ذیل عنوان «چشم در برابر چشم»، مسأله کیفر و انتقام را از نظر حقوقی و اخلاقی کاملاً بررسی می‌کند و اینکه در هیچیک از زمینه‌های اخلاقی انتزاعی مسیحی، و زمینه کاملاً سیاسی، این مسأله قابل حل نیست؛ در حالی که انتقام را یکی از نیازهای عمیق بشر

می‌داند، به نارسایی قوانین قصاص در نظام مادی برای برقراری عدالت اجتماعی می‌پردازد و در باره قصاص و انتقامی که سرانجامش مرگ است مـی‌گوید: «مـرگ جـنایتکار انـتقام را عـقیم می‌گذارد، جانی وقتی می‌میرد از صحنه روزگار بـیرون مـی‌رود و از کـیفر مـی‌رهد، مـی‌توان جسدش را زد، بر آن آب دهان انداخت، لگدمال کرد و بدین وسیله نشان داد که آن مستبد متفرعن نیز چیزی جز گوشت و پوست نبوده است، اما این دریغ باقی است که چرا او زنده نیست تا این حقیقت را درک کند. مرگ هیتلر ما را مأیوس کرد، آرزو داشتیم که زنده می‌ماند تا از انهدامی که ایجاد کرده بود خبر می‌یافت»،[۷] و لذا می‌پذیرد که این نیز علاجی اضـطراری است. سـپس از زوایه‌ای دیگر به این مسأله می‌نگرد و رفتار جنایتکار و محیط او را تجزیه و تحلیل می‌کند و با الهام از اخلاق مسیحی که گناهان همه بخشیده خواهد شد، می‌گوید: بهتر نیست کـه مـتهم را ببخشیم؟ ... «آیا شایسته نیست که کینه‌ها را در دل بمیرانیم تا درهای گذشت و احسان باز شود؟» و با نقل گفته سقراط که هیچ کس به خواست خود شریر نیست، می‌گوید: «کسی که مرتکب آن کارها شده می‌خواسته است به نوعی خوبی کند، دست کم آنچه را که خودش خوبی می‌دانسته، چه بسا که خودخواه یا کم‌هوش یا سبک مغز بوده است[۸] ولی این را نیز راه منطقی نمی‌داند، زیرا در اجتماع مواردی هست که برای ارتکاب گناه، ابداً مسأله بخشش نمی‌تواند مطرح باشد: «اما مواردی هست که هیچ‌گونه جبران و بازخریدی ممکن نمی‌نماید، زیرا شری که با آن مواجهیم، شری مطلق است، و اینجاست که ما نظریه گذشت و بخشش را رد می‌کنیم. ما معتقدیم که چنین شری وجود دارد، می‌توان تمام جنحه‌ها و حتی تمام جنایاتی را که اشخاص بر ضد اجـتماع مرتکب می‌شوند بخشید، اما هنگامی که کسی با عزم جزم می‌خواهد انسان را تا سرحد شیئی تنزل دهد، فضیحتی در روی زمین روی می‌دهد که هیچ چیز نمی‌تواند جبرانش کند، این تنها گناه ضدانسان است و هنگامی که وقوع یافت، هیچ ارفاقی جائز نیست و به عهده انسان است که آنرا کیفر دهد[۹]، و بنابراین «... باید باز هم کیفر جنایتکاران واقعی را بخواهیم، زیرا کیفر دادن یعنی بشر را در خوبی و بدی آزاد شناختن، یعنی در کاربردی که بشر از آزادی خود دارد بدی را از خوبی تمیز دادن، یعنی خوبی را خواستن».[۱۰]

ترجمه این مقالات روان و دقیق است. چاپ کتاب خوب و قیمت آن نیز مناسب است.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ ص ۲۹.

۲ـ ص ۴۹.

۳ـ ص ۶۰.

۴ـ ص ۶۵.

۵ـ ص ۶۵.

۶ـ ص ۶۸.

۷ـ ص ۹۸.

۸ـ ص ۱۰۸.

۹ـ ص ۱۱۱.

۱۰ـ ص ۱۱۵.

۲۵

مرآت الکتب*

دین اسلام از آنجا که دین علم و کتابت است، تشویق و ترغیب فراوان نسبت به این دو داشته و دارد. و همین امر سبب شد که در قرون اولیه اسلامی تألیفات به سرعت رشد کرد به گونه‌ای که از همان آغاز دانشمندان اسلامی علاوه بر تألیفهای رسمی خود در صدد فهرست کردن اسامی کتب و یا نام مؤلفین برآمدند و سنت فهرست و فهرست کردن از همان آغاز شکل گرفت.

البته اگر فهرست کردن را به معنی مطلق جمع کردن یک مجموعه در یک موضوع خاص بدانیم اولین کسی که دراین زمینه کاری انجام داده است عبدالله‌بن رافع از یاران علی ـ علیه‌السلام ـ است که فهرست کسانی را که در جنگهای جمل، صفین و نهروان در خدمت علی ـ علیه‌السلام ـ بودند را گردآوری کرده است. شیخ طوسی در الفهرست از این کتاب به نام «تسمیه من مشهد مع

---

* این مقاله معرفی و نقدی است بر کتاب مرآت‌الکتب، ثقة‌الاسلام تبریزی علی ۱۲۷۷ - ۱۳۳۰ ق. تبریز، ناشر عبدالله ثقة‌الاسلامی ۱۳۶۳؛ خلاصه‌ای از این مقاله تحت عنوان کتابهای درست پیش از الذریعه در مجله نشر دانش سال ۱۳۶۹ چاپ شده است.

امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ الجمل و الصفین و النهروان من الصحابه ـ رضی‌الله عنهم ـ یاد کرده است.[۱]

اما تدوین کتب رجالی به معنای مصطلح (یعنی آنچه مربوط است به ذکر حالات راویان حدیث از لحاظ صفاتی که در رد و قبول آنان مؤثر می‌تواند بود) به گمان قوی از نیمه اول قرن دوم یعنی از روزگار رواج حدیث آغاز شده است.[۲] و این امر بیشتر به خاطر اهمیت و ارزشی بود که دانشمندان و عموم مسلمین برای محدثان و راویان اخبار قائل بودند زیرا همچنان که افراد صدیق و علاقمند به دین خواستار ضبط احادیث به صورت صحیح بودند؛ جاعلان روایت و احادیث هم به خاطر اغراض شخصی، سیاسی و فرقه‌ای لحظه‌ای از جعل حدیث غفلت نمی‌کردند. به ناچار خبرگان فن مجبور بودند برای حفظ اسانید و تشخیص صحیح از سقیم به ذکر نام راویان و تمیز ممدوح و مذموم بپردازند و از کتب آنان و درجه اعتبار آنان فهرست تهیه نمایند.[۳]

برای آن که قبلاً اطلاع اجمالی نسبت به تعاریف علم رجال و فهرست داشته باشیم لازم است تعریفی هر چند مختصر از این اصطلاحات بنمائیم بر اساس تعریفی که در مقاله چهار کتاب اصلی علم رجال، در کتاب یادنامه علامه امینی آمده است، در اصطلاح خاص، علم رجال را به علم شناسائی راویان حدیث از لحاظ نام یا اوصافی که در قبول یا ردگفته یا روایت آنان دخالت دارد اطلاق می‌کنند و به مجموعه‌ای که در آن نام مؤلفان و مصنفان (و یا کتابهای آنان) جمع‌آوری شده فهرست گویند و تراجم به طور عام شرح حال علما و یا راویان است بدون جهاتی که در رد و قبول یا روایت مؤثرند.[۴]

و بدیهی است که فهرست‌نویسان برحسب انگیزه‌های مختلف، فهرست و یا تراجم گوناگونی پدید آورده‌اند. بعضی از این کتابها به طور عام، شامل نام راویان بی‌تعرض به وثاقت یا عدم‌وثاقت ایشان است مانند طبقات‌الرجال تألیف (احتمالاً) احمدبن ابی‌عبدالله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) بعضی دیگر در باره ممدوحین یا مذمومین است مانند کتاب ابن‌داود قمی (م ۳۶۸ ق.) و نیز کتاب استادش احمدبن محمدبن عمار کوفی (م ۳۴۶) که از کتاب او مفصلتر است. برخی فقط در باره اصحاب یک امام است مانند کتاب ابن‌عقده (م ۳۳۲ یا ۳۳۳ ق.) که فقط مخصوص اصحاب امام صادق ـ علیه‌السلام ـ است و مشتمل بر نام چهارهزار راوی است. و در برخی دیگر، جهت خاص دیگری در نظر گرفته شده است، مانند کتاب عبدالعزیزبن یحیی الجلودی (م ۳۳۲) که مشتمل است بر نام عده‌ای از صحابه رسول اکرم ـ صلی‌الله علیه و آله ـ که از علی

ـ علیه‌السلام ـ روایت کرده‌اند یا کتاب ابن زیدویه در حالات زنان راوی آل ابیطالب[5].

با آنکه منظور ما در این مقاله معرفی کتاب مرآت‌الکتب از نویسنده محقق مرحوم ثقةالاسلام است اما بد نیست که اشاره‌ای هر چند مختصر به پاره‌ای از کتب فهرست، بخصوص فهرست شیعه که وجهه همت نویسنده فوق‌الاشاره و مهمترین انگیزه او در تدوین این مجموعه است بنمائیم.

اگرچه قبل از شیخ الطائفه شیخ طوسی کتب رجالی معروفی وجود داشته است که از آن جمله می‌توان رجال ابن‌داود قمی (م ۳۶۸) در باره ممدوحین و مذمومین، رجال محمدبن علی‌بن بابویه معروف به صدوق (م ۳۸۱) فهرست حسن‌بن محمدبن الولید قمی (م ۳۴۳) کتاب الطبقات ابن‌دول (م ۳۵۰) رجال کلینی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹)، رساله معروف ابوغالب زراری و از همه معروفتر کتاب «معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین» از شیخ ابی عمرومحمدبن عمربن عبدالعزیز الکشی (م. حدود نیمه قرن چهارم) نام برد اما سه کتاب معروف شیخ طوسی به نامهای اختیارالرجال، الفهرست والرجال به همراه کتاب فهرست معروف به رجال نجاشی از چهار کتب معتبری هستند که همواره مورد توجه دانشمندان بعد قرار گرفته‌اند.[6]

اختیارالرجال، خلاصه‌ای از کتاب رجال‌کشی است. البته از رجال‌کشی اثری نیست و آنچه در باره این کتاب می‌دانند بر اساس اطلاعاتی است که از اختیارالرجال شیخ طوسی گرفته‌اند، شیخ طوسی به تلخیص و تهذیب آن کتاب همت گماشته و آن را خلاصه کرده است.[7]

الفهرست حاوی نام و آثار قریب به ۹۰۰ نفر از صاحبان اصول و مصنفات آنان است که غالباً همراه با سلسله سند میان شیخ و آنان ذکرشان رفته است[8] و بجز فهرست ابن‌ندیم (م ۳۸۵) که موضوعاً کتاب او با فهرست مصطلح تا حدودی متفاوت است. این کتاب در باره تمامی علوم و فنون و مذاهب و سنن معموله از مؤلفات مسلمانان و غیرمسلمانان است و سال تألیف آن ۳۷۸ ق. است، فهرست شیخ قدیمی‌ترین کتاب مفصلی است که در این رشته تاکنون بر جای مانده و در دسترس دوره‌های بعد قرار گرفته است.[9]

کتاب فهرست شیخ طوسی به قدری شهرت و اهمیت پیدا کرد که بسیاری از رجالیون معروف و بخصوص دانشمندان شیعه کتابهائی به رسم نقد، گسترش و یا خلاصه آن نوشتند که از آن جمله می‌توان به کتب زیر اشاره نمود:

معالم‌العلماء تألیف رشیدالدین محمدبن علی‌بن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸) که ۹۰ نفر و

۶۰۰کتاب بیش از یادشدگان در الفهرست را نقل کرده است.[10]

ـ فهرست شیخ منتجب‌الدین علی‌بن ابی‌القاسم عبیدالله‌بن بابویه قـمی (م ۵۸۵ ق.) اسـماء مشایخ الشیعه و مصنفیهم که گرچه به منظور تذییل فهرست شیخ که مخصوص مؤلفین شیعه و ذکر مؤلفات آنان تألیف شد، لیکن او از منظور اصلی غفلت کرد و تنها به مؤلفین اکتفا نکرده و از پانصد و چهل و چند تنی که در این کتاب ذکر کرده، منحصراً به حدود صد تن از آنان تألیف کتابی را نسبت داده است.[11]

ـ تلخیص‌الفهرست تألیف نجم‌الدین ابوالقاسم جعفربن الحسن‌بن یحیی معروف به مـحقق حلی (م ۶۷۶).

ـ ترتیب قهپایی. مولی عنایت‌الله قهپایی گـردآورنده اصـول چـهارگانه رجـالی در مـجموعه «مجمع الرجال».

ـ ترتیب بحرانی. تألیف شیخ علی‌بن عبدالله الاصبعی البحرانی (م ۱۱۲۷)

ـ شرح فهرست. از شیخ سلیمان‌بن شیخ عبدالله البحرانـی المـاحوزی (۱۰۷۵ ـ ۱۱۲۱) کـه الفهرست را شرح و تصحیح و تراجم آن را مرتب کرده و آن را معراج‌الکمال الی معرفةالرجال نام نهاده است.

علاوه بر فهرست‌نویسی در مصطلح رجالی آن‌که بیشتر ناظر به وثاقت یا عدم‌وثاقت راویان اخبار و مؤلفات آنان است فهرست و فهرست‌نویسی در رابطه با کتابخانه‌ها هم وجهه هـمت دانشمندان بزرگ بوده است که گرچه مورد بحث ما در اینجا نیست اما طرداً للباب فقط بـذکر نمونه‌ای چند در این رابطه بسنده می‌کنیم:

گویند ابوحسن بیهقی، فهرست صاحب بن عبّاد (م ۳۸۵) را دیده و به گفته او این فهرست در ۱۵ مجلد بوده است.[12] و «ابن‌سینا فهرستی از کتابخانه‌ی سامانیان را در بخارا خوانده است او آنگاه درخواست کرد تا چند کتاب گزیده شده‌اش را بی‌درنگ بیاورند. او می‌گوید: «من کتابها را دیدم که نام بسیاری از آنها را اغلب مردم ما نمی‌دانستند من هرگز چنین مجموعه‌ای نه پیشتر و نه پس از آن ندیده‌ام.[13]

کتابهای بسیار دیگری هم در این زمینه در طول قرون و اعصار نوشته شده که در اینجا مجال ذکر آن نیست نویسنده مرآت الکتب خود نیز در پایان دیباچه این کتاب اهم مراجعی که مورد استفاده قرار داده است را ذکر کرده که قابل توجه است و چه بجا و نیکوست که این فهرست‌ها

تصحیح انتقادی و چاپ شود و در اختیار پژوهشگران و محققان قرار گیرد.

مرآت الکتب یکی از کتابهای ارزشمند در معرفی کتب تألیف شده توسط علمای شیعی مذهب و شرح حالی از نویسندگان شیعی است که به لحاظ قدمت و یا تقدم در این کار و چه بلحاظ محتوا و سبک کار دارای ارزش ویژه‌ای است و نشان از دقت و تبحر و علاقمندی مؤلف دارد اما قبل از بحث در باره این مجموعه و بیان ویژگیهای کار او لازم است مختصری در باره زندگی مؤلف مطالبی گفته شود؛

میرزا علی ثقةالاسلام پسر ارشد حاج‌میرزاموسی آقا ثقةالاسلام است که در سال ۱۲۷۷ قمری در تبریز متولد شده و مادرش از خانواده معروف و معتبر شالچی‌های تبریز است و سعدالدوله تبریزی از خانواده مادری وی به حساب می‌آید وی در کودکی مادر خود را از دست می‌دهد و در زیر دست نامادری اول بی‌توجه و بی‌سرپرست می‌ماند و زندگی را مانند بسیاری از یتیمان با سختی و مشقت می‌گذراند تا نوبت به نامادری دوم می‌رسد که چون از بستگان وی بود به وی مهر می‌ورزد و چون فرزندان خود از او مراقبت می‌کنند تا به سن شباب می‌رسد و شروع به تحصیل می‌کند و پس از طی دوره مقدمات، علوم ادبیه و معانی و بیان را نزد فضلا و ادبای کامل آذربایجان تحصیل می‌کند و به فراگرفتن اصول و فقه می‌پردازد و بعد از فراغت از این دو رشته در اواخر قرن سیزدهم هجری به عتبات عالیات مشرف می‌شود و پس از مدتی اقامت در آنجا و استفاده کامل از محضر علمای اعلام حاج شیخعلی یزدی بفروئی، ملاحسین فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی حائری معارف الهیه و توحید را نزد جد خود حاج‌میرزاشفیع آقا ثقةالاسلام تکمیل می‌نماید.

وی در سال ۱۳۰۸ هجری قمری یعنی بعد از ۹ سال اقامت در عتبات به وطن مراجعت می‌کند و به نشر و بث علوم دینیه می‌پردازد. پدر وی که در ذیقعده سال ۱۳۱۹ هجری قمری از جانب مظفرالدین شاه طی فرمانی ملقب به صدرثقةالاسلام شده بود، به هنگام وفات در رمضان همان سال بنا به پیشنهاد محمدعلی میرزا ولیعهد، لقب ثقةالاسلام به وی داده می‌شود و از آن تاریخ بر مسند حکومت روحانی می‌نشیند و ریاست فرقه شیخیه را در تبریز عهده‌دار می‌گردد.

مرحوم ثقةالاسلام، در علوم معقول و منقول و ادبیات و نجوم و تاریخ فرید عصر خود بوده و در کتابشناسی نیز اطلاعات کافی داشته است و به نقل از کتاب داستان دوستان یا تذکره ادبا و

شعرای آذربایجان نوشته صفوت وی در علوم اصول، فقه، حکمت، کلام، ادبیات، ریاضیات، تاریخ و نجوم به پایه بلندی رسیده بود.

وی علاوه بر کمالات فوق، از رجال سیاسی عصر خود بوده و با نطق‌ها و خطابه‌ها و مکاتبات خود از سردمداران نهضت مشروطه بشمار می‌رود و در برابر استبداد محمدعلی شاهی و رقابت بیگانگان بخصوص روس به سختی پافشاری و ایستادگی می‌کند.[۱۴] تا جایی که جان خود را بر سر این قضیه از دست می‌دهد او را به اتفاق هفت تن دیگر از یارانش مأموران روس در روز عاشورا بدار می‌آویزند.[۱۵]

بحثی راجع به شیخیه و متشرعه:

از آنجا که وی پیشوای فرقه شیخیه بوده است و بخصوص پدران او پیشتر از او مبلغ این مردم بوده‌اند بد نیست که مختصری پیرامون فرقه شیخیه و بخصوص در تبریز و میزان اصرار و علاقمندی وی در تبلیغ این مرام بحث شود. همچنان که از مطالب کتاب زندگینامه شهید گمنام ثقةالاسلام برمی‌آید وی بیش از آنکه به فرقه شیخیه و مسائل قومی و فرقه‌ای بپردازد به فکر وحدت و استقلال مملکت و نجات آن از چنگ قدرتهای آن زمان بوده است.

گروه شیخیه که شهید، ریاست آن را به عهده داشته است تاریخ مفصلی دارد و خلاصه‌اش آن است که شیخ‌احمد احسائی در عهد فتحعلی شاه به شاگردان خود تعلیمات جدید داده بود بعد از فوت او سیدکاظم رشتی با شعری عرفانی گفته‌های شیخ را تفسیر نموده و مطالبی بآن افزود. پیروان سیدکاظم رشتی را شیخی یعنی منسوب به شیخ‌احمد احسائی و مخالفین را «بالاسری» منسوب به بالای سر حرم حضرت امیر ـ علیه‌السلام ـ که محل تدریس رؤسای آنها بود می‌گفتند زیرا شیخ در هنگام زیارت در پایین پا می‌ایستاد و زیارت می‌کرد .... باری در اواخر سلطنت محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بین دسته شیخی‌ها و بالاسری‌ها و متشرعه نزاعها افتاد در این هنگام میرزاحسین حجةالاسلام رئیس شیخیه و حاج‌میرزاباقرآقا مجتهد در تبریز، رئیس متشرعه بودند. و جد ثقةالاسلام حاج‌میرزاشیخ‌آقا از شاگردان شیخ‌کاظم رشتی و مروج شیخیه در آذربایجان بوده است.

شیخیه بعد از وفات سیدکاظم رشتی بدو دسته منقسم شد. عده‌ای تعالیم حاج‌میرزا کریمخان قاجار را قبول کردند و عده‌ای مانند خانواده ثقةالاسلام آنرا قبول نکردند. دسته اول را

حاج‌میرزاکریمخانی می‌گویند که در کرمان زیاد هستند.

سخنان نوین شیخ‌احمد احسائی یکی در علل اربعه است و آن دیگری اعتقاد به جهان هور قلیایی است که هر دو از ترشّحات فکری اوست.

بعد از شیخ، شاگرد بزرگ او سیدکاظم رشتی بود و از شاگردان بزرگ او میرزاشفیع ثقةالاسلام تبریزی و دیگری حاج‌محمد کریمخان قاجار کرمانی است. نهایت تفاوتی که این دو دارند این است که حاج‌میرزاشفیع‌آقا از گفته‌های شیخ‌احمد احسایی و سیدکاظم رشتی تجاوز نمی‌کرد او را شیخی گفتند و شناختند ولی حاج‌کریمخان خود را رکن رابعه نایب خاصه امام، می‌دانست و می‌گفت:

«بدانگونه که هر خانه روی چهار پایه یا چهار دیوار می‌ایستد جهان نیز چهار پایه می‌خواهد، یکم خدا، دوم پیغمبر، سوم امام و چهارم جانشین ویژه امام» در صورتی که شیخی‌ها معتقد هستند که به رکن رابع احتیاج نیست و مثل شیعه اجتهاد را قبول دارند شاید با توجه به این نکته است که یکی از علمای قبلی شیخیه در جواب یکی از نویسندگان که شیخیه را فرقه خوانده است در حاشیه کتاب مشارالیه می‌نویسد شیخیه مذهب جداگانه‌ای نیست بلکه خود مذهب شیعه است و جدا از دیگران نمی‌باشد.[۱۶]

در هر حال تا چه اندازه دشمنان دین و ملت و بخصوص بیگانگانی که همواره طالب سلطه در این مملکت بوده‌اند به این اختلاف‌ها و دوئیت‌ها دامن می‌زدند،[۱۷] و سعی در گرم نگه داشتن تنور نفاق و کدورت داشتند بحثی است عمیق و مربوط به این مقاله نیست. اما آنچه لازم به تذکر است این است که شهید ثقةالاسلام تبریزی با آنکه ظاهراً خود در رأس علمای شیخیه است و مرجع و مأمنی برای این فرقه اما به خاطر مصالح بزرگتر که همانا حفظ وحدت است و مبارزه با دشمنان خارجی و استبداد داخلی نه تنها به مسائل اختلاف‌انگیز دامن نمی‌زند بلکه با همه توان در رفع اختلاف و حفظ وحدت می‌کوشد. او به هنگامی که اختلاف و نقار اوج می‌گیرد تا جایی که استکان چاپ یکدیگر را تطهیر شرعی می‌کردند و به حمامهای یکدیگر نمی‌رفتند وقتی بحث مشروطه آمد ثقةالاسلام گفته بود «شیخی و متشرع در نظر من یکسان است» و در رفع این اختلاف کوشید.[۱۸]

باز نقل می‌کنند که مرد معتمدی چنین می‌گفت: در ایامی که در تبریز دوگانگی شیخیه و متشرعه جریان داشت، روزی خدمت ثقةالاسلام رسیدم و گفتم: آمده‌ام با شما مشورتی بکنم و

بپرسم که من پیرو کدام فرقه باشم متشرع بشوم یا شیخی؟ او خندید و گفت نه شیخی باش و نه متشرع بلکه برو آدم باش که آدم شدن خیلی مشکل است.[19]

دکتر شفق در یادداشتهای خود می‌نویسد:

«شهید سعید در تمام بیانات خود بر سر منبر یا سایر جاها از مطالب تعصب‌آمیز و القای اختلاف‌نظر اختلاف شیخی‌ها و متشرع حتی سنی و شیعه پرهیز می‌کرد و نظرش متوجه به اصول و مبتنی بر وحدت بود. در سنوات اولیه انقلاب مشروطه مردم را به همدلی و همدستی و میهن‌پرستی و درک محسنات حکومت مشروطه دعوت می‌فرمود و نسبت به مداخلات ناروای روس و انگلیس در امور کشور آشکارا اعتراض می‌کرد و در این بابها، پیامهای مؤثر و شدید هم به اولیای امور می‌فرستاد ... منزلش محل اجتماع و مشاوره سرجنبانان مشروطیت بود».[20]

مقام علمی او[21]

ثقةالاسلام شهید، علاوه بر اینکه در امور سیاسی، یگانه دوران بود و با تیزبینی و دقت همه جریانات سیاسی را مدنظر داشت و با همه مبارزین در تماس بود و حتی برای اینکه بتواند با هم‌رزمان خود در اسرع وقت تماس داشته و اخبار و گزارشهای سیاسی را رد و بدل کند رمزهایی را هم ابداع کرده بودند. در زمینه تحقیقات علمی و تتبعات فکری هم ید طولائی داشت. او به مسائل فرهنگی و تربیت نیروی انسانی، اهتمام تمام می‌ورزید.

یکی از ملازمان حضورش می‌نویسد: «آن مرحوم با عمر کم و با تصادف با انقلابات داخلی و سیاست خارجی از آثار فکری و قلمی خود کتب متعددی از خود بیادگار گذاشت. شادروان در گذرگاه جوانی خود عاشق تربیت نوباوگانی علاقمند به تقویت معارف ایران بوده است و تعلیمات عمومی یکی از آرزوهای عمده وی بود.

در یادداشتی به تاریخ سلخ شعبان ۱۳۱۸ ق از او باقی است او در جلسه امتحان مدرسه معرفت حاضر و از وضع تربیت و حسن تعلیم نوجوانان وطن بسیار خوشحال می‌شود برای مدیر مدرسه چنین می‌نویسد:

«هنوز نشئه آن سرمستی در ذوق جان است و دل در خمار آن گروگان، خدا را شکر که آب و گل وطن عزیز ما از اشعه خورشید تربیت، نونهالان مستعد می‌پروراند و از گلبن معرفت

شکوفه‌های رنگارنگ می‌شکفاند ...» و پس از آنکه دو جلد از رساله بث‌الشکوای خود را به رسم هدیه می‌فرستد می‌گوید: «از دست بسته چه خیر آید و از پای شکسته چه سیر؟ دست کوتاه است وقتی قلم زبان‌درازی کرده[۲۲]»

مرحوم ثقةالاسلام دارای تألیفاتی است که تعداد آن به حدود بیست و چند جلد می‌رسد که از آن جمله می‌توان به نمونه‌های زیر بسنده کرد:

۱. کتاب تسهیل زیج که چاپ شده و نسخه خطی آن به مجلس شورای ملی داده شده.

۲. رساله ایضاح‌الانباء فی تعیین مولد خاتم‌الانبیاء و مقتل سیدالشهداء.

۳. مجموعه آثار علمی آن مرحوم شامل: مجمل حوادث یومیه مشروطه، مقاله‌نامه‌ها و نامه‌ها، رساله‌ها و تلگرافها برای رفع محاصره تبریز در استبداد صغیر که توسط انجمن آثار ملی به چاپ رسیده است.

۴. ترجمه رساله بث‌الشکوی

۵. مرآت‌الکتب

در بین تألیفات و تحقیقات وی آنچه از همه مهمتر است کتاب مرآت‌الکتب است که مؤلف هم بیشترین تلاش را جهت تکمیل آن نموده و ظاهراً از سال ۱۳۱۱ تا آخر عمر بـه تألیـف و جمع‌آوری اطلاعات لازم در این مورد پرداخته و حتی دوستان و آشنایان را در بلاد مختلف به کمک گرفته و با مکاتبات خود آنان را بر جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر تحریض و تشویق کرده است.[۲۳]

در صفحه ۶۱ کتاب زندگینامه او آمده است:

«مرآت‌الکتب یا اسماءالکتب در ۷ جلد: این کتاب سرآمد و شاهکار آثار شهید سعید است در بیان تراجم و آثار و تألیفات علمای شیعه و آقای کارنگ می‌نویسد (نگارنده فقط جلد اول را دیده) کتابی است مرتب و منقّح در ردیف کتاب کشـف‌الظـنون والذریـعه و مـؤلف کـتاب فوق‌الذکر ادامه‌می‌دهد:

«همانطور که در یادداشت یکی از ملازمان حضور شهید آمده مرحوم ثقةالاسـلام از سـال ۱۳۱۱ قمری به فکر تألیف آن افتاده تا نفس واپسین در تفحص بودند و نیز خود شهید در نامه نهم صفر ۱۳۲۶ قمری به برادرش که در عتبات بوده می‌نویسد: «الحمدلله قسم دوم آن عبارت از اسم کتب است تا آخر حروف نوشته شده، قسم اول که ذکر مؤلفین است اجمالاً

نوشته خواهد شد».

از مرآت‌الکتب فعلاً ۴ جلد آن که با دستخط قلمی خود مؤلف است توسط برادرزاده وی منتشر شده است و قرار است به زودی جلدهای دیگر آن نیز طبع و در دسترس عموم قرار گیرد جلد اول این مجموعه شامل شرح حال و معرفی رجال شیعه است و جلد دوم به ذکر عناوین کتب شیعه پرداخته و تا حرف ذال رسیده است.

با آنکه مسوده نویسنده افست شده است اما خط او بسیار زیباست. بیشتر به خط نسخ نوشته و گاهگاهی هم از خط نستعلیق استفاده شده است هر دو جلد کتاب را در دو ستون نوشته از آنجا که مسوده است خط خوردگی هم در آن مشاهده می‌شود اما کتاب خوانا و قابل استفاده است در جلد اول مقدمه بسیار ممتع و جالبی دارد. در مقدمه کتاب علت نگارش این مجموعه را چنین بیان می‌کند:

«از آنجا که در کتب رجالی و تألیفات علمای قبلی تحقیق کردم دریافتم که اینگونه کتب بیش از آنی است که احصا شوند اما کتب رجالی و کتابنامه‌ها به ترتیب خاصی مرتب نشده‌اند و نظمی از نظر الفبایی ندارند به گونه‌ای که محقق و مراجعه کننده آنچنان که باید نمی‌تواند از آن به عنوان کتاب مرجع استفاده کند... الا اینکه اخیراً نام کتابی از علمای هند را شنیدم و اخیراً نسخه‌ای از آن را دریافت کردم.

وی از آنجا که سخت به علمای شیعه و تألیفات آنان علاقمند است دیدن کتاب کشف‌الظنون تألیف حاجی‌خلیفه که عمدتاً کتب نویسندگان اهل سنت را فهرست کرده و توجهی به کتب مؤلفان شیعه ندارد او را مصمم به تألیف این مجموعه می‌سازد:

«آنچه مرا بر انجام این کار واداشت کتابی است که حاج مصطفی‌ابن عبدالله استنبولی نوشته و آن را کشف‌الظنون نامیده است. اما این کتاب شامل کتابهای هم‌مذهبان و هم‌کیشان خود اوست مگر در موارد کمی که متعرض کتب غیرمذهب خود شده که در اکثر موارد هم همراه با اشتباه است. این بود که من تصمیم گرفتم که با همه وجود کتابی در این باب تدوین کنم پس آنچه راکه مربوط به اصحاب و اهل بیت است را انتخاب کردم و نسبت به آنچه به آن برخورد کردم جمع‌آوری نمودم. در عین حال هرگز ادعائی ندارم و می‌دانم که احاطه به اهم مؤلفات شیعه کار ساده‌ای نیست تا چه رسد به همه آن و بخصوص مؤلفات متأخرین که علم تام و اطلاع کامل می‌خواهد تا به همه آنها دسترسی پیدا شود در حالیکه مثل منی با این همه نقص و نداشتن امکانات قاصر

است از احاطه به جمیع کتب و تألیفات مؤلفین».[۲۴]

الفضل للمتقدم:

آنچه در اینجا قابل توجه است این است که نویسنده مرآت‌الکتب زمانی به کار جمع‌آوری و تدوین این مجموعه مشغول بوده است که هنوز دانشمندان بزرگی چون مرحوم‌سیدحسن صدر صاحب کتاب شریف تأسیس‌الشیعه لکرام‌العلوم‌الاسلام و یا مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی صاحب مجموعه بسیار ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه کار خود را شروع نکرده بودند. و عجب اینکه دانشمندان فوق‌الذکر و دیگران اطلاع کمی نسبت به زندگی شهید ثقةالاسلام و تألیفات وی داشته‌اند. آنچه در کتاب الذریعه در جلد دوم تحت شماره ۲۹۸۶ در ذیل مرآت‌الکتب می‌خوانیم چنین است:

«مرآت‌الکتب در ذکر نام کتاب‌های مؤلفین شیعه است نویسنده آن میرزاعلی‌آقا ثقةالاسلام فرزند موسی پسر محمد شفیع... خراسانی تبریزی متولد ۱۲۷۷ و مصلوب در روز عاشورا ۱۳۳۰ است همانگونه که در مقدمه کتابش «ایضاح‌الانباء فی تعیین مولد خاتم‌الانبیاء که در سال ۱۳۲۹ تألیف شده و در ۱۳۵۲ چاپ گشته است از این کتاب یاد کرده و چنین از گفتارش برمی‌آید که این کتاب در کتابخانه‌اش موجود است و چاپ نشده است و در آن مقدار کافی از اسماء کتب است و آن فارسی است بنابرآنچه نقل شده از بعض عباراتش در کتاب «داستان دوستان» در تذکره ادبا و شعرای آذربایجان که مربوط به میرزامحمدعلی صفوت است»[۲۵].

ملاحظه می‌شود که اطلاعات صاحب کتاب الذریعه از این کتاب ناقص است و بنابرآنچه از کتاب داستان دوستان فهمیده زبان این کتاب را فارسی پنداشته در حالیکه چنین نیست.

علاوه بر این در لغت‌نامه دهخدا نیز اثری از ثقةالاسلام و مرآت‌الکتب وی نیست و در فرهنگ مصاحب که شرح حال کوتاهی از ثقةالاسلام نوشته است ذکری از کتاب وی نشده است[۲۶] در حالیکه در فرهنگ معین در شرح کوتاهی از مرآت‌الکتب هم یاد شده است.[۲۷] سپس چنین می‌گوید:

«من این کتاب را مرآت‌الکتب نامیدم و آن را شامل یک مقدمه و دو مقصد کردم که مقصد اول جلد اول کتاب شامل اسامی مؤلفین و مقصد دوم جلد دوم کتاب که فهرست عناوین کتب است که به ترتیب الفبایی ذکر شده‌اند و مقدمه را شامل چند فصل و یک خاتمه قرار

داده‌ام».

نویسنده در دیباچه کتاب خود به نکات حساس و ظریفی اشاره می‌کند و در حد اختصار اما عمیق آن را می‌شکافد. نقد و نظر خویش را همراه با نتیجه‌گیری بیان می‌کند. همانطور که گفته شد او در آغاز انگیزه خود را از تألیف این مجموعه دو چیز می‌داند اول که شاید برای او مهمتر باشد دفاع از حریم تشیع و تألیف کتابی است که حاوی مؤلفات شیعه امامیه باشد و دوم اینکه چون فهرست‌های موجود به خاطر نداشتن نظم و ترتیب و عدم رعایت اصول کتابشناختی او را اقناع نمی‌کند می‌خواهد کتابی تألیف کند که راهنمای محققان و مراجعه‌کنندگان باشد.

آنگاه در مورد اهمیت کتابت بحثی را به میان می‌کشد و به نقد روایت یا حدیثی که کتابت را منع می‌کند می‌پردازد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در شرع مقدس ما کتابت و حفظ بر آن امری عقلی، منطقی و شرعی است. سپس در اینکه اولین کتابی که در اسلام تدوین شده و صاحب آن چه کسی بوده است بحث ممتعی را شروع می‌کند و ضمن انتقاد به عامه که چرا از سر اغماض یا اعراض به تألیفات شیعه توجه لازم نکرده‌اند چنین اظهار می‌دارد که شیعه در تصنیف و کتابت پیش‌قدم بوده و باید کتابت علی، مصحف فاطمه، کتاب سلمان و ابوذر، کتاب ابورافع، ابن حزم و .... به عنوان اولین کتب تصنیف شده در اسلام به حساب آید. او در این رابطه حتی نظر بزرگان شیعه را که به کار تدوین فهرست مشغول بوده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

نویسنده پس از بیان کیفیت تنظیم کتاب خود به ذکر مراجعی که از آن‌ها در جهت تصنیف کتاب خود استفاده کرده است می‌پردازد و از آن پس به ذکر نکاتی که به راستی رعایت آن برای نویسندگان لازم و واجب است می‌پردازد و تأسف می‌خورد که چرا نویسندگان سلف، چه از روی عمد یا سهو و یا از سر احتیاط و تواضع مثلاً از ذکر نام دریغ کرده‌اند و با این عمل تا چه اندازه بر مشکلات محققان و کتابشناسان افزوده‌اند و اظهار می‌دارد که مؤلف باید نام خود را در آغاز کتاب با صراحت قید کند و یا مثلاً ذکر تاریخ تألیف چقدر بر ارزش کار می‌افزاید و کار محقق را ساده می‌کند. تکیه بر این نکات در آن زمان، خود بسیار جالب توجه است و اهمیت این تأکید از آنجا بیشتر معلوم می‌شود که حتی در زمان ما که وضعیت نشر بهبود یافته و دانش کتاب‌نویسی پیشرفت کرده باز هم کتابهایی یافت می‌شود که توسط طبقات مختلف نوشته می‌شود ولی متأسفانه فاقد تاریخ انتشار است. (و ضمن توصیه بر پرهیز از اطناب و تعارف و به کار بردن القاب زاید به یک بحث بسیار مهم ادبی اشاره می‌کند و آن ذکر مرجع استفاده است به

گونه‌ای که اگر رعایت نشود چه بسا حمل بر سرقت ادبی شود. از نکات دیگری که بدان گوشزد کرده است توجه و مراعات خواننده است که مثلاً در مورد لغات مشکل اگر اعراب‌گذاری شود، محقق سرگردان نمی‌شود و نیازی به مراجعه و استفاده از منابع دیگر برای فهم مقصود نویسنده نخواهد داشت.

در مجموع مرحوم ثقةالاسلام، با دقت و هشیاری هم به مسائل فنی کتاب‌نویسی توجه کامل داشته و هم از لحاظ محتوائی به نقد و بررسی کتب مورد استفاده پرداخته و اظهارنظرهای مفیدی کرده است.

البته مواردی را هم باید به عنوان نقص کتاب در این زمان و نه شاید در آن زمان تذکر داد که با آنکه خط نویسنده بسیار زیباست اما به خاطر قلم‌خوردگی در بعضی جاها باید با دقت بیشتری کتاب مورد مطالعه قرار گیرد و نیز با آنکه وی از نظام ارجاعات استفاده می‌کند اما تلاش بیشتر از این امکان‌پذیر بود. اگر چنانچه بر روی اسم اشهر افراد بخصوص در جلد اول که مربوط به اسامی مؤلفین است بیشتر کار شود حروف و کلمات زاید در آغاز اسم مشخص شود کار آسانتر خواهد شد. همچنین به خاطر ترک اطناب ممّل گاه به ایجاز مخل رسیده و خواننده باید با دقت و هوشیاری بخصوص در دیباچه مقصود نویسنده را پی بگیرد.

در هر حال اینجانب به لحاظ فایدتی که در مطالب عنوان شده در دیباچه[۲۸] دیدم سعی کرده‌ام بخش اعظم آن را حتی‌الامکان ترجمه کنم تا علاقمندان را سودمندتر افتد. در این ترجمه ضمن سعی بر حفظ امانت در چند مورد که تشخیص داده‌ام موجب اطناب است از ترجمه صرفنظر و با علامت ... آن را مشخص نموده‌ام البته مطالب ترجمه نشده جز در آخرین قسمت که نسبتاً طولانی است و نویسنده محترم خود آن را مربوط به موضوع نمی‌داند و جهت تتمیم فایده ذکر کرده است در بقیه جاها از چند کلمه و جمله تجاوز نمی‌کند.

کتاب و اولین مصنف کتاب:

در فصل اول مقدمه بحثی ممتّع را به تدوین کتاب و اولین کسی که در اسلام به تدوین و تصنیف کتاب پرداخته اختصاص داده است وی در آغاز از قول صاحب کشف‌الظنون چنین نقل می‌کند:

«بدان که صحابه و تابعین به برکت وجود پیامبر و نزدیکی و همزمانی با او و قلت اختلاف و

وقایع نیازی به تدوین کتب نداشتند تا جایی که بعضی‌ها نسبت به آن کراهت داشتند و به روایتی از ابوسعید خدری استدلال کرده‌اند که از رسول خدا(ص) برای کتابت اجازت خواست و پیامبر او را اذن نفرمود و فرمود همانا پیشینیان شما با کتابت گمراه شدند و نیز روایت کرده‌اند که شخصی به خدمت ابن‌عباس رسید و گفت کتابی نوشته‌ام و می‌خواهم آن را بر تو عرضه کنم. او کتاب را گرفت و آنرا با آب شست. وی پس از اعتراض چنین جواب شنید اگر اعتماد بر کتابت کنند همانا گرد حفظ نمی‌گردند و آنگاه بر کتاب خدا عارضه و حادثه‌ای رخ می‌دهد و علمشان زایل می‌شود (الی آخر کلامه) الا اینکه بعد از آن زمانی که اسلام انتشار و محدوده اسلامی گسترش می‌یابد به استحباب تدوین و تألیف بلکه به وجوب آن حکم می‌دهد.»

صاحب کشف‌الظنون در اشاره سوم همان فصل بحث را به این مطلب اختصاص داده است که چه کسی اولین مصنف کتاب بوده است؟

«گفته شده عبدالملک‌بن عبدالعزیزبن جریح بصری متوفای ۱۵۵ هجری بوده و یا ابونصر سعیدبن ابی عرویه متوفای ۱۵۶ که هر دوی آنها را خطیب بغدادی هم نقل کرده و باز گفته شده ربیع‌بن صبیح متوفای ۱۶۰ ق. و ابومحمد رامهرمزی گوید سپس سفیان‌بن عینیه و مالک‌بن انس در مدینه منوره و عبدالله‌بن وهب در مصر و معمربن عبدالرزاق در یمن و سفیان ثوری و محمدبن فضیل‌بن غزوان در کوفه و حمادبن سلمه و روح‌بن عباده در بصره و هشیم در واسط و عبدالله‌بن مبارک در خراسان، نام برده شده‌اند و منظور نظر آنان از تدوین، ضبط مشکلات قرآن و حدیث و مبانی آن بوده و پس از آن چیزهایی به عنوان وسیله برای شناخت مشکلات قرآن و حدیث را تدوین کرده‌اند.

پایان نقل‌قول از کشف‌الظنون (ج ۱. ص ۳۴)

ابن‌اثیر هم در نهایه می‌گوید صحابه نیازی به تدوین غریب حدیث نداشتند آنها پس از اختلاط عجم‌ها؛ آنان به تدوین در این رابطه نیاز پیدا کردند.

و نیز گفته شده اولین کسی که در این فن چیزی تدوین نمود ابوعبیده معمربن مثنی تمیم است او الفاظ غریب‌الحدیث والاثر را در کتابی کوچک جمع کرد که دارای اوراق کمی بود. تا اینکه می‌گوید ابوالحسن نضربن شمیل مازنی کتابی بزرگتر از کتاب ابوعبیده در حدیث تدوین می‌کند. پس از آن، عبدالملک‌بن قریب اصمعی که در عصر اصمعی و متأخرتر از او بوده کتابی

بهتر در این موضوع تدوین می‌کند و نیز محمدبن مستنیر معروف به قطرب و دیگران از ائمه لغات و فقه به جمع احادیث می‌پردازند و لغت و معنای آن را در اوراقی چند جمع می‌کنند تا اینکه ابوعبیده قاسم‌بن سلام که بعد از سال ۲۰۰ زندگی می‌کرده کتاب مشهورش را در غریب حدیث و آثار تدوین می‌نماید.

در کشف‌الظنون در ماده‌الحدیث کلامی از بعضی از بزرگان نقل شده است:[۲۹]

«شاید کتاب جامع‌الاحوال ابن‌اثیر نظیر آن چیزی است که ما آن را از نهایه او نقل کردیم و شهید ثانی در شرح درایه خود در بحث مربوط به غریب‌الحدیث گوید همانا جماعت زیادی از علما در این باب کتاب نوشته‌اند و گفته شده اولین کسی که در این باب تصنیف کرده نضربن شمیل و یا ابوعبیده معمربن مثنی است و بعد از آن دو قاسم‌بن سلام‌بن قتیبه است.

ابن شهر آشوب در معالم‌العلماء از قول غزالی چنین گفته:

اولین کتابی که در اسلام تصنیف شده کتاب ابن جریح در آثار و حروف التفاسیر از مجاهد و عطا در مکه است سپس معمربن راشد صنعانی در یمن، آنگاه کتاب موطا مالک‌بن انس، آنگاه جامع سفیان ثوری است. اما صحیح این است که اولین کسی که در اسلام تصنیف کرده، امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ است. که کتاب خدا را جمع‌آوری نمود، سپس سلمان فارسی، آنگاه ابوذر غفاری و سپس اصبغ‌بن نباته، سپس عبدالله‌بن ابی رافع و در آخر صحیفه کامله از امام زین‌العابدین است.

بنظر من (ثقةالاسلام) گفته صاحب‌النهایه (ابن‌اثیر) و آنچه که در کشف‌الظنون آمده و نیز نظر شهید ثانی در مورد اولین کسی است که در غریب‌القرآن و حدیث کتابی تصنیف کرده‌اند، نظر آنها تصنیف مطلق یا اولین کسی که با کار تألیف دست یازیده است نیست، مگر کلام غزالی که ظاهر کلامش همان تألیف مطلق است که ابن شهر آشوب بر آن خرده گرفته است.

پس بدان که اولین کسی که از این گروه وفات یافته مجاهدبن جبر است که در سال ۱۰۰ بنا به نقل ابوعبدالله‌بن محمدبن عبدالله خطیب در کتاب اسماء رجال‌المشکوة یا حداکثر در سال ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳ و یا ۱۰۴ بنابر تقریب ابن حجر وفات یافته است و او در سن ۸۳ سالگی بدرود حیات گفته است بعد از او عطاءبن ابی رباح است که در سال ۱۱۴ یا ۱۱۵ بنا به نقل ابن خلکان وفات یافته و بقیه افراد فوق با فاصله زیادتری از جهان رفته‌اند. برای تفصیل آن باید به تقریب ابن‌حجر و تاریخ ابن‌خلکان مراجعه نمود.

به نظر من دلیل اینکه منظور ابن اثیر، حاجی خلیفه و شهید ثانی تصنیف مطلق نبوده، این است که آنان از اولین کسانی که در سایر موضوعات تصنیفاتی داشته‌اند سخن به میان نیاورده‌اند که از آن جمله ابوالاسود دوئلی در علم نحو است که با راهنمائی امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ کتابی تصنیف کرد بلکه ظاهراً اول علی ـ علیه‌السلام ـ مطالبی مختصر در این باره برای او نوشت و به او امر فرمود تا آن را کامل کند. این مطلب را سیوطی در تاریخ‌الخلفا ذکر کرده است و بدیهی است این کار در ایام خلافت علی و اقامت او در کوفه قبل از سال ۴۰ هجری اتفاق افتاده است.

و دلیل دیگر اینکه از مؤلفات خلیل‌بن احمد ذکری به میان نیاورده‌اند با آنکه او مبتکر علم عروض بود و در سایر رشته‌ها نیز مؤلفاتی دارد و نضربن شمیل که قبلاً ذکر او رفت از یاران او بوده است و همچنین از تألیفات فراء و اصمعی ذکری به میان نیامده اگرچه ابن اثیر، اصمعی را ذکر کرده است با اینکه ابوعبیدقاسم‌بن سلام که آنها او را ذکر کرده‌اند از آن دو روایت کرده است، با این وجود از ابوعثمان عمروبن عبیدبن باب متکلم که در سنه ۸۰ متولد شده و در سال ۱۴۴ وفات یافته است و دارای تصنیفاتی از جمله کتاب تفسیر از حسن بصری و کتاب رد بر واقفی‌هاست.[۳۰] ذکری نشده با آنکه همه آنها را ابن خلکان در کتابش نوشته است و شاید علت عدم ذکر او در رابطه با تغییر این باشد که مجاهد بر او مقدم بوده است.

باز به عقیده اینجانب (ثقةالاسلام) اگر منظور آنان ذکر اولین کسی که در حدیث و غریب آن و موضوعات دیگر تألیف داشته بود پس ابان‌بن تغلب از اعاظم راویان امامیه است که از همه سزاوارتر به نقل بود؛ زیرا وی همانگونه که نجاشی گفته است امام علی‌بن الحسین و امام محمدبن باقر و امام جعفر صادق ـ علیهم‌السلام ـ را درک کرده و از انس‌بن مالک و سماک‌بن حرب و ابراهیم نخعی روایت کرده است. نجاشی گوید: ابان ـ رحمةالله علیه ـ سرآمد هر فنی از علم در قرآن، فقه، حدیث، ادب، لغت و نحو بوده است. او دارای کتبی است که از آن جمله تفسیر غریب‌القرآن و کتاب فضائل و کتاب صفین است و محمدبن عبدالرحمن‌بن فنتی بین کتاب تفسیر ابان و کتاب ابی روق عطیة‌بن حرث و محمدبن سایب جمع کرده و کتابی جدید ساخته است.

نجاشی گوید ابان در سال ۱۴۱ در زمان امام جعفر صادق ـ علیه‌السلام ـ بدرود حیات گفته و لذا او بر ابوعبیده معمربن مثنی مؤلف غریب‌الحدیث والقرآن مقدم بوده است.

اما تحقیق مطلب:

تا اینجا مطالب و اقوال علماء را در امر کتابت و اینکه اولین کسی که به امر تصنیف کتاب مبادرت کرده است را نقل نمودیم. اینک تحقیق این دو مطلب را ذکر می‌کنم:

همانا شنیدی سخن صاحب کشف‌الظنون را در منع تدوین کتاب و سپس حکم به استحباب و یا وجوب آن را. اما آنچه ما می‌گوییم این است که مسأله کتابت و نگهداری علوم با آن امری است بدیهی که عقلاً کسی در حسن آن تردید ندارد، همانا خدای بزرگ در قرآن کریم فرموده است: اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه (سوره بقره)

و خدا مردم را به کتابت امر کرده است زیراکه مردم به خاطر مسائل مختلف زندگی ناگزیر از کتابت‌اند. البته در جائی که مؤنه و دشواری است آنان را مجبور نکرده است، این مسأله (ضبط داین و مدیون و غیر آن) یکی از مسائل دنیویه است و بدیهی است که امور دینیه که اصل زندگی و تقویت روح بدان بستگی دارد و نظم معاد با آن تمام می‌شود از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. و همانا پیامبر اسلام عده‌ای را به عنوان کتاب وحی انتخاب فرمود و آنان را را به کتابت قرآن امر کرد با آنکه به سادگی می‌توانستند قرآن را حفظ کنند و رغبت در این کار هم زیاد بود. او به هنگام وفات خویش اراده فرمود مطلبی را بنویسد تا امت خود را بعد از خویش گمراه نبینند. این همه دلالت بر نهایت اهتمام به امر کتابت دارد و گفتار ابن‌عباس که ممکن است بر کتاب حوادثی رخ دهد و دانش بدون حفظ از بین رود باید به گونه‌ای دیگر گفته می‌شد که برای عالم و حافظ علم و قرآن ممکن است حوادثی رخ دهد و بمیرد و علمش با خودش مدفون شود. و این خطرش و امکان وقوعش براستی بیشتر است و چنانچه این روایت از ابن‌عباس صحیح باشد ما نیازی به اتبّاع آن نداریم زیراکه ائمه ما را به کتابت امر کرده‌اند، حتی پیامبر بزرگوار، امیرالمؤمنین را به کتابت بعضی از کتب امر فرمود و عدم اجازه پیامبر به ابوسعید خدری دلالت بر منع مطلق کتابت نمی‌کند و شاید این منع اختصاصاً مربوط به اوست. اخبار امامیه در امر به کتابت و تدوین کتب فراوان است، آنان که طالبند به جلد اول بحارالانوار مراجعه کنند.

اما ذکر اولین مصنف و یا اولین کتاب تدوین شده بدین علت است که بنابر عادت، مورخین برای بیان فضیلت و یا افتخار و یا عکس آن همیشه اولین‌ها را ذکر می‌کنند. مانند اولین کسی که سنت آب دادن به حاجیان را گذاشت، یا اولین کسی که کعبه را با جامه دیبا پوشانید، یا اولین کسی که ایمان آورد، یا مهاجرت کرد و مانند آن. در خبر است که آن‌کس که سنت نیکویی بگذارد

برای او ثواب آن عمل و ثواب هر کس که تا روز قیامت به آن عمل کند خواهد بود[۳۱]. همانا تدوین علم و جعل چنین سنت نیکوئی، از بهترین سنت‌هاست و چگونه نباشد در حالیکه با آن دین از کهنگی در امان می‌ماند. پس تحقیق در مؤسس چنین سنت نیکوئی، تحقیق از اولین کسی است که به چنین امر نیکوئی اقدام کرد و این فضیلت را به دست آورد. بحث در اولین کسی که در علم و فن مخصوصی کتاب نوشته فرعی از این اصل بزرگ «مطلق کتابت» است. اکنون که بحث به اینجا کشیده شد، ما به سخن ابن شهر آشوب برمی‌گردیم که می‌گوید:

کتاب علی

«به تحقیق دانستی که حق این است که اولین کسی که کتاب تصنیف کرد، امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ است که کتاب خدای بزرگ را جمع کرد، آنگاه سلمان فارسی و سپس ابوذر و سپس اصبغ‌بن نباته، آنگاه عبدالله‌بن ابی‌رافع و در نهایت صحیفه کامله سجادیه از امام زین‌العابدین است».

و من می‌گویم که در این جا باید کتابهائی ذکر شود که نسبت به کتبی که ابن شهر آشوب ذکر کرده است اولی است:

و از آن جمله است کتاب مولی‌الکونین علی ـ علیه‌السلام ـ که بنابر استفاده از اخبار، وی را کتابی است که به املاء شخص رسول ـ صلی‌الله علیه و آله ـ و به خط علی ـ علیه‌السلام ـ و در نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام است که در آن آنچه مردم بدان احتیاج دارند حتی دیه خراش در آن وجود دارد. و همانا ائمه ـ علیهم‌السلام ـ بعضی از شیعیان خود را از وجود این کتاب آگاه و در موارد مختلف از آن روایت نموده‌اند. بلکه از متون اخبار چنین استفاده می‌شود که علی ـ علیه‌السلام ـ دارای کتب متعددی بوده و ائمه تصریح فرموده‌اند که در این کتاب آنچه مبتلا به مردم در حلال و حرام است حتی دیه خراش در آن وجود دارد.

عبدالله‌بن ایوب از پدرش در بصائر نقل می‌کند که گفت شنیدم که ابوعبدالله ـ علیه‌السلام ـ می‌فرمود: چیزی از نیازمندیهای شیعیان از حلال و حرام نیست مگر اینکه آن را در کتاب علی ـ علیه‌السلام ـ یافتیم حتی دیه خراش را. آنگاه فرمود بدان که اگر این کتاب را ببینی خواهی دانست که آن از کتب اولین است.

و مانند این اخبار در حق کتاب جامعه وارد شده که آن را بعداً ذکر خواهیم کرد.

و از اخباری که دلالت دارد بر اینکه ائمه ـ علیهم‌السلام ـ بعضی از شیعیان خود را نسبت به این کتاب آگاه نموده‌اند خبری است در بصائر از عبدالملک نقل شده که گفت امام باقر ـ علیه‌السلام ـ کتاب علی را خواست پس چیزی را همچون ران پیچیده شده به نزد وی آوردند که در آن نوشته بودند زنان از اموال غیرمنقول مردان ارث نمی‌برند ... پس آن حضرت فرمود به خدا سوگند این املاء رسول خدا و خط علی ـ علیه‌السلام ـ است. و امثال این خبر در ابواب فقه فراوان است که نیازی به ذکر آن نیست.

در اخبار وارد شده که در نزد ائمه ـ علیهم‌السلام ـ کتاب علی است که طول آن ۷۰ ذراع است و در روایتی دیگر آمده که در نزد ائمه صحیفه‌ای است به طول ۷۰ ذراع بدون ذکر اینکه آن کتاب علی است و اینکه آن املاء رسول خدا و خط علی ـ علیه‌السلام ـ است و شاید که صحیفه همان کتاب علی باشد و این اوصاف یعنی طول ۷۰ ذراعی و وجود مایحتاج مردم در آن در باره کتاب جامعه هم آمده است.

اگر گفته شود که شاید علت عدم ذکر علی ـ علیه‌السلام ـ و کتاب او به عنوان اولین مصنف و اولین کتاب تصنیف شده به خاطر این بوده که آن کتاب در بین مردم نیست و آن کتاب شامل مکتوبات علم است و اظهار آن سزاوار نیست، همانگونه که دیگر مختصات امام مانند علم او به مغیبات و اسرار و غیر آن نیز چنین است و اگر کتاب‌های جامعه و جفر و مصحف فاطمه‌علیهاسلام هم ذکر نشده بدین علت است.

در جواب گوییم: اولاً در رابطه با جمع قرآن مجید چه می‌گوییم که ابن شهر آشوب علی را جمع‌کننده آن دانسته است. اگر مراد این قرآنی است که در بین ماست که آن را غیر از علی ـ علیه‌السلام ـ جمع‌آوری کرده و نیازی به بیان آن نبوده و اگر منظور غیر از این قرآن است کما اینکه در اخبار آمده همانا علی ـ علیه‌السلام ـ آن را بعد از وفات رسول خدا(ص) جمع کرد و به نزد مردم آورد ولی از او نپذیرفتند و از آن پس در نزد اهل بیت و در نهایت حضرت مهدی ـ علیه‌السلام ـ است. پس کتاب علی هم مانند قرآن است با اینکه قرآن را علی ـ علیه‌السلام ـ بعد از وفات پیامبر جمع کرد و کتاب علی چیزی است که در زمان حیات پیامبر و به املاء شخص وی نوشته است.

ثانیاً بحث در اولین کتابی است که در اسلام تصنیف شده، نه اولین کتابی که در بین مردم وجود داشته و یا مشهور و معروف بوده است؛ زیرا در غیر این صورت کتاب سلمان و ابوذر که

ابن شهر آشوب آنان را برشمرده از شهرت کافی برخوردار نبود.

ثالثاً شهرت کتاب با بودن آن در نزد مردم ملازمه ندارد؛ زیرا در غیر این صورت لازم می‌آید که آنچه مشهور نیست و یا نسخه آن از بین رفته است در شمار مصنفات نیاید، در حالیکه از اخبار چنین برمی‌آید که کتاب علی ـ علیه‌السلام ـ از جمله کتابهایی است که بعضی از شیعیان آن را دیده‌اند. و عدم‌آگاهی اکثر شیعیان یا سائر مردم بر وجود این کتاب به خاطر عدم مقتضی بوده نه به خاطر وجود مانع باستثنای مواردی که تقیه لازم بوده است. و اما چرا ائمه این کتاب را با آنکه از جمله مختصات و ویژگیهای مربوط به خودشان بوده اظهار نمی‌کرده‌اند یا به دلیل تقیه بوده است. در بعضی از احکامش و یا از ترس بر جان خودشان بوده و یا به خاطر این بوده که دشمنان آن را به زور مطالبه می‌کردند، همچنان که بنی‌عباس مواریث پیامبر را طلب می‌کردند و فرق بین این کتاب و سایر مواریث پیامبر همانند ظاهر مشهور ائمه و غائب از آنان است.

رابعاً اگر به این دلیل که این کتاب‌ها حاوی احکام غیرشرعیه و شامل اسرار و مغیبات‌اند به عنوان اولین کتاب تصنیف شده ذکر نشده‌اند، پس چنین دلیلی درست نیست و از ظاهر اخبار برمی‌آید که کتاب مزبور بخصوص در احکام شرعیه است. البته کتاب‌های ائمه ـ علیهم‌السلام ـ انواع مختلف دارد و بعضی از آنها شامل اسامی ملوکی است که تا روز قیامت بر روی زمین حکومت می‌کنند و بعضی از آن حاوی اسامی شیعیان است که همانا بعضی از شیعیان بر آن آگاهی یافته‌اند و برای اطلاع بیشتر به باب سوم از جزو چهارم بصائر مرحوم صفار مراجعه شود[۳۲] و بعضی از این کتابها شامل حوادث آینده است اما کتاب علی ـ علیه‌السلام ـ فقط شامل احکام شرعیه است.

کتاب جامعه[۳۳]

و از کتابهایی که سزاوار است به عنوان اولین کتب تصنیف شده بشمار آید کتاب جامعه است و بر طبق اخبار صحیحه این کتاب صحیفه‌ای است که طول آن ۷۰ ذراع است و در آن حلال و حرام وجود دارد ....

و در بصائر از ابوشیبه نقل است که گفت شنیدم امام جعفرصادق ـ علیه‌السلام ـ می‌فرمود علم نزد جامعه گمراه است (حاکی از اهمیت جامعه و اخبار در آن است) و برای کسی کلامی را باقی نگذاشته است و در آن علم حلال و حرام وجود دارد. و غیر از آن اخباری که صراحت دارد که این

کتاب هم به املاء رسول خدا ـ صلی‌الله علیه و آله ـ و به خط علی ـ علیه‌السلام ـ است. و کتاب جامعه را به آنچه که کتاب علی را توصیف کرده‌اند تعریف نموده‌اند و سخن در این است که این کتاب چه کتاب علی باشد یا غیر از آن از اولین کتب تصنیف شده باید به حساب آید، خواه فقط حاوی احکام شرعیه باشد یا غیراحکام شرعیه را هم شامل شود.

و از عهدنامه‌ای که امام رضا ـ علیه‌السلام ـ برای مأمون نوشت چنین فهمیده می‌شود که جفر و جامعه حاوی احکام غیرشرعیه هم می‌باشند.[۳۴]

کتاب جفر[۳۵]

و باز کتبی که باید به عنوان اولین کتاب تصنیفی به شمار آید کتاب جفر است و از اخبار چنین برمی‌آید که در نزد ائمه کتابی موسوم به جفر است حتی غیرامامیه هم آن را نقل کرده‌اند. آنچه که از اخبار فهمیده می‌شود این است که برای جفر دو اطلاق است گاهی جفر به ظرفی گفته می‌شود که در آن بعض مواریث نگهداری می‌شود مانند انبان و امثال آن و گاهی به پوستی (جلد) اطلاق می‌شود که بر آن علوم نگاشته شده است. و اولی که همانا انبان باشد بر طبق اخبار قرمز و سفیدرنگ است اما در ظرف قرمز سلاح رسول خداست و در جفر سفیدرنگ کتابها و صحیفه است و جفر در لغت بچه گوسفند است که بزرگ می‌شود و شروع به علف خوردن می‌کند و یا به سن چهار ماه می‌رسد.

در کافی و بصائر از حسین‌بن ابی علاء نقل شده که گفت شنیدم که ابوعبدالله ـ علیه‌السلام ـ می‌فرمود در نزد من جفر سفید است، گفت سؤال کردیم در آن چه چیزی است، فرمود زبور داود، تورات موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه.

در آن قرآن نیست اما آنچه مردم از ما بخواهند در آن هست و ما محتاج کسی نخواهیم بود حتی در آن قصاص تازیانه با تازیانه و نصف تازیانه و دیه خراش وجود دارد. و در نزد من جفر قرمز(احمر) است، گفتم فدایت شوم. در جفر قرمز چیست، فرمود سلاح و آن برای خون باز می‌شود و صاحب خون آن را برای کشتن باز می‌کند (شاید منظور هنگام ظهور ولی عصر ـ علیه‌السلام ـ باشد)

به نظر اینجانب (ثقةالاسلام) توصیف جفر به سفید و قرمز یا بر سبیل حقیقت است و اینکه یکی از دو جفر سفید و دیگری قرمز است و یا از باب کنایه است که از آن تعبیر به قرمز شده و

کنایه از امر شدید و قتل است کما اینکه شایع است که از مرگ با لغت «احمر» قرمزی یاد می‌کنند و دومی را سفید نامیده‌اند به خاطر عدم‌اشتمالش بر سلاح و غیر آن.

در بصائر از محمدبن عبدالملک نقل شده که گفت در نزد امام جعفر صادق ـ علیه‌السلام ـ در حدود ۷۰ نفر بودیم و ایشان در وسط جمع ما بود، پس عبدالخالق‌بن عبدربه وارد شد و گفت نزد ابراهیم‌بن محمد نشسته بودیم، پس گفتند که شما می‌گویید که در نزدتان کتاب علی است، پس فرمود نه به خدا قسم. علی ـ علیه‌السلام ـ کتابی باقی نگذاشت و اگر کتابی باقی گذاشته باشد نیست مگر دو پوست (اهاب) و همانا دوست داشتم که آن نزد این غلام من بود و ابائی از آن نداشتم، پس گفت آن حضرت نشست و رو به سوی ما کرد و فرمود به خدا سوگند چنانچه می‌گویند نیست، آن دو دوپوستی است که پشم و مویهای آن از بین رفته است و در یکی از آن دو نوشته‌ایم و در دیگری سلاح رسول خداست و به خدا سوگند در نزد ما صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع است، خداوند حلال و حرامی خلق نکرده مگر اینکه در آن نوشته شده حتی دیه خراش و با ناخن خویش بر دستش خطی انداخت و نشان داد که حتی حکم مثل این و در نزد ما مصحف فاطمه است و به خدا سوگند که آن غیر از قرآن است ....

و نیز در خبری طولانی از امام صادق ـ علیه‌السلام ـ است که فرمود ... سپس فرمود در نزد ما جفر است و آنان نمی‌دانند جفر چیست؟ گفت گفتم جفر چیست؟ فرمود ظرف قرمز رنگ و چرم قرمز رنگ که در آن علم پیامبران و اوصیاء اوست (الحدیث) و نیز از امام صادق در جمله‌ای خطاب به عبدالله‌بن حسن فرمود همانا جفر پوست گاوی است مانند انبان که در آن کتاب‌ها و علم مورد نیاز مردم است از حلال و حرام تا روز قیامت که رسول خدا املاء فرمود و علی به خطش آن را نوشت.

و این اخبار صراحت دارد که جفر همان (انبان و ظرف) است و ما آن را برای این ذکر کردیم که توهم نشود که جفر کتاب مخصوصی است. و اما قسم دوم که بنابرآنچه در بصائر است و بحارالانوار هم از اختصاص نقل می‌کند در حدیث طولانی از ابوابراهیم امام هفتم ـ علیه‌السلام ـ که فرمود: همانا خداوند به پیامبرش وحی کرد که دوران تو سر آمده تا اینکه فرمود تو و پسرعمت بروید تا به کوه احد برسید و از آن بالا روید و پشت به قبله بایستید و وحوش کوه را بخوانید شما را اجابت خواهند کرد ... پس از آن پوستی از آن‌ها تهیه کنید تا اینکه می‌گوید پس چون چنین کردند و دیدند آنچه پروردگار وحی کرده بود زمانی که شروع به آماده کردن پوست

شدند جبرئیل و روح‌الامین و عده‌ای از فرشتگان آمدند به گونه‌ای که تعدادشان قابل شمارش نبود ... سپس علی - علیه‌السلام - پوست را در مقابل گذاشت و برای او دوات و قلم سبز رنگ آوردند ... سپس بر پیامبر وحی می‌شد و او بر علی املاء می‌کرد و او می‌نوشت و او زمان‌ها و حوادث در آن را می‌نوشت و به ظهر و بطن و آنچه بود و خواهد شد تا روز قیامت خبر می‌داد و پرده از رازهائی برداشته می‌شد که تأویل آن را جز خدا و راسخون در علم نمی‌دانستند[۳۶] (الحدیث) این حدیث طولانی است و ما به قدر حاجت برگرفتیم.

بنظر نگارنده (ثقةالاسلام) آنچه از قدیم در باره جفر شهرت دارد علم به مغیبات است از راه آشنایی به علم به حروف و در این رابطه عمرها سپری شده و کتابها و رساله‌هایی نیز در این باب تألیف شده و آن را به خافیه و خابیه و جامعه تقسیم کرده‌اند و در بعضی از کتب آن را به امام جعفرصادق - علیه‌السلام - نسبت داده‌اند و ما در این جا قصد نداریم که وارد این مقوله شویم اما غرض این است که جفری که منسوب به ائمه است آن چیزی نیست که مدعیان دروغین طالب آن‌اند. همانا دانستی که اخبار، گویای این واقعیت بودند که جفر ظرفی است که در آن پاره‌ای از کتب از جمله مصحف فاطمه قرار دارد و در آن علم آنچه هست و آنچه تا روز قیامت اتفاق می‌افتد وجود دارد و اما پوستی که در آن علی به املاء رسول خدا نوشته است چیزی است که از جانب خدا به او وحی شده است. پس زمانی که سخن از جفر منسوب به ائمه - علیهم‌السلام - به میان می‌آید، منظور ارائه راه و روشی همانند رمل و اسطرلاب نیست. مولوی چه خوش گفته است:

نی نجوم است و نه رمل است و نه خواب   وحـــی دان والله اعـــلم بـــالصواب

و کسانی که علم ائمه را به بعض حوادث از این طریق بدانند در واقع به ولایت آنان ایمان نیاورده‌اند و امامت آنان را نپذیرفته‌اند و در شناخت و معرفت آنان ناتوان مانده‌اند ...

آنچه مرا متعجب ساخته است نظر شیخ‌فخرالدین طریحی در مجمع‌البحرین در ذیل ماده جفر است که از محقق شریف در شرح مواقف نقل کرده است که همانا جفر و جامعه در کتاب علی - علیه‌السلام - است که در آن از طریق علم به حروف، حوادث عالم را تا انقراض آن ذکر کرده است و فرزندان خاص ائمه از اولاد علی آن را می‌شناسند و به آن حکم می‌کنند، سپس شیخ اضافه می‌کند که این قول را حدیث امام جعفرصادق - علیه‌السلام - تائید می‌کند که فرمود در نزد من جفر ابیض (سفید) است که زیدبن ابوالعلاء از وی سؤال می‌کند در آن چه چیزی است، آن حضرت جواب می‌دهد زبور داود، تورات موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم و حلال و

حرام مصحف فاطمه (تا آخر حدیثی که قبلاً آن را ذکر کردیم)

و خواننده بهتر می‌داند که این خبر ابداً آنچه را محقق شریف گفته تأیید نمی‌کند و چه معنا می‌دهد که زبور و انجیل و صحف ابراهیم و غیر از آن در آن باشد اما جز امام بر استخراج آن واقف نباشد و گویا شیخ طریحی از آنچه در بین مردم راجع به جفر شایع بوده استفاده کرده و آن‌چه را به گوشش آشنا بوده ذکر نموده است.

مصحف فاطمه[37]

دیگر از کتابهایی که شایسته است به عنوان اولین کتب تصنیف شده ذکر شود مصحف فاطمه است و آن کتابی است که جبرئیل بعد از وفات رسول خدا(ص) به فاطمه املاء کرده و علی ـ علیه‌السلام ـ آن را نگاشته است در این مورد اخبار زیادی وارد شده که از آن جمله است خبری که حمادبن عثمان در بصائر ذکر کرده که گفت از امام صادق ـ علیه‌السلام ـ شنیدم که می‌فرمود: زنادقه در سال ۱۲۸ ظاهر می‌شوند و من آن را در مصحف فاطمه دیدم. گفتم مصحف فاطمه چیست؟ فرمود زمانی که خدا پیامبرش را قبض روح کرد فاطمه را به قدری حزن و اندوه فرا گرفت که کسی جز خدا آن را نمی‌دانست، سپس خداوند برای او فرشته‌ای فرستاد تا او را تسلّی دهد و او را حدیث گوید. پس فاطمه این مطلب را به علی گفت، علی فرمود هر زمان که این صدا را شنیدی مرا خبر کن تا آن را بنویسم و چنین شد و از مجموعه آن مصحف فاطمه پدید آمد. سپس گوید آن حضرت فرمود در مصحف فاطمه علم حلال و حرام نیست اما اخبار آینده در آن هست. برای تفصیل بیشتر به بصائر و بحارالانوار باید مراجعه شود.

کتاب ابورافع

دیگر از کتب اولیه، کتاب ابورافع غلام رسول خدا(ص) است. نجاشی او را «اسلم» نامیده است. او در آغاز غلام عباس‌بن عبدالمطلب بود که وی او را به رسول خدا بخشید. هنگامی که او خبر اسلام عباس را به پیامبر داد او را آزاد نمود. او از اصحاب علی ـ علیه‌السلام ـ بود و بعد از بیعت با او در رکاب او بود و هنگامی که معاویه سر به شورش برداشت و طلحه و زبیر به بصره رفتند، زمینش را در خیبر فروخت و با علی ـ علیه‌السلام ـ در حالیکه ۸۵ ساله بود قیام کرد ...

سپس (نجاشی) گوید که برای پسر ابورافع که نامش علی است کتاب دیگری است. او از

تابعین و از بزرگان شیعه است و در خدمت امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ هم بوده است، او کاتب و حافظ خوبی بود و کتابی در ابواب فقه از وضو، نماز و سایر موضوعات جمع‌آوری نموده است ...

گویم (ثقةالاسلام) این دو مرد را هم ابن شهر آشوب در کتاب خود نام نبرده است و آنچه ذکر کرده عبدالله‌بن ابی رافع است و در کتاب نجاشی در ضمن شرح حال پدرش نامی از او برده شده و او را عبیدالله نامیده است. و کتابی را که شیخ طوسی در الفهرست به او نسبت می‌دهد کتاب قضایای امیرالمؤمنین است. گوید که برای او کتابی به نام «اسامی کسانی که در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان با علی ـ علیه‌السلام ـ بودند» می‌باشد که ابن شهر آشوب فقط کتاب اخیر را ذکر کرده است.

پس دانسته شد که اولین کتابی که غیر از کتاب خدا تصنیف شده کتاب علی و کتاب فرائض، اگر جزئی از کتاب علی نباشد و جامعه و جفر و مصحف فاطمه ـ علیهاسلام ـ و کتاب سلمان و کتاب ابوذر و اصبغ‌بن نباته و ابورافع و علی‌بن رافع و عبیدةبن رافع و صحیفه سجادیه می‌باشد. این اعتقاد شیعه است، اما آنچه مورد قبول عامه است پس کلام آن‌ها را شنیدی و دانستی که آنان کتاب نحو ابوالاسود دوئلی را به حساب نیاورده‌اند، شاید مراد آنها از اولین مصنف، اولین کسی است که در علم حدیث و امثال آن تصنیف نموده است، همچنان که گذشت و تازه بنا بر این قول کتاب ابورافع و پسر او علی که در فقه نوشته‌اند، قدیمی‌تر است از آنچه که عامه آن را ذکر کرده است اما به خاطر عدم توجهشان به کتب شیعه آن را ذکر نکرده‌اند.

کتاب ابن حزم

کتاب دیگری که من بر آن واقف شدم کتابی است که رسول خدا(ص) به ابن حزم نوشته است. این خبر در تهذیب در باب دیات‌الشیجاج با اسنادش از ابومریم نقل شده که گفت امام صادق ـ علیه‌السلام ـ به من فرمود ای ابامریم، همانا رسول خدا کتابی در صدقات به ابن حزم نوشته است آن را از او بگیر و برایم بیاور تا آن را ببینم پس چنین کردم، پس در آن ابوابی در صدقات و دیات وجود داشت (حدیث). ابن حزم نامش عمروبن حزم است که شرح حال او را از کتاب اسدالغابه ذکر می‌کنیم. کتاب (اسدالغابه) از دیگر کتابها در میان شرح حال افراد کامل و جامع‌تر است زیرا که آنان که در رجال شیعه کتاب نوشته‌اند نام وی را در باب کنیه‌ها نقل

نکرده‌اند. و مؤلفان کتاب‌های استیعاب و اسدالغابه در بخش کنیه‌ها بابی را که با ابن شروع شده باشد، ترتیب نداده‌اند.

در کتاب اسدالغابه در زیر نام عمروبن حزم چنین گفته است: «عمروبن حزم پسر زید، که پسر لوذان، پسر عمر و پسر عبدعوف پسر غنم، پسر مالک نجاری انصاری خزرجی است. گویند که نجاری را رسول خدا برای اهل نجران به کار برده و آنان فرزندان حارث پسر کعب‌اند که هنگامی که خالدبن ولید به سوی آنان فرستاده شد وی جوانی ۱۷ ساله بود، آنان اسلام آوردند و برای آنها کتابی که در آن فرائض و سنن و صدقات و دیات بود نوشته شد. گویند وی در سال ۵۱ در مدینه وفات یافت و یا در سال ۵۳ و یا ۵۴ در زمان خلافت عمر در مدینه درگذشته است. و صحیح آن است که بعد از سال ۵۰ هجری وفات یافته زیرا محمدبن سرین روایت کرده که او با معاویه به هنگام گرفتن بیعت برای یزید به درشتی سخن گفته است ...»

مرحوم (ثقةالاسلام) پس از بحثی مختصر در باره هویت ابن حزم چنین می‌گوید:

«این ابن حزمی است که رسول خدا(ص) برای او کتابی در صدقات نوشت اما شخصی که امام صادق به ابامریم امر فرمود که کتاب را از او بگیرد به طور قطع عمروبن حزم نیست زیرا که وفات وی قبل از تولد حضرت امام جعفرصادق بوده است، زیراکه ولادت امام ـ علیه‌السلام ـ در سال هشتاد و سه بود ... و ظاهر این است که او ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم، پسر عمرو پسر حزم صحابی است که ابن حجر در تقریب آورده است: ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم انصاری نجاری مدنی قاضی که نام او یکی است و گفته شده که کنیه او ابومحمد بوده، در سال ۱۲۰ هجری وفات یافته و غیر از این تاریخ هم ذکر شده است. در کتاب اسماء رجال مشکوة هم در شرح حال پسرش محمد تاریخ وفات او را این‌چنین ذکر کرده است.

در کامل ابن اثیر در حوادث سال ۱۱۷ گفته است که در این سال ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم وفات یافته است و گفته شده سال ۱۲۰، یا ۱۲۶ یا ۱۳۰ و اگر چنین باشد حدود ۶ سال از زمان امامت جعفرصادق(ع) را درک کرده است؛ زیرا امام باقر ـ علیه‌السلام ـ در سال ۱۱۴ وفات یافته است.

و احتمال دارد که مقصود عبدالله پسر ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم متوفای سال ۱۳۵ باشد که بهنگام وفات ۷۳ سال داشته و در تهذیب و تقریب چنین آمده است.

خطیب در مشکوة و ابن حجر در تقریب نظر اول را تائید می‌کنند زیرا هر دو ابن حزم را در

باب کنیه‌ها ذکر می‌کنند، اولی او را ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم معرفی می‌کند و دومی (ابن حجر) در حدیث اسراء او را ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم نام می‌برد.

اما آنچه باعث تعجب من شده، قولی است که شیخ‌الطائفه ذکر کرده که یک بار او را عبدالله پسر ابوبکر در ذیل اصحاب و یاران امام سجاد ذکر می‌کند و می‌گوید عبدالله‌بن ابی‌بکربن عمروبن حزم انصاری مدنی که در مدینه در سال ۱۲۰ وفات یافت و نام و کنیه او یکی بود ... و زمانی در ذیل اصحاب و یاران امام صادق او را ذکر می‌کند و می‌گوید عبدالله پسر ابوبکر پسر محمد پسر عمرو پسر حزم انصاری مدنی ... ظاهر این است که عبیدالله در اسم اول زائد است و حق این است که ابوبکر در شمار اصحاب امام سجاد و پسرش محمد در شمار اصحاب امام صادق بلکه امام باقر ـ علیهماالسلام ـ ذکر شود. سپس آنچه از حدیثی که ذکر کردیم برمی‌آید این است که ابن حزم از اصحاب امام نیست و از ظاهر تقریب و تهذیب و مشکوة هم چنین برمی‌آید و قاضی بودن او در مدینه و اینکه در احادیث امامیه نامی از او نیست، این مطلب را تائید می‌کند.

حال که این کتاب را شناختی و دانستی که در کتب عامه هم از آن ذکری به میان آمده خواهی دانست که چرا این کتاب در شمار اولین کتاب‌های تصنیف شده نیامده و خدا به مقاصد آنان آگاه‌تر است.

بدان که این فصلی را که نگاشتم همه از تراوشات فکری و تتبعات ذهنی خودم بوده است. پس از آن به کلام علامه حاج‌میرزاحسین نوری در کتاب نفس‌الرحمن آگاهی یافتم، پس بعضی از آنچه که وافی به مقصود بود را از آن نقل کردم. نامبرده در باب پنجم کتابش بعد از نقل کلام ابن شهر آشوب آنچه راکه ما گفتیم نقل می‌کند و چنین می‌گوید: ظاهر این است که مراد از آن چه امام امیرالمؤمنین تصنیف کرده است، همان کتاب مصون و محفوظ در نزد اهل بیت است که در نزد امام زمان ـ علیه‌السلام ـ خواهد بود نه آنچه که اکنون در دست مردم است؛ زیرا اگر چنین بود می‌دانیم که قرآن موجود را عثمان‌بن عفان بر طبق ظاهر اخبار جمع کرده است و در اخبار مربوط به کیفیت و جمع‌آوری آن تشویش و اضطراب وجود دارد به گونه‌ای که صدق تصنیف بر آن نمی‌شود و در این حال اولی ذکر کتاب دیات امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ است که در آن زمان معروف بود و در بعضی از اخبار آمده که این کتاب به شمشیر او آویزان بود و اهل تسنن هم آن را نقل کرده‌اند. و بخاری آن را در باب کتابت علم روایت نموده و در کتاب مشکوة در باب حرم مدینه و در باب صید و ذباحه ذکر شده است و در صواعق از مسلم آنرا روایت کرده است و اما

آنچه را غزالی ذکر کرده از قلت تتبع و شدت تعصب او ناشی می‌شود. همچنین اولی این بود که کتاب فاطمه قبل از کتاب سلمان ذکر می‌شد.

اگر گفته شود که این کتاب نیز مانند کتاب جفر و دیوان اسامی شیعه و امثال آن برای اینکه بین مردم متداول و مورد استفاده باشد نوشته نشده و در این جا مقصود ذکر آن چیزی است که در اسلام برای اهلش نوشته شده است.

در جواب گوئیم: اگر بپذیریم عدم صدق تصنیف را بر جمع قرآن که فعلاً در دست ماست پس بر قرآنی که در نزد خاندان رسول است نیز اطلاق نمی‌شود و در این رابطه چه فرقی بین این دو هست و اما کتاب دیات امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ هر چه گشتم ذکری و اثری از آن در کتابها نیافتم، شاید هم به علت قصور تتبع من بوده است. بله همانا ائمه علیهم‌السلام ـ در ابواب دیات فراوان به قضاوت‌های علی ـ علیه‌السلام ـ استناد و از وی روایت نموده‌اند. در ابواب دیات در چهار موضع به امام استناد شده بود و هر چه اصحاب ما از «اصل» ظریف‌بن ناصح در باب دیات نقل کرده‌اند به امام علی‌بن ابیطالب برمی‌گردد. در مورد اینکه در بعضی از اخبار نقل شده که کتاب مزبور به شمشیر وی آویزان بوده است، پس هر چه گشتم و کتاب بصائر صفار را ورق زدم چیزی که بر آن دلالت کند نیافتم نه در مبحث کتاب دیات و نه در جلد هفتم بحار که مربوط به بیان کتابهائی است که در نزد ائمه ـ علیهم‌السلام ـ است. چرا در خصال در باب اینکه رسول خدا(ص) به علی هزار حرف را تعلیم کرده روایتی است که در آن ذکر صحیفه‌ای رفته است که معلق بر شمشیر رسول خدا بوده است و حدیث این چنین است که ابی‌بصیر از امام صادق ـ علیه‌السلام ـ نقل می‌کند که فرمود در دنباله شمشیر رسول خدا صحیفه کوچکی بود پس گفتم در آن صحیفه چیست؟ فرمود حروفی که از هر یک از آنها هزار باب باز می‌شود ... آنگاه فرمود تا روز قیامت دو حرف بیشتر از آن حروف ظاهر نمی‌شود (انتهی) و این مطلب غیر از آنی است که علامه نوری ذکر کرده است.

و اما آنچه از قول بخاری در صحیح در باب کتابت علم نقل کرده است نیز چنین است و همانا در اوایل کتاب به اسنادش از ابی جحیفه روایت کرده است که گفت به علی ـ علیه‌السلام ـ گفتم آیا در نزد شما کتابی است فرمود نه مگر کتاب خدا یا فهمی که به هر فرد مسلمان داده شده و یا آنچه در غیر این صحیفه آمده است. گفتم این صحیفه چیست، فرمود عقل و آزادی اسیر و اینکه مسلمان در مقابل کافر کشته نمی‌شود (انتهی) و این مطلب را در باب عاقله دیات هم با تغییر

اندکی و در باب اینکه مسلمان با کافر کشته نمی‌شود ذکر کرده است و در کتابهای مشکوة و صواعق هم در نزد من نبود تا تحقیق بیشتری نمایم[۳۸].

و همچنین قول علامه نوری که اولی ذکر مصحف فاطمه بود قبلاً در ذیل کلام مربوط به کتاب علی ـ علیه‌السلام ـ گفته شد که سخن در اولین کتاب تصنیف شده است نه اولین چیزی که مشهور است و بین مردم مانده و یا برای استفاده عموم نوشته شده است.

بله اگر مقصود بیان اولین کتاب تصنیف شده برای عموم بود جائی برای ذکر مصحف فاطمه، جفر و نیز از جهتی کتاب علی ـ علیه‌السلام ـ نمی‌ماند و سخن برگشت به اصطلاح دارد که مقصود از اولین تصنیف چیست.

فاضل مذکور می‌گوید: همانا ابن شهر آشوب کتاب سلیم‌بن قیس هلالی[۳۹] را قبل از صحیفه کامله ذکر نکرده با اینکه آن کتاب مشهور و معروفی است تا اینکه می‌گوید در تعدادی از اخبار و در کتاب رجال کشی و امالی شیخ صدوق و بشارة‌المصطفی و غیر آن آمده که کتاب مزبور (سلیم‌بن قیس) در کتاب میثم تمار یافت شده و کتاب میثم هم بر کتاب صحیفه کامله مقدم است بلکه در احتجاج است که همانا حسن بصری آنچه را که امیرالمؤمنین می‌گفت می‌نوشت و در کتاب سلمان و ابوذر خبر و اثری از آن دو نیست. مگر آنکه شیخ در فهرست ذکر کرده است که سلمان خبر جاثلیق رومی را که ملک روم او را بعد از پیامبر(ص) فرستاد ذکر کرده ... و شیخ طوسی گفته است که ابوذر خطبه‌ای دارد که در آن وقایع بعد از پیامبر اسلام را تشریح می‌کند تا اینکه می‌گوید ظاهر این است که این دو یعنی سلمان و ابوذر دو خبر را ثبت کرده و نوشته‌اند والا آنچه که از آن دو روایت شده بیش از آنی است که احصاء شود. و در این صورت، مراد او از کتاب سلمان و ابوذر، همان خبر جاثلیق و خطبه است و شاهد این مدعا این است که در معالم‌العلماء در شرح حال سلمان آمده است که او خبر جاثلیق را ذکر و روایت کرده و غیر از آن خبری را نقل ننموده است و در شرح حال ابوذر است که وی را خطبه‌ای است که وقایع بعد از پیامبر(ص) را تشریح می‌کند (انتهی). این حاصل آن چیزی است که ما از کلام فاضل محدث نقل کردیم. و اما مسأله اصبغ‌بن‌نباته هم مانند سلمان و ابوذر است که آنان کتابی را به او نسبت نداده‌اند و تنها آنچه که به او نسبت داده‌اند روایت عهدنامه مالک اشتر و وصیت مولا به فرزندش محمد است ...

آنگاه مرحوم ثقة‌الاسلام چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

حاصل کلام از مجموع آنچه که تاکنون گفته شد این است که کتب تصنیف شده در عهد پیامبر اکرم(ص) کتاب علی و جامعه ـ اگر جزئی از کتاب علی نباشد ـ و کتاب دیات و کتاب فرائض ـ اگر این دو نیز جزئی از کتاب علی نباشند و جفر بنابر آنچه گذشت. این در صورتی است که جفر را موضوعاً مربوط بدانیم (یعنی آن را جزو کتب بدانیم) و کتاب ابن حزم یعنی کتابی که پیامبر برای او فرستاد می‌باشد. و اما کتابهای تصنیف شده: بعد از پیامبر اکرم مصحف فاطمه، کتاب سلمان و ابوذر و اصبغ‌بن‌نباته ـ با توجه به خصوصیاتی که در باره آنها گفته شد ـ و کتاب ابورافع و علی و عبیده دو فرزندش و آنچه را که ابوالاسود دوئلی در نحو جمع نمود و کتاب سلیم‌بن قیس و کتاب میثم تمار و صحیفه سجادیه می‌باشد.

و اما قرآن کریم اگر آن را جزو مصنفات به شمار می‌آوریم ـ اگر منظور قرآنی است که نزد ائمه ـ علیهم السلام ـ است پس تألیف آن بعد از وفات پیامبر اسلام است و اگر منظور قرآن به طور مطلق است، پس آن در عصر و زمان خود پیامبر اسلام تألیف شده است و قرآنی هم که در نزد ماست در زمان عثمان بعد از وفات پیامبر اسلام جمع‌آوری شده است.

فصل دوم:

بدان اکثر کتابهای علمای ما ـ رضوان‌الله علیهم ـ موجود نیست و دست زمان بسیاری از آنها را از بین برده و جز مقدار اندکی از آنها باقی نمانده است.

شیخ محدث محمدبن عاملی در فائده و هم از کتاب امل‌الامل چنین گوید که کتاب نهج‌المقال مشتمل بر بیش از هفت هزار اسم و بیش از ۶۶۰۰ کتاب می‌شود تا اینکه می‌گوید:

این کتاب ما مکمل کتاب میرزامحمد و متمم فوائد آن است پس این دو کتاب مشتمل بر ذکر نام اکثر علماء امامیه است و اکثر مؤلفات آنها را دربر می‌گیرد بدون اینکه ادعا کنیم چیزی را از قلم نینداخته‌ایم. زیرا مطمئناً جماعتی از علماء بوده‌اند که ما هرگز نام آن‌ها را نمی‌دانیم و مؤلفات آنها را هم نمی‌شناسیم. (انتهی باختصار)

در اثبات‌الهداة نیز مثل چنین قولی آمده است در آغاز کتاب امل‌الامل به نقل از مصنف چنین آمده است:

«عده علماء قسم اول (جبل عاملی) دویست و نه و تعداد مؤلفات آنان زیاده از ۳۹۰ است. و تعداد مؤلفین قسم دوم (سایر علماء) ۱۱۱۰ و تعداد مؤلفات آنان ۱۵۲۷ می‌باشد و کتاب

امل‌الامل به منزله تکمله و تتمه منهج‌المقال است گرچه نام بعضی از مشاهیر علماء در هر دو کتاب آمده است. البته مؤلفین مذکور در این دو کتاب آنانی هستند که از نظر موضوعی مورد علاقه مؤلفین آن بوده‌اند و اما غیرفقیهان، چون حکیمان، طبیبان، ستاره‌شناسان و شعراء و مورخینی که آنان به ذکر آنان نپرداخته‌اند از این حساب خارج‌اند.

این تعداد، آن چیزی است که در آن زمان نویسنده مزبور بدان آگاهی یافته است و باید آنچه را که متأخرین و علماء پس از محدث مزبور تألیف کرده‌اند را به آن افزود به اضافه آن تعدادی که از نظر مؤلفین مزبور پوشیده مانده است.

و صاحب منهج‌المقال چه نیکو نقل کرده آنچه را که شیخ‌الطائفه طوسی و احمدبن عباس عیاشی گفته‌اند. شیخ در اول فهرست خود گفته است که من تضمین نمی‌کنم که حق مطلب را در این کتاب اداکرده و نام همه مؤلفین را ذکر کرده باشم زیرا که تصانیف و اصول اصحاب ما را به علت پراکندگی آنان در شهرها و کشورها نمی‌توان ضبط کرد ... نجاشی نیز در این رابطه گفته است آنچه توانستم در این رابطه جمع کردم ولی به نهایت نرسیدم.

و خواننده به خوبی می‌داند که کتب قدمای اصحاب ما پراکنده شده‌اند و دست زمان به تطاول آن پرداخته و بادهای موافق و مخالف اوراق آن را به دست نیستی و فنا سپرده و حوادثی بر آنها رخ داده و بر صاحبان آنان خوفهائی مستولی شده است و در عین حال حکومت و دولت در دست غیرآنان و جریان و حرکت عمومی خلاف اعتقاد آنان بوده است آنان در همه جا در تقیّه زندگی می‌کردند و در هر زمان خوف بر آنان مستولی بوده است. در هر حال این عده از تصانیف بقایای غفلت زمان و نجات یافته از مهلکه دوران است و بر این مطلب باید تنگی دست را نسبت به تحصیل کتاب و انتشار آن و قلت اهتمام اهل آن نسبت به این امور افزود. همانا کتابهای ابی‌عمیر به خاطر اینکه به مدت ۴ سال در زندان بود از بین رفت و خانه شیخ ما، شیخ طوسی و کتابخانه‌اش در بغداد به علت نزاعی که بین شیعه و سنی درگرفت در سال ۴۴۸ هجری سوخت و از بین رفت.[۴۰] و فراوان است حملات بر بلاد مسلمین از جانب کفار و بر امامیه از جانب مخالفین آنان. کتابخانه شهید ثانی در حالیکه هزار جلد کتاب در آن بود آتش گرفت. در زمان صفویه که زمان، اندکی به سود علم شد و علماء حمایت شدند و امنیت آنان تضمین و تدریس علوم در آن زمان احیاء شد تا اینکه کتب مندرس جمع گشت و بازار کساد شده علم رونق گرفت. سپس بعد از این بیداری خوابی جامعه را فراگرفت که بیداری‌ای بعد از آن نیست هر چند صور

اسرافیل دمیده شود و علم را مرگی فراگرفت که حیاتی بعد از آن نیست. هر چند همه از قبرها بیرون آیند.

حال که دانستی این مطالب را بدان که غرض و مقصود من این نیست که جمیع آنچه را که شیعه از آغاز تألیف کرده است را فهرست کنم زیرا که این کار عظیمی است که به سادگی میسر نتوان شد بلکه شروع می‌کنیم به ذکر مؤلفات جماعتی که پس از اتمام قرن چهارم بوده‌اند ولی نسبت به مؤلفات قبل از این قرن تنها به ذکر آنهایی اکتفا شده که یا نسخه‌ای از آن به دست آمده و یا اهمیتش آنچنان بوده که همچون کتاب کافی و بعضی‌از کتابهای شیخ صدوق ـ علیهماالرحمه ـ ناگزیر از ذکر آن بوده‌ام.

فصل سوم: ترتیب و نظم کتاب (مرآةالکتب)

بدان، همانا من عناوین کتابها را به ترتیب الفبائی حروف ذکر کرده و پس از حرف اول، حرف دوم و سوم را تا آنجاکه مقدور است رعایت نموده‌ام و در ذکر نام کتاب در اینکه حروف اولش اصلی است یا زائد رعایت کرده‌ام بر خلاف کتاب لغت که بدون رعایت اصلی بودن یا فرعی بودن حروف همه را به ترتیب الفباء می‌کنند. سپس نام مؤلف را ذکر نموده‌ام و فن و موضوعی که در آن تبحّر دارد سپس زبان تألیف را بیان کرده‌ام و جائی که از زبان ذکری به میان نیامده است زبان، زبان عربی است مگر در جایی که بر آن واقف نشده‌ام و چیزی از اول کتاب را ذکر کرده‌ام در جائی که شک داشته‌ام والا ترک ذکر زبان دلیل قطع اینجانب نسبت به زبان تألیف است. همچنین منظور من اولاً ذکر عصر مؤلف و تاریخ وفات او و بیان مختصری از شرح حال نویسنده در ذیل کتاب مشهور او یا اولین کتابی که از او ذکر کرده‌ام بوده است و اگر کتاب دیگری از همان نویسنده ذکر کنم تفصیل را به کتابی که قبلاً ذکر آن رفته است ارجاع می‌دهم مثل اینکه می‌گویم کتاب فلانی مربوط به فلان نویسنده صاحب کتاب فلانی است مگر اینکه ذکر مجدد مرجح باشد که در آن مختصری از شرح حال و وثاقت و اعتبار کتب نویسنده ذکر می‌شود به گونه‌ای که مؤلفین در بابی و تألیفاتشان در باب دیگر باشد.

فصل چهارم: پوشیده نیست که اکثر مؤلفات یاران ما نام مشخصی ندارند مانند رسائل معمولی

در مسائل متنوعه گوناگون و برای بعضی از آنها شروح و حواشی هم هست. پس من ابتدا اسم بخصوص تألیف را ذکر می‌کنم و شروح و حواشی را در ذیل آن می‌آورم سپس اگر آن شرح و حاشیه اسم مخصوص داشته باشد آن را در باب حواشی بدون تفصیل ذکر می‌کنم و فقط می‌گویم رجوع کنید به کتاب فلانی. اما رساله‌ها را در ذیل لفظ موضوع آن رساله‌ها ذکر کرده‌ام پس همه رساله‌های احکام را در ذیل عنوان فقه به ترتیب حروف الفبا ذکر کرده‌ام و شاید هم بعضی از آنها را در حرف «را» رسائل ذکر کرده باشم. و تألیفات در باب علم رجال را در ذیل موضوع رجال و مسائل مربوط به معاد را در باب «م» گفته‌ام. اسامی کتابهایی که با نام کتاب شروع شده در باب کاف ذکر شده مانند کتاب من لا یحضره‌الفقیه و اما بعض از آنها مانند کتاب و امثال آن که به نام خاص مشهوراند را در باب خودشان ذکر نموده‌ام.

فصل پنجم: در ذکر بعضی از کتب رجالیه است که به هنگام تألیف کتاب موجود بود و بر بعضی از آنها پس از نگارش بخش اعظم این کتاب واقف شدم سپس به آنچه نوشته بودم بازگشتم و برای بار دوم آنچه را لازم بود بدان اضافه کردم. و برای این کتابها اسم رمز انتخاب نکردم مبادا اداء مطلب نشود زیرا که چه بسا نسخه‌نویس حرفی را تحریف کند و عمل فاسد و باطل شود البته از اسامی مرکب فقط بجزء اول آن اکتفا نمودم. اسامی کتبی که از آنها استفاده نمودم به ترتیب الفبا بدین قرار است:

- اثبات‌الهداة بالنصوص والمعجزات از شیخ محدث محمدبن حسن‌بن حر عاملی که در آن در آغاز کتاب، تعدادی از عناوین کتب ذکر شده والا در واقع این کتاب از کتب رجالیه نیست.
- اجازه سید عبدالله پسر سیدنورالدین پسر سیدنعمت‌الله جزائری.
- امل‌الامل در علماء جبل عامل از شیخ حر عاملی.
- بحارالانوار که مشهورتر از آن چیزی است که وصف شود و شناخته‌تر از آنی است که شناسانده شود و مقصود اصلی جلد اول یعنی فصولی که در آغاز جلد اول ذکر کرده و نیز مجلد اخیر که در اجازات است.
- تعلیقه علامه آقاباقر بهبهانی بر کتاب منهج‌المقال.
- تکمله امل‌الامل از شیخ عبدالنبی یزدی که به امر علامه بحرالعلوم سیدمهدی قزوینی تألیف کرده و نتوانست آن را به پایان برساند و تعبیر من از آن در این کتاب به تکمله است و از

مؤلف آن به فاضل یزدی یاد کرده‌ام.

- خلاصة‌الاثر فی اعیان‌القرن الحادی عشر از محمدبن فضل‌الله از ادباء و علماء عامه.
- خلاصة‌الاقوال در علم رجال از آیة‌... علامه حسن‌بن یوسف‌بن مطهر حلی.
- رجال شیخ ابوالعباس احمدبن علی نجاشی که گاهی از آن به نجاشی تعبیر کرده‌ام.
- رجال شیخ حسن‌بن داود معروف به رجال ابن‌داود.
- رجال شیخ طائفه محمدبن حسن طوسی.
- رجال شیخ محمدبن عمربن عبدالعزیز کشی. و مقصود از آن اختیار شیخ طوسی است والا اصل کتاب موجود نیست.
- روضات الجنات از سیدفاضل امیرمحمدباقر خوانساری معاصر.
- روضة‌البهیه والتحفة الشفیعیة از آقامحمدشفیع بروجردی و این کتاب اجازه‌ای است نظیر لؤلؤالبحرین بلکه از آن خیلی بیشتر نیست و ارجاع من به این کتاب کم است.
- ریاض‌الجنة از میرزاحسن زنوزی خوئی از فضلای اوائل قرن ۱۴ و از این کتاب هم کم نقل کرده‌ام.
- ریاض‌العلماء از میرزا عبدا... افندی از شاگردان علامه مجلسی است و تمام مجلدات او را نداشته‌ام.
- سلافة‌العصر از سیدعلیخان مدنی
- صحیفة‌الابرار از فاضل میرزامحمدتقی حجة‌الاسلام تبریزی که معاصر است و این کتاب در فضائل است مگر اینکه در آخر کتاب شرح حالی از بعضی از علماء و کتابهایشان وجود دارد.
- صراط‌المستقیم از علی‌بن یونس نباطی که این کتاب هم در امامت است الا اینکه در اولش مقداری از نامهای کتب و پاره‌ای از خصوصیات آن ذکر شده است.
- فهرست ابن‌ندیم که همان محمدبن اسحق ندیم است که این کتاب در کشورهای غربی چاپ شده و من از آن کم استفاده کرده‌ام و شیخ طوسی در فهرست شیعه خود از آن استفاده کرده است.
- فهرست شیعه از شیخ طائفه محمدبن حسن طوسی[۴۱].
- فهرست شیخ منتجب‌الدین علی‌بن عبدالله‌بن بابویه و در نزد من از آن ۳ نسخه است که یکی از آنها مستقل و دو دیگر از آن همانی است که در مجلد اجازات بحار است و من از آن به

فهرست ابن‌بابویه یاد کرده‌ام[۴۲].
ـ فهرست کتب محدث عارف مولی محسن فیض و من از آن به فهرست المؤلف یاد کرده‌ام.
ـ الفیض‌القدسی در احوال مجلسی از محدث دوران حاج‌میرزا حسین نوری.
ـ قصص‌العلماء از میرزامحمد تنکابنی معاصر و این کتاب گرچه اشتباهات زیادی دارد اما من در بعضی مواضع از آن نقل کرده‌ام و اشکالات آن را تذکر داده‌ام.
ـ کشف‌الحجب والاستار من اسماءالکتب والاسفار از مولوی اعجاز حسین متوفای سال ۱۲۸۰ قمری من پس از اینکه نیمی از این کتاب را نوشته بودم این کتاب را به دست آوردم و این کتاب اگر چه تا حرف آخر را تمام کرده است اما حق مطلب را ادا نکرده و وافی به مقصود نیست حتی وی نام کتاب عبقات‌الانوار علامه مولوی حامد حسین ـ برادرش ـ را ذکر نکرده یا اینکه وی در تألیف آن کتاب همکار او بوده است با این وجود این کتاب از اشتباه خالی نیست و نسخه‌ای که در نزد من است جداً پر از غلط است و تعبیر من از این کتاب به نام مؤلف آن است گفته‌ام مولوی گفته است.
ـ کشف‌الظنون عن اسماءالکتب والفنون از حاج مصطفی پسر عبدالله استنبولی و من در باب او کلامی دارم که در موضع خودش در باب دوم ذکر کرده‌ام[۴۳].
ـ مجالس‌المؤمنین از قاضی نورالله تستری.
ـ مستدرک‌الوسائل از علامه محدث عصر فیض قدسی و غرض از کتاب وی جلد سوم است بخصوص فایده دوم و سوم که متضمن شرح حال است و به خاطر عدم طبع و انتشار آن، همین اواخر آن را دریافت کردم و آنچه را استفاده کردم به کتاب خویش افزودم.
ـ مطلع‌الشمس در تاریخ خراسان که از تألیفات محمد حسنخان اعتمادالسلطنه مورّخ دولتی است و بر تألیفات او اعتماد زیادی نداشتم ولکن این کتاب حاوی ذکر بعضی از رجال بود.
ـ مقابس‌الانوار در فقه از شیخ اسدالله کاظمی که در اول آن ذکر علماء و تألیفات آنان آمده است.
ـ معالم‌العلماء از محمدبن علی پسر شهر آشوب سروی مازندرانی.
ـ منتهی‌المقال از ابوعلی محمدبن اسماعیل و همانا آنچه در نهج‌المقال آمده در این کتاب هم باختصار آمده و اضافاتی هم بر آن دارد و غیر معروفین را ذکر نکرده است.
ـ منهج‌المقال از سیدفاضل میرزامحمد استرآبادی که از بهترین کتب رجالیه و جامع‌ترین آنهاست و آقامحمدباقر بهبهانی حاشیه‌ای بر آن دارد که به نام تعلیقه معروف است و قبلاً ذکر

آن رفت.

- لؤلؤالبحرین از شیخ یوسف‌بن احمد بحرانی و آن کتاب اجازه معروف اوست.
- نامه دانشوران. تألیف مجمع علمی در تهران است که در سال ۱۲۹۳ شروع به تألیف کردند و از آن تاکنون ۴ مجلد طبع شده است و آنچه در این کتاب آمده در غیر آن نیست.
- نجوم‌السماء در تراجم علماء از مولوی میرزامحمدعلی کشمیری از فضلاء معاصر هند است که به فارسی نوشته شده و مشتمل بر رجال سه قرن بعد از هزار است که اولین مجلدی که ما دریافت کرده‌ایم شامل رجال قرن ۱۱ و ۱۲ و کمی از قرن ۱۳ است که با تشویق تمام بر حسب زمان ترتیب یافته است و ابداً ترتیب حروف را رعایت نکرده است.
- الوافی للوفیات از خلیل‌بن ایتک صفدی که در جاهایی از آن استفاده کرده‌ام.
- وفیات‌الاعیان از ابن خلکان.

البته استفاده من محدود به کتابهای فوق‌الذکر نیست و چه بسا از کتابهای دیگر استفاده می‌شده که به هنگام نقل به نام آنها تصریح کرده‌ام. چنانچه همه این کتب را که هم از کتب عامه و هم خاصه است ذکر می‌کردم باعث اطاله کلام می‌شد.

در ضمن باید دانست که چه بسا به تألیفی از اصحاب برخورد کرده‌ام که شرح حال نویسان نام او را ذکر نکرده‌اند یا اینکه خود کتاب فاقد نام مؤلف است و یا به خاطر تأخر عصر او و یا اینکه موضوع کار او مورد علاقه نویسنده و شرح حال‌نویس نبوده نام و کتاب او ذکر نشده و من هر جا توانسته‌ام تا آنجا که توفیق داشته‌ام ذکر کرده‌ام.

خاتمه: ارشاد و اعتذار

اما ارشاد پس در بعضی از آداب تألیف است از آنچه که در مواردی به کار آید و تا آنجا که علم و دانش به من توان داده است چنین دیده‌ام که در وجودش نفع است و در عدمش ضرر - اموری است که دانشمندان در کتب منطق بعضی از آنها را ذکر کرده‌اند که از آن جمله است موضوع علم، تعریف و غایت علم و نیز تصریح به نام مؤلف کتاب. و آنچه اینجانب آن را مهم می‌دانم اموری است که مختص به موضوع علمی خاص نیست بلکه پاره‌ای از آنها عام و بعضی‌ها خاص می‌باشد. که از آنجمله ذکر تاریخ تألیف

و از آن جمله است ترک ترسل و تعقید (مبهم‌گوئی) و الغاز (معمّاگویی) بخصوص در

کتابهای عمومی‌ای که برای خاص و عام نوشته می‌شود زیرا صرف عمر و خسته کردن ذهن در جهت معنا اولی است از صرف و خسته کردن ذهن به خاطر لفظ و فصاحت بر حسب آنچه گفته‌اند آن چیزی است که عوام می‌فهمند و خواص خشنود و راضی می‌شود. بنگر به کتاب روضات‌الجنات که چگونه به سجع و رعایت محسنات لفظی اصرار می‌ورزد تا جائی که دل را زده و گوش را آزرده است.

و از آن جمله است ترک بعضی از چیزهایی که به موضوع ربطی ندارد و ترک مسأله مورد بحث و وارد شدن در بحثی دیگر ـ علمای هند در کتب کلامی خود چنین کرده‌اند و نظیر آن و بعضی از تألیفات قاضی نورالله دیده می‌شود. پس نویسنده به هنگامی که در موضوعی بحث می‌کند ناگهان آن را رها می‌کند و وارد بحثی دیگر می‌شود اینان گرچه ممکن است معذور باشند و بنابر مثل معروف فارسی «کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است» لازم است با رقبای خود معارضه کنند لکن کلام متوجّه عموم است و این امر از جانب هر نویسنده و یا نوشته شده‌ای باید مورد توجه قرار گیرد.

و سیدمرتضی در اوایل کتاب شافی خود بعد از نقل کلام قاضی نورا... چه خوب فرموده که این روش عدول و خروج از استدلال و نظر به سوی قذف و ناسزاگویی و ظاهرسازی است و طریقه جهّال و عوام است برای انتقام و نسبت ناروا دادن به مذاهب و اهل آن (الی آخر کلام او)

و از آن جمله است ذکر اسماء کتبی که مراجعه به آن بیشتر است و از آن زیاد نقل قول می‌شود و تصریح به اسماء مؤلفین این کتب و ذکر اعتبار کتابها و درجه وثاقت آنان لازم است و چه بهتر که این در یک فصل مخصوص باشد همچنان که علامه مجلسی در بحارالانوار چنین کرده و علی‌بن یونس در صراط‌المستقیم و شیخ حر عاملی در الوسائل و اگرچه آنچه مجلسی کرده مشروح‌تر و مبسوط‌تر است پس همانا این کار بخصوص در کتب رجالیه و تواریخ و فقهیه مفصله از آن چیزهایی است که نیاز به آن فراوان است. (لاغناء عنه) و مؤلفین منهج و منتهی و قبل از آن دو ابن‌داود هر چند در ضمن بیان رمزهای آنان نامی از اصول آنان برده‌اند اما به بداهت آن کتابها و مؤلفین آن در نزد خودشان قناعت نموده و بر آنچه در کتاب به عنوان شرح حال آنان آمده اکتفا و در مقدمه از تصریح اجتناب کرده‌اند. و اگر چنانچه تصریح می‌کردند که مثلاً این خلاصه مربوط به علامه کشی و نجاشی است بسیار بهتر و روشن‌تر بود و صاحب منتهی نام ابن‌حجر و ذهبی را ذکر کرده که از عامه‌اند ولی توضیحی دیگر نسبت به شهرت آنان نداده است.

این امر در بعضی از کتابها به مراتب شدیدتر است مثل نجوم‌السماء که در اثناء کتاب از کتاب شذورالعقیان و تذکرةالعلماء و نیز کتاب طرازالمذهب از بعضی از کتب نقل قول می‌کند بدون اینکه در اول یا آخر کتاب ذکری از کسی شده باشد.

و این نظیر اهمال در ضبط بعضی از مواردی است که امر بر خواننده مشتبه می‌شود همچنان که گفته‌اند در سبب قرائت سیبویه عالم نحوی که وی به ثاربن سلمه که در نزد او فقه می‌خواند گفت چه می‌گویی در باب مردی که در نماز از بینی‌اش خون بیاید «رجل رعف فی‌الصلوة» پس حماد گوید ای سیبویه نگو رعف بلکه بگو رعف (انتهی) مشاهده می‌شود که از این نوع ضبط نه کیفیت تلفظ سیبویه و نه چگونگی تلفظ حماد روشن نمی‌شود و تو باید در کتاب‌های لغت جستجو کنی تا متوجه شوی که صحیح آن رعف بضم عین است و با این حال معلوم نمی‌شود که سیبویه چگونه تلفظ کرده است با فتح یا کسر عین.

و از آن جمله آنچه سیوطی در تاریخ‌الخلفاء در شرح حال مأمون از نضربن شمیل نقل کرده است که مأمون گفت هشیم پسر بشیر از مجاهد از ابن‌عباس از رسول خدا(ص) نقل کرد که فرمود هنگامی که مردی زنی را برای دین و زیبائیش بگیرد برای اوست وسیله نجاتی از عوز (حاجت و تنگدستی) گفتم درست است قول امیرالمؤمنین خلیفه از هشیم‌عوف اعرابی از حسن برای من نقل کرد که همانا پیامبر فرمود هنگامی که مردی زنی را برای دین و جمالش به ترویج درآورد برای اوست نجات از عوز (حاجت و تنگدستی) مأمون که تکیه داده بود مستقیم نشست و گفته سداد، تلفظ کن ای نضر، گفتم این چنین و هشیم این چنین تلفظ کرده و او کلمات را خوب تلفظ می‌کرد. پس مأمون پرسید چه فرقی بین این دو می‌باشد گفتم سداد درستی و راستی را می‌رساند و وسیله نجات بستن و مسدود کردن است (الی آخر کلامه) این کلام اوست بدون تصریح در حالیکه بر او و بر عملش اعتماد بوده آنچه نضر تصویب کرده سداد باکسر است و آنچه خطا بوده سداد با فتح است و به این مطلب ابن‌خلکان در شرح حال نضربن شمیل تصریح کرده که او هم از دره‌الغواص نقل کرده است و نمونه‌ها در این مورد فراوان است ذکر بیشتر ما را از مقصود اصلی دور می‌کند و از آن جمله است تصریح به اسامی و اجتناب از کنایه مانند نویسنده معاصر یا هم‌نام (سمّی) و خاقان خلد آشیان و خاقان گیتی ستان و امثال آن. پس چه بسا خواننده نام مؤلف را نداند و عصر او را نشناسد و از معاصرین و هم‌نام‌های او نتواند به این امر وقوف یابد و چه بسا هم‌نام و معاصر یک مؤلف زیاد باشد همچنان که مؤلف روضات‌الجنات هم‌نام و

معاصر را فراوان ذکر کرده است. و به خاطر ترک ذکر مهمترین مسأله که همانا تصریح به نـام مؤلف است چه بسا اختلاف که پدید آمد. و چه بسیار افراد که در تعیین نام مؤلف بـعضی از کتاب‌های مهم به حیص و بیص افتاده‌اند و اگر مؤلف نام خود را ذکر می‌کرد هر آینه زحمت بی‌منتهای عده‌ای از محققان را کم می‌نمود.

و اما اعتذار:

همانا اعتراف مؤلف را به کمی سرمایه و قلت اطلاع و فقدان اسباب کـارش شـنیدی و از کثرت تألیفات اصحاب ما مطلع شدی پس اگر نقصی دیدید سرزنش و ملامت نکنید بویژه در عصر و زمان ما که احاطه به کتب بسیار دشوار است بخصوص در مملکت مـا کـه اهـل عـلم می‌دانند که فرسنگها از علم دور است و کشتی طلب قبل از اینکه به ساحل برسد غرق می‌شود. شنیدم که به هنگام آغاز این کار بعضی‌ها چنین تعبیر کـردند کـه ایـنجانب در بـرابـر صـاحب کشف‌الظنون قد علم کرده است و در این راه زحمات فراوانی را متحمل می‌شود و چرا نـه در حالیکه مؤلف کشف‌الظنون کتابخانه دولتی عثمانی در اختیارش بود که در آن کتابهای بیش از ۵ قرن جمع شده بود (انتهی) و البته نمی‌دانند که غرض این جانب احاطه کامل به همه کتب نیست و مراد و مقصود معارضه با کسی نیست بلکه تمام هم و غرض بذل جهداست تا آنجا که توان باشد و بدیهی است که هیچ فنی هم کامل نشده مگر به تلاش پویندگان و کوشش محققان و حقیر هم نهایت سعی خود را مصروف این کار داشتم و از خدای بزرگ بر اتمام آن طلب یاری می‌طلبم. باشد آنان که کار مرا می‌بینند مرا از دعای خیر فراموش نکنند و حق مروت و برادری را در تکمیل آن به کار برند.

و در این کار اطناب در القاب علماء را ترک کردم و در این کار از قدماء رجالین تبعیت کردم و نیز بر شیخ حر مؤلف لؤلؤ از متأخرین تأسی جستم.

مقصد اول:

در ذکر رجالی که مؤلفات آنها ذکر شده و در آن فواید و ابوابی است.

فایده اول: بدان که مؤلفات اصحاب از آغازی که به تألیف دست زده‌اند بیش از آنی است کـه احصا شود و همانا بسیاری از کتابها ضایع شدند و جز نامی از آنها در کتاب‌های رجالی اثری به

جای نمانده است. هدف اینجانب نیز جمع‌آوری جمیع مؤلفات شیعه نیست بلکه غرض ذکر مؤلفات اصحاب امامیه از قرن ۵ به بعد است و از قرن ۴ و ماقبل آن فقط به ذکر رجال معروفی چون کلینی و ابن‌قولویه و امثال آن که دارای شهرت و نامی است اکتفا شده و نسبت به اصحاب ائمه ـ علیهم‌السلام ـ هم فقط آنهایی ذکر می‌شوند که آثارشان باقی مانده و رسومشان از بین نرفته است مانند احمدبن عبدالله برقی صاحب محاسن و محمدبن حسن صفار و سعیدبن عبدالله نویسندگان کتاب بصائر و امثال آنها و از مؤلفین اصول فقط نام آنهائی برده می‌شود که اصلشان باقی است والا باید آنها را در کتب رجال جستجو نمود.

و نیز بدان که آنهائی که از فهرست شیخ منتجب‌الدین ذکر شده‌اند طبقه آنها به قرینه اسناد به آنها معین می‌شود.

فایده دوم:

همانا دانستی در آغاز کتاب که مراد ما ذکر مؤلفات اصحاب امامیه است اما آنچه در کتب رجال آمده همه آنان اصحاب امامیه نیستند و آنچه در کتب متأخرین آمده بر چند قسم است:

بعضی از آنها راویان، محدثان، علماء و حکماء و غیر آن امامی، ثقه و عادل‌اند و اینان کارشان مشهور و معروف است و احتیاجی به تحقیق ندارد و این قسم ثقه نامیده شده‌اند و روایت هم از جانب آنان صحیح است.

بعضی دیگر به امامی معروف‌اند اما آنچه در باره آنان گفته شده مانند گروه اول نیست آنان توثیق نشده ولکن مدایحی در حق آنان گفته شده که اینان به ممدوحین ملقب‌اند و روایت آنان حسن تلقی شده است.

بعضی دیگر با آنکه غیرامامی‌اند اما موثق‌اند و در مذهب خود و صادق و عادلند در طریقه خود و اینان به موثقین موسومند و روایت از ناحیه آنان نیز موثق نامیده می‌شود.

بعضی دیگر این اوصاف را ندارند یا امامی مقدوح‌اند و یا غیرامامی مقدوح‌اند و یا مجهول‌الحال و اینان به ضعاف موسومند و سند از جانب آنان ضعیف و مجهول قسمی از ضعیف است همچنان که گفته شد.

این اصطلاحات در ارتباط با اصطلاحات متأخرین است آغاز آن به احمدبن طاووس و شاگرد او علامه حلی برمی‌گردد اما اصطلاح قدما بر خلاف آن است و در اینجا ما بحث آن را

نمی‌کنیم. قدما متعرض مدح و قدح و جرح و تعدیل و توثیق و تضعیف شده و بحث از عقیده راوی می‌کرده‌اند و کتب آنان در مقایسه با کتب متأخرین اصل است و گفتارشان مرجع و تکیه‌گاه است و از آنجا که مقصود ما ذکر مؤلفات امامیه است پس ناگزیر باید از مذهب مؤلف بالاصاله سخن گوئیم و اگر چنانچه در باره وثاقت او بحث می‌کنیم بالعرض است و بالاصاله نیست. و کتب قدما مانند نجاشی و فهرست شیخ طوسی غالباً از اینگونه تحقیق خالی است و متأخرین هم غالباً از آنان پیروی کرده‌اند پس از جمله واجبات این است که در اینجا از شأن کتب قدما سخن به میان آید. و روش آنها در این باب ذکر شود. لذا به خاطر طول کلام در این باب آن را فصلی جداگانه آوردیم.

واگرچه از کتب قدما، جز کمی از آنها را مورد بحث قرار نمی‌دهیم و نیز اگرچه ارتباط زیادی هم با موضوع مورد بحث ما ندارد لکن ما طرداللباب و به جهت تتمیم فایده آن را ذکر می‌کنیم.

فایده سوم:

در بیان روش شیخ طوسی و نجاشی و امثال آنان در ذکر شرح حال افراد و بیان مذهب و درجه وثاقت آنان است و ناگزیر ما گفتار خود آنان را در اول کتابهایشان را در اینجا ذکر می‌کنیم:

شیخ طوسی در فهرست خویش که آن را به امر استادش شیخ مفید تألیف کرده می‌گوید: پس همانا چون دیدم جماعتی از شیوخ اصحاب حدیث که کتب اصحاب ما را فهرست کرده‌اند و تصانیف و اصول[۴۴] آنان را ذکر نموده‌اند و چون ندیدم که کسی حق مطلب را اداکرده باشد و اکثر آن‌ها را ذکر نکرده‌اند بلکه هر یک از آنان سعی داشته آنچه راکه به روایتش اختصاص دارد ذکر کند و یا کسی راکه کتابخانه او آن را واجد بوده فهرست نماید ... تا اینکه می‌گوید: پس چون هر یک از مصنفین و اصحاب اصول را نام بردم پس لازم دیدم که به آنچه که در مورد آنان از جرح و تعدیل نقل شده اشاره کنم و اینکه آیا می‌توان بر روایت او تکیه کرد و اینکه بیان کنم اعتقادش را که آیا موافق حق است یا مخالف آن زیراکه بسیاری از مصنفین اصحاب ما و اصحاب اصول، گرایش به مذاهب فاسده داشته‌اند اگرچه کتابهای آنها مورد اعتماد است (الی آخر کلامه)

و اگر نبود قول شیخ در آخر کلامش «که بسیاری از مصنفین اصحاب ما ...» هر آینه قول او در فهرست کتاب اصحاب ما ظهور داشت بلکه نص بود که کل آنچه که شیخ در کتابش ذکر می‌کند امامیه‌اند.[۴۵]

و کتاب معالم‌العلماء که ذیلی برای فهرست شیخ طوسی است در اولش چنین می‌گوید:

این کتاب معالم‌العلماء در فهرست کتب شیعه و اسماء مصنفین آن است چه قدیم و چه جدید و هر چند که شیخ ما ابوجعفر طوسی در این باب چیزی راکه نظیر ندارد جمع نموده است.

نجاشی گوید: پس همانا آگاه شدم بر آنچه سیدشریف اطال ... بقاه و ادام توفیقه ذکرکرده از سرزنش مخالفین ما که همانا شما سابقه‌ای در علم ندارید و مصنفی در بین شما نیست و این قول کسی است که به احوال مردم و بر اخبارشان وقوفی ندارد و نه منازل و درجات آنان و نه تاریخ اخبار اهل علم را نمی‌شناسد تا اینکه می‌گوید ذکر می‌کنم متقدمین در تصنیف از سلف صالح خود را (تا آخر کلامش). و مقصود از سیدشریف سیدمرتضی علم‌الهدی و قول او از سرزنش مخالفین ما ... نص و دلیل است بر اینکه غرض او تألیف کتابی بوده که شامل آثار موافقین شیعه بوده تا بدان وسیله طعن و سرزنش مخالفین شیعه را دفع کند و در اینجا آنکه به عنوان مخالف شیعه معروف است همان عامه‌ای است که مخالف جمیع فرق شیعه‌اند و آنان در زمان سیدمرتضی کسانی هستند که شهرت برای آنان است و دولت وقت با ایشان و قول قول آنان و رأی رأی آنهاست.

و شیخ منتجب‌الدین در فهرست خود چنین گفته و در اثناء کلامش با امیر یحیی ـ کسی که فهرست و کتاب اربعین را بنا به پیشنهاد او تألیف کرده ـ چنین گفته همانا شیخ ما ابوجعفر محمدبن حسن‌بن علی طوسی رفع‌الله منزلته کتابی در اسامی مشایخ شیعه تألیف کرده و بعد از آن چیزی تألیف نشده پس من با خود گفتم اگر خدا اجلم را به تأخیر اندازد و آرزویم را برآورد بر آن کتاب اسامی مشایخ و مصنفین شیعه راکه همزمان و یا متأخر از او بوده‌اند را اضافه کنم (الی آخر کلامش) و مشایخ شیعه صراحت دارد و شیعه هر چند اصطلاحاً اعم از امامیه است لکن بعید نیست که در عصر او اختصاص به امامیه داشته باشد و اگر بپذیریم پس باید ما در اثبات این مدعا دلیل اقامه کنیم همچنان که بیاید[۴۶].

و همانا بعضی از شرح حال نویسان با اوصاف رسائی و بعضی دیگر با وصفی کمتر شرح حال بزرگان راتعریف کرده‌اند برای این شیخ عبدالنبی‌بن سعدالجزائری در کتاب الحاوی‌الاقوال فی علم‌الرجال درجه وثاقت را با اوصافی مشخص نموده و با این وجود شیخ محمدبن ادریس امامی را در این باب ذکر و توثیق نموده با اینکه مؤلف «الفهرست» او را توثیق نکرده است.

چون دانستی این مطلب را پس می‌گوییم که قدر متیقن و معلوم در این چهار کتاب این است

که اشخاص معرفی شده همه امامی هستند مگر کسی را که تصریحی بر مذهبش شده باشد و فهرست شیخ منتجب‌الدین تصریحی در این زمینه دارد.

و دلیل این امر، تصریحات آنان است که غرض و مقصودشان جمع‌آوری مؤلفین اصحاب یا شیعه بوده یا اینکه در بعضی شرح حال‌ها تصریح می‌شود به اینکه واقفی یا غیر آن است و جائی که تصریحی وجود ندارد دلیلی است بر آنچه ما گفتیم.

و این حکم جمیع کتب تألیف شده در موضوع خاص چون لغت، تاریخ، رجال، فقه و غیر از آن است زیرا که مؤلفین مزبور آنچه را که مربوط به موضوع مورد بحث در کتاب است ذکر می‌کنند و اگر غیر از آن باشد تصریح خواهند نمود. واژه‌نویسها (لغویون) در هر زبانی باشد هنگامی که لغت بیگانه را ذکر کنند تصریح می‌کنند و نیز در کتب رجال عامه فردی را که موافق مذهبشان نیست حتماً مذهب او را تصریح خواهند نمود و این امری ساری و جاری است بله، اگر چنانچه تصریحی یا اشاره‌ای از جانب مؤلف صورت نگیرد ما قادر به قضاوت نخواهیم بود کما اینکه در رجال شیخ «مقصود کلی بیان حال راویان است با علم سابق ما به اینکه کل راویان از امامیه نیستند».

و حاصل کلام اینکه آنچه در این کتب چهارگانه آمد: همه امامیه‌اند الا کسانی که تصریح به مذهبشان شده و این امر در فهرست شیخ منتجب‌الدین روشن‌تر است زیرا فحص و جستجو در شرح حال رجال مذکور در این کتاب موجب ظن قوی خواهد بود که در آنجا که مهمل گذارده شده و ذکری از مذهب شخصی نشده از باب آنچه که دانسته شده است می‌باشد[47].

و گمان نسبت به چیزی آن را به عموم ملحق می‌کند البته این در صورتی است که ما بخواهیم دست کم بگیریم و بطریقه تنزل برخورد کنیم والا مسأله روشن‌تر از آن چیزی است که بیان شود.

و مسأله در مورد توصیف به مدح هم همینطور است مثلاً اینکه اوثقه است یا متدین است یا از مشایخ و یا غیر از آن است پس همانا آن اوصاف یا پاره‌ای از آن در حق بعضی از آنها مفید عدم اتصاف آنان به آن وصف خواهد بود و این مسأله کاملاً روشن است و نیازی به توضیح ندارد. و خلاصه کلام اینکه کتابهای چهارگانه فوق‌الذکر اختصاص به بیان احوال نویسندگان امامی مذهب دارد پس هر جا که با قیدی از مذهب آنرا مقید کرده‌اند که شکی در آن نمی‌ماند والا داخل در مذهب امامی خواهد بود بلکه ظاهر از قول نجاشی و از روش او در بیان تضعیفات چنین برمی‌آید.

در مقدمات حاوی، نویسنده چنین گفته است که بدان همانا اطلاق اصحاب در معرفی اشخاص، اقتضاء می‌کند که امامی باشد پس نیازی نیست که ما مجدداً قید کنیم که او از اصحاب ماست و اگر تصریحی هم شود تصریحی خواهد بود که عادتاً دانسته می‌شد بله، چه بسا بندرت خلاف آن واقع شود و بهنگام اطلاق حمل بر آنچه ذکر کردیم با نبود صارف معلوم و متیقن است.

علامه بهبهانی در تعلیقه خود گوید که محقق شیخ‌محمد می‌گفت همانا نجاشی زمانی که کسی راثقه می‌دانست و متعرض فساد مذهب او نمی‌شد پس ظاهر امر این بود که او عادل و امامی است.

فایده چهارم:

در شرح حال مختصری از رجالی است که مؤلفات آنان ذکر شده و نام آن‌ها در کتب رجالی و مآخذی که بدان دست یافته‌ام بوده ولی شرح حالی از آنان در کتب نزد من نبود و یا از جمله معاصرین بوده‌اند و عمده مقصود من بیان طبقات و تاریخ وفات آنان است والا تفصیل شرح حال آنان به کتاب‌های مبسوط نیازمند است و چه بسا در شرح حال بعضی از مؤلفین فقط عنوان شده که دارای کتاب‌ها و رسائل فراوانی است بدون اینکه نامی از مؤلفات آنان برده شده باشد که من در اینجا اسامی کتب آنها را ذکر کرده‌ام زیرا که مقصود بیان حال صاحبان تألیف بوده است و کسانی را که تألیفی نداشته‌اند هر چند نامشان در کتب رجالی موجود است ذکر نکرده‌ام مگر بندرت و بعضاً کسانی را هم که موضوعاً داخل در بحث کتاب نبوده‌اند بخاطر فوائدی ذکر کرده‌ام.

و نیز بدان که در این فهرست هم ترتیب ذکر اسماء مؤلفین ترتیب حروف الفبائی نام آنها و نام پدرانشان است و نیز در اسماء مرکبه و نامهای آغاز شده با اب. مثلاً محمدباقر در باب میم مقدم بر محمدتقی و اباتراب در باب همزه مقدم بر ابی‌الحسن ذکر شده است و در این روش از کتاب امل‌الامل متابعت کرده‌ام بر خلاف روش روضات‌الجنات و تکلمه امل‌الامل. در خاتمه هم بابی در خصوص کنیه‌ها و القاب همچنان که روش و عادت رجالیین است ترتیب دادم و تصمیم داشتم که برای عامه نیز فهرستی در باب کنیه‌ها و القاب مرتب کنم اگرچه باز موضوعاً داخل در بحث ما نبود.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ یادنامه علامه امینی/ دکتر سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران، باب همایون ـ سرای سبا، ۱۳۵۲، ۵۷۲ ص. ص ۳۷۵؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۶.

۲ ـ همان، ص ۳۸۰.

۳ ـ همان، ص ۳۸۱.

۴ ـ همان، ص ۳۷۴. در آغاز میان علم رجال و فهرست ارتباط قوی و محکمی بوده است ... فهرست شیخ طوسی ص ۷؛ علم رجال یا علم رجال‌الاحادیث علم به احوال اشخاصی که در سلسله سند حدیث قرار دارند (رجال) از لحاظ جرح (زخم زدن) و تعدیل (عادل شمردن)، یعنی تعیین ارزش راوی و محدث از لحاظ صدق و کذب. علم رجال از مقدمات استنباط احکام شرعیه است. دائرةالمعارف مصاحب، ص ۱۰۷۵.

۵ ـ یادنامه علامه امینی، ص ۳۷۴.

۶ ـ همان، ص ۹ ـ ۳۷۸.

۷ ـ همان، ص ۳۸۵.

۸ ـ همان، ص ۴۰۳؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۰.

۹ ـ یادنامه، ص ۴۰۱.

۱۰ ـ همان، ص ۴۰۱.

۱۱ ـ همان، ص ۵۱.

۱۲ ـ تاریخ آموزش، ص ۱۳۳.

۱۳ ـ همان، ص ۱۳۳.

۱۴ ـ زندگینامه شهید نیکنام ثقةالاسلام تبریزی، نگارش نصرالله فتحی، (تهران)، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۲ ص ۷۷۶. ص ۲۱ به بعد.

۱۵ ـ همان، فصل ۳.

۱۶ ـ همان، فصل ۳. سخن در اثبات و یا ردّ نظر مرحوم ثقةالاسلام نیست بلکه تأییدی است بر اینکه وی تعصبی خاص به فرقه شیخیه نداشته و عظمت و اعتلاء اسلام و مسلمین را طالب بوده است.

۱۷ ـ بالاسری‌ها، اصطلاح خاص شیعی است در برابر شیخی. شیعه غیرشیخی. مقابل آن پشت سریه است و

علت آن این است که شیخیه نماز جماعت را در پائین پای حرم حسینی «امام حسین (ع)» می‌خوانند به خلاف منکرین خود یعنی فقها که در بالای سر نماز می‌خوانند و به بالاسری مشهورند (روضات والجنات، چاپ تهران، ص ۲۶) این اعتقاد مذهبی خصوصاً در کرمان در سالهای اواخر حکومت قاجاریه مورث کشمکش‌ها و اختلافات شدید بوده است (لغت‌نامه دهخدا، باب «ب») نقل از حزب‌الله و حزب شیطان ص ۲۲۲.

۱۸ - زندگینامه شهید نیکنام ثقةالاسلام تبریزی، ص ۴۱.

۱۹ - همان، ص ۴۲.

۲۰ - همان، ص ۴۴ و ۴۳.

۲۱ - همان، فصل ۴.

۲۲ - همان، ص ۴۶.

۲۳ - همان، ص ۶۲.

۲۴ - میراث‌الکتب، دیباچه کتاب.

۲۵ - الذریعه الی تصانیف‌الشیعه، تألیف شیخ‌آقا بزرگ تهرانی، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، ۱۳۲۴ هـ. ق - ۱۳۶۴ هـ. ق، ج ۲، شماره ۲۹۸۶.

۲۶ - دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵ (ج)

۲۷ - فرهنگ فارسی، تألیف دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج

۲۸ - دیباچه کتابها معمولاً حاوی مطالب و اطلاعات ارزشمندی است. رجوع کنید به سرمقاله نشر دانش، ش.

۲۹ - کشف‌الظنون عن اسامی‌الکتب والفنون، عبدالله مشهور به حاجی خلیفه، ۱۳۸۷ ق. ص ۶۳۷، ماده‌الحدیث، در آنجا مسأله کتابت را به عبدالملک‌بن جریح و مالک‌بن انس نسبت می‌دهد و از قولی نقل می‌کند که کتاب ابن‌جریح و موطا مالک اولین کتب تصنیف شده بود. و یا ربیع‌بن صبیح در بصره

۳۰ - واقفیه یا واقفه، گروهی از شیعه که منکر رحلت حضرت موسی‌بن جعفر شدند و گفتند آخرین امام اوست و زنده مانده است.

۳۱ - من سن سنته حسنة فله اجره و اجر من عمل بها الی یوم‌القیامه.

۳۲ - همان

۳۳ - همان.

۳۴ - زندگانی سیاسی امام رضا(ع)، کنگره جهانی امام رضا - علیه‌السلام - مشهد. آستان قدس رضوی. ص ۴۲۹.

۳۵ ـ الذریعه، ماده جفر: حدود ۱۵ عنوان کتاب به نامهای مختلف پیرامون جفر ذکر شده است مانند جفرالاسود، جفرالجامع و ....

۳۶ ـ همان، این حدیث در ذیل ماده جفر نقل کرده است.

۳۷ ـ الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۲۶؛ تاریخ قرآن رامیار

۳۸ ـ فهارس‌البخاری، ص ۱۱، ش ۱۵۱.

۳۹ ـ الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۷۶، کتاب سلیم‌بن قیس که گاه به عنوان اصل سلیم نامیده شده از امام صادق ـ علیه‌السلام ـ نقل شده که فرمود کسی که از شیعیان و محبّان ما کتاب سلیم در نزدش نباشد ... و آن ابجد شیعه است و سری از اسرار آل محمد است.

۴۰ ـ در سال ۴۴۸: بر اثر اختلاف شیعه و سنی و دست به دست شدن مدیریت سیاسی از آل‌بویه شیعه به سلجوقیان سنی، آشوبی در بغداد به پا شد که در تاریخ به نام «واقعه کرخ» شهرت یافته است در این حادثه کتابخانه و کرسی شیخ و کتابهای شیعیان دستخوش آتش‌سوزی شد این کشمکش سبب شد که شیخ ما پس از چهل سال اقامت در بغداد از سال ۴۴۸ ـ ۴۰۸ و ۱۲ سال زعامت شیعه، بغداد را ترک کند. فهرست شیخ طوسی، ص ۵.

۴۱ ـ برای تفصیل بیشتر به یادنامه علامه امینی مراجعه شود.

۴۲ ـ همان، مقاله حضرت شیخ منتجب‌الدین.

۴۳ ـ متأسفانه مجلدات دیگر مرآت‌الکتب در دست نیست تا معلوم شود نظر نویسنده در باره صاحب کشف‌الظنون چه برده است.

۴۴ ـ اصل، عنوانی که به بعضی از کتابهای حدیث بخصوص اطلاق می‌شود کما اینکه کتاب به جمع اصول هم صادق است پس مثلاً می‌گویند اصل، یا کتابی که حاوی اصل است یا در کتاب اصل او، و یا برای نویسنده‌ای کتاب و اصل هر دو است. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به الذریعه، ج ۲، ص ۱۱۵ به بعد.

۴۵ ـ یادنامه ... فهرست شیخ طوسی.

۴۶ ـ همان، ص ۵۰.

۴۷ ـ همان، فهرست شیخ منتجب‌الدین.

۲۶

کتاب‌هائی در باره کتاب و کتابخانه

کتاب، وسیله‌ای که قابل همه‌گونه اخبار و اطلاعات و بهترین رابط بین گذشته و حال و تنها مونس و همکار، انسانهای اندیشمند است، خود سرگذشت جالبی دارد که بی‌شک هر انسان محققی علاقمند به شنیدن آن است. کتابی که اکنون فراوان در اختیار من و شماست، خود حاصل سالها بلکه قرنها تغییر و تطور و دگرگونی بوده است. اینک که جهان با دستگاههای پیشرفته و الکترونیکی چاپ و تکثیر نه تنها بر روی کاغذ که حتی بر روی فیلم، فیلم استریپ‌ها و نوارها مجهز است باید به یاد داشته باشد که این تکامل و ترقی نتیجه و حاصل تلاشهای هزاران انسان در قرون و اعصار گذشته است. مصر و آشور و بابل، چین، سمرقند، بغداد و نیشابور و سایر بلاد اسلامی تا برسد به کشورهای اروپایی در قرون وسطی و سرانجام غرب امروز همه و همه سهیم بوده‌اند.

تمدن رسماً با خط و کتابت شروع شده و با آن استمرار یافته است و آینده آن نیز در گرو تکامل این ابزار بزرگ فرهنگی است. و کتابخانه‌ها به عنوان مراکز بزرگ فرهنگی و گنجینه‌های عمده حفظ و انتقال دانش بشری همواره می‌درخشیده‌اند. ملت و ملتهائی که با تمدن آشناتر

بوده‌اند با کتابت انس بیشتری داشته و منشأ اثراتی در این رابطه شده‌اند.

مصر و یونان از قدیمترین مللی هستند که با کاغذ و کتابت آشنا بودند و در این راه پیشرفت‌هایی هم داشته‌اند. حتی بر اساس گزارش‌های تاریخی، زبان مشترکی که بتواند وسیله فهم مشترک مردم دنیای آن روز باشد وجود داشته است و این از شگفتیهای تاریخ تمدن بشری است.

از آغاز قرن سیزدهم قبل از میلاد به بعد، یک زبان رایج بود. زبان یونانی مانند زبانهای ایرانی، سانسکریت، جزو زبانهای هند و اروپایی هستند که لغات مشترک در آن فراوان است. زبان آتیکی که در آتن بود، قوی، نرم و خوش‌آهنگ بود و پر از استثنا و بی‌قاعدگی که با ترکیب کلمات می‌توانست هم برای افلاطون مناسب باشد و هم به درد عموم بخورد[1]. پولوبیوس که مردی با تجربه در اطلاعات تاریخی و قضاوت بود با انتشار زبان یونانی به عنوان یک زبان مشترک اتحادی فرهنگی به وجود آورد که در شرق مدیترانه یکهزار سال دوام کرد. تمام مردان تحصیلکرده امپراطوری جدید، زبان یونانی را برای تبادل اندیشه‌های سیاسی، ادبی و علمی می‌آموختند، هر کتابی که به زبان یونانی نوشته می‌شد تقریباً برای تمام مردم تحصیلکرده مصر و خاور نزدیک قابل فهم بود. مردم از دنیای مسکون چون تمدن واحدی سخن می‌گفتند و نوعی جهان وطنی نضج گرفت.[2]

اعتقادات مذهبی و گرایش‌های دینی، خود بزرگترین محرک و مشوق در پیدایی خط و تکامل آن بوده در حالیکه نیازمندیهای تجاری و اقتصادی هم در این روابط سهم مهمی داشته است.

یونانیان در آغاز، کتابت را برای کارهای دینی و تجاری بکار می‌بردند. و ناگفته نماند که سرودهای رهبانان منشا شعر و اسناد تجاری منشا نثر است خط یونانی از ابتدا دو شکل یافت یکی خط دقیق و آراسته رسمی، دیگری خطی که برای کارهای روزانه به کار می‌رفت.[3]

«برای کتابت از وسائل گوناگون بهره می‌گرفتند. در آغاز برگ یا پوست درختان به جای کاغذ به کار می‌رفت و کتیبه‌ها را روی سنگ و مفرغ و سرب حک می‌کردند برای نوشته‌های روزانه یا مانند آن مردم بین‌النهرین لوحه‌هایی از گل می‌ساختند و یا لوحه‌هایی از چوب درست می‌کردند و سطح آن را با قشری از موم می‌پوشاندند و در اختیار شاگردان مدارس می‌گذاشتند. برای نوشته‌های ماندگار، نخست از برگهای بردی (پاپیروس) که فینیقیان از مصر می‌آوردند و سپس در

دوره نفوذ یونان (هلنیسم) و دوره نفوذ روم از پوست گوسفند استفاده می‌کردند.[4] از آنجا که مرکز اصلی تولید بردی یا پاپیروس مصر بود رقابت‌های حکومتی بین مصر و یونان سبب گردید تا از پوست گوسفند و گوساله استفاده فراوانی شود و شهرت زیادی پیدا کند.

«کتابها را روی پاپیروس مصری می‌نوشتند تا اینکه بطلمیوس ششم، به امید اینکه از توسعه کتابخانه پرگامون جلوگیری کند، صدور آن را به خارج از مصر منع کرد. ائومنس دوم، به عنوان عکس‌العمل، بس فراوری پوست آمودهٔ گوسفند و گوساله (پارشمن) را برای مصرف نوشتن که مدتها در مشرق زمین سابقه داشت تشویق کرد و طولی نکشید که پارشمن و نام شهر پرگامون که تولیدکننده آن بود زبانزد مردم گشت و این دو نام در اشاعه ارتباطات و ادبیات رقیب کاغذ شدند.»[5]

هم‌اکنون واژه‌های فراوانی، مخصوصاً واژه‌های مربوط به نوشتن از زبان یونانی در زبان‌های اروپائی داخل شده و یا بهتر است بگوئیم ریشه بسیاری از کلمات این زبانها، لاتینی است.

کاغذ (پی‌پر) از پاپیروس است. در یونان کاغذ مخصوص نوشتن معمولاً شش تا نه متر طول داشت و دور یک میله چوبی پیچیده می‌شد. اینگونه کاغذهای طومار مانند را به نام یکی از شهرهای فینیقی که برگ بردی را به یونان می‌فرستاد (بیبلیون) و طومارهای کوچک را «بیبلیوس» می‌نامیدند. بر همین شیوه، کتاب مقدس را «بیبلیانا» می‌خواندند.»[6]

کتابها در گذشته‌های بسیار دور، به شکل امروزی نبودند و بـه شکـل طـومارهایی بـزرگ نگهداری می‌شد. گاه بخاطر حفظ و نگهداری آنها را، در غلاف‌هایی خاص قرار می‌دانند البته این کار هزینه بیشتری داشت و طبعاً برای آثار مهمتر چنین خرجهایی را متحمل مـی‌شدند و گـاه کارهای تزئینی هم بر روی طومار و یا غلاف آن انجام می‌دادند:

«طومار فقط بخشی از یک کتاب بود، و واژه «برش» را بر آن اِطلاق می‌کردند. به نخستین برگ هر طومار «پروتوکولون» می‌گفتند. دو طرف چوب طومار را با سـنگی مـتخلخل صیقل می‌دادند و گاهی رنگ می‌کردند. در مواردی طومار را در غلافی خاص (دیفترا) معادل «ولوم» لاتـینی قـرار مـی‌دادنـد. مـعمولاً نـاشران آثـار ادبـی را در چـند طـومار می‌نوشتند. مثلاً تاریخ هرودت را در نه طومار، جنگهای پلوپونزی ـ اثـر تـوسیدید را در هشت طومار، جمهور اثر افلاطون را در ده طومار و ایلیاد و اودیسه را در ۲۴ طومار منتشر کردند.»[7]

کتاب‌نویسی و کتابخانه و حتی کتابداری هم سابقه طولانی دارد. علاقمندی به‌کتاب از همان روزگار نخستین سبب شد که حتی کتاب‌نویسی و نسخه‌برداری بصورت حرفه درآید. «هزاران تن نویسنده برای خوانندگانی که تعدادشان روزافزون بود صدها هزار کتاب نوشتند».[8]

در اثر ازدیاد کتابها، به ناگزیر وجود کتابخانه لازم می‌نمود و در این رابطه بخصوص حکام و سلاطین، بیشتر به عنوان وسیله‌ای برای تفاخر و برتری نسبت بیکدیگر به آن نگاه می‌کردند و سعی در گسترش آن‌ها داشتند.

«کتابخانه قبلاً یکی از تجملات در بارهای مصر و بین‌النهرین بود. اولین مجموعه، به معنای مجموعه، تعداد زیادی کتاب، متعلق به ارسطو بود. بزرگی این کتابخانه را از آنجا می‌توان حدس زد که ارسطو قسمتی از آن را به ۱۸ هزار دلار از جانشین افلاطون، «سیئوسیوس» خریده بود. وارثین ارسطو، برای اینکه دست آز شاهان پرگامون به آن نرسد آن را در زیر خاک مدفون ساختند تا اینکه در سال یکصد قبل از میلاد پس از یک قرن زیر خاک ماندن به «آپلیمکون» فیلسوف آتنی فروختند».[9]

از نظر گاهشماری آنچه را محققان در مورد تأسیس کتابخانه‌ها به زحمت به دست آورده‌اند چنین است:

«پیش از قرن ۷ قبل از میلاد اشخاص باسواد بسیار بودند و تا زمان «پولوکراتس» و «پیستسراتس» که در قرن ششم کتابخانه ایجاد کردند در یونان کتابخانه‌ای وجود نداشت. در سده پنجم برای نخستین بار از وجود کتابخانه خصوصی «اوریپید» نمایشنامه‌نویس و یکی از آرخونها به نام اثوکلیدس خبردار می‌شویم و در قرن چهارم کتابخانه ارسطو را می‌شنویم و نمی‌دانیم آیا پیش از کتابخانه عمومی اسکندریه، کتابخانه عمومی دیگری وجود داشت یا نه، اما می‌دانیم در شهر آتن، تا عصر «هادریانوش» از کتابخانه عمومی خبری نیست».[10]

«تعداد مجموعه کتابخانه‌ها هم در حد بالائی بود به طوریکه مجموعه طومارهای یکی از کتابخانه‌ها را به ۵۳۲ هزار تخمین می‌زنند که اگر به معنای امروزی تفسیر شود چیزی حدود یکصد هزار جلد کتاب می‌شود.»[11]

وقتی کتاب و کتابخانه ارزش داشته باشد بی‌شک کتابدار هم ارزشمند خواهد بود در این رابطه چنین نوشته‌اند:

«سمت کتابداری یکی از الطاف خاص ملوکانه بود که شامل تدریس به ولیعهد می‌شد. نام شش کتابدار را در آخرین نسخه می‌توان دید. شخص دیگری که به پای این کتابداران می‌رسید شاعر و دانشمند «کالسی خوس» است که مجموعه را در کاتالوگهایی تقسیم‌بندی کرد که تعدادشان به یکصد و بیست فهرست می‌رسید و می‌توان تصور کرد که تعدادی کاتب از بردگان از نسخه‌های اصلی رونوشت برمی‌داشته‌اند».[۱۲]

پس از ذکر این مقدمه در باره اهمیت کتاب، کتابخانه به بررسی تعدادی کتاب که اختصاصاً درباره کتاب، کتابخانه و مسائل وابسته به آن نوشته شده و خوشبختانه به فارسی هم ترجمه شده‌اند می‌پردازم. اولین کتاب از این مجموعه: کتاب تاریخ کتاب از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر با ترجمه آقای محمدعلی خاکساری از سوند دال که در سال ۱۳۷۲ توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در ۴۱۳ صفحه چاپ شده است، این کتاب بحث جامعی را در باره کتاب در تمدن غربی، به ثمر رسانده است.

فهرست رئوس مندرجات کتاب عبارتست از: تاریخ کتاب از دوران‌های باستان، قرون وسطی، پایان قرون وسطی، قرن هفدهم، قرن هجدهم، قرن نوزدهم و بیستم. به اعتقاد مترجم عربی این کتاب صلاح‌الدین حلمی، که کتاب را از متن فرانسه در سال ۱۹۵۸ ترجمه کرده است، این کتاب یک کتابشناسی تاریخی و بررسی کتاب به عنوان «شئی هنری» از نظر کتابشناسی تاریخی است. تاریخ خط، تذهیب، تجلید، کتاب‌آرائی تصویرگری کتاب، فنون اوایل چاپ و نظایر آنها از جمله مطالبی است که بررسی آنها در حوزه وظائف کتابشناسی تاریخی است.[۱۳]

در این کتاب در تاریخ کتاب و تهیه کاغذ چنین می‌خوانیم که:

«پس از میلاد مسیح چین محور تلاش‌های کاغذسازی می‌گردد. آنان اگرچه از قبل از میلاد مسیح، در زمینه تهیه و جمع‌آوری کتب دارای سوابقی هستند و بر الواح چوبی مطالب خود را می‌نوشتند ولی بخاطر آسیب‌پذیری الواح چوبی سرانجام موفق به اختراع کاغذ از جنس حریر شدند که به مراتب از کاغذ از نوع بردی (پاپیروس) مرغوبتر بود اگرچه از نظر قیمت هم بالاتر بود.»[۱۴]

آغاز کاغذسازی در سال ۱۰۰ میلادی، اختراع اولین مهرهای چاپی بنابر مدارک موجود، ۷۷۰ میلادی، و کهنه‌ترین کتاب چاپی موجود به سال ۸۶۸ میلادی و اولین دائره‌المعارف ـ

بزرگ چینی، ۹۷۰ میلادی و اختراع اولین حروف چاپی به ۱۰۴۱ میلادی برمی‌گردد.[۱۵]

«سوند دال» به مطالب بسیاری دیگر نیز اشاره دارد. بر اساس این کتاب تاریخ کتاب از مصر شروع می‌شود و به چین و آشور و بابل می‌رسد و در درون پوشش‌های جلد مانند در یونان قدیم و روم تکامل می‌یابد و در دیرها و کنیسه‌های راهبان قرون وسطی به سیر خود ادامه می‌دهد تا به زمان فعلی، عصر پیشرفت ظریفترین و لطیف‌ترین انواع کاغذها می‌رسد.[۱۶]

مؤلف نه تنها به تاریخ خط و کتابت می‌پردازد بلکه همانگونه که طرح شد کتابخانه‌ها را در قرون وسطی مورد بررسی قرار می‌دهد و به انواع آن اعم از کتاب‌های دیرها، کنیسه‌ها، دانشگاه‌ها، و یا کتابخانه‌های خاص تا این زمان اشاره می‌کند. و بزرگترین کتابخانه‌های اروپا و امریکا را در قرن بیستم متذکر می‌گردد.

نکته دیگری که در خلال بحث بدان اشاره دارد، تاریخ جلدسازی است که از زمان فراعنه بحث را آغاز و بر حسب مناطق و اعصار مختلف به چگونگی صنعت تجلید می‌پردازد همچنین تصویر خواه تصویر با دست یا حفر بر روی چوب و مس و سنگ و مراحل تطور و تکامل آن از مباحث این کتاب است علاوه بر آن تاریخ مفصلی از چاپ از آغاز پیدایی آن در قرن پانزدهم میلادی ـ در زمان گوتنبرگ آلمانی ـ تا زمان حال دارد که سیر تکاملی آن را در پاره‌ای از کشورهای اروپایی مانند آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، هلند و بلژیک و کشورهای اسکاندیناوی به بحث می‌کشد.

آنچه در مورد این کتاب می‌توان گفت این است که با آنکه مسلمانان در موضوعات شش گانه مورد بحث در این کتاب دارای سوابقی درخشان بوده نقش بسیار حساسی در تکامل کتاب، تجلید، تصور، چاپ، کتابخانه و تجارت کتب داشته‌اند اما از این کتاب چهار صد و چند صفحه‌ای فقط در دو مورد آن هم مجموعاً در یکی دو صفحه به نقش و اهمیت مسلمانان در این امر اشاره کرده است. در حالیکه فی‌المثل نهضت تجلید یا تصویر را بعضاً به تفکیک کشورهای اروپائی ذکر نموده است آنچه در مورد تحول و تطور کاغذ در این مورد دارد تحت عنوان «تمدن عربی و اثر آن در غرب» چنین می‌گوید:

> «بعد از آنکه مسلمانان امپراطوری عظیم خود را تأسیس کردند، محدوده سلطه خود را تا اسپانیا رساندند به گونه‌ای که بین علوم یونانی و علوم عربی پیوندهایی برقرار شد که اثرات فراوانی بر آن مترتب گردید».[۱۷]

در مورد کتابخانه‌های عربی در شرق و در اسپانیا چنین می‌گوید:

«در کتابخانه مشهوری که هارون‌الرشید و فرزندش مامون در بغداد ساختند کتابهای یونانی یافت می‌شد و همچنین در کتابخانه فاطمیون در قاهره، و گفته می‌شود که کتابخانه فاطمیون، قبل از آنکه به دست ترکها در سال ۱۰۶۸ از بین برود حاوی صد هزار جلد کتاب بوده است. اما نسخه‌های خطی یونانی موجود در کتابخانه امویان در قرطبه، قبل از اینکه توسط منصور در سال ۹۷۸ نابود شود به ۶۰۰ هزار می‌رسیده است. همانا علاقه وافری نسبت به ترجمه آثار یونانی قدیم به زبان عربی پدیدار شد. که پس از آن برای دومین بار از این طریق این آثار به لاتینی ترجمه و به اروپا راه یافت و از این طریق علماء و دانشمندان با مؤلفین مشهور قدیمی چون ارسطو، ابوقراط و جالینوس آشنا شدند و طلیطله مرکز بزرگ ترجمه شد.»[۱۸]

بنابراین باید توجه داشت که نقش جهان اسلام فقط نقش واسط و انتقال‌دهنده دانش یونانی به دنیای غرب امروز نبود بلکه خود موجد بزرگترین آثار فکری در زمینه‌های مختلف علمی بوده است و تأکید بر این امر که فقط در کتابخانه‌های اسلامی آثار یونانی یافت می‌شد و آنان علاقه به ترجمه این آثار دانشمند دور از انصاف می‌نماید.

سوند دال به دنبال مطلب فوق در کتابش تاریخ کتاب چنین ادامه می‌دهد:

«اعراب عامل انتقال کاغذ به اروپا هستند.»

از آنجا که عالم اسلامی، به نهضت فرهنگی و ادبی روآورد، طبعاً قادر بود بر روی ماده‌ای کتابت کند که تا آن زمان اروپا از آن خبری نداشت، زیرا که اعراب در اواسط قرن ۷ میلادی، بلاد فارس را فتح کرده و تا ترکستان پیش رفته بودند و در سمرقند کاغذ (ورقی) را که تا آن زمان نمی‌شناختند یافتند. و سمرقند با کشور چین ارتباط تجاری داشت و از این طریق اختراع کاغذ چینی به ایران راه یافت و سپس در تمام امپراطوری عربی گسترش یافت به گونه‌ای که در زمان امپراطوری هارون‌الرشید، در بغداد و بعضی شهرهای دیگر کارخانه‌های تولید کاغذ به وجود آمد و در قرن ده، صنعت ورق به مصر رسید و در قرن ۱۲ صنعت کاغذسازی از طریق اسپانیا به اروپا رسید تا جائیکه طلیطله، به عنوان بزرگترین مراکز ادبی اروپایی، از اولین شهرهای اروپایی بود که در آن کاغذ

تولید می‌شد.»[19]

اما با این حال نویسنده به اهمیت شرق اسلامی و بخصوص ایران در صنعت جلدسازی اعتراف دارد او چنین می‌گوید:

«جلدهای ساخته شده از چرم، همچنانکه در اروپا ساخته می‌شد، در عالم اسلامی هم ساخته می‌شد و همانا ایرانیان مهارت ویژه‌ای در جلدسازی و تزیین آن داشتند.»[20]

و نیز اشاره دارد که «فن جلدسازی و تزیین آن ارتباط مستقیمی با هنر خطاطی دارد از آنجا که در ایران اسلامی، بخصوص در عصر تیمور لنگ و جانشینان او، هنر خوشنویسی رواج فراوان داشت و در قرن ۱۵ به اوج خود رسید این زیبانویسی به تزیین و تذهیب جلدهای کتاب‌ها سرایت کرد و باعث رونق آن شد.»[21]

کتاب دیگر کتاب در پویه تاریخ نوشته الکساندر استیپچویچ، با ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی است که از متن عربی توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی در ۶۱۲ صفحه چاپ و منتشر شده است.

مترجم عربی آن در مقدمه می‌گوید که نویسنده کتاب به شیوه‌ای خاص در مورد تحول کتاب در گستره تاریخ توجه نموده و از نخستین تلاشهای بشری در کتابت، کهن‌ترین متون و گونه‌های نخست کتاب و ابزار و مواد کتابت برای رسیدن به سرگذشت کتاب در همه جوامع شناخته شده انسانی سخن می‌گوید.[22] تفصیل این مطلب بدینقرار است که مؤلف در فصل اول از تمدن‌های کهن خاورمیانه سخن می‌گوید و در فصل دوم از تمدن‌های کهن خاور دور و فصل سوم را به جهان یونانی ـ رومی اختصاص می‌دهد و در این فصل به تهیه توزیع کتاب، نویسندگان و ناشران، کتابفروشان، کتابهای مرجع و کتابخانه‌های یونان و روم در دوره‌های مختلف اشاره دارد. فصل چهارم سرنوشت کتاب را در اروپای عصر میانه پی می‌گیرد و در آن به انواع کتابخانه‌ها در دیرها، دانشگاه‌ها، و سایر کتابخانه‌ها می‌پردازد. فصل پنجم به کتاب در امپراطوری روم شرقی اختصاص دارد. و فصل ششم به مسلمانان اختصاص دارد که با اینکه از مجموع صفحات فقط چند صفحه را به خود اختصاص داده و به نکات نسبتاً جالبی اشاره دارد اما سهم عربها را بیش از مسلمانان می‌داند و مسلمانان را بیش از آنکه مبتکر و طراح قلمداد کند آنها را مقلد و فراگیر و متساهل فرهنگی و عامل انتقال فرهنگهای دیگران در میان خود می‌داند. فی‌المثل می‌گوید:

«مسلمانان به دنبال فتح ایران در سال ۶۳۷ م. با کتابهای فراوان و شمار زیادی

دانشمند و شاعر و افراد تأثیر پذیرفته از فرهنگ باستان و از همه مهمتر با تشکیلات نظام مند علمی و فرهنگی (کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و آکادمیها) روبه‌رو شدند. این خود موجب گشت که دستاوردهای آن روزگار فرهنگ ایرانی را که در بسیاری از زمینه‌ها عقب مانده بود به آسانی فراگیرند و از همان‌جا آن را به پیش برند.»[۲۳]

او مسلمانان را به عنوان ایجادکننده پل مستحکمی میان فرهنگ عصر کهن و فرهنگ دوره میانه و حتی فرهنگ جدید می‌داند.[۲۴]

در فصل هفتم، خاورمیانه در سده‌های میانه و در فصل هشتم، تمدنهای امریکای باستان، فصل نهم انسانگرایی و نوزایی مطرح می‌شود. فصل دهم به نخستینه‌های چاپ در اروپا، تولید کاغذ، چاپ و پخش آن اشاره دارد. در فصل یازدهم از نوزایی تا انقلاب فرانسه نام گرفته است و در آن به تفصیل نقش کتاب و چاپ و نشر را در عصر جنبش اصلاح و رسانه‌های نوشتاری نوین همچون روزنامه‌ها و مجلات و شبکه کتابفروشیها به بحث می‌گذارد.

در این فصل به مسائل محتوایی و نیز شکل ظاهری کتاب می‌پردازد. از نکات جالب اینکه در این کتاب همچون سایر کتابهای در این باره به ناچیز بودن کتاب و کتابخانه در عصر میانه اروپا اشاره دارد و تا جایی که می‌گوید به این دلیل لازم نبود که برای کتابخانه‌ها ساختمان خاص و بزرگی برپا کنند و کتابهای کتابخانه‌های دیرها و کلیساها نیز عمدتاً برای خدمات دینی بود.

«اشاره به این نکته لازم است که تغییر کتابخانه (Biblioteca) را که قدیس بندیکت در کتاب خود قانون راهبان به‌کار برده تنها به مفهوم اثاث، یعنی قفسه‌هایی است که کتابها بر آن قرار می‌گیرند.

در حالی که این واژه در همین اواخر به مکانی اطلاق می‌شده که کتابها در آن نهاده می‌شد و این معنای امروزی در آن زمان مراد نبوده است.»[۲۵]

و باز اشاره دارد که در مقایسه با کتابخانه‌های مسلمانان و رومیان در همین روزگار که تنها یکی از آنها دهها و حتی صدهزار کتاب در خود داشت. کتابهای عصر میانه تنها چند صد جلد کتاب معمولاً بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ جلد در خود داشته است و گاه به زحمت به هزار یا بیش از آن می‌رسیده است.[۲۶]

کتاب دیگر، کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین سوریه و مصر) نام دارد که توسط یوسف‌العش نوشته شده و آقای دکتر اسدالله علوی آنرا ترجمه و بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس آن را منتشر کرده است.

در این کتاب نویسنده طبقه‌بندی، را از واژگان شروع کرده و واژه‌هایی چون بیت‌الحکمه، خزانه‌الحکمه، دارالحکمه، دارالعلم، دارالکتب، خزانه‌الکتب، بیت‌الکتب را مبین انواع کتابخانه‌ها می‌داند. وی معتقد است که سه کلمه از کلمات بیت، خزانه، دار، حکمه، علم، کتب، به محل و بقیه به موضوع محلها اشاره دارد. این کتاب در دو بخش، تاریخچه و توصیف تنظیم شده که بخش اول شامل سه فصل: دوره بیت‌الحکمه، عصر دارالعلم، و عصر کتابخانه‌های ضمیمه و وابسته است در هر یک از این فصول به ترتیب و تفکیک دوره‌های حکومتی و یا محل‌ها تقسیمات جالبی وجود دارد و به کتابخانه‌های معروف به تفصیل اشاره شده است. در بخش دوم، که توصیف نام دارد در فصول یازده‌گانه، به ویژگیهای مجموعه‌ها از نظر، وقف، روش‌های وقف، فهرست، طبقه‌بندی علوم، مکان و تجهیزات، کارکنان، مدیر، اعتبارات، عملکرد، مراجعان، کار در کتابخانه و نحوه امانت پرداخته است. مترجم در مقدمه خود آثار افرادیکه در زمینه کتابخانه‌های اسلامی و عربی بحث کرده‌اند را به طور اجمال بررسی و مقایسه نموده است که کار مفیدی است. این افراد عبارتند از: کاترمر، هامرپورگشتال، متز، کرنکو و هفنینگ، اولگا پینتو و در نهایت روث مکینسون در این کتاب از انواع کتابخانه‌ها از جمله کتابخانه‌های مدارس، مساجد نیز بحث شده و گاه ریزترین مسائل مانند هزینه و مخارج کتابخانه و یا کتابداران در آن آمده است.

نکته جالب توجه در این کتاب، عنایت به کتابخانه‌ها در گذشته بوده است. کتابخانه فقط محل نگهداری و احیاناً امانت نبوده بلکه معهد و مرکزی جهت تحقیق، ترجمه و سایر امور علمی و فرهنگی بوده است:

«ـ کار ترجمه و تألیف کتب تحت نظر اولیای کتابخانه‌ها، این کار به جهت غنای کتابخانه‌ها صورت می‌گرفته و قادر بوده است گرایش این کتابخانه‌ها را آشکار کند.

ـ توجهی که اولیای کتابخانه‌ها به منجم و منجمان ابراز می‌داشته‌اند.

این توجه بخشی از مراقبتهای اعمال شده برای بیت‌الحکمه‌ها را تشکیل می‌داده

است.

- توجهی که اولیای کتابخانه‌ها به تشویق و ترغیب دانشمندان و گردآوری آنها ابراز می‌کرده‌اند. دانشمندان بایستی در کارهای مربوط به بیت‌الحکمه‌ها شرکت می‌جسته‌اند.»[۲۷]

چاپ این کتاب بسیار خوب، دارای کتابشناسی بسیار معتبر و نمایه است و قیمت آن ۳۸۰۰ ریال است.

کتاب دیگر، به نام نقش کتابخانه‌های مساجد، در فرهنگ و تمدن اسلامی نام دارد که نویسنده آن محمدمکی السباعی است و مترجم آن آقای دکترعلی شکویی است که توسط سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در ۳۳۳ صفحه در سال ۱۳۷۳ چاپ و نشر شده است.

این کتاب آموزش را با مسجد قرین می‌داند و آن را به عصر پیامبر اسلام(ص) که در حدود نه مسجد در آن زمان وجود داشت منسوب می‌داند.[۲۸] حلقه‌های درس، املای استاد بر شاگردان و تقریر دانشجویان از درس استاد اولین حلقه‌های کتابخانه‌ها را پایه‌ریزی می‌کند. در این کتاب به نقش مؤثر و عمدتاً واسط مسلمانان در صنعت کاغذسازی و انتقال آن به اروپا اشاره دارد. از قول جاحظ دانشمند قرن سوم هجری نقل می‌کند که گفته است کاغذ پاپیروس مصر برای غرب و کاغذ سمرقند برای شرق خوب است.»[۲۹]

این کتاب بغداد را از اولین شهرهایی می‌داند که مغازه‌های کاغذفروشی در آن به وجود آمد و بعضی از کتابفروشیها کانونی برای دانشجویان و دانش‌پژوهان بود.[۳۰]

با آنکه معروف است که مامون عباسی نهضت ترجمه را آغاز کرد ولی خالدبن یزید نوهٔ معاویه اولین کسی است که در عین آشنایی او با علوم مختلف باعث ترجمه آثاری از زبان یونانی و قبطی در باره موضوعات شیمی، طب، داروسازی و ستاره‌شناسی به عربی بوده است و خود نیز رساله‌ایی در موضوع شیمی و غیره داشته است.[۳۱]

«کتاب‌های اولیه به صورت مجموعه یا یادداشت‌های دانش‌پژوهان در رسالات کوچکی که به شکل نامه‌ها یا به صورت کتاب‌های معمولی بودند و از آنها تعدادی در دسترس مردم بود جمع‌آوری آنها و تشخیص این واقعیت که آنها ارزش حفظ و نگهداری دارند خود می‌تواند آغاز تشکیل کتابخانه‌های مسلمانان

باشد».[۳۲]

نکته جالبی که در این کتاب به آن اشاره شده این است که مقام کتابخانه را ارجح از مدرسه می‌دانند که در نظام آموزشی مقام والایی داشته و تنها نسبت به مسجد پائین‌تر بود.[۳۳]

از نکات جالب در این کتاب توجه به کتابدار و نقش اجتماعی اوست. کتابدار مساجد مسئولیتی بود که گاه توسط حکام و یا نمایندگان آنها برگزیده می‌شد ولی به هرحال کتابدار، می‌بایستی رضایت استفاده‌کنندگان خود را جلب کند.

«موقعیت اجتماعی کتابدار در جامعه مسلمانان بسیار والا بود.

کتابخانه مسجد ابیاد که در سال ۸۱۲ هجری در قاهره بنا شده بود به روشنی می‌گوید که کتابدار باید دانشمند، مؤدب، مطمئن، قابل اعتماد، هوشیار، بالغ، صدیق و بی‌طمع باشد.»

«در قرون وسطی موقعیت کتابدار در سرزمین‌های مسلمین از اهمیت زیادی برخوردار بود چون در این چهار کتابخانه مثل سایر کتابخانه‌ها، کتابداران اغلب به علت دانش و معرفت خود نسبت به کتابها برگزیده شده‌اند. این اشخاص افراد مهم جامعه در زمان خود بودند و اغلب، دربار شاهان به جای اینکه عنوان نوکری داشته باشند، گروه دانشمند و بافرهنگی بودند که در کتابخانه‌ها گرد می‌آمدند.»[۳۴]

مواردی هم بوده است که انتخاب کتابدار از طرف سلطان وقت، نمایندگان و یا هیات رئیسه مسجد انجام گرفته است. پست و مقام کتابداری در جامعه اسلامی پست و مقام مهم و شریفی بود. لذا این مقام از طرف افراد بزرگ و مشهور تصاحب می‌شد.[۳۵]

چون کتابداری حرفه باارزشی بود این شغل از طرف دانشمندان و دانش‌پژوهان پذیرفته شده بود.

در وقفنامه مسجد محمدیه قاهره آمده است که خازن کتابخانه باید صدیق، باایمان، دارای محاسن اخلاقی باشد. علاوه بر امور علمی و توان پژوهشی کتابدار وظایف دیگر او در این کتاب به این شرح بیان شده است:

ـ کتابدار مسئول مدیریت علمی کتابخانه است

ـ کتابدار باید آثار جدیدی برای کتابخانه تهیه کند. فهرست مجموعه کتاب‌ها را رسیدگی کرده و برای خوانندگان تسهیلاتی فراهم نماید و آنان را راهنمائی کند.

ـ او باید ترتیب صحافی و مرمت کتابها را تدارک ببیند

ـ او باید به افرادی کتاب امانت دهد که بتوانند از آن خوب استفاده کنند.

ـ اگر چند نفر تقاضای امانت کتابی را دارند آنکس که فقیرتر است و نمی‌تواند کتاب را تهیه کند مقدم است زیرا افراد مرفه خود بهتر می‌توانند کتاب را تهیه کنند.

ـ کتابدار باید در قبال افراد بی‌احتیاط کتاب‌ها را حفظ کند و نسبت به گردگیری و حفظ از آفات و موریانه‌ها کوشا باشد.

ـ کتابدار باید کتابهای گم شده را سریعاً تدارک کند.

ـ کتابدار مسئول است که کسی کتاب را به بیرون کتابخانه نبرند مگر آنکه رسید قابل توجهی سپرده باشند.[۳۶]

از آنجایی که شأن کتابدار در جامعه اسلامی شأن بالایی بود لذا از نظر پرداخت نیز، پرداخت‌های مناسبی به او صورت می‌گرفت.

در فصل پایانی به عوامل خارجی و داخلی انحطاط و زوال کتابخانه‌های اسلامی می‌پردازد، که حملات مغول و تیمور و یورش غربیان به کتابخانه‌ها از آن جمله است. تعداد هشتاد هزار کتاب عربی را در میدان شهر غرناطه اسپانیاییها سوزاندند، مسجد جامع طلیطله به اصطبل تبدیل و کتابهای کتابخانه آن سوزانده شد. کتابخانه مسجد الازهر مصر توسط سربازان ناپلئون بناپارت به غارت رفت. بسیاری از دانشمندان و همین‌طور دلالان طمعکار کتاب به کشورهای عربی سرازیر شدند و برای خرید و غارت کتابهای اسلامی با یکدیگر مسابقه گذاشتند. بی‌همتی و بی‌علاقگی حکام داخلی و به تبع آن مردم سبب شد که گاه محققان و دانشمندان مسلمان آرزو کنند که همان بهتر که دیگران به حفظ آثار بپردازند. از قول استاد کردعلی چنین نقل می‌شود:

«فهرست کتابهای عربی در کتابخانه‌های غربی خود کتابخانه‌ای را تشکیل می‌دهد. شاید فردی خارجی که از این میراث فرهنگی به دقت مواظبت می‌کند نسبت به شخص بومی که با بی‌احتیاطی آنها را از بین می‌برد ارجحیت دارد ملت‌هائی که موقعیت‌های ملل شرق را بهتر از خود ملل شرق درک می‌کنند

شاید سزاوارتر باشند که از این میراث‌ها، از مادیات و معنویات و کتابها استفاده برند، چون این میراث‌ها، در کشورهای عربی مسلمان به دست موریانه‌ها و آفات از بین می‌روند و در تاریکی‌ها در میان گرد و خاک می‌پوسند و به علت استفاده نامناسب پژمرده می‌شوند و ارزشی بیش از چند دینار و درهم پیدا نمی‌کنند. پس سزاوار است که در دست آنهایی قرار گیرد که می‌توانند از آنها برای خیر و صلاح خود و دیگران استفاده کنند.»[۳۷]

ترجمه این کتاب خوب است و دارای یادداشت بسیار زیاد است اما افسوس که این پاورقی‌ها ترجمه نشده است در حالیکه اطلاعات بسیار خوبی در آن نهفته است. از آنجا که مترجم محترم گاه حواشی خوبی بر مطالب کتاب دارد بهتر این بود که این یادداشتها ترجمه می‌شد زیرا گاه در آن نسبتهایی یافت می‌شود که حق این است که اصلاح شوند مثل یادداشت ۷۶ در صفحه ۴۲ فصل اول که ظهور شیعه را اولین بار در ایران می‌داند در حالیکه چنین مطلبی درست نیست. همچنین نام بسیاری از منابع به زبان فارسی و عربی برای خوانندگان فارسی زبان آشناست ولی چون متن انگلیسی آن در پاورقی‌ها آمده است کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین این کتاب توسط دو نفر دیگر به نام‌های محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی در سال ۱۳۷۲ ترجمه و توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی چاپ شده است که من متن اصلی این ترجمه‌ها را ندیده‌ام ولی جای تاسف دارد که در این کشور دو کتاب همزمان ترجمه می‌شود و مترجمان از کار هم اطلاعی ندارند.

از آنجا که این دو کتاب در باره کتابخانه‌های مساجد نوشته شده است مقایسه آن دو جالب به نظرم رسید. من در این مقایسه کتاب اول را الف و کتاب دوم را ب نامیدم، این مقایسه شامل مشخصات ظاهری دو کتاب و جنبه‌های متنی آنهاست.

اول مشخصات ظاهری

	الف	ب
نویسنده	محمد مکی السباعی	محمدمکی السباعی
عنوان انگلیسی	An historical Investigation of mosque Libraries in Islamic life and culture	Mosque Libraries, a historical Study
عنوان فارسی	نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی	تاریخ کتابخانه‌های مساجد
مترجم	دکتر علی شکویی	محمد عباسپور ـ محمدجواد مهدوی
ناشر	سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی	بنیاد پژوهشهای اسلامی ـ آستان قدس رضوی
سال نشر اصل کتاب	۱۹۸۴ بر اساس استخراج از کتاب وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی	نامعلوم
سال نشر ترجمه	۱۳۷۳	۱۳۷۳
تعداد صفحات	۳۳۳ ص	۲۷۲ ص
ویراستار	ناصر هاشمزاده	حسن لاهوتی
موضوعات داده شده	۱ـ کتابخانه‌های مساجد ـ تاثیر ۲ ـ فرهنگ اسلامی ۳ ـ کتابخانه‌های مساجد ـ تاریخ	۱ـ کتابخانه‌های مساجد ـ تاریخ ۲ ـ کتابخانه‌های اسلامی ـ تاریخ ۳ـ اسلام ـ آموزش و تحصیل ـ تاریخ
فصول کتابخانه	مقدمه و ۹ فصل	مقدمه و ۶ فصل:
۱	اهمیت مسجد در جوامع مسلمانان	۱ ـ مسجد در جامعه اسلامی (۴۵ ـ ۵۹ نقش آموزش اضافه شده است)
۲	شهر مکه و مسجد مقدس آن	
۳	آموزش مسلمانان در ارتباط با مسجد	
۴	ظهور کتاب در جامعه مسلمانان	۲ ـ پیدایش کتاب در جامعه اسلامی
۵	اولین کتابخانه‌های مسلمانان	۳ ـ اولین کتابخانه‌های مسلمانان
۶	شکوفائی کتابخانه‌های مسلمانان	

۷	کتابخانه‌های مساجد: مرحله ابتدائی	۴ ـ پیدایش کتابخانه‌های مساجد
۸	بررسی تاریخی کتابخانه‌های مساجد	۵ ـ مروری بر تاریخ کتابخانه‌های مساجد
۹	عملکرد و استفاده از کتابخانه‌های مساجد	۶ ـ فعالیت کتابخانه‌های مساجد
	فهرست نام اشخاص و موضوعات	سخن پایان
	فهرست نام مساجد	
	فهرست نام کشورها	
	فهرست نام کتابها	
منابع کتابشناسی	در پایان هر فصل ـ بدون ترجمه و به صورت متن اولیه	در پایان کتاب ـ ترجمه شده و علاوه بر آن کتابشناسی منابع به‌طور الفبائی به دو صورت فارسی و لاتین آمده است
توضیحات مترجم	دارد. بیشتر در جنبه‌های اعتقادی	دارد. بیشتر در جنبه‌های تحقیق نام‌ها و اماکن
سایر خصوصیات	در کتاب اول در آخر هر فصل خلاصه آن فصل آمده، دارای عکس‌های زیبا و رنگی از مساجد و آثار تاریخی اسلامی	فاقد خلاصه در پایان هر فصل است فاقد عکس

آنچه گفتنی است این است که با آنکه این دو کتاب از یک نویسنده است و ۶ فصل از کتاب با فصولی که در بالا در مقابل هم نوشته شده است با کتاب الف کاملاً مطابقت دارد ولی معلوم نیست که آیا نویسنده دو کتاب داشته است و یا کتاب «الف» ویرایش دوم کتاب «ب» بوده است، هیچ توضیحی از جانب نویسنده و یا مترجمان داده نشده است علاوه بر تفاوت‌های ظاهری که ذکر شده از نظر ترجمه و کاربرد اصطلاحات نیز این دو کتاب در بخشهایی که دقیقاً با هم مطابقت دارند و حتی بندهای آن نیز با هم یکی است، دارای تفاوت‌هایی است که اینجانب با بررسی اجمالی و مطابقت نسبی به پاره‌ای از آنها دست یافتم که ذیلاً آن را در دو بخش ترجمه‌های متنی و سپس ضبط نامها و اصطلاحات به طور مقایسه‌ای ذکر کرده‌ام. البته متن

اصلی در اختیار اینجانب نبود تا قضاوت و داوری صورت گیرد، گاه ترجمه‌ها را بخاطر مقایسه دیدگاه‌های مترجمان محترم در مقابل هم ذکر کرده‌ام و تا تفاوت برداشت‌ها مشخص‌تر شود.

صفحه	الف	صفحه	ب
(۲۰)	Ambaric	(۲۰)	امهری
۲۰ -	سجده به مفهوم تعظیم و اطاعت است	۲۰ -	مسجد از نظر لغوی به معنی محل سجود است.
۲۰ -	نام خدا را بر زبان آورید و نماز بخوانید (قرآن)	۲۱ -	آنانکه نام پروردگار خود را بر زبان آوردند و نماز گذاردند. (قرآن)
۲۰ -	این کار برای شما بهتر است اگر عمل کنید (قرآن)	۲۲ -	... اگر دانا باشید این کار برایتان بهتر است. (قرآن)
۲۲ -	مسجد جایی است که خداوند اجازهٔ بنای آن را داده تا نام او در آن ذکر شود (قرآن)	۲۴ -	خانه‌هایی است که خدا رخصت داد ارجمندش دارند و نامش در آن‌جا ذکر شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیح گویند. (قرآن)
۳۰ -	در این مواقع مسجد آذین‌بندی می‌شود خوردن و آشامیدن همراه با بیانی از گفته‌های پیامبر و قرآن جریان دارد.	۳۴ -	در این مواقع مساجد چراغانی می‌شد. مردم می‌خوردند و می‌آشامیدند و عود و عنبر می‌سوزاندند و به ذکر و تلاوت قرآن می‌پرداختند.
۳۱ -	در گوشه‌ای از حیاط مسجد در مقابل ساختمان مسجد، پناه کوچکی به نام صفه بود که فقرا شب را در آنجا به روز می‌رساندند. این بنا منشأ و آغاز ایجاد بیمارستانهای بعدی بود که با مسجد درارتباط بودند.	۳۶ -	در گوشه‌ای از صحن، در مقابل ظله (سایبان) سرپناه کوچکتری به نام صفه برای اقامت شبانه زائران یا مستمندان وجود داشت. این را می‌توان منشأ ارتباط دارالضیافه‌هایی دانست که بعدها در جنب مساجد به وجود آمد.
۳۱ -	زاهدان و مرتاضان	۳۶ -	زاهدان
۳۲ -	بیشتر از هزار و یکصد کارمند	۳۸ -	بیش از صد و ده خادم
۳۵ -	این لعن و نفرین به نظر یکی از	۴۱ -	این لعن وسب که نویسنده‌ای آن را

صفحه	الف	صفحه	ب
	نویسندگان یادگار انجمن سیاسی علیه افراد فاسدالعقیده بوده است.		به حملات کلیسای بیزانسی بر ملحدان تشبیه کرده است.
۳۶ـ	مجمع فتوی	۴۳ـ	حلقه فتوی
۳۷ـ	و بارها بمباران گشته است	۴۴ـ	با منجنیق مورد حمله قرار گرفته است
۹۷ـ	پاپیروس که از ساقه گیاهی	۶۳ـ	پاپیروس که از ریشه گیاهی ...
۱۰۳ـ	مراسم ازدواج را انجام ندهید مگر با در نظر گرفتن اصول کتاب (شرایط) (قرآن)	۷۳ـ	و آهنگ بستن نکاح نکنید تا آن مدت (کتاب) به سرآید (قرآن).
۱۰۳ـ	اگر بخاطر کتاب خدا نبود به جهت کارهایی که انجام می‌دهید بلایای زیادی بر شما نازل می‌شد (قرآن)	۷۳ـ	اگر بیش از این از جانب خدا حکمی (کتابی) نشده بود به سبب آنچه گرفته بودید عذابی بزرگ به شما می‌رسید.
۱۰۴ـ	کتابت و دولت اموی	۷۴ـ	کتابت در صدر اسلام
۱۰۴ـ	در واقع مدارک زیادی در دست است که خلفای اموی افرادی دانشمند و بافرهنگ بودند و مانند جانشینان خود یعنی خلفای عباسی که فقط تظاهر به فرهنگ و دانش‌پروری می‌کردند نبودند.	۷۴ـ	در حقیقت مدارک محکم حاکی از این است که امویان آگاهانه طرفدار تعلیم بودند نه چنان که رقبا و جانشینان بعدی آنها یعنی عباسیان آنها را افرادی بی‌فرهنگ به تصویر کشیده‌اند.
۱۰۵ـ	یک کتاب هرگز لغت یا جمله‌ای را که شاعری مدت‌ها صرف نوشتن آن کرده است فراموش نمی‌کند.	۷۵ـ	کتابها کلمات یا عباراتی را که شاعر زمان درازی صرف سرودن آن کرده فراموش یا دچار تغییر نخواهد کرد.
۱۰۵ـ	برای وکلای قضات	۷۶ـ	برای راهنمایی قاضیان
۱۰۷ـ	بهتر است تونگران اعمال و کردار خود باشی ـ خدا نگهدار.	۷۸ـ	خوی‌نفس‌دون‌خودبنگر ـ والسلام
۱۰۷ـ	زیاد برادر رضاعی معاویه	۷۹ـ	زیاد برادرخوانده

صفحه	الف	صفحه	ب
۱۰۷ -	او باعث ترجمه مطالبی از زبان یونانی شد.	۷۹ -	او برخی از آثار یونانی ... ترجمه کرده
۱۹۵ -	بررسی تاریخی کتابخانه‌های مساجد	۸۷ -	مروری بر تاریخ کتابخانه‌های مساجد
۱۹۹ -	کتاب‌های مذهبی، علمی، فکری، ذهنی و زبان	۸۹ -	کتاب‌هایی در باره ادیان، ابدان، اذهان و لسان.
۲۰۰ -	از جمله کتابی به نام قانون از مختصرین عرفه	۹۲ -	از جمله کتاب فقهی مشهور مختصر ابن‌عرف
۲۰۲ -	در این کتابخانه دو صندوق ... شل و پاره و بهم‌ریخته	۹۵ -	در این مقصوره دو گنجه .... برگهای نامنظم و بی‌شیرازه.
۲۰۰ -	در بیست بسته	۹۷ -	در بیست گنجه
۲۰۶ -	بیشتر از پنجاه مجلس درس	۱۰۰ -	بیش از چهل حلقه یا مجلس مناظره
۲۰۸ -	مقام بارزی را از کتابداری و کاتب بودن به مقام خطیبی مسجد رساند	۱۰۲ -	بارزی را به سمت کتابدار و خطیب این مسجد منصوب کرد
۲۱۱ -	چند هزار به چندین هزار	۱۰۷ -	چند هزار به چند صد هزار
۲۱۱ -	ساختمان‌های قدیمی و محقر مدارس ممالیک	۱۰۷ -	در بخشهای قدیمی و محصور مدارس اقبغاویه و طیبرسه ممالیک
۲۱۱ -	اما علی‌رغم تصویر مبهم و تاریک	۱۰۸ -	به رغم این تصویر زشت
۲۱۱ -	اما مجموعه .... در سالهای اخیر به تدریج رو به زوال گذاشته است	۱۰۸ -	ظاهراً به حدود سی جلد در سالهای اخیر تقلیل یافته است
۲۱۲ -	... به هیچوجه نوعی نظر اجمالی بر کتابخانه‌های مساجد که در چهارده قرن گذشته در این منطقه به‌وجود آمده‌اند نمی‌باشد	۱۰۹ -	... به هیچوجه تحقیقی جامع در باره تمام کتابخانه‌های مساجد که طی چهارده قرن در گذشته در این ناحیه پاگرفته نیست
۲۱۲ -	هم‌پیمان یونان و روم قدیم	۱۰۹ -	تحت‌الحمایه یونان و روم قدیم

صفحه	الف	صفحه	ب
۲۱۳ -	مسجد که در شهر مسیحی‌نشین قدس (اورشلیم)	۱۰۹ -	مسجدالاقصی که در شهر مذهبی بیت‌المقدس
۲۱۳ -	مدرسه ناصریه که در یک محوطه	۱۱۰ -	مدرسه نصریه که در یک مقصوره
۲۱۰ -	شبستان	۱۰۶ -	رواق
۲۱۲ -	AL kaak	۱۰۸ -	کعک
۲۱۲ -	بنی‌خازرون	۱۰۸ -	بنی‌قصرون
۲۱۳ -	نحویه	۱۱۰ -	نهاویه
۲۱۳ -	فارس‌الباکی	۱۱۰ -	فارس‌البکی
۲۱۳ -	حما یا حماه	۱۱۱ -	حما یا حمص
۲۱۴ -	در باره قضاوت	۱۱۱ -	در باره فقه
۲۱۴ -	ثابت‌النحوی	۱۱۲ -	ثابت‌النهاوی
۲۱۴ -	مسجد باب‌المدائن	۱۱۲ -	مسجد درب‌المدینین
۲۱۵ -	قاسیون	۱۱۲ -	قصابین
۲۱۵ -	ایلبغا	۱۱۲ -	یالبغا
۲۱۵ -	عبدالله‌بن التاوی	۱۱۳ -	عبدالله‌بن تأویل
۲۱۶ -	الغرابی الساکی	۱۱۶ -	فارابی الساقی
۲۱۶ -	دارالخطابه	۱۱۴ -	بیت‌الخطابه
۲۱۶ -	محوطه	۱۱۴ -	قبه
۲۱۶ -	البیسانی	۱۱۵ -	بیقانی
۲۱۷ -	ابوالسکر	۱۱۵ -	ابوالسقر
۲۱۷ -	ابن‌العدیم	۱۱۵ -	ابن‌الادمی
۲۲۱ -	قلعه قصرا و	۱۲۲ -	قصرقلعه ظفار ذی بین
۲۲۴ -	فرقه منتظریه	۱۲۶ -	مکتب معتزلی
۲۲۴ -	همراه او مطالعه کند	۱۲۶ -	همراه او نمونه‌خوانی کند
۲۴۳ -	همه کتابخانه‌ها در جوار مسجد	۱۲۹ -	بیشتر کتابخانه‌ها در داخل

صفحه	الف	صفحه	ب
	خود ساخته نمی‌شدند		مجموعه اصلی مساجد مادر ساخته نمی‌شد.
۲۵۹ ـ	سازمان کتابخانه‌ها	۱۵۱ ـ	تنظیم مجموعه‌های کتاب
۲۶۵ ـ	هرگز کتابی را امانت نگیر بلکه برای این کار خود بهانه‌ای بتراش و آن را تصرف کن چون برای امانت گرفتن، چنین اقدامی بهترین روش است اگر به حرف من توجه نکنید کتاب را از دست می‌دهید.	۱۵۹ ـ	هرگز کتابی را به امانت مده بلکه از انجام این کار معذرت بخواه، مبلغی وثیقه برای آن بگیر چون این کار، کاری عادلانه است اگر به حرف من گوش ندهی به یقین کتاب خود را از دست خواهی داد.
۲۶۵ ـ	رحمت خدا شامل کسانی است که کتابی را در اختیار دیگران قرار می‌دهند.	۱۵۹ ـ	نخستین آمرزش خداوند بهره کسی می‌شود که به نقل احادیث سرگرم است و حکمت آن این است که او فرصت به امانت دادن کتابهای خود به دیگران را دارد.
۲۶۶ ـ	... که هنگام پس دادن کتاب عقیده خود را نسبت به امانت‌دهنده‌ای ابراز دارد.	۱۶۱ ـ	... که هنگام برگرداندن کتابهای امانتی از امانت‌دهنده سپاسگزاری کند.
۲۷۱ ـ	عنوان نوکری	۱۶۷ ـ	عنوان خدمتگزار
۲۸۹ ـ	زوال و فساد آموزش	۱۷۵ ـ	زوال دانش و دانش‌آموزی
۲۸۹ ـ	به علوم مادی و دنیوی مظنون شدند	۱۷۵ ـ	به علوم مادی بدگمان شدند
۲۹۱ ـ	حتی کمدهای دانشجویان	۱۷۵ ـ	حجره‌های طلاب
۲۹۱ ـ	از بین رفتن جان و ثروت بی‌شماری	۱۷۸ ـ	تلفات جانی و مالی فراوان
۲۹۲ ـ	حاکم عثمانی	۱۸۱ ـ	بای عثمانی ـ بای به معنی مالدار و غنی و ثروتمند است به ترکی
۲۹۳ ـ	کتابخانه‌ها ... در رنج و عذاب بودند	۱۸۱ ـ	کتابخانه‌ها ... آسیب دیدند
۲۲ ـ	کوپ	۲۷ ـ	کوپان
۳۶ ـ	یعقوب‌بن کلاس	۴۲ ـ	یعقوب‌بن کلس

صفحه	الف	صفحه	ب
۳۷ -	Rostem	۴۴ -	رستم
۱۰۰ -	کتان	۶۹ -	قطن
۱۰۵ -	القوامی از ابن‌سرین	۷۶ -	الجوامع از ابن‌سیرّین
۱۰۵ -	کلابی کتابی بنام الامثل	۷۶ -	کلبی کتابی به نام کتاب‌الامثال
۱۰۷ -	کرنکف	۷۹ -	کرنکو
۱۸۸ -	ایج	۸۵ -	عش
۱۸۸ -	مسیحیی	۸۵ -	مصباح
۱۸۸ -	ختایی حومه قاهره	۸۵ -	قطایع در حومه قاهره
۱۸۹ -	شابوه	۸۶ -	شبوح
۱۸۹ -	ابراهیم‌بن ایشک	۸۶ -	ابراهیم‌بن اسحاق
۱۹۸ -	مقریزی	۸۸ -	مقری
۱۹۸ -	ابن‌الاب مالکی	۸۸ -	ابن لبّ
۱۹۹ -	سعدیه	۸۸ -	سعدیون
۱۹۹ -	روضه‌الاس	۹۰ -	روضه‌الفاس
۲۰۰ -	زنقه‌العزول	۹۱ -	زنقات‌العدول
۲۰۰ -	شهرهای تاز، طنجه، چکائون، کیزان	۹۱ -	شهرهای تازه، طنجه، شفشاون، وزان
۲۰۰ -	شیخ برکه	۹۲ -	شیخ برکات
۲۰۰ -	محمدبن الکاظم	۹۲ -	محمدبن قاسم
۲۰۰ -	مساجدالعتیق، الکفل، زاکلو الرباط‌الاسفل	۹۲ -	مساجد عتیق، غفال، زاکلو و ربذالاسفل
۲۰۳ -	ابوالبرکه‌ابن اسفا	۹۶ -	ابوالبرکات‌بن عصفور
۲۰۴ -	احمدبن علی‌الزیاف	۹۷ -	احمدبن ابی ضیاف
۲۰۵ -	کراس‌العیون النواظر	۹۹ -	قره‌العیون النواظر
۲۰۵ -	... کتبغای	۹۹ -	قایتبای

صفحه	الف	صفحه	ب
۲۰۵ -	مسجد مدبولیه	۹۹ -	مسجد متبولیه
۲۰۶ -	قطایی	۱۰۰ -	خطایی
۲۰۶ -	منطقه ماکس	۱۰۱ -	منطقه مقص
۲۰۷ -	مسجد خایربک در جاده التبنه	۱۰۱ -	مسجد خیربک در جاده تبانه
۲۰۷ -	جامع‌القلاع	۱۰۱ -	جامع قلعه
۲۰۸ -	ابوالذهاب	۱۰۲ -	ابوالذهب
۲۰۸ -	احمدالراشدی	۱۰۲ -	احمد رشیدی
۲۰۸ -	مرتضی الزبید	۱۰۲ -	مرتضی زبیدی
۲۰۸ -	عکاظین	۱۰۲ -	عاقدین
۲۰۸ -	امیرشیخ	۱۰۳ -	امیر شیخو
۲۰۸ -	احمد جاویش ارناووط	۱۰۳ -	احمد جویش آرنئوط
۲۰۹ -	مسجد دردار	۱۰۴ -	مسجد در دیر
۲۰۹ -	جوهر صقلی	۱۰۴ -	جوهرالثقلی
۲۰۹ -	ازهر به معنای درخشان، جلوه‌گر یا واضح	۱۰۵ -	ازهر به معنای پرنور، درخشنده، یا درخشان
۲۱۰ -	کتاب اختصار	۱۰۵ -	کتاب اقتصار
۲۱۰ -	ایدئولوگ	۱۰۵ -	داعی‌الدعاء
۲۱۸ -	معز	۱۱۷ -	معاذ
۲۱۸ -	عبدالجبر	۱۱۷ -	عبدالجبار
۲۱۸ -	المغارب	۱۱۷ -	المغرب
۲۱۹ -	باب‌الدریب	۱۱۹ -	باب‌الدریبه
۲۱۹ -	مکتبه‌الحرام	۱۱۹ -	مکتبه‌الحرم
۲۱۹ -	شیخ صالح اترجی	۱۱۹ -	شیخ صالح عطارجی
۲۲۰ -	کتابخانه محمدیه ... سلطان محمدخان	۱۲۰ -	کتابخانه محمودیه ... سلطان محمودخان
۲۲۰ -	شهر آنایزا	۱۲۱ -	شهر عنیزه
۲۲۰ -	ام‌الخمار	۱۲۱ -	ام‌الخمر

صفحه	الف	صفحه	ب
۲۲۱ -	سعید	۱۲۱ -	سید
۲۲۱ -	ملک مظفر	۱۲۱ -	مالک مظفر
۲۲۱ -	شهر ایب	۱۲۱ -	شهراب
۲۲۱ -	شهر هوث	۱۲۱ -	شهر حوث
۲۲۱ -	شهر تریم	۱۲۲ -	شهر طارم
۲۲۱ -	الکف	۱۲۲ -	الکاف
۲۲۱ -	روستای الغارین	۱۲۲ -	روستای القارن
۲۲۱ -	مسجد بزرگ صنعا	۱۲۲ -	مسجد جامع صنعا
۲۲۲ -	منازی	۱۲۳ -	مانزی
۲۲۲ -	مسجد آمد	۱۲۳ -	مسجد عمید
۲۲۳ -	مجلس	۱۲۵ -	حلقه درس
۲۲۴ -	مسجد ابوحنیف	۱۲۶ -	کتابخانه ابوحنیفه
۲۲۴ -	خلیفه المستودع	۱۲۶ -	خلیفه المستضئی
۲۲۴ -	شریف زید	۱۲۶ -	شریف زیدی
۲۲۵ -	سلطان بخشنده و بزرگی	۱۲۷ -	سلطان دانشمند و سخی
۲۲۶ -	جامع کهیا، نیلا	۱۲۷ -	جامع کهنه، نایله
۲۲۶ -	مساجد خولانی	۱۲۷ -	مسجد خلانی
۲۲۶ -	بجاجی	۱۲۷ -	باجه چی
۲۲۶ -	کتابخانه بیت‌الائمه	۱۲۸ -	مکتبه اهل‌البیت العامه
۲۴۳ -	محل کتابخانه‌های مساجد	۱۲۸ -	فعالیت کتابخانه‌های مساجد
۲۴۳ -	رونالد	۱۳۰ -	رندال
۲۴۴ -	محمودیه	۱۳۰ -	محمدیه
۲۴۴ -	بایرام	۱۳۰ -	بیرم
۲۴۴ -	قروبین	۱۳۰ -	قیروان
۲۴۴ -	کتابخانه احمدیه	۱۳۱ -	کتابخانه حفصیه مسجد زیتونه و کتابخانه احمدیه
۲۴۴ -	در محلی نزدیکی قبله	۱۳۱ -	مقصوره

صفحه	الف	صفحه	ب
۲۴۴ -	دارای قبه	۱۳۱ -	گنبددار
۲۴۵ -	ابوالحسن سالم کفرطابی	۱۳۲ -	ابوالحسن سلیم خفاطبی
۲۴۶ -	اکبقاویه و بیبرسیه	۱۳۲ -	اقبغاویه و طیبرسیه
۲۴۶ -	المزنیین	۱۳۳ -	مازنین
۲۴۷ -	مسجد مقدس مکه	۱۳۵ -	مسجدالحرام
۲۴۷ -	مکتبات‌الصحن	۱۳۵ -	مکتبه‌الصحن
۲۴۹ -	نویسنده، نقاش	۱۳۶ -	نساخ، تذهیب‌کار
۲۴۹ -	نویسنده	۱۳۷ -	کاتب
۲۵۳ -	الاعلام فی آلام بین‌الله‌الحرام	۱۴۲ -	الاعلام بعالم بیت‌الله‌الحرام
۲۵۳ -	محمدالاجموی	۱۴۳ -	محمدالعجموی
۲۵۴ -	صبیح	۱۴۵ -	عبدالله‌بن الطاوی
۲۵۴ -	عبدالله الطویل	۱۴۵ -	صهیب
۲۵۵ -	شُتا	۱۴۵ -	شتا
۲۵۷ -	تفسیرقرآن،شرح‌قرآن، آداب و سنن	۱۴۸ -	تلاوت قرآن، تفاسیر قرآنی، احادیث
۲۵۷ -	محلّه ختایی	۱۴۹ -	مجله قطایع
۲۵۸ -	استراتژیک نظامی	۱۵۰ -	استراتژی نظامی
۲۵۸ -	المرابیح	۱۵۰ -	المرابح
۲۵۸ -	P.J. Renaud	۱۵۰ -	رینو
۲۵۸ -	—	۱۵۰ -	ارجوزه المعلومه
۲۵۹ -	یوسف‌بن خالب ـ کاظم	۱۵۱ -	یوسف‌بن کلیب ... قاسم
۲۵۹ -	فدابنت عقیل	۱۵۱ -	فضه بنت عقیل
۲۶۰ -	صادقیه	۱۵۲ -	صدیقیه
۲۶۰ -	احمدالرابی	۱۵۲ -	احمد الربعی
۲۶۰ -	بورکهارت	۱۵۳ -	بورخارت
۲۶۱ -	Mallims	۱۵۳ -	مالیم
۲۶۱ -	ششصد و پنجاه کتاب	۱۵۴ -	۶۵۸کتاب
۲۶۲ -	در قوطی‌های چوبی در طاقچه	۱۵۵ -	چمدان در قفسه

صفحه	الف	صفحه	ب
۲۶۲ ـ	شیخ فریکه	۱۵۶ ـ	شیخ فارکه
۲۶۳ ـ	زاویه‌القرایی	۱۵۷ ـ	زاویه قراء
۲۶۳ ـ	احمدبن علی زکریا	۱۵۷ ـ	محمدبن علی زکریا
۲۶۳ ـ	شیخ اول مسجد	۱۵۷ ـ	شیخ‌الرئیس
۲۶۵ ـ	رباب	۱۵۹ ـ	ربه
۲۷۲ ـ	مستنصریه	۱۶۹ ـ	منتصریه
۲۷۳و۲۷۲	دیان‌الدین	۱۶۹ ـ	ضیاءالدین
۲۷۲ ـ	سعید ـ تذکرةالسامی ـ معیدالنیام	۱۶۹ ـ	سید ... تذکرةالسامع ـ مؤیدالنعم
۲۷۲ ـ	بروونسال	۱۷۰ ـ	پروونکال
۲۷۳ ـ	مسجد قیروان	۱۷۰ ـ	مسجد قرویین
۲۷۴ ـ	پنج سکه نقره	۱۷۲ ـ	پنج انصاف
۲۷۵ ـ	پیاستر	۱۷۴ ـ	قروش
۲۸۹ ـ	لاندو	۱۷۵ ـ	لانداتو
۲۹۳ ـ	الابهر	۱۸۱ ـ	الابیار
۲۹۳ ـ	تل کتاب	۱۸۱ ـ	تلال‌الکتاب (تپه‌های کتاب)
۲۹۴ ـ	فضیل	۱۸۲ ـ	القاضی
۲۹۵ ـ	کاماریه	۱۸۳ ـ	قمریه
۲۹۵ ـ	که «مغیرین» کتابداری ...	۱۸۴ ـ	کتابدارانی
۲۹۶ ـ	زلزله و سیل	۱۸۵ ـ	بلایای طبیعی
۲۹۶ ـ	سالن‌ها	۱۸۵ ـ	شبستان

کتاب دیگر وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی نوشته یحیی‌محمود ساعاتی با ترجمه احمد امیری شادمهری است که در ۳۱۲ صفحه توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی در سال ۱۳۷۴ چاپ و منتشر شده است. فهرست رئوس عناوین عبارتند از: فصل اول وقف و نقش آن در پی‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی، فصل دوم: آغاز وقف کتب و پیدایش کتابخانه‌های عمومی، فصل سوم: کتابخانه‌های مساجد و مدارس و فصل چهارم: وقف کتاب و کتابخانه بر بیمارستانها، کاروانسراها، خانقاهها، آرامگاهها، اشخاص، اولاد و وقفهای نامعلوم، فصل پنجم سازماندهی و مدیریت کتابخانه‌ها و آخرین فصل: سرنوشت کتب و کتابخانه‌های وقفی است. بر اساس اظهار مترجم، مؤلف در تألیف کتاب به بیش از یکصد ماخذ مراجعه کرده است ولی طبق معمول نویسندگان عربی هر جا سخن از کتابخانه‌ها و فرهنگ اسلامی است از آن تعبیر به فرهنگ و کتابخانه‌های عربی نموده با آنکه خود از کتابخانه‌های ایران، ترکیه، خوارزم و مرو نیز نام می‌برد.[۳۸]

ناشر کتاب، کتاب را به روح عبدالحکم جمحی بنیانگذار نخستین کتابخانه عمومی در مکه مکرمه در قرن اول هجری تقدیم می‌کند در این کتاب در پایان هر فصل پانویس‌های مفیدی دارد و در آخر کتاب نیز ماخذ معتبر و مهم معرفی شده است. این کتاب از نظر سبک نگارش به دو کتاب قبلی شباهت دارد ضمن اینکه در فصل سوم تحت عنوان کتابخانه‌های مساجد و مدارس و نیز در فصل چهارم نام بسیاری از کتابخانه‌ها برده شده است که در بعضی از این نامها با کتابخانه‌های مساجد تألیف محمدمکی السباعی مشترک است. این کتاب عمدتاً به اهمیت وقف درگسترش امور فرهنگی عنایت دارد و فصل پنجم به سازماندهی و مدیریت کتابخانه‌های وقفی اختصاص دارد و در آن از راههای انتخاب کتاب و تجهیز کتابخانه‌ها به کتب وقفی و نظارت بر وقف و مدیریت آن، برنامه‌ریزی مالی برای کتابخانه‌های وقفی بحث کرده است. در آخرین بخش کتاب تحت عنوان دستاوردهای بحث و ارائه چند توصیه تأکید می‌کند که از قرن چهارم تا اواخر قرن سیزدهم هجری کتابخانه‌های وقفی اساس و شالوده کتابخانه‌های عربی را تشکیل می‌داده و چارچوب حقیقی تأسیس و رواج کتابخانه‌ها در تاریخ عرب بوده است «و اینکه» وقف کتب نزد اعراب و مسلمانان عامل اصلی و مهم نشر فرهنگ و گسترش دادن دائره آگاهی جویندگان علم در طی قرون طولانی از طریق کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مدارس، مساجد، کاروانسراها، و خانقاهها و بیمارستانها بوده است. و توصیه می‌کند که باید به وقف به عنوان راهی به سوی ایجاد حرکتی درخشان و مرتبط با کتابخانه در جهان عرب همچون گذشته

بازگشت و این امری است که بینش و آگاهی توانمندان و دانشمندان را برای ایجاد چنین روشی سازنده می‌طلبد.[۳۹]

آنچه از مجموع این بررسی‌ها به دست می‌آید این است که عموم کتابهایی که در باره تاریخ نگاشته شده است همانند بسیاری از کتب دیگری که در باره تاریخ تمدن و فرهنگ نوشته می‌شود هرگز به فکر ادای سهم شرق و بویژه مسلمانان در تمدن و فرهنگ نیستند حتی با آنکه مترجم عربی کتاب «کتاب در پویه تاریخ» که از کتاب تاریخ کتاب «سوند دال» نام می‌برد و اظهار می‌دارد که این کتاب تقریباً منحصر به قاره اروپا است آن هم تنها اروپای غربی و در آن اندکی پیرامون اروپای شرقی یافت می‌شود و به عربها تنها یک صفحه اختصاص داده شده است. به زعم او پروفسور استیپیتچویج در این کتاب سعی کرده است این نقیصه را جبران کند و با اهتمام فصلی خاص را به نقش عربها اختصاص دهد، و به اصطلاح سهم عربها را (و نه مسلمانان) را به طور کلی در فرهنگ کتاب و کتابت و شرکتشان در تهیه کتب و شرح احوال و آثار و تحول کتابخانه نشان دهد.[۴۰] اما با این حال می‌بینیم که از کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای فقط چند صفحه به این کار اختصاص یافته است.

نکته اسف‌بارتر اینکه این کتابها و حتی کتابهائی که نقش و سهم عربها و یا مسلمانان را در تاریخ و تمدن کتاب و فرهنگ نشان می‌دهد عمدتاً از نظر جغرافیائی از غرب اسلامی شروع می‌کند و چون به بغداد می‌رسند مسأله را به پایان می‌برند و از نظر تاریخی نیز تا قرن چهارم و نظامیه بغداد پیشتر نمی‌روند. در حالی که شرق اسلامی و به ویژه ایران و ایران آن زمان تا برسد به مرو و بخارا و سمرقند همه در گسترش و تحول فرهنگ اسلامی نقش بسیار زیادی داشته‌اند که عمدتاً نادیده گرفته می‌شود. در اینجا مقاله بسیار خوب استاد ناجی معروف خواندنی است که می‌گوید:

«و البته در نتیجه تحقیقات و بررسیهایی که من بر روی متون چاپی و نسخه‌های خطی گوناگون انجام داده‌ام برای من آشکار شده است که بعضی از مورخان و پژوهشگران از بخش مهمی از تاریخ جهان اسلام اطلاعات کافی ندارند و آن بخش عبارت است از سرزمینهای شرقی جهان اسلامی که مدتها عرصه نمایش شگفت‌انگیزی از فعالیتهای علمی اسلامی و مرکزی مهم برای فرهنگ اصیل عربی بوده است و هنوز هم از بیشتر آنها که در سرزمینهای فارس، خراسان، ماوراءالنهر، و آذربایجان قرار دارد آگاهی نداریم و تمامی این بلاد در قلمرو

خلافت اموی و عباسی بوده است و چند قرنی دمشق و بغداد بدانها حکم می‌رانده و اینک جزئی از ایران، افغانستان و روسیه شده است».[41]

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ تاریخ تمدن، یونان باستان، نوشته ویل و آریل دورانت. ـ تهران: سازمان آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۵ ج یونان باستان؟

۲ ـ همان، ص ۶۷۱.

۳ ـ همان، ص ۲۲۵.

۴ ـ همان، ص ۲۲۵.

۵ ـ همان، ص ۶۷۱.

۶ ـ همان، ص

۷ ـ همان، ص ۲۲۷

۸ ـ همان، ص ۶۷۱

۹ ـ همان، ص ۶۷۱

۱۰ ـ همان، ص ۷ ـ ۲۲۶

۱۱ ـ همان، ص ۶۷۱

۱۲ ـ همان، ص ۶۷۱

۱۳ ـ تاریخ کتاب / نوشته سوند دال، مقدمه و ترجمه محمدعلی خاکساری. ـ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲. ص ۲۲

۱۴ ـ همان، ص ۸

۱۵ ـ تاریخ تمدن، نوشته ویل و آریل دورانت، مشرق زمین گاهواره تمدن، ص ۷۱۲

۱۶ ـ تاریخ‌الکتاب، نوشته سوند دال، مقدمه

۱۷ ـ همان، ص ۴۰

۱۸ ـ همان، ص ۴۰

۱۹ ـ همان، ص ۴۱

۲۰ ـ همان، ص ۱۳۱

۲۱ ـ همان، ص ۱۳۲

۲۲ ـ کتاب در پویه تاریخ، نوشته الکساندر استیپچویچ، ترجمه محمدرضا آژیر و محمدرضا شجی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳. مقدمه ص ۲۲

۲۳ ـ همان، ص ۲۷۲

۲۴ ـ همان، ص ۳ ـ ۲۷۲

۲۵ ـ همان، ص ۲۴۹

۲۶ ـ همان، ص ۲۵۰

۲۷ ـ کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی در قرون وسطی، نوشته یوسف العش، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۲۵

۲۸ ـ نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، نوشته محمدمکی السباعی، ترجمه علی شکویی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۷۶

۲۹ ـ همان، ص ۹۹

۳۰ ـ همان، ص ۱۰۱

۳۱ ـ همان، ص ۱۰۷

۳۲ ـ همان، ص ۱۰۸

۳۳ ـ همان، ص ۱۲۳

۳۴ ـ همان، ص ۲۷۱

۳۵ ـ همان، ص ۳ ـ ۲۷۰

۳۶ ـ همان، ص ۳۰۰

۳۷ ـ همان، ص ۲۹۲

۳۸ ـ وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی نوشته یحیی محمود ساعاتی، ترجمه احمد امیری شادمهری. مشهد آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴. ص ۱۱ ـ ۱۰

۳۹ ـ همان، ص ۲۰۱ ـ ۲۰۲

۴۰ ـ همان، ص ۲۱ ـ ۲۰

۴۱ ـ مدارس علمیه قبل از نظامیه، از ناجی معروف، یادنامه ادیب نیشابوری، به اهتمام مهدی محقق، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۵۶.

۲۷

مدخل تاریخ شرق اسلامی*

با آنکه درباره تاریخ اسلام، بسیاری از دانشمندان قلمفرسایی کرده‌اند، هنوز بسیاری از زوایای آن ناشناخته مانده است[۱]. صاحب نظران بی غرضی باید در زمینه تاریخ اسلامی تفحص و تحقیق کنند و نتایج مطالعات خویش را در اختیار پژوهندگان حقیقت قرار دهند.

مسأله تاریخ و تاریخ نویسی در صدر اسلام حائز کمال اهمیت بوده است؛ اما متأسفانه در قرون معاصر ـ که دوران خواب آلودگی و عقب ماندگی مسلمانان به حساب آمده ـ کار عمده‌ای انجام نشده است[۲]. برعکس پاره‌ای از مستشرقان، که عمدتاً با انگیزه‌های نه صرفاً علمی و تحقیقی بلکه توأم با اغراض استعماری، در تاریخ اسلام، ایران و خاورمیانه به تحقیق پرداخته‌اند آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ به علاوه افرادی را از کشورهای تحت سلطه پرورش داده‌اند تا همگام با تفکر استشراق بر یافته‌های آنان صحه گذارند[۳].

---

* این مقاله نقدی است بر کتاب «مدخل تاریخ شرق اسلامی» نوشتهٔ ژان سواژه ترجمه خانم نوش‌آفرین انصاری (محقق) از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی که در مجله آئینه پژوهش ۲ (۲)، ۱۳۷۰ چاپ شده است.

باید توجه داشت که غرض ورزی مورخان اروپایی صرفاً ناشی از مخالفت با اسلام و مسلمانان نیست، بلکه تسویه حسابهای ملی و تحریک احساسات عامه برای مقاصد سیاسی نیز در آن نهفته است[4]. اما دشمنی با اسلام و پیامبر مکرم آن، خود جایگاه خاصی دارد و عناد و دشمنی به حدی رسیده بود که طی چند قرن اروپاییان را واداشت تا درباره محمد (ص) و اسلام، افسانه‌های مغرضانه بافتند که هیچ در خورد ذکر نیست[5].

«کمتر مسیحی با صداقتی در عصر اعتقاد می‌توانست با یک بی طرفی همراه با خونسردی به مردی مانند «پیامبر اسلام» بنگرد که مذهبش به دیده وی کاریکاتوری کفرآمیز از کیش خود او بوده وپیروان آن، مسیحیگری را در زادگاه ومرکز رشد آغازینش از میان برده بودند[6].

آنچه اروپاییان را از برخورد صحیح با وقایع تاریخی باز می‌دارد، تصور اروپایی او از تاریخ و تاریخ جهانی است و این تصور که تاریخ، فقط تاریخ اروپاست[7]. این تعصبات بی جا، به همراه دشمنی با اسلام، آن چنان کرده است که اروپاییان اگر چه آثار و تحقیقات ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته‌اند اما در عین ارزشمندی، لازم است مورد نقد و بررسی دقیق قرار گیرند تا مسلمانان ژرف اندیش و پژوهشگر، با استفاده از منابع اصیل و اسلامی، سره را از ناسره بازشناسند؛ زیرا غرض ورزی مستشرقین، با دیانت اسلام، کار را به جایی رسانده است که عده‌ای را متقاعد کرده که اصولاً کار مستشرق، بدون بغض با اسلام نوشته نشده است.

«همگی مستشرقین در ارتکاب این جنایت همدست و هم داستانند و تفاوت ایشان ـ اگر تفاوتی باشد ـ تنها در اندازه جنایت است چنانچه تعصب و دشمنی بعضی از ایشان درباره اسلام از دیگران بیشتر است ولی وصفی که بر همگی ایشان صدق می‌کند این است که ایشان به طور کلی از نظر اصولی دشمن اسلامند[8].»

کتاب «مدخل تاریخ شرق اسلامی» نوشته «ژان سواژه» بیش از دوهزار منبع خارجی را درباره شرق اسلامی معرفی کرده است که خود نشانگر ابعاد وسیع تحقیقات شرق شناسان و نیز بیانگر وسعت تحقیق و تتبع نویسنده آن است که در زمینه‌های مختلف تاریخ به معرفی منابع و مآخذ پرداخته است. نویسنده در سه بخش: منابع تاریخ اسلامی، ابزار تحقیق و آثار عمومی و کتابشناسی تاریخی و در ۲۵ فصل به مطالعه بخش وسیعی از جهان اسلام می‌پردازد، و ضمن بیان تاریخچه کوتاهی از سیرتحقیقات در آن زمینه به اظهار نظر پرداخته، منابع مختلفی را برای محققان ذکر می‌کند و در کیفیت آنها به داوری می‌نشیند.

آنچه در یک نگاه، محقق مسلمان، اعم از ایرانی و غیرایرانی را هشدار می‌دهد این است که در

اثر غفلت، چه بسیار منابع غنی و تاریخی، ناشناخته مانده، در حالی که مستشرقان به خوبی از کم و کیف آنها اطلاع پیدا کرده‌اند و جهت انجام مقاصد خویش مورد مطالعه و مداقه قرار داده‌اند. و نیز به جای اینکه مسلمانان خود در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی ـ به ویژه تاریخ ـ به تحقیق و تتبع بپردازند، ناچار، باید جیره خوار آنان باشند.

درباره اصل کتاب و عمق و محتوای آن و داوریهای نویسنده، گرچه می توان سخن گفت اما به لحاظ اینکه وی به عنوان یک محقق و کتابشناس، صرفاً منبع معرفی کرده ـ اگر چه در بسیاری از موارد درباره کیفیت منابع اظهارنظر نموده است ـ در این مقال سخنی نشاید گفت؛ به ویژه آنکه خود به اهمیت کار تحقیق و بی‌نظری و بی‌طرفی محقق عنایت دارد و در مقدمه کتاب به آن تصریح کرده است:

«در مطالعه تاریخ باید به صحت و دقت و مهمتر از همه به سنجش منتقدانه توجه داشت. مورخی که حاضر نیست آنچه راکه درستی آن مشخص نشده بپذیرد و یقین را با حدس نمی‌آمیزد الزاماً دارای دو مشخصه زیر است: عفت فکری و دید انتقادی نسبت به کار خویش و نسبت به حقیقت[۹]».

با عنایت به جمله فوق، آنچه قابل توجه است این است که به فرض اینکه تلاش نویسنده کتاب به عنوان یک تاریخ شناس اسلامی نسبت به آنچه را فهمیده است با حقیقتی که خود مدافع آن است، منطبق باشد، ولی آیا همه نویسندگانی که او معرفی کرده است با دیدی حقیقت جو و کاوشگر به مسائل تاریخ اسلامی نگریسته‌اند و از منابع دست اول تاریخی برای کشف حقیقت استفاده نموده‌اند، و او به عنوان یک منبع شناس تاریخ اسلامی در تبیین این مسأله چقدر تلاش نموده است[۱۰].

اما در مورد ترجمه کتاب، با اذعان بر روانی و رعایت اصول نقطه‌گذاری و مسائل کتابشناختی توسط مترجم، نکاتی قابل توجه است که به اختصار به ذکر آن می‌پردازم:

۱ ـ در واقع، مخاطبین عمومی ترجمه این کتابشناختی شرق اسلامی، علاوه بر محققان، عموم دانشجویان و علاقه‌مندان به مسائل تاریخی که آشنا به زبان خارجی نیستند هم هست؛ زیرا آن کس که به زبان بیگانه ـ به ویژه انگلیسی یا فرانسه ـ آشنا باشد خود می‌تواند از متن اصلی کتاب، به ویژه آن قسمت که اختصاصاً کتاب معرفی می‌کند، استفاده نماید. بنابراین بسیار بجا بود اگر اطلاعات بیشتری در زمینه‌های مختلف تاریخی درباره مطالب عرضه شده، چه در متن و یا به صورت زیرنویس یا اشکال دیگر، می‌آمد که خود می‌توانست بر غنا و اهمیت کتاب برای ناآشنایان به زبانهای خارجی و عموم کسانی که از متن ترجمه استفاده می‌کنند، بیفزاید. دست

کم، معرفی شخصیت نویسنده (ژان سواژه)، میزان مطالعات و تحقیقات او در زمینه مسائل اسلامی و خاورمیانه و نیز دیدگاهها و گرایشهای فکری و ذهنی او می‌توانست بسیار مفید باشد. این مطلب در مورد «کلودکاهن» که کار استاد خویش را تکمیل کرده است نیز صدق می‌کند. ناگفته نماند که نویسنده از شخصیتهای برجسته بوده و دو جلد کتاب تحت عنوان یادواره وی تألیف شده که مترجم محترم هم در پایان مقدمه آن را ذکر کرده است[11].

۲ ـ از ناشر این کتاب (مرکز نشر دانشگاهی) که مبعوث شورای عالی انقلاب فرهنگی است، انتظار می‌رفت که دست کم در مقدمه و یا با زیرنویسهای روشن کننده، خوانندگان و استفاده‌کنندگان از این منابع را به نحوی راهنمایی و ارشاد کنند. به ویژه آنکه این کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ با معیارهایی که دارند ـ به عنوان کتاب سال ۱۳۶۷ شناخته می‌شود، ممکن است گفته شود که این کتاب صرفاً یک کتاب مرجع است و کتابهای دیگر را جهت مطالعه محققان و پژوهشگران معرفی می‌کند، که با توجه به توضیحات بالا و ویژگیهای مترجم، ناشر، و انتخاب کننده آن به عنوان کتاب سال در جمهوری اسلامی، طبعاً این انتظار، انتظار بی جایی نیست و هرگز با روح آزاداندیشی و تحقیق ـ البته نه به آن معنا و مفهومی که مستشرقان در نظر داشته‌اند ـ منافات ندارد. بعلاوه همان گونه که گفته شد، نویسنده علاوه بر معرفی کتب، خود ابراز عقیده هم نموده است.

اینک جهت مزید اطلاع به بعضی از این نکات اشاره می‌شود:

در صفحه ۹۲ نویسنده در مورد دائرةالمعارف اسلام چنین می‌نویسد: «دائرةالمعارف اسلام در میان آثار مرجع در این زمینه از کلیه مراجع برتر است.»

گرچه نویسنده سخن بحقی گفته است و از وی هیچ گونه انتظاری نیست؛ اما از پژوهشگران مسلمان ایرانی انتظار می رفت که در پاورقیها به نکات هشدار دهنده اشاره می‌کردند تا موجب مزید استفاده خوانندگان فارسی زبان می‌گشت. در بخش اول طرح تدوین دائرةالمعارف تشیع، در مورد دائرةالمعارف اسلامی می‌نویسد:

«اکثر مقالات دائرةالمعارف اسلام به قلم مستشرقان غربی است اگر چه محققان و نویسندگان اسلامی نیز، بویژه در ویرایش دوم با این دائرةالمعارف همکاری داشته‌اند. دائرةالمعارف اسلام بی‌گمان اثری محققانه و ارزشمند و روشمند است ولی حسن آن نباید ما را گمراه کند و عیوب آن که اندک هم نیست بر ما پوشیده بماند. عیب و نقص این دائرةالمعارف بویژه آنجا که به دین اسلام و اصول اعتقادی آن ارتباط می‌یابد آشکارتر است و به شائبه غرض آلوده است. لغزشهای جزئی و کلی از انتخاب عناوین و تفصیل و

اجمال آنها تا صحت مطالب و ارقام و سنوات و اسامی و ارجاعات در سراسر دائرةالمعارف اسلام به چشم می‌خورد که از ضعف و نقص تحقیق حکایت می‌کند. اما نقص عمده این دائرةالمعارف نادیده گرفتن مذهب تشیع و ایران در آن است[۱۲]

و یا در کتاب طرح دائرةالمعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است:

«نقش غرض ورزیهای سیاسی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. برخی از خاورشناسان در خدمت وزارت مستعمرات کشور خویش قرار داشته‌اند و نوشته‌های آنان نیز از اغراض مستعمراتی خالی نبوده است. در سراپای دائرةالمعارف اسلام شواهد بسیاری که بر غرض ورزی دلالت دارد به چشم می‌خورد و هرچه آن را دقیقتر بررسی می‌کنیم، این شواهد آشکارتر و برجسته‌تر می‌گردد.[۱۳]

همان طور که ذکر شد، در این مقاله بر آن نیستیم که از نویسنده کتاب ـ که خود یک خاورشناس است ـ انتقادی کنیم و انتظاری داشته باشیم؛ بلکه سخن در این است که مترجم و یا ناشر می‌توانستند دست کم برای راهنمایی بیشتر مطالعه کنندگان این کتاب، که کتاب برگزیده سال در عصر جمهوری اسلامی است، آنان را به این نکته رهنمون سازند که خود بنگرند و غث و سمین را باز شناسند، وتذکر دهند که‌اگر چه غربیان دربسیاری از زمینه‌ها ـ از جهت شناخت تاریخ و جغرافیا ـ از ما جلوترند؛ اما این مطلب به این معنا نیست که آنان همواره از سرچشمه زلال حقایق بهره گرفته باشند و چه بسا به عمد یا به سهو، حقایق تاریخی راکتمان ویا تحریف نموده‌اند که باید از نو مورد مداقه قرار گیرد[۱۴].

البته از انصاف نباید گذشت که شخص نویسنده در بعضی موارد به پژوهندگان مورد خطاب خویش که طبعاً باید همکاران مستشرق و یا مورخ او باشند، توصیه کرده است که دست از تحقیق و تتبع برندارند. او درباره دائرةالمعارف اسلام چنین ادامه می‌دهد:

البته این اثر هر چند هم که استحقاق تعریف داشته باشد، با این حال باز هم نمی‌تواند به تنهایی پاسخگوی کلیه نیازها باشد. مراجع متعدد دیگری باید تدوین شود و هنوز برای اینکه این گونه آثار در دسترس قرار بگیرد دقت بیشتری لازم است[۱۵].

نمونه‌های دیگری هم وجود دارد که اگر چه ممکن است آن را صددرصد غرض‌آلود به حساب نیاوریم ولی دست کم ایجاز و اختصار آن و عدم توضیحات نویسنده و نیز مترجم و ناشر، آن را غرض‌آلود نموده است، از جمله:

در فصل پانزدهم در شرح حال حضرت محمد (ص)، نویسنده نظرات خویش را بیان می‌دارد و می‌گوید: «محمد (ص) برخلاف بیشتر بنیانگذاران ادیان از یک شخصیت تاریخی واقعی

برخوردار است ولی این به آن معنا نیست که از پیامبر شرح حال قابل اعتمادی در دست است[۱۶]». و یا در مورد پیامبر و قرآن چنین می‌گوید: «تحقیقات غربی در مورد آغاز اسلام تنها به شخصیت و آثار محمد (ص) محدود نشده است بلکه تأثیر مذاهب مجاور بر محمد (ص) نیز همواره مورد توجه بوده است! در مورد روابط محمد (ص) با یهودیان و تأثیر آنها بر او می‌توان به آثار زیر مراجعه کرد: «گایگر، آنچه محمد از یهود اختیار کرده است» و یا «در حال حاضر تحقیق درباره مطالبی که در قرآن کریم آمده است و دقیقاً از متون دیگر اقتباس شده است چندان مطرح نیست[۱۷]».

از آنجا که این کتاب به عنوان یک مرجع تاریخ اسلامی محسوب می‌شود و دائماً مورد رجوع پژوهشگران خواهد بود، چنانچه یک مقدمه جامع و مانعی با اشاره به همه ظرایف و لطایفی که در کار تحقیقات اسلام شناسی و خاورشناسی وجود دارد نوشته و متذکر می‌شد که پژوهشگران خود باید بدون هیچ گونه تعصبی در نوشته‌های مستشرقان ـ به ویژه آن قسمت از نوشته‌ها که در مسائل اسلامی است ـ تحقیق کنند، بسیار بجا و پسندیده بود. و یا دست کم همانند ویرایش جدید تاریخ تمدن ویل دورانت ـ که توسط سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی انجام گرفت ـ عمل می‌شد، که هم پانویس دارد و هم در آخر هر فصل، مترجمان و ویراستاران تذکرات لازم ولو مختصر را داده‌اند و اشتباهات نویسندگان را بازگو کرده‌اند.[۱۸]

۳ ـ نکته‌ای که حقاً از مترجم و یا ناشر محترم انتظار می رفت توجه به سوابق کار کتابشناختی در جهان اسلام و ایران به ویژه در زمینه تاریخ اسلامی است. البته از کتاب کتابشناختی تاریخ علوم اسلامی دکتر نصر که بگذریم ـ که در آن از کتاب ژان سواژه هم نام برده است[۱۹] ـ به کتاب پرارج «تاریخ ایران بعد از اسلام» آقای دکتر زرین کوب باید اشاره کرد که در بخش مقدماتی کتاب در ۱۷۱ صفحه بحث بسیار جالبی درباره مآخذ تاریخ اسلام دارد که در زمینه‌های مختلف برحسب موضوع، اظهارنظری دقیق نموده و منابعی را معرفی کرده است.

۴ ـ از آنجا که تألیف کتاب به بیش از ۲۰ سال قبل بر می‌گردد، مناسب بود که در پانویسها منابع جدید افزوده می‌شد و چنانچه درباره قوت و ضعف منابع اظهارنظری صورت نمی‌گیرد ـ که طبعاً کار مشکل و وقت گیری است ـ ذکر اینکه کدامیک از کتابها به فارسی یا احیاناً عربی ترجمه شده است، می‌توانست خدمتی دیگر به عالم پژوهش باشد.

امید است که پژوهشگران به ویژه در زمینه علوم تاریخ و تاریخ اسلامی به این مهم دست یازند و نه تنها به نقد آثار غربیان و مستشرقان که با معرفی مورخان گذشته اسلامی و اضافه نمودن منابع تازه، برغنای این کتاب بیفزایند.

۵ ـ با آنکه نویسنده در همه مسائل اظهارنظر می‌کند وبه معرفی منابع می‌پردازد و از شخصیتهای اسلامی نام می‌برد؛ اما گویی نوعی گزینش انجام داده است که منطق آن بر ما کاملاً روشن نیست، چرا که فی المثل در بحث حدیث اهل تسنن فقط به ذکر صحیح بخاری اکتفا می‌کند، و یا از شخصیتهای بزرگی در عالم اسلام و تشیع چون: ابن ابی الحدید، نجاشی، شیخ طوسی، خواجه نصیرطوسی، علامه مجلسی، امین العاملی و .... نامی نمی‌برد، و نیز از نویسنده معروف انگلیسی به نام «جان دیون پورت» صاحب کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» که توسط مرحوم غلامرضا سعیدی ترجمه شده است یادی نمی‌کند. و نیز ازگوستاولوبون، ولتر و توماس کارلایل و دیگران نامی برده نشده است.

و اما از دیدگاه کتابشناختی و صفحه‌آرایی با عنایت به اینکه مترجم محترم در علوم کتابداری صاحبنظر است تذکرات زیر به نظر این جانب ضروری می‌رسد:

۱. از آنجا که حدود ۱۴۷ صفحه کتاب صرفاً به معرفی فهرست کتاب به زبانهای اروپایی اختصاص یافته است و حدود ۲۱۸۸ مدخل در این باره است که این تعداد صفحه نسبت به کل صفحات متن چیزی حدود $\frac{۱}{۳}$ یعنی $\frac{۱۴۷}{۳۷۳}$ و نسبت به کل متن بیش از $\frac{۱}{۳}$ یعنی $\frac{۱۴۷}{۴۳۲}$ و نسبت به متن ترجمه شده به فارسی چیزی کمتر از $\frac{۱}{۲}$ یعنی $\frac{۱۴۷}{۲۸۵}$ است؛ بهتر بود که فهرست پایان هر فصل با حروفی ریزتر و در دو ستون و صرفاً آغاز مدخل و تاریخ نشر ذکر می‌شد. در عوض در پایان کتاب مجموعه کامل کتابشناسی همه کتابها به ترتیب الفبایی نویسنده و یا عنوان کتابها می‌آمد تا علاقه‌مندان سریعتر بتوانند کتابها را پیدا کنند. و نام کتابهای تکراری هم فقط یک بار می‌آمد.

۲. ذکر تاریخ طبع کتابها در متن فارسی، اگر چه بی ضرر است اما از آنجا که پژوهنده فارسی زبان ما، احتمالاً به دنبال کشف تاریخ تألیف کتابهای ذکر شده نیست و نویسنده هم سیر تاریخی و توالی انتشار را در مد نظر نداشته است و به علاوه این تاریخ نشر در پایان هر فصل آمده است، بهتر بود که ذکر آن به یکی از دوجا، اکتفا می‌شد.

۳. از آنجا که نام بسیاری از کتابهای عربی و احیاناً فارسی، در ترجمه آورده شده و نیز عناوین همه کتابها ـ چه آنهایی که ترجمه شد و چه آنهاکه ترجمه نشده است ـ به فارسی برگردانده شده؛ بسیار بجا بود که در پایان کتاب، فهرست عناوین فارسی می‌آمد و تفکیکهای احتمالی نسبی بر آنچه به عربی و یا به فارسی ترجمه شده و یا عناوینی که مترجم برگزیده است صورت می‌گرفت، تا بر غنای کتاب افزوده می‌شد.

۴. فهرست اعلامی که در پایان آمده است کامل نیست و نواقصی در آن مشاهده می‌شود؛ مثلاً اگر کسی به دنبال «طولونیان» «حسن باسر» و یا «کارره» باشد، از روی فهرست نمی‌تواند آنها

را پیدا کنند.

سهوالقلمهای دیگری هم هست از جمله «محمدجواد مشکور» در فهرست «محمدجعفر مشکور» آمده و یا «واسیلیو» در فهرست دربعضی صفحات «واسیلیوف» در جای دیگر «واسیلیو» چاپ شده است و یا «فیلیپ حتی» در فهرست اعلام «فیلیپ پ، ک» آمده که متناسب فهرست اعلام انگلیسی است.

۵. در نظام ارجاعی آخر کتاب اگر دقت بیشتری شود جا دارد. در حالی که «جرجی زیدان» و «طه حسین» که به همین صورت بیشتر مشهورند به زیدان، جرجی، و حسین، طه ارجاع داده شد، بی مورد نبود اگر از معری، ابوالعلاء و اصفهانی، ابوالفرج و... ارجاعاتی صورت می‌گرفت.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ مدخل تاریخ شرق اسلامی. ژان سواژه. ص ۹۲. مراجع متعدد دیگری باید تدوین شود و هنوز برای اینکه این گونه آثار در دسترس قرار گیرد دقت بیشتری لازم است.

۲ ـ تاریخ ایران بعد از اسلام. عبدالحسین زرین کوب. ص ۸، کثرت تألیفات مورخان قرن دوم و سوم مایه حیرت است.

۳ ـ نشریه حوزه، ۲۹ دی و آذر ۶۷ تاریخنگاری استعماری، تاریخنگاری را در عصر جدید دو نوع می‌شمارد: تاریخنگاری استعماری محلی و تاریخنگاری استعماری خارجی که آن را مساوی استشراق می‌داند و در نوع اول آن هدف استعمار پرورش عده‌ای دیلماج و مداحان بی‌شخصیت و هویت بوده است و نیز نقد حال آقای مهاجرانی در اطلاعات ۲۹/ ۱۱/ ۶۷.

۴ ـ تاریخ در ترازو، درباره تاریخنگری و تاریخنگاری. عبدالحسین زرین کوب. ص ۱۰۳: در تمام اروپا، تعدادی تاریخنویسان پیدا شدند که تاریخ را وسیله‌ای شناختند جهت تسویه حسابهای ملی یا تحریک احساسات عامه برای مقاصد سیاسی...

۵ ـ همان، ص ۲۳: طی چند قرن اروپاییها را واداشت تا درباره محمد (ص) و اسلام، افسانه‌های مغرضانه بافتند که هیچ در خور ذکر نیست، بسیاری از مورخان اروپا، هرجا در میان احوال محمد (ص) به تأویل یا تفسیری دست یابند که متضمن ایراد یا اعتراض بر وی باشد آن را بر هر تأویل دیگر ترجیح می‌دهند.

۶ ـ نخستین رویارو‌ییهای اندیشه گران ایران، دکتر حائری، ص ۵۳.

۷ ـ تاریخ در ترازو. عبدالحسین زرین کوب. ص ۲۷: اما ذکر این نکته هم در اینجا لازم است که آنچه مورخ

امروز اروپایی را از نیل به یک ارزیابی بالنسبه عینی درباره تاریخ جهانی باز می‌دارد شاید نیز تصور اروپایی است از تاریخ ـ از تاریخ جهانی... تصوری که در تاریخ جهانی دارد بر این فرض مبتنی است که فقط شامل تاریخ اروپاست.

۸ ـ محاکمه گلدزیهر صهیونیست. محمدغزالی. ترجمه صدربلاغی ص ۱۴.

۹ ـ مدخل تاریخ شرق اسلامی، ژان سواژه، ص ۳.

۱۰ ـ یادنامه علامه امینی، ص ۴، ۵ به نقل از امام الصادق والمذاهب الاربعه: به گفته مصطفی السابعی مستشرقین مآخذ خویش را خودسرانه انتخاب می‌کنند، مثلاً کتب ادبی را در فن «تاریخ حدیث» سند قرار می‌دهند و کتب تاریخ را مآخذ فقه به حساب می‌آورند و چیزی راکه «دمیری» در «حیاة الحیوان» نقل کرده است صحیح قلمداد می‌کنند. در حالی که مطلبی راکه مالک در «الموطا» آورده است تکذیب می‌نمایند.

۱۱ ـ المستشرقون، نجیب‌العقیقی ص ۹ ـ ۲۶۷.

۱۲ ـ طرح دائرة‌المعارف تشیع، ص ۳۰ و نیز یادنامه علامه امینی، ص ۵ ـ ۵۰۴: و نیز در این میان، زبان شیعه، از دیگر فرقه‌های اسلامی بسی بیشتر است، زیرا در مورد شیعه، مآخذ موثق چندانی در اختیار محققان بیگانه نیست، چنانکه ادواردبراون می‌گوید: هنوز در هیچیک از زبانهای اروپایی، تألیف مشروح و کافی و قابل وثوق درباره مذهب شیعه نداریم و با این وصف همواره درباره شیعه نظر داده شده است و مسائل ابطال شده‌ای مانند مسأله عبدالله سبا را همواره به رخ کشیده‌اند.

۱۳ ـ طرح دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۳۸.

۱۴ ـ همان، ص ۳۶.

۱۵ ـ مدخل تاریخ شرق اسلامی، ص ۹۲.

۱۶ ـ همان، ص ۱۹۷.

۱۷ ـ همان، ص ۲۰۲.

۱۸ ـ تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۴، ص ۲۲۲ ـ ۲۴۰.

۱۹ ـ تاریخ علوم اسلامی، حسین نصر.

۲۸

موضع شیعه در برابر حملات (فرهنگی) دشمن و خلاصه‌ای از کتاب عبقات‌الانوار*

مبارزه فکری پیرامون خلافت علی ـ علیه‌السلام ـ و شایستگی وی برای این منصب از زمان صحابه آغاز شد. از نمونه‌های آن می‌توان به مباحثات بین عمروابن‌عباس اشاره کرد[1] آنگاه این مبارزه شکل سیاسی به خود گرفت و به سرعت به سمت خونریزی، قتال، تعقیب و طرد شیعه علی ـ علیه‌السلام ـ و یاران او تبدیل شد. این امر از زمان معاویه و حکومت اموی شروع شد، و تا قرن پنجم و حکومت سلجوقی ادامه داشت. در اینجا به دو نمونه از این گونه رفتار در زمان حکومت‌های اموی و سلجوقی اشاره می‌کنیم:

---

* این مقاله نوشته سید عبدالعزیز طباطبایی است که در نشریه تراثنا، محرم ۱۴۰۷، شماره ۶ چاپ شده است. در ضمن ترجمه مقاله توسط آقای عبدالحسین طالعی ویرایش شده است که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

به گفتهٔ مدائنی در کتاب احداث، معاویه به عمال و کارگزاران خویش بخشنامه‌ای فرستاد که در آن چنین آمده بود: بنگرید هر جا دلیلی اقامه شد که شخصی علی و اهل بیت او را دوست دارد نام او را از دیوان بزدایید و عطا و حقوق او را قطع نمایید. در نامه‌ای دیگر چنین گفته است: هر کس را به دوستی این قوم (علی و آل او) متهم نمودید، سخت او را مجازات و خانه‌اش را خراب کنید....[۲]

و اما در زمان حکومت سلجوقی و حتی قبل از آن در همین قرن، خونریزیهای فراوان و نزاعهای قومی هر سال در بغداد تکرار می‌شد. این امر بخصوص در ماههای محرم و صفر بیشتر بود، زیرا در این دو ماه شیعه مجالس عزا برای حسین‌بن‌علی ـ علیه‌السلام ـ برپا می‌کرد و پیروان آل ابی سفیان غوغا به راه می‌انداختند و با کشتن و آتش زدن و غارت کردن بر آنان می‌تاختند. برای اطلاع بیشتر به منتظم ابن‌جوزی، کامل ابن اثیر، عیون‌التواریخ ابن‌شاکر، مرات‌الزمان سبط ابن جوزی، تاریخ‌الاسلام ذهبی، والنهایه ابن کثیر و دیگر منابع تاریخی که این حوادث خونبار را به ترتیب سنوات بیان کرده، می‌توان مراجعه نمود.

در بعضی از این سالها، حتی این حوادث غمبار از زندگان تجاوز می‌کرد و به عداوت با اموات و قبور آنان می‌انجامید و از دشمنی با شیعیان، به دشمنی با ائمه ـ علیهم‌السلام ـ کشیده می‌شد.

سبط ابن جوزی در حوادث سال ۱۴۴۳ هجری بعد از بیان صحنه‌های خونبار و شنیع و زشت، چنین می‌گوید: «و جماعتی به سوی قبر [امام] موسی‌بن‌جعفر ـ رضی‌الله عنهما ـ آمدند، آن حرم را غارت کردند، آنچه در آن بود بردند، جماعتی را از قبورشان خارج کردند و آتش زدند، همچون عونی شاعر و ناشی و حدوجی، در ضریح موسی و محمد آتش انداختند، ضریح‌ها و قبه‌های از جنس درخت ساج را سوختند، و ضریح موسی راکندند تا جسد او را بیرون آوردند و در کنار امام احمدبن‌حنبل دفن کنند»[۳].

سوزاندن حرم دو امام ـ امام کاظم و امام جواد علیهما‌السلام ـ در سال ۴۴۸ هجری نیز تکرار شد. در مرآت‌الزمان چنین آمده است: در ماه صفر به خانه ابوجعفر طوسی فقیه شیعه در کرخ ریختند و آنچه کتاب و غیر آن بود به غارت بردند، از آن جمله کرسی که وی بر آن به هنگام تدریس می‌نشست و منجوق‌های سفیدی که زائران کرخی به هنگام زیارت مشهدین با خود حمل می‌نمودند، همه را در بازار کرخ جمع نمودند و آتش زدند...

در آغاز ماه ربیع‌الاخر، زهری، ابن بدن و جماعتی از اهل باب بصره و حربیه و نهر طابق و درب‌الشعیر و علایین قصد مشهد موسی‌بن‌جعفر را نمودند در حالی که قصایدی درباره حریق بارگاه همراه داشتند. آنان به قبور، حمله کردند و هر عمل زشتی را انجام دادند و علویون را از آنجا منتقل کردند که در آن جز قلیلی باقی نماند. پاره‌ای از آن قصاید چنین است:

یـا مـوقدالنـیران فـی المشـهد	بـورک فـی کـفّیک مـن مـرقد
ای آتش افـــروز در مشـــهد	دستهایت مبارک باد از این آتش

تا آخر قصیده قصیده دیگری:

«ســـل دارســـات الطـــلول (از تـــپه‌های خـــراب بـــپرس)

کم بینها من قتیل» (که چه مقدار کشته‌ها در بین آنها خوابیده است).

وی می‌گوید:در هشتم ربیع‌الاخر، زهری و ابن بدن و جماعتی به مشهد بازگشتند و ضریح موسی‌بن‌جعفر و امام جواد و بقیه قبور را برافراشتند و مردی بر بالای ضریح امام رفت و گفت: ای موسی بن‌جعفر! اگر آن دو خلیفه را دوست داری پس خدا ترا رحمت کند و اگر دشمنشان داری پس...

فرد دیگری بر بالای مشهد رفت و آن را لگدکوب کرد. گویند از آن پس قدمهایش ورم کرد...

ما باز می‌گردیم و می‌گوییم آنان به گفتهٔ شاعر:

فـــی قـتله فـتتبعوه رمـیما	اسفوا علی ان لایکونوا شارکو

در اینجا بنا نداریم که این مبارزه غیر انسانی را کلاً بازگو کنیم فقط بدان اشاره نـمودیم تـا روشن شود که یأس از غلبه فکری، فرد را به چه روزی می‌اندازد...

آری، در نیمه اول قرن سوم هجری کتاب عثمانیه جاحظ تألیف شد که در آن به شیعه حمله و ضروریات انکار می‌شود و بدیهیات به زیر سؤال می‌رود مانند اینکه شجاعت علی‌بن‌ابی‌طالب ـ علیه السلام ـ را انکار می کنند. مسعودی در مروج‌الذهب خود ۳:۲۷۳ چنین می‌گوید: غرض آنان از این کار نابودی حق و ضدیت با اهل آن بود و خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران نخواهند.

پس از آن به سرعت ردیه‌های فراوانی بر جاحظ نوشته شد و حتی گروههایی از غیر شیعه و از کسانی که هم مشرب جاحظ بودند بر آن نقض‌هایی نوشتند. حتی جاحظ خود را نقض کرد زیرا او یک نویسنده [مزدور] بی‌هدف بود که برای اغراض خاصی در برابر مزدی معین استخدام

شده بود؛ پس امروز چیزی می‌نوشت و فردا خلاف آن را ذکر می‌کرد.

و شاید اولین کتابی که در رد کتاب جاحظ نوشته شد کتاب خود جاحظ «الرد علی‌العثمانیه» است که ابن ندیم آن را در الفهرست خود ص ۲۱۰ ذکر کرده و این غیر از کتاب دیگر او است که «فضل هاشم علی عبدشمس» نام دارد[۴].

به مجرد انتشار کتاب عثمانیه، ردیه‌های فراوانی در زمان حیات جاحظ از گوشه و کنار و از بین طوایف مسلمان بر آن نوشته شد. علاوه بر آنچه گفته شد، کتابهای دیگر عبارتند از:

۲. نقض‌العثمانیه از ابوجعفر اسکافی بغدادی معتزلی (متوفی ۲۴۰ هجری).
ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه آن را آورده است و مستقلاً در مصر همراه با کتاب عثمانیه چاپ شده است.

۳. نقض‌العثمانیه از ابوعیسی الوراق محمدبن هارون البغدادی (در گذشته سال ۲۴۷ هجری)

۴. نقض‌العثمانیه از ابومحمد ثبیت بن محمد عسگری صاحب کتاب تولیدات بنی امیه فی‌الحدیث بنگرید به: نجاشی ـ رقم ۲۲۹. الذریعه ۲۴:۲۸۸.

۵. نقض‌العثمانیه از حسن بن موسی نوبختی که مسعودی آن را در مروج‌الذهب ۳:۲۳۸ ذکر کرده است.

۶. الرد علی‌العثمانیه از ابوالاحوص مصری متکلم (الذریعه ۱۰:۲۱۱).

۷. نقض‌العثمانیه از مسعودی مؤلف مروج‌الذهب که در جلد دوم آن ص ۳۳۸ گفته است: «و هر آینه گفتار جاحظ را که از کتاب‌های او مانند کتاب عثمانیه و غیر آن آوردم نقض کردم و جماعتی از متکلمین شیعه نیز او را نقض کرده‌اند و ... معتزله کتاب عثمانیه را نقض می‌کنند».

۸. نقض‌العثمانیه از مظفربن محمدبن احمد ابی الجیش بلخی متکلم که در سال ۳۶۷ هجری در گذشته است (نجاشی، رقم ۱۱۲۸، الذریعه، ۲۴:۲۸۹).

۹.نقض‌العثمانیه از ابوالفضل اسدبن علی بن عبدالله غسانی حلبی (۵۳۴ ـ ۴۸۵ ق.) عموی پدر ابن‌ابی طی حلبی (لسان المیزان ۱:۳۸۳).

۱۰. بناءالمقالةالفاطمیه (العلویه) فی‌الرد علی‌العثمانیه از سید بن طاووس داوود جمال‌الدین ابوالفضائل احمدبن موسی حسنی حلّی درگذشته سال ۶۷۳ ق.

نسخه‌ای از آن که در زمان حیات او به خط شاگردش ابن داوود صاحب الرجال نوشته شده و از آن در شوال سال ۶۶۵ ق. فارغ گشته است در کتابخانه اوقاف بغداد به شماره ۶۷۷۷ وجود

دارد. و از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران میکروفیلمی به شمارهٔ ۹۷۶ موجود است (فهرست میکروفیلمها ۱:۲۹۱) و نسخه‌ای از آن در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به شماره (۷۰ د)است که در سال ۱۰۹۱ ق نوشته شده و در فهرست آن ص ۲۶۱ ذکر شده است. و تصویری از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره فیلم ۱۳۷۵ (فهرست میکروفیلمها ۱:۲۹۱) موجود است. نسخه‌ای دیگر از آن در کتابخانه عمومی آیةالله حکیم در نجف اشرف تحت شماره ۴۶۲ است که در سال ۱۳۴۷ ق. نوشته شده است و دارالفکر اردنی در عمان در سال ۱۴۰۵ ق. آن را در دو جلد با تحقیق دکتر ابراهیم سامرایی چاپ نموده است.

علامه سید علی عدنانی نیز آن را تحقیق نموده و به زودی ـ ان‌شاءالله - آن را برای چاپ عرضه خواهد نمود* این مبارزه فکری و جنگ سرد بین گروههای متخاصم همچنان وجود داشته است، هر چند در بعضی موارد نمونه‌های جنگ و خونریزی دیده می‌شود.

موضع شیعه در این چهار قرن، موضع دفاع و جلوگیری از هجوم مخالفان بوده است. هر زمان کتابی علیه شیعه نوشته می‌شد، شیعه کتابهایی در پاسخ آن، برای دفاع از اصول و آرمان تشیع می‌نوشت.

ما از هر قرن، تنها یک نمونه می‌آوریم زیراکه مجال ذکر بیشتر از آن نیست. بحث درباره کل آنها حاوی چندین مجله خواهد شد. اگر بخواهیم نمونه‌هایی راکه در قرن حاضر نوشته شده گرد آوریم، خود یک مجلد خواهد شد، همچنان که اخیراً در پاکستان تنها حدود ۲۰۰ کتاب بر علیه شیعه نوشته شده است والی‌الله المشتکی.

قرن ۶

یکی از حنفی‌های ری از بنو مشاط که ترسیده است نام خویش را ذکر کند، کتابی تحت عنوان بعض فضائح الروافض نوشته که در آن به شیعه حمله نموده و نسبتهای ناروایی به آنان داده

---

* علامه سید علی عدنانی، در مقاله‌ای تحت عنوان «حول تحقیق کتاب بناء المقالة الفاطمیة فی نقض الرسالة العثمانیه» (در مجله تراثنا شمارهٔ ۱۳، سال ۱۴۰۸، ص ۷ ـ ۳۰)، به نقد تحقیق سامرایی پرداخته و ضرورت تصحیح مجدّد آن را نشان داده است. کتاب با تصحیح عدنانی منتشر شده است. (قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث ۲ ـ (ویراستار).

است. تصیرالدین عبدالجلیل قزوینی رازی که معاصر وی بوده است کتابی در رد آن نوشته و آن را بعض مثالب النواصب نامیده است که در آن همه اتهامات او را جواب گفته و گفته‌های خلاف او را تکذیب نموده. این کتاب به اسم نقض مشهور است و با تحقیق مرحوم علامه محدث ارموی رحمه‌الله دو بار چاپ شده است. و از آن یک نسخه خطی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که در قرن هشتم نوشته شده است.

قرن ۷

در این قرن مردم گرفتار حمله مغول شدند و این بلیه همه را به خود مشغول داشت.

قرن ۸

در این قرن، ابن تیمیه ظاهر می‌شود و با همه مذاهب به معارضه بر می‌خیزد. بزرگان عصر، او را تکفیر می‌کنند. او به خصوص در مورد شیعه کتاب منهاج‌السنه را می‌نویسد و با جهل و انحراف و بغض نسبت به علی ـ علیه‌السلام ـ در آن کتاب استدلالاتی دارد و این خود آیت و علامت نفاق است.

یکی از معاصران او در رد بر او کتابی نوشته و آنرا الانصاف والانتصاف لاهل‌الحق من‌الاسراف نامیده که تألیف آن در سال ۷۵۷ ق. تمام شده است. نسخه عصر مؤلف در کتابخانه آستان قدس رضوی تحت شماره ۵۶۴۳ در مشهد موجود است. و نسخه دیگری در کتابخانه ملی به شماره ۴۸۵ ع و نسخه دیگری در کتابخانه دانشکده حقوق تهران به شماره ۱۳۰ ج موجود است.

قرن ۹

یوسف بن مخزوم اعور واسطی در این قرن کتابی نوشته و در آن به شیعه حمله کرده است. سخاوی در ضوءاللامع ۱۰:۳۳۸ او را چنین توصیف کرده است: یوسف الجمال ابوالمحاسن الواسطی الشافعی شاگرد نجم السکاکینی....

ما از وی تألیفی به نام الرساله‌المعارضه فی‌الرد علی‌الرافضة دیده‌ایم.

شیخ نجم‌الدین خضربن محمد حبلرودی[5] در سال ۸۳۹ ق. در حلّه کتابی در رد آن به نام التوضیح‌الانور بالحجج‌الواردة لدفع شبه‌الاعور[6] نوشته است.

پس از آن در سال ۸۴۰ ق. باز در حله شیخ عزالدین حسن بن شمس‌الدین محمدبن علی مهلّبی حلّی به امر شیخ جمال‌الدین ابن فهد کتابی در رد اعور نوشته و آن را الانوار البدریة فی کشف شبه‌القدریه[۷] نامیده است.

قرن ۱۰

در این قرن، ابن حجر هیتمی (درگذشته سال ۹۷۳ ق.) در سال ۹۵۰ کتابی به نام الصواعق المحرقه در مکه مکرمه نوشته است که ـ به گفتهٔ خودش در خطبهٔ کتاب ـ کثرت افراد شیعه آن در دیار مقدس، او را به نگارش این کتاب وا داشته است.

پس از آن قاضی نورالله شوشتری در هندوستان (شهید در سال ۱۰۱۹ ق.) کتابی به نام الصوارم المهرقه در رد او نوشته است و این کتاب در ایران در سال ۱۳۶۷ ق. چاپ شده و اخیراً به صورت افست تجدید چاپ شده است.

در کشور یمن، احمدبن محمدبن لقمان درگذشته سال ۱۰۲۹ ق. کتابی به نام البحارالمغرقه در رد آن نوشته که شوکانی در بدرالطالع ۱:۱۱۸ از آن نام می‌برد.

قرن ۱۱

سلطان مراد چهارم، سلطان عثمانی (۱۰۳۲ ـ ۱۰۴۹ ق.) به عراق طمع می‌کند که در این زمان تحت حکومت صفویه است. از این رو، تصمیم به جنگ با ایران می‌گیرد اما می‌داند با دولت صفوی نمی‌تواند بجنگد پس به دنبال دستاویزی از تعصبات و تحریکات قومی می‌گردد، از علماء سوء درباری کمک می‌گیرد تا به جواز جنگ داخلی بین مسلمانان و اباحه ریختن خونهای محرم و قتل نفوس محترم فتوا دهند. اما کسی از آنان به جز جوانی[۸] که او را نوح افندی می خواندند جرأت چنین کاری را نکرد. او از بازماندگان منافقین و منادیان تفرقه بود، که به طمع دنیا و مناصب آن بر حسب میل واراده سلطان عمل نمود، دینش را به دنیای غیر فروخت، به تکفیر شیعه فتوا داد و چنین گفت: هر کس یک رافضی را بکشد بهشت بر او واجب می‌شود!!

همین فتوا سبب شد که دهها هزار مسلمان کشته شود و آسیای جنگ، مسلمانان را از دو طرف در حدود هفت ماه خرد کند. جنگ از ۱۷ رجب سال ۱۰۴۸ تا ۲۳ محرم ۱۰۴۹ (مطابق با ۱۶۳۸/۱۱/۱۵ ـ ۱۶۳۹/۵/۱۷ میلادی) ادامه می‌یابد که در این تاریخ، پیمان صلح در شهر قصر

شیرین منعقد می‌شود و جنگ خاتمه می‌یابد.

اما همین که آتش جنگ خاموش می‌شد شعله‌های فتنه برای قلع و قمع شیعه در محدوده حکومت عثمانی با استناد به این فتوا افروخته می‌گشت. شمشیر در هر جایی شیعیان را می‌کشت. زشت‌ترین مسلخ شیعیان شهر حلب بود که در این شهر شدیدترین ابتلاء و بزرگترین مصیبت بر شیعیان وارد شد زیرا شهر حلب از زمان حمدانیان، یکی از مراکز شیعه بود. آنان برای قتل و غارت و اسارت و نفی بلد شیعیان با شمشیر حمله کردند. و از شیعیان جز تعدادی که به قریه‌ها و اطراف پناهنده شدند باقی نماند.

متن فتوای این مزدور، به زبان عربی درکتاب العقود الدریه فی تنقیح الفتاوی الحامدیه جزء اول به ص ۱۰۲ درج شده[۹] که در آن آمده است:

«آن کس که در کفر و الحاد آنان [شیعه] و وجوب کارزار با ایشان و جواز کشتن‌شان تردیدی به خود راه دهد، مانند آنان کافر است!...» تا اینکه در ص ۱۰۳ می‌گوید: «پس واجب است کشتن این اشرار کفار، چه توبه کنند و چه توبه نکنند... و جایز نیست عدم کشتن آنها در ازاء اخذ جزیه و نه با امان موقت و یا غیر موقت... و جائز است زنان آنان به کنیزی گرفته شود زیراکه استرقاق مرتدین بعد از آنکه به دارالحرب ملحق شدند جایز است و هر آن کس که از ولایت امام حق خارج شود به منزله دارالحرب است و جایز است بنده ساختن فرزندان آنها به تبع مادرانشان».

می‌گویم: بزرگ است کلمه‌ای که از دهانهایشان خارج می‌شود، آنان جز دروغ نمی‌گویند. نزدیک است آسمانها از هم بپاشد و زمین پاره پاره شود و کوه‌ها خرد گردد پس «اناالله و انا الیه راجعون»... خدا می‌داند که در سایه این فتوا چه خونهای محرمی که ریخته شد و چه نفوس محترمی که کشته شدند. تنها در مسلخ شهر حلب چهل هزار شیعه کشته شد، که در بین آنها هزاران نفر از ذریّه رسول خدا بودند.

سید شرف‌الدین علی بن حجةالله شولستانی ـ از علماء نجف اشرف در آن زمان ـ این فتوا را به ایران فرستاد تا برای جلوگیری از این کشتارها فکری شود.

شیخ عزالدین علی نقی طغایی کمری، قاضی شیراز و شیخ الاسلام اصفهان، درگذشته سال ۱۰۶۰ ق. این کار را به عهده گرفت. وی در رد او و تکذیب خیالات و ابطال افتراهای او، کتاب جامعی به نام الجامع الصفوی نوشت.[۱۰]

همچنان که علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین، فصل نهم از کتاب ارزشمند خویش به نام

الفصول‌المهمه فی تألیف‌الامه را به این فتوا و رد جمله جمله آن اختصاص داده است.
و نیز ردّیهٔ کافی و جواب شافی این فتوای شوم را در [بخش چاپ نشدهٔ] کتاب شریف الغدیر علامه امینی ـ رحمةالله علیه ـ می‌یابیم.

قرن ۱۲

در این قرن کتابی در هجوم به شیعه به نام صواعق موبقه از شخصی به نام نصرالله کابلی نوشته می‌شود. از این شخص ناشناخته در کتب تراجم خبری نیست همچنان که کسی نیافتم که به کلمات او بها دهد که به آنها پاسخ گوید.

لو کل کلب عوی القمته حجراً   لا صبح الصخر مثقالاً بدینار

و شاید با ردیه‌های فراوانی که بر کتاب تحفه اثنی‌عشریه نوشته شده علمای ما نیازی به این ندیدند که بر آن هم ردیه‌ای بنویسند، زیرا گفته می‌شود که کتاب تحفه اثنی‌عشریه ترجمه و سرقتی از کتاب او بوده است.

قرن ۱۳

بسا خلاف و اختلاف که میان شیعیان و اهل سنت بر امر خلافت دور می‌زد و در قرون گذشته مبارزه فکری عمدتاً حول این محور جریان داشت.

ولی در این قرن، مولوی عبدالعزیز دهلوی ظهور می‌کند و تلاش در توسعه اختلاف می‌نماید و آن را به جوانب و اطراف تسری می‌دهد. وی در تهاجمش به شیعه تنها به مبحث امامت و خلافت ـ مانند گذشتگان ـ اکتفا نمی‌کند بلکه اختلاف بین دو طائفه را از امامت به نبوت و از آنجا به الهیات و معاد و اختلافات فقهی و غیر آن می‌کشاند. وی در این زمینه کتاب تحفه اثنی‌عشریه را در ۱۲ باب به این ترتیب می‌نویسد:

باب اول در تاریخ شیعه و فرقه‌های آن
باب دوم در مکاید شیعه (!)
باب سوم در گذشتگان و کتاب‌های ایشان
باب چهارم در راویان شیعه و اخبار آنان
باب پنجم در الهیات

باب ششم در نبوت

باب هفتم در امامت

باب هشتم در معاد

باب نهم در مسائل فقهیه

باب دهم در مطاعن

باب یازدهم در خواص سه‌گانه (اوهام و تعصبات و لغزشها)

باب دوازدهم در تولی و تبری

همچنان که گفته شد شخص ناشناس مانند او به نام نصرالله کابلی کتابی نوشت که سعی در توسعه اختلاف و تسری آن به همه ابعاد داشت و آن را صواعق الموبقه نامید که در آن به همه این ابواب پرداخته است، به گونه‌ای که اهل نظر، کتاب تحفه اثنی‌عشریه را ترجمه و یا سرقتی از آن به حساب می‌آوردند.

پس از انتشار کتاب تحفه اثنی‌عشریه سیل ردیه‌ها از هر طرف نوشته شد و بزرگان طایفه و دلاوران میدان علم و دین برای دفاع از حق و اعلاء کلمةالله و حفظ دین، اباطیل او را رد کردند و تمویهات او را کلاً و یا به تفصیل ابطال نمودند.

برخی از آنان کل کتاب را نقض نمودند و عده‌ای دیگر بر یک باب و یا بیشتر از یک باب آن ردیه نوشتند.

و اما از گروه اول:

۱. شیخ جمال‌الدین ابواحمد میرزا محمدبن عبدالنبی‌بن عبدالصانع نیشابوری هندی اکبرآبادی اخباری (مقتول ۱۲۳۲ قمری)

وی در علوم مختلف تبحر داشته است و کتب زیادی نوشته است از جمله کتابی که بر رد کل کتاب تحفه اثنی‌عشریه نوشته و آن را «سیف‌الله المسلول علی مخربی دین الرسول» نامیده و به الصارم‌التبار لقدّالفجار و قطّ‌الاشرار والکفار لقب داده و در شش مجلد بزرگ تدوین نموده است.

الذریعه ۱۰:۱۹۰ و ۱۲:۲۸۸ و ۱۵:۳، اعلام زرکلی ۶:۲۵۱ و معجم‌المؤلفین ۹:۳۱ و اعیان‌الشیعه ۹:۳۲۹

۲.میرزامحمدبن عنایت احمدخان کشمیری دهلوی ملقب به کامل، مشهور به علامه، مقیم

لکهنو (درگذشته سال ۱۲۳۵ ق).
اعجاز حسین کنتوری درباره زندگی او کتابی نوشته و در دو کتابش شذورالعقیان و کشف‌الحجب ص ۵۷۹ او را وصف کرده است. چنانچه شرح حال مفصلّی از او درکتاب نجوم‌السماء، ص ۳۵۲ - ۳۶۲ آمده است.
مشهورترین و بهترین کتاب او، نزهة‌الاثنی‌عشریه فی‌الرد علی‌التحفه الاثنی‌عشریه است که در آن ابواب دوازده گانه کتاب تحفه اثنی‌عشریه را نقض کرده و هر مجلدی را به رد یک باب اختصاص داده است. اما آنچه که تألیفش تمام شده و پاکنویس گشته و طبع و منتشر شده ۵ مجلد است (مجلد ۱، ۳، ۴، ۵، ۹) که در سال ۱۲۵۵ در هند چاپ شده است.[11]
نسخه خطی مجلد هفتم این کتاب در کتابخانه ناصریه (کتابخانهٔ خانواده صاحب العبقات) در لکهنو موجود است و تصویری از این نسخه خطی درکتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ در اصفهان وجود دارد.
نسخه خطی جلد هشتم درکتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۸۰۹ موجود است (فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ۹:۹۲)
و از مجلداتی که چاپ شده، نسخه خطی آن درکتابخانه ناصریه لکهنو موزه ملی کراچی وجود دارد. آقای منزوی در فهرست مشترک نسخ خطی فارسی پاکستان ۲:۱۱۹۹ از آن یاد کرده است.
۳. مولوی حسن‌بن امان‌الله دهلوی عظیم‌آبادی. مقیم کربلاء (متوفی ۱۲۶۰ ق.)
استاد ما، شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمه‌الله در کرام‌البرره از طبقات اعلام‌الشیعه ص ۳۰۸ شرح حال وی را آورده و مؤلفات او را برشمرده است.
کتاب او به نام تجهیزالجیش لکسر صنمی قریش در پاسخ به کتاب تحفه اثنی‌عشریه است که نسخه خطی آن (تحریر قرن ۱۳) درکتابخانه عمومی آیةالله مرعشی در قم وجود دارد (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۶:۳۶۱، فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی ۲:۹۰۶) اما گروه دوم کسانی‌اند که عمرشان برای پاسخ‌گویی به تمام کتاب تحفه اثنی‌عشریه کفاف نداد. ولی بعضی از بابها را نقض کردند. بعضی فقط به یک باب پاسخ گفتند. نقض‌ها را در آن زمینه گرد آوردند مانند صاحب عبقات‌الانوار ـ رحمه‌الله ـ که باب هفتم را برگزید و آن را با دو روش خود (استناد به آیات و روایات با دلالت آنها) نقض نموده است و هر حدیث از احادیث را در منهج

دوم، در یک جلد بزرگ یا بیشتر آورده و از هر مطلب ریز و درشتی سخن گفته است که بحث آن بعداً خواهد آمد.

بعضی دیگر از علماء به دو یا چند باب پرداخته‌اند و هر بابی را در یک کتاب بزرگ نقض نموده‌اند و اینک ردیه‌ها را برای هر باب بر می‌شمریم:

باب اول از کتاب تحفه اثنی عشریه در تاریخ شیعه

از کسانی که بر باب اول ردیه نوشته‌اند متکلم محقق علامه سید محمد قلی بن‌سید محمدحسین لکهنوی کنتوری (درگذشته ۱۲۶۰ ق.) پدر سید حامد حسین مؤلف کتاب عبقات‌الانوار است.

درکشف‌الحجب ص ۵۲۴ درباره او چنین آمده است:«او ـ که خدا درجاتش را بلند گرداند ـ اهل قلم بود و شب و روز در ترویج شعایر اسلامی و رفع شبهات مخالفین می‌کوشید. او اهل عبادت، بسیار خوش‌خلق و در عین حال منقطع از خلق بود.»

او در رد باب اول تحفه اثنی‌عشریه، کتاب السیف‌الناصری را نوشته که در هند چاپ شده. همچنان که در رد هر یک از باب‌های دوم و هفتم و دهم و یازدهم کتاب قطوری نوشته است و مجموع آن را به الاجنادالاثنی عشریه‌المحمدیه نامیده است که نام هر یک در باب خود خواهد آمد.

سپس فاضل رشید شاگرد صاحب تحفه، رساله‌ای نوشته و در آن به بیانات سید جواب گفته و در این زمینه استاد خویش را یاری کرده است. اما سید محمدقلی در کتاب خویش به نام الاجوبة الفاخره فی الرد علی الاشاعره به آن پاسخ گفته است.

الذریعه ۱۹۲:۴ ـ ۱۹۳، ۲۹۰:۱۲، ۱۹۰:۱۰، ۲۷۷:۱ و ۲۹:۲۶

کشف‌الحجب: ۲۴ و نجوم‌السماء: ۴۲۲، نزهة‌الخواطر، ۴۶۰:۷، الثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند: ۲۲۰ دراسات فی کتاب‌العبقات: ۱۳۰، اعیان‌الشیعه ۴۰۱:۹

باب دوم در مکاید

در پاسخ این باب، (علامه) سید محمدقلی ـ که نام او رفت ـ کتابی نوشته است به نام تقلیب‌المکائد که در سال ۱۲۶۲ ق در هند درکلکته چاپ شده و این یکی از مجلدات الاجنادالاثنی‌عشر است.

الذریعه: ۳۸۹، ۴:۱۹۳، ۱۹۰، ۱۰:۰۱، نجوم‌السماء: ۴۲۲، نزهة‌الخواطر ۷:۴۶۱ الثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند: ۲۲۰، کشف‌الحجب: ۱۳۷.

باب سوم در اسلاف

این باب را میرزا محمدبن عنایة احمدخان کشمیری دهلوی در ضمن یکی از بخشها و جزءهای کتاب نزهة اثنی‌عشریه جواب گفته که از مجلدات پنجگانه چاپ شده در هند در سال ۱۲۵۵ ق. است.

باب چهارم در اصول حدیث و رجال شیعه

۱. میرزا محمد سابق الذکر، بر آن ردیه‌ای نوشته، و یکی از مجلدات کتاب نزهة اثنی‌عشریه است که در سال ۱۲۵۵ در هند چاپ شده است.

۲. دیگر از کسانی که بر این باب ردیه نوشته است مولوی خیرالدین محمد هندی الله‌آبادی است که آن را هدایة‌العزیز (هدیة‌العزیز) نامیده است.

الذریعه: ۲۵:۲۱۲، کشف‌الحجب: ۶۰۵، نزهة‌الخواطر ۷:۱۶۳، طبقات اعلام‌الشیعه (الکرام‌البرره) ۲:۵۱۰، تکملة‌النجوم السماء ۱:۴۲۱.

باب پنجم در الهیات

بر این باب، متکلم مجاهد، فقیه محقق، سید دلدار علی‌بن محمدمعین نقوی هندی نصیرآبادی لکهنوی ملقب به ممتازالعلما و مشهور به غفران مآب، (متوفی سال ۱۲۳۵ ق.) ردیه نوشته است.

وی از بزرگان علمای شیعه در دیار هند و استاد علمای آن بلاد بود، در سال ۱۱۶۶ ق. متولد شد و به سوی علم و دانش رو کرد. او الهیات را در کشورش خواند، سپس در سال ۱۱۹۳ به عراق مهاجرت کرد و در کربلا در درس استاد بزرگ وحید بهبهانی و فقیه مدقق سیدعلی طباطبایی ـ صاحب ریاض ـ و علامه جلیل سیدمهدی شهرستانی شرکت نمود، سپس به نجف اشرف رفت و از علماء برجسته استفاده نمود و از درس سیدمهدی بحرالعلوم بهره گرفت؛ آنگاه به زیارت مشهد امام رضا ـ علیه‌السلام ـ در سال ۱۱۹۴ به خراسان رفت و در درس سیدمهدی شهید

شرکت جست، سپس به کشورش بازگشت و در لکهنو اقامت گزید. و به انجام وظایف شرعیه، خدمت به دین حنیف اسلام، ترویج شریعت مقدسه، نشر مذهب اهل بیت و مبارزه با سایر فرق همت گماشت.

عبدالحی لکهنوی در نزهةالخواطر در باره او شرح حال نیکویی دارد. او چنین می‌گوید: «او نهایت سعی خود را در احقاق مذهب خویش و ابطال غیر آن ـ به خصوص حنفی‌ها، صوفیه و اخباریه ـ نمود تا جایی که مذهب او در همه بلاد گسترش یافت و پیروان فرقه‌های دیگر به تشیع رو آوردند ....»

او اولین کسی است که جمعه و جماعت را در آن سرزمین اقامه و حوزه علمیه را تأسیس کرد. و جماعتی از علماء را تربیت نمود و کتاب‌های ارزشمندی نگاشت. از مهمترین آنها کتاب «عمادالاسلام» است ؛ کتابی مبسوط در علم کلام و اصول خمسه اعتقادیه که مرآت‌العقول هم نامیده می‌شود، این کتاب در پنج مجلد قطور تدوین شده که چهار جلد آن ـ در توحید، عدل، نبوت و معاد ـ چاپ شده است.

وی در رد کتاب تحفه اثنی‌عشریه پنج کتاب نگاشته، که نام آنها در باب خود ذکر خواهد شد. از آن جمله است کتاب رد بر این باب به نام الصوارم‌الالهیات فی قطع شبهات عابدالعزّی واللات که در سال ۱۲۱۵ ق در هند چاپ شده و اسدالله ملتانی بر آن ردیه‌ای به نام تنبیه‌السفیه! نوشته است.

طبقات اعلام‌الشیعه (الکرام‌البرره) ۵۲۳ ـ ۲:۵۱۹، اعیان‌الشیعه ۶:۴۲۵، احسن‌الودیعه ۴ ـ ۱:۹ الذریعه ۱۰:۱۹۰، ۳۳۰ و ۱۵:۹۲، نزهةالخواطر: ۷:۱۶۶، کشف‌الحجب ۳۷۲، نجوم‌السماء: ۳۵۰، الثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند: ۲۲۰، الاعلام ۲:۳۴۰، معجم‌المؤلفین ۴:۱۴۵

و نیز از ردیه‌های این باب، جلد پنجم کتاب نزهة اثنی‌عشریه از میرزامحمدبن عنایت احمدخان کشمیری است که قبلاً ذکر آن رفت.

باب ششم درنبوات

بر این باب، سیددلدار علی ـ که قبلاً ذکر آن رفت ـ کتابی به نام «حسام‌الاسلام و سهام‌الملام» نوشت که در کلکته هند در سال ۱۲۱۵ ق. چاپ شده است.

الذریعه ۷:۱۲ و ۱۰:۱۹۰، نجوم‌السماء: ۳۵۰، کشف‌الحجب: ۱۹۵، نزهةالخواطر ۷:۱۶۸، الثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند: ۲۱۹.

باب هفتم در امامت

در پاسخ این باب، برخی از عالمان کتابهایی نوشته‌اند. از جمله:

۱. علامه سیددلدار علی نقوی نصیرآبادی که بر رد باب پنجم در الهیات کتاب الصوارم‌الالهیات را نوشته بود، بر این باب هم ردیه‌ای نوشته و آن را «خاتمة‌الصوارم» نامیده است. او همچنین بر ابواب دیگر هم ردیه نوشته است، همچنان که گذشت و بیاید.

۲. فرزند علامه او سیدمحمدبن سیددلدار علی ـ که ذکراو رفت ـ ملقب به سلطان‌العلما (متوفی سال ۱۲۸۴ ق.) در رد این باب دو کتاب نوشته: کتابی به زبان عربی در امامت و دیگری به فارسی که آن را «البوارق‌الموبقه» نامیده و در هندوستان چاپ شده است.

نزهة‌الخواطر ۷:۴۱۵، الثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند ۲۱۹، کشف‌الحجب: ۸۸، الذریعه: ۳:۱۵۴ و ۱۰:۱۹۰، احسن‌الودیعه ۱:۴۱.

۳. سیدجعفر ابوعلی‌خان‌بن غلام‌علی موسوی بنارسی دهلوی شاگرد میرزامحمد مؤلف نزهة اثنی‌عشریه است. او کتاب خود را به نام برهان‌الصادقین نامیده و آن را به ابواب و فصولی تقسیم کرده و در باب نهم به مسایل مسح و متعه و مانند آن می‌پردازد.

این کتاب از طرف مؤلف مختصر شده و مهجة‌البرهان نام دارد. کشف‌الحجب: ۵۷۲، الذریعه ۳:۹۷ و ۱۰:۱۹۰ و ۲۳:۲۸۸، الکرام‌البرره ۱:۲۳۳، تکملة نجوم‌السما ۱:۴۲۷، نزهة‌الخواطر ۷:۱۷.

۴. از کسانی که در پاسخ باب هفتم نوشته‌اند، آیت باهره سیدحامد حسین است. کتاب عبقات‌الانوار او، از مهمترین ردیه‌ها بلکه مهمترین آنان بر کتاب تحفه اثنی‌عشریه است. این کتاب، ارزشمندترین کتابی است که در امامت به رشته تحریر درآمده. صاحب‌الذریعه ـ رحمه‌الله ـ در این باره چنین گوید: «این کتاب ارزشمندترین کتابی است که از صدر اسلام تاکنون در این زمینه تألیف شده و در بیش از ده مجلد بزرگ جای دارد.»[۱۲]

۵. علامه کبیر سیدمحمدقلی، پدر صاحب عبقات در رد بر این باب کتابی به نام برهان‌السعاده نوشته، همچنان که بر ابواب دیگر هم ردیه نگاشته، چنان که گذشت و بیاید.

الذریعه، ۳:۹۶ و ۱۰:۱۹۰، کشف‌الحجب: ۸۴ وی می‌گوید: بهترین کتابی است که در موضوع امامت نوشته شده، نزهة‌الخواطر ۷:۴۶۱، نجوم‌السما: ۴۲۲، الثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند: ۲۲۰.

۶. علامه سیدمفتی، محمدعباس موسوی شوشتری جزایری، (متوفی ۱۳۰۶ ق.) صاحب تألیفات فراوان و متنوع و استاد، صاحب کتاب عبقات‌الانوار است. او در رد این باب کتابی نوشته

به نام «الجواهرالعبقریه» که در هند چاپ شده است و در آن به شبهاتی که صاحب تحفه اثنی‌عشریه بر غیبت امام مهدی ـ علیه‌السلام ـ و عجل‌الله فی ظهوره وارد کرده، به بهترین وجهی پاسخ گفته است.*

الذریعه: ۵:۲۷۱ و ۱۰:۱۹۰.

سید دلدار علی نقوی نیز رساله‌ای در غیبت بر رد مطالب تحفه اثنی‌عشریه نوشته است:

نزهةالخواطر ۷:۱۶۸، الذریعه، ۱۶:۸۲، کشف‌الحجب: ۲۸۵.

باب هشتم در معاد

سیددلدار علی نقوی (متوفّی سال ۱۲۳۵ ق.) کتابی در رد آن به نام احیاءالسنه و اماتةالبدعه بطعن‌الاسنه نوشته، که در هند در سال ۱۲۸۱ ق. چاپ شده است. وی در بابهای دیگر هم ردیه‌ها نوشته است که گذشت و بیاید.

الذریعه: ۱:۲۷۱ و ۱۰:۱۹۰، الکرام‌البرره ۲:۵۲۰، نزهةالخواطر ۷:۱۶۷، کشف‌الحجب: ۲۸، الثقافةالاسلامیه فی‌الهند: ۲۱۹.

میرزامحمدبن عنایت احمدخان نیز مجلد هشتم ازکتاب خود نزهة اثنی‌عشریه را به رد بر این باب ازکتاب تحفه اثنی‌عشریه اختصاص داده است. نسخه‌ای از این کتاب درکتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۸۰۹ موجود است.

باب نهم در مسائل فقهی اختلافی

میرزا محمدبن عنایت احمدخان کشمیری (متوفّی سال ۱۲۳۵ ق.) مجلد نهم کتاب ارزشمند خویش نزهة اثنی‌عشریه را در رد این باب نوشته است که در سال ۱۲۵۵ در هند چاپ شده است. پس از آن، مولوی افراد علی کالپوی در رد این مجلد از نزهة اثنی‌عشریه کتابی به نام رجوم‌الشیاطین نگاشت. پس از آن سیدجعفر ابوعلی‌خان موسوی بنارسی کتابی در پاسخ آن

---

* از بررسی مطالب این کتاب (نسخهٔ چاپی و نیز نسخهٔ خطی، که هر دو درکتابخانهٔ مرحوم آیةالله مرعشی موجود است) برمی‌آید که کتاب، در پاسخ باب دوازدهم تحفهٔ اثنی عشریه است، نه باب هفتم. این سهو علامهٔ تهرانی صاحب ذریعه، به آثار دیگر نیز منتقل شده است. (ویراستار)

نوشت و آن را معین‌الصادقین نامید.

کشف‌الحجب: ۵۳۶، الذریعه ۲۱:۲۸۵.

صاحب نزهة کتابی دیگر در رد بر کید هشتم از این باب پیرامون متعه و مسح پاها در وضو نوشته که نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه (کتابخانه خانواده صاحب عبقات در لکهنو) موجود است و تصویری از آن در کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین در اصفهان وجود دارد.

همچنان که شیخ‌احمدبن محمدعلی کرمانشاهی نوه (حفید) استاداکبروحید بهبهانی رحمه‌الله (متوفی سال ۱۲۳۷ ق.) ردیه‌ای بر این قسمت باب نهم نوشته و آن را کشف‌الشبهه عن حلیة‌المتعه. نامیده است و نسخه‌ای خطی از آن (تحریر سال ۱۲۲۷ ق.) در موزه ملی در کراچی موجود است.[۱۳]

الکرام‌البرره: ۱۰۰، الذریعه ۱۸:۳۹.

باب دهم در مطاعن

۱. از کسانی که بر این باب ردیه نوشته‌اند سیدمحمدقلی کنتوری پدر صاحب عبقات است که آن را تشییدالمطاعن لکشف‌الضغاین نامید و در دو جلد بزرگ تدوین کرد: جلد اول آن در حدود دوهزار صفحه شامل ۴ جزء و جلد دوم در ۴۴۲ صفحه، و در مجموع ۵ جزء است (چاپ سنگی هند، ۱۲۸۳ ق.) این کتاب فواید و تحقیقاتی گرانبها دربر دارد که ارزش مؤلف گرانقدر و وسعت اطلاع و قدرت او در کلام را نشان می‌دهد. از وی در کشف‌الحجب ص ۱۲۲ یاد شده و چنین گفته است: کتابی است که کسی مانند آن را ندیده و زمان همانند آن را نشنیده است. حاوی دلایل قوی و استدلالات محکم و شامل پاسخ‌های قاطع و متقنی است که کتاب‌های مشابه واجد آن نیستند ....

الذریعه: ۴:۱۹۲.

بخشی از آن در ایران افست شد و بخشی دیگر از آن در پاکستان با حروف چاپ شده است.

۲. دیگر از کسانی که بر این باب ردیه نوشته است سلطان‌العلماء سیدمحمدبن سیددلدار علی نقوی نصیرآبادی هندی، (متوفی ۱۲۸۴ ق.) است.

عبدالحی لکهنوی در نزهة‌الخواطر ۷:۴۱۵ گوید: «او مجتهد شیعه و پیشوای ایشان در عصر خویش بوده. در سال ۱۱۹۹ متولد شد. و از کودکی در محضر پدرش به تحصیل علم پرداخته

وملازم و رفیق وی بوده و از علوم متعارفه در ۱۹ سالگی فارغ و متصدی تدریس و افاده گردید. پدرش در سال ۱۲۱۸ به وی اجازه داد. و برادران او و جمع کثیری از علما از وی بهره برده‌اند. او از کسانی است که در کلام و اصول تبحر داشته، در نزد پادشاهان بویژه در نـزد امـجدعلی‌شاه لکهنوی منزلتی عظیم یافت، به سلطان‌العلما ملقب گشت، مقام فتوی به وی سپرده شد، و شاه در خانه وی به دیدنش می‌آمد ... کتابهای چند دارد، از آن جمله کتاب او در بحث امامت، به مسائلی که در تحفه آمد پاسخ گفته است.»

در کتاب ثقافة‌الاسلامیه فی‌الهند ص ۲۱۹ به هنگام برشمردن متکلمین شیعه در هند گوید که: «وی از نظر علمی بر پدرش برتری یافت».....[۱۴]

وی در رد مباحث این باب کتابی دارد به نام طعن‌الرماح که در آن قصه فدک و قرطاس و آتش زدن در خانه فاطمه ـ علیهاالسلام ـ را مطرح نموده و در پایان به قصه شهادت حسین‌بن علی ـ علیه‌السلام ـ می‌پردازد. در رجب سال ۱۲۳۹ ق. تألیف و در سال ۱۳۰۸ در هند چاپ شده است. شیخ‌حیدرعلی فیض‌آبادی بر آن ردیه‌ای نوشته و آن را نقض‌الرماح فی کبدالنباح نامیده است!

۳. دیگر از ردیه‌نویسان بر این باب، سیدابوعلی‌خان جعفر موسوی هندی است که ردیه خود را تکسیرالصنمین نامیده است.

باب یازدهم در اوهام و تعصبات و لغزشهاست

ازکسانی که بر این باب ردیه نوشته است سیدمحمدقلی کنتوری (متوفی ۱۲۶۰ ق.) است که کتاب خود را مصارع‌الافهام لقلع‌الاوهام نام نهاده است.

کشف‌الحجب: ۵۲۴، الذریعه ۲۱:۹۷.

باب دوازدهم در تولا و تبرا و سایر اعتقادات شیعه

این آخرین باب تحفه اثنی‌عشریه است. سیددلدارعلی‌نقوی نصیرآبادی، (متوفی ۱۲۳۵ ق.) در پاسخ آن، کتاب ذوالفقار را نگاشته، در آن شبهات صاحب تحفه بر غیبت امام مهدی در باب هفتم را پاسخ گفته است و سپس به این باب برگشته و در باره معتقدات شیعه سخن گفته است. این کتاب در سال ۱۲۸۱ ق. در هند چاپ شده است.

کشف‌الحجب: ۲۲۱، الذریعه ۱۹۰ و ۱۰:۴۴، مشار ۲:۱۶۰۵، نجوم‌السما ۳۴۶،

الثقافة الاسلامیه فی الهند: ۲۱۹،

قرن ۱۴

تصوّر عمومی این است که قرن ۱۴ به قرون تاریک پایان بخشیده و نور و تمدن و گشایش را به ارمغان آورده و تعصب‌های کور و دشمنی‌های قومی و گروهی را از بین برده است، اما با کمال تأسف امر را کاملاً برعکس می‌بینیم. بسا آنچه در قرون گذشته در تهاجم به شیعه نوشته می‌شد، گرچه حاوی مجادله و نیرنگ‌های سخیف بودند، اما ظاهراً در قالب بحث علمی و جدل کلامی مطرح می‌شد.

اما در قرن ۱۴، در مباحث مهاجمین چیزی جز نشخوار آنچه را که گذشتگان قی نموده‌اند یافت نمی‌شود و همان اشکالاتی است که از بلاد دوردست و فرهنگ‌های بیگانه آمده است.

همانند مختصر تحفه اثنی‌عشری که از هند به عراق آمد و از فارسی به عربی برگردانده شده آنگاه شیخ‌مهدی خالصی در سه جلد به آن پاسخ گفت و فقیه متتبع شیخ‌الشریعه اصفهانی، (متوفی سال ۱۳۳۹ ق.) بر آن ردیه نوشته است.

این جزء اول کتاب مرآت‌التصانیف است، فهرست مختصری از حاصل فکر هندی و پاکستانی در دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری. این کتاب در پاکستان در سال ۱۴۰۰ ق. چاپ و بر حسب موضوعات مرتب شده است. در صفحه ۲۷۰ تحت عنوان «ردالشیعه» ۵۹کتاب در این زمینه ذکر کرده که ۵۷ تای آن از تألیفات قرن ۱۴ است و این غیر آن چیزهایی است که در ذیل عناوین دیگر چون عقائدیات و فقهیات و مانند آن آمده است.

فرو درافتادن به جهل مرکب و تنزل به دشمنی‌های پست، حاصلی جز دشنام‌ها و دروغ‌ها و اتهامات و اباطیل ندارد و از نمونه‌های آن می‌توان افترائات قصیمی، موسی جارالله، مبغض‌الدین الخطیب، الجبهان و ... را برشمرد.

بزرگان شیعه به راستی در مقام دفاع برآمده‌اند و نیرنگ‌هایشان را ابطال کردند و دروغهایشان را آشکار نمودند که از آن میان علامه بزرگوار امینی ـ خدا او را به رحمت خویش بپوشاند ـ در جلد سوم اثر ارزشمند خویش «الغدیر» و نیز سید بزرگوار، سیدمحسن امین در مقدمه اعیان‌الشیعه و در کتاب خویش نقض‌الوشیعه و دو علامه بزرگوار شیخ‌لطف‌الله صافی و شیخ‌سلمان خاقانی در ردیه‌هایشان بر مبغض‌الدین و ... را می‌توان نام برد.

قرن ۱۵

ما هم‌اکنون در آغاز قرن ۱۵ هستیم و جز چند سالی از آن نگذشته است اما آمار، خبرهای وحشتناکی راگزارش می‌کنند که مثلاً تنها در سال گذشته (۱۴۰۶)، فقط در پاکستان ۶۰کتاب در ۳۰ میلیون نسخه بر علیه شیعه چاپ و منتشر شده است!!

و در دو سال قبل از آن (۱۴۰۴) نیز در پاکستان دویست کتاب بر علیه شیعه منتشر شده است، پس خدا بکشد سیاست شیطانی را و خدا نابود کند نفت سعودی را و خدا نابود کند دلار آمریکایی را و الی‌الله‌المشتکی.

ما این بحث را ادامه نمی‌دهیم و به قصد و غرضمان که نوشتن این مقاله است برمی‌گردیم، یعنی اشاره به کتاب عبقات‌الانوار و مؤلف بزرگوار آن سیدحامدحسین لکهنوی،متوفی سال ۱۳۰۶ ق.) که این مقاله به مناسبت یکصدمین سال وفات وی نوشته شده است.

نگاهی گذرا به صاحب کتاب عبقات و کتاب او

گفتیم که باب هفتم کتاب تحفه اثنی‌عشریه در امامت است و عده‌ای از بزرگان شیعه و رجال علم و جهاد ـ که قبلاً ذکرشان رفت و به تلاش پربرکت آنان در این راه اشاره شد ـ بر آن ردیه نوشتند و آن را نقض کردند که سرآمد همه آنان علامه سیدحامدحسین ـ رحمه‌الله تعالی ـ است. ما برای گسترش کلام در بارهٔ او، در سطور گذشته به اختصار سخن گفتیم و اینک به هدف اصلی خود بازمی‌گردیم و می‌گوییم: مؤلف تحفه، باب هفتم را به امامت اختصاص داده و آن را بر دو منهج مرتب نموده است:

اول: در آیات قرآنی که شیعه در اثبات امامت به آنان استناد نموده و در این منهج به تأویل و مناقشه در دلالت شش آیه پرداخته است.

دوم: در احادیث است که به ۱۲ حدیث اکتفا نموده. و چنین وانمود کرده است که آنچه شیعه بدان چنگ می‌زند برداشت‌های اوست. و با نیرنگ تلاش ناکام خود را در تضعیف اسناد یا دلالت آن احادیث به کار گرفته است. لذا، این مجاهد مخلص (سیدحامدحسین) دفاع آنچه راکه در این باب آمده است، به عهده گرفته و برای پاسخ به هر حدیث یک مجلد یا بیشتر فراهم آورده است. وی، کلام مخالف را حرف به حرف در مجلدات قطور کتاب خویش نقض کرده، حق مطلب را در هر مبحث ادا نموده، ادله و نصوص و شواهد و اخبار (متابعات) را مورد بررسی قرار داده، راویان

را یک به یک تعدیل کرده و اعتبار و وثاقت منابع مورد استفاده را روشن ساخته است.[۱۵]

این کار عظیم، جز به همت گروه‌هایی که هر یک موضوعی از آن را به عهده بگیرند میسر نبود. اما این مرد بزرگ، این مسؤولیت سنگین را با استعانت از خدای بزرگ و توکل بر او به منظور یاری خدا و دین او و پیامبرش و اهل بیت ـ صلوات‌الله علیه و علیهم ـ به عهده گرفت و انجام داد. بدون شک خدا هم او را تأیید نمود. و جز این هم نبود، زیراکه اگر نصرت خدا نبود این کار به پایان نمی‌رسید، او خود فرموده است: «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا ....»

نکتهٔ مهم اینکه او بیش از ۶۰ سال عمر نکرد. و این مجموعه ارزشمند تنها اثر علمی او نبود، بلکه مؤلفات ارزشمند دیگری هم داشته است مانند:

استقصاءالافحام و استیفاءالانتقام که در رد منتهی‌الکلام حیدرعلی فیض‌آبادی نوشته است و تهاجمات او را بر شیعه پاسخ گفته و در آن موضوع عدم تحریف قرآن راکاملاً مورد بحث قرار داده و در اثبات وجود مهدی ـ علیه‌السلام ـ به صورت مستوفی بحث نموده است.

آقابزرگ تهرانی در الذریعه فرموده (۲:۳۱) کتاب وی در ده مجلّد است، که بعضی از اجزای آن در سه مجلد در سال ۱۳۱۵ چاپ شده است.

و نیز از آثار او است: افحام اهل‌المین در ردّ ازالة‌الغین از حیدرعلی سابق‌الذکر، و این نیز در چندین مجلد است.

به راستی باید اعتراف نمود که در برابر این مجاهد بزرگوار، ما تقصیر داشته‌ایم. سزاوار بوده است که در باره زندگی پربرکت و خانواده گرانقدر و آثار ارزشمند جاوید او دهها کتاب نوشته شود. اما در این مورد، جز چند کتابی که ذکر می‌شود چیز دیگری سراغ نداریم:

۱. ضیاءالعین فی حیاة سیدحامدحسین از شیخ‌سعادت حسین لکهنوی دام بقاه.

۲. سبیکه اللجین فی حیاة ابنه‌السید ناصر حسین، از شیخ‌فداحسین لکهنوی.

۳. میرحامدحسین از استاد محمدرضا حکیمی که به فارسی چاپ شده است.

۴. کتاب عن حیاة‌الاسره و رجالاتها و مکتبها از استاد خواجه پیری.

۵. دراسات فی کتاب‌العبقات از فاضل وارسته سیدعلی میلانی ـ حفظ‌الله ـ که ابتدا در مقدمه جلد اول ازکتاب عربی عبقات، و سپس مستقلاً چاپ شده است.*

---

* خلاصه‌ای از آن کتاب را آقای سیدعلی میلانی در مقالهٔ زیر آورده است:

۶. سواطع‌الانوار فی تقاریظ عبقات‌الانوار: که در سال ۱۳۰۳ ق. در لکهنو چاپ شده است.

۷. القصائدالمشکله فی‌المراثی‌المثکله: که در سال ۱۸۹۱ میلادی در هند چاپ شده و آن مجموعه قصایدی است که در رثای او به عربی سروده شده است.

بنابراین سخن از صاحب عبقات ـ رحمه‌الله ـ نیازمند به چندین مجلد است. لذا ما اینک بحث خود را به آنچه منظور داشته‌ایم ـ یعنی کتاب شریف عبقات‌الانوار ـ معطوف می‌کنیم.

اما ردیه‌های نامبرده بر منهج اول (استفاده وی از آیات بر علیه شیعه) در چندین مجلد است که برای چاپ آماده نشده و تاکنون به زیور طبع آراسته نگشته است.

اما ردیه‌های وی بر منهج دوم هم به چندین مجلد قطور بالغ می‌شود که اکثر مجلدات آن در زمان حیات وی ـ رحمة‌الله علیه ـ چاپ شده و بعضی از آنها هنوز چاپ نشده است. و اینک تفصیل بیشتر آن:

مجلد اول

در این مجلد از حدیث غدیر بحث می‌شود که پیامبر اسلام فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». مؤلف ـ رحمه‌الله ـ از نظر استاد و متن بحث کاملی را در دو بخش انجام داده است: در بخش اول، نامِ بیش از یکصدتن صحابی را آورده، که این حدیث را روایت کرده‌اند. و سپس به ذکر تابعین که این حدیث را از صحابه شنیده‌اند سپس اتباع تابعین، آنگاه حفاظ و ائمه حدیث غیرشیعی به ترتیب تاریخ تا زمان مؤلف با شرح کاملی از زندگی آنان و توثیقاتشان و منابع شرح حال آنان و ارزیابی آن منابع آورده است، به گونه‌ای که این دقت و وسعت کار، هر بیننده‌ای را غرق در اعجاب می‌کند و عقول را به تعجّب وامی‌دارد و دلها را تسخیر می‌کند.

بخش دوم متن حدیث و وجوه دلالت آن بر خلافت امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ قراین موجوده‌ای که به همراه نقل این حدیث بوده و دلالت بر این مطلب دارد، دفع شبهات دشمنان و رفع هرگونه شک و وهم و حقه‌های سرد و تأویلات بی‌ارزشی که در این باره شده و دیگر بحث‌های مختلفی راکه پیرامون این حدیث شده شامل است.

السیدحامد حسین وکتابه العبقات، در مجلهٔ تراثنا، شمارهٔ ۴، سال ۱۴۰۶، ص ۱۴۴ ـ ۱۵۶.

(ویراستار)

هر دو بخش این مجلد در زمان حیات مؤلف در هند در سال ۱۲۹۳ ق. در سه مجلد قطور چاپ سنگی شده است.

بخش اول که اختصاص به اسانید حدیث و منابع و راویان حدیث و توثیق آنان و مطالب مربوط در ۱۲۵۱ صفحه در قطع بزرگ چاپ سنگی شده است.

بخش دوم در سال ۱۲۹۴ در دو مجلد ـ نزدیک به هزار صفحه ـ چاپ شده است.

بخش اول در تهران سال ۱۳۶۹ با حروف در ۶۰۰ صفحه در قطع بزرگ تجدیدچاپ شده است.

مجلد اول در قم تجدید چاپ شده است: بخش اول آن به تحقیق علامه بزرگوار شیخ‌غلام‌رضا مولانا بروجردی که آن را تصحیح نموده و احادیث آن را تنقیح کرده و نصوص و روایات را با منابع آنها مقایسه نموده و تعداد بخش‌ها و صفحات آن را مشخص کرده و به زودی در ۵ جزء منتشر خواهد شد.

وی به زودی به چاپ بخش دوم خواهد پرداخت*، مصمّم است که بقیه مجلدات را هم با تصحیح و تنقیح به چاپ حروفی برساند. خدا به او توفیق دهد و او را یاری کند.

تمام این مجلد همچنین به زبان عربی چاپ شده که سیدعلی میلانی ـ حفظه‌الله ـ آن را تلخیص نموده در ۴ جزء در سال ۱۴۰۵ به نام خلاصة عبقات‌الانوار منتشر کرده است و بر آن مستدرکی افزوده که در آن از ۱۸۹ عالم و راوی که این حدیث را نقل کرده‌اند و در اصل کتاب نام آنها نیست، نام برده است و همانند روش مؤلف به شرح حال این افراد و توثیق آنان پرداخته است.

هم‌اکنون، این مجلد با تعریب سیدهاشم امین‌الحسینی فرزند علامه سیدمحسن امین عاملی صاحب اعیان‌الشیعه ـ رحمة‌الله علیه ـ به طور کمال و تمام و بدون حذف و تلخیص، در دست چاپ است.

مرحوم شیخ‌عباس قمی، محدث متقی، (متوفی سال ۱۳۵۹ ق.) هم این قسم از کتاب عبقات، بخش حدیث غدیر ـ هر دو جلد آن را ـ تهذیب و مرتب نموده و آن را فیض‌القدیر بما

---

* این جمله، مربوط به زمان تألیف مقاله است. مجلد غدیر از عبقات‌الانوار، با تحقیق علامه مولانا بروجردی، در ده جلد چاپ و منتشر شده، و هم‌اکنون در دسترس است. (ویراستار)

یتعلّق بحدیث‌الغدیر نامیده است که در سال ۱۳۲۱ ق. در نجف اشرف از کتابت آن فارغ شده و حدود ۸۵ سال به صورت خطی باقی مانده بود تا اینکه خدا، دوست فاضل ما را ـ شیخ‌رضا استادی ـ بیدار نمود، تا در نشر آن بکوشد. و بالاخره در سال ۱۴۰۶ در ۴۶۲ صفحه از طرف مؤسسه در راه حق در قم منتشر شد*.

مجلد دوم

موضوع این جلد، حدیث منزلت است، که نبی‌اکرم ـ صلی‌الله علیه و آله ـ به علی ـ علیه‌السلام ـ فرمود: «الا ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من موسی الّا انّه لانبی بعدی»؛ آیا دوست نداری که تو نسبت به من، به منزلهٔ هارون نسبت به موسی باشی جز اینکه بعد از من دیگر پیامبری نیست. بخاری و مسلم و حافظان دیگر در صحاح و سنن و مسانید آن را آورده‌اند و در استیعاب در این باره چنین گفته است: «آن از ثابت‌ترین و صحیح‌ترین آثار است» حدیث منزلت از حد تواتر گذشته است، بگونه‌ای که حافظ ابوحازم عبدوئی ـ از محدّثان قرن پنجم ـ گفته است «این حدیث را از پنج هزار طریق روایت کرده‌ام».

مؤلف کتاب عبقات‌الانوار با این حدیث هم بر روش مجلد قبلی برخورد کرده است. تا آنجا که توانسته به جمع اسانید و طرق ذکر تواتر و فصوص اعلام و غیر آن پرداخته. آنگاه از معنای حدیث و دلالت آن بر خلافت امیرالمومنین ـ علیه‌السلام ـ سخن گفته است و در وجوه دلالت آن به طور مستوفی بحث نموده. این مجلد در زمان حیات مؤلف در لکهنو در سال ۱۲۹۵ در ۹۷۷ صفحه به قطع بزرگ چاپ سنگی شده است.

سپس مؤسسه «نشر نفائس مخطوطات» اصفهان آن را با افست در قطع کوچکتر در چاپخانه نشاط اصفهان در سال ۱۴۰۶ به مناسبت یکصدمین سال وفات مؤلف ـ رحمه‌الله ـ چاپ نموده است. این نتیجهٔ تلاش علامه محقق سیدمحمدعلی روضاتی ـ دام فضله ـ است که خود بر چاپ آن اشراف داشته، برای آن مقدمه‌ای نوشته، فهرست عناوین و منابع کتاب را افزوده است. خدا او را جزای خیر دهد.

** این کتاب، در نشریه کیهان فرهنگی سال ۵ شمارهٔ ۲ معرفی شده است. (مترجم)

مجلد سوم

در حدیث ولایت است که پیامبر بزرگوار اسلام ـ صلی‌الله علیه و آله ـ فرمود: «ان علیا منی و انا منه و هو ولی کل مؤمن من بعدی». در این جلد از نظر اسناد و دلالت بحثی مستوفی نموده و دلالت واضح آن را بر خلافت امیرالمؤمنین اثبات نموده است. این روایت از نصوص وارد. است که بر خلافت علی ـ علیه‌السلام ـ به روشی که گفته شد دلالت دارد.

در زمان حیات مؤلف در سال ۱۳۰۳ در ۵۸۵ صفحه در قطع بزرگ چاپ سنگی شده است.

مجلد چهارم

پیرامون حدیث طیر است، یعنی کلام پیامبر اسلام که هنگامی که مرغ بریانی به او هدیه شد فرمود: «اللهم ائتنی باحب خلقک الیک یأکل معی من هذاالطیر»؛ خدایا آن کس را که بیشتر دوست داری برسان تا با من از این طعام بخورد. پس علی ـ علیه‌السلام ـ آمد و از آن میل فرمود.

مؤلف در بارهٔ این حدیث و طرق اسانید و وجوه دلالت آن به طور کامل بحث نموده است. این کتاب هم در دو جزء در ۵۱۲ و ۲۲۴ صفحه در لکهنو در سال ۱۳۰۶ ق، در قطع بزرگ چاپ سنگی شده است.

مجلد پنجم

پیرامون حدیث مدینة‌العلم است که پیامبر اسلام فرمود: «انا مدینةالعلم و علی بابها فمن ارادالمدینة فلیاتها من بابها».

مؤلف ـ رحمةالله علیه ـ بنابر روش خویش از اسناد و متن حدیث بحث نموده، کلیه جوانب آن را بررسی کرده، و تا حدّ مقدور، دلالت این حدیث را بر خلافت امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ مورد توجه قرار داده است. این مجلد نیز از دو بخش تشکیل شده؛ بخش اول اختصاص به اسانید حدیث و مطالب مربوط به آن دارد و بخش دوم شامل دلالت حدیث بر خلاف امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ وجوه استدلال به آن، پاسخگویی به انتقادهای وارده و ابطال آنها و دفع کلیه شبهات، تردیدها و اوهام در این مورد است. این مجلد در لکهنو چاپ سنگی شده. بخش اول آن در سال ۱۳۱۷ در ۷۴۵ صفحه در قطع بزرگ و بخش دوم نیز در همانجا در سال ۱۳۲۷ در ۶۰۰ صفحه چاپ شده است.

مجلد ششم

پیرامون حدیث تشبیه است، یعنی روایتی که پیامبر خدا ـ صلی‌الله علیه و آله ـ فرمود: «من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی فهمه و الی ابراهیم فی خلقه و الی موسی فی مناجاته و الی عیسی فی سنته و الی محمد فی تمامه و کماله، فلینظر الی علی‌بن ابیطالب»؛ یعنی آن کسی که می‌خواهد در علم آدم، فهم نوح، اخلاق ابراهیم، مناجات موسی، روش عیسی، تمام و کمال محمد(ص) بنگرد، پس به علی نظر کند.

این حدیث به حدیث «اشباه» معروف است و الفاظ وارده و طرق واصله مختلف است. به کتاب الغدیر جلد ۳ صفحه ۳۵۵ مراجعه کنید. مؤلف در این مجلد بحث مستوفی و جامعی از نظر اسناد و متن دلالت دارد و در آن به فواید فراوانی اشاره نموده و شبهه‌ها را در این مورد رفع و شکوک را از بین برده است.

در زمان حیات مؤلف در لکهنو در سال ۱۳۰۱ در دو جزء، ۴۵۶ صفحه و ۲۴۸ صفحه در قطع بزرگ چاپ سنگی شده است.

مجلد هفتم

حدیث مناصبه است، که پیامبر ـ صلی‌الله علیه و آله ـ فرمود: «من ناصب علیاً الخلافة فهو کافر»؛ آن کسی که با علی در خلافت دشمنی کند او کافر است.

تألیف این مجلد تمام نشد و لذا چاپ نگشت.

مجلد هشتم

حدیث نور است، که پیامبر فرمود: «کنت انا و علیاً نوراً بین یدی‌الله عزوجل قبل ان یخلق‌الله آدم ...».

در این مجلد، منابع حدیث،اسانید و حفاظی که آن را روایت نموده، قبول حدیث توسط ایشان و طرق روایت آنان مورد بحث قرار گرفته، آنگاه به چگونگی دلالت حدیث و مباحث ارزنده در این مورد پرداخته است.

در زمان حیات مؤلف در سال ۱۳۰۳ در لکهنو در قطع بزرگ در ۷۸۶ صفحه چاپ سنگی شده است.

مجلدات پنجگانه از جلد سوم تا هشتم ـ باستثنای جلد هفتم ـ به مناسبت یکصدمین سال وفات مؤلف از طرف مدرسه امام مهدی ـ علیه‌السلام ـ در قم در سال ۱۴۰۶ ق. تجدید چاپ و افست شده است.

مجلد نهم

در حدیث رایت است، که پیامبر اسلام در روز خیبر فرمود: «لاعطین‌الرایه غداً رجلاً یحب‌الله و رسوله و یحبه‌الله و رسوله، لایرجع حتی یفتح‌الله علی یدیه» یعنی هر آینه فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند و برنمی‌گردد تا خدا پیروزی را به دست او محقق گرداند.

این حدیث، مورد اتفاق فریقین است، در صحیحین و دیگر صحاح و سنن و مسانید و معاجم آمده است، از طرق بیشمار ذکر شده و از حد تواتر گذشته است.

مجلد دهم

در مورد قول رسول خدا ـ صلی‌الله علیه و آله ـ است که فرمود: «علی مع‌الحق والحق مع علی»؛ یعنی علی با حق است و حق هم با علی است.

مجلد یازدهم

در زمینهٔ کلام پیامبر اسلام ـ صلی‌الله علیه و آله ـ است که فرمود: «ان منکم من یقاتل علی تأویل‌القرآن کما قاتلت علی تنزیله ... ولکن خاصف‌النعل»؛ یعنی از شما کسی است که بر تأویل قرآن می‌جنگد، همچنان که من بر تنزیل قرآن جنگیدم ... ولکن کسی که نعلین خود را وصله می‌کند، که در این هنگام علی مشغول وصله نعلین خود بود. و این سه جلد اخیر (۹ و ۱۰ و ۱۱) در زمان مؤلف پاکنویس نشده ولذا تاکنون چاپ نشده است.

تلاشهایی برای ترجمهٔ کتاب به زبان عربی

از آنجا که کتاب تحفه اثنی‌عشریه به فارسی نوشته شده بود، لذا ردیه‌ها هم فارسی بودند. از جمله این کتاب عبقات‌الانوار فی اثبات امامة ائمه‌الاطهار که ردیه بر جلد هفتم آن کتاب است هم به فارسی نوشته شده، اگرچه جملات عربی در آیات و احادیث و تواریخ و تراجم و اقوال که کلاً به

عربی ذکر شده به قدری است که بر جملات فارسی فزونی دارد. اما با این وجود تلاش‌هایی صورت گرفته تا کتاب به صورت کامل به عربی برگردانده شود که ما از سه نفر به شرح زیر اطلاع داریم که چنین تصمیمی گرفته‌اند:

۱. سیدمحسن نواب فرزند سیداحمد لکهنویی، متولد ۱۳۲۹ که به نجف اشرف برای تحصیل مهاجرت نمود و در آنجا به این امر مهم اقدام و تعریب و تلخیص برخی از مجلدات را تمام نمود.

۲. سیدعلی فرزند سیدنورالدین میلانی ـ حفظه‌الله ـ متصدی تعریب کتاب با حذف مکررات شده که کار او به پایان رسیده و یا در شرف اتمام است و تاکنون ۹ جزء از آن به نام خلاصه عبقات‌الانوار چاپ شده و به زودی بقیه نیز چاپ خواهد شد ان‌شاءالله.*

۳. سیدهاشم امین عاملی فرزند سیدمحسن امین عاملی ـ حفظه‌الله ـ که تصمیم بر تعریب کامل کتاب بدون حذف و تلخیص گرفته که مجلد اول ـ هر دو بخش آن ـ تمام شده و زیر چاپ است. و آخر دعوانا أن الحمدلله رب‌العالمین.

پی‌نوشت‌ها:

۱ ـ تاریخ یعقوبی ۲۵۹ و ۲:۱۴۹، تاریخ طبری، ۴:۲۲۷ و شرح ابن ابی‌الحدید ۱۹۴ و ۱:۱۸۹ و ۲:۵۷.

۲ ـ شرح ابن ابی‌الحدید: ۱۱:۴۵.

۳ ـ الکامل‌ابن اثیر. ج ۹. ص ۵۷۷ ـ ۵۷۵. در ضمن حوادث سال ۴۴۳ ق. وی می‌گوید: فجایعی در این سال گذشت که هرگز مثل آن در دنیا نگذشته بود.

۴ ـ کتاب الفهرست ابن ندیم ص ۲۰۹ بنگرید. قیروانی در زهرالآداب ۱:۵۹ و نیز اربلی در کشف‌الغمه و قندوزی در ینابیع‌الموده باب ۵۲ آن را درج نموده است.

و در قاهره در سال ۱۹۳۳ ضمن رسائل جاحظ آمده که سندوبی از صفحه ۱۱۶ ـ ۶۷ را جمع نموده و آن را در مجله «لغة‌العرب» چاپ بغداد ۴۲۰ ـ ۹:۴۱۴ تحت عنوان «تفضیل بنی‌هاشم علی من سواهم» چاپ و منتشر نموده است. و عمر ابونصر در چاپخانه نجوی در بیروت در سال ۱۹۶۹ میلادی در ضمن کتابش آثارالجاحظ از صفحه ۲۴۰ ـ ۱۹۳ آن را چاپ نموده است.

---

* آخرین چاپ این مجموعه،به نام نفحات الازهار فی تلخیص عبقات الانوار در دوازده جلد در قم چاپ شده است. (ویراستار)

بنگرید به مجله «المورد» چاپ بغداد جلد هفتم شماره چهارم ص ۲۸۹ که شماره مخصوص جاحظ است.

۵ ـ حلبرود، قریه‌ای از قراء ری است که از جانب شرق در سر راه مازندران (طبرستان) قرار دارد.

۶ ـ نسخه‌ای از آن که در سال ۱۰۰۱ ق نوشته شده در کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین ـ علیه‌السلام ـ در نجف اشرف و نسخه‌ای در کتابخانه امام رضا ـ علیه‌السلام ـ در مشهد به شماره ۳۹۸ موجود است.

۷ ـ نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی آیةالله حکیم در نجف اشرف به شماره ۱۹۷ وجود دارد.

۸ ـ نوح افندی حنفی در سال ۱۰۷۰ درگذشت، و تاریخ ولادت او را ذکر نکرده‌اند. پس اگر فرض شود که او ۷۰ سال زندگی کرده پس به هنگام دادن این فتوا در سال ۱۰۴۸ ق حدود ۴۸ سال داشته و اگر فرض شود ۸۰ سال عمر کرده، پس در آن موقع ۵۸ ساله بوده است. بدون شک در آن زمان از بزرگان و شیوخ اسلام و بزرگان دولت عثمانی بوده و دهها عالم مقدم بر او از نظر سنی و علمی و فقهی و ملیتی وجود داشته‌اند. اما همگی در برابر اختناق دربار ساکت نشستند و هیچ یک از آنان جرأت اظهار یک کلمه نداشتند که موجب شقاق و تفرقه بین مسلمانان شود و وسیله‌ای برای ریختن خونها و اسارت زنان و قتل نیکان واز بین بردن آبروها و غارت اموال شود در حالی که پیامبر اسلام ـ صلی‌الله علیه و آله ـ فرمودند: «من اعان علی دم امریء مسلم ولو بشطر کلمه، کتب بین عینیه یوم‌القیامة: ایس من رحمةالله» یعنی آن کس که بر ریختن خون مسلمانی کمک کند حتی با یک کلمه، در روز قیامت بر پیشانی او نوشته می‌شود: این مأیوس از رحمت خداست. [کنزالعمال ۱۵:۳۱ که با الفاظ مختلف و منابع پراکنده از ابوهریره و ابن عباس و ابن عمر نقل شده است]

در روایتی دیگر آمده است: «لو ان اهل السماوات و اهل الارض اجتمعوا علی قتل مسلم لکبّهم‌الله جمیعاً علی وجوههم فی النار و لو اهل السماء والارض اجتمعوا علی قتل رجل مسلم لعذبهم‌الله بلاعدد و لاحساب». ترجمه: «اگر اهل آسمانها و زمین بر قتل یک مسلمان اجتماع کنند، خدا همه آنان را به رو در آتش می‌افکند و اگر اهل آسمان و زمین بر قتل مسلمان اجتماع کنند، خدا بدون عدد و حساب آنان را عذاب خواهد کرد». (کنزالعمال ۱۵:۳۳)

و این امر در بین فریقین مورد قبول و از هر دو طریق هم روایت شده است. کلینی در کافی جلد ۲:۳/۲۷۴ و صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه جلد ۴: ۶۸/۲۰۱ و در عقاب الاعمال: ۳۲۶ و برقی در کتاب المحاسن ۸۰/۱۰۳ و در آن از ابوجعفر – علیه السلام – و شیخ طوسی در امالی جلد ۱ :۲۰۱ از امام صادق – علیه‌السلام ـ روایت کرده است. «آنکس که در قتل مومنی ولو با یک کلمه کمک کند در روز قیامت خدا را به گونه‌ای ملاقات خواهد کرد که بر پیشانی او نوشته است: مایوس از رحمت من است».

و کلینی در کافی در جلد ۷: ۸/۲۷۲ و صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه ۴: ۲۱۴/۷۰ و در عقاب الاعمال: ۳۲۸ از پیامبر که درود خدا بر او و آل او باد این روایت را نقل کرده است: «سوگند به آنکه مرا بحق فرستاد اگر اهل آسمان و زمین در ریختن خون فرد مسلمانی شرکت کنند و به آن راضی باشند خداوند آنها را با سر در آتش خواهد انداخت».

و آنچه از جانب فریقین در این باره آمده است فراوان است ـ وسائل الشیعه جلد ۸: ۶۱۸ ـ ۶۱۷ و جلد ۹:۱۹ ـ ۸ و مستدرک الوسائل جلد ۲: ۲۵۰ ـ ۲۵۱ مراجعه شود.

۹ ـ نسخه اصل فتوای صادره به زبان ترکی در خرائن البلاط عثمانی نگهداری می‌شود و در دوران فترت اخیر در بخش دوم کتاب «لامذهب لری» و نیز در اسلامبول به زبان ترکی چاپ شده و این فتوی از روی نسخه اصلی که در مرکز وثائق در کتابخانه «توپ کاپی سرای» که همان کتابخانه بلاط باشد چاپ شده است.

۱۰ ـ از جامع الصفوی دو نسخه در کتاب آستان قدس رضوی در مشهد به شماره‌های ۱۲۷ و ۹۷۷۳ وجود دارد که در فهرست جلد ۱۱۷:۱۱ آن آمده است.

در کتابخانه آیة‌الله مرعشی در قم سه نسخه با شماره‌های ۲۹۰، ۳۶۵۴، ۴۰۴۶ وجود دارد که در فهرستهای آن کتابخانه ۳۳۵:۱۱، ۴۹:۱۰ و ۴۶:۱۱ ذکر شده است.

۱۱ ـ همچنین شیخ آقا بزرگ که رحمت خدا بر او باد در کتاب الذریعه ۲۴: ۱۰۹ - ۱۰۸ و کنتوری در کتاب کشف‌الحجب در صفحه ۵۷۹ از آن یاد کرده است. اما مشار در فهرست کتابهای چاپی فارسی ۲: ۳۲۶۵ ذکر کرده است که این کتاب ۹ مجلد است.

۱۲ ـ نقباءالبشر ۳۶۸ البته سخن در این باره و برای هر جلد این کتاب به تفصیل سخن خواهم گفت زیرا که هدف این مقاله همین است و من غیر آن را به عنوان تمهید ذکر کردم.

۱۳ ـ فهرست کتابهای خطی فارسی در پاکستان ۱۱۶۹:۲

۱۴ ـ در باب پنجم شرح حال پدر او آمد.

۱۵ ـ و این به خاطر دهها هزار کتابهای چاپی و خطی بود که او مطالعه و آنچه مورد استنسارش بود استخراج کرد و فهرستهایی که بر پشت کتابها نوشت. پس کتابی در کتابخانه‌ها نیست مگر آنکه او فهرستی به خط خود برای آن تهیه کرد که مورد استفاده دیگران قرار گرفت پس هیچ کتابی از هیچ کتابخانه‌ای به دست او نمی‌رسید مگر اینکه او چنین اقدامی را انجام داده است پس در کتابخانه‌های دیگر فراوان است کتابهایی که او آنرا خوانده و یادداشتهایی بر آن داشته است و این غیر از کتابخانه خود اوست که به حدود ۳۰۰۰۰ جلد بالغ می‌شد.

۲۹

کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر الکترونیک*

پیشرفت سریع تکنولوژی، همه چیز را دگرگون کرده است. سرعت این پیشرفت بقدری است که مدتی از پیشگویی در پاره‌ای از زمینه‌ها نمی‌گذرد که به سرعت به وقوع می‌پیوندند. چه بسا کسانی در خیال خود در باره مسائلی طرح و نقشه‌ای داشته باشند که در گوشه دیگر جهان به ویژه در جهان صنعتی، آن طرح جامه عمل پوشیده و یا در شرف ایجاد باشد. زمان ما مانند زمان ژول ورن نیست که طرحها و تخیّلات وی وجود خارجی داشته باشند، و سالها بعد نظرات وی جامه عمل به خود بپوشد. و یا مانند مرحوم مدرس که با ذوق سرشار و طبع سلیمش، اظهار می‌کرد که چه بسا در آینده جنگ ما با دشمنان در فضا باشد، بدون اینکه عملاً در خارج و در عالم واقعیت نشانی از جنگ فضایی دیده باشد.

زمان ما، زمان سرعت در تحول و دگرگونی است: به سرعت برق همه چیز عوض می‌شود.

---

* این مقاله نقدی است بر نوشته لنکستر، ف. ویلفرد ترجمهٔ اسدالله آزاد از انتشارات آستان قدس که تحت عنوان کتابهای بی‌کاغذ و کتابخانه‌های بی‌کتاب در مجله نشر دانش (۱۳۶۷) چاپ شده است.

اندیشه خلاق انسان همه چیز را دگرگون کرده است. پشتوانه چندین هزار ساله تجربیات علمی بشر، شتاب این حرکت را چندین برابر نموده است.

نویسنده کتاب «کتابخانه‌ها در عصر الکترونیک» لنکستر، یکی از استادان مدرسه عالی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه ایلی‌نویز است، که دارای مقالات و گزارش‌های متعدد در کتابداری و اطلاع‌رسانی است. او کتابهای «نظامهای بازیابی اطلاعات: ویژگیها، آزمون و ارزیابی آنها»، «مهار واژگانی در بازیابی اطلاعات»، و «بازیابی پیوسته اطلاعات» و «سنجش و ارزیابی خدمات کتابخانه» و تعدادی کتب دیگر تألیف کرده که بعضاً به دریافت جایزه نائل شده‌اند.[1]

کتاب کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر الکترونیک حاصل کوشش نویسنده در جمع‌آوری نظریاتش پیرامون تطور جامعه بی‌کاغذ و پیامدهای آن بر روی کتابخانه‌ها و کتابداران است، که به طرز بسیار جالب نگارش یافته و آقای اسدالله آزاد آن را به خوبی و روانی ترجمه نموده است.

این کتاب در یازده فصل نگارش یافته که عناوین فصول عبارتند از: عصر اطلاعات، تواناییها و چشم‌اندازهای فنی، پاره‌ای از کاربردهای فنی، کامپیوترها و نشر، نظام ارتباطی بی‌کاغذ، کتابخانه‌ها و تکنولوژی، کنار رفتن چاپ بر کاغذ، آینده کتابخانه: برخی پیش‌بینی‌ها، فروپاشی کتابخانه، آیا کتابخانه را آینده‌ای هست؟ و بالاخره نتیجه. مترجم واژه‌نامه و نمایه مفصلی هم در پایان کتاب آورده است.

او در فصل اول، علم کتابداری را با دیگر تحولات اجتماعی مرتبط دانسته و بحث و بررسی مسائل کتابداری و کتابخانه‌ها را بدون شناخت دیگر واقعیات جهان غیرممکن می‌داند. او جامعه امروزی را نه تنها صنعتی که فراصنعتی می‌داند و معتقد است که جهان به سرعت به سمت فراصنعتی سیر می‌کند و اطلاعات و صنعت اطلاعاتی، جایگزین تکنولوژی مصطلح که سالیان دراز جامعه ما را به خود مشغول نموده است خواهد شد. با این تفاوت که اگر دوره‌های گذشته زمان طولانی فکر و ذکر جامعه را به خود مشغول داشته است، و دوران‌های مختلف زندگی بشر، هر چه پیش می‌رود، کوتاهتر می‌شود. به طوری که چنین اظهار می‌دارد که اگر پنجاه هزار سال گذشته هستی انسان به دوره‌های زندگی حدوداً شصت و دو ساله تقسیم شوند، هشتصد دوره زندگی از این دست وجود داشته است، از این هشتصد دوره، ششصد و پنجاه دوره به تمامی در غارها سپری شده است. تنها در خلال هفتاد دوره اخیر زندگی، برقراری ارتباط مؤثر از یک دوره به دوره دیگر امکان‌پذیر شده است. زیرا نوشتن آن را امکان‌پذیر ساخته است و تنها در طی شش دوره اخیر زندگی چشم توده‌های انسان به کلمه‌های چاپی افتاده است و تنها در

خلال چهار دوره اخیر زندگی، اندازه‌گیری دقیق زمان ممکن شده است و تنها در دوره اخیر زندگی، انسان از موتور برق استفاده کرده است، و بیشتر کالاهای مادی مورد استفاده زندگی روزمره ما، در هشتصدمین دوره زندگی یعنی دوره حاضر به وجود آمده است[۲].

او سپس به امواج سه گانه و دگرگونی اجتماعی اشاره می‌کند. اول انقلاب کشاورزی، که در طول هزاران سال اتفاق افتاده و دوم انقلاب صنعتی که تنها سیصد سال دوام داشته و سومین موج، انقلاب اطلاعاتی که در چند دهه دیگر به کمال خواهد رسید[۳] او در این فصل، چشم‌اندازی را ترسیم می‌کند که در آن همه شهروندان بتوانند از تسهیلات ارتباطات از راه دور برای اظهارنظر و عقیده و رأی دادن به گونه‌ای استفاده کنند که وقفه ارتباطی به یک میلیونیم ثانیه کاهش یابد[۴] او حتی چنان پیش می‌رود که با استفاده از نظر دیگران چه بسا، تبادل اطلاعات علمی آموزشی و غیره را منوط به خواندن و نوشتن و حساب کردن نداند، وگرچه اظهار می‌دارد که این نظر، نظر متفق علیه نیست و کسانی دیگر هم هستند که همچنان به برتری سیستم نوشتاری معتقدند، اما بعید نیست که مهارت‌های سه‌گانه فوق (خواندن، نوشتن و حساب کردن) در برابر نفوذ و تأثیر کامپیوترهای ارزان، سریع و قابل اعتماد سر فرود آورند.

در فصل دوم، تحت عنوان «توانائیها و چشم‌اندازهای فنی» به سلطه کامپیوترها و ارتباطات از راه دور اشاراتی دارد. سرعت گسترش پایانه‌ها به قدری است که پیش‌بینی می‌شود در ایالات متحده از سه میلیون از سال ۱۹۷۹ به حدود یکصد میلیون در سال ۱۹۹۵ افزایش یابد و در سال ۲۰۰۰، هر یک از ساکنان ایالات متحده تخمیناً دو تلفن با دو پایانه خواهد داشت.[۵]

کامپیوترها چه از لحاظ حجم، و چه به لحاظ قیمت و چه به لحاظ فراوانی و سرعت عمل، آنچنان قابل توجه و مقرون به صرفه است که به قول «کوبیتز» می‌تواند به جای کتابها، مجله‌ها و تمامی مواد آموزشی از دستورالعمل سوار کردن اشیاء تا متون دانشگاهی به کار رود و کتابی را در مدت دو دهم ثانیه مطالعه کرده و به دستگاه ضبط خانگی بسپرد.[۶]

وی از قول «برنسکوب» چنین پیش‌بینی می‌کند که تکنولوژی رشته نوری، نسبت هزینه به عملکرد ارتباطات از راه دور را بیش از حد بهبود بخشد. هم‌اکنون رشته‌ای شیشه‌ای به قطر موی انسان می‌تواند پنجاه میلیون واحد اطلاعی را در ثانیه منتقل کند و با چنین میزانی، می‌توان متن کامل ۴۰/۰۰۰ کتاب را یک ساعته از واشنگتن به لوس‌آنجلس منتقل کرد. اشعه حیرت‌آور لیزر، گنجایش یکصد میلیون برابر فنون رشته نوری را دارد که یک مجرای نوری می‌تواند بجای ۴۰/۰۰۰ کتاب در ساعت محتوای یک میلیارد کتاب در ثانیه را منتقل کند.[۷]

در فصل سوم به پاره‌ای از کاربردهای فنی اشاره دارد و پست الکترونیکی و اداره بی‌کاغذ به عنوان دو پدیده از پیشرفتهای واژه‌پردازی مطرح می‌شود و اینکه فی‌المثل در خلال دهه آینده هشتاد درصد امور پستی ایالات متحده می‌تواند بصورت توزیع الکترونیکی درآید (ص ۵۱). ایجاد نظامهای ارسال دوربرد متن، نظامهای تلویزیونی میانکنشی، خطوط تلفنی دارای نوار باریک، خدمات اطلاع‌رسانی «کامپیوسرو» همه و همه از پیشرفت و توسعه ارتباطات الکترونیکی خبر می‌دهد. و در این زمینه آزمایشهای متعددی صورت گرفته و موفقیتهای چشمگیری نیز بدست آمده است. و سرانجام اینکه:

«پیچیدگی دم‌افزون و هزینه کمتر مدار یکپارچه و تکنولوژی کامپیوتری. از بُن و بنیاد زندگی ما را در بیست سال آینده دگرگون خواهد ساخت. ارزان درآمدن محاسبه و ذخیره، دستیابی همگان به کامپیوتر را در بخش تجارت، صنعت یا خانه آسان و به صرفه خواهد کرد. آنچه اکنون «ریزکامپیوتر» می‌خوانیم به قدرت کامپیوترهای بزرگ امروز خواهد رسید. لکن به بهایی کمتر از ۱۰۰۰ دلار به فروش خواهد رفت. بانک مرکزی داده‌ها در سطحی عظیم به منزله مخزنهای اطلاعات ساخته خواهد شد. پیوندهای ارتباطی رقمی بسیار سریع و یا به آسانی از طریق ارسال ماهواره‌ای در فضا و رشته‌های نوری در زمین امکان‌پذیر خواهد شد ارتباط رقمی از راه دستگاه تلفن یا تلویزیون کابل‌دار یا هر دو به خانه‌ها راه خواهد یافت. این امر برقراری تماس با بانکهای مرکزی داده‌ها به وسیله نظام کامپیوتر خانگی را میسر خواهد ساخت. دستگاه کامپیوتر خانگی دارای تلویزیون رنگی، برونداد صوتی، درونداد محدود صوتی، احتمالاً چاپ عکس، و صفحه نمایش حروف و علایم مسطح پیوسته‌ای خواهد بود. کتابخانه‌ها در مسیر تکاملی خود به سویی ره خواهند سپرد که درست به یکی از بانکهای داده‌های بی‌شمار بدل گردند. انباره گرده‌ای نوری* راه‌حلی برای مسأله انباشت مدارک به دست خواهد داد. استفاده‌کنندگان خواهند توانست از راه مرکز کامپیوتر خانگی به تورق مواد کتابخانه با افکندن نظری بر اجناس مغازه‌ها بپردازند. کتابها را می‌توان برگزید. محتوای آن را برای استفاده و ذخیره در محل به استفاده‌کننده مخابره کرد، آنگاه با بهره‌گیری از دستگاه نمایش کتاب به مطالعه پرداخت. به همین سان، امور بانکی و معامله‌ها و مذاکره‌های مالی می‌توان انجام داد. کم و بیش بر تمام وسایل خانه که کاری انجام می‌دهند با تدابیر الکترونیکی نظارت خواهد شد. روزنامه‌ها و انبوه مراسله‌های پستی از طریق

---

* Optical Disk Storage

نظام کامپیوتری واصل خواهد گردید. مجله‌ها با نظارت دستگاه کامپیوتر بر روی صفحه خواهند رسید یا بر روی صفحه‌ای خانگی منتقل و ضبط خواهد شد.[8]

در فصل بعد، تحت عنوان کامپیوتر و نشر، به تحولی عظیم که منجر به کنار گذاشتن کاغذ و استفاده از نوارهای مغناطیسی برای ثبت و ضبط اطلاعات است اشاره می‌کند که دیگر کتاب الکترونیکی، کتاب مرجع الکترونیکی، کتابخانه الکترونیکی قابل حمل جای مشابه‌های خود را در وضع فعلی خواهد گرفت. و پیش‌بینی می‌کند که مثلاً تا سال ۲۰۰۰ پنجاه درصد خدمات نمایه‌سازی/چکیده‌نویسی به شکل الکترونیکی در اختیار خواهد بود و یا ادواریهای موجود تا پس از سال ۲۰۰۰ به ۲۵٪ سطح کار تبدیل، بالغ نخواهد شود یا تا سال ۱۹۹۰، بیست و پنج درصد کتابهای مرجع موجود تنها به شکل الکترونیکی در دسترس خواهد بود و یا تا سال ۱۹۹۵، ۵۰ درصد گزارشهای فنی تازه منتشر شده تنها به شکل الکترونیکی در اختیار خواهد بود و ... (ص ۹۱ ـ ۹۰)

و سرانجام چنین نتیجه می‌گیرد که از آنجا که چنین پیشرفتهای گوناگونی، دسترسی به پایانه‌های پیوسته (درون خطی) را تا حد زیادی افزایش خواهد داد جامعه جهشی عظیم به سوی عصر ارتباطات بی‌کاغذ خواهد داشت. علاوه بر آن کنار نهادن کاغذ و گرایش به وسائل الکترونیک در درازمدت می‌تواند بر بهبود دسترسی به اطلاعات اثر بسیار مثبتی بگذارد. (ص ۱۰۸)

در فصل پنجم تحت عنوان «نظام ارتباطی بی‌کاغذ» چنین اظهار می‌دارد که در اثر پیشرفت تکنولوژی اطلاعات کار بدانجا خواهد رسید که دانشمند از طریق پایانه شخصی یا بسیاری از همکاران و همتایان خود ارتباط برقرار کند. چنین تماس و ارتباطی شامل پیامهای خصوصی (مکتوبها) و پیام به گروهها (همایشها) خواهد بود. و می‌تواند همزمان یا غیرهمزمان باشد (ص ۱۱۳) و یا دانشمند با پایانه خود به نوشتن گزارش می‌پردازد. از تسهیلات و پیرایش متن و قطع و قالب‌بندی ظریف و پیچیده سود می‌جوید و به ترسیم آزادانه موادی که بر این گزارش خود در دفترچه‌هایی یادداشت و دیگر پرونده و بایگانیها فراهم کرده است دست می‌یازد. پایانه او، احتمالاً دارای دو صفحه نمایش است. بر روی یکی، می‌تواند مواد ذخیره کرده را بیاورد. و بر دیگری گزارش را تنظیم و تدوین کند (ص ۱۱۳) و خلاصه دانشمند فرضی ما از پایانه خود برای مقاصد فراوانی سود می‌برد: از آن به منزله دفترچه یادداشت، دفترچه خاطرات و تقویم استفاده می‌کند که گزارشهای خود را بر روی آن تنظیم می‌کند به کمک آن گزارشها و مراسله‌های شخصی

را ارسال و دریافت می‌دارد. با همکاران و همتایان خود به تبادل نظر می‌پردازد. اعلانهای مربوط به اشاعه اطلاعات گزینشی را دریافت می‌دارد. (ص ۱۱۸) که همه اشاره به این دارد که در آینده‌ای نه چندان دور ما شاهد حرکتی حتمی برای گرایش به سوی ارتباط انسانی بی‌کاغذ خواهیم بود (ص، ۱۱۹) نویسنده در این فصل به بعد آنچه را که مربوط به وظیفه کتابداران و نقش و یا عدم نقش کتابخانه‌ها در عصر الکترونیک خواهد بود می‌پردازد. به عبارت دیگر، تا اینجا مقدمات لازمی بود جهت یقین آنچه که می‌خواهد در رابطه با نقش کتابداران و وظیفه آنان بیان دارد.

عنوان فصل ششم «کتابخانه و تکنولوژی» است. که در آن از اثرات ارتباط الکترونیکی بر کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و وظیفه حساسی که کتابداران در این زمینه می‌توانند داشته باشند سخن می‌گوید. و چنین اظهار می‌دارد که کتابخانه‌ها به عنوان میانجی، پل و پیوندی بین اطلاعات و جامعه مصرف‌کننده‌اند و کار سازماندهی و نظارت خود را از طریق خرید متون و آثار دست دوم و یا با تهیه ابزارهایی برای آسان‌سازی دسترسی به مواد انجام می‌دهند. (ص ۱۳۰) اشاعه اطلاعات گزیده، خدمت ارجاعی یا خدمت رایزنی به خوانندگان از دیگر فعالیت‌های کتابخانه‌هاست (ص، ۳۴) اما در واقع کتابخانه به صورت آنچه امروز هست ممکن است وجود نداشته باشد و کتابخانه می‌تواند اتاقی باشد با چند پایانه. به علاوه مخزن که بایگانی پیشینه‌های چاپی گذشته و مؤسسه‌هایی که به طور عمده برای امانت دادن مواد خواندنی الهامی تفنّنی طراحی شده‌اند. (ص، ۱۴۴)

در فصل ۷ با عنوان «کنار رفتن چاپ بر کاغذ» با ذکر آمار، میزان گرایش و دلبستگی کتابخانه‌ها را به دریافت منابع غیرچاپی نشان می‌دهد که در بین آنها کتابخانه‌های اختصاصی و دانشگاهی درصد بیشتری را نشان می‌دهد و نیز با ذکر آمار مدلّل می‌سازد که به همین دلیل تعدادی از کتابخانه‌ها اشتراک خود را به جهت دریافت بعضی از نمایه‌نامه‌های چاپی فسخ کرده‌اند، آنگاه در پایان این فصل چنین نتیجه می‌گیرد که «در حال حاضر شمار فزاینده‌ای از کتابخانه‌ها سیاستهای اشتراک مواد چاپی در برابر مواد موجود به طریق پیوسته را مورد تردید قرار می‌دهند و احتمال دارد فسخ اشتراکها در آینده با گامهای شتابانتر روی دهد و مسیر انجام فرایند تبدیل چاپ به شیوه‌های الکترونیک با پیاده شدن خط مشیهای جستجو به منظور کاهش نیاز به واسطه‌ها تا دسترسی روزافزون به پایانه‌ها به منظور تدارک دستیابی آسان به خدمات پیوسته و تغییر نگرشهای کتابداران در باب نسبت بودجه‌هایی که باید به امر ارائه مواد چاپی بر

کاغذ در برابر مواد قابل دسترسی بطریق پیوسته تخصیص یابد تسریع خواهد شد.

در فصل ۸ به برخی از پیش‌بینی‌ها در مورد آینده کتابخانه‌ها می‌پردازد و سرانجام در فصل ۹ به فروپاشی کتابخانه‌ها تصریح می‌کند و با جسارت تمام از قول کلایمن چنین نقل می‌کند «کتابخانه آینده فهرست برگه‌ای نخواهد داشت. به احتمال فراوان، حتی کتاب هم نخواهد داشت. در واقع احتمال دارد دیگر به هیچ روی کتابخانه به منزله محلی معین در بنایی مجزا یا در پردیس کالج ... وجود نداشته باشد.

و در این فصل چنین نتیجه می‌گیرد که احتمال دارد کتابخانه در دو دهه دیگر بطور کامل از صفحه روزگار محو می‌شود آنچه باقی می‌ماند چند مؤسسه‌ای است که سوابق چاپی گذشته را حفظ خواهند کرد. آنها به تقاضاها به همان شیوه‌ای پاسخ خواهند داد که این روزها یک شرکت از طریق سفارش پستی کالا تحویل می‌دهد و به دیگر سخن، آنها آرشیوهای ایستا و مستقل خواهند بود، و نه خدمات اطلاع‌رسانی فعّال و پویا، اما بلافاصله هشدار می‌دهد که اگرچه ممکن است کتابخانه از بین رفته باشد اما کتابدار با توجه به نقش فزاینده‌ای که می‌تواند در زمینه خدمات اطلاع‌رسانی داشته باشد همچنان باقی خواهد ماند.

در فصل ۱۰ اظهار می‌دارد که در برابر تحول سریع تکنولوژی اطلاعات بعید به نظر می‌رسد که کتابخانه به عنوان نهادی بتواند پایداری کند. کتابخانه‌هایی می‌توانند به بقای خود ادامه دهند که خواستار تلاش و پویایی باشند و بخواهند با واقعیات خود را تطبیق دهند و بنا به قولی چنین اظهار می‌کند که این انقلاب بنا ندارد منتظر کتابخانه‌ها شود حتی در انتظار ناشران هم نمی‌ماند و این ناشران‌اند که باید برای همپایی با آن بر سرعت خود بیفزایند. (ص، ۲۰۰) و در این گیرودار، یک کتابدار اگرچه در مورد گزینش و فراهم‌آوری مدارک یا سازماندهی و نظارت ممکن است نقش کمتری داشته باشد، اما در زمینه تدارک خدمات گوناگون در دنیایی مملو از اطلاعات می‌تواند نقش عمده‌ای داشته باشد او از قول «کوچن» چنین نقل می‌کند:

احتمالاً این شخص حرفه‌ای و اطلاع‌رسان متخصص بعنوان یک رابط و آسان‌ساز و فردی برجسته در یک شبکه استخدام می‌شود. شبکه‌ای که در آن فراهم‌آورندگان خدمت و مشتریان آنها برای برآمدن از پس کارهای پیچیده»، با تلاشی جمعی در کار مهار و نظارت امور سهیمند. این کار پیشه‌ای پرمسئولیت است که از این حرفه معیارهای پذیرش و تربیت و کارآموزی بالایی می‌طلبد. در آخرین فصل که هم عنوانش نتیجه است و هم در واقع نتیجه مباحث کتاب طرح می‌شود و در واقع دو طرح را مطرح می‌کند: یکی شبکه الکترونیکی بزرگتر از ارتباطات

میان‌فردی و میان‌گروهی و دوم فروپاشی تدریجی کتابخانه‌ها. و اگرچه طرحها بر مبنای تأویل شخصی است ولی معتقد است از مقوله پیش‌بینی‌هایی که نشانه‌هایی از وقوع ندارند نیست بلکه در دهه گذشته بسیاری از فعالیتهای مطروحه در این کتاب به نوعی در حال انجام بوده، اگرچه در یک نظام گردآوری نشده‌اند. و در این بخش به تفصیل به طرح‌های بدیل و پیش‌فرضهای لازم برای ارائه طرح کامل عنایت و توجه لازم مبذول می‌دارد و جنبه‌های اقتصادی قضیه را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

او در این بخش به مشکلات هم توجه دارد از جمله معتقد است مسأله ریز ورقه‌ها (میکروفرمها) را نادیده گرفته و برای حفظ و نگهداری آن تدبیری نشده است (ص، ۲۵۲) و قطع و یا کمبود برق را برای اداره یک چنین سیستم وسیع و فراگیر اگر قرار باشد در همه شؤون زندگی وجود داشته باشد به عنوان یک مشکل اساسی باید نگریست (ص، ۲۵۲) آیا نیروی کافی برای تولید انرژی، خود تهدیدی برای اداره یک چنین نظامی نیست به علاوه مشکلات خاص اجتماعی و سیاسی نیز از جمله مشکلاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته مهم دیگری که به عنوان مشکل می‌توان جلوه‌گر شود پدیدار شدن گروهی به نام نخبگان اطلاعات است که همه چیز را در انحصار خود خواهد گرفت. وی با آنکه بعضاً از این مسأله دفاع می‌کند که به طور طبیعی همیشه پیشرفتها علمی و تکنولوژیکی در اختیار گروه خاص بوده و سپس فراگیر و گسترده شده است ولی در اینجا با پدیدآمدن کالج‌های نامرئی حلقه نخبگان می‌تواند تنگ‌تر و تنگ‌تر شود و اگر عوامل سیاسی ـ اجتماعی هم در این امر دخالت کند وضع را بیش از پیش وخیم خواهد کرد. (ص، ۲۶۱)

آنچه در بالا ملاحظه شد خلاصه‌ای از کتاب «کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر الکترونیک» بود اینک مطالبی که پیرامون این کتاب به نظر می‌رسد تقدیم خوانندگان محترم می‌شود:

۱. شک نیست که سرعت پیشرفت تکنولوژی بخصوص در زمینه اطلاعات به زودی تحولی شگرف در تمام شؤون زندگی انسان ایجاد می‌کند، و این امری اجتناب‌ناپذیر است. آنچه مهم است انطباق با چنین شرایط ویژه پیشرفت تکنولوژیکی و اطلاعاتی است.

۲. کتابخانه‌ها به عنوان ابزاری در خدمت علم و تکنولوژی و معارف بشری همواره باید خود را پابپای چنین ترقیاتی بکشانند والا محکوم به زوال و فنا هستند و یا به صورت گنجینه‌های مرده و راکد باقی خواهند ماند. علاوه حجم دست و پاگیر مواد چاپی آنچنان مشکلات عمده‌ای را برای کتابخانه‌ها و کتابداران فراهم می‌آورد که ناگزیر باید فکری برای آنها کرد. پدیده‌های سمعی

و بصری و درآمدن کتاب‌ها و مجلات به صورت میکروفیلم و میکروفیش بخشی از این تلاش و کوشش است.

۳. کتابخانه‌های تخصصی و فنی بیش از سایر کتابخانه‌ها علاقمند و دلبسته به توسعه ارتباطات و اطلاعات هستند. سرعت مورد لزوم در مسائل فنی و علمی ایجاب می‌کند که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعات و اسناد، بخشهای صنعتی و تولیدی و تجاری بیش از سایر کتابخانه‌ها به خدمات الکترونیکی توجه نمایند. طبیعی است هزینه این مراکز هر اندازه هم زیاد باشد بخاطر مسأله عرضه و تقاضا قابل قبول است. به علاوه در بسیاری از کشورها بخش صنعت و تکنولوژی، در انحصار دولت‌ها نیست و بخش خصوصی با امکان سرمایه‌گذاری بیشتر برای تحصیل سود زیادتر در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کند. اما آیا برای دولت‌ها آن هم برای همه کتابخانه‌های دولتی، اعم از عمومی، دانشگاهی، و ملی امکان سرمایه‌گذاری هست یا خیر؟ این خود قابل تأمل است.

۴. آنچه بدیهی است توسعه تکنولوژی و صنعت اطلاعات از کشورهای پیشرفته شروع شده و به عنوان صدور تکنولوژی و اطلاعات به کشورهای عقب‌مانده و یا بهتر است گفته شود «عقب نگهداشته شده» داده می‌شود. ولی آیا براستی در یک بررسی همه‌جانبه و کلی کشورهای ثروتمند و غنی، بخاطر انسان‌دوستی، بشریت و نوع‌خواهی حاضرند اطلاعات را به کشورهای عقب‌نگهداشته شده صادر کنند؟ آنچه بطور قطع مشخص است کشورهای پیشرفته صنعتی، هرگز چشم طمع از کشورهای عقب‌نگهداشته شده به ویژه آنهاییکه دارای امکانات و ثروتهای خدادداده هستند نمی‌پوشند و اگر خدماتی هم انجام دهند برای تحصیل سود بیشتر برای خویش است.

۵. و در این شرائط حساس و در عالم وابستگی تکنولوژیکی و صنعتی و به ویژه اطلاعاتی نقش کشورهای در حال توسعه و یا عقب نگهداشته شده چیست در اینکه انسان از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی مطلع و افق دید او وسیع و وسیعتر باشد و می‌تواند خود را برای شرائطی بهتر و عالیتر آماده کنند، امری بسیار مطلوب و مستحسن است، اما اگر درایت و تدبیر کافی وجود داشته باشد و مسأله وابستگی و نیاز بصورت علمی و اصولی در مدنظر قرار گیرد، نباید به گونه‌ای برخورد کند که با دیدن آثار محیرالعقول پیشرفت‌های علمی و اطلاعاتی دست از همه چیز بشوید و خود را فراموش کند. همچنانکه نمونه‌هایی این خودباختگی فراوان وجود دارد.

۶. به نظر می‌رسد در یک نظام مدیریتی صحیح، ضمن تقدیر و تصدیق پیشرفت‌های شگرف

اطلاعاتی و علمی و توجه به آن در برنامه‌ریزی‌های کلی و اجتماعی، باید به گونه‌ای حرکت کرد که بقول معروف مصداق «از آنجا مانده و از اینجا رانده» نبود. چه بسا در صنعت و تکنولوژی، چشمهای خیره شده عاشقان علم و صنعت، خود را می‌بازند و به دریوزگی علم و اطلاعات می‌پردازند و اما از آنجا هم چیزی دستگیرشان نمی‌شود یعنی آنها اطلاعات و داده‌های علمی را نه تنها به کشورهای عقب نگهداشته شده نمی‌دهند که از آنها دریغ هم می‌دارند. توجه به شرایط سیاسی ـ اجتماعی جهان و انگیزه‌های استعماری دول استعمارگر که در ابعاد علمی ـ صنعتی اطلاعاتی جلوه می‌کند و حفظ انگیزه اصالت انسان و مظلومیت کشورهای عقب نگهداشته شده و ضرورت تلاش جهت اخذ آنچه بدان نیاز هست بهرطریق ممکن جهت رشد و توسعه راهگشا باشد.

۷. ضمن اینکه این سؤال همچنان مطرح است که علاوه بر خطراتی که مؤلف محترم در رابطه با صنعت اطلاعات و پایانه‌های الکترونیکی و حذف کتابخانه‌های چاپی و کاغذی ذکر کرده که ممکن است جامعه را تهدید کند این نکته هم قابل توجه است که آیا عصر جهان ارتباطات الکترونیکی نیز بسرعت برق به سر نخواهد آمد؟ و آیا خطراتی، در سایه تشعشعات و یا عوامل ناپیدای دیگری که در سایه جریانهای الکترونیکی به وجود می‌آید، زندگی بشر را تهدید نخواهد کرد و آیا مواد اولیه برای تهیه پایانه‌های الکترونیکی همچنان به وفور در دسترس خواهد بود، آیا خود این مواد را آفت‌های دیگری تهدید نخواهد کرد؟

۸. باید توجه داشت که گرچه موضوع کتابخانه‌های بی‌کتاب برای امثال کشور ما، هنوز به عنوان یک واقعیت جدی نمی‌تواند مطرح باشد اما در صورت ایجاد شرایط و یا تحمیل ضرورت‌ها، تصمیم‌گیری‌های کلی و مملکتی و نیز تجاری باید بصورت معقول و حساب شده باشد. از یک طرف باید مزایای تبدیل کتابخانه‌ها به ویژه مراکز اطلاعات و اسناد را به پایانه‌های الکترونیکی در نظر گرفت از طرف دیگر، وابستگی‌های شدید به خارج و عدم استفاده واقعی از اطلاعات ـ البته اگر اطلاعات دقیق و حساب شده و دست اول و درست باشند ـ و از طرف سوم پراکندگی تصمیم‌گیری و دوباره‌کاری و چندباره‌کاری که مزید بر همه علت‌هاست، باید مورد توجه قرار گیرد هم‌اکنون در بسیاری از کتابخانه‌ها بخش دیداری و شنیداری آن بخاطر کمبود قطعات و یا نبود متخصص و تعمیرکار، کارآیی لازم را ندارد.

۹. در این زمینه مدیریت کتابداری و آموزشهای لازم در این رابطه باید حساب شده و دقیق باشد. هم به تحول و تغییر سیستمهای اطلاعاتی جهان عنایت و توجه باشد و هم نیاز واقعی جامعه در

نظر گرفته شود، و با توجه‌های لازم جهت ایجاد رغبت مطالعاتی به عمل آید و هم با دگرگون کردن سیستم کتابخانه‌ها و عدم دسترسی کامل به کتابخانه‌های فوق مدرن الکترونیکی چه بسا خطائی بزرگ را می‌توان مرتکب شد ملاحظه می‌شود که باید با پدیدآمدن کتابداری نوین و روشهای مختلف فهرست‌نویسی و رده‌بندی هنوز بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ ما، این روشها را نپذیرفته‌اند و جاهائی هم که پذیرفته‌اند امکان سازمان‌دهی مطلوب برای آنان وجود ندارد. از طرفی در پاره‌ای از کتابخانه‌ها مسأله کامپیوتری کردن کتابخانه و یا مرکز اطلاعات به سرعت در حال انجام است بدون اینکه ارزیابی فنی اقتصادی، هماهنگی و یا مدیریت صحیح و جامعی در این زمینه صورت گرفته باشد.

۱۰. به نظر می‌رسد همانطور که کتابخانه‌ها در طول تاریخ بر حسب نیاز و ضرورت‌های زندگی بشری متحول شده‌اند باید از نظر عرضی در یک عصر و زمان نیز چنین تحولی صورت پذیرد بدین معنی که ما وقتی از کتابخانه‌های کوچک مساجد، آموزشگاه و یا عمومی شروع می‌کنیم الزاماً نباید چه از نظر سازمان‌دهی و یا از نظر اطلاع‌رسانی به آخرین شیوه‌های انتقال علمی اطلاعاتی تجهیزشان کنیم، زیرا که بخاطر عدم مراجعه و نیاز چنین ضرورتی وجود ندارد. اما وقتی کتابخانه بزرگ و بزرگتر می‌شود. مثلاً تبدیل به یک کتابخانه دانشگاهی بزرگ و مؤسسه تحقیقاتی برجسته می‌شود از امکانات پیشرفته برحسب نیاز استفاده کند. در اینجا وظیفه بزرگان و برنامه‌ریزان علوم کتابداری و دانش اطلاع‌رسانی است که سیستم‌ها و روشهای سازمان‌دهی را به گونه‌ای عرضه کنند که اگر کتابخانه کوچکی بخاطر نیاز رفته رفته بزرگ و بزرگتر شد و نیازمند استفاده از سیستم‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری گردید به سرعت و سهولت قابل تبدیل باشد. و این کار مستلزم بهم‌ریختگی و از هم‌پاشیدگی مواد و مدارک نباشد. اگر چنین شود سیر تکاملی تبدیل کتابخانه‌های کوچک و با روشهای ساده به کتابخانه‌های بزرگ با روشهای اطلاع‌رسانی پیشرفته پیوسته‌تر و امکان ارتباط آنان با یکدیگر بیشتر و ضرورتها و نیازها شناخته شده‌تر خواهد بود.

۱۱. و سرانجام نقش انسانی انسان، هرگز نباید فراموش شود، کتابدار به عنوان یک راهنما، یک مشاور، یک یاری‌دهنده در تصمیم‌گیری همچنان محفوظ است. اگر عالیترین وسائل الکترونیکی داده‌های اطلاعاتی را بتوانند در اسرع وقت در اختیار ما بگذارند باز این انسان است که باید انتخاب کند اوست که باید بر اساس نیاز خود از درون مجموعه وسیع اطلاعات خام را انتخاب کند و کتابدار همانگونه که مؤلف محترم بدان اشاره دارد همچنان نقش واقعی خود را

خواهد داشت و روزبروز بر ارزش او افزوده خواهد شد.

۱۲. کوشش مترجم محترم در ترجمه روان این کتاب براستی قابل تقدیر است. وی به خوبی و گیرایی، این کتاب فنی را ترجمه نموده و اصطلاحات بهینه فارسی را به کار گرفته است. اگرچه در پاره‌ای از موارد به نظر می‌رسد بهتر بود معادلهای مناسب‌تری انتخاب می‌نمود. مثلاً به جای اغلب از معادل بیشترینه استفاده شد که غریب به نظر می‌رسد در حالیکه از واژه کامپیوتر به وفور استفاده شده که شاید حق هم همین باشد معادل فارسی رایانه آنهم کم و بیش مورد استفاده قرار می‌گیرد. یا مثلاً در ص ۳۹ disc به صفحه ترجمه شده در عبارت صفحه‌ای ویدئو در حالیکه در عبارت (Optical disk storage) به گرده‌ای ترجمه شده است و یا Version به تحریر و amateur به دوستکار .... اغلاط چاپی هم به ندرت یافت می‌شود که از آن جمله است در صفحه ۶۰ که ارسال چاپ عکسی که «ارسال چاپ کسی» چاپ شده است در ضمن در بخش فهرست مندرجات، ذکر شده که کتاب کتابنامه دارد در حالیکه کتابنامه ندارد و ظاهراً مقصود نمایه‌نامه بوده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - ص ۲۸.
۲ - ص ۲۸.
۳ - ص ۲۸.
۴ - ص ۳۳.
۵ - ص ۳۶.
۶ - ص ۴۱.
۷ - ص ۴۴.
۸ - ص ۸.

فهرست‌های راهنما

نمایه نام شهرها

آ

الف

ب

هـ

ی

نمایه نام کتابها

آ

الف

ب

پ

ض

ط

ع

غ

ف

ق

ک

نمایه نام مکانها و سازمانها

ش

ف

ک

نمایه نام نویسندگان

ب

چ

ح

خ

د

ن

و

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر کرده است:

نام کتاب	قیمت (تک جلدی) ـ ریال
۱ ـ صحیفه نور، ج ۱	۴۵۰/ شمیز ـ ۸۰۰/ زرکوب
۲ ـ صحیفه نور، مجلدات ۲ ـ ۱۸	۲۸۰/ شمیز ـ ۴۵۰/ زرکوب
۳ ـ صحیفه نور، ج ۱۹	۴۰۰/ شمیز ـ ۷۰۰/ زرکوب
۴ ـ صحیفه نور، مجلدات ۲۰ و ۲۱	۸۰۰/ شمیز ـ ۱۶۰۰/ زرکوب
۵ ـ صحیفه نور، ج ۲۲	۲۵۰۰/ زرکوب
۶ ـ صحیفه نور، (تجدید چاپ) مجلدات ۱ ـ ۷	۳۵۰۰/ زرکوب
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۷ ـ بهار ۱۳۶۱	۴۰۰
۸ ـ تابستان ۱۳۶۱	۳۶۰
۹ ـ پاییز ۱۳۶۱	۵۰۰
۱۰ ـ زمستان ۱۳۶۱	۵۵۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۱۱ ـ بهار ۱۳۶۲	۳۶۰
۱۲ ـ تابستان ۱۳۶۲	۳۶۰
۱۳ ـ پاییز ۱۳۶۲	۴۲۰
۱۴ ـ زمستان ۱۳۶۲	۴۶۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۱۵ ـ بهار ۱۳۶۳	۵۲۰
۱۶ ـ تابستان ۱۳۶۳	۵۲۰
۱۷ ـ پاییز ۱۳۶۳	۵۲۰
۱۸ ـ زمستان ۱۳۶۳	۵۲۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۱۹ ـ بهار ۱۳۶۴	۹۵۰
۲۰ ـ تابستان ۱۳۶۴	۹۵۰
۲۱ ـ پاییز ۱۳۶۴	۱۰۰۰
۲۲ ـ زمستان ۱۳۶۴	۱۲۰۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۲۳ ـ بهار ۱۳۶۵	۱۲۰۰
۲۴ ـ تابستان ۱۳۶۵	۱۲۰۰

نام کتاب	قیمت (تک جلدی) ـ ریال
۲۵ ـ پاییز ۱۳۶۵	۱۲۰۰
۲۶ ـ زمستان ۱۳۶۵	۱۲۰۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۲۷ ـ بهار ۱۳۶۶	۱۵۰۰
۲۸ ـ تابستان ۱۳۶۶	۱۵۰۰
۲۹ ـ پاییز ۱۳۶۶	۱۵۰۰
۳۰ ـ زمستان ۱۳۶۶	۱۵۰۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۳۱ ـ بهار ۱۳۶۷	۱۵۰۰
۳۲ ـ تابستان ۱۳۶۷	۱۵۰۰
۳۳ ـ پاییز ۱۳۶۷	۳۰۰۰
۳۴ ـ زمستان ۱۳۶۷	۴۵۰۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۳۵ ـ بهار ۱۳۶۸	۴۵۰۰
۳۶ ـ تابستان ۱۳۶۸	۴۵۰۰
۳۷ ـ پاییز ۱۳۶۸	۴۵۰۰
۳۸ ـ زمستان ۱۳۶۸	۳۰۰۰
فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۳۹ ـ بهار ۱۳۶۹	۳۰۰۰
۴۰ ـ تابستان ۱۳۶۹	۴۵۰۰
۴۱ ـ پاییز ۱۳۶۹	۳۰۰۰
۴۲ ـ زمستان ۱۳۶۹	۳۰۰۰
فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۴۳ ـ بهار ۱۳۷۰	۳۰۰۰
۴۴ ـ تابستان ۱۳۷۰	۳۰۰۰
۴۵ ـ پاییز ۱۳۷۰	۳۰۰۰
۴۶ ـ زمستان ۱۳۷۰	۳۰۰۰
۴۷ ـ فرزند ملت در آیینه انقلاب اسلامی (مجموعه سخنرانی‌های شهید رجایی)	جلد۱/۳۰۰، جلد۲/۳۲۰
۴۸ ـ فروغ اندیشه (مجموعه سخنرانی‌ها، مصاحبه ها و برنامهٔ دولت شهید باهنر)	جلد ۱/۲۴۰، جلد ۲/۲۲۰

نام کتاب	قیمت (تک جلدی) ـ ریال
۴۹ ـ غروب آفتاب در محراب جمعه (مجموعه خطبه های نمازجمعه شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی)	جلد ۱/ ۴۵۰،جلد ۲/ ۵۰۰
۵۰ ـ مجموعه اطلاعیه های سومین شهید محراب حضرت آیت الله صدوقی	۴۵۰
۵۱ ـ فهرست روزنامه های موجود در کتابخانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی	۵۰۰
۵۲ ـ فهرست نشریات موجود در کتابخانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی	۲۰۰
در مکتب جمعه :	
۵۳ ـ ج ۱	۶۰۰
۵۴ ـ ج ۲	۸۰۰
۵۵ ـ ج ۳	۱۱۰۰
۵۶ ـ ج ۴	۱۲۰۰
۵۷ ـ ج ۵	۱۷۵۰
۵۸ ـ ج ۶	۲۳۰۰
۵۹ ـ ج ۷	۲۰۰۰
۶۰ ـ پیام (مجموعه پیام های حضرت آیت الله خامنه ای)	۳۲۰
مجموعه مصاحبه های حضرت آیت الله خامنه ای:	
۶۱ ـ سال ۱۳۶۰	۵۰۰
۶۲ ـ سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲	۴۰۰
۶۳ ـ سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴	۱۲۰۰
۶۴ ـ سال ۱۳۶۵	۵۰۰
۶۵ ـ سال ۱۳۶۶	۱۶۰۰
۶۶ ـ مصاحبه‌های حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی درسال ۱۳۶۲	۱۲۵۰
۶۷ ـ سیمای نـور	۵۰۰۰
۶۸ ـ آیین نگارش	۵۰۰
۶۹ ـ راهنمای تدوین کتابشناسی	۳۵۰
۷۰ ـ مکاتبات شهید رجایی با بنی صدر	۲۰۰
۷۱ ـ نگاهی به زندگی رهبر همیشه جاویدان	۳۰۰
فهرست مقالات جنگ تحمیلی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۷۲ ـ مجلدات ۱ ـ ۳	۵۰۰
۷۳ ـ ج ۴	۱۲۰۰

نام کتاب		قیمت (تک جلدی) - ریال
۷۴ -	ج ۵	۱۰۰۰
	فهرست موضوعی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی :	
۷۵ -	مجلدات ۱ و ۲	۱۸۰۰
۷۶ -	ج ۳	۲۵۰۰
۷۷ -	ج ۴	۵۰۰۰
۷۸ -	ج ۵	۵۰۰۰
۷۹ -	گنجینه قرآن (فهرست قرآن های خطی موجود در مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان)	۱۲۰۰
۸۰ -	فهرست کتب چاپ سنگی موجود در کتابخانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی	۱۰۰۰
	پژوهش های نوین اطلاع رسانی:	
۸۱ -	مقالاتی در بارهٔ کتابداری - ایفلا ۱۹۹۰	جلد ۷۰۰/۱
۸۲ -	مقالاتی در بارهٔ کتابداری - ایفلا ۱۹۹۲	جلد ۵۰۰/۲
۸۳ -	پژوهش های نوین اطلاع رسانی ج ۱ و ۲ (چاپ دوم)	۱۸۰۰
۸۴ -	فهرست موضوعی نسخه های خطی - عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، ج ۱	۹۰۰۰
۸۵ -	مجموعه مقالات اولین سمینار کاربردی مراکز و سازمان های پژوهش فرهنگی و اطلاع رسانی	۱۸۰۰
۸۶ -	فهرست مقالات مطبوعات پیرامون شعر در نخستین دههٔ انقلاب اسلامی ایران	۲۰۰۰
۸۷ -	گسترش ارزش های اسلامی در ایالات متحدهٔ آمریکا	۱۵۰۰
۸۸ -	چگونه فهرست‌نویسی کنیم(راهنمای فهرست‌نویسی برای کمک به کتابداران)	۱۲۰۰
۸۹ -	چگونه فهرست‌نویسی کنیم(راهنمای فهرست‌نویسی برای کمک به کتابداران) (چاپ دوم)	۲۵۰۰
۹۰ -	نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی؛ بخش اول، شعر - جلد اول	۴۹۵۰
	فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران:	
۹۱ -	بهار ۱۳۷۱	۳۰۰۰
۹۲ -	تیر ۱۳۷۱	۱۵۰۰
۹۳ -	مرداد ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۹۴ -	شهریور ۱۳۷۱	۲۰۰۰

نام کتاب	قیمت (تک جلدی) ـ ریال
۹۵ـ مهر ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۹۶ـ آبان ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۹۷ـ آذر ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۹۸ـ دی ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۹۹ـ بهمن ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۱۰۰ـ اسفند ۱۳۷۱	۲۰۰۰
۱۰۱ـ فروردین ۱۳۷۲	۲۰۰۰
۱۰۲ـ اردیبهشت ۱۳۷۲	۲۰۰۰
۱۰۳ـ خرداد ۱۳۷۲	۲۰۰۰
۱۰۴ـ تیر ۱۳۷۲	۲۵۰۰
۱۰۵ـ مرداد ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۰۶ـ شهریور ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۰۷ـ مهر ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۰۸ـ آبان ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۰۹ـ آذر ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۱۰ـ دی ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۱۱ـ بهمن ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۱۲ـ اسفند ۱۳۷۲	۳۰۰۰
۱۱۳ـ فروردین ۱۳۷۳	۳۰۰۰
۱۱۴ـ اردیبهشت ۱۳۷۳	۳۰۰۰
۱۱۵ـ خرداد ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۱۶ـ تیر ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۱۷ـ مرداد ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۱۸ـ شهریور ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۱۹ـ مهر ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۲۰ـ آبان ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۲۱ـ آذر ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۲۲ـ دی ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۲۳ـ بهمن ۱۳۷۳	۵۰۰۰
۱۲۴ـ اسفند ۱۳۷۳	۳۰۰۰
۱۲۵ـ فروردین ۱۳۷۴	۵۰۰۰

نام کتاب	قیمت (تک جلدی) ـ ریال
۱۲۶ ـ اردیبهشت ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۲۷ ـ خرداد ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۲۸ ـ تیر ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۲۹ ـ مرداد ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۰ ـ شهریور ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۱ ـ مهر ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۲ ـ آبان ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۳ ـ آذر ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۴ ـ دی ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۵ ـ بهمن ۱۳۷۴	۵۰۰۰
۱۳۶ ـ فروردین ۱۳۷۵	۵۰۰۰
۱۳۷ ـ اردیبهشت ۱۳۷۵	۵۰۰۰
۱۳۸ ـ خرداد ۱۳۷۵	۵۰۰۰
۱۳۹ ـ واقعه کشف حجاب (اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان)	۲۵۰۰
۱۴۰ ـ واقعه کشف حجاب (اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان) (چاپ دوم)	۴۵۰۰
۱۴۱ ـ چگونه پژوهش کنیم (چاپ اول)	۱۵۰۰
۱۴۲ ـ چگونه پژوهش کنیم (چاپ دوم)	۵۰۰۰
۱۴۳ ـ سازمان کتابخانه	۴۵۰۰
۱۴۴ ـ فرهنگ و تهاجم فرهنگی (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله العالی»).	۵۰۰۰/ شمیز ـ ۷۵۰۰/ گالینگور
۱۴۵ ـ صحیفه‌نور (تجدید چاپ)، جلد ۸	۴۹۵۰ گالینگور
۱۴۶ ـ محو جمال دوست (دیداری دوباره با شهدای روحانی زرند کرمان)	۱۰۰۰۰
۱۴۷ ـ پژوهشی در شیوه‌های ادبی آثار امام خمینی (ره)	۵۰۰۰
۱۴۸ ـ پژوهش های نوین اطلاع رسانی، جلد ۳	۱۸۰۰
۱۴۹ ـ اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)، ۱ جلد	۱۵۰۰۰
۱۵۰ ـ فهرست نسخه های خطی ـ فارسی انستیتوی ملل آسیایی فرهنگستان علوم روسیه	
۱۵۱ ـ نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی	۶۰۰۰/شمیز

نام کتاب	قیمت (تک جلدی) ـ ریال
۱۵۲ ـ نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی	۵۰۰۰
۱۵۳ ـ راهنمای نرم‌افزار چندرسانه‌ای صحیفه‌نور	۳۵۰۰
۱۵۴ ـ فهرست نسخه های فارسی موجود درکتابخانه عمومی دولتی سالتیکوف ـ شدرین	
۱۵۵ ـ مجموعه نسخه‌های خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان (مجلدات ۶ ـ ۱)	
۱۵۶ ـ حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، جلد ۱، از ارتحال تا اربعین امام خمینی(ره)	۷۵۰۰/شمیز
۱۵۷ ـ حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، مجلدات ۲ و ۳	۷۵۰۰/شمیز
۱۵۸ ـ انستیتوی نسخه‌های خطی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان (فهرست نسخه‌های خطی فارسی)	
۱۵۹ ـ فهرست موضوعی نسخه های خطی ـ عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، جلد ۳	

آنچه منتشر خواهد کرد:

۱ ـ فهرست موضوعی نسخه های خطی ـ عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲

۲ ـ صحیفه‌نور (چاپ دوم)، جلد ۹

۳ ـ فهرست موضوعی نسخه‌های خطی ـ عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران به زبان عربی، جلد ۱

۴ ـ فهرست مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلد ۶

۵ ـ فهرست نسخه های خطی شرقی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان (مجلدات ۷، ۹)

۶ ـ انقلاب، مطبوعات، ارزشها

۷ ـ کتاب و کتابخانه (مجموعه مقالات)

۸ ـ خطبه‌های نمازجمعه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مجلدات ۱ ـ ۴

Management & Cultural Development In Connection With Books and Libraries

(Collected papers)

by

Gh. Fadaie Araghi

Tehran

Sazeman - e Madarek - e _ Farhangi

Englab - e Eslami

1370 = 1996

Books and Libraries

Management & Cultural Development

(Collected papers)

Gh. Fadaie Araghi
IReCDO



سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت : ۱۲۰۰۰ ریال